

کتاب آبی

گزارش‌های محترمانه
وزارت امور خارجه انگلیس
درباره انقلاب مشروطه ایران

جلد دوم

از تاریخ ۳۰ نوامبر ۹۹۰۸ تا ۱۰ مه ۹۹۰۹

بکوشش احمد بشیری

کتاب آبی

گزارش‌های مهر ماهه وزارت امور خارجه انگلیس
درباره انقلاب مشروطه ایران

به کوشش و ویراستاری
احمد بشیری

جلد دوم

از تاریخ ۳۰ نوامبر ۱۹۰۸ تا ۱۹۰۹
[۸] آذر ۱۲۸۷ تا ۳۰ آردیبهشت ۱۲۸۸
۵ ذی قعده ۱۳۲۶ تا ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷

نشر نو
تهران، ۱۳۶۲

چاپ اول: دی ۱۳۶۲

تعداد: ۵۵۰۰ جلد

حق چاپ محفوظ است.

www.adabestanekeave.com

حروفچینی و چاپ و صحافی این کتاب در
شرکت افست (سهامی عام) انجام شد.

درخواست از خوانندگان کتاب

در این کتاب گزارش رویدادهای گوناگون پکی از پرآشوبترین و آموزنده‌ترین دوران‌های تاریخ میهن ما یعنی چگونگی پا گرفتن و پیروز شدن جنبش مشروطه‌خواهی در ایران را می‌خوانید.

چنانکه در پیش‌گفتار نیز یادآور شده‌ایم گردآورندگان مطالب کتاب، بهدلیل و انگیزه‌های ویژه خودشان بسیاری از حوادث را چنان به‌کوتاهی و اختصار برگزار کرده‌اند که بجز با موشکافی و کاوش بسیار نمی‌توان از آنها سر درآورده و بدتر از این، در بیشتر جاهای از آفرینندگان و قهرمانان ماجراها به درستی نام تبرده و یا سریسته و رمزگونه از آنها یاد کرده‌اند که بهر روی خواننده را بیشتر گیج و درمانده و دریافت مطلب را برایش بسی دشوار می‌کند.

ما برآئیم که در پایان کار چاپ کتاب، پیرامون اینگونه مطالب و بخدادها بررسی تازه‌ئی کنیم و تا جاییکه بشود گوشه و کnar آنها را روشن گردانیم، تارسائی‌ها را از میان برداشته و مردان و زنان ناشناس مانده در کتاب را بخوانندگان پشناسانیم.

برای کامیابی در کاری که قصد انجامش را داریم به‌کمک و یاری خوانندگان آگاه و بیدار دل کتاب به‌فراتری تیازمندیم و آنها می‌توانند با روش‌گیریها و توضیحات تازه خودشان درباره مطالب کتاب و یا پدست دادن عکس‌ها، توشه‌ها و مدارک دیگری در این زمینه به پیشبرد کار ما یاری دهند.

مطالب، عکس‌ها و مدارکی که خوانندگان برای ما بفرستند اگر بخواهند بنام خودشان در کتاب توضیحات چاپ خواهد شد و اگر مایل به‌پس گرفتن مدارک خود باشند ما، پس از رفع تیاز هر آنچه را که از آنها گرفته‌ایم بخودشان پس خواهیم داد.

باز هم یادآور می‌شویم که کار روشنگرانه‌ئی که در پیش داریم جز با کمک اندیشمندان و آگاهان این دیار بویژه آنان که خود در حوادث دوران مشروطه زیسته و یا در آنها از نزدیک یا دور دستی داشته‌اند انجام‌پذیر نخواهد بود. بزرگواری کنید و هرچه از حوادث و قهرمانان مشروطه می‌دانید در دسترس ما بگذارید باشد که این گوشة شگرف تاریخ ما با همت و همیاری خودتان روشن شود.

لطفاً چنانچه مایل به همکاری با ما پویید نامه‌ها و مطالب خودتان را به صندوق پستی شماره ۶۶ تهران بنام احمد بشیری بفرستید و یا با تلفن شماره ۹۸۰۸۱۴ آنچه را می‌خواهید با ما در میان بگذارید.

با سپاس فراوان از توجهی که به درخواست ما و روشنتر گردانیدن تاریخ این مرز و بوم خواهید فرمود و در انتظار مهربانی‌های شما.

احمد بشیری

www.adabestanekave.com

کوشش خود را در کار چاپ این دوره کتاب به
همه مردان و زنان آزاده و جانبازی که انقلاب مشروطه ایران
را پدید آوردهند
همه روانهای پاکی که در راه بزرگداشت ایران کوشیدند و جان باختند
شادروانان حاجی علیقلی خان سردار اسعد و همکاران او که
پیشگامان ها در این راه بودند
نیاز می کنم.

www.adabestanekave.com

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

در این ایام فرخنده فرجام که نور تمدن شرق و غرب عالم را فرا گرفته و آثار علم و دانش به قوّه برقیه در هر نقطه‌ای از نقاط ممالک متعدد راه یافته فریضه ذمّه اولیای هر قومی است که هموم عالیّه خود را در ترویج و تثیید علم و ادب مصروف داشته و بدین وسیله افراد و ابناء قوم را از ورطه ضلالت به شاهراه هدایت و درایت دعوت نموده و مؤسس سرمایه سعادت جمع شده آنان را به اوضاع کنونی عالم بصیر و با سیاست مدن منبوط نموده و از گرداب جهل و ثاداشی برخانند. اول کسی که در این مملکت پیشقدم شده و دامن همت به کمر زده و از بذل مال و اوقات شریف خود در این راه سن مویی فروگذار [= فروگزار] ننموده یگانه مریبی نوع و ناجی [= منجی] قوم پیشوای حریت و بیدارکننده ملت، فدائی وطن حضرت مستطاب اجل امجد اشرف آقای سردار اسعد دامت شوکتہ العالی است که پس از ایثار جان و مال در رهایی ابني این مملکت از چنگال قهر و غلبه استبداد، با کسالت مزاجی که از شدت تهاجم افکار مؤثره راجع به این آب و خاک عارض خاطر مبارکشان شده که خود باعث یأس و متارکه از اغلب اقدامات است. مع هذا در یروز مساعی جمیله پرای خدمت به نوع خودداری ننموده و اوقات گرانبیای خود را کاملا مصروف معارف پروری و ترویج علم و افتتاح طرق دانش و معرفت نموده و بالاختصاص در این ایام محض آگاهی عموم ایرانیان یترتب سیاست غرب و استحضار از پلتیک و روابط دول خارجه با این مملکت اهتمامات واقيه در ترجمه و نشر کتاب آبی که حاوی اخبارات مهمه اینان از پدو تأسیس مشروطه به بعد است و جریان پلتیک و منافع اقتصادی دول همجوار را واضحآ آشکار می‌دارد بعمل آورده و در

واقع خدمت بزرگی به آحاد و افراد این مملکت نموده که در آتیه مجہول نخواهد ماند و نظر به دقایق عمیقه‌ای که در ترجمه صحیح این کتاب داشته‌اند این خدمت را به عهده این بنده بی‌مقدار و خادم ملت، میرزا علی‌خان مدبر‌الملک محول فرموده‌اند و این بنده هم با اشتیاق کامل که به خدمتگذاری [= خدمتگزاری] هموطنان عزیز خود دارم ارجاع این خدمت را برای نیل به آمال و آرزوی خود مفتتم شمسده و انجام آن را سرمایه افتخار ابدی خود قرارداده حتی القوة در صحت ترجمه آن اهتمام و دقت نموده و امیدوارم در نظر قارئین محترم پستدیده افتاد و چنانچه منقصتی در آن مشاهده فرمودند به کرم خود از آن صرف نظر فرمایند.

مراسلات و مخابرات در باب
أوضاع ایران

در تعقیب جلد نمره یک سنه ۱۹۰۹

نمره - ۱

تلگراف سرجارج بارکلی به سادواردگری (واصله در ۳۰ نوامبر)
طیران، به تاریخ ۳۰ نوامبر ۱۹۰۸
[۱۲۸۷؛ ۵ ذی قعده ۱۳۲۶]

شاه و مشروطه

جواب مراسله مشترکه ما مورخه ۲۲ شهر حال از طرف دولت ایران رسیده است:
مراسله مذبور مبنی براین است که تعریض ما در باب تعییمات مخالفانه دادن ناصحین
مخفیه په شاه بی اصل است و شاه محتاج به نصیحت ملتزمین خود نیست. دولت ایران
ضمانت از ما خواهش نموده است که به دولت متبوعه خودمان اطلاع بدھیم که شاه قصد
اعطای مجلسی دارد که مطابق عادات مردم و طبیعت مملکت باشد و با قوانین شرع اسلام
موافقت داشته باشد. و نیز در مراسله مذبور خاطرنشان نموده اند که اغتشاشات و
انقلابیاتی که در ایام مشروطه سابق در مملکت یروز نمود به همین مناسبت موافق نبودند
مجلس با عادت مردم بود.

ظاهراً مجلس مشورتی که اعلیحضرت مذبور در ۲۸ نوامبر تأسیس آن را به ترجمانهای
سفارتین اعلام نموده همان مجلس منظوره است.

نمره - ۲

تلگراف سر ادواردگری به سر نیکلسن

وزارت خارجه، ۳۰ نوامبر ۱۹۰۸

(۸ آذر ۱۲۸۷؛ ۵ ذی قعده ۱۳۲۶)

جناياعاليٰ باید از مسيو ايسولسکى سؤال بكتيد که آيا او با نظریات دولت انگلیس در باب مسئله ذیل موافقت دارد یا خير؟

ما تصور می‌کنیم مراحله‌ای که از دولت ایران به سر جارج بارکلی و همکار روسی او رسیده است نباید بی‌چواب گذارد بشهود. فرض می‌کنیم مجلسی که شاه وعده تموده است واقعاً مثل همان مجلس شوری یاشدکه شاه دو روز قبل به ترجمانهای سفارتخانه‌ها اطلاع داده است. در اینصورت احتمال نمی‌رود که باعث اسکات بشود یا ملت با تشکیل مجلسی که مبنای آن به انتخاب نباشد اقنانع بشوند.

دولت انگلیس تصور می‌کند بهتر آنست در این باب التیماتی [= اولتیماتوم] بشود مبنی براینکه شاه باید امن بکند که مجلس مشاوره مزبور بدون دفع وقت بیش از اين، شروع به نوشتن قانون جدیدی پرای انتخابات بنماید.

نمره - ۳

تلگراف سر نیکلسن به سر ادواردگری (واصله در غرہ دسامبر)

سن پطرزبورغ، غرہ دسامبر ۱۹۰۸

[۹ آذر ۱۲۸۷؛ ۶ ذی قعده ۱۳۲۶]

من حمت فرموده به تلگراف مورخه دیروز خودتان مناجعه فرمایید.

پنا به اطلاعات واصله مسيو ايسولسکى از شارژ داير روس مقيم طهران، مقدمات مجلس مشاوره منظوره تاکنون بعمل آمد و تهيه قانون انتخابات اولین مشغلة آن هيئت خواهد بود. پنا به اطلاعى که از مسيو سبلین [= سابلین] زمیده مسيو سبلین و سر جارج بارکلی با هم موافقت نموده‌اند که حتى القوة در سرعت اجرای اين امن کوشش ينمایند و در ضمن منتظر بشوند تا روش منظوره اتخاذ بگردد. به عقيدة مسيو ايسولسکى نظر به مراتب فوق عجالتاً اخليهار دیگري از طرف دولتين به شاه لازم نیست ولی من به جناب معزى الیه توضیح دادم که يك مبنای انتخابیه‌ای از پرای مجلس جدید قطعاً لازم است. حتى چنانچه حق انتخاب هم نسبت به انتخاب مجلس ماضی محدودتر باشد هیچ مجلس مشاوره‌ای یا هيئت دیگری که اعضای آن فقط از طرف شاه معین بشوند در عوض مجلس منتخبه قبول نخواهند شد. بهر حال چون نمایندگان دولتين در طهران توصیه نموده‌اند که چندی تأمل بشود تا بیننیم مجلس مشاوره حاضره چطور کار می‌کند به اين چهت عجالتاً تأمل نمودن بهتر است. من جواب دادم که مراتب را به وزیر امور خارجه انگلیس اطلاع خواهم داد. در هر صورت قانون

انتخاب را مجلس مشاوره باید به اسرع وقت حاضر بتماید.

نمره - ۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در غرہ دسامبر)

طهران، غرہ دسامبر ۱۹۰۸

[۹ آذر ۱۲۸۷؛ ۶ ذی قعده ۱۳۲۶]

رجوع به تلگراف سن پطرزبورغ مورخه امروز.

اعضای مجلس اعیان جدید عاری از این کار و نادان و ارتقای هستند به استثنای یکی دو نفر که آنها هم مایل به حضور در آن محض نیستند. در واقع ترکیب این هیئت غیرمرضی است و بالصراحة نشان می‌دهد که شاه بیش از پیش لزوم تأسیس رژیم جدید را تغافل می‌کند. بجز اینکه ما بتوانیم شاه را متقادع بتماییم که چند نفر اشخاص تربیت شده آزادی‌خواه به بعد از اعضای مجلس مشاوره بیفزاید چاره‌ای نیست والا من گمان می‌کنم مساعی ما برای تجدید تشکیل یک مجلس منتخبه بی‌فایده باشد. ضمناً اهمیت اوضاع تبریز در تزايد است.

نمره - ۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در غرہ دسامبر)

طهران، غرہ دسامبر ۱۹۰۸

[۹ آذر ۱۲۸۷؛ ۶ ذی قعده ۱۳۲۶]

جنرال قنسول انگلیس از تبریز خبر می‌دهد که پانصد نفر قشون روس از چلفا عزیمت نمودند.

نمره - ۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در غرہ دسامبر)

طهران، غرہ دسامبر ۱۹۰۸

[۹ آذر ۱۲۸۷؛ ۶ ذی قعده ۱۳۲۶]

رجوع به تلگراف ۲۵ شهر ماضی من.

با وجود اطمینانی که حسب‌الامر شاه به توسعه وزارت امور خارجه به نماینده‌های دولتین داده شده بود امروز دستخط ۴۲ شهر ماضی در تمام شهر منتشر شده، شارژ دافق روس و من جدا تأکید نموده‌ایم که اوراق مزبور باید بدون تأخیر توقیف بشود.

نمره - ۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۲ دسامبر)
۱۹۰۸ طهران، ۲ دسامبر

[۱۳۲۷ آذر ۱۲۸۷؛ ۷ ذی قعده]

در تعقیب تلگراف مورخه دین ورز خودم، ابلاغی از طرف شاه به من رسیده که جواب او به علماء را بکلی بدون استحضار او به دیوارها نصب نموده‌اند و خود او هم از این بابت خیلی متغیر است. اعلیحضرت مذبور امر نموده است که دستخط منتشره جمع و پاره بشود.

شاه تصویر می‌کند که دستخط مذبور کار علماء باشد ولی چون ممکن است بعضی صاحب‌منصبان جزء هم مسؤول باشند اعلیحضرت مذبور به حکومت طهران امر نموده است هر شخصی را که دخیل این کار یافت مورد مُواخذه قرار دهد.

اعلیحضرت معظم احتماناً تهایی را که علاءالسلطنه در چهارشنبه ماضی به من تبلیغ نموده بود تکرار می‌نماید.
به تلگراف ۲۵ شهر ماضی من مراجمه نمایید.

نمره - ۸

تلگراف سر نیکلسن به سر ادواردگری (واصله در ۶ دسامبر)
سن پطرزبورغ، ۶ دسامبر ۱۹۰۸

[۱۳۲۷ آذر ۱۲۸۷؛ ۱۱ ذی قعده]

مسافرت سفیر فوق العاده به سن پطرزبورغ
دین ورز مسیو ایسولسکی به من اطلاع داد که با وجود اظهار دولت روس که امپراطور مایل نیست در مورد فوت گراندوک الکسیس مأموری برای تسليت اهتزام بشود مع‌هذا ورود سفیر مخصوص برای این امر واقع خواهد شد.

جواب دولت ایران مبنی بر این بوده که مع‌ذلك دولت ایران میل دارد سفیر فوق العاده را بفرستد و به‌اضافه سفیر مذبور حامل یک مراسله مهمی از طرف شاه به امپراطور خواهد بود.

نمره - ۹

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۸ دسامبر)
طهران، ۱۵ نوامبر ۱۹۰۸

[۱۳۲۶ آبان ۱۲۸۷؛ ۲۰ شوال]

در هفتم شهر حال، نمایش برعلیه [= علیه] مشروطه در باع شاه واقع شده و

تلگرافاتی که شهرت داده شده بود از ولایات مبنی به مخالفت با تشکیل پارلمان رسیده که در باغشاه ترتیب داده شده بود اشاعه یافت. پر واضح است که این نتیجه نمایشگاهی سه چهار نفر وزیر از قبیل صدراعظم و وزیر چنگی بوده که بواسطه تجدید حکومت مشروطه خیلی چیزها از دست آنها خواهد رفت. بنا برایمن من و همکار روسیم چنین صلاح دیدیم که فرصتی بدست آورده و برای شاه توضیح بنماییم که این اظهارات عقاید عمومی جعلی پهیچوچه آن اعليحضرت را از تعهداتی که نموده‌اند مستخلص نمی‌کند. لهذا درخواست موقع شرفیابی نموده و شاه روز چهارشنبه وزیر مختار روس را بار داد و روز بعد من را. من به آن اعлиحضرت عرض نمودم علت درخواست نمودن موقع شرفیابی مرحمانه این است که مجال مذاکره درباب اوضاع متقلبه حاضر را به آن اعлиحضرت داشته باشم و به آن اعлиحضرت اطمینان دادم که آنچه را عرض خواهم نمود فقط پیشنهاد صمیمانه‌ایست که برای منافع خود آن اعлиحضرت و مملکت او لازم است. پس از آن شروع به بیانات ذیل نمودم:

چنانچه خاطر مبارک آن اعлиحضرت مستحضر است مسلک اساسی دولت انگلیس و روس در ایران تبری جستن از مداخله به امورات داخلی این مملکت است. دولتين از این مسلک منحرف نخواهند شد.

بنا برایمن دولتين دوام نظر به هم‌جواری و دول کامل‌الوداد بودن صمیمانه مایلند که پیشرفت و مسالمت ایران را در ترقی ببینند و بواسطه روابط مستحسنہ یا این مملکت دولتين همیشه از وظایف خود شمرده‌اند که دولت اعлиحضرت شاه را با نصایح خیرخواهانه خود تقویت بنمایند. هم من و هم همکار روسی من منتظریم که نصایح مشفقاته‌ای که ما به دستور العمل دولتها متبوعه خودمان به آن اعлиحضرت عرضه می‌داریم در این موقع که مملکت ایران از بحران عظیمی می‌گذرد کاملاً استقبال بشود. بموجب اخباراتی که به ما رسیده است اهالی ایران چه در پایخت و چه در ولایات در نهایت اضطراب و انقلاب هستند. اعлиحضرت شاه به رعایای خودشان تجدید استقرار مشروطه را وعده فرموده‌اند و این وعده بالصرایح به دولتين کامل‌الوداد مواجه‌آمده است.

حوادث شنبه گذشته با این وعده منافي است. از قرار مسموع در آن روز بموجب حکم وزراء قریب چند صد نفر مردم را در باغشاه جمع نمودند که به مخالفت مشروطه اظهارات بنمایند و عریضه‌ای در این موضوع به معیت علماء ترتیب داده شده بود و به اعлиحضرت شاه تقدیم شده. بنده و همکار روسی من صمیمانه امیدواریم که این اشتهرات که به توسط دشمنان مملکت و آنها بی‌که به پیش‌بینی مراقب مکنونات مردم نیستند ترتیب داده شده باعث انحراف اعлиحضرت از قصدی که داشته‌اند نشده و نقض قول اعлиحضرت را ننماید. مملکتی که از اغتشاشات و نامالایمات و سوء‌اطمینان بستوه آمده با کمال بی‌صبری منتظر اجرای این مواعید است. دولتينی که ما نماینده آنها هستیم نمی‌توانند به حد کافی در لزوم تسکین ملت اصرار بنمایند و برای اینکه از مخاطرات عظیمه‌ای که در پیش است و ما پیش‌بینی می‌نماییم و محتمل است نتایج

و خیمه‌ای در آتیه داشته باشد جلوگیری بشود بیش از این مبالغه کنند. بهمچنین من و همکار روسی خودم با کمال افتخار توجه کامله اعلیحضرت را به اغتشاش حاضره معطوف می‌داریم که رفع این اغتشاش بسته به اجرای مواعیدی است که اعلیحضرت شاه به رعیت خود نموده‌اند.

در خاتمه میل دارم خاطر مبارک اعلیحضرت را به وضع رقت‌انگیز بعضی از اتباع خودشان که به جرم مقصص پلیکی بودن محبوستد معطوف بدارم. چونکه چندین ماه پی‌تكلیف و بدون تحقیق در مجلس مأذنه‌اند.

ما جسارتاً از جانب این اشخاص بدیخت درخواست ترحم و تفضل اعلیحضرت را می‌نماییم.

پس از آنکه اعلیحضرت مزبور اظهار امتنان از این تصایع نمود در جواب شرح مبسوطی بیان فرمودند.

چون روز پیش هم همین نوع عنوانات را از «سیو «دوهارت‌ویک» استماع نموده بود مدت کافی وقت از پرای تهیه جواب داشته و بی‌شبیه ناصحین ارتقاضی تعليمات دقیقه به او داده بودند.

او بکلی منکر جعلی بودن اظهار حسیات عامه بر ضد مشروطه بود و اظهار داشت که یک قسمت بسیار عمده متنفذین مردم براین عقیده هستند که حکومت مشروطه مخالف اسلام است و در ترتیب‌نمايش به ضد مشروطه در با غشاه وزراء دخالتی نداشتند اگر چه بدون تردید نفوذ علماء در این موضوع تأثیری داشته. اعلیحضرت شخصاً با تأسیس یک پارلمانی اظهار همراهی می‌نمود که ایران آن را لازم دارد ولی باید ترتیب آن بکلی با مجلس فرق داشته باشد. اعلیحضرت مزبور وضع حاضره را با وضع جاریه در اواخر سنه ۱۹۰۶ به مثال سنجیده و اظهار می‌داشت که در آن ایام دولت مخالف مشروطه بود و مردم طالب آن، حالا بس عکس، دولت طالب آن است و مردم مخالف آن.

آن اعلیحضرت اراده نقض عهد خود را ندارد و به نمایش در با غشاه هم تعکین ننموده بلکه در صدد تأسیس مشروطه‌ای است که مناسب حال این مملکت باشد. قانون انتخابات به ولایات فرستاده شده ولی او باید فرصت داشته باشد که بتواند اطمینان حاصل بنماید تا چه حد مردم آن را قبول خواهند نمود.

عجله‌ای که در انتشار دستخط سابق او شده و بواسطه فشار سفارتین یوده باعث انزواج کنونی شده حالا باید اینقدر مجال به او داده شود که مخالفین حکومت شوری [اشورائی] را جلب بنماید.

در باب اشخاصی که محبوس هستند اعلیحضرت مزبور اظهار داشت که به عقیده او کسانی که هنوز در جبس هستند مقصود نه متهمین پولیکی، ولی او وعده نمود که به صورت اسامی آنها مراجعت نماید.

من جواب دادم خیلی سخن ورم از اینکه اعلیحضرت اراده تجدید استقرار مشروطه را دارد. من نمی‌خواهم به آن اعلیحضرت تجویز ننمایم که چه قسم حکومت مشروطه

برای ایران لازم است ولی آنچه برای منافع و مصالح لازم است این است که به هر زودی که ممکن باشد مردم از این خیالاتی که در مغز آنها جایگیر شده که اعلیحضرت شاه اراده ایقاء به مواعید خود را ندارد آسوده بشوند. من جسارت به مخالفت با آن اعلیحضرت نمودم که مخالف بودن احساسات عامه با حکومت مشروطه بی‌اصل است و مسلم است که عقیده عمومی براین است که تمايش بر علیه [= علیه] مشروطه صمیمی نیست. پس از آن من اظهار نمودم که از تکمیل مواعید آن اعلیحضرت اثرات مستحسنه در وضع تبریز حاصل خواهد شد. ایفای بهاین ترتیب و اعطای عفو عمومی از برای استقرار صلح در آنجا بالاترین اقدام است.

از مذاکراتی که متعاقب شرح فوق به میان آمد دیگر گمان نمی‌کنم مطلب قابل الذکری باشد چونکه کلیتاً تکرار صحبت‌های فوق بود ولی چیزی که لازم است ذکر بشود این است که در پاپ تبریز شاه اظهار داشت آنها بی که در تبریز مسلح مخالف با او هستند، برای مشروطه جنگ نمی‌کنند اغلب از آنها آشوب طلبان قفقازی هستند و جنگی که یک سال است دایر است فقط یک نوع یا گیگری ایلیاتی معمولی است؛ من به آن اعلیحضرت اظهار نمودم که جنگ مزبور فوراً بعد از انهدام مجلس در اوخر ماه ژوئن شروع شد. من خاطر آن اعلیحضرت را متذکر نمودم که تبریزی‌ها جدیداً تلکرافی مبنی به اظهار قدویت مخابره نموده‌اند و به نظر من این موقع خوبی از برای عنوان صلح بود و عقیده خودم را تکرار نمودم که اعطای یک عفو عمومی و ایفای سریع به مواعید اعلیحضرت پهترین وسیله استقرار نظم است.

بعد از من خصی خواستن من از شاه آن اعلیحضرت از مستتر چرچیل که همراه من بود تقاضا نمود که یک لحظه در آنجا توقف نماید. آن اعلیحضرت از او خواستار شده بود که برای من توضیح بنماید که در حضور مترجم ایرانی آن اعلیحضرت میل نداشته این صحبت را بنماید و آن این است که قشوتی که در باغ شاه با او هستند به‌این عقیده به پایتخت آمده‌اند که وجود آنها برای مدافعته از مذهب خودشان لازم بوده و اگر آن اعلیحضرت حکومت مشروطه را اعطا بنماید آنها به هیجان خواهند آمد چونکه عقیده آنها بر این است که مشروطه مخالف با اسلام است.

منظور این بود که من با خودم این عقیده را از محضر او ببرم که او سلطان خواهان مشروطه‌ای است و مایل به سلطنت‌شوری [= شورائی] نمودن است ولی فقط تنفر اغلب از ملت او از مشروطه، او را از قبول یک همچه رویه‌ای مانع شده است در صورتی که البته این خیال بی‌اساسی است. برای غالب مردمان خارج از پایتخت و بعضی از شهرهای عمدۀ يحتمل بی‌تفاوت باشد، ولی اکثر طبقات کم و بیش تربیت شده مسلمان خواهان حکومت مشروطه هستند خصوصاً تجار و اشخاصی که در این مملکت دارای شغل یادیشی هستند تأمین خود را در متابعت با تعدادیات حالیه ناصحین غیرمسؤل شاه می‌دانند. من نمی‌توانم بگویم که امید نتیجه از این دو فقره شرفیابی حاصل است. «مسیو دوهارت‌ویک» که امروز از طهران حرکت نمود و یک نوبت دیگر دیروز به حضور شاه بار یافته بود به من اطلاع داد که در این نوبت شرفیابی خودش هم معتبرمایک

مرتبه دیگر با کمال جدیت با شاه مذاکره نموده و اعلیحضرت مزبور به او وعده داده که در عرض دو سه روزه آتیه دستخطی توزیع خواهد نمود. اگر ایفاء به این عهد هم بشود من تردید دارم که آیا اقدامات رضایت‌بخش را حاوی خواهد بود یا خیل چونکه اشخاصی که دخیل در تهیه یک همچه دستخطی بوده‌اند مسلماً از چند نفر محدود ایرانیان بیطرف و کامل نخواهند بود که آنطوری که شاید و باید مبنی [= مبنای] یک همچه نقشه‌ای را بترتیب مفیده قرار بدهند که منشأ اثرات مطلوبه بگردند.

جارج بارکلی

نمره - ۱۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۹ دسامبر ۱۹۰۸)
طهران، ۹ دسامبر ۱۹۰۸

[۱۳۲۶؛ ۱۵ ذی‌قده ۱۲۸۷]

به سفارت روس همچه مشهود شده که حالا از وضع شاه اینطور مستفاد می‌شود که کمتر با مشروطه مخالفت دارد. چون این موقع برای اقدامات در این موضوع مقتضم است ما درخواست باریافتمن به حضور اعلیحضرت مزبور را نموده‌ایم که ترجمانهای سفارتین شرفیابی حاصل نموده و دو فقره عریضه اهالی مشهد و استرآباد را که در باب خواستن مشروطه نوشته‌اند به شاه تقدیم بنمایند. ترجمانهای مزبور، باضافه، استفسار خواهند نمود که از مذاکره و مشاوراتی که آن اعلیحضرت در شرفیابی ۲۸ شهر ماضی به ترجمانهای مزبور اظهار داشته بود [که] در آنوقت جمعی مشغول بوده‌اند چه نتیجه حاصل شده.

نمره - ۱۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۱۰ دسامبر)
طهران، ۱۰ دسامبر ۱۹۰۸

[۱۳۲۶؛ ۱۵ ذی‌قده ۱۲۸۷]

شاه و مشروطه

«روزنامه‌رسمی ایران» دیروز اشعار می‌دارد که اعلیحضرت شاه رأی خود را براین قرار داده که مجلس مشاوره مفصلی مرکب از پنجاه نفر اعضاء تشکیل پدیده. اعضاء این مجلس مرکب خواهند بود از علماء و تجار و اشخاص بصیر به اوضاع مملکت و اشخاص دیگری که اهالی انتخاب بنمایند. این هیئت در تمام امورات شعبات مملکت نظارت خواهند داشت و در باب اصلاحاتی که برای مالیه و سایر دوایر دولتی لازم است مشاوره خواهند نمود.

نمره - ۱۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۱۲ دسامبر ۱۹۰۸)
طهران، ۱۲ دسامبر ۱۹۰۸
[۲۰ آذر ۱۲۸۷؛ ۱۷ ذی قعده ۱۳۲۶]

رجوع به تلگراف دهم شهر حال من
وزیر امور خارجه سواد نظامنامه‌ای را که برای مجلس مشاوره جدید مرتب‌گردیده
به من داده است. در این نظامنامه هیچ ذکری از انتخاب اعضاء دیگری غیر از آنها یعنی
که شاه انتخاب نموده نشده است. با وجود این بعضی نکات خوب در این نظامنامه
هست. در صورتیکه یک شاه خوش‌نیتی پاشد و یک عده اعضای متمدن صاحب عزم
و یعدی متدين که اقتدارات مفوترة به خود را بخوبی بکار بینند بوده باشند این
اقدام جدید شاید بهترین احتمال تأسیس حکومت صحیحی را برای دولت ایران داشته
باشد. چنانچه معلوم است آن مجمعی است که نتیجه مجاہدات سه‌ماهه سفارتین است
و محتمل است بکلی بی‌فایده باشد و مشکل است انتظار داشت که این اقدام در اوضاع
ولایات شعالي اثرات مطبوعی حاصل ننماید.

نمره - ۱۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله ۱۲ دسامبر)
طهران، ۱۲ دسامبر ۱۹۰۸
[۲۰ آذر ۱۲۸۷؛ ۱۷ ذی قعده ۱۳۲۶]

رجوع به تلگراف ۹ شهر جاری من.
وزیر امور خارجه به ما اطلاع می‌دهد که بواسطه علت مزاج عارضه اعلیحضرت نمی‌تواند
ترجمانهای سفارتین را بپذیرد. علام السلطنه خواهش نموده است مذاکراتی را که ما
می‌خواسته‌ایم با شاه بنماییم بتوسط او بنماییم. ما این خواهش را رد نموده‌ایم و
اظهار داشتیم که ممکن است پس از اعاده صحت مزاج اعلیحضرت ترجمانها را بپذیرند.

نمره - ۱۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۱۴ دسامبر)
طهران، ۱۲ دسامبر ۱۹۰۸
[۲۲ آذر ۱۲۸۷؛ ۱۹ ذی قعده ۱۳۲۶]

رجوع به تلگراف ۱۲ شهر جاری من.
از ترکیب هیئت مشاوره صراحتاً مشهود می‌شود که غرض از ترتیب نظامنامه این
مجموع فقط فریب‌دادن ما است.

بمناسبت امتناع شاه از پذیرفتن ترجمانهای سفارتین ما یادداشت مشترکی پتوسط وزیر امور خارجه تقدیم داشته و خاطر اعلیحضرت مزبور را از مواعید خودش آگاه نموده و خاطرنشان او نموده‌ایم که تشکیل مجلسی که مرکب از اعضاء منتخبه یتوسط خود او است برای ایفاء عهده‌ایم که آن اعلیحضرت نموده بودند مکفى خواهد بود، ما پیشنهاد خود را تکرار نموده و فقط امید خاتمه پذیرفتن اوضاع ناهنجار حاضره را منحصر به تشکیل مجلس منتخبه عامه و اعطای عفو عمومی به‌اهمی تبریز نموده‌ایم.

نمره - ۱۵

تلگراف سر نیکلسن به سر ادواردگری (واصله در ۱۵ دسامبر)

سن پطیزبورغ، ۱۵ دسامبر ۱۹۰۸

[۲۳] ۲۰ آذر ۱۲۸۷؛ ۲۰ ذی‌قعده [۱۳۲۶]

در ضمن ملاقاتی که من امروز با مسیو ایسولسکی نمودم با آنچنان در باب طفره از ایفای عهده نمودن شاه و رعایت نمودن تصایع مامداکره نمودم. من اظهار نمودم که باید با کمال تشدید به شاه تأکید بشود که ما نمی‌توانیم بگذاریم او این روش را تعقیب بتماید. مسیو ایسولسکی استفسار نمود چه اقداماتی من در نظر دارم. جناب معظم الیه [= معظم له]^۱ با اقداماتی که دال بر مداخلات مستقیم دولتين باشد مخالف بود. من اظهار داشتم که شاه تعهد نموده است که قانون انتخابات را اشاعه دهد و مجلسی تشکیل بدهد و ما جداً اصرار نموده‌ایم که عفو عمومی به‌اهمی تبریز اعطای بشود. اگر ما در همین موضوعها ایستادگی بتماییم کافی است. ما باید جداً اصرار پنماییم که برای تکمیل این ترتیبات به شاه فشار بیاوریم.

نمره - ۱۶

تلگراف سر جارج بارکائی به سر ادواردگری (واصله در ۱۷ دسامبر)

طنهران، ۱۷ دسامبر ۱۹۰۸

[۲۵] ۲۲ آذر ۱۲۸۷؛ ۲۲ ذی‌قعده [۱۳۲۶]

پنا به تعیین وقتی که دیروز سعدالدوله با سفارت روس نموده و ملاقات با نماینده‌های دولتين را خواسته بود از برای تبلیغ پیغامی که از طرف شاه داشت امروز صبح مسیو سبلین [= سابلین] و سعدالدوله و من با هم ملاقات نمودیم. پیغام شاه این بود که استفسار نموده بود آیا در صورت اعطای مشروطه دولتين حاضر خواهند بود که چهارصدهزار لیره به او قرض بدهند یا خیر. سعدالدوله اظهار نمود که شاه اصرار بلیقی دارد که اگر من گمان می‌کنم که بتوانم مملکت را نجات بدهم مرا دخیل در کار بتماید ولی من از قبول آن امتناع نموده اظهار داشتم که دخیل در کار تخواهم شد

^۱) معظم له: بزرگ داشته شده - ۳.

مگر در صورت حکومت شوروی [=شورائی] و نیز برای آن اعلیحضرت توضیح نمود که یگانه امید بپروردی در اوضاع حاضر منحصر به استقرار مشروطه است.

ظاهراً حالاً شاه برای قبول آن حاضر شده و به او امن نموده است که از نماینده‌های دولتين در باب استقراض استفسار نماید. من از جانب نماینده‌های دولتين جواب دادم که به اعلیحضرت شاه اطلاع بدھید که عجالتاً بھیچوچه امید آن نیست که دولتين برای دادن قرض منظوره حاضر بشوند مگر در تحت حکومت مشروطه و مقصود از این مشروطه آن نیست که فقط شاه دستخطی صادر نموده و وعده اعطای مشروطه به رعایای خود پدھد، بلکه لازم است که مشروطه به موقع اجرا گذارده بشود و تأمینات لازمه به دولتين داده بشود که وجه استقراض به محلهای بقاعده صرف بشود. اگر چه من ترتیب یک همچو تأمینی را نمی‌توانم قطعاً اغلب این بدارم ولی دولتين اطمینان از طرف مسیو بیزو لازم خواهند داشت مبنی براینکه آن تأمینات کافی است.

از قراری که من استنباط نمودم اعلیحضرت شاه بیم آن را دارد که تأمینات از قبل اشغال گمرکات یا خاک ایران باشد. من سعدالدوله را از این نکته مطمئن نمودم ولی در ضمن تصریح نمودم که طبیعتاً ما تأمیناتی از برای تأدیه فرع وجه استقراض لازم خواهیم داشت. من نیز اغلب این داشتم که اوضاع مملکت از بد به بدتر رسیده و اصوات نمودم که اگر اعلیحضرت شاه اکنون جدیت دارند، بدون دفع وقت مقاصد حسنی خود را به رعایای خود اعلام بدارند. اگر چه دولتين ترتیب یک مشروطه‌ای را که مناسب حال مملکت باشد نمی‌توانند تشریح بنمایند ولی من به سعدالدوله اطمینان دادم که اگر او محتاج به تقویت و نصیحت ما در مساعی خودش برای ایجاد نمودن یک قسم مشروطه باشد او می‌تواند وثوق کامل به دولتين داشته باشد که از بدل آن مضایقه نخواهند نمود. سعدالدوله در موقع خروج خودش از سفارت بظاهر خیلی خوش وقت و امیدوار می‌نمود.

نمره - ۱۷

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۱ دسامبر)

طهران، ۲۵ نوامبر ۱۹۰۸

[۳ آذر ۱۲۸۷؛ ۳۰ شوال ۱۳۲۶]

آقا

چنانچه در تلگراف ۲۲ شهر جاری خودم اطلاع داده‌ام در ۱۹ شهر حال نایش دیگری در باع شاه به مخالفت انعقاد مجلس داده شد. آنچه در آن محض واقع شده عیناً واضح نیست ولی یقین است که عریضه از طرف علماء که بدستور شیخ فضل الله و امام جمعه و صدراعظم و شاهزاده نایب‌السلطنه عموم پدر زن شاه و امیر بهادر جنگ ترتیب داده شده بود به شاه تقدیم شد. عریضه متذکر مشعر براین بود که مجلس مخالف اسلام است و اعلیحضرت شاه با یک نوع اکراه ظاهری دستخطی به

مضمون مطلوب صادر نمود.

دستخط مزبور در ۲۱ شهر حال به مطبعة دولتی فرستاده شده بود و در همان روز صدراعظم در جواب سؤالی که من بتوسط عباسقلیخان نموده بودم اظهار داشته بود که بعض طبع شدن منتشر خواهد شد.

من و همکار روسی خودم پس از مشورت با هم موافقت نمودیم که یادداشتی به اعضاء خودمان به وزیر امور خارجه پنویسیم و تأکید ینماییم که شاه تجدید نظری در رأی قطعی خود بنماید. چون وقت آن گذشته بود که بتوان اشاعه یافتن دستخط شاه را ممانعت نمود به جهت اینکه دستخط مزبور غروب همانروز به دست عموم رسیده بود و به ولایات نزد علماء فرمتاده شده و امر بن انتشار آن شده بود. بعد از آن من تحقیق نموده و ملتقت شدم که یادداشت ما را علامه‌السلطنه تا غروب ۲۳ به نظر شاه را ممانعت نمود به جهت اینکه دستخط مزبور غروب همان روز به دست عموم رسیده نرسانده بود. علی‌الظاهر یادداشت مزبور اثر فوری نموده بود چون که در همان شب به طبع‌کننده امر شده بود که دیگر هیچ نسخه‌ای از آن دستخط را توزیع ننماید و در جمع نمودن نسخه‌هایی که منتشر شده بود کوشش نمودند. شب عید علامه‌السلطنه بتوسط مستر چرچیل به من پیغام داده بود که روز بعد به ملاقات من خواهد آمد و حقیقت کیفیت دستخط مزبور را توضیح خواهد نمود.

علامه‌السلطنه امروز نزد من آمده و اظهار داشت که حسب القرمودة^۲ شاه آمده است که بعضی اطلاعات اضافی در باب دستخط به من بدهد. معظم‌الیه [= معظم‌له] اظهار داشت که غرض از دستخط مزبور این نیست که شاه تشکیل مجلسی خواهد داد بلکه فقط مجلسی مثل مجلس سابق تأسیس خواهد نمود. باضافه دستخطی که حقیقتاً بشود آن را دستخط گفت نیست فقط جوابی است که به علماء داده شده و رسمیت ندارد چونکه آن بتوسط صدراعظم توزیع نشده و علماء آن را طبع و نشر نموده‌اند. من جواب دادم موجب کمال اسف است که اصلاً آن توزیع شده و از معزی‌الیه^۳ سؤال نمودم که آیا ممکن است من به دولت متبعه خودم اطلاع بدهم که انتشار آن برخلاف امر شاه بوده. همچو می‌نمود که معزی‌الیه از دادن جواب صریح احتراز دارد ولی بالاخره اظهار نمود که ممکن است من تلگراف بکنم که تا اندازه‌ای که او اطلاع دارد دستخط مزبور حسب‌الامر شاه طبع نشده و اعلیحضرت معظم هنوز در صدد است که مجلسی مناسب احتیاجات مملکت و مطابق با قوانین اسلام تأسیس بنماید چنانچه در دستخط ۲۴ سپتمبر خودش هم وعده داده است.

من استنباط نمودم که مجلس منظوره چیز دیگری بجز یک مجلس مشاوره که اعضاء آن را شاه معین بنماید خواهد بود و من از معزی‌الیه استفسار نمودم چه وقت باید منتظر قانون انتخابات بود. او جواب داد که اعلیحضرت معظم امر به تهیه آن نموده است ولی بواسطه بیانات آشکار مردم بن ضد تأسیس مشروطه انتشار آن به عهده تأخیر

(۲) چنین است در اصل: (= حسب‌الامر) - م.

(۳) کسی که چیزی باو تسبت داده شده - م.

افتاد.

نمره - ۱۷

۴۴۷

پس از آن شرح مبسوطی در باب صلاحیت مجلس مذاکره شد. بالاختصار من عقیده خودم را تکرار نمودم که اعادة نظم در تبریز و استقرار آسایش در یقینه نقاط ایران فقط بسته به تشکیل مجلس منتخبه است. معزی‌الیه اظهار داشت عقیده او براین است که انقلاب آذربایجان بهیچوجه منبوط با مسئله مشروطه نیست و ایران برای حکومت پارلمانی مستعد نیست، چنانچه زیادروی‌های مجلس سابق دلیل براین مدعای است و قسمت عمده مردم مخالف با مشروطه هستند. او تیز اظهار داشت شاه خوف آن را دارد که اگر مجلسی تأسیس بشود باعث خونریزی بسیار خواهد شد چونکه احساسات بر ضد آن پیشمار است و او یک دسته تلکرافات ولایات را برای اثبات حسیات عمومی بضد مشروطه ارائه داد. او سؤال نمود که آیا من در صحبت این تلکرافات تردیدی دارم. من جواب دادم خیر تردیدی ندارم. ولی معذلك آنها را نمی‌توانم شاهد بن احساسات واقعی عمومی قرار بدهم؛ تا اندازه‌ای من اطلاع دارم اهالی پایتخت و طبقات تربیت شده و کسانی که در مملکت دارای اعتبارات هستند خواهان مجلس منتخبه هستند که آن مجلس ناصحین منافق شاه را در تحت یک کنترول و نظارتی قرار بدهد. اغلب مردم عوام یحتمل چندان در قید مشروطه نباشند ولی چیزی که آنها می‌خواهند تأمین و مسالمت است و این هم با این ترتیب ناهنجار کنوتی میسر نخواهد شد.

من از علام السلطنه خواهش نمودم که ترتیب بار یافتن ترجمانهای سفارتین را بدهد. معظم‌الیه [= معظم‌له] این تقاضا را تأیید نموده و پیشنهاد نمود که در عوض ترتیب بار یافتن محترمانهای برای خودمن بدهد. من اظهار نمودم که شرفیابی سابق من چندان نتیجه سودمندی تبخشیده و به عقیده من از مذاکرات مشفقاته شاه با مترجمها متحمل است نتایج مفیدتری حاصل نشود. اگر من شرفیابی مجددی بخواهم حاصل بنمایم باتفاق همکار روسی خودم خواهد بود؛ بحتمل بموجب اوامر دول متبعه خودمان ما مجبور به تجدید عنوانات هم یا آن اعلیحضرت بشویم. برای احتراز از این مسئله است که ما تقاضای بار یافتن ترجمانهای خودمان را می‌تماییم. از استماع اینکه ما باید عنوانات دیگری هم بنماییم آثار کنجدکاوی در معزی‌الیه ظاهر گشت و اظهار داشت از این نگران است که مبادا ترجمانها از آنچه باید بگویند تجاوز بنمایند. من او را در این باب مطمئن نمودم و بالاخره او راضی شد که تعیین موقع شرفیابی منظوره را موكول به میل شاه بنماید.

ایضاً ترجمه دستخطل شاه و سواد یادداشت مشترکه مورخه ۲۲ نوامبر خودمان را ارسال می‌دارم.

(امضا) جارج بارکلی

ملفوقة نمره ۱ در نمره ۱۷

دستخط مورخه ۱۹ نوامبر [۲۷ آبان ۱۲۸۷؛ ۲۶ شوال ۱۳۲۷] شاه
بسم الله الرحمن الرحيم

جواب مسٹطابان علماء عظام

پیوسته منظور نظر ما بوده و هست که دین مبین اسلام و قوانین حضرت رسول را تقویت و حفظ نماییم. حالا که شما اظهار داشته‌اید استقرار مجلس با قوانین اسلام مخالف است و نامشروع بودن آن را فتوا داده‌اید و علمای ولایات هم کتبأ و تلگراف^۴ نامشروع بودن آن را فتوا داده‌اند لهذا ما هم یکلی از این عزم صرف نظر نموده و حتی در آتیه هم هیچ ذکری از چنین مجلسی خواهد شد ولی بتوجه امام عصر عجل الله فرجه تعليمات لازمه برای بسط عدل و داد داده شده و خواهد شد. جوابان عالی از این نیت ملوکانه ما برای اتبساط عدالت و حفظ حقوق رعایای خودمان و علاج مفاسد پر حسب قوانین شرع مبین البته تمام طبقات را مستحضر خواهید داشت.

محمدعلی شاه قاجار

ملفوقة نمره ۲ در نمره ۵

یادداشت مشترک به علاء السلطنه

طهران، ۲۲ نوامبر ۱۹۰۸

[۱۳۲۶ شوال ۲۷؛ ۳۰ آبان ۱۲۸۷]

حضرت اشرف

نماینده‌های دولتين انگلیس و روس با کمال تعجب و تأسف استماع نموده‌اند که اعلیحضرت شاهنشاهی پیروی تعليمات سوء ملتزمین خود را نموده عرضیجاتی که بهبیچوجه حاوی احساسات حقیقی ملت نیست بهانه قرارداده و قصد ندارند که تشکیل مجلسی از نمایندگان ملت بنمایند. نماینده‌های دولتين دول متبوحة خود را یوسیله تلگراف از این عزم تأسف‌آمیز شاه مستحضر خواهند نمود که از این عزم مشهود است اعلیحضرت معظم در صدد ایفاء به مواعید خود که مکرر به ملت خود و نماینده‌های دولتين داده است نیست و از وظایف نماینده‌های دولتين است که به همین زودیها حسب الامر دول متبوحة خودشان عنوانات لازمه نموده و اعلیحضرت شاه را آگاه‌بنتمایند که برای منافع شخصی خود و مصالح مملکت خود از آن اراده جدیدی که نموده صرف نظر بنماید.

نماینده‌های دولتين مادامی که منتظر تعليمات از دول متبوحة خودشان هستند با اینکه از مداخله در امور داخلی ایران احتراز می‌جویند تکلیف خود می‌دانند که تکرار و تأکید در این یقین خود بنمایند که فقط وسیله تسکین و ترضیه اهالی که بواسطه روش مخالفانه شاه نسبت به مشروطه در خطه آذربایجان علم طغیان پراورا شده و

(۴) چنین است در اصل (= تلگرافی) - ۳

همچنین در پایتخت و سایر ولایات در غلیان و هیجانند این خواهد بود که اعلیحضرت همایونی خود را از قید صلاح‌اندیشی اشخاصی که فایده خود را در دوام حالت منقلیة کنونی می‌دانند آزاد نموده و حکومت شوروی را مجدداً تأسیس بنماید.

جارج بارکلی - سبلین

نمره - ۱۸

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۱ دسامبر)
طهران، ۲۹ نوامبر ۱۹۰۸
[۷ آذر ۱۲۸۷؛ ۴ ذی‌قعده ۱۳۲۶]

آقا

در تعقیب مکتوب موزخه ۲۵ شهر جاری خودم باکمال افتخار ترجمة مراسله دولت ایران را لفأ تقدیم می‌دارم که در جواب یادداشت مشترکه من و همکار روسي من است که در ۲۲ شهر حال به وزیر امور خارجه به اميد ممانعت از توزیع دستخط شاه مشعر پن منصرف شدن از تشکیل مجلس نوشته بودیم. چنانعالی از آن ملاحظه خواهید نمود که از ما درخواست نموده‌اند که به مقامات لازمه اعلام پداریم که شاه قصد اعطای مجلسی دارد که مناسب طبیعت مملکت و شرایع اسلام و عادات ایرانیان باشد. بی‌شبیه غرض از اعطای این مجلس همان هیئت مشاوره‌ای است که شاه تعیین نموده و تشکیل آن را در ۲۸ شهر حال اعلیحضرت معظم به ترجمانهای سفارتین اعلام نموده و سابقاً در تحت مکتوب علیحده به چنانعالی اطلاع داده شده. ملاحظه خواهید فرمود که فراز اول مراسله خیلی در هم است. مع‌هذا مقصود بقدر کفايت واضح است به این معنی که می‌خواهند به من و همکار روسي من مطلب را مشتبه بنمایند که عنوانات ما مبني به افواه غير موجه است. دولت ایران تا این درجه زیادروی نمی‌نماید که اطلاعات ما در باب فسخ عزیمت‌شاه از تأسیس مجلس نمایندگان را تکذیب بنماید. خود صدر اعظم شخصاً تا این اندازه را به من اطلاع داد و این عزم شاه نیز روی کاغذ آورده شده موشح به امضای او گردیده و در مطبوعه دولتی بطبع رسیده و چندی اشاعه یافته ولی آنها اظهار می‌دارند که ما هیچ دلیلی از برای نسبت دادن این عزم را [به] نصیحتهای منافقانه درباری‌های اعلیحضرت معظم نداریم و اعلیحضرت شاه محتاج به نصایح آنها نیست و آن درباری‌ها همچو عقیده ندارند و این عبارتی است که اگر اصلاً حاوی معنایی باشد مقاد آن این است که درباریان شاه با تأسیس مجلس نمایندگان مخالف نیستند که حقیقتاً ادعای عجیبی است.

یادداشت ما اثر خود را نمود چون بمحض تقدیم شدن به شاه امر صادر شد که دستخط مزبور توقیف بشود و من و همکار روسي من گمان می‌کنیم که از این استنادات‌ها

که اقدام ما مبنی به افواهات بی اساس بوده می توان اغماض نمود.
 (امضا) جارج بارکلی

ضمیمه نمره ۱۸

ترجمة مراسله علام السلطنه به سر جارج بارکلی

طهران، ۲۷ نوامبر ۱۹۰۸

[۱۳۲۶ ذی قعده ۱۲۸۷: ۵]

جنایا

با کمال احترام وصول یادداشت موخرة ۲۲ نوامبر جنایالی را اطلاع می دهم،
 نسبت نصایح مناقنه دادن که به درباریان داده شده و فقط مبنی بر یک راپورت
 در این باب است و هیچ اساسی ندارد و باعث تعجب و تأسف نمایندگان محترم دولتين
 شده بیشتر اسباب تعجب و تأسف این جانب گردید یجهت اینکه جنایالی این بیان
 تأسفآمیز را مبنی به یک راپورتی نموده اید و قبل از آنکه تحقیقی در صحت این
 راپورت بنمایید به این درجه تصور و خیال خودتان را آزاد نموده اید و درباریان
 دولت شاهنشاهی را فقط به اعتقاد اینکه همچه نظر و عقیده ای دارند آنها را لکه دار
 نموده اید در صورتیکه آنها بهبیچوجه در این عقیده نیستند. اللہ الحمد اعلیحضرت
 شاهنشاهی با ذکاوت و درایت و مراقبت کامله ای که در حفظ اساس حکومت پادشاهی
 و همچنین برای رفاه و آسایش ملت خودشان بروز و ظهور می دهند بهبیچوجه محتاج
 به نصیحت درباریان خود نیستند. اعلیحضرت شاهنشاهی طبیعتاً در تکالیف خود بصیر
 و در وظایفی که برای مملکت داری و رعیت پروری لازم است بخوبی آگاهند. اعلیحضرت
 شاهنشاهی نیز بخوبی از عادات و رسوم اهالی ایران استحضار دارند و به اقتضای
 وقت عمل نموده و مجلسی اعطاء خواهند نمود که مناسب احتیاجات زمان و مذهب
 و عادات ایران باشد نه اینکه باعث آشوب و انقلاب مملکت بشود. بی مناسبت نمی دانم
 که توجه جنایالی را به اوضاع مملکت در عرض دو ساله حکومت مشروطه معطوف
 یدارم که باعث همه نوع بی نظمی گردید و باید خاطر نشان جنایالی بنمایم که اعطای
 یک همچو مجلسی مثل مجلس سابق مناسب احساسات عمومی نیست و این اندازه آزادی
 بی قاعده است و باعث بروز انقلاب و مقاصد خواهد شد چنانچه مشاهده شده است.

نظر به روابط ودادی که مابین دولتين جاری است و نماینده های محترم دولتين
 مایل به ابقاء و تشبیه آن هستند من امیدوارم جنایالی به مقامهای لازمه اعلام خواهید
 فرمود که قصد اعلیحضرت اعطای یک مجلسی است که مناسب با طبیعت مملکت و
 شرایع اسلام و عادات اهالی ایران باشد بطوریکه مملکت و ملت به توجهات ملوکانه
 در رفاه باشند.

نمره - ۱۹

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۲۱ دسامبر)
طهران، ۳ دسامبر ۱۹۰۸
[۱۳۲۶؛ ۸ ذی قعده ۱۲۸۷]

آقا

با کمال افتخار صورت خلاصه وقایع اتفاقیه در عرض چهار هفته ماضی ایران را
بر حسب معمول لفاظ ارسال می‌دارم.

امضاء جارج بارکلی

ضمیمه نمره ۱۹
خلاصه وقایع ماهانه

اخبار عمومی

سفارتین انگلیس و روس به توسط ترجمانهای خودشان به دولت ایران در باب
حمله قشون دولتين به یک قریه ارامنه در حوالی تبریز و مقتول و مجروح شدن یک
عدد ارامنه اطمیارات متفقاً نمودند.

بروز وقایع جدیده در مشهد که بی‌شبیهه مربوط به حضور سید محمد مجتبه طهرانی
در آنجا است بهمچنین عدم امکان ورود عین‌الدوله با قشون شاه به تبریز بر عسرت
مالیه افزوده.

امضا چرچیل، وکیل شرقی به تاریخ ۲ دسامبر ۱۹۰۸
[۱۳۲۶؛ ۷ ذی قعده ۱۲۸۷]

تبریز

جنرال قنسول انگلیس در نهم نوامبر [۱۷ آبان؛ ۱۴ شوال] از ارومیه وارد شد.
به تاریخ ۱۱ نوامبر معزی‌الیه اطلاع داد که از قرار مذکور یک عدد استعداد اضافه‌ای
مرکب از ۴۰۰ نفر سوار وارد شده و در یاسمیج به فرمانفرمای آذربایجان ملحق
شده‌اند. در سیزدهم یک عدد از قشون دولتی در تحت صمصامخان از اوامر حکمران
سرپیچی نموده به مجامبار حمله برده بسیاری از ارامنه را مقتول و مجروح نمودند. در
همین تاریخ سیصد نفر قزاق ایرانی با شش عراده توپ به اردوی دولتی ملحق شدند
ولی مستر راتیسلا اطلاع داد که ورود آنها تولید اثربی در تبریز ننمود.

در ۱۶ نوامبر [۲۴ آبان؛ ۲۱ شوال] قشون ملتی مراغه را تصرف نمودند ولی در
۳۰ نوامبر [۸ آذر؛ ۵ ذی قعده] خبر رسید که آنها را از آنجا عقب نشانده و به تبریز
رجعت نمودند. در ۳۱ نوامبر انجمن محلی در دیلمقان (سلماس) مجدداً تشکیل یافت
و در ۲۳ [یکم آذر؛ ۲۸ شوال] بناب، واقعه در ساحل شرقی دریاچه ارومیه، را ملتیان
بعد از مجادله با سواران چهار دولتی تصاحب نمودند.

در ۱۸ نوامبر [۲۶ آبان؛ ۲۳ شوال] ملتیان تلگرافات به پارلمان لندن و پاریس و سن پطرزبورغ مخابره نمودند و بن علیه (= علیه) راپورتهای دروغی که در باب مخاطره اتباع خارجه داده شده پر تست نمودند.

رشت

اردوکشی حکمران به طالش متجر به عدم موفقیت کامل گردید. قشون او هنگام عبور دهات را غارت نموده و در بعضی نقاط به اموال اتباع روس خسارت وارد آوردند. به تاریخ ۱۵ نوامبر [۱۳ آبان؛ ۲۰ شوال] در گرانیتود اهالی به آنها هجوم نمودند و آنها فرار نموده یک عراده توب را هم از دستدادند عقیده‌مستر رابینو براین است که اعزام قشون لازم نبوده چونکه گرانیتودیها مکرر اظهار قدویت و موافقت در قبول هر حاکمی بجز سردار امجد نموده‌اند بواسطه اینکه در ایام ماضی او خیلی خللم به آنها نموده.

در ۱۵ نوامبر، عمارت گمرک در انزلی را آتش زدند ولی قبل از اینکه خسارت زیادی وارد بشود اتفاقی حريق شد. مظنون است که این کار ملتیان باشد که می‌خواسته‌اند به این واسطه مقدار کثیری اسلحه و آلات ناریه‌ای که برای شاه وارد شده بود و در گمرک بوده معدوم بشود. تقریباً یکصد و هشتاد قبضه تفنگ ضایع شده است.

مشهد

مکتوبی به اسم علماء کربلا که اهالی خراسان را دعوت به هیجان نموده بود و مشعر به‌تشدد بسیار نسبت به شاه بود در ماه اکتبر در اینجا منتشر گردید و باعث تهییج زیادی شد. راپورت تلگرافی از مشهد مشعر براین است که در ۲۹ نوامبر [۷ آذر؛ ۴ ذی‌قده] تقریباً ۴،۰۰۰ نفر طلاب در حرم جمع شده و بازارها را بستند. روز بعد بواسطه دستگیرشدن یکی از متقدمین آشوب‌طلبان انقلابی‌بروز نموده و مابین طلاب و قشون شلیکی واقع شده. در غرّه دسامبر [۹ آذر؛ ۶ ذی‌قده] اوضاع جالب اهمیت شده و عده شورشیان زیاد شده بسیاری از کسبه به طلاب ملحق شدند و قشون در معابر جمع شده و قراول می‌دادند.

استرآباد

از استرآباد به سفارت روس خبر داده شده که در آنجا اغتشاش یروز نموده و حکومت مؤسسین انقلاب را به بمباردمان شهر تخریف نموده.

اصفهان

در هشتم نوامبر [۱۶ آبان؛ ۱۳ شوال] حکومت نظامی در اصفهان دائز گردید ظاهراً به‌قصد اینکه از متهییج نمودن علماء مردم را به‌ضد حکومت، جلوگیری بشود، از آن تاریخ به بعد شهر آرام بوده.

مقارن ۲۰ نوامبر [۲۸ آبان؛ ۲۵ شوال] تلگرافی از طرف علماء منجع طهران به علمای اینجا مخابره شده بود مبنی بر اینکه شاه از خیال تأسیس مشروطه بکلی منصرف شده. تلگراف مزبور در اصفهان منتشر نگردید. کلیه طریق بجز راه بختیاری پر از سارقین است. در ۱۷ شهر حال [۲۵ آذر؛ ۲۲ ذی قعده] در حوالی یزد خواست، قاله‌ای مركب از سی شتر با سارقین مصادف شده و شترها را با محمولاتشان بسرقت برداشتند؛ ۲۰ نفر قزاقی که از یزد به بافق فرستاده شده بود دچار حمله غفلتی سارقین شده و تمام دارایی آنها بسرقت رفته سوای دو قبضه تفنگ و بعضی از اسبهای آنها که داغ داشته.

یزد

اهالی تفت بتازگی ۲۵ نفر سواری را که برای جمع‌آوری مالیات به آنجا فرستاده شده بود بعد واپس زده ملبوس و تفنگهای آنها را مأخذ داشته و بعضی از آنها را به عنوان گرو نگاه داشته‌اند که حکومت تفتی‌هایی را که به شهر یزد می‌روند توقيف ننماید. حالا تفتی‌ها شروع به باج‌گرفتن از قواقل نموده‌اند.

کرمانشاه

در اواسط نوامبر ایل کلپر و گوران وارد سرپل که یک منزلی قصشیرین است شدند به قصد اینکه به صمصم‌الممالک رئیس ایل سنجابی که حاکم قصشیرین است حمله ببرند.

در ۱۶ اکتبر [۲۱ مهر؛ ۱۸ رمضان] ۶۶ نفر از سربازان بزچلو به قنسولخانه آمده و اطمینان می‌دارند تا حقوق دو ساله آنها که عقب‌افتاده است به آنها پرداخته نشود از آنجا خارج نخواهند شد. کفیل قنسولگری انگلیس مداخله در این امر ننمود ولی حکومت حقوق آنها را تماماً پرداخت و در ۲۱ اکتبر [۲۸ مهر؛ ۲۵ رمضان] خارج شدند.

شیراز

مقارن ۲۰ اکتبر [۲۷ مهر؛ ۲۴ رمضان] فوج کمره مركب از ششصد نفر وارد شیراز شدند. بمحبپر اپورت و اصله، ناحیه لار معرض تاخت و تاز و تعدیات سید عبدالحسین لاری می‌باشد و مشیارالیه اعلام نموده است پرداخت مالیات به شاه حالیه مخالف اسلام است.

سرقت‌های متواتره هنوز هم در راه اصفهان و هم در جاده بوشهر واقع می‌شود. بتازگی در حوالی سیوند پست را سرقت نموده و سورچی گاری را با کمال سبعیت مقتول نمودند.

سرقت‌های بسیار نیز در حوالی شهر واقع شده است.

امضا مأمور استکس آتاشه میلیتر

نمره - ۲۰

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۱ دسامبر)
طہران، ۴ دسامبر ۱۹۰۸
[۱۳۲۶ ذی قعده ۹؛ ۱۲۸۷ آذر ۱۲]

آقا

با کمال افتخار سواد یادداشتی را که مستر چرچیل نوشته لفأ ارسال می‌دارم که
مشعر بر مذاکراتی است که در شرفیابی ۲۸ ماه گذشته او و مسیو بارانوسکی به حضور
شاه بعمل آمدند. مجلس مشاوره‌ای که تشکیل آن را شاه به ترجمانهای سفارتین اطلاع
داده و از اعلیحضرت معظم درخواست شد که نوشتن قانون انتخابات را رجوع به آن
هیئت بنمایند قسمت عمده آن مجمع مشکل^۶ از اشخاصی است که دارای نظریات
ارتجاعی هستند و اگر شاه مقاعد به داخل نمودن اشخاص آزادیخواه در آن مجمع نشود
انتظار داشتن مساعدت از طرف آنها برای تجدید حیات مشروطیت بی‌فایده است.

امضا جارج بارکلی

مجدد: الان ترجمه رقعه‌ای را دیدم که صدراعظم به اعضای مجلس که مسمی
به مجلس عالی مملکت است نوشته و امر به اجتماع آنها نموده است. از قرار مذکور
وظایف آنها نظارت در امورات وزراء و حکام ولایات است (اوامر و دستوراتی را که
اعلیحضرت همایونی برای آنها مقرر فرموده اصفاء نموده و اطلاع حاصل نمایند).

امضا ج. ب.

ملفوقه در نمره ۲۰

یادداشت مستر چرچیل

من و مسیو بارانوسکی را امروز صبح نیم ساعت قبل از ظهر در بالاخانه عمارت
باغ‌شاه که سابقاً مجلس مقصوبین پلیتیکی بوده است شاه بار داد. در موقع شرفیابی
بجز شاه و ما، کس دیگری حاضر نبود.

مسیو بارانوسکی عنوان نموده که ما از جانب وزیر مختار انگلیس و شارژدار
روس شرفیاب شده که از آن اعلیحضرت سؤال نماییم برای ایفاء به موافق خودشان
چه اقداماتی فرمودند.

شاه جواب داد که جواب او در مقابل این سؤال خیلی مطول است و اوراقی لازم دارد
که عجالتاً حاضر نیست و توضیحاتی که او می‌خواهد بددهد بعدی مفصل است که او
وزیر امور خارجه خود را به سفارت انگلیس و روس خواهد فرستاد که آن توضیحات
را شرح بددهد.

من به شاه عرض نمودم علت اینکه مسیو بارانوسکی و من به حضور آن اعلیحضرت فرستاده شده‌ایم این است که آن اعلیحضرت بی‌ مضایقه نظریات خودشان را بدون پرده‌پوشی به ما اظهار ندارند. قصد ما هم این است که بی‌همین قسم بدون ملاحظه و مضایقه صحبت بنمایم و در حقیقت ما تصور می‌کنیم که می‌توانیم به آن اعلیحضرت مشهود پداریم که نظریات و منافع دولتين انگلیس و روس با نظریات و منافع آن اعلیحضرت حکم واحد را دارد.

شاه جواب داد من حاضرم بی‌ مضایقه صحبت بنمایم ولی اشکال در اینجا است که کسی به من گوش نمی‌دهد. من اظهار نمودم همه‌کس با آن اعلیحضرت موافق‌داده که مجلس اولی بی‌حاصل بوده و هیچکس میل ندارد آن وضع مشوشی که اعلیحضرت شاه آن را خاتمه داده‌اند اعاده نماید ولی ترتیب حاضره هم یکلی بهمان بدی بلکه بدتر است و نمی‌توان گذارد این ترتیب ممتد بشود. شاه تکرار نمود که کسی به من گوش نمی‌دهد و اظهار داشت من قصد داشتم که به مواعید خودم ایفا نمایم. پس از آن من دستخط جدید او را از جیب خود بیرون آورده اظهار داشتم که این فرمایش اخیر آن اعلیحضرت یا عنوانات در دستخط مخالف است ولی شاه حرف‌من را قطع نموده ورقه مزبور را از من گرفته و سعی نمود توضیح بنماید که عبارت «حتی ما ذکری از چنین مجلسی نخواهیم نمود» راجع به مجلس سابق است و اشاره فرمودند که ظاهراً شما خط ایرانی را نمی‌توانید بخوانید.

بعد از آن مسیو بارانوسکی با کمال مبالغه به شاه اصرار نموده که ایقاء به مواعید خود که یگانه وسیله اعادة نظم و استقرار آسایش در تبریز است بنماید، بیم تحصن پیوسته هست و هیچ کس مجلسی مثل مجلس سابق نمی‌خواهد ولی یک قسمت عمده مردم جازم هستند که حکومت شوروی داشته باشند. شاه در جواب اظهار داشت که از طرف دیگر بسیاری از مردم هم مخالف با آن هستند و اگر امروز من حکم انتخابات را صادر بنمایم مسلماً فردا خونریزی خواهد شد. پس از این بیان من به آن اعلیحضرت اظهار داشتم این بالاترین دلیل روش انتفاع شخصی است که درباریان آن اعلیحضرت تعقیب نموده‌اند. اگر آنها به آن اعلیحضرت عرض نموده‌اند که مردم مخالف با مجلس هستند مطلبی را که صحت ندارد عرض نموده‌اند. از این اظهار شاه همچه به نظر آمد که این اسناد را نپسندیده و به حمایت درباریان خود فرمایشات تند فرمودند. مسیو بارانوسکی مجدداً به شاه اصرار نمود که ایقاء به عهد خود بنماید و همین که شاه از مجلسی که فردا قرار است تشکیل بشود مذاکره نمود مسیو بارانوسکی اظهار داشت هیئتی که بتوسط خود شاه انتخاب شده‌اند آن تیست که وعده شده است و اعضاء مجلس را مردم پایستی انتخاب بنمایند. شاه تکرار نمود که اکثریت مردم مخالف مجلس‌اند. مسیو بارانوسکی فقط جواب داد که خیر، مثلاً اینطور تیست، و دیگر شاه جوابی نداد. مسیو بارانوسکی اظهار داشت که بهترین روش از برای آن اعلیحضرت این است که به مجمع عالی جدید امر بنماید قانون انتخاباتی بنویستند که بتوسط آن مجلس تشکیل داده بشود مرکب از وکلای فهیم که در مصالح لازمه و اصلاحات مملکت با

وزراء معيت بنمايند. مجلس مثل سابق مرکب از کتبه و اشخاص جاہل نخواهد بود و هیچ کس مایل به تأسیس انجمنها یا مطبوعات آزاد مثل سابق نیست. شاه اظہار داشت در باب این پیشنهاد مذاقه فرموده و با آنهاei که باكمال تشدد مخالف مجلس هستند در این باب مذاکره خواهد نمود.

من اظہار داشتم که اگر خود اعليحضرت درك بفرمايند که مداومت ترتیب حاضره چقدر خطرناک است و برای منافع خود آن اعлиحضرت چقدر لازم است که ترتیب جدیدی بدھند و در واقع در ترتیبات جدید پیشقدم بشوند که شروع بصالحات لازمه بشود. دیگر بهیچوجه لازم نخواهد بود که اعлиحضرت در باغشاه توقف بنمايند. شاه اکیدا اظہار داشت که من از مراجعت به قصر شهر بهیچوجه خوف ندارم. توقف من در باغشاه برای اين است که من اين مكان را دوست دارم. مسيو بارانوسکي مجدداً اصرار نمود که قطعاً بداند آيا آن اعлиحضرت رأى خود را بر اين قرار داده است که هيئت مجلس جدید را به نوشتن قانون انتخابات مأمور بنمايد و شاه تکرار نمود که پس از تعمق در اين مسئله و مذاکره با آنهاeii که با تشکيل مجلس منتخبه مخالف هستند بتوسط وزير امور خارجه خود به وزير مختار انگليس و شارژ دافر روس جواب خواهد داد.

امضا چرچيل

طهران، به تاریخ ۲۸ نوامبر ۱۹۰۸
[۱۳۲۶] ۶ آذر ۱۲۸۷؛ ۳ ذی قعده

نمره - ۲۱

تلگراف سرنیکلسن به سر ادواردگری (واصله در ۲۱ دسامبر)

سن پطرزبورغ، ۲۱ دسامبر ۱۹۰۸
[۱۳۲۶] ۲۶ ذی قعده ۱۲۸۷؛ ۳ آذر

امروز بعد از ظهر مسيو دوهاردويك [= هارتويك] به ديدن من آمد و اظہار عقیده می کند که اگر به شاه وعده و اميدی داده شود که در صورت اقدام فوري برای نوشتن قانون انتخابات بترتيب منصفانه و انعقاد مجلس از طرف دولتين ممكن است مساعدت مالي به آن اعлиحضرت بشود در آن صورت اعлиحضرت معظم در عمل نمودن بر طبق نصائح سفارتین تعلل و مضايقه نخواهند كرد. عقيدة مشاراليه راسخ است بن اينکه امتداد اوضاع حاضره منجر به هرج و مرج عمومی خواهد شد که مداخله لازم و ناگزير بگردد.

من گمان می کنم مسيو ايسولسکي هم با اين نظریات مسيو دوهاردويك موافق داشته باشد.

نمره - ۲۲

تلگراف سر نیکلسن به سر ادواردگری (واصله در ۲۲ دسامبر)

سن پترزبورغ، ۲۲ دسامبر ۱۹۰۸

[یکم دی ۱۲۸۷؛ ۲۷ ذی قعده ۱۳۲۶]

مسیو ایسولسکی به من اطلاع می‌دهد که اعلیحضرت امپراطور سفیر مخصوص ایران را نخواهد پذیرفت. مسیو ایسولسکی شخصاً او را ملاقات خواهد نمود و از قرار اظهار خودشان صرحتاً در باب اوضاع حاضر ایران با او مذاکره خواهد کرد.

نمره - ۲۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۲۳ دسامبر)

طهران، ۲۲ دسامبر ۱۹۰۸

[یکم دی ۱۲۸۷؛ ۲۷ ذی قعده ۱۳۲۶]

باز هم دیروز از طرف سفارتین اظهارات شد. صدراعظم ترجمانهای سفارتین را پذیرفت و آنها اصرار نمودند شاه باید امر یکنند یک عدد اشخاص خوب به مجلس عالی افزوده بشوند که قانون انتخاباتی را که قبل از تمایش در هفتم نوامبر اعلیحضرت شاه در صدد طبع و نشر آن بودند و تفصیلش را در تلگراف هشتم نوامبر اطلاع داده ام تکمیل بنمایند.

انتظار آن هست که شاه ترجمانهای سفارتین را امروز عصر بار بدده.

نمره - ۲۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۲۲ دسامبر)

طهران، ۲۳ دسامبر ۱۹۰۸

[۲ دی ۱۲۸۷؛ ۲۸ ذی قعده ۱۳۲۶]

دیروز شاه ترجمانهای سفارتین را احضار نموده و به آنها اظهار فرموده که من میل دارم نمایندگان دولتین ملتفت بشوند که من مصمم ایفای عهد خود بوده و مشغول انجام آن بودم که در آنوقت مردم در سفرات کبرای عثمانی متخصص شده و می‌خواستند من را در اجرای آن مجبور بنمایند و من میل ندارم که در این موضوع چنین بنمایم که در تحت اجبار آنها تفویض^۷ شده‌ام.

پس از انجام شرفیابی فوق، شاه صدراعظم و وزیر جنگ را احضار نموده بود. بعد از آن صدراعظم و عده نمود شرحی ترجمانهای سفارتین مسوده بنمایند و به امضای او برسد که امروز بدو زیر امور خارجه تبلیغ پشود مشعر بر اینکه «اعلیحضرت

(۷) چنین است در اصل (تخویف؟) - م.

شاهنشاهی تقبل می‌نماید که روز بعد از خروج متخصصین از سفارت کبرای عثمانی دستخطی صادر بنمایند که قانون انتخابات بتوسط هیئت منتخبه اعلیحضرت که در مجلس عالی مملکت عضویت خواهد داشت نوشته بشود.» پس از آنکه این دستخط امروز به نمایندگان سفارتین ارائه بشود وزیر امور خارجه باید آن را ضبط بنماید.

نمره - ۲۵

تلگراف سر ادوارد گری به سرتیکلسن

وزارت خارجه، ۲۳ دسامبر ۱۹۰۸

[۱۳۲۶ دی ۲۸؛ ۱۲۸۷]

به تلگراف ۱۸ شهر حال [۲۶ آذر؛ ۲۳ ذیقده] که از طهران مخابره شده مراجعه نمایید.

اگر شاه مجدد استقرارش را عنوان بنماید دولت انگلیس حاضر است که در آن نظری نموده و ببیند که آیا ممکن است در اطمینان و ضمانت از فایده و مصرف قرضه صحیحی شرکت و دخالت بنماید و این کار را فقط وقتی خواهد کرد که سفارتین از مسیو بیزو که کاملاً در این مسئله تحقیقات کرده است اطمینان حاصل بنمایند که به عقیده او این قرضه مطلوب و لازم است و باید داده شود. دولت انگلیس بهیچ وجه از این اندازه تجاوز نخواهد نمود و تا شاه قانون انتخابات را صادر ننماید و یک موقع خیلی نزدیکی برای انتخابات معین ننماید دولت انگلیس نمی‌تواند اظهار عقیده بنماید. پسحال تا تأمینات کافیه از حیث محل مصرف این وجه حاصل نشود و ترتیب مشروطه مستقر نگردد دولت انگلیس مداخله در این مسئله نمی‌تواند بنماید.

مسیو ایسولسکی را از این نظریات مسبوق نموده و نیز به او اطلاع بدهید که به عقیده ما اگر این اقدام به نظر مسیو بیزو انجام پذیر است [نیست؟] بهتر آنست که اصل مسئله استقرارش را متروک داشته [دارید] حتی در موقعی که مشروطه هم مرتبأ دائر بشود.

نمره - ۲۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۴ دسامبر)

طهران، ۲۴ دسامبر ۱۹۰۸

[۱۳۲۶ دی ۲۹؛ ۱۲۸۷]

وعده صدراعظم که در تلگراف مورخه دیروز خودم راپورت دادم تکمیل نشده به این جهت امروز ما مجدد اظهارات خواهیم نمود.

تقریباً ۲۵۰ نفر حالاً در سفارت کبرای عثمانی متخصص شده‌اند. وزیر مختار اطربیش بعضی اشخاص دیگر را که متولی به حمایت او شده‌اند در یک خانه‌ای که وصل به سفارت خودش است مسکن داده.

نمره - ۲۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر نیکلسن

وزارت خارجه، ۲۶ دسامبر ۱۹۰۸

[۳ دی ۱۲۸۷؛ ۲۹ ذی قعده ۱۳۲۶]

من ترجیح می‌دهم قبیل از اینکه مشروطه مستقر بشود مساعدت پولی به شاه نکنیم (به تلگراف ۲۱ شهر حال خودتان مراجعه فرمایید) بعلاوه من صلاح نمی‌دانم که قبل از فهمیدن نظریات مستشار مالیه ما در این باب وعده‌ای بدھیم.

نمره - ۲۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۵ دسامبر)

طهران، ۲۵ دسامبر ۱۹۰۸

[۴ دی ۱۲۸۷؛ یکم ذی حجه ۱۳۲۶]

ترجمانهای سفارتین دیروز صدراعظم را ملاقات نمودند برای اینکه به او اظهار و ایراد نمایند که در ترتیب دادن تعهدنامه‌ای که به آنها وعده نموده بود قصور تموده معزی الیه بر خلاف انتظار سختی و مخالفت اظهار نموده و تمام دلایل قدیمه در باب مخالف بودن انتخابات عمومی با شرایع اسلام را اقامه نمود. در موقعی که ظاهراً شاه مشرف به تمکین نمودن باظهارات ماست دلیل این تغییر حالت صدراعظم را نمی‌توانم درک بنمایم.

متحصنهای در سفارت اطربیش خارج شدند ولی هنوز دویست و پنجاه نفر در سفارت کبرای عثمانی هستند و از خارج شدن امتناع دارند اگر چه من روز چهارشنبه از اطمینانهای شاه به شارژدار عثمانی اطلاع دادم.

نمره - ۲۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۶ دسامبر)

طهران به تاریخ ۲۶ دسامبر ۱۹۰۸

[۵ دی ۱۲۸۷؛ ۲ ذی حجه ۱۳۲۶]

رجوع به تلگراف ۲۱ دسامبر سر نیکلسن.

اظهار امیدواری نمودن ما در باب استقرارض فقط تأثیر آنی به شاه نموده (به تلگراف ۱۷ شهر حال من مراجعه شود) و من گمان نمی‌کنم که قاعدة در این موضوع ما بتوانیم بیشتر تجاوز نماییم.

در باب اوضاع من نمی‌توانم بجز تشویش احساس دیگری بنمایم. آنچه بر من معلوم شده ممکن است مردم هم آن بازارها را ببینند و این برای اقدامات قهقهه بهانه‌ای

پرای شاه خواهد شد.

من تصور می‌کنم حالا موقع آن رسیده است که بطريق مشددتری اظهارات بنمایم. چونکه نتیجه نصایح مصره ما در واقع تا حال هیچ نبوده. من پیشنهاد می‌نمایم که نماینده‌های دولتين درخواست بار یافتن به حضور شاه را نموده و خاطرنشان آن اعلیحضرت بنمایند که یگانه طرق اسکات هیجان و انقلاب حالیه انفصل صدر اعظم و وزیر جنگ از هیئت‌های مشاوره است و بنودی رجوع کردن به یک هیئت کافی و نوشتن قانون انتخاباتی که آن اعلیحضرت به ملت خود و نمایندگان دولتين وعده نموده است. و نیز اعطای عفو عمومی به اتباع خودش که در ایالت آذربایجان در تحت سلاح هستند و اگر این اقدامات را ننماید دولتين نتیجه خواهند گرفت که آن اعلیحضرت بکلی از پیروی نصایح آنها امتناع می‌ورزد و او را به حال خود خواهند گذاشت که بدون اینکه دیگر به او نصیحتی بنمایند و معیتی با او داشته باشند خودش امورات را با ملت خود ختم نماید.

نمره - ۳۰

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادردار گری (واصله در غرہ ژانویه)
اصفهان

یموجب تلگرافی که از جنرال قنسول انگلیس به من رسیده در اصفهان هیجان عظیمی است.

مسیو سبلین [= سابلین] به من اطلاع می‌دهد که یک عده مردم از یک بابت برای هیجان ملی و از بابت دیگر برای تعرض و پرتسیت نسبت به حکومت در جنرال قنسولگری روس متھصن شده‌اند.

نمره - ۳۱

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادردار گری (واصله در ۳ ژانویه)
طهران، ۳ ژانویه ۱۹۰۹
[۱۳ دی ۱۲۸۷؛ ۱۰ ذیحجه ۱۳۲۶]
اصفهان

در تعقیب تلگراف غرہ شهر جاری خودم مبادرت می‌نمایم که جنرال قنسول انگلیس مقیم اصفهان را پورت می‌دهد که دیروز بین قشون و مخالفین مجادله‌ای واقع شده. معلوم نیست تلفات چقدر بوده. سرپازانی که بواسطه بی‌قدرتی صاحبمنصبان عنان اختیارشان از کف ساقط شده قسمت زیادتر بازارها را غارت نموده‌اند. الحال هرج و مرچ کامل در شهر احاطه دارد. حاکم و سایر مأمورین محلی در جنرال قنسولگری انگلیس متھصن شده‌اند. امروز انتظار ورود صمصادم‌السلطنه ایلخانی با یک عده

بختیاری هست که استعداد خود را به استعداد مخالفین دولت ملحق خواهند نمود. از قراری که مستر گرهم دیشب تلگراف نموده بود خطر عاجلی برای اتباع انگلیس تصور نمی‌نماید. علی‌الظاهر علت عدمه این هیجان رنجش از حکمران است و در بد و استماع این انقلاب من بد دولت ایران تأکید نمودم که به‌اهمی ناراضی یک‌نوع اطمینانی بدهند که باعث اعاده نظم بشود. امروز صبح من و مسیوسبلین [= سابلین] با قنسولهای خودمان مخابرۀ حضوری داشتم و نتیجه آن این شد که یادداشتی بتوسط صدراعظم به‌شاه تقدیم نموده و در عزل آن حاکم‌بی‌کفایت و احضار آن بدترين افواج بدعمل و تقویض مهام حکومت به ایلخانی اصرار نمودیم. ما دولت ایران را برای خسارات انگلیس و روس مسؤول قرار داده‌ایم.

نمره - ۳۲

مكتوب سريکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۴ زانویه ۱۹۰۹)

سن پطرزبورغ، ۲۵ دسامبر ۱۹۰۸

[۴ دی ۱۲۸۷؛ یکم ذی‌حجه ۱۳۲۶]

آقا

دیروز بعد از غیر محمودخان علاء‌الملک، ایلچی مخصوص ایران، به‌دیدن من آمد. معزی‌الیه به‌من اطلاع داد که مسیو ایسولسکی را ملاقات نموده ولی نتوانسته است خدمت امپراتور شرفیاب شود چون اعلی‌حضرت معظم برای تسلیت فوت گراندوك کسی را نمی‌پذیرد. پس از آن محمودخان شروع به‌بیان شرح مفصلی در تخطیفات مجلس سابق ایران نموده و در عدم لیاقت آن و اغراض فاسدۀ شخصی اعضاء آن و مداخله در امور اجرائیات راجعه به‌دولت و سایر اقدامات سوء که. یکلی باعث بی‌اعتباری آن در تمام مملکت شده بود تشیید نمود. او اظهار نمود که کلیه سبک و روش مجلس و بی‌نظمی که در عرض مدت انعقاد آن در مملکت واقع شده بود و بضمیمه اقدامات هرج و مرچ کارانه انجمنهای پلتیکی بالصراحه آشکار نمود که ایران برای مجلس نمایندگان بطریق جدید مستعد نیست. وضع منقلبۀ آذربایجان را به‌چوجه هیجان آزادیخواهان در تأیید مشروطه باعث نیست بلکه آشوب طلبی ستارخان دزد بمعیت یک عدد راه‌هزنان و قاچاق‌های [= قاچاقچی‌های] قفقازی مؤسس آن شده است. دادن یا ندادن مشروطه به‌ایران هیچ اثری در اقدامات ستارخان و متابعین او نخواهد نمود. محمودخان اغلیه داشت که مسلمًا شاه با یک مشروطه‌ای مساعد است بلکه تمام ایرانیان صاحب افکار صحیح این عقیده را دارند ولی متاسفانه دولتين بتوسط نمایندگان خودشان در طهران اعلی‌حضرت مذبور را نصیحت‌می‌نمایندکه فوراً مشروطه را اعطا بنماید. حتی قبل از انتظام اداره مملکت که در حال هرج و مرچ است اولین احتیاج ایران این است که مالیه آن به مبنای بهتری مستقر بگردد و احتیاج خیلی فوری دوم آن اصلاح تمام ادارات مملکت است. همینکه دو اثر مختلف دولت رفورم

شد و اداره دولتی منظم‌باشد کار افتاد آنوقت ممکن است مجلس تأسیس بشود در صورتی که بتوان اشخاص کافی برای عضویت آن بدهست آورد. دولت انگلیس در هندوستان و مصر یک نوع اسلوب حکومت قابل تحسینی تأسیس نموده است ولی خود تصور این را می‌کند که هنوز موقع آن نرسیده که به هندوستان یا مصر مشروطه‌ای به ترتیب جدید اروپا اعطا بنماید و ایران خیلی از هندوستان و مصر عقب‌تر است. ما می‌خواهیم خانه‌ای به عجله بسازیم حتی قبل از اینکه بنياد آن را بقاعدۀ نهاده باشیم. تجربیات حاصله از مجلس سابق باعث یأس و حرمان کلی تمام طبقات تجار و مردمان با مدرک^۸ مملکت شده و دهقانان هم که از مجلس چیزی ملتافت نبودند هیچ مایل به تشکیل آن نیستند. اگر دولتین شاه را مجبور به ترتیب قانون انتخاباتی و تشکیل مجلس بنمایند مجدداً مملکت را در گرداب انقلاب غوطه‌ور نموده و هر دو دولت مجبور به مداخلات عملی در امور داخلی ایران خواهند شد و اظهار داشت می‌دانم نه دولت انگلیس و نه دولت روس مایل به اتخاذ همچه روشی می‌باشند. مشارالیه الحاج نمود دولتینی که او می‌داند صمیمانه خواهان نفع و خیر ایرانند خوب است مسامعی جميله خود را در اصلاح مالیه بکار ببرند و مساعدت پولی با دولت تموده و در اصلاح کلی دوائر اداره مملکت اصرار بنمایند. البته تصیحت و مساعدت آنها در این موضوعات قدر و قیمت فوق العاده خواهد داشت ولی می‌ترسم که اگر دولتین در چیزی که هنوز موقعش نرسیده و ممکن است خطرناک واقع بشود کماکان اصرار بنمایند منظوراتی را که در نظر دارند ضایع و معکوس بگردند. من گمان می‌کنم شرح فوق مجموعه کاملی است از آنچه محمودخان به من اظهار داشته است. من صحبت او را قطع ننمودم چون می‌خواستم هر چه در خاطر دارد بگوید ولی پس از ختم کلام او، من اظهار داشتم که با عنوانات او نمی‌توانم موافقت داشته باشم. اولاً شاه به دولتین قول صریح داده که بعضی اقدامات معین را مجری بدارد تا حال در وفا نمودن به‌این قول خود قصور نموده. عقیده من این نیست که قسمت بیشتر مردم بامجلس مخالف باشند بر عکس، من یقین دارم که آنها مشتاقانه طالب آن هستند و اگر مشروطه عطا نشود تجدید انقلاب خواهد شد. احتمال کلی دارد که مجلس سابق نواقص و معایب بسیار داشته ولی من یقین دارم که در بین طبقات تربیت شده و تجار یک عدد کافی اشخاص پیدا خواهند شد که لایق وکالت باشند و برای اشخاص لایق که در ایران هم از آنها موجود است ممکن است یک قانون انتخاباتی طرح بنمایند که باعث انتخاب نمایندگی بشود که شوق و میلی به نیک بختی مملکت خود داشته باشند. مختصرآ اینها نکاتی بود که البته کسانی که در آن نقطه حاضر بوده‌اند خیلی بهتر از من می‌توانند تمیز آن را بدهند. ولی آنچه من می‌توانم به شما بگویم این است که نه دولت روس و نه دولت انگلیس از روشنی که عجالتاً تعقیب می‌نمایند منحرف و منصرف نخواهند شد.

بالاخره من از ایشان سؤال نمودم که نقشه و خیالشان چیست. مشارالیه جواب

(۸) به همین گونه است در اصل [مدرک (همجو محسن) = درک کننده - فهیم؟] - م.

دادند که عنقریب به پایتخت‌های اروپا گردشی خواهند نمود.
امضا ا. نیکلسن

نمره - ۳۴

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادر اوراد گری (واصله در ۴ ژانویه)
طهران، ۴ ژانویه ۱۹۰۹
[۱۴ دی ۱۲۸۷؛ ۱۱ ذی‌حجه ۱۳۲۶]

اصفهان

تلگراف مورخه دیروز جنرال قنسول انگلیس مقیم اصفهان مبنی بر این است که در جنگ‌های گاه‌بگاهی که روز و شب ممتد بوده چندین نفر سرباز مقتول شده. حاکم کوشش نموده که با مخالفین خود ترتیب صلحی بدهد. خبر رسید که امروز ظهر دویست نفر یختیاری دیگر داخل شهر شده‌اند و غروب کارگزار به مستر گرهم اطلاع داده است که ضرغام‌السلطنه اعلام داشته است که تا ورود صنمصام‌السلطنه که روز دوشتیه خواهد بود حکومت شهر را خود او خواهد نمود. اهالی صنمصام‌السلطنه را بمنزله یگانه دلیر ملی خواهند پذیرفت. یک جمعی از همراهان و حشمت‌زده اقبال‌الدوله و قسمت بیشتر دو فوج در همان شب به جنرال قنسول‌گری ریخته‌اند. مستر گرهم را پورت می‌دهد که جمعیت مزبور در تحت سلطه و انتظام هستند.

نمره - ۳۵

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادر اوراد گری (واصله در ۴ ژانویه)
طهران، ۴ ژانویه ۱۹۰۹
[۱۴ دی ۱۲۸۷؛ ۱۱ ذی‌حجه ۱۳۲۶]

اصفهان

یموجب تلگراف واصله از جنرال قنسول انگلیس، امروز صبح اهالی شهر و سایرین دیوانخانه حکومت را غارت نمودند. حاکم مستعفی گردیده و استعفای او قبول شده.

نمره - ۳۶

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادر اوراد گری (واصله در ۵ ژانویه)
طهران، ۵ ژانویه ۱۹۰۹
[۱۵ دی ۱۲۸۷؛ ۱۲ ذی‌حجه ۱۳۲۶]

اصفهان

امروز صبح من و مسیو سبلین [= سابلین] تلگراف حضوری دیگری با قنسولهای اصفهان خودمان داشتیم.

ایلخانی با هزار نفر بختیاری شهر را تصرف نموده. معزی‌الیه به تجارت‌خانه‌های خارجه مستحفظ گمارده و مشغول حفظ نظم است. شهر آرام است و سربازهای ایرانی متفرق شده‌اند. دونفر از مأمورین محلی را که هردو آنها بی‌فایده هستند شاه به نیابت حکومت منصوب نموده و یکی از آنها تا حال از قبول این شغل امتناع نموده.

من و همکار روسی خودم امروز مجدداً تأکید نمودیم که ایلخانی موقتاً به حکومت شهر منصوب بشود چون یگانه قوه‌ای که از عهده استقرار نظم پرآید او است و به آن اعلیحضرت اطلاع دادیم که ما به قنسولهای خودمان تعليمات خواهیم داد که ایلخانی را برای نگاهداشتن نظم عمومی و تأمین اتباع انگلیس و روس مسئول قرار بدهند.

نمره ۳۶

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادواردگری (واصله در ۵ ژانویه) ۱۹۰۹
[۱۲۸۷: ۱۵] ۱۲ ذی‌حجه [۱۳۲۶]

تبریز

ملتیان عایدات مخابرات داخله از سیم کمپانی را از تلگرافخانه هند و اروپ مطالبه نموده‌اند و به‌این جهت مخابرات داخله تعطیل شده است. ملتیان حالا تعویف نموده‌اند که اگر مخابرات داخله مجدداً مفتوح نشود امتیاز کمپانی راجع به آذربایجان را فسخ خواهند نمود. اداره لندن به‌وکیل کمپانی مقیم تبریز اجازه داده‌اند که مخابرات داخله رامفتوح بنمایند ولی ملتیان اظهار می‌دارند که اگر عایدات به‌آنها پرداخته نشود سیمها را قطع خواهند نمود. رئیس کمپانی تلگراف در اینجا برای تحصیل اجازه معمول داشتن این امر به دولت ایران مراجعه نموده و اخطار نموده است که اگر سیمها قطع بشود خسارت آن را از دولت مطالبه خواهد نمود.

مسیو سبلین [= سابلین] و من به قنسولهای تبریز خودمان تعليمات داده‌ایم که به ملتیان تأکید بنمایند که تأمل کنند تا این مسئله در طهران ختم بشود، چون سفارتین مشغول مذاکره هستند، و از نتایج وخیمه این امر آنها را مستحضر بدارند که اگر سیمها قطع بشود باعث اخلال مخابرات بین‌الملل خواهد شد.

اگر لازم بشود من و شارژ دافر روس در اینجا کمپانی را تقویت خواهیم نمود.

نمره - ۳۷

تلگراف سرچارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۶ ژانویه)
طهران، ۶ ژانویه ۱۹۰۹
[۱۶ دی ۱۲۸۷ : ۱۳ ذیحجه ۱۳۲۶]

اصفهان

در جواب اظهاراتی که من و همکار روسیم در سوم شهر حال به شاه نمودیم و شرح آن را در تلو تلگراف سیم ژانویه خودم راپورت دادم اعلیحضرت معظم اظهار داشت که به ایلخانی املعینان ندارد و پیروی نصیحت ما را ننموده معزیالیه را به حکومت اصفهان منصوب نخواهد نمود. نتیجه اهتمام شاه در تعیین شخص دیگری به حکومت ممکن است باعث این بشود که یک وضع مشابه بهوضع تبریز هم در اصفهان تولید بشود و ایلخانی حالیه عملاً حاکم است.

نمره - ۳۸

تلگراف سرچارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۶ ژانویه)
طهران، ۶ ژانویه ۱۹۰۹
[۱۶ دی ۱۲۸۷ : ۱۳ ذیحجه ۱۳۲۶]

سعدالدوله به وزارت امور خارجه منصوب گردید.

نمره - ۳۹

تلگراف سرچارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۷ ژانویه)
طهران، ۷ ژانویه ۱۹۰۹
[۱۷ دی ۱۲۸۷ : ۱۴ ذیحجه ۱۳۲۶]

راجح به تلگراف دیروز من در باب اصفهان

شاه فرماننکرما را به حکومت اصفهان تعیین نموده ولیکن تواب معظم سریعاً برای این مأموریت خود حرکت کردنشی نیست. او نایبالحاکمه [را] با تفاق سیصد نفر بختیاری در تحت سرکردگی سردار فلفر و سایر رؤسائے روانه خواهد نمود. آنچه حالیه قرار داده‌اند این است که تا یکی دو روز دیگر از طهران حرکت کنند و واضح است که شاه امید دارد به اینوسیله تخم مخالفتی مابین بختیاریان بکاره.

نمره - ۴۰

تلگراف سرچارج بارکلی به سرادروارد گری (واصله در ۷ ژانویه ۱۹۰۹
طهران، ۷ ژانویه ۱۹۰۹
[۱۳۲۶ دی ۱۲۸۷ : ۱۴ ذیحجه]

راجع به تلگراف دیروز من در باب اصفهان

بعوجب اطلاعات واصله به جنرال قنسول انگلیس، خوانین بختیاری باهم متفق شده و متوجه به مقابله نمودن با فرمانفرما هستندکه از قرار مذکور با چهار قوچ و توب در صدد حرکت بطرف اصفهان است.

مستر گرهم اوضاع را خیلی اهمیت می دهد چونکه تصور می کند در صورت مخاصله و مخالفت جان و مال اتباع خارجه در خطر خواهد بود.

من در صدد هستم که حتی القوه اوضاع را به ترتیب مصلحانه‌ای ختم بنماییم.

نمره - ۴۱

تلگراف سرچارج بارکلی به سرادروارد گری (واصله در ۸ ژانویه ۱۹۰۹
طهران، به تاریخ ۸ ژانویه ۱۹۰۹
[۱۳۲۶ دی ۱۲۸۷ : ۱۵ ذیحجه]

تبیرین

در طی تلگرافی مورخه دیروز جنرال قنسول انگلیس مقیم تبریز راپورت می دهد که در ۶ شهر حال انجمن محلی نماینده‌ای به گمرکخانه فرستاده‌اند که در عایدات آنجا نظارت بنماید.

نمره - ۴۲

تلگراف سرچارج بارکلی به سرادروارد گری (واصله در ۸ ژانویه ۱۹۰۹
طهران، ۸ ژانویه ۱۹۰۹
[۱۳۲۶ دی ۱۲۸۷ : ۱۵ ذیحجه]

معروف است که شاه در صدد تجدید اشاعه دستخط مورخه ۲۲ توامین خودش به ضد مشروطه است. اوضاع از بد به بدتر متغیر است. اگر در معامله با وضع اصفهان اعلیحضرت معظم پیروی نصیحت ما را نموده بود یا حتی حالا هم مایل به پیروی آن می بود یحتمل ممکن می شد که بالاخره حصم‌السلطنه را راضی به مراجعت نمود و لی اعلیحضرت مذبور همانطور که در تصایع ما در باب سایر مسائل خودرأیی نموده در این مسئله هم به وضع خود رأیانه خویش مستدام است. من تردید دارم که با این وضع فلاتکت و بی‌پولی او بتواند قشون به اصفهان بفرستد و یا اگر هم قشون به آنجا

برود احتمال فائق آمدن آنها باشد.

غیرممکن نیست که پس از اقدامات قهقهه صمصام‌السلطنه در اصفهان این عمل بختیاری را سایر طوایف هم تعقیب بنمایند. یعنی ایل کلهر در کرمانشاه و ایل قشقائی در شیراز. اگر چه ممکن است وقت آن گذشته باشد که بوسیله اعطای مشروطه که برای مساعدت پولی ما شرط حتمی است از ازدیاد هرج و مرج جلوگیری بشود مع‌هذا من تصور می‌کنم استقرار ترتیب مشروطه یگانه امید دفع حوادث مهمه‌ای است که عاقبت آن را بطوریقین نمی‌توان پیش‌بینی نمود. ولیکن آن حوادث ممکن است باعث تجزیه و قطعه قطعه شدن ایران بگردد یا اینکه لااقل شاه را مقهور و مجبور به اجرای فرمایشات ملتیان بنماید.

نمره - ۴۳

تلگراف سرچارج بارکلی به سرادردار گری (واصله در ۸ ژانویه)

طهران، ۸ ژانویه ۱۹۰۹

[۱۸ دی ۱۲۸۷؛ ۱۵ ذی‌حجه ۱۳۲۶]

اصفهان

جنرال قنسول انگلیس راپورت می‌دهد که صمصام‌السلطنه اعلانی بین اهالی اصفهان منتشر نموده است مبنی براینکه اگر اهالی در عرض سه روز نمایندگان خود را برای انجمن مشروطه محلی انتخاب ننمایند بختیاریها سه‌نفر علمای اعظم را برداشته از شهر خارج خواهند شد و اهالی را به اراده شاه و سربازان وا می‌گذارند. بختیاریها شهر را سنگریندی نموده‌اند.

نمره - ۴۴

تلگراف سر نیکلسن به سرادردار گری (واصله در ۹ ژانویه)

سن پطرزبورغ، ۹ ژانویه ۱۹۰۹

[۱۹ دی ۱۲۸۷؛ ۱۶ ذی‌حجه ۱۳۲۶]

من امروز مسیو ایسویسکی را ملاقات نموده و در باب اوضاع عمومی ایران که همچو می‌نماید که تمام مملکت در حالتی است که ممکن است منتهی به تجزیه بشود با او صحبت نمودم، عقیده او براین است که یک اقدامی باید بشود که از استقرار حکومت مستقله در تبریز و اصفهان جلوگیری بشود و میل دارد نظریات شما را بداند که با اوضاع این دوشهر چه شکل باید معامله نمود.

نمره - ۴۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۹۹ ژانویه)
طهران ۱۰۹ ژانویه ۱۹۰۹
[۱۳۲۶ دی ۱۲۸۷؛ ۱۶ ذیحجه]

در تلگراف ماقبل خودم در باب اوضاع اصفهان من از ایلخانی اسم برده‌ام.
اگر معزی‌الیه را صمصم‌السلطنه بخواتیم صحیح‌تر خواهد بود چون از قراری که
حالا من استدران نموده‌ام از چند هفته قبل شاه او را از ایلخانی‌گری منفصل نموده.
صمصم‌السلطنه پیغامی به فرمانفرما فرستاده که بدون پرده‌پوشی هوایخواه و
ظرفدار مقصد میلیون است. فرمائناورما از شارژ دافر روس و من خواهش نموده که
امروز بعداز ظهر ما را دیدن بنماید. نواب معظم ازمن خواهش خواهد نمود که به
صمصم‌السلطنه اصرار بنمایم از اصفهان خارج بشود و تجدید تعیین او به ایلخانی‌گری
منوط به خارج شدن از اصفهان است. عجالتا من با تفاق شارژ دافر روس خود را
محدود به‌این نموده‌ایم که به قنسولهای خودمان تعليمات بدھیم که به صمصم‌السلطنه
اطلاع بدهند برای نگاهداشت نظم اعتماد ما به او است.

من قصد دارم به فرمانفرما اطلاع بدهم که بدون تعليمات جدید از وزیر امور
خارجه من صلاح خود را نمی‌دانم به صمصم‌السلطنه صلاح‌اندیشی دیگری بنمایم.

نمره - ۴۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۹ ژانویه)
طهران، ۹ ژانویه ۱۹۰۹
[۱۳۲۶ دی ۱۲۸۷؛ ۱۶ ذیحجه]

وضع آذربایجان

بموجب تلگراف واصله از مستر راتیسلا قریه سر درود را که بتازگی ملتیان تصرف
نموده بودند در ۷ شهر حال تخلیه نمودند. دولتیان هجوم آورده و چند اسیری که در
دست ملتیان بود مستخلص و لخت نمودند.
این مجادله را در طهران بزرگ نموده و یک فتح عظیمی از طرف دولتیان جلوه
داده‌اند.

نمره - ۴۷

تلگراف سرچارج بارکلی به سرادردارد گری (واصله در ۹ ژانویه)
طهران، ۹ ژانویه ۱۹۰۹
[۱۹ دی ۱۲۸۷ : ۱۶ ذیحجه ۱۳۲۶]

رجوع به تلگراف امروز من در باب اصفهان

در ملاقات امروز بعداز ظهر ما، فرمانفرما بهمن و همکار روسیم اظهار داشت که اگر صمصام‌السلطنه مقاومت بنماید می‌ترسم دامنه اغتشاش وسعت حاصل ننماید. از طرف دیگر اگر ممکن بشود که صمصام‌السلطنه متلاعنه باشد بمرجع پیشنهاد عقیده من براین است که بتوانم انتظام و آسایش را مستقر بدارم. فرمانفرما اظهار می‌دارد که نایب‌الحكومة او به معیت ۴۰۰ نفر بختیاری فردا از طران حرکت خواهد نمود. از قرار مفهوم نواب معظم به خیال این است که چند هفتة دیگر بسرکردگی یک عدد کافی قشون برای مقابله با قشون بختیاری حرکت بنماید.

نمره - ۴۸

تلگراف سرچارج بارکلی به سرادردارد گری (واصله در ۱۰ ژانویه)
طهران، ۱۰ ژانویه ۱۹۰۹
[۲۰ دی ۱۲۸۷ : ۱۷ ذیحجه ۱۳۲۶]

اصفهان

جنرال قنسول انگلیس دیروز با صمصام‌السلطنه ملاقاتی نموده و حسیات صلح‌آمیز مطیعانه خود را آشکار داشته و اظهار داشته است که اگر برای حقوق مشروطه مندم اصفهان و تأمین شخصی خودش به او ضمانت داده بشود برای مراجعت حاضر است. مختصراً صمصام نیز اظهار داشت که اگر شاه قشون به مقابله او پفرستد تهاو می‌تواند اهالی اصفهان را ترک ننماید نه هم آنها از او دست برخواهند داشت.

من در صدم که مقاد شرح فوق را به اطلاع شاهزاده فرمانفرما برسانم. مستر گرهم راپورت می‌دهد که آقای تعجبی که یکی از پیشوایان مخالفین دولت است از خوف غصب شاه با بختیاری قطع اتصال نموده و بطرف طهران عزیمت نموده.

نمره - ۴۹

تلگراف سرچارج بارکلی به سرادردارد گری (واصله در ۱۱ ژانویه)
طهران، ۱۱ ژانویه ۱۹۰۹
[۲۱ دی ۱۲۸۷ : ۱۸ ذیحجه ۱۳۲۶]

رجوع به تلگراف ۸ شهر جاری من در باب اصفهان

مستر گرهم از اصفهان راپورت می‌دهد که نظم به نهایت رضایت‌بخشی مستقر گردیده و روز شنبه مجمع عمومی به قصد انتخابات تشکیل یافت.

نمره - ۵۰

تلگراف سرچارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۱۳ ژانویه)
طهران، ۱۳ ژانویه ۱۹۰۹
[۱۳۲۶ دی ۱۲۸۷ : ۲۰ ذیحجه]

اصفهان

ما بین دویست الی سیصد نفر بختیاری با رؤسای خودشان دیروز از اینجا بطرف اصفهان عزیمت نمودند.

از قرار مفهوم مقصد این است که اینها خانه و علاقه صمصام‌السلطنه را تهدید پنمايند ولی تمام اطلاعاتی که بهمن رسیده همچه مستفاد می‌دارد که خیلی کم احتمال می‌رود آنها داخل در مخاصمه به ضد او بشوند.
نایب‌الحكومة شاهزاده فرماننفرما امروز بطرف اصفهان حرکت خواهد نمود.

نمره - ۵۱

تلگراف سرچارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۱۳ ژانویه)
طهران، ۱۳ ژانویه ۱۹۰۹
[۱۳۲۶ دی ۱۲۸۷ : ۲۰ ذیحجه]

اوپا آذربایجان

یموجب تلگراف واصله از مستر راتیسلا، جنرال قنسول انگلیس، قشون شاه در در جاده نزدیک جلفا مشغول قطع مرابطات و مخابرات هستند. پست اخیری را که از اروپا می‌آمده گرفته و بغارت برده‌اند. همچه می‌نماید که قصد شاه این باشد که بواسطه ترتیب معاصره دور شهر، تبریز را دچار قحط و غلا بنماید. هیزم و زغال تقریباً نایاب است و قیمت هر چیز رو به گرانی است. در اطراف سلاماس و خوی جنگی در کار است.

نمره - ۵۲

تلگراف سرادوارد گری به سر نیکلسن
وزارت امور خارجه، ۱۳ ژانویه ۱۹۰۹
[۱۳۲۶ دی ۱۲۸۷ : ۲۰ ذیحجه]

در جواب تلگراف ۹ شهر حال شما، دولت انگلیس مخالف باهن نوع مداخله در باب وضع تبریز یا اصفهان است. ما از این خیال منصرف نشده‌ایم که اعطای مشروطه را

یکی از وسائل خیلی مهم اعادة نظم پدานیم و ممکن است که اغتشاش در آن دونقطه اثر مفیدی به شاه بنماید که در اعلای یک همچه مسئله‌ای قیام بنماید. مادامی که در دولت شاه هیچ رفورمی نباشد هیچ پیشرفتی که متضمن ترتیب دائمی باشد حاصل نخواهد شد و در صورتیکه هر پیشنهادی از طرف دولت روس بشود دولت انگلیس با نهایت دقت آن را تحت ملاحظه قرار خواهد داد. به این عقیده هستیم که پول‌دادن به شاه با این وضع حالیه بدتر از بین نتیجه بودن است و بیشتر باعث مداخله در امورات داخلی ایران خواهد شد. چون محتمل است یک همچه پولی برای خاموش نمودن هیجان ملی که بطریقداری مشروطه جاری است صرف بشود بعلاوه وقتی که این پول صرف شد اوضاع اگر بدتر نشود به همان حال بدی سابق باقی خواهد بود.

نمره - ۵۳

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادردار گری (واصله در ۱۶ ژانویه)
طهران، ۱۶ ژانویه ۱۹۰۹
[۱۲۸۷ دی ۲۳؛ ۱۳۲۶ ذی‌حجه]

وضع آذربایجان

یموجب تلگراف واصله از جنرال قنسول انگلیس مقیم تبریز دیروز مجادله مختصری بین ملتیان و قشون حاکم مراغه در خارج شهر واقع شده. خدمات وارد و چندان مهم نبوده. اعتقادات براین است که عین‌الدوله منتظر رجعت رحیم‌خان است و او از محل خود حرکت ننموده.

در مکتب خصوصی که مستر راتیسلا ماہ گذشته توشه اشعار داشته بود «یحتمل مردم هنوز یک قرارداد مساعدی را قبول نکنند ولی آن نباید مدت طولانی به تأخیر بیفتد.» اصلاح بین دودسته محتمل است بواسطه مجاهدات جدیده قشون بی‌نظم شاه مشکل‌تن بشود و مجاهدات آنها نیز اسباب بی‌نظمی هم می‌شود.

نمره - ۵۴

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادردار گری (واصله در ۱۷ ژانویه)
طهران ۱۷ ژانویه ۱۹۰۹
[۱۲۸۷ دی ۲۴؛ ۱۳۲۶ ذی‌حجه]

وضع آذربایجان

در تعقیب تلگراف قبل از این خودم اطلاع می‌دهم که جنرال قنسول انگلیس راپورت می‌دهد که در خص من مخاصمات نسبتاً سخت‌تری که دیروز در خارج شهر واقع شد ملتیان

ظفر یافتند. آنها در قطع رابطه بین قشون عینالدوله و قشون حاکم مراجعه موفق شدند.

نمره - ۵۵

مکتوب سرچارج بارکلی به سرادروارد گری (واصله در ۱۸ ژانویه)
طهران، ۱۵ دسامبر ۱۹۰۸
[۲۳ آذر ۱۲۸۷؛ ۲۰ ذی قعده ۱۳۲۶]

آقا

در ملی تلگرافات چند روزه ماضی خودم تشکیل مجلس شورای مملکتی را که شاه داده راپورت داده ام و الحال با کمال احترام ترجمة قواعدی که برای کارکردن این مجلس وضع شده و وزیر امور خارجه غیر رسمی آن را برای من فرستاده لفما ارسال می‌دارم. در این ورقه هیچ اسمی از اعضاء این هیئت برده نشده ولی از قرار مفهوم عده مشاورین آن باید شصت نفر باشند که چنانچه در مکتوب ۴ شهر جاری خودم راپورت داده ام بیشتر از آنها تا حال برای تشکیل مجلس نامزد شده‌اند. از قواعد صادره حالا ملاحظه می‌شود که قدرت زیادی به اعضاء داده شده. حقیقتاً اگر یک شاهی می‌بود که در معارضت با عمل اصلاحات حاضر و توانا باشد و یک اعضاء مشاوره‌ای می‌بودند که عقل و جرئت بکار بردن قدرت خودشان را می‌داشتند مسلم بود که برای حالیه یک همچه مجلسی برای احتیاجات مملکت متناسب‌تر از مجلس نمایندگان مردم می‌بود.

بدغتانه هیچ یک از این شرایط موجود نیست. دلایل بسیار خوبی برای این تصورات هست که شاه در صدد است بواسطه اعطای این مجلس چشم سفارتین را بینند و الا او تهایت بی‌میلی را دارد که در حکومت خاصان درباری که باعث نکبت مملکت پس از حوادث در ماه ژوئن شده‌اند تغییری مقید بدهد. از قرار معلوم تعیین عده اعضای مجلس هنوز تکمیل نشده ولی من تصور می‌کنم تشکیل تا حال آن برای درک نمودن مقصود از تأسیس آن کافی باشد.

لازم نیست که خاطر محترم را برای ارسال صورت اسامی آنها تصدیع بدهم. همینقدر بس است عرض یکنم که قسمت بیشتر آن مردمان جاهل ارتتعاعی است.

آنچه من ملاحظه می‌کنم یکی دو نفر عضو لایق صاحب رأی در آنجا هست ولی از قراری که به من مذکور داشته‌اند آنها هم این مجلس را یک چیز لغوی می‌دانند. قبل از اینکه علاء‌السلطنه سواد نظام‌نامه جدید را به من بدهد من و همکار روسیم درخواست بار یافتن مستر چرچیل و مسیو بارانوسکی را نموده بودیم برای اینکه از شاه سؤال بتوانیم رأی خود را به اتخاذ چه اقدامی به جهت ایقایی به معاهدات خود قرار داده. چنانچه مستحضرید اعلیحضرت معظم برای طفره از این باردادن به عذرکسالت

مزاج متعدد گردید. معلوم بود که قدری تأخیر باید واقع بشود. همینکه نظامنامه مرئی گردید ما چنین مقتضی دیدیم که باید بدون دفع وقت به شاه توضیح بنماییم که تشکیل مجلس مشاوره جدید را ما نمی‌توانیم بمنزله تکمیل معاهدات او تصور بکنیم. بنابراین من و همکار روسیم رأی خودمان را براین قرار دادیم که پادداشت مشترکی در این موضوع به آن اعلیحضرت تقدیم بنماییم.

سواه مراسله مذبور را که دیروز بتوسط وزیر امور خارجه به اعلیحضرت معظم تقدیم شده لقاً ارسال می‌دارم.

امضاء جارج بارکلی

ملفوقة نمره ۱ در نمره ۵۵ نظامنامه مجلس شورای مملکتی

بسم الله الرحمن الرحيم

بعد از مقدمات میل و آرزوی شاه
برای رفاهیت و نیکبختی عامه

در ۲۶ نوامبر ۱۹۰۸ [۴ آذر ۱۲۸۷]؛ یکم ذی‌قعده [۱۳۲۶] مجلسی برای بسط عدل و مرتفع داشتن جور و ستم و جلوگیری از نقص شرایع اسلام در دربار تشکیل یافت. اختیاراتیکه به مجلس شورای مملکتی تفویض شده:

ماده اول: نظارت به تمام وزارتخانه‌ها با اختیار تفتیش و شور در امورات بتوسط کمیسیونی از اشخاص مجرب بصیر به امور شعبات مختلفه که از بین اعضاء مجلس انتخاب پشوند.

ماده دوم: نظارت در مالیات و مخارج به ترتیب مصرحه در ماده اول.

ماده سوم: هر یک از وزراء باید دستور راجع به وزارتخانه خود را نوشته نزد مجلس بفرستند. در صورت تصویب نمودن مجلس و کابینه، آن دستورات بتوسط صدراعظم به شاه تقدیم خواهد شد که در صورت تصویب به امضاء خود موشح بنمایند.

ماده چهارم: مجلس حق دارد که در صورت لزوم وزراء را احضار بنماید و اگر هر وزیری نتواند حاضر شود معاون خود را باید بفرستد که در باب امور توضیح بدهد.

ماده پنجم: محتمل است که مجلس وزراء را متهم به نقض قوانین اسلام یا اخذ رشوه یا سایر تقصیرات بنماید. در اینصورت کمیسیونی از مجلس تشکیل داده خواهد شد که در حضور صدراعظم و با اطلاع وزراء در آن پا به تحقیقات بنمایند. در صورت ثبوت تقصیر مجازات و عزل آن وزیر از شاه استدعا خواهد شد.

ماده ششم: دستورات راجع به مالیات مملکت باید بدایتاً با اطلاع صدراعظم به مجلس پیشنهاد شود. مجلس اختیار دارد که آن را جرح و تعديل نموده و ملاحظات و اصلاحات خود را بتوسط صدراعظم به شاه پیشنهاد نموده استدعای صدور رأی قطعی

در آن باب را بنماید.

ماده هفتم: مجلس شورای مملکتی در عرض سال مطابق امر شاه در مدت‌های معینه منعقد و منفصل خواهد شد.

ماده هشتم: اعضاء مجلس نباید در خدمات دولتی اشتغال داشته باشند و اگر هر یک از اعضاء قبول استخدام دولتی را بنماید باید از عضویت مجلس مستعفی بشود و عضو دیگری پر حسب امر ملوکانه بهجای او تعیین خواهد شد.

ماده نهم: اگر امر مخفی باشد صدراعظم و وزراء مسؤول مجبور به مذاکره علنی آن نیستند و کمیسیونی به اکثریت آراء معکن است از مجلس انتخاب بشود که در باب آن مسئله مذاکره بنمایند.

ماده دهم: تمام جلسات و مذاکرات مجلس علنی است و با حضور تمام اعضاء آن منعقد خواهد شد سوای موقعی که در ماده نهم ذکر شده (ملاحظه ۱۱)

ماده یازدهم: اعضاء مجلس می‌توانند که عرايض و اظهارات مربوط به مجلس را بتوسط صدراعظم به شاه تقدیم بنمایند.

ماده دوازدهم: راجع به عرايض است.

ماده سیزدهم: راجع به آزادی مطلق اعضاء از نفوذ است.

ماده چهاردهم: اعضاء مجلس را برای نطق و اظهارات نمی‌توان تعقیب و جلب به محکمه نمود ولی در موقعی که از نظمات مجلس تحملی بنمایند بر طبق همان تظامات با آنها معامله خواهد شد.

ماده پانزدهم: آزادی مطلق اعضاء در رأی دادن.

ماده شانزدهم: پیشنهادات راجع به اصلاح دستورات جدیده، یا تغییر در یکی از قواعد موجوده، از وظایف وزرام مملکت است. مجلس شورای مملکتی تیز حق دارد که تقاضای اصلاحات در مواردی که راجع به وظایف مخصوص خودشان است یا تغییر در قواعد موجوده را بنماید ولی بدو باید بتوسط صدراعظم استدعای اجازه از اعلیحضرت همایونی بنمایند. اگر از طرف شاه اجازه داده بشود رد یا قبول آن رجوع به هیئت وزراء خواهد شد.

ماده هفدهم: دستوراتی را که مجلس وزراء مملکت حاضر بنمایند بعد از مراجعه و قبول مجلس شورای مملکتی اگر امر همایونی به اجراء آن صادر بگرد آنوقت به موقع اجراء گذارده خواهد شد. اگر دستورات سابق الذکر را مجلس بکلی رد بنماید... (بقیه این جمله بعدی درهم است که مترجم سفارت نتوانسته ترجمه بنماید).

ماده هیجدهم: اگر شرح قواعد ماده یهاده در مجلس شورای مملکتی قرائت بشود و اکثریت مجلس بدقیول ماده به ماده آن رأی ندهد و بعد از آن اکثریت رأی کمیسیون

(۱۱) معنی این ماده این است که مذاکرات و جلسات در حضور عامه مردم نخواهد بود.

هم به آن تعلق نگیرد آن قواعد بموقع اجراء گذارده خواهد شد.

ماده نوزدهم: مدت عضویت اعضاء مجلس دو سال است و بعد از انقضای آن مدت

برحسب امر ملوکانه نوبت ثانی انتخاب اعضاء آن تجدید خواهد شد.

ماده بیستم: هر امتیاز داخلی یا خارجی که به اتباع داخله یا خارجه داده بشود به تصویب مجلس خواهد بود.

ماده بیست و یکم: علاوه بر مواد قواعدی که برای تعیین تکالیف اعضاء مجلس شورای مملکتی نوشته شده نظامنامه داخلی مجلس به اکثریت آراء در مجلس تهییه شده و بتوسط صدراعظم و کابینه به شاه تقدیم خواهد شد و پس از تصویب شدن و موشح گردیدن به امضاء اعلیحضرت شاهنشاهی بموقع اجراء گذارده خواهد شد.

امضاء محمدعلی شاه قاجار

ملقوفة دوم در لف نمره ۵۵

یادداشت مشترکه که به اعلیحضرت شاه ایران تقدیم شده

نمایندگان دولتین انگلیس و روس مکرر به اعلیحضرت شاهنشاهی برای منافع آن اعلیحضرت و مصلحت مملکت او نصیحت نموده‌اند که ایناء به تعهدات خود در باب تشکیل مجلس منتخبه‌ای که آن اعلیحضرت کرا را به نمایندگان دولتین و ملت خود نموده است بنماید و عفو عمومی به اتباع خودش که در تبریز تحت السلاح هستند اعطاء بنماید.

اینک نمایندگان دولتین با کمال افتخار مبادرت ورزیده و خاطر آن اعلیحضرت را مستحضر می‌دارند که تشکیل مجلس اعیان را بهیچوجه نمی‌توان بمنزله تکمیل مواعید آن اعلیحضرت محسوب داشت چونکه اعضاً آن را مردم انتخاب ننموده‌اند لهذا از آن اعلیحضرت استدعا می‌نمایند که به آنها اطلاع بدھند چه وقت قصد دارند امر به تشکیل مجلس موعود بنمایند.

در ضمن مبادرت نمودن به این استعلام از اعلیحضرت شاهنشاهی نمایندگان تکرار عقیده قاطع خود را می‌نمایند که امید خاتمه پذیرفتن اوضاع نا亨جار کنونی مملکت فقط بسته به تشکیل مجلس منتخبه و اعلان عفو عمومی است.

به تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۰۸

[۲۲ آذر ۱۲۸۷ : ۱۹ ذی قعده ۱۳۲۶]

امضاء جارج بارکلی - سپلین

نمره - ۵۶

مکتوب سرچارج بارکلی به سر ادواره گری (واصله در ۱۸ ژانویه ۱۹۰۹)

طهران، به تاریخ ۲۹ دسامبر ۱۹۰۸

[۸ دی ۱۲۸۷ : ۵ ذی حجه ۱۳۲۶]

آقا

من بوسیله تلگراف پیوسته شما را از اقدامات سفارتین برای متقادع نمودن شاه به ایفاء مواجه خود و اعاده حکومت مشروطه مستحضر داشته‌ام و الحال با کمال افتخار بوسیله این مکتوب شرح مفصل آن را راپورت می‌دهم.

در مکتوب ۱۵ شهر جاری [۲۳ آذر؛ ۲۰ ذی‌قده] خودم راپورت دادم که بمحض مرئی گردیدن نظامتامة تعیین اختیارات مجلس چدید من و همکار روسیم یادداشت مشترکه‌ای به شاه قدیم داشته و در آن اشاره نمودیم که تشکیل این مجلسی که اعضای آن را اعلیحضرت معظم نامزد نموده یمنزله تکمیل مواعید او محسوب نخواهد شد. در عرض یکی دو روزه بعد از آن به سفارتین راپورت رسید که شاه در حال تسلیم شدن است و در شانزدهم شهر حال سعدالدوله برای همکار روسی من پیغام فرستاده بود که او پیغامی از اعلیحضرت معظم دارد و می‌خواهد به نمایندگان دولتین تبلیغ بنماید و درخواست تعیین وقتی برای ملاقات در روز بعد را نموده بود.

ملاقات در روز هفدهم شهر حال [۲۵ آذر؛ ۲۲ ذی‌قده] در این سفارت واقع شد. سعدالدوله اظهار داشت که اعلیحضرت معظم بتازگی به او اصرار دارد که قبول خدمت بنماید و او امتناع نموده است به این عنوان که بجز با اعاده حکومت مشروطه به تحویل دیگری قبول خدمت نخواهد نمود. این فقط مملکت را نجات می‌تواند پدهد، اکنون اعلیحضرت معظم به صرافت طبع متمایل به ترتیب پارلمانی است و او را مأمور نموده که از نمایندگان دولتین اطمینان حاصل بنماید که آیا دولتین متبوءه آنها در صورت پیروی او به نصیحت آنها چهارصد هزار لیره قرض به او خواهند داد یا خیر؟ قرض به او خواهند داد یا خیر؟

مسیو سبلین و من توضیح نمودیم که یک همچو استقراری را نمی‌توان با ترتیب حکومت حاضره امکان‌پذیر تصور کرد. بنا بر این فقط ترتیب قانون انتخابات کافی نخواهد بود. حکومت شوری باید شروع بشود و در آنوقت فقط ممکن خواهد بود که تأمینات لازمه برای به محل صحیح صرف شدن آن پول اتخاذ بشود. همچو معلوم شد که شاه خوف آن را دارد که این تأمینات محتمل است تصرف گمرکخانه‌ها یا خاک ایران را هم دربر داشته باشد. من به او گفتم: «اگر چه حلیعتاً تأمینات بقاعده‌ای برای تأدیه مرتب فرع باید فراهم بشود ولی دولتین هیچ همچه خیالی را ندارند.» بن دولت ایران فرض است که برای مسیو بیزو معجل تسمیلات تدقیق در وضع مالیه را فراهم نمایند چون فقط به اینوسیله او به مقامی خواهد بود که بتواند دولتین را آگاه بنماید از اینکه چه تأمیناتی لازم است. تمام این اقدامات مدت لازم دارد و در این ضمن اولی آنست که بدون دفع وقت شاه از مقاصد حسنۀ خود مردم را مستحضر بنماید و اگر چه ما نمی‌توانیم تجویز جزئیات یک مشروطه مناسبی را بنماییم ولی اگر سعدالدوله مساعدت و نصیحت نماینده‌ها را برای کوشش در متقادع نمودن شاه به طبع و نشر قانون انتخابات موعود لازم داشته باشد می‌تواند اطمینان داشته باشد که ما حاضریم.

سعدالدوله قبل از ملاقات بهمن اظهار داشت که یک عدد مردم در صدد متحصنه شدن به سفارت‌ها هستند و حتی ممکن است بازارها هم بسته شود.

من از تعقیب همچه روشی سخت اظهار کراحت نمودم چونکه احتمال بی‌نظیر و مختل نمودن اقدامات سفارتین را متصیم خواهد بود.

روز بعد [۱۸ نوامبر؛ ۲۶ آذر؛ ۲۳ ذی‌قده] مستر چرچیل و مسیو بارانوسکی مجدداً سعدالدوله را ملاقات نمودند و معزی الیه اظهار داشته بود که شاه را ملاقات ننموده ولی جواب ما را به آن اعلیحضرت رسانیده است.

مسیو بارانوسکی نقشه و طرحی برای مشروطه به او تسلیم نموده بود که می‌گفت چندی قبل یک عدد از ایرانیان آن را ترتیب داده‌اند.

تمایندگان سفارتین توضیح نموده بودند که آنها در مقتضی بودن آن نقشه برای ایران نمی‌توانند اظهار عقیده بنمایند بجز اینکه اظهار بدارند که آن حاوی موادی است که برای مقبول افتادن نزد ملتیان ظاهراً جرح و تعدیلی لازم دارد.

ما مصمم شده بودیم که چندی از اظهارات به شاه احتراب نموده و مجادله با متنفذین معاند اطراف آن اعلیحضرت را محول به عهده سعدالدوله بنماییم ولی روز شنبه بیستم [۲۸ آبان؛ ۲۵ شوال] اوضاع بقسمی شد که به نظر ما همچه اقتضا نمود که ما به آن اعلیحضرت تجدید نصیحت بنماییم چونکه چند روز قبل اخبارات فاسده اشاعه یافته بود که عنقریب متحصنه به سفارتخانه‌های خارجه هجوم خواهند آورده. من شخصاً از مرکزهای مختلفه برای تحصین جستن مراسله‌ها داشتم. اغلب از سفارت‌ها با کمال توجه درهای سفارتخانه‌های خود را بستند. غروب بیستم یک‌عدد قلیلی از ملتیان در سفارت کبرای عثمانی تحصین جستند. روز بعد عدد آنها خیلی زیاد شد.

اعتقادات یراین بود که شاه در شرف تمکین نمودن است. در روز ۲۱ مستر چرچیل و بارانوسکی استدعای شرفیابی حاصل نمودن را کردند برای اینکه یک نوبت دیگر به اعلیحضرت اصرار بنمایند که در شروع تهیه قانون انتخابات موعود دفع وقت ننمایند.

چون شرفیابی میسر نشده بود آنها عنوانات خود را به صدر اعظم نمودند و او وعده نموده بود که بیانات آنها را به اعلیحضرت معظم تبلیغ نموده و درخواست موقع شرفیابی در روز بعد برای آنها بنماید.

آنها با اعتقاد و احساس محکم‌تری به‌اینکه اعلیحضرت معظم مشرف به تمکین کردن است از خدمت آن حضرت اشرف مخصوص شدند.

شرفیابی روز بعد [۲۲ نوامبر؛ یکم دی؛ ۲۷ ذی‌قده] ترجمانها فوراً پس از موقعي بود که اعلیحضرت معظم یک هیئت نماینده مهمنی از میلیون را بار داده بود و هیئت مذبور رساله‌ای از علمای اعلم نجف که عدم مخالفت یکان یکان مواد قانون اساسی با موازین شرع بطاع در آن تصدیق شده بود برای دفاع از حق خود همراه داشتند.

ترجمانها از ظاهر حال همچه استنباط نموده بودند که شاه خیلی مساعد است.
او اظهار داشته بود که میل دارد نماینده‌های دولتیخ بدانند که او مصمم در
ایفاء به مواعید خودش است و در عرض تمام این مدت هم همین قصد را داشته.

پس از آن نماینده‌ها به شاه اصرار نمودند که در مأمور نمودن مجلس جدید به ترتیب
دادن قانون انتخابات موعود هیچ دفع وقت ننمایند.

اعلیحضرت معظم فرمودند: من هم همین خیال را داشتم و امیدوارم که مجلس ملی
جدید و مجلس سنا قبل از معرف برای کارگردن حاضر خواهد بود.

ترجمانها سعی نموده بودند که تعهدنامه کتبی از آن اعلیحضرت بگیرند که بوسیله
آن ما بتوانیم متحصنهای در سفارت کبرای عثمانی را ترغیب به خروج بنماییم. شاه
ظاهراً متغایل به قبول آن بودند ولی فرمودند که باید بدولاً صدراعظم را ببینند.

پس از آن اعلیحضرت معظم خارج شده و یک ربع ساعت بعد صدراعظم و وزیر
امور خارجه به مستر چرچیل و مسیو بارانوسکی ملحق شدند.

صدراعظم اشکال تراشیهای بسیار در باب تعهدنامه کتبی نموده و بالاخره با
رضایت شاه چنین قرار داده شد که تعهدنامه‌ای بمقابل منظوره نوشته و به‌امضای
صدراعظم برسد و برای ملاحظه نماینده‌گان دولتیخ به وزیر امور خارجه سپرده بشود.
ترجمانهای سفارتین شرح نوشته را مسوده نمودند و آن مبنی براین بود که روز بعد
از خروج متحصنهای سفارت کبرای عثمانی شاه دستخطی صادر نموده به کمیسیونی
که آن اعلیحضرت برای ضمیمه شدن به مجلس جدید تعیین خواهد نمود ترتیب دادن
قانون انتخابات را امن خواهد فرمود.

نوشته موعود در ساعت معینه صادر نشد ولی من و همکار روسیم خیال کردیم بهتر
آن است از اطمینانی که در نظر بود در آن نوشته درج بشود به شارژ دافر عثمانی اطلاع
بدهیم.

وقتی که من صدرالدین بیگ را ملاقات نمودم مشارالیه از این مذاکره ما اظهار
امتنان نموده و وعده نمود که از آن مسئله متحصنهای خود را که عده آنها تقریباً
دویست و هشتاد نفر است مستحضر بدارد. مختصرآ او بیم این را داشت که آنها
اقناع نشوند.

به‌هن صورت تأمینات جانی و مالی باید به آنها داده بشود. او در صدد حاصل نمودن
این مسئله بود. صدرالدین بیگ به من اطمینان داد که در بدو ورود متحصنهای یقین
کرده بود که جان آنها در خطر است و تاروز بعد که عده زیادی در سفارت کبری
جمع شده بودند آنوقت گمان این را کردم که مقصود آنها نمایش پولیکی است.
در غروب روز میلاد مسیح ترجمانها مجدداً صدراعظم را ملاقات نمودند که در عدم
ایفاء به‌عدة خود به او ایراد بنمایند.

آنها دریافتند که وضع حالیه او نسبت به ملاقات سابق خودشان بکلی تغییر کرده.
روز قبل از آن در منزل نایب‌السلطنه، عمومی شاه، اجلاس بزرگی بوده که در آن
محضر وزراء و بزرگان و علماء و سایر مترجمین نامی حضور داشته‌اند و نتیجه آن این

شده بود که نفوذ اشخاص مرتجله اطراف شاه را تقویت بنمایند. آنچه تا حال من استعمال نموده‌ام راپورتی که وزیر مختار ایران مقیم سن پطرزبورغ در باب نطق مسیو ایسولسکی در مجلس دوما^{۱۲} فرستاده بود بیشتر باعث تایید اینها شده. راپورت مذبور همچه نوشته شده که از آن استتباط می‌شود که دولت روس مقید به‌این نیست که شاه پیروی نصایح سفارتین را بنماید یا ننماید.

بهر جهت وقتی که ترجمانها صدراعظم را ملاقات نموده بودند تمام علائم خود رأیی سابق خود را مشهود داشته و به‌این دلیل استقامت می‌نمود که هیچ نوع حکومت شوروی را با شریعت اسلام تمی‌توان موافق نمود.

قدمان نتیجه مادی و رضایت‌بخش اطمینان را باعث یائس است. پن واضح است. که ما هرگز موفق و کامیاب نخواهیم شد براینکه محمدعلی‌شاه را حاضر و راضی بنماییم که برای انجام وظایف یک پادشاه مشروطه‌ای اهتمام جدی بنماید مگر اینکه دفع صدراعظم و وزیر جنگ بشود. وضع طهران نیز خالی از تشویش نیست. دستگیر نمودن اشخاص که در عرض چند هفته گذشته زیاد بوده باعث احساسات موحشه در بین ملتیان شده و شکی نیست که اگر درهای سفارت‌ها دائم بسته نباشد خصوصاً این سفارت فوراً متحصنین به آنجاها هجوم خواهد آورد. ملتیان حالا در صدد بستن بازارها هستند که آن را یک نوع نمایشی قرار بدهند و این اقدامی است که بهبیچ وجه خالی از خطر نیست خصوصاً در این مورد که نظر به نشر عقاید و تحریکات ارجاعی که خاصان درباری هدایت و تعلیم می‌نمایند و همچنین بواسطه وجود عده کثیری قشون مواجب نگرفته در پایتخت که آرزومند یک همچه بهانه‌ای برای غارت نمودن هستند بیش از میزان معمول حاوی مخاطرات است و برای مصالح امنیت و آسایش عمومی خیلی لازم است که شاه بدون تأخیر تمکین بنماید.

علاوه براین ممکن است که مسئله جدیدی قریباً بروز بنماید که به نظر من پیش‌بینی آن خیلی مطلوب است.

به نظر من هیجان چند روزه ماضی آمال و آرزوهای فرقه ملیون را محکم و مجسم کرده و چندی نمی‌گذرد که با یک تقاضای قطعی برای اعاده مشروطه سابق بدون هیچ تغییری مصادف خواهیم شد. یک همچه تقاضای مستبعدی به اشکالات اصلاح بین شاه و ملت خواهد افزود.

امضاء جارج بارکلی

نمره - ۵۷

مراسله سر جارج بارکلى به سر ادوارد گرى (واصله در ۱۸ زانویه)

طهران، ۳۱ دسامبر ۱۹۰۸

[۱۳۲۶: ۷ ذى حجه ۱۲۸۷: ۱۰ دی]

آقا، با کمال افتخار صورت وقایع ماهیانه معمولی راجع به واقعات ایران در ماه دسامبر را لفاظ ارسال می‌دارم.
جارج بارکلى

ملفوقة در نمره ۵۷

صورت وقایع ماهیانه

طهران

شاه [و] مشروطه

در هشتم دسامبر [۱۶ آذر؛ ۱۳ ذی قعده] روزنامه رسمی «ایران» مقاله‌ای راجع به مجلس مشاوره ملکتی جدید که اعضای آن بنا بر قول آن جریده «انتخاب» خواهند شد درج نموده بود. در یازدهم دسامبر نظامنامه این مجلس مشاوره طبع و نشر شد. در بیست و تهم دسامبر [۸ دی؛ ۵ ذی حجه] بازارهای عمده بسته شد ولی دو روز بعد از آن بکلی باز شد.

در بیست و دویم دسامبر [یکم دی؛ ۲۷ ذی قعده] صنیع‌الدوله رئیس اولی مجلس سابق باتفاق هیئتی از ملتیان به حضور شاه شرفیاب شدند و یک لایحه که ترتیب و طرز بیانش لایق تحسین بود تقدیم نمودند و در آن لایحه دلایل و پراهیتی را که یافعث اصرار آنها به اعلیحضرت برای تجدید اساس مشروطیت گشته بیان نموده بودند. شاه آنها را بخوبی پذیرفته فرمودند من خود قصد این اقدام را دارم. رویهم رفته وضع را می‌توان گفت که سخت و مغشوش است و ممکن نیست پیشگویی کرد که خود رأی و لجاجت شاه بالآخره منجر به چه اشکالاتی خواهد شد. چنانچه دستیحاتی که قشون خوانده می‌شوند و در باغ‌شاه جمع شده‌اند تهدید دائمی به عame است و ارتکاب به شرارت و تعدیات بالنسبه جزئی از طرف آنها اخیراً راپورت داده شد ولی از آن باید ترمیم که به مرور ایام عنان اختیار آنها بکلی از کف ساقط بشود و حتی به خانه‌های شخصی هم حمله بپرند. روز ۲۶ دسامبر [۵ دی؛ ۲ ذی حجه] شش ساعت بعد از ظهر در خارج سفارت کبرای عثمانی ژاندارمه‌ها بطور جسورانه مزاحم منشی‌باشی سفارت انگلیس شدند و در این موضوع اطمیهارات سخت شده است. شاه خل‌السلطان و پسر او جلال‌الدوله و علام‌الدوله را احضار نموده که به ایران مناجعت نمایند. به‌خاطر هست که چند روز قبل از کودتا (مهاجمهة پلتیکی) در ۲۳ ژوئن [۲ تیر؛ ۲۳ ج ۱] جلال‌الدوله و علام‌الدوله و سردار منصور دستگیر و تبعید شده بودند. سردار منصور را بعد از چندین ماه توقيف در قیروزکوه به طهران آورده و در منزل امیر بهادر در باغ‌شاه او

را توقيف نمودند و به او گفته شد که او می‌تواند خلاصی خود را به‌شصت هزار تومان پخرد.

بالاخره در حصول اجازه برای رفتن چند ساعت به‌خانه خودش موفق شده و وقت را مغتنم شمرده در سفارت روس متخصص گردید.

سفارت روس نفوذ خود را به‌شاه پکار برد و در استخلاص بسیاری از محبوسین پولیکی مضمون موفق شد. سفارت انگلیس نیز صاعی است که مستشار‌الدوله نماینده منفصل تبریز را که هنوز در باغ شاه است مستخلص کند.

امضاء

چرچیل، وکیل شرقی

ارشت

به تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۰۸ [۱۰ دی ۱۲۸۷؛ ۷ ذی‌قعده ۱۳۲۶] مقابن ۲۵ دسامبر تلگرافات وحشت‌انگیز از طرف اکنون قنسولگری عثمانی مقیم رشت به شارژ دافر عثمانی مخابره شده مبنی بر اینکه عده‌ای از ملتیان در منزل او متخصص شده‌اند و مأمورین محلی تهدید می‌کنند که به قوای قهریه آنها را خارج کنند.

مشهد

در غرہ دسامبر [۹ آذر؛ ۶ ذی‌قعده] وضع مشهد جالب‌الهمیت و سخت بود. هر ساعت بدۀ ملتیان افزوده می‌شد و بازارها بسته مانده بود. عنوانات به‌ایالت شده که تقاضای مشروطه و عفو عمومی نموده‌اند. در صورتیکه عفو عمومی متضمن امضای هر دو جنرال قنسولگریها باشد. شاه به‌ایالت و پیشوایان ارتجاعیون تلگراف نمود که در متفرق نمودن ملتیان نفوذ خود را پکار بردند. شاه نیز اظهار نموده بود که مکتوب کربلا جعلی است ولی ایالت در موئیق بودن آن اعتقاد حاصل نموده و سعی داشته است که کشف بنماید چگونه آن به مشهد رسیده. شکی نیست که این مکتوب علماء اعظم کربلا تا حد وافی سبب آن بحران شده.

در عرض روز دوم دسامبر [۱۰ آذر؛ ۷ ذی‌قعده] تقریباً تمام اشخاصی که دارای شخصیت بودند به فرقۀ ملیون ملحق شدند و ایالت خیلی وحشت کرده و اظهار می‌دارد که نمی‌تواند به قشون خودش اعتماد بنماید.

از جنرال قنسول موقتی انگلیس درخواست شده بود که تلگرافی بتوسط وزیر مختار انگلیس از طرف رؤسای ملیون به‌شاه مخابره بنماید. کاپتان فرنکلین اظهار داشته بود که خلاصه آن را مخابره خواهد نمود. تلگراف مزبور تشریح می‌نمود که چگونه شاه سابق و شاه حالیه هر دو اقرار کرده‌اند که ایران مملکت مشروطه است و آنها سلطان مشروطه، ولی بعد از متفرق کردن مجلس ملی تا حال شاه به وعده خود در تجدید تأسیس آن وفا ننموده و به لوایح جعلی در باب میل واقعی مردم در این موضوع فریب‌خورده و دیگر آنکه مردم صمیمانه خواهان مشروطه بوده و بن طبق علمای کربلا عمل خواهند کرد مشروطه به آنها اعطای بشود.

دو طغرا مکتوب هم در همین موضوع به کاپتان فرنگلین رسیده است. در یکی از آن مکاتیب نیز اشعار شده بود که مردم نهایت احتیاط و توجه را در محافظت و رفاهیت اتباع خارجه مرعی داشته‌اند. چنانچه درباره عامله مردم نوعاً این ملاحظه را داشته‌اند و میل دارند که مناسبات دوستانه که مابین آنها و اتباع دول دیگر موجود است حفظ بنمایند.

سوا این مکتوب نیز برای جنرال قنسولگری روس هم فرستاده شده بود.

در مکتوب دیگر اظهار تشکر از دولت انگلیس برای رفتار و روش دوستانه‌ای که نسبت به فرقه مشروطه‌خواهان دارند شده.

در سوم دسامبر [۱۱ آذر؛ ۸ ذی‌قعده] ایالت توب و چاتمه^{۱۳}‌های خود را از کوچه‌ها برداشت و به‌حوالی ارک پردا.

کلیتاً تمام رؤسای ارتعاعیون که این جنبش را از حیث مقاومت خارج دیدند به ملتیان ملحق شدند، به‌اضافه از دهات خارج هم برای تقویت با آنها حسن‌طلب شده بود.

آنها تلگرافخانه را تصرف نمودند ولی متعرض تلگرافچیان نشدند.

تا هفتم دسامبر [۱۵ آذر؛ ۱۲ ذی‌قعده] وضع بلاتفییر ماند و در آن روز ایالت اظهار داشت که شاه تلگراف نموده است اگر مردم از حرم خارج بشوند و بازارها را باز بکنند اعلیحضرت معظم یک نوع مجمع عدالتی اعطای خواهد نمود.

از طرف دیگر ملتیان از قرار ذیل تقاضا نمودند:

(۱) انجمن محلی،

(۲) عفو عمومی،

(۳) یک ماه مهلت در وصول مالیات.

این تقاضاها به شاه تبلیغ شد.

در هشتم دسامبر [۱۶ آذر؛ ۱۳ ذی‌قعده] ایالت از کاپتان فرنگلین خواهش نمود که از بانک شاهنشاهی هزار لیره برای او قرض بنماید که او بتواند حقوق قشون خودش را بپردازد ولی رئیس بانک از قبول آن خواهش امتناع نمود. رؤسای ملتیان به کاپتان فرنگلین اطلاع دادند که انجمن محلی انتخاب شده.

در نهم دسامبر [۱۷ آذر؛ ۱۴ ذی‌قعده] حاجی عبدالرحیم که یکی از رؤسای ملتیان است ایالت را ملاقات نمود که رضایت او را در شرایط ذیل حاصل بنماید:

(۱) معافیت سرستنگ (که محل مالیات جنسی است)،

(۲) مالیات نگرفتن تا عید نوروز،

(۳) شناختن و رسمیت دادن انجمن محلی،

(۴) عفو عمومی.

ایالت بجز شق «۳» همه را قبول نمود. نفاق بسیار بین پیشوایان ملیون مشهود

(۱۳) چاتمه: قرارگرفتن چند تفنگ در کنار هم و بطور عمودی چنانکه بصورت یک مخروط درآید. توقف عده‌ای قراول در یک محل. — م.

گردید و متابعین آنها در حق بسیاری از آنان سوءظن حاصل نمودند. در یازدهم دسامبر [۱۹ آذر؛ ۱۶ ذی قعده] ایالت به ملتیان اطلاع داد که اگر مردم متفرق بشوند او حاضر است سرستنگ را معاف بدارد و بیکلربیگی^{۱۴} حالیه را منفصل بنماید و عفو عمومی هم اعطای بنماید. بالاخره این شرایط قبول شده و مردم متفرق شدند. اگر چه علمای عمدۀ ملتیان و نماینده هر صنفی در حرم باقی ماندند، به حاجی عبدالرحیم این نسبت را می‌دهند که سبب خاتمه ننگین این هیجان شده.

امتراباد

مشروخه مورخه یازدهم دسامبر اگنت ما حاوی این رپورت است که تقریباً دو هزار نفر در یک مسجدی جمع شده و تقاضای اعاده مشروطه را دارند. صد و پنجاه نفر سوار ترکمان هم با آنها مع^{۱۵} بوده. پس از آن رؤسای آنها حکومت را ملاقات نمودند و او اظهار نمود که خودش شخصاً مشروطه‌خواه است؛ بعد از آن مردم متفرق شدند، ولی بازارها بسته ماند.

اصفهان

سردار ظفر «سالار ارفع سابق» که اسباب اعزام دستجات بختیاری به تبریز بوده و به این وسیله جلب توجه و مرحمت شاه را کرده بود از این توجه استفاده نموده و اسباب انفصال برادر خودش صمصام‌السلطنه از مقام ایلغانی‌گری بختیاری شد. حالا ایل منقسم به دو دسته شده و می‌توان اغتشاش آته را پیش‌بینی نمود. شاه صمصام‌السلطنه را به طهران احضار نموده ولی او به عذر علت مزاج و وقوع اغتشاش در ایل در صورت عزیمت خودش امتناع نمود.

محقق نیست که آیا هنوز او به مقام ایلغانی‌گری خود باقی است یا خیر. در ۲۹ دسامبر [۸ دی؛ ۵ ذی‌حجه] یک جنبشی بر علیه نایب‌الحکومه واقع شد و تقریباً دویست نفر سعی نمودند که در چنرال قنسول‌گری متحصن بشوند ولی آنها را از نیل به این مقصد بیرون داشتند.

یزد

رپورتهای واصله از ویس قنسول موقتی انگلیس حاوی تفصیل تقریباً چهارده فقره سرتیهای مختلف است که در طرق متصله به یزد واقع شده. هیچ‌یک از طرق امن نیست و راه کرمان و نائین از همه نامن‌تر است. پست‌ها فقط از طرق منحرفه و بیراهه می‌توانند عبور بنمایند. سرتیهای طرف جنوب به لشنبه‌ها و سایر ایلات فارس نسبت داده می‌شود و حکومت یزد اظهار می‌دارد که تا یک فرماننفرمای مقندری برای فارس تعیین نشود این طوایف در یغما و سرقت نمودن مداومت خواهند داشت. صحبت

(۱۴) بیکلربیگی = حاکم نظامی در دوران قاجاریه - (واژه قرکی = بزرگ بزرگان) - م.

(۱۵) مع: همراه - م.

این هر چه باشد حکومت مسئول محافظت طرق در نواحی یزد است. بدینخانه او آلت دست مشیرالمالک و صدرالعلماء است و تأدیة حقوق مستحقظین راه را به عهده آنها محول نموده. این دو نفر سعی داشته‌اند که مستحقظین طرق را به نصف مبلغ مصوبه دولت اشتغال بنمایند. در این باب آنها موفق نشده و ضمناً بسیاری از مستحقظین طرق که در عرض هفت ماه گذشته هیچ حقوق نگرفته‌اند ترک خدمت نموده‌اند. حکمان به مستر بلکمن اظهار داشته بود که یک محمد تقی‌خان نامی را برای محافظت راه اصفهان تعیین نموده و به مستر لمن اجزای اداره تلگراف اطلاع داده شد که برای سوار مستحفظ به مشارالیه رجوع بنمایند. همینکه او به مشارالیه رجوع نموده بود محمد تقی‌خان فقط خنده دیده و از دادن مستحفظ به او امتناع نموده بود. تجارت از بد به بدتر رسیده و عنقریب بکلی قطع خواهد شد. شهر یزد و اطراف آن بهمچنین دچار تهاجم مستحاجات مارقین است که به منازل پارسیهای متمول می‌روند و آنها را صده زده و پول و اثاث‌البیت آنها را بسرقت می‌برند. بتازگی یک جوان پارسی را به می‌پسخانه انجمن مسیحیان آورده بودند که یک دست او از مساعد جدا شده بود. او از هدایت نمودن یک دسته مارق به منزل شخص پارسی متمولی امتناع نموده بود. سارقین اغلب خود را به صورت مبدل می‌آرایند ولی وقتی هم که پارسیها دشمن خود را بشناسند از ترس دچار شدن به انتقام چرئت تظلم نمودن را ندارند. در یکی از وقایع، همینکه به حکومت تظلم نمودند او بکلی مستولیت را از عهده خود می‌ساقط نموده بود. یکی از اجزاء ارمنی تلگرافخانه هندواروپ، هنگامی که به می‌خدمت خود می‌رفته در گوچه با شخصی مصادف شده که قصد کندن پالتو او را نموده بود. مشارالیه شسلوں بیرون آورده حمله کننده بمحض دیدن آن فرار نموده بود.

در یزد هیچ سرباز برای قراولی ظاهر نیست. قراولی حالیه بانک شاهنشاهی ایران عبارت از دو نفر است که اسماء توپیچی هستند و هیچ اسلحه بجز یک شمشیر متدرمی وارد و از آنجا خارج نشده. [مندرم] ندارند.

کرمان

تلگرافی که قنسول انگلیس در ۲۶ دسامبر مخابره نموده بود مبنی بر این بود که بواسطه فقدان پول و نامنی طرق در عرض چهار هفته به هیچ‌وجه پست به کرمان وارد و از آنجا خارج نشده.

کرمانشاه

صمصام‌المالک، حکمان قصرشیرین، چون مجادله با ایلات کلهر و گوران را از عهده خود خارج دید پس از معزول شدن از حکومت بتوسط آنها به داودخان رئیس ایل کلهر ملتگی شد. داودخان خود را بکلی از تحت حکومت محلی خارج دانسته و از هیچ‌کس بیم ندارد مگر والی پشت‌کوه. نتیجه آن این است که طرق در ید طایفه داودخان است و دو پست بسرقت برده شده. عقیده قنسول انگلیس بر این است که اگر

داودخان تنبيه نشود آن ولايات متدرجاً برای اروپايان هم نامن خواهد شد و به تجارت انگلیس که مقدار معنایه است سکته وارد خواهد آمد. یك حکومت مقندری لازم است.

حکمان حالیه رئیس یکی از ایلات محلی است و از آن می ترسد که اگر به ضد ایلات دیگر اقدام بنماید وقتی که حکومت از او منزع شد دچار مصادمه آنها بشود. یك دکتر روسی که بتازگی به همدان می رفت با حمله ایلیاتیان مصادف شده و مجبور به پرداخت یك مبلغی وجه نقد شده بود ولی پس از ورود به همدان آن مبلغ به او مسترد گردید.

شیراز

ایالت فارس به وضع منقلب باقی است و سرقت قوافل دیگر هم را پورت داده شده. در اوخر نوامبر، هیجانی به ضد ایالت و عطاءالدوله بیگلر بیگی واقع شد که در یك موقع بیم و خامت آن می رفت. تمام تجار معظم اتفاق نمودند که تلگرافی به طهران مخابره نموده و از پیشرفت نداشتند شغل آنها بواسطه احاطه داشتن اغتشاش در تمام ایالت شکایت بنمایند. تهییجی هم برای بستن بازارها ظاهر گردید ولی صورت وقوع حاصل ننمود.

یك اشتهرنامه مهیجی در تمام شهر منتشر شد که شیرازیها را برای مخالفت با ترتیب حاضره دعوت و تحریک کرده بود.

در ۲۱ نوامبر سالارالسلطان بطرف لار عزیمت نمود. سید لاری بضد این عزیمت به لار به او اخطار نموده. عقیده مستر بیل براین است که مخالفت انگیزی سید منبور متضمن عناصر مخاطره حقیقی برای جزئی انتظام باقی مانده است. ظاهرا به تحقیق پیوسته که دهاتیان آن بلوک یك استعدادی از اعراب را که عازم ملحق شدن به سالارالسلطان بوده اند مغلوب و تقریباً هشتاد نفر از آنها را مقتول نموده اند.

یك تاجر پارسی که معمولاً اطلاعات صحیحه دارد به مستر بیل گفته بود که او تصور می کند اگر صولتالدوله از مقام ایلخانی گری قشقائی منفصل بشود از آمدن به شیراز امتناع خواهد نمود و حکمانی آن ایل بلکه حکومت شیراز را هم غیر مقدور می نماید.

بسیاری از اسلحه و آلات ناریه که در سنّه ماضیه در بلوای شیراز صرف شده بود صولتالدوله تهیه نموده بود.

او حاضر است با حکومت موافقت داشته باشد ولی تا اندازه ای که تحریکات برادر او، او را به حال خود بگذارد و واقعاً یك قسمت معنایه مالیات قلیلی را که برای قشقائی تعیین شده و مبلغ آن ۱۶,۰۰۰ لیره است او پرداخته است.

مقدور بودن این امر برای او بواسطه منافع فوق العاده ای بود که از سرقت های دستگات سیار قشقائی در تاستان ماضی که خارج از حدود فارس نموده بودند به دست او آمدند. يحتمل صولتالدوله بواسطه معیت علنی با سید لاری خود را بی اعتبار

نماید ولی اگر از مقام ایلخانی گردی منفصل بشود تقویت پر قیمتی یا او خواهد نمود اگر چه بطریق مخفی هم باشد. سردار فیروز از شیراز حرکت نموده، از قراری که راپورت می‌دهند مراجعت خواهد نمود.

خلیج فارس

بوشهر

دو فقره سرقت عمدۀ در اوخر نوامبر در راه شیراز راپورت داده شده و مسافرین داخله از تعداد پسیار و بدسلوکی مستحکظین راه شکایت داشتند.

نمره - ۵۸

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۸ ژانویه ۱۹۰۹)
از طهران ۳۰ دسامبر ۱۹۰۸
[۹ بهمن ۱۲۸۷؛ ۶ ذی‌حجہ ۱۳۲۶]

آقا

با کمال افتخار سه فقره راپورت راجع به اوضاع عمومی آذربایجان را در عرض این ماه که از جنرال قنسول انگلیس مقیم تبریز رسیده لقا ارسال می‌دارم. از راپورت مذکور ملاحظه خواهد شد که شهر تبریز و حول و حوش آن دیگر میدان مخاصمات بین دسته شاهپرستان و ملتیان نیست و حقیقتاً واضح است که ملتیان از زمان شکست اخیری که در داخل شهر به اردوی عین‌الدوله داده‌اند بالنسبه در حفظ نظم موفق شده و در انقلابات اخیره در محافظت اتباع خارجه مقیم تبریز مساعدت فوق العاده نموده‌اند. از زمان راپورت اخیر مستر راتیسلا جنگ در خط مراغه امتداد داشته و در مجادلات مختلفه که واقع شده ملتیان عقب نشانده شده‌اند چنانچه در حمله‌ای که در ششم دسامبر در باسمع به اردوی عین‌الدوله برده بودند نیز عقب نشسته‌اند.

در قسمت اوخر این ماه عین‌الدوله فعالیت بسیار مشهود داشته و علاوه بر اهتمام در قطع آذوقه از تبریز، متعرض ایاب و ذهاب پست بین آنجا و طهران هم شده. من در این مسئله به دولت ایران پرست نمودم.

امضاء جارج بارکلی

ملفوقه در نمره ۵۸

مناسله مستر راتیسلا جنرال قنسول به سر جارج بارکلی
از تبریز، ۱۸ نوامبر ۱۹۰۸
[۲۶ آبان ۱۲۸۷؛ ۲۳ شوال ۱۳۲۶]

با کمال افتخار شرح اوضاع تبریز را پنوعی که در زمان معاودت به خدمت خودم ملاحظه نموده‌ام ذیلاً تقدیم می‌دارم.

از زمان خروج قشون شاه، شهر بکلی در دست ستارخان و باقرخان و دسته نظامی بوده یک انجمن ناقصی هنوز موجود است ولی خیلی کم بلکه هیچ مداخله در امورات ندارند ولیکن جلسات دائمًا تشکیل می‌یابد و هر کس میل داشته باشد در آن مجمعها حاضر می‌شود.

اجلال‌الملک در هفته گذشته به من اطلاع داد که بواسطه اعمال خود سرانه باقرخان اداره امور را از عهده خود ساقط دیده و از حکومت استغفا داده است ولی از قرار معلوم او هنوز وظایف ریاست ظاهیری را در دست دارد و ستارخان و ساطت نموده که بین او و باقرخان را الشیامی بدهد. افواهات در باب برودت و رقابت بین ستار و باقر اشاعه یافته بود ولی من گمان نمی‌کنم که آن اختلال عجالتاً چندان اهمیتی داشته باشد. در داخله شهر نظم به کمال خوبی مستقر است و حقیقتاً محل مسکونی مسیحیان و عنصر خارجه بحدی مصون و مأمون است که تا حال هرگز اینطور نبوده و من هیچ تغییری در وضع آن محله مشاهده نمی‌نمایم. عموم خارجیان از وضع و رفتار ملتیان نسبت به آنها در عرض مدت انقلاب اظهارات تشکرآمیز می‌نمایند و به استثنای روسيها هیچ‌کدام اظهار خوفی برای امنیت شخصی خود نمی‌نمایند.

فقط مورد استثنایی که می‌توان به رفتار ملیون اعتراض سخت وارد آورده همان عمل تحمیل اعانه اجباری است که آنها به طبقات متموله مردم وارد نموده و در اکراه و امتناع از تأدیه به قتل تهدید شده‌اند. و در بعضی موارد به سیاست بدنی هم آنها را مجبور نموده‌اند. مختصرًا بیهوده تحوی هست پولی که برای پرداخت حقوق قشون که در صورت اهلی بودن از روزی دو الی ۶ قران نفری و اگر داوطلب قفقازی باشد الی روزی یک تومان لازم است باید تحصیل بشود. در مقابل اخذ این طور اعانه‌ها قبض رسید سپرده می‌شود ولی احتمال آن نمی‌رود که هیچ‌وقت صورت حساب آن ابراز بشود و کمتر محتمل است که سرdestهای از نگاهداشتی یک ده یکی در جیب شخصی خود احتراز بنماید.

موقع آرامی و متارکه جنگ غنیمت شمرده شد و تهیه آذوقه در شهر شد و اثبات‌ها از گندم وارد در ارک برای احتیاجات اولیه ذخیره شد. برای آن تهیه جنس سهمی امساله دولت از دهات حوالی را بتصرف درآوردند و بهمچنین مقداری از جنس صاحبان املاک را در این مسئله هم باز برای آنچه دریافت نموده‌اند قبض رسید سپرده شده.

این تحمیلات بالطبع باعث رنجش اشخاصی می‌شود که خسارت می‌کشند و آنها در خقیه از این ترتیب اوضاع حاضره خیلی اظهار کراحت می‌نمایند.

واضح است که این ترتیب را نمی‌توان تا موقع غیرمحدودی معمول داشت چونکه تبریز با سرمایه خودش گذران می‌نماید و همینکه آن تمام شد مشکل است فهمید که

به چه وسیله قشون محلی را نگاهداری خواهند کرد.
در دهاتی که سواران قره باغی و ماکویی آنها را متهم تموده‌اند ابتلا و سختی بسیار احاطه دارد. اکثر احشام آنها را این راهزنان بینده‌اند و یاین واسطه مزارع بسیار بی‌شکم و نامزروع مانده که در سال آیینه آتیه تاریکی را نشان می‌دهد.
باب تجارت از طریق جلفا مفتوح شده ولی هنوز تجار از سپردن محمولات خودشان به آن جاده خوف دارند. این خوف در تجارت بهاروپا از طریق خوی بیشتر مشهود است.

بی‌شببه بی‌میلی در اشتغال به امورات تجاری نه بواسطه خوف از ملتیان است بلکه بواسطه خوف از هواخواهان شاه.

عین‌الدوله هنوز علامتی برای حرکت از محل خودش در باستنج بطرف شهر ظاهر نداشته در صورتیکه استعداد اضافه هم به او ملحق گردیده. گمان نمی‌رود که بدون تقویتی او بتواند چندان پیشرفتی به ضد ملتیان بنماید.

امضاء راتیسلا

ملفوقة دویم در نمره ۵۸

مکتوب مستر راتیسلا جنرال قنسول به سر جارج بارکلی

از تبریز، ۲۳ نوامبر ۱۹۰۸

[یکم آذر ۱۲۸۷؛ ۲۸ شوال ۱۳۲۶]

آقا

با کمال افتخار ترجمة مراسله‌ای که از طرف انجمن تبریز به من و همکار روسی من نوشته شده لفأ ارسال می‌دارم. در مکتوب مذبور توجه ما را به سوم اعمال شاه پرستان و حسن سلوک خودشان نسبت به خارجه‌ها جلب نموده و اظهار امیدواری نموده بودند که حقایق مسئله را اعلام بداریم. البته من جوابی در مقابل آن مراسله نداده‌ام.

ملتیان در عرض هفتۀ ماضی بواسطه تصرف مراغه و مرند به دو موقیت عمدۀ نائل گردیدند.

چندروزی مجاهدین در مراغه جمع می‌شدند و بالاخره بواسطه نزدیک شدن پسر سلیمان بهادرالسلطنه، رئیس ایل چهار دولی، که از طرف شاه به حکومت آنجا منصوب شده بود و به خیال تصرف شهر از جانب پدرش می‌آمد این عمل آنها شدت حاصل نموده.

بمحض استماع خبر تصرف ملتیان او از طریق صائین قلعه به مکان خود رجعت نمود.

یک ماه قبل، از طرف شاه به بهادرالسلطنه امر شده بود که با تمام استعداد خودش به عین‌الدوله ملحق بشود ولی او از اطاعت این امر امتناع نموده و متغیر شده بود که خاک خودش به تهاجم و حملات غارتگران شاهسون گرفتار است.

ملتیان در مراجعه مقدار کثیری اسلحه و آلات ناریه ضبط نموده ولی من شک دارم که آنها بتوانند قوه زیادی از اهالی آنجا که از روی میل یا بی میلی به آنها ملحق شده‌اند اکتساب ننمایند چون اهالی مزبور مدتهای مديدة در تحت نفوذ فامیل مظفرالدوله و حکومت نسبتاً با صلح و مسالمتی مرفه بوده‌اند. مظفرالدوله در طهران در تحت قدرت شاه است و اهالی مراجعه امتناع سابقه خود را از موافقت با مشروطه مبنی براین نمودند که تعقیب همچه روشه باعث تولید زحمت ولی نعمت آنها یعنی مظفرالدوله خواهد شد. شجاع‌نظام، پسر و وارث لقب شجاع‌نظام مقتول، پس از جزوی مقاومتی، در بیست و یکم شهر حال از مرند به ماکو فرار نمود. هزیمت او تمام راه روسیه را در ید ملتیان خواهد گذاشت و من گمان می‌کنم آنها کاملاً منافع خود را در افتتاح آن راه برای تجارت خواهند دید. بواسطه بی‌ترتیبی پست، یغین از راپورت تجدید استقرار انجمن محلی، من اطلاع دیگری از واقعات سلامان ندارم. یهمچین اطلاع کاملی هم در باب قتل اقبال‌السلطنه، سرکرده ماکویی ندارم. حتی ظاهراً محل شک ضعیفی است که مسرت اهالی تبریز برای این واقعه قدری زود است چون هنوز صحت آن محقق نیست.

هیئتی از تبریز به ارومیه رفته‌اند که اهالی آنجا را برای دعوی مشروطه به هیجان بیاورند. اوضاع در خود تبریز یہمان قسم باقی است.

اعضاء راتیسلا

ضمیمه ۳ در نمره ۵۸

مراسله انجمن تبریز به مستر راتیسلا جنرال قنسول ۲۰ نوامبر ۱۹۰۸

[۱۳۲۶ شوال ۱۲۸۷ آبان ۲۸]

مطابق قانون طبیعی تمام نوع بشر یا هم منبوطنده و باید با یکدیگر محبت داشته باشند. این نکته امروزه باعث جلب توجه تمام دیپلماتهای عالم گردیده و معنی دارند که قوانین تمدن و آزادی ملل خود را بموضع اجراء بگذارند برای اینکه حقوق نوع بشر را محفوظ بدارند.

بدینگtanه در این عصر تمدن دولت ایران دچار تغافل شده و عداوت تنفرآمیز بین اهالی تجیب آذربایجان تولید شده که متضمن نتیجه وخیمی است. با وجود تمام خساراتی که به منافع و حقوق نوع انسانیت وارد آمده محال است که قلوب شاه پرستان با تقاضاهای ملت موافقت نموده و بطريق مسالمت متعرف بشود. آنها هنوز در صدد تهیه تجدید مخاصمه هستند و جمع‌آوری قشون نموده و راه آذوقه را بر ملت مظلوم مسدود و سلب امنیت از طرق می‌نمایند. شما که نمایندگان دول خارجه هستید مشاهده نموده‌اید که چطور در هر روز پنج ماه و نیم ماضی مأمورین دولتی و سوارهای وحشی به جان و مال و شغل و تجارت و شرف ملت ابقاء ننموده و منشاء هر قسم شمارتی شدند که بکلی برخلاف نظام و ترتیب عالم است.

با وجود تمام این بصائر اسباب نهایت مسرت است که از بد و انقلاب نیز تا حال

از طرف آزادی طلبان و مشروطه خواهان هیچ صدمه و مزاحمتی به برادران خارجه ما وارد نیامده چنانچه شما مایل به تقویت عالم تمدن باشید از انتشار این وقایع مهمه مضایقه نغواهید نمود تا اهالی آذربایجان هم حقوق شما را منعی و محترم بدارند.

ملفوقة ۴ در نمره ۵۸

من اسله مستر راتیسلا چنرال قنسول به سرجارج بارکلی تبریز، ۲ دسامبر ۱۹۰۸ [۱۳۲۶] آذر ۱۲۸۷؛ ۷ ذی قعده [۱۳۲۶]

آقا

پس از راپورت اخیر من پیشرفت مقاصد ملیون در مراغه و بناب با سکته مهی تصادف نموده یک استعدادی که از تبریز فرستاده شده بود بدون اشکال هر دو محل مزبور را تصرف نمودند و این اتفاق فقط کمی قبل از ورود سواران چهاردوالی از طرف مغرب بود. بعلاوه اخذ وجه اعانه معمولی از دوست و دشمن متساویاً ملتیان در هر دو محل در اجحافاتی مباردت کردند که خوشختانه تا حال مرسوم آنها نبوده و در بناب سکنه به مخالفت آنها برانگیخته و باتفاق بسیار آنها را از شهر خارج نمودند. ظاهراً چهاردوالیها به آنها کمک نموده‌اند ولی چزئیات آنها هنوز رسیده و این مسئله حتی‌الامکان کم منتشر شده. متعاقب آن فوراً تخلیه مراغه واقع شد ولی محتمل است که اهتمامی در تجدید تصرف آنجا بعمل آید.

دو نفر سرکرده قشون تجهیزه‌ای را بمحض مراجعت به تبریز محبوس نموده و از قرار مسموع یکی از آنها را چوب زده‌اند.

از مسلماس هم راپورت جنگ بین ملتیان و ماکوییها رسیده. از طرف مجاهدین ارامنه که در محل مزبور با استعداد هستند به ملتیان مدد بسیار رسیده. تقریباً در دو هفته قبل بنا به اظهار محتشم‌السلطنه یک انجمنی در ارومیه انتخاب شده ولی انجمن بی‌جلوه‌ای است و احتمال نمی‌رود که چندان دوامی بنماید. منزلگاه‌های جاده که اکنون در دست روسها است یکی در جلفا و دیگری دریم است (ما بین صوفیان و مرند) منزلگاه عمده پل آجی در خارج تبریز است. با وجودی که انجمن تقاضا نمود آنجا را مجدداً اشغال بنمایند و قراولی در سر پل برای حفظ کارگران گماشته بشود معندها از زمان مجادله در آن محل آنجا خالی مانده است.

اشخاصی که تازگی با منع را دیده‌اند راپورت می‌دهند که وضع قشون عین‌الدوله خیلی بد بوده. بسیاری از آنها مریض و بواسطه سرما و فقدان ملزمات در صدمه هستند - امسال زمستان زود آمده تا حال برف سنگینی افتاده و هوا خیلی سرد است. ظاهراً بجز اینکه یکدفعه یورش به تبریز برده شود چاره نیست مگر اینکه تابهار به تأخیر افتاده شود.

امضاء راتیسلا

نمره - ۵۹

مکتوب سر نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۱۸ ژانویه ۱۹۰۹ سن پطرزبورغ، ۱۱ ژانویه ۱۲۸۷؛ ۱۸ ذیحجه ۱۳۲۶)

آقا

به لحاظ راپورتهایی که سرجارج بارکلی در باب وضع تبریز و اصفهان هر دو به من داده بود من دیروز به ملاقات مسیو ایسولسکی رفت و از مقاد آنچه به من رسیده بود ایشان را مستحضر نمودم. من خاطرنشان آنجناب نمودم همچه می‌نماید که آن مملکت با سرعت تمام به حالت تجزیه شدن نزدیک می‌شود و نهایت لزوم را دارد دولتين قراری بگذارند که چه اقداماتی برای جلوگیری از بسط و نشر این جنبش باید بشود. اعتقاد براین است که شاه در صدد صدور دستخطی برای تأسیس مشروطه است ولی اگر آنجناب بتواند یادداشتی را که مشغول ترتیب آن بوده است به من بدهد متشرک خواهم شد برای اینکه دولت متبعه من بتواند بدون دفع وقت پیشنهادی را که معزی‌الیه ترتیب داده در تحت مذاقه و امتحان بیاورد. آنجناب اظهار داشت که بمناسبت ایام تعطیل عید میلاد مسیح نتوانسته است بالآخره در اختتام یادداشت قیام بنماید ولی امیدوار است لااقل تا سیزدهم شهر حال آن را به من بدهد.

نظريات مسیو ایسولسکی این بود که وضع ایران واقعاً بسیار منقلب است. حکومت‌های نیمه‌مستقل یا در واقع مستقل هم در تبریز و هم در اصفهان تأسیس شده و قدرت شاه ظاهراً رو به تحلیل رفتن است. آنجناب ظن قوی داشت که اعلان مشروطه فقط علاج کافی برای وضع امور خیلی مهم حاضره نخواهد بود. آنجناب اظهار داشت لازم نمی‌داند اطمینان‌هایی را که مکرر در باب بهیچوجه مایل نبودن دولت روس به مداخله اظهار داشته است تکرار بنماید چون اقدام به‌این امر منافی با منافع خودشان است ولی واقعیات و مقتضیات ممکن است از حد تحمل خارج بشود. او اظهار خرسندی می‌نمود و با وجودی که ستارخان حق حکومت مستقلی را به‌عهده گرفته است ولی راه جلفا به تبریز مفتوح است و قوافل بدون آسیب و زحمتی تردد می‌نمایند و تا حال هیچیک از اتباع روس مورد سوء سلوک و مقتول نشده‌اند.

مالک شرقی رویه غریبی در استخلاص از گرفتاریهای درهم و برهم یاس‌آور دارند که غاصبین قدرت غفلتاً حامیان فدوی مرکز قدرت می‌شوند مع‌هذا اوضاع خیلی سخت و بحرانی است و او خشنود خواهد شد که نظريات دولت انگلیس را در این باب استماع بنماید. جناب معزی‌الیه از استماع تعیین سعدالدوله به وزارت امورخارجه و تمایل او به معارضت با سفارتین مشعوف بود.

من به آنجناب اظهار داشتم اگرچه محتمل است وضع امور به درجه‌ای رسیده باشد که اعلان اعطای مشروطیت هم باعث تخفیف انقلاب نشود مع‌هذا در اصرار به صدور آن منع و مخالفتی نیست زیرا که ممکن است قدری فایده ببخشد. من با آنجناب موافقت نمودم که قسمها و عده‌یا حتی اعطای مشروطه هم علاج کلیه را نخواهد نمود

مع ذلك آن یک اقدامی برای پیشرفت است.

امضاء نیکلسن

نمره - ۶۰

تلگراف سرچارج بارکلی به سرادردارد گری (واصله در ۱۹ ژانویه ۱۹۰۹)
از طهران، ۱۹ ژانویه ۱۹۰۹
[۲۹ دی ۱۲۸۷ : ۲۶ ذیحجه ۱۳۲۶]

اصفهان

جنرال قنسول انگلیس امروز راپورت می‌دهد که بختیاریها پیشکار مالیه را که از طرف دولت ایران برای اخذ مالیات گماشته شده بود دستگیر نموده و سعی دارد که به این وسیله بیست هزار تومان استقراض حاصل ینمایند. آنها در صدد جمع‌کردن آذوقه در شهر و سنگربندی هستند. از قراری که راپورت داده شده تقریباً صد و پنجاه نفر بختیاری در ۱۷ شهر حال به عزم مورچه‌خورد از شهر حرکت نموده‌اند و حالا عده‌ای که در اصفهان هستند تقریباً هزار و پانصد نفرند. مستر گرهم نیز اظهار می‌دارد که اطلاعات مکتبه او مبنی به تصدیق این عقیده است که بختیاریها یکی از طهران می‌آیند با بختیاریها در اصفهان چنگ نخواهند نمود.

نمره - ۶۱

تلگراف سرچارج بارکلی به سرادردارد گری (واصله در ۱۹ ژانویه)
از طهران، ۱۹ ژانویه ۱۹۰۹
[۲۹ دی ۱۲۸۷ : ۲۶ ذیحجه ۱۳۲۶]

امروز صبح یکی از اجزاء عمد پارلمان سابق را که از جانب بعضی از ملتیان طهران آمده بود من را ببیند پذیرفتم.
او اظهار داشت که آنها شنیده‌اند دولتین انگلیس و روس به خیال این هستند که اقدام دراستقرار کنترل در ایران ینمایند و او توضیع نمود که هم مسلکان او مایلند که یا دولتین فقط تا این اندازه مداخله ینمایند که تجدید تأسیس مشروطه را حاصل ینمایند که اگر چه بواسطه آن البته دقتاً حکومت مستحسنی فراهم نخواهد شد ولی طی نصفه راه را برای حصول آن خواهد نمود یا اینکه انگلیس و روس شاه را به حال خود بگذارند که مسائل را با ملت‌خود قطع و فصل ینماید و از تمام مداخلات احتراز ینمایند. او اظهار داشت که ملتیان ملتفتند که وجود مستشارهای خارجه لازم است و مجلس آتیه که یا فهم‌تر از مجلس سابق عمل خواهد نمود مستشارها را جلب خواهد کرد ولی چیزی را که مخصوصاً ملتیان مایل به احتراز از آن هستند این است که مستخدمین خارجه را دولتین مأمور و منصوب ینمایند. من در جواب اظهار نمودم که اعاده حکومت شوروی فقط نقطعه نظر بوده و ینماینده‌های دولتین برای آن اظهارات

نموده‌اند و چون تا حال نتیجه‌ای از آن حاصل نشده اظهارات دیگری و بطریقی که هیچ نمی‌توانم به شما بگویم اکنون در تحت نظر و مذاقه دولتين انگلیس و روس است.

نمره - ۶۲

مکتوب سرادردار گری به سرنیکلسن

از وزارت خارجه، ۲۰ ژانویه ۱۹۰۹

[۲۰ دی ۱۲۸۷؛ ۲۷ ذی‌حجه ۱۳۲۶]

آقا

در سیزدهم شهر حال سفیرکبیس دولت روس به این اداره آمده و در باب اوضاع اصفهان با سرهاردینگ مذاکره نمود.

سرهاردینگ به کنت‌بنکدرف اظهار داشت که به موجب اطلاعاتی که به وزارت امور خارجه رسیده صمصام‌السلطنه و بختیاریهای او در اصفهان خود را طرفدار ملتیان قلمداد کرده‌اند و عجالتاً فرمانفرما قصد رفتن به اصفهان را ندارد و بختیاریهایی که باتفاق نایب‌الحكومة رفته‌اند با صمصام معاند نیستند. سرهاردینگ نیز اظهار داشت که به عقیده وزیر امور خارجه صلاحیت در این است که منتظر بروزات آتیه بشویم.

مادامی که شاه حکومت خود را اصلاح ننموده و اساس آن را بر مبنای نگذارده که باعث اعتماد باشد حاکم یا قشون فرستادن به اصفهان برای او بی‌ثمر است. در صورتی که اعلیحضرت معظم به تصایع ما گوش نمی‌دهد وزیر امور خارجه تصور می‌کند که مجاهدات ما در باب بکاربردن نفوذ خودمان به صمصام‌السلطنه مورث بی‌اعتئانی متساوی طرفین به تصایع ما خواهد شد.

امضا ادوارد گری

نمره - ۶۳

مکتوب سرنیکلسن به سرادردار گری (واصله در ۲۲ ژانویه)

از من پطرزبورغ، ۱۷ ژانویه ۱۹۰۹

[۲۷ دی ۱۲۸۷؛ ۲۴ ذی‌حجه ۱۳۲۶]

آقا

با کمال افتخار سواد یادداشتی را که دیشب از مسیو ایسوولسکی به من رسیده لفاظ ارسال می‌دارم و مبنی بر اقداماتی است که دولتين روس و انگلیس به لحاظ وضع ناهنجار ایران ممکن است به موقع اجراء بگذارند. مسیو ایسوولسکی خواهش نموده بود که چون می‌خواهد با من گفتگویی بنماید امروز بعد از ظهر من نزد او بروم. امروز غصیر من خدمت جناب معزی‌الیه رفتم واو سؤال نمود که غقیده شما در باب

یادداشت چیست. من به او اظهار داشتم هیچ اشاره‌ای راجع به شرط انتخاب شدن اعضای مجلس مشاوره برای توشتن قانون انتخابات در آن نشده است. مسیو ایسولسکی تشریح نمود که نخواسته است پیشنهادات خود را با این تفصیلات مبسوط بنماید یا ترکیب مجلس مشاوره را خیلی دقیقانه شرح بدهد. او اظهار داشت انتخابات طول خواهد کشید و در اینکه چطور و از چه طبقه مردم باید انتخاب بشوند و از این قبیل مذاکرات [و] مباحثات طولانی خواهد شد لهذا او ذکر «اشخاص کافی» نموده است و اولی می‌داند که برای کار مجلس مشاوره تعجیل بشود.

در باب استقراض من اظهار داشتم به نظر من در این مسئله بهیچ وجه لزوم عجله‌ای نمی‌بینم و بهتر آن است معوق بماند تا مسیو بیزو راپورت خودش را که باید از او خواسته بشود بددهد چون محتمل است يك استقراضی بهیچوجه لازم نباشد، جناب معزی الیه با این عقیده موافقت نموده و اظهار داشت که اگر او اظهار رأی در خصوص استقراض نموده در صورتی است که استقراضی لازم بشود و طرح نقشه کنترلی که لازم خواهد بود ریخته است که در صورت استقراض اعمال شود، جناب معظم الیه [= معظم له] اصرار نمود که طریقه کنترل را حتی الامکان سهل و ساده و خالی از رسمیت قرار داده اگر قرضی داده بشود يك نظارت و کنترلی برای طریقه و ترتیب مصرف آن حتماً خسروی خواهد بود.

پس از آن من اظهار نمودم که در خصوص يك استقراضی من یقین قطعی دارم که به هر صورت تا يك قانون انتخاباتی مترتب و منتشر نگردد و موقع انتخابات و تشکیل مجلس معین نشود دولت متبوءه من این پیشنهاد را نخواهد پذیرفت.

مسیو ایسولسکی جواب داد که اهمیت بیان من را کاملاً می‌شناسد ولی او با دقت تمام در یادداشت اینطور قید و شرط نموده است که «اگر شاه دلایل کافی مشهود دارد براینکه جازماً به نصایح دولتین عمل می‌نماید در آنصورت....» او عمداً در آن عبارت شرایط استقراض را مجمل گذارده است چون در آن وقت ما بکلی مختار خواهیم بود که تصمیم نماییم که اعمالی را که شاه انجام داده مکفی یا غیر مکفی بوده. ما ممکن است با کمال استحقاق بگوییم که تایک مجلسی منعقد نشود یا شروع به انتخابات نشود یا شرایط دیگر بعمل نماید ما اقناع خواهیم شد ولی معظم الیه [= معظم له] را عقیده براین بود که این مسئله باید محول به نمایندگان در آن محل بشود که وقتی که شاه صحت قول و عقیده خود را بحدی مدلل داشت که به نظر آنها تأدیة قرض در تحت شرایط به دولت ایران صلاح و صحیح بود به دولت متبوءه خود اطلاع پدهند. بهر صورت این نکته باید فراموش بشود که يك مبلغ قلیلی باید بسرعت داده بشود مگر اینکه مایل باشیم که چرخ و اوضاع امور را متلاشی‌تر از حالیه ببینیم. دولت در زندگی خود دست به دهن است و این وضع زندگی به ملاحظه اهمیت موقع نمی‌شود. تا يك مدت طولانی بسلامت مداومت بنماید.

او اظهار داشت نهایت لزوم را دارد که صدراعظم و سایر عناصر مرتعجه از هیئت مشاوره شاه مطرود بشوند و به يك دولت اصلاح شده‌ای با اطمینان و تأمین زیادتری

می‌توان قرض داد.

مسیو ایسولسکی اظهار داشت امیدوار است این مسئله کاملاً مفهوم شده باشد که دولت روس بپیچوچه قصد پکار بردن مداخلات نظامی از هیچ قبیلی را ندارد. او خودش حس می‌نماید که اگر دولتین دستهای خود را از اقدام ببنند ایران بسرعت منقطع به قطعاتی خواهد شد که عبارت از جمهوریهای مستقله باشد یا یک نوع حکومتهای دیگری که در تمام مملکت تأسیس بشود. این نوع بی‌ترتیبی و هرج و مرج باعث آین خواهد شد که دولتین مجبور به مداخلات قهریه بشوند و از این اقدام در صورت امکان باید احتراز نمود.

امضا ا. نیکلسن

ملفوقة در نمره ۲۴

یادداشت مسیو ایسولسکی به سرتیکلسن

ترتیب اوضاع ایران دور از بیهودی روز بروز مغشوшен تر می‌شود و حال مملکت خیلی سخت و جالب اهمیت شده است. اوضاع در آذربایجان رو به بدتر شدن می‌رود: قدرت شاه فقط اسمی است. کوشش و کشمکش بین دستجات احزاب کماکان باقی است. واردات تجاری متدرجاً رو به تنزل است. دسته شورشیان بتازگی کمپانی تلگراف هند و اروپ را مجبور نموده‌اند که تمام وجودات مدیونی خود را به‌انجمان محلی تبریز بپندازد. تازگی در اصفهان هم افتشاش بروز نموده والحال آن شهر در تصرف بختیاریها است. اهالی مشهد از پرداخت مالیات امتناع دارند. اوضاع گیلان و سایر ولایات کمتر از نقاط مذکوره تهدید‌آمیز نیست. یک قسمت از مجتمه‌های نجف مشغول اشاعه دادن اشتباہ‌نامه‌ها در تمام مملکت هستند برای اینکه مردم را علیه شاه برانگیزند و آنها را دعوت بنمایند که از حقوق و منافع شخصی خودشان دفاع بنمایند. از طرف دیگر خزانه شاه خالی است. قشون و بهمچنین ادارات بدون تأدیة حقوق مانده و مجبورند که بواسطه غارت و شکار کردن مردم بی‌آزار زندگانی بنمایند. اگر حوادث به‌این طریق مداومت بنماید هیچ‌کس نمی‌تواند پیشگویی یکند که سرانجام این بی‌نظمی مملکت قاجاریه به‌کجا منتهی خواهد شد. نظر به‌اینکه بعلت انقلابات ایران تازگی به منافع اقتصادی روس و انگلیس خسارت معنابهی وارد آمده دولتین باید وضع حالية مملکت را در تحت مذاقه جدی‌قرار داده و هم خود را براین مصروف بدارند که طرح نقشه عملیاتی بریزند به‌قصد اینکه از اشکالات و پیچیدگیهای دیگر که ممکن است آنها را مجبور به‌انحراف از مسلک سکوت خودشان نسبت به‌واقع ایران بنماید جلوگیری بشود. برای موافقت کامل با اصل و قاعدة کلی عدم مداخله در امور داخلی ایران، دولتین انگلیس و روس تا حال اقدامات خود را انحصاراً محدود به‌این حد کرده‌اند که به‌شاه صلاح‌اندیشی دوستانه بنمایند که حکومت شوروی را که بعداز وقایع ۲۳ ژوئن ۱۹۰۸ متوجه شده مجدداً تأسیس بنمایند. دولتین به‌احمیان اینکه اعاده حکومت استبدادی در ایران غیر ممکن است و منتها وسیله تسکین ملت ایفاء حواej ملت است

لهذا این طریقه مشی را برای خوداتخاذ نموده‌اند. ضمناً دولتین روم و انگلیس بالصراره ملتفت‌اند که تجدید تأسیس مشروطه‌ایران به‌وضعی که قبیل از انفصال مجلس سابق جاری بود بهمان میزان نامطبوع است زیرا که در آنصورت مملکت به‌حالت هرج و مرج سخت‌تری دچار خواهد شد. مجلس اولی که متکی به‌اجتمنهای آشوب‌طلب بود امتحان صحیحی از بی‌لیاقتی کامل خود در دلالت امور مملکت به‌طریق جدیدی داده یک عده معتبرانه از مطلبات عالی مردم ایران با این عقیده شریکند و بهمین جهت از فرقه ترقیخواه منفك شده و به صفوی مرجعین ملحق شدند. شباهتی که در ذهن شاه جای گرفته کلیتاً مربوط به‌همین مسئله است.

نظر به‌این مراتب دولت امپراطوری تصور می‌کند که فشار به‌شاه برای حصول تجدید تأسیس مشروطه بتنها یعنی باعث بسته‌آمدن مقصودی که دولتین در نظر دارند نخواهد بود. اگر تسکین ایران، و بهمچنین استقرار نظام ثابتی در امور، مطلوب است نه فقط تشکیل یک حکومت شوروی معقولی باید بشود بلکه به‌حکومت شاه هم در ضمن برای اصلاحات لازمه باید تقویت بشود که اول و مقدم‌تر از همه اصلاح مالیه است و پس از آن اصلاحات اداره نظامی و قضائی.

برخلاف عقیده مقبولة عموم، ایران مملکت با ثروتی است و دارای منابع معتبرانه از ثروت است – این مسئله را جمعی تصدیق دارند منجمله مستر مارلینگ که سابقاً شارژ دافر دولت انگلیس در طهران بود – ولیکن منابع گران‌بها مملکت تضییع شده، یک قسمت از عایدات بواسطه فساد و خرابی اداره مملکت بهدر می‌رود. پقیه بدون داشتن هیچ نفع واقعی برای مملکت صرف می‌شود و این بواسطه اصول غیر کافی مالیه مملکت است – اگر در حقیقت بشود اصلاً ذکری از اصول مالیه نمود، فقط یک شعبه از منابع عایدات مملکت به‌مبنای مستحکمی تأسیس شده که آنهم گمرکات است. از زمانی که مسیو نوز و معاونین بلژیکی او تشکیل اداره گمرکات را در ایران نمودند عایدات آن مبلغ معتبرانه زیاد شده و اکنون در هرسالی تقریباً به مبلغ پنج میلیون میلیون روسیه. پس از وضع دو میلیون و پانصد هزار منات در مقابل استهلاک سالیانه سی و دو میلیون منات قرض دولت ایران به بانک استقراری دولت روس و دو میلیون و نیم منات به بانک شاهنشاهی ایران دو میلیون و نیم منات در هر سالی عایدی خالص در دست دولت ایران باقی می‌ماند. یک محل عایدی دیگری که ممکن است متناسباً مبلغ معتبرانه از آن حاصل بشود ولی بدین‌گاه بواسطه فقدان کامل ترتیب اداری بطوریکه اروپاییان آن را تعبیر می‌نمایند و به آن میزان نمی‌رسد، مالیات یا عشريه‌ای است که بموجب قوانین قرآن به‌داراضی مزروع تعلق می‌گیرد. قسمت عده‌این عشريه که به‌عهده مالیات دهندگان وارد می‌شود به‌اضعاف یک مبلغ بالنسبة گزافی بایک سختی که به‌ظلم و جور می‌رسد تقریباً بال تمام در جیب مأمورین اداره می‌رود که به‌دست آن مأمورین باید این وجه به‌خزانه عاید گردد ولی در حقیقت یک قسمت بسیار قلیلی فقط داخل خزانه

(۱۶) در اصل مناط بوده است. منات (به‌فتح اول) واحد پول روسی برابر ۱۰۰ کوبک است. – م.

می شود. بالاخره دولت ایران یک منبع عایدات ثالثی هم در دست دارند که اگر بقاعدۀ مرتب پگردد آنها را قادر خواهد نمود که یک عده معتنابه قشون مسلح نگهدارند. این منبع عایدات یک مالیات نظامی مخصوصی است که مردم برای نگهداری یک عده معینی سرباز که بر حسب یک عادت قدیمی اهالی مجبورند برای شاه تهیه نمایند به دولت می پردازند.

یک عده کثیری از این سربازان را در حقیقت هرگز در تحت سلاح نمی آورند. بقیه را مواجب صحیحی نمی دهند یا بکلی بی مواجباند و مبلغی که باید به مصرف نگهداری قشون مسلح برسد در جیب شخصی مأمورین آن اداره داخل می شود. ملاحظه خواهد شد که منابع عایدات مملکت معتبر است و برای اینکه در این وضع کنوئی ترقی حاصل بشود همینقدر کافی خواهد بود که ترتیبی در مالیه واداره آن داده بشود.

اگر شاه رأی قطعی خود را براین قرار بدهد که صمیمانه داخل طریق اصلاحات بشود احتمال کلی دارد یک مبلغ پول معینی لازم داشته باشد که به مصارف لازمه اصلاح و تجدید اساس ادارات مملکت برساند. عایدات واقعی دولت ایران کافی است که یک استقراض خارجی جدیدی را ولو اینکه مبلغ معتبرابه هم باشد تأمین و تأمین نماید. تنها مبلغ دو میلیون و نیم میلیون منات که از عایدات گمرکات باقی می ماند برای استهلاک اصل و فرع سی و دو میلیون منات قرض کافی خواهد بود. ولیکن خیلی ممکن است که دولت ایران در مقامی باشد که احتیاج به یک استقراضی به این اندازه ها هم نداشته باشد شاید او بتواند قناعت به این اقدام بنماید که یک کنترل جدی برای عایدات کنوئی خود قرار بدهد که واردات آن را زیاد بنماید و آنوقت فقط به یک مبلغ بالغ بالنسبه معتدلی احتیاج خواهد داشت که به مصرف مخارجی که در مقدمات اصلاحات لازم خواهد بود برساند.

اگر دولت انگلیس یا نقطه نظری که در فوق مصرح شده موافقت داشته باشد دولت امپراتوری نقشه عملیات مشترکی در نظر دارد که متضمن تأمین منافع اقتصادی روس و انگلیس در ایران است و ممکن است از قرار ذیل مترتب پگردد.

نمی توان شک داشت که در این موقع دولت ایران فقط بوسیله اصلاحات می تواند خود را از این وضع بسیار مشکل مستخلص بنماید که اصلاح مالیه و بهمچنین حتی الامکان اجرای مقاصد ملت در تشکیل یک نوع حکومت شوروی باید در ضمن آن اصلاحات محسوب بشود.

با این مقصودی که در نظر است دولتين روس و انگلیس می توانند:

(۱) بدون اینکه به پیچوچه از اصل و قاعدة کلی عدم مداخله در امور داخلی ایران تبریز بجویند یعنی مشفقاته ای به شاه توصیه بنمایند که آن اعلیحضرت باید اشخاص کافی فعالی را که تا حال بواسطه بروز صمیمیت خودشان در رهایی مملکت خود از وضع مشکلی که دچار شده امتحانات داده اند مصدر کار قرار بدهد مثلًا از قبیل سعد الدوله که بعضی طرحها برای تأسیسات انتخابی در ایران ترتیب داده و در حقیقت تازه به وزارت امور خارجه منصب گردیده و ناصرالملک که در موقع رئیس وزراء و وزیر مالیه بودن

برای تجدید اساس مالیه ایران و قواعد مالیات آن نقشه و ترتیبی طرح نموده و بهمچنین اول نقشه‌ای که برای بودجه مرتبی کشیده شده.

(۲) در ضمن اظهار اشتیاق بهدیدن تأسیس یک حکومت شوروی در ایران که لزوم آن را خود آن اعلیحضرت تصدیق نموده ولی بدون اصرار در تجدید تشکیل آن نوع حکومتی که در سنه ۱۹۰۷ الی ۱۹۰۸ دائز بوده به اعلیحضرت معظم نصیحت بشود که بدون تأخیر باکمک اشخاصی که در ماده اول ذکر شده واعضاء مجلس شورای مملکتی حاضره و سایر اشخاص لایق شروع به تهیه قانونی برای تشکیل هیئت منتخبه جدیدی بنمایند که مطابق عادات و رسوم تاریخی اهالی ایران و عقاید مذهبی آنها باشد و رفع احتیاجات مملکت را نموده و اسباب استقرار صلح و انتظام در ایران بگردد.

(۳) و اگر شاه برای رأی قطعی خود در پیروی نصایح روس و انگلیس امتحان کافی بدهد دولتين در فرآهم نمودن یک استقرار خارجی، چه مبلغ آن زیاد باشد چه کم، اعلیحضرت معظم را تقویت بنمایند مشروط براینکه یک کمیته مخصوصی مركب از رؤسای بانکهای روس و انگلیس در طهران و هیئتی از ایرانیان تشکیل داده بشود که این کمیته: (۱) در محلهای مصارف مملکت نظارت خواهد داشت و ملاحظه خواهد نمود که انحصاراً به مصرف احتیاجات مملکت برسد؛ (۲) در ترتیب دادن صورت برآورده احتیاجات اختصاصی سالیانه تمام شعبات اداره دولت نظارت خواهد نمود و بهمچنین در طریق بکار بردن این برآوردها موافق با بودجه‌ای که اداره مالیه با معیت هیئت کنترول مهیا خواهد نمود نظارت خواهد داشت. (۳) وزیر مالیه اعلیحضرت شاه را در تنقیح و ترتیب قانون مالیات تقویت خواهد نمود.

(۴) دولتين روس و انگلیس برای اینکه احساسات مودتانه خود را نسبت به ایران در یک موقع چنین مشکلی به دولت اعلیحضرت شاه ثابت بنمایند حاضر خواهند بود که از قرضی که بعدها قرار آن باید داده بشود مبلغ پنج میلیون فرانک به رسم مساعدہ بنای دولت ایران موجود بنمایند، این مساعدہ بمصرف مخارج فوری که برای مقدمات اصلاحات لازم است خواهد رسید.

سن پطرزبورغ، به تاریخ ۱۶ ژانویه ۱۹۰۹
[۲۶ دی ۱۲۸۷؛ ۲۳ ذی‌حجہ ۱۴۲۶]

نمره - ۶۴

تلگراف سرچارج بارکلی به سرادر وارد گری (واسمه در ۲۵ ژانویه)

از طهران، ۲۵ ژانویه ۱۹۰۹

[۵ بهمن ۱۲۸۷؛ ۲ محرم ۱۴۲۷]

مستشار مالیه فرانسوی در ملاقاتی که تازگی با وزیر امور خارجه نموده بود به جناب معزی‌الیه اطلاع داده بود که به عقیده او تعیین یک نفر خزانه‌دار کل اروپایی و یک نفر مقتش مالیه لازم است.

اکنون سعدالدوله از مسیو بیزو درخواست نموده است که در پاریس ترتیب تعیین دونفر فرانسوی برای مقامهای مزبور بدهد و برای استقرار آنها رضایت اعلیحضرت شاه را هم تحصیل نموده است.

مسیو بیزو در این باب به وزیر مالية در پاریس نوشته است؛ وزیر مختار فرانسه هم پادشاه متبوعه خود تلگراف نموده است.

نمره - ۶۵

تلگراف سر نیکلسن به سرادوارد گری (واصله در ۲۶ ژانویه)

از سن پطرزبورغ، ۲۶ ژانویه ۱۹۰۹

[۶ بهمن ۱۲۸۷؛ ۳ محرم ۱۳۲۷]

تعیین خزانه‌دار کل و مفتش مالية فرانسوی

امروز مسیو ایسولسکی به من اطهار داشت که هیچ مخالفتی در این تعیینات ملاحظه نماید و این دونفر مأمور را بجز فقط معاونین مسیو بیزو بودن هیچ‌چیز دیگری فرض نمی‌کند.

www.adabestanekev.com

نمره - ۶۶

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۶ ژانویه)

از طهران، ۲۶ ژانویه ۱۹۰۹

[۶ بهمن ۱۲۸۷؛ ۳ محرم ۱۳۲۷]

تلگراف ذیل، مورخه ۲۴ شهر حال [۴ بهمن؛ یکم محرم] از چنرال قنسول انگلیس مقیم تبریز به من رسیده: —

«انجمن ایالتی مراسله‌ای به قنسولها نوشته مبنی بر اینکه از قرار مسموع دولت ایران در باب یک استقراضی بادول هم‌جوار مذاکره نموده و لازم می‌دانند یک نویت دیگر اطهار بتمایند که چون به موجب قانون اساسی برای این‌طور قرضها تصویب پارلمان لازم است، ملت هیچ نوع مسئولیتی برای این استقراض بعده نمی‌گیرد.»

نمره - ۶۷

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۸ ژانویه)

از طهران، ۲۸ ژانویه ۱۹۰۹

[۸ بهمن ۱۲۸۷؛ ۵ محرم ۱۳۲۷]

وزیر امور خارجه مراسله‌ای به من نوشته است که به موجب آن فرع قروضی که بانک شاهنشاهی ایران به دولت ایران داده است از ۲۱ مارس از قرار اقساط ماهی

سی هزار تومان از گمرکات بوشهر که برای این مقصد مرهون است باید پرداخته بشود.

www.adabestanekeave.com

نمره - ۶۸

تلگراف سراجارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۸ ژانویه)
از طهران، ۲۸ ژانویه ۱۹۰۹

[۱۳۲۷] ۸ بهمن ۱۲۸۷؛ ۵ محرم

وضع نامنی طرق رو به ازدیاد است. طرق مابین تبریز و همدان و کرمانشاه حالا
بی‌نهایت مغشوش است و بهمچنین طرق جنوب.
رئیس کل بانک شاهنشاهی اظهار می‌دارد که نظر به مخاطره‌ای که در ارسال پول
متضمن است معامله و تجارت غیرممکن شده است.

نمره - ۶۹

تلگراف سرادوارد گری به سرنیکلسن

وزارت خارجه، ۲۸ ژانویه ۱۹۰۹

[۱۳۲۷] ۸ بهمن ۱۲۸۷؛ ۵ محرم

مفتش مالیه و خزانه‌دار کل فرانسوی در ایران
دولت انگلیس در نامزدشدن فرانسویان هیچ مخالفتی ندارد در صورتیکه این دونفر
در تحت ریاست مستشار مالیه شناخته بشوند (به تلگراف ۲۶ شهر حال [۶ بهمن؛
۳ محرم] خودتان مراجعه نمایید).

نمره - ۷۰

مکتوب سرادوارد گری به سرنیکلسن

از وزارت خارجه، ۳ فوریه ۱۹۰۹

[۱۳۲۷] ۱۴ بهمن ۱۲۸۷؛ ۱۱ محرم

آقا

مراسله مورخه ۱۷ شهر ماضی جنابعالی که در لف آن یادداشت دولت روس در
باب اوضاع ایران را ارسال داشته بودید واصل گردید.
من باید از جنابعالی خواستار بشوم که یادداشت جوف را که در جواب دولت روس
نوشته شده برسانید.

امضا ادوارد گری

ملفوظه در نمره ۷۰

یادداشتی که باید بتوسط سر نیکلسن از لحاظ مسیو ایسویل اسکی بگذرد. یادداشت مفصلی را که دولت روس در تاریخ ۱۶ ژانویه [۲۶ دی؛ ۲۳ ذیحجه] در باب بروز اوضاع ناهنجار در ایران و اقداماتی که تعقیب آن ممکن است نافع واقع بشود به سفیر کبیر دولت انگلیس مقیم در بار سن پطرزبورغ نگاشته بودند دولت انگلیس با استفاده کامله و دقت واقیه ملاحظه نمود.

بعداز ملاحظه کامل در تمام وقایع، دولت انگلیس تصور می‌کند که بهترین رویه‌ای که دولتین انگلیس و روس اتخاذ بنمایند این است که یکلی از مداخله در امور داخلی ایران احتراز نموده و بگذارند انقلابات حاضره اینقدر امتداد حاصل بنماید تا هر یک از عناصری که در مملکت قوی‌تر است گوی سبقت را برباید و در عرض این‌مدت دولت انگلیس حاضر خواهد بود که به مخاطراتی که ممکن است به منافع تجارتی انگلیس خلل برساند تن در دهد. لیکن دولت انگلیس نمی‌تواند تصدیق ننماید که اتخاذ این روش برای دولت روس مشکل‌تر خواهد بود چونکه سرحد و ولایات آرامی دارد که با مغشوش‌ترین نقطه ایران هم‌خاک است. بنابراین اگر دولت روس براین عقیده است که تعقیب روشی که به نظر دولت انگلیس صلاحیت دارد برای روس غیرممکن است دولت انگلیس حاضر است در باب اقدامات آتیه با دولت روس معیت بنماید.

دولت انگلیس با نظریات و تشویش دولت روس در باب وضع کنوئی ایران شریک است و موافقت دارد که تا حکومت شوروی تأسیس نشود احتمال ترقی در ترتیب نمی‌رود. دولت انگلیس حقیقتاً از منابع موثقه اطمینان حاصل نموده است که اگر یک مشروطه‌ای اعطای شود آرامی و سکون در تمام ایران مستقر خواهد شد. علیهذا تصور می‌کند که عجالتاً مجاهدات دولتین باید متوجه و مصروف بر این بشود که شاه را متقادع بنمایند که ایقای به‌مواعید خودش در اینخصوص بنماید.

در باب چندین فقره پیشنهاداتی که دولت روس در تحت نمرات مترتب نموده‌اند دولت انگلیس نظریات ذیل را پیشنهاد می‌نماید:

(۱) دولت انگلیس مشعوفانه این پیشنهاد را استقبال می‌نماید که دولتین باید به شاه صلاح‌اندیشی بنمایند که اشخاص کافی غیور برای مجلس شورای خود نامزد بنمایند که بتوانند در طرح نمودن نقشه و ترتیبی برای حکومت شوروی آن اعلیحضرت را کمک بنمایند. برای مقدمه این مسئله صلاحیت خواهد داشت که ضمناً به اعلیحضرت معظم توصیه بشود که ناصحین مرجع از قبیل صدراعظم و امیر بهادر جنگ را که بنا به اعتقادات کنوئی معاندین عده مسلک مطلوبه عame هستند و تمام مسئولیت اوضاع تبریز و اصفهان به‌عهده آنها است معزول بنماید. بعلاوه، دولت انگلیس برای اصلاح آذربایجان و اصفهان پیشنهاد می‌نماید که باید شاه را متقادع نمود که به تمام ملت خودش که تحت السلاح هستند عفو عمومی اعطای و اعلان بدارد.

(۲) دولت انگلیس با این پیشنهاد کاملاً موافقت دارد که به شاه صلاح‌اندیشی

بشود که فوراً تهیه نقشه و ترتیبی برای حکومت منتخبه‌ای که مطابق عقاید و رسوم مملکتی اهالی ایران باشد بنماید.

این صلاح‌اندیشی را نمایندگان دولتين انگلیس و روس قبل از این بیش از یک تویت به آن اعلیحضرت نموده‌اند ولی تا حال نتیجه‌ای نبخشیده و بیم آن است که شاه در بی‌اهتمامی به آن مداومت بنماید مگر اینکه بر او محقق و معلوم بشود که این رویه باعث نتایج سوئی برای خود او خواهد شد.

بنابراین دولت انگلیس پیشنهاد می‌نماید که یک موعدی باید به شاه پیشنهاد شود که [برای] ایفاء نمودن به مواعید خودش از آن مدت تجاوز ننماید و باید خاطر نشان آن اعلیحضرت نمود که اگر تا یک موعد معینی یک قسم حکومت شوروی که مناسب احتیاجات مملکت باشد اعطای نشود دولتين انگلیس و روس هیچ نوع مساعدتی از هر قبیل که باشد با او ننموده و در سبک رفتار خود نسبت به آن اعلیحضرت تجدید نظر نموده و برای حفظ منافع خود اقدامات خواهند نمود.

۳) دولت انگلیس تصور می‌کند که در مسئله استقراض بهیچ وجه عجله‌ای لازم نیست و بهتر آن است به عهده تعویق گذارده بشود تا راپورت مستشار مالیه صادر بگردد که از قرار معلوم محتمل است در عرض چند هفته دیگر حاضر بشود. اگر آن راپورت مبنی براین باشد که برای تجدید استقرار اعتبار ایران یک استقراض خارجی لازم است شرایطی که بموجب آن ممکن است یک مساعده‌ای پرداخته بشود باید در تحت مدقائق عمیقه آورده بشود. دولت انگلیس آنچه را که از قبیل یک استقراض عمده باشد رد خواهد نمود و تا یک مجلس منتخبه‌ای یک همچه معامله‌ای را تصویب ننماید تا وارد پرداخت هیچ مبلغی از این باب را قبول بنماید.

دولت انگلیس تصور می‌کند که مسئله کنترل نیز ممکن است به عهده تعویق گذارده بشود تا حکومت شوروی واقعیت حاصل بنماید ولی به عقیده دولت مشارالیها باید مقصود این باشد که به یک نوعی به مجلس جدید حق نظارت بر مالیه داده بشود مثلاً بوسیله تأسیس یک دیوان محاسباتی که بتوسط متخصصین خارج‌های تشکیل بشود. به هر صورت اگر اعلیحضرت شاه رأی قطعی خود را براین قرار بدهد که فوراً یک خزانه‌دار کل تعیین بنماید دولت انگلیس مخالفتی نخواهد داشت.

۴) دولت انگلیس تصور می‌کند پول قرض دادن به شاه با این اوضاع کنونی به منزله یک نمایشی برعلیه [= علیه] مشروطه خواهان و در مساعدت با سلطنت شخصی اعلیحضرت معظم محسوب خواهد شد و باعث مداخله در امورات داخلی ایران می‌شود. بعلاوه، دولتين یگانه تسلطی را که به آن اعلیحضرت داشته‌اند بدون بدست آوردن چیز دیگری به جای آن از دست داده‌اند.

از وزارت‌خانه، ۳ فوریه ۱۹۰۹
[۱۴ بهمن ۱۲۸۷؛ ۱۱ محرم ۱۳۲۷]

نمره - ۷۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سرادرواره گردید (واصله در ۶ فوریه)
از طهران، ۶ فوریه ۱۹۰۹
[۱۲۸۷: ۱۷ بهمن ۱۴ محرم ۱۳۲۷]

وضع آذر بايجان

مستر راتيسلا از تبريز راپورت می‌دهد که مراسلات از طرف عین‌الدوله به بسیاری از اشخاص نوشته شده و در آن مراسلات اظهار میل به ملاقات آنها برای قرار صلح شده. این مراسلات رجوع یه‌انجمن شده و انجمن در جواب اظهار داشته‌اند که تماینده نزد عین‌الدوله نمی‌توانند بفرستند ولی اگر معزی‌الیه تماینده‌ای یافرستد برای پذیرفتن او با کمال شعف حاضرند.

نمره - ۷۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سرادرواره گردید (واصله در ۹ فوریه)
از طهران، ۹ فوریه ۱۹۰۹
[۱۲۸۷: ۲۰ بهمن ۱۷ محرم ۱۳۲۷]

اغتشاش در رشت

قنسول روس از رشت به‌وسیله تلفن به مسیو سبلین [= سابلین] خبر داده که دیروز شورش طلبان به دارالحکومه حمله برده‌اند، حاکم مقتول گردیده و قشون در قنسولخانه روس پناهنده شده‌اند، وضع به نظر خیلی سخت می‌آید. مخابرات تلگراف با طهران مقطوع گردیده.

ما به دولت ایران اصرار داریم یک حاکمی که مقبول اهالی باشد تعیین نموده و اقدامات برای اعاده نظم منافع انگلیس و روس بنمایند.

نمره - ۷۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سرادرواره گردید (واصله در ۱۰ فوریه ۱۹۰۹)
از طهران، ۱۰ فوریه ۱۹۰۹
[۱۲۸۷: ۲۱ بهمن ۱۸ محرم ۱۳۲۷]

وضع رشت

در تعقیب تلگراف دیروز خودم، از قرار مسموع شهر در تصرف شورشیان است. عجالتاً خارجه‌ها [= خارجیها] هیچ در خطر نیستند و حکومتی موقتی تشکیل داده شد.

نمره - ۷۴

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادر وارد گری (واصله در ۱۱ فوریه)
از طهران، ۱۱ فوریه ۱۹۰۹
[۱۳۲۷ ۱۹: ۱۲۸۷ بهمن ۲۲]

وضع آذربایجان

عین الدوّله دعوتنامه جدیدی نزد ملتیان تبریز فرستاده که نماینده نزد او بفرستند که در باب صلح قراری داده شود و به آنها تأکید نموده است که مستقیماً با شاه ترتیب اصلاح را بدھند.

سوارهای قره‌داشی راه جلفا را مسدود نموده‌اند.

وضع ملتیان در تبریز ظاهراً بالتسهی اطمینان بخش نیست و نان در شهر نایاب است. با مسدود بودن طرق قزوین و مراغه و جلفا آنچه من استنباط می‌نمایم حالیه تقریباً راه آذوقه تبریز بکلی مقطوع است.

نمره - ۷۵

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادر وارد گری (واصله در ۱۲ فوریه)
از طهران، ۱۲ فوریه ۱۹۰۹
[۱۳۲۷ ۲۰: ۱۲۸۷ بهمن ۲۲]

یک بیان‌نامه یا امضای بسیار که معلوم است از طرف دسته ملتیان طهران است نزد من فرستاده شده و مشعر بر این است که بدون تصویب مجلس هیچ استقرار ارضی مستقیم یا غیر مستقیم و هیچ امتیازی مقبول و پذیرفته نخواهد بود.

نمره - ۷۶

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادر وارد گری (واصله در ۱۴ فوریه)
از طهران، ۱۴ فوریه ۱۹۰۹
[۱۳۲۷ ۲۲: ۱۲۸۷ بهمن ۲۵]

تلگرافی از انجمن محلی اصفهان به من رسیده که سواد آن را هم به سایر سفارتخانه‌ها فرستاده‌اند و از من خواهش نموده‌اند به مقامات لازمه اطلاع بدهم که پس از فدایکاریها و جان‌فشنایی‌های ملت هیچ نوع تغییری در ترتیب مشروطه سابق نباید داده بشود.

نمره - ۷۷

مکتوب سرچارج بارکلی به سرادر وارد گری (واصله در ۱۵ فوریه)
از طهران، ۲۰ ژانویه ۱۹۰۹
[۱۳۲۶ ذیحجه ۱۲۸۷؛ ۳۰ دی]

آقا

مسیو بیزو به من اظهار می‌دارد که اکنون دولت ایران ابراز میل واقعی به تقویت او برای تحقیقات در وضع مالیه نموده است. بالاخره ملتافت شده‌اند که هر شرایط دیگری هم که برای مساعدت مالی دولتین معین بشود شرط ناگزیر است که وضع حقیقی مالیه به مسیو بیزو روشن و آشکار گردد. اکنون بددو نفر از اجزاء کافی وزارت مالیه اجازه داده‌اند که به مشارالیه مساعدت بتمایند و در هفته سه روز برای این امر با هم ملاقی می‌شوند. تا این اواخر مقصود مسیو بیزو این بود که بودجه کلیه‌ای ترتیب یدهد ولی هرچه در تحقیقات خود پیشتر رفته است بیشتر مطمئن شده است که با این چرخ کنونی اداره مالیه که متضمن نواقص اساسی است که بواسطه عدم مرکزیت حادث شده مجاهدات در به موقع اجراء گذاردن یک بودجه‌ای بی‌فاایده است. آنچه را که مسیو بیزو می‌گوید لازم است، خزانه‌داران محلی است که حالا در تحت اراده حکام ایالات هستند و باید یکلی از تحت سلطه و قدرت آنها خارج شده و فقط در تحت فرمان وزیر مالیه بین‌کار بشوند. این امر را فقط بوسیله داخل شدن مأمورین غیر ایرانی در این اداره می‌توان به موقع اجراء گذارد و مسیو بیزو تصور می‌کند بهترین طریق این است که دو نفر اروپایی به سمت خزانه‌داری کل و مقتشی مالیه تعیین بشوند. هیچ ایرانی به حد کفايت قدرت خواهد داشت که با خزانه‌داران ولایتی بقدر لزوم تقویت بتماید که بتوانند در مقابل تقاضاهای غیرمشروع حکام مقاومت بتمایند. با اقتداری که به این طریق در دست شخص کافی جمع بشود و با اجزایی که حقوق مکفی منتب به آنها داده بشود هر نوع دلیلی برای امید داشتن به امکان اجرای یک بودجه‌ی موجود خواهد بود (این مسئله قابل توجه است که در هیچیک از صورتهایی که برای تعیین مواد مخارج به مسیو بیزو داده شده هیچ اسمی از پرداخت حقوق مستخدمین پرده نشده مگر آنهای که در خدمات دیپلماسی و قنسولگری اشتغال دارند و حقوق اینها هم خیلی به تعویق افتاده).

مسیو بیزو اطلاع داده که حالا توجه خود را به این مسئله معطوف داشته که اگر اداره مالیه به اینطور رفورم بشود مصارف آن چقدر خواهد بود. بهر صورت اداره مزبور یک قسعت قلیلی از چهار صد هزار لیره‌ای را که به دولتین پیشنهاد شده که به‌رسم مساعده بدهند لازم خواهد داشت.

در ضمن ملاقاتی که مسیو بیزو اطلاعات فوق الذکر را به من داد از من سؤال نمود که آیا هیچ تبادل نظریاتی در باب اینکه یک مساعدت مالی با دولت ایران بشود بین دولتین واقع شده است. من به مشارالیه جواب دادم تا حدی را که من می‌دانم در مسلک دولت انگلیس هیچ تغییری حاصل نشده و فقط هنوز حاضر هستند که در باب چهار

صد هزار لیره مساعدة مشترکه اعماق نظر بنمایند در صورتی که تأمینات کافیه برای مصارف بقایه از پول حاصل بشود. این هم فقط وقتی میسر خواهد شد که ترتیب حکومت شوروی منظماً در جریان باشد.

من با مسیو استراگراوسکی تماینده مالیه روس هم مذاکره نموده ام و در باب لزوم مرکزیت اداره مالیه در تحت یک نفر اروپایی ماهر با مسیوبیزو موافقت کامل را داشته. با یک دقیق درجمع و خرج معکن نیست بتوان گفت که کسر سالیانه کنونی چه مبلغ است. بموجب حسابی که مسیوبیزو و مسیو استراگراوسکی موئیق تصور می‌کنند اگر مالیات مديونی به حکومت مرکزی پرداخته بشود امسال پس از وضع مخارج ولایات مبلغ پنج میلیون و ششصد و دوازده هزار تومان باید به دولت عاید بشود. اگر چه هیچ صورت مخارج موئیق عرضه نشده ولی مسیو استراگراوسکی تصور می‌کند که مخارج بالغ بر پانصد هزار لیره از مالیات زیادتر است.

امضا جارج یارکلی

نمره - ۷۸

مکتوب سر جارج یارکلی به سرادر دگری (واصله در ۱۵ فوریه)
از طهران ۲۶ ژانویه ۱۹۰۹
[۱۳۲۷: ۳: ۱۲۸۷] ۶ بهمن ۱۲۸۷: ۳ محرم

آقا

در عرض ماه دسامبر بواسطه جرائی که معدل الممالک نایب الحکومه معمول داشته و کلیتاً روش متعدیانه‌ای که اقبال الدوله فرماتقرمای اصفهان در اداره کردن امور بکار می‌برد بی‌قراری و انقلاب معتبر بهیه در بین اهالی اصفهان ظاهر گشت. انقلابی که به تشویق و تا حدی به طرح ریزی علماء حادث شده بود در ۲۸ دسامبر ۷ دی ۱۲۸۷: ۴ ذی‌حجہ [۱۳۲۶] منجر به این شد که یک جمعیت تقریباً دویست نفری که غالب آنها کسبه طبقه دانی بودند برای تحصن جستن در جنرال قنسولگری انگلیس اجماع نموده بودند. همینکه مستر گرهم از پذیرفتن مخالفین امتناع نموده بود آنها تلگرافی مبنی به شکایت و تظلم خودشان به مستر گرهم تسلیم نموده بودند که برای تقدیم داشتن به شاه نزد من یفرستد و خودشان به مسجد شاه رفتند. در عرض روزهای متعاقب آن، بواسطه ورود جمع کثیری از اهالی قراء حوالی برای ملحق شدن به هیجان، جمعیت در مسجد زیاد شد. روز ۳۱ [۱۰ دی ۱۲۸۷: ۷ ذی‌حجہ [۱۳۲۶] صبح زود بعضی اشخاص در جنرال قنسولگری روس پناهنده شدند. در ضمن ایالت و علماء عمدۀ مشغول مذاکرة صلح و اعاده نظم بودند و شاید اگر صبح دوم شهر حال ضر غام السلطنه با یک استعداد قریب صد نفر بختیاری وارد شهر نشده و برای ملحق شدن به مردم در مسجد پیش نرفته بود صورت اصلاحی در اوضاع حاصل می‌شد.

علیهذا حکمران یه قشون خود فرمان داد که به جمیعت شلیک کنند و در عرض مدت مجادله که در قسمت بیشتر روز ممتد بود قریب بیست نفر مقتول و یک عدد کثیری مجروح شدند که اغلب آنها تماشاچیان بیگناه بودند. حسب الامر حکومت نیز به مسجد توب بسته شد ولی با اینکه یک قسمت از بنای آن خراب شد هیچ تلفات جانی واقع نگردید. قبل از غروب ضرغام السلطنه مقامهای مهم نظامی شهر را به تصرف در آورده بود - سوای توپخانه - و حکومت از مجاهدات زیادتر برای فائق آمدن به بختیاریها مأیوس شده سربازان خود را به غارت بازارهای حوالی دارالحکومه فرمان داد. قریب هشتصد دکان را غارت نمودند. مبلغ خسارت واردہ مابین دویست الى پانصد هزار لیره تخمین شده. این هم باید ذکر بشود که به هیچ یک از تجارتخانه‌های انگلیسی هیچ خسارت مستقیمی وارد نشده. حاکم با کارگزار و سایر مأمورین محلی در غروب همان روز به جنرال قنسولگری انگلیس پناهنده شدند. یک عدد از توکران و سربازان فوج ملاین هم روز بعد تحصن جستند. روز بعد از آن، یک عدد بختیاری دیگر در تحت سرکردگی منتظم‌الدوله وارد شدند. در عرض آن روز بختیاریان دارالحکومه و توپخانه را هم تصرف نمودند سربازاتی که تا آنوقت در تحت امر حکمران بودند یا از شهر خارج شده یا در جنرال قنسولگری انگلیس متھضن شدند. صبح روز چهارم دارالحکومه را بکلی غارت نمودند و عصر صمصام‌السلطنه با تقریباً هشتصد نفر بختیاری وارد شهر شده و جمیعتی که مرکب از تمام طبقات مردم بود با فریادهای بشاش و صداهای تهنیت و تمجید او را پذیرفتند.

در نتیجه مخابرات تلگرافی حضوری که شارژ دافر روس و من با مستر گرهم و جنرال قنسول روس در سوم شهر حال [داشتم] مایه شاه اصرار نموده بودیم که اقبال‌الدوله را از حکومت معزول نموده و مقام حکومت را موقتاً به صمصام‌السلطنه تفویض بنمایند. بعلاوه اظهار داشته بودیم که دولت ایران برای جان و مال اتباع ما مسؤول خواهد بود. با وجود تجدید اظهارات ما در پنجم اعلیحضرت معظم به عندر اینکه به صمصام‌السلطنه اطمینان ندارد از قبول این مسئله امتناع نمود.

روز متعاقب آن شاهزاده فرمانفرما به حکومت تعیین شد و قرار بر این شد که قبل از عزیمت تواب معظم یک نایب‌الحکومه باتفاق سیصد نفر بختیاری بفاصله چند روز حرکت بنمایند. اینها در سیزدهم شهر حال [۲۳ دی؛ ۲۰ ذی‌حجه] حرکت کردند.

در ملاقاتی که من و همکار روسمیم با شاهزاده فرمانفرما نمودیم در موضوع سبک روش خودمان در این مسئله در جواب نواب معظم اظهار داشتم که منظور ما فقط استقرار صلح و سلم است و به قنسولهای خودمان تعلیمات داده‌ایم که به صمصام‌السلطنه بگویند که برای نگهداری نظم نظر ما به او است و نیز به او تأکید بنمایند که هیچ نوع اقدامی که منافی با تصفیه مشکلات حاضره باشد ننمایند. صمصام‌السلطنه در ضمن صحبت خودش با مستر گرهم بیش از یک نوبت مقاصد مطیعانه و صلح‌خواهی خودش را اظهار داشته و از اینکه خودش را حکمران اصفهان قرار داده باشد مؤکداً انکار نموده. او اظهار می‌نماید که بمحض اطمینان حاصل نمودن برای تأمین شخصی

خودش و بعد از آنکه حقوق مشروطیت اهالی اصفهان را که استحقاق آن را هم دارند حاصل بتماید او مایل به رجعت است ولی او نیز اغلب می‌دارد که اگر استعداد مسلحه‌ای به مقابله او یا آن شهر اعزام بشود تهاو اهالی اصفهان را ترک خواهد کرد و نه آنها او را.

از زمان ورود او به اصفهان نظم مستقر بوده و مستحفظین بختیاری برای حراست تجارتخانه‌های خارجه گماشته شده و عده بختیاریها اکنون قریب هزار و پانصد نفر است. یک انجمن موقتی تشکیل داده شده و برای مذاکره در پیشنهادات راجع به انتخاب منعقد گردید و برای مصارف بختیاریها بیست هزار تومان به ضمانت تقریباً چهل نفر از رجال قرض شده که در عرض بیست روز از محل مالیات مسترد بگردد. اگر چه می‌توان گفت که اصل اساس هیجان در بدایت امر شکایات کسبه و اهالی دهات اطراف بوده — خصوصاً در موضوع مالیات اراضی (شکایاتی که بختیاریها هم در آن سهیم بوده) — ولی نمی‌توان چندان شک داشت که به سهولت تصرف شدن شهر باعث جرئت صمصم‌السلطنه شد که موقع را مفتتم شمرده از آن استفاده مطلوبی نموده و مقام ریاست خود را در ایل مستحکم و مسلم بدارد. مشکل‌تر آن است که درجه احساسات ملت‌خواهی که محرك سرکردگان بختیاری شده تخمین بشود اگرچه بموجب اطلاعات اخیرتری که به من رسیده واضح است که صمصم‌السلطنه حالا حامی و طرفدار ملیون شده.

من نیز باید اطلاع بدهم که مستر گرهم یک تأمین‌نامه کتبی برای اقبال‌الدوله از انجمن محلی صادر نموده و از صمصم‌السلطنه هم قول شفاهی گرفته که سوار بختیاری برای بدرقه او بدهد ولی به‌این شرط که خود مستر گرهم یک منزل باتفاق او برود و یک نفر از گماشته‌های قنسولگری را تا منزل دوم همراه او روانه بتماید. معزی الیه راضی شده بود که روز بیست و چهارم شهر حال از ژنرال قنسولگری انگلیس حرکت بنماید. بهر صورت نظر به‌سابقۀ اعمال حکمران و بجهت اینکه برای تأمین او حتی‌الامکان مسؤولیت دولت انگلیس را محدود بنمایم من صلاح ندیدم که پیشنهاد مستر گرهم برای مشایعت او با اقبال‌الدوله را تصویب بتمایم. الحال به‌همه جهت قریب دویست نفر در آنجا پناهندۀ هستند. مستر گرهم در متقادع نمودن یک عدد از متحصّنین برای خروج از آنجا موفق شده چون اصلاً قریب پانصد نفر سرباز و سایر متحصّنین در ژنرال قنسولگری پناهندۀ بودند که با زحمت بسیار در تحت نظم نگاهداشته شده بودند.

امضا جارج بارکلی

نمره - ۷۹

مکتوب سرجارج بارکلی به سرادردار گری (واصله در ۱۵ فوریه)
از طهران، ۲۷ ژانویه ۱۹۰۹
[۷ بهمن ۱۲۸۷؛ ۴ محرم ۱۳۲۷]

آقا

نمره - ۸۰

۴۰۹

در تعقیب مراسله مورخه ۳۵ دسامبر خودم با کمال افتخار اطلاع می‌دهم که در اوایل این ماه قشون تبریز میلیون شکست فاحشی از حاکم مراجعت خوردند و اکثر آنها به تبریز مراجعت نمودند. در عرض دو هفته اول ماه مجادلات مختصره بین میلیون و قشون عین‌الدوله و حاکم مراجعت یود ولی پدون نتیجه کامل، و از ۱۶ شهر جاری [۲۶ دی؛ ۲۳ ذی‌حجه] سوای یک جنگی با ایل ماکوشی تقریباً در ۲۳ شهر حال [۳ بهمن؛ ۳۰ ذی‌حجه] در حوالی جلفا که منجر به تفوق و کامیابی گردید هیچ مخاصمه دیگری واقع نشده و ستارخان به استعداد خود امن نموده که در داخل شهر تبریز بمانند. این امر باید به شدت سختی هوا نسبت داده بشود.

یکی از بروزات جالب توجه دیگر تدبیرات میلیون که متنضم اثرات بعید‌الامتداد است تقاضای انجمان ایالتی برای پرداخت عایدات مخابرات داخلی از سیم کمپانی هندواروپ په‌آنها بوده. بواسطه این تقاضا چند روزی مخابرات داخلی از سیم مزبور معوق شد ولی بنا به تهدید انجمان ایالتی که اگر عایدات به آنها پرداخته نشود سیم را مقطوع خواهند داشت نماینده کمپانی رضایت اداره لندن را برای افتتاح مخابرات داخلی حاصل نمود و رئیس کمپانی در طهران برای تحصیل اجازه در موافقت با تقاضای انجمان به وزیر تلگراف مراجعت نمود و اخطار نمود که اگر قصوری در این باب بشود و سیم قطع یشود او مجبور خواهد بود که روزی پانصد لیره خسارت از دولت مطالبه بنماید چونکه اخلال در این امر باعث اختلال مخابرات بین‌الملل خواهد شد. اگر چه قرارداد کتبی در این باب نشد ولی وزیر تلگراف بطریق غیر رسمی در قبول شرایط میلیون با کمپانی موافقت نمود و در اوایل ماه مخابرات مفتوح گردید.

امضا جارج بارکلی

نمره - ۸۰

مکتوب سرجارج بارکلی به سرادرداری (واصله در ۱۵ فوریه)

از طهران، ۲۷ ژانویه ۱۹۰۹

[۷ بهمن ۱۲۸۷ : ۴ محرم ۱۳۲۷]

آقا

در موقعی که من تلگراف هشتم شهر حال خودم را مخابره نمودم نظر من به این نکته بود که هر یک روزی که اعاده حکومت شوروی به تأخیر بیفتند احتمال اینکه دولت ایران خود بتواند از این هرج و مرج متزايد بیرون آمده و انتظامی مستقر نماید کمتر خواهد شد.

در آن تلگراف من شرح داده بودم که امکان دارد سایر طوابیف خصوصاً قشقائی و کلیر همین روش بختیاری را تعقیب بنمایند و شیراز و کرمانشاه را تصرف بنمایند.

على الظاهر اکنون داودخان رئیس کلهر طرح آشتی با مأمورین کرمانشاه ریخته و بمحبوب راپورت واصله از قنسول انگلیس مقیم شیراز الحال صولتالدوله ایلخانی قشقاوی به حرکت و اقدام بیمیل است ولی به عقیده مستر بیل اگر میلی به اهتمام و عمل داشته باشد تمام قدرت در دست اوست و چنانچه او بخواهد به همچشمی بختیاری به شیراز تاخت و تهاجمی بیاورد هیچ چیزی نیست که او را ممانعت کند. گرچه هنوز علامتی مشهود نگردیده که بر من معلوم پدارد که سایر ایلات به بختیاری تأسی خواهند چست ولی تا پهحال بروزاتی هم بوده است که دلالت بر زیاد شدن مخاطرات بضد قدرت شاه می‌نماید. اینقدر که نظر من به هیجان ملیون است به وضع هرج و مرج متزايد دائمی که تقریباً در تمام مملکت جاری است و باعث قطع تردد طرق عمده جنوب به پایتخت هم گردیده و تجارت را تهدید به تعطیل می‌نماید نیست.

به موجب اطلاعات سفارت روس، علاوه بر انقلاب آذر با هیجان در ولايات ساحل بحر خزر هم این جنبش ملی ظاهرآ در طغیان است و حتی حاکم استراپاد در باب امکان اتحاد پنج ولايات ساحل بحر خزر و تشکیل دادن یک مملکت مستقل به قنسول روس اشاره نموده. در عرض چند روزه ماضی همدان و قزوین منظره هیجانهای ملیون بوده و حاکم همدان مستحقی شده و انجمن ولایتی تشکیل داده شده. به موجب راپورت‌های واصله از شیراز، در جنوب مجتمهد عمده سید حسین لاری با متابعین کثیره خود خروج نموده و در ولایت لار علناً کوس یا غیگری می‌زند. در اصفهان اداره محلی مثل تبریز بکلی از حکومت مرکزی مجزا و مستقل است. فرمائermo هیچ علامت میلی در رفتن به مأموریت خود ظاهر نمی‌داد و اگر چه از اعزام قشون مذاکره است ولی محل شببه است که آیا حرکت داده خواهند شد و باضافه آیا با وقوع جدالی بین خودشان به اصفهان خواهند رسید یا خیر. سیصد نفر یا همین قدرها بختیاری که در دو هفته قبل از طهران به عزم اصفهان حرکت کردند معلوم نیست از قم تجاوز نموده باشند و از آنجا در صدد مذاکره صلح با هم‌قبيله‌های خودشان که در اصفهانند هستند. در تبریز هم اگر چه قشون چریک شاه در این اواخر فی‌الجمله مظفریتی حاصل نموده بودند ولی از اینهم چندان انتظار نتیجه نمی‌توان داشت یعنی اینکه طریقه صلح را مشکل‌تر پنمايد. طهران آرام مانده است^{۱۷)}. خطر در اینجا است و شاید در قشون حقوق نگرفته دور شاه احتمال مخاطره بیشتر از ملیون است زیرا که آنها یا هم اتفاق و اتصال نداشته و اطمینانات عدم رضایتشان اگر چه بی‌شك عمومی است ولی تا اندازه‌ای با جدیت و ثبات عزم نمی‌باشد.

اگر چه بروزات و مآل این اوضاع هرج و مرج کنونی را نمی‌توان درست پیش‌بینی کرد ولی واضح است هو روزی که بدون ایفاء شاه به تعهدات خودش می‌گذرد طریق اصلاح امور را صعب‌تر نموده و مخاطرات تاج و تخت محمدعلی و استقلال و تمامیت مملکت او را زیادتر می‌نماید. کسی ممکن است از امکان وجود و جریان حکومت

شوروی در تحت شاه حالیه شک داشته باشد ولی لاقل متعتم است که مادامی که محمدعلی به تخت سلطنت جلوس دارد ایران بدون حکومت شوروی نمی‌تواند اسباب نجات خود را فراهم بیاورد.

مسیو ایسولسکی تشکیک می‌کند از اینکه آیا اعطای مشروطه فقط چندان فایده‌ای خواهد بخشید یا خیر. واضح است که آن بالتفصیله برای تبدیل هرج و مرج به انتظام کامل کافی نخواهد بود مع‌هذا متنضم بهترین وسیله بهبودی اوضاع است. هر نوع مجاهدتی در نگهداری استبداد کتونی بوسیله مساعدت مالی که توأم با اصلاحات باشد ناقص و بی‌حاصل خواهد بود مگر اینکه حاوی ترتیب مخصوصی برای کنترل بتوسط خارجه بوده باشد.

چیزی که الحال بفوريت لازم است این است که تا حدی استرضای خاطر ملیون حاصل بشود. اگر چه ممکن است موقع این‌گذشته باشد ولی اگر شاه مجلس ملی تشکیل بدهد و در ضمن عفو عمومی هم اعطا و اعلام تماید اقلًا احتمال قوی می‌رفت که تبریز و اصفهان به اطاعت خود اعاده نمایند و سایر رؤسای جاه طلب ایلات هم از بهانه تقلید و تأسی نمودن به صاصام‌السلطنه محروم بشوند. به این طریق اوضاع را می‌توان التیامی داد و مجالی برای اجرای اصلاحات الزم که دافع هرج و مرج عمومی باشد از قبیل تجدید تشکیلات اداره مالیه و تاسیس ژاندارمری و پلیس بقاعده داده بشود. اگر امیدوار باشیم که بدون مساعدت پولی و تعییمی خارجه اینطور اصلاحات بعمل خواهد آمد بی‌فایده است چونکه هر قدر این مسئله صحت هم داشته باشد که اگر اعاده نظم می‌شد و مالیه هم بترتیب صحیح اداره می‌شد مالیات برای احتیاجات دولت کافی می‌بود مسلم است با ترتیبات امروزه برای اصلاحات در ایران پول بdest مخواهد آمد و بهمین قسم اشخاصی هم که از عهده اداره نمودن اصلاحات برآیند مفقودند.

اگر باید به حکومت شوروی فرصت و میدان منصفانه‌ای داد بمحض اینکه اساس جدید مشغول کار بشود باید برای ایران پول تحصیل کرد. شاه راضی شده است که تعیین یک نفر خزانه‌دار کل و یک نفر مفتش برای وزارت مالیه را قبول بنماید و این اقدامی است که اگر متخصصین به تقویت پارلمان موفق بشوند مثمر واقع خواهد شد. معلمین خارجه برای ژاندارمری و پلیس و متخصصین خارجه برای بعضی از وزارت‌خانه‌ها لازم خواهد بود. حقیقتاً امکان اصلاحات بدون نظارت خارجه نه فقط منحصر به‌این است که آیا بتوان شاه را حاضر نمود که به‌راستی و صداقت با یک پارلمانی کار بکند بلکه بهمین نهیج مربوط به‌این است که آیا یک پارلمان ایرانی می‌تواند خود را راضی بنماید که به‌معاضدت و تقویت مأمورین خارجی عمل بنماید یا خیر. از هیچ بابت تجربه مجلس گذشته اطمینان بخش نبود ولی اشخاصی که بیش از من بصیرت دارند بهمن همچه می‌فهمانند که طبقات تربیت شده‌تر بین ملیون حالا درک نموده‌اند که مستشاران خارجه اقلًا تا یک مدتی لازم خواهند بود. لیکن این مسئله راجع به آتیه است و حالا عجله‌ای ندارد. فعلًا احتیاج فوری به‌مقتضای منافع مملکت

و مصالح اصل عدم مداخله این است که باید بدون دفع وقت شاه را به ایقاء مواعید خودش بازداشت و در ضمن اعطای عفو عمومی بتماید. انحراف جزئی از این قاعدة عدم مداخله در این موقع ممکن است که از لزوم مداخله بزرگتر بعدها جلوگیری ننماید.

امضا جارج بارکلی

٨١ - نمره

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۵ فوریه)
از طهران، ۲۸ ژانویه ۱۹۰۹
[۸ بهمن ۱۲۸۷؛ ۵ محرم ۱۳۲۷]

با کمال افتخار خلاصه وقایع اتفاقیه ایران در عرض چهار هفته ماضی را لفاف ارسال می‌دارم.

امضا جارج بارکلی

ملفوظه در نمره ۸۱
و قایع ماهانه

تغییرات وزارتی
طهران

در پنجم ژانویه [۱۵ دی؛ ۱۲ ذیحجه] سعدالدolle به جای علام السلطنه به وزارت خارجه منصوب گردید.

دو برآدر مشیرالدوله و مؤتمن‌الملک از وزارت عدليه و معارف در عرض اين ماه استعفاء نمودند. نظام‌الملک به وزارت عدليه منصوب شده و مهندس‌الممالک وزارت معارف را ضميمه فواید عامه‌اي که قبل از اين مفوض به خودش بود نموده.

بنابراین ترکیب کابینه از قرار ذیل است:
رئیس‌الوزراء و وزیر داخله: مشیرالسلطنه
وزیر امور خارجه: سعدالدوله

وزیر جنگ: سپہسالار امیر پهادر جنگ

وزير عدليه: نظام الملك وزير معارف و فوائد عامه: مهندس الممالك

وزیر تلگراف: مخبر الدوله

در ۸ ژانویه [۱۸ دی؛ ۱۵ ذیحجه] یک تقریباً ۱۵ میلیون پرشیخ فضل الله مجتبی در روزیون دریزه سلطنتی ساس و ریویون در برابر

مرتاج نامی گلوله زده و ران او را متروح نموده. ضارب دستگین شده و اکنون در تحت استنطاق است.

۱۲ ژانویه [۲۲ دی؛ ۱۹ ذیحجه] تقریباً سیصد نفر بختیاری در تحت سرکردگی سردار ظفر برادر کوچک‌تر صمصام‌السلطنه یطرف اصفهان عزیمت نمودند. سردار معتضد نایب‌الحكومة فرمانفرما هم در همانوقت به‌عزم اصفهان حرکت کرد.
محرم که ماه عزاداری است در ۲۴ شهر حال [۴ بهمن؛ ۱ محرم] شروع شد.

۱۹۰۹ ۲۸ ژانویه

امضا ج.پ. چرچیل

رشت

سردار امجد از زمان مغلوبیت خودش از اهالی طالش در انزلی بوده و در صدد قرض کردن پول برای تهیه یک استعداد جدیدی برآمده ولی موفق نشده.
سپهبدار اعظم که چند ماه قبل به‌سرکردگی قشون شاه به مقابله تبریز بوده به ملیون ملحق شده و به لنگرود سوار فرستاده که در آنجا انجمن محلی تأسیس بنمایند.
سود حکم علماء کربلا که اهالی ایران را به پرداختن مالیات به‌شاه امر نموده‌اند در رشت منتشر شده.

استرآباد

بموجب راپورتهای اخیره از قنسول روس مقیم استرآباد هیجان ملیون در آنجا خیلی شدت دارد.

مشهد

در صورتیکه هیجان ملی حقیقی خاتمه پذیرفته ولی بعضی ملیون صلح‌ناپذیر باعث اغتشاشات معتبره شده‌اند.

یزد

طرق به یزد در کمال نامنی باقی است و سرقت‌های جدید بسیار راپورت داده شده.
جاده کرمان از این حیث بدترین طرق است. دائمًا مزاحم حال پارسیان می‌شوند و همچه معلوم می‌شود که عموماً هیچ وقت از خوف صدمه و تعرض در آسایش و رفاه نبوده‌اند.

کرمان

سرحد کرمان از طرف غربی الی شمالی بکلی مسدود است. پستهای و هر قافله‌ای که در صدد عبور بوده‌اند مرتباً سرقت شده‌اند. یک مقدار کثیری امانات از بندر عباس در دولت‌آباد معطل مانده و میسر نمی‌شود که به رفسنجان برسد. قنسول انگلیس به

تاریخ ۱۰ دسامبر می‌نویسد که در عرض پانزده روز هیچ پست از بندر عباس وارد نشده.

شیراز

سرقت‌های بسیار در طرق و در شهر واقع شده. ظاهراً برادران قوامی در قشون‌کشی خودشان برعلیه لاریها چندان پیشرفت زیادی ننموده‌اند. قنسول انگلیس تصور می‌کند که اگر صولت‌الدوله رئیس قشقائی میل به اهتمام و اقدام داشته باشد قدرت در کف اوست و هرگاه اراده او در مهاجمه به شیراز تعلق بگیرد هیچ‌کسی نیست که او را از این اراده جلوگیری بنماید.

خلیج فارس

بوشهر

مکاریانی که در اوخر نوامبر از بوشهر به‌عزم شیراز حرکت کردند مراجعت به بوشهر نموده و راپورت دادند که‌چون جاده بین‌کازرون و شیراز نامن بود محمولات خود را در کازرون گذارده و برای گرفتن حمول دیگر به بوشهر معاودت نموده‌اند. از قراری که راپورت داده‌اند تلگرافی از طهران به نایب‌الحکومه رسیده است که به‌او تعلیمات داده شده که دیوان عدالتی به‌جای انجمن مشاوره محلی در آنجا تأسیس بنماید. بنابراین او در صدد است که نماینده‌های اصناف و طبقات مختلف مردم را احضار بنماید. بقصد اینکه برای دیوان مزبور اضافی انتخاب بشود.

امضاء مأذون استکس اناشه میلیتیس

نمره - ۸۲

تلگراف سر جارج بارکلی به‌سر ادواردگری (واصله ۱۵ فوریه)

از طهران، ۱۵ فوریه ۱۹۰۹

[۲۶ بهمن ۱۲۸۷؛ ۲۳ محرم ۱۳۲۷]

تبریز

رجوع به تلگراف ۱۱ شهر حال من

به عقیده مستر راتیسلا، ذخایر غله در تبریز برای صرف دو ماه دیگر شهر باقی خواهد بود.

نمره - ۸۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۱۵ فوریه)
از طهران، ۱۵ فوریه ۱۹۰۹
[۲۶ بهمن ۱۲۸۷؛ ۲۳ محرم ۱۳۲۷]

اوپساع آذر باستان

مستر راتیسلا راپورت می‌دهد مذاکرات بین عین‌الدوله و ملیون که در تلگراف
یازدهم شهر جاری خودم اطلاع داده‌ام متوقف شده است.

نمره - ۸۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۱۶ فوریه)
از تهران، فوریه ۱۹۰۹
[۲۷ بهمن ۱۲۸۷؛ ۲۴ محرم ۱۳۲۷]

همکار روسي من تلگرافى به دولت متبوءه خود مخابره نموده که مفاد آن از قرار
ذيل است:

«نظر به اهمیت اوپساع مملکت خود شاه تصدیق دارد که مداومت در مسلک پرآسیب
کنونی برای او غیرممکن است. اعليحضرت معظم صلاح‌اندیشی من دا خواستار
شده ولی من نمی‌توانم برای او مصلحت‌بینی که متنضم‌نیتی واقعی باشد بنمایم.
تأخیر در اعطاء مشروطیت تولید وضعی نموده است که برای شاه حاوی بسی مشکلات
است که بتواند ملت خود را بوسیله اقدامات مجمله ساخت بنماید. یك مشروطه
معتدلی هم که در چهار ماه قبل امکان داشت باعث اقناع بشود اکنون تبریز و
اصفهان و رشت را راضی نخواهد نمود. مردم از ضعف شاه در تسليم شدن خیلی خوب
مطلعند و فقط بواسطه اجتماع قشون به پایتخت است که شاه به سرین سلطنت باقی
مانده.

من تصور می‌کنم تردید شاه تا یك حد زیادی منوط به عدم اطمینان او به این
مسئله است که کابینه دولتين چه نوع اصلاحاتی را پیشنهاد خواهند نمود و اگر
تماینده‌های دولتين دستورات مسلم رسمی می‌داشتند خیلی سهل‌تر از این می‌
توانستند شاه را بوسیله صلاح‌اندیشی دولت‌انه مقاعده به اعطای مشروطه بنمایند که
او البته پیروی با آن را به از دست دادن همراهی معنوی و گرانبهای دولتين و
يعتمد تاج و تخت خودش مندرج بدارد.»

من با عقیده مسیو سبلین [= سابلین] موافقت دارم و تصور می‌کنم که مخاطره
مهی در از دست رفتن تخت و تاج برای شاه موجود باشد مگر اینکه بتوان او را
مقاعده نمود که از دسته ارجاعی جدا شده و خود را سر دسته هیجان ملیون قرار
بدهد. من می‌ترسم که حالا او برای آنچه می‌کند در خطر باشد ولی بهترین امید
سلامتی او منوط به همین مسئله است.

نمره - ۸۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۶ فوریه)
از طهران، ۱۶ فوریه ۱۹۰۹

[۱۳۲۷ بهمن ۱۲۸۷: ۲۴ محرم]

وزیر امور خارجه به من اطلاع می‌دهد که اهالی رشت سپهبدار را به حکومت
انتخاب نموده‌اند، او یک حکومت خوبی خواهد کرد. او به شاه اصرار دارد که به
مستدعیات ملت تمکین بنماید و قشون به رشت نفرستد.
مسیو سبلین و من به شاه اصرار نمودیم که معزی‌الیه را تعیین بنماید ولی موفق
نشدیم.

نمره - ۸۶

تلگراف سر ادوارد گری به سر نیکلسن

از وزارت خارجه، ۱۷ فوریه ۱۹۰۹

[۱۳۲۷ بهمن ۱۲۸۷: ۲۵ محرم]

رجوع به تلگراف سر جارج بارکلی مورخه دیروز
به عقیده من شاه انتنائی بهیچ صلاح‌اندیشی که تمدیدی متعاقب آن نباشد خواهد
نمود. ما می‌خواهیم که از مداخلات عملی احتراز بنماییم و به‌این جهت یک همچه
تمدیدی باید به‌یک نوع منفی باشد و باین طریق که هیچیک از دول مساعدت مالی
یا هر نوع مساعدت دیگری با او خواهد کرد تا وقتی که مواعیدی را که به‌ملت
خود نموده است بواسطه اعلان مشروطه ایفا بنماید و مملکت را تسکین دهد. به
نظر من همچه می‌آید که یگانه طریق نجات مملکت از بدیختی و حوادث داخلی این
است که به شاه توضیح بشود که او را به‌حال خود خواهیم گذاشت ولی ما میل نداریم
اقدامی بکنیم که دولت روس بکلی با آن موافقت نداشته باشد.

نمره - ۸۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۸ فوریه)

از طهران، ۱۸ فوریه ۱۹۰۹

[۱۳۲۷ بهمن ۱۲۸۷: ۲۶ محرم]

رشت

سپهبدار به من و مسیو سبلین تلگراف نموده که به شاه اصرار بنماییم قشون به رشت
نفرستد. ما در جواب واسطه واقع شدن برای مذاکرات او با شاه را رد نموده‌ایم.

قریب چند صد نفر قشون به عزم رشت از طهران حرکت نموده‌اند ولی شک است که آیا بتوانند از قزوین تجاوز بنمایند. در صورتی که از آنجا تجاوز بنمایند خوب است نماینده‌های دولتین مراسله‌ای نوشته و به اعلیحضرت شاه اخطار بنمایند که اگر بواسطه تجهیز قشون به آن شهر مخاطره جانی برای اتباع انگلیس حادث بشود دولتین او را مسؤول خواهند دانست.

شورشیان شعاع السلطنه برادر شاه را که از اروپا وارد رشت شده توقيف نموده‌اند و برای رهایی او پنج هزار تومان پول از او می‌خواهند.

نمره - ۸۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۲۱ فوریه)

از طهران، ۲۱ فوریه ۱۹۰۹

[۳ اسفند ۱۲۸۷؛ ۲۹ محرم ۱۳۲۷]

تبیریز

مستر راتیسلا راپورت می‌دهد که اگر شهر گرفته بشود یقیناً غارت و يحتمل قتل نفوس هم واقع خواهد شد و در باب متحصّتين که مسلماً با عدهٔ کثیر به قنسولخانه خواهند آمد تعليمات خواسته. من به او دستور العمل داده‌ام که از پناه دادن اشخاصی که در خطر عاجل یاشنند امتناع ننماید و به عین‌الدوله اخطار بنماید که احکام خیلی سخت و مؤکد صادر ینماید که در صورت حمله به شهر احترامات جنرال قنسولگری انگلیس مرعی و منظور بگردد و اگر به اتباع انگلیس و یا به منافع آنها ضرری وارد بیاید شخص او مسؤول خواهد بود.

من در صدد نوشتن یادداشتی به مقاد مزبور به دولت ایران هستم.

نمره - ۸۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۲۲ فوریه)

از طهران، ۲۲ فوریه ۱۹۰۹

[۴ اسفند ۱۲۸۷؛ یکم صفر ۱۳۲۷]

تبیریز

مستر راتیسلا در طی تلگراف مورخه امروز خودش اطلاع می‌دهد که دیروز یک استعداد زیادی از ملیون در الوار که در راه جلفا به مسافت هشت میل از تبریز واقع است به قره‌داغیها حمله بردند. ملتیان نتوانستند قره‌داغیها را بکلی از آنجا خارج بنمایند اگر چه در عقب نشاندن آنها از یک سنگر موفق شدند. قرار است امروز

جنگ تجدید بشود. تلفات ملیون چندین نفر مقتول و مجروح بود و اعتقادات براین است که تلفات شاه پرستان هم مقدار معنابهی بوده.

نمره - ۹۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۲۴ فوریه) ۱۹۰۹ [۶ اسفند ۱۲۸۷؛ ۳ صفر ۱۳۲۷] از طهران، ۲۴ فوریه ۱۹۰۹

تبریق

جنرال قنسوی انگلیس در یک تلگرافی راپورت می دهد که قشون تجهیز شده ای که در تلگراف ۲۲ [۴ اسفند؛ یکم صفر] خود خبر داده در الوار به قره داغیها حمله برده اند، غروب ۲۲ بدون انجام مقصود خود مراجعت نمودند چون قصد آنها به مرأه خود آوردن قشون ساخلو مرند و افتتاح جاده جلفا بوده. تلفات این قشون کشی قلیل بوده. در اوضاع تغییری حاصل نشده.

نمره - ۹۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۲۴ فوریه) ۱۹۰۹ [۶ اسفند ۱۲۸۷؛ ۳ صفر ۱۳۲۷] از طهران، ۲۴ فوریه ۱۹۰۹

یک نفر از اشخاصی را که در ماه ژوئن گذشته در سفارت انگلیس متخصص بود در ۲۳ شهر حال [۵ اسفند؛ ۲ صفر] دستگیر نموده و به جرم اینکه در صدد بمب انداختن برای شاه بوده بدون محاکمه او را مقتول نمودند. دو نفر دیگر هم همراه او بوده اند که یکی از آنها در سفارت متخصص بوده. آنها را هم دستگیر نموده و خبر داده شد که روز بعد آنها هم بقتل خواهند رسید. من به ضد این قتل بی محاکمه آن یک نفر پرست نموده و تقاضا نمودم که یکنفر پناهندۀ دیگر را باید استنطاق بقاعدۀ بنمایند. دولت ایران موافقت نموده و وعده دادند که از جریان محاکمه من را مستحضر بدارند.

بواسطۀ این واقعه هیجان بسیاری برپا شده و نوعاً بر این عقیده اند که شخص مقتول شده فقط به علت اینکه سابقاً در سفارت متخصص بوده متهم به تقصیر جعلی شده.

شهر هنوز در تحت حکومت نظامی است و تأمینات ما در ماه ژوئن فقط شامل جراائم گذشته است.

نمره - ۹۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۲۵ فوریه)
از طهران، ۲۵ فوریه ۱۹۰۹
[۱۳۲۷ صفر ۱۲۸۷] ۷

اوپر ایڈ

بموجب تلگراف واصله از مستر راتیسلا، قره‌داغیها صوفیان را تصرف نمودند.
مستر راتیسلا معتقد است تبریز تا یک‌ماه دیگر می‌تواند خودداری نماید مگر
اینکه به یورش گرفته بشود و او احتمال وقوع این یورش را نمی‌دهد.

٩٣ - نمر

مکتوب سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی
از وزارت خارجه، ۲۵ فوریه ۱۹۰۹
[۱۳۲۷ آسفند ۱۲۸۷ صفر ۴]

٤٦

مکتوب مورخه ۲۰ شهر ماضی شما که مبنی به راپورت نظریات مسیو بیزو و مسیو استراگراوسکی در باب وضع حاضرة مالیة ایران که در مذاکرة اخیرة شما با آن آقایان بیان نموده بودند واصل گردید. مذاکرة شما به مسیو بیزو را تصویب می‌کنم.

امضا ادوارد گری

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۲۶ فوریه) آنها را
از طهران، ۲۶ فوریه ۱۹۰۹ میلادی می‌خواستند بازدید کنند و همچنان
نهاده شده بودند. این تلگراف را نیز می‌توان از پیشنهاد این افراد
نمود.

مستر راتیسلا در تلگراف مورخه دیروز خودش را پورت می‌دهد که در همان تاریخ قشون مراغه یورش سختی به سنگرهای غربی شهر بردند. پس از عقب نشانده شدن قشون مزبور با تلفات بسیار تا مسافت معتبر بهم آنها را تعاقب نمودند. اردوی باسمنج هم در همان وقت حمله ضعیفی به سنگرهای جنوبی شهر نمودند. آنها دو عناده توب در کار داشتند و لی، هیچ اثری نداشید.

نمره - ۹۵

مراسله سر نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در غرّه مارس)
از سن پطرزبورغ، ۲۳ فوریه ۱۹۰۹
[۱۳۲۷] ۵ اسفند ۱۲۸۷؛ ۲ صفر

آقا

دیروز مسیو ایسولسکی به من اظهار نمود که علت مخالفت شدید دولت انگلیس در تهیه وسایلی که دولت اینان را قادر بوبتیاد اداره بالتسیبه دائری بنماید برمن مستور است. اصرار نمودن به شاه برای ترتیب دادن قانون انتخابات و تشکیل یک مجلسی و دولت را در حالت بی‌پولی و فلاکت کامل گذاشتن فایده‌ای ندارد. جناب معظم اظهار داشته که من شخصاً میل دارم یک پیشنهاد مادی بنمایم و در هیچ مملکتی از ممالک دنیا نمی‌توان نتایج مفیده انتظار داشت بدون اینکه وسایل پولی برای شروع به مقصود موجود بشود.

من به مسیو ایسولسکی جواب دادم تا زمانی که یقین حاصل نشود که شاه حقیقتاً حکومت شوروی تأسیس خواهد نمود دولت متبوءة من نمی‌تواند تهیه وسایل برای او بنماید. چون مساعدت حالیه فقط قوه دادن به شاه برای مقاومت با جتبش و هیجان ملیون است.

مسیو ایسولسکی اظهار داشت: من نمی‌خواهم هیچ وجه نقدی به شاه بدهم و تا اندازه‌ای هم که توانسته با مردم دولت انگلیس موافقت نموده‌ام. چیزی را که من پیشنهاد می‌نمایم بالاختصار از قرار ذیل است:

به شاه اصرار بشود که ناصحین مرتاج را منفصل و از خود دور نموده و اشخاص کافی و آزادیخواه برای مشورت خود جلب بنماید، عفو عمومی اعطاء بنماید، قانون انتخابات را اشاعه داده و برای انتخابات و تشکیل مجلس موعدی معین بکند. پس از آنکه تمام اینها انجام داده شد در آنوقت، و نه قبل از آن، یک مبلغ معتدلی مساعده باید داده بشود آنهم نه به شاه بلکه به دولت اصلاح شده ایران که به مصرف احتیاجات فوری همان آن برسد.

خارج این قرض باید با کمال دقت در تحت کنترل و نظارت آمده و فقط منحصر به مقاصد مشروع به کار انداختن چرخهای اداری بشود. مسلماً مراتب فوق پیشنهادات معتدل نافعی است.

وقتی که امید این باشد که یک اداره بهتری ممکن است ایجاد بشود البته بواسطه احتیاج به پول نباید پیشرفت محصور و مسدود بشود مع‌هذا دولت انگلیس از مساعدت در پرداخت این پول بدون تصویب مجلس امتناع دارد. باید به شاه اصرار نمود که حقوق و امتیازات ملت را که به نظر ایشان خطرناک است اعطا بنمایند و هیچ راه امیدی برای ایشان نباید گذاشت که اگر تا حدی مساعدت هم یکند دولتين مراقبت خواهند کرد که برای استقرار اداره کنونی به ایشان تقویت بشود آنقدر که دولت

روس بواسطه وضع حاضر دچار ناملایمات و مخاطرات سخت است، دولت انگلیس نیست. دولت روس نمی‌توانست دائمًا مداومت اغتشاش و انقلاب عمومی در شمال را تحمل ننماید. دولت روس اشتیاق دارد که تأسیسات حریت جاری و برقراری بگردد و پیشنهادات من برای واقعیت این آمال گواهی است شافی و کافی. لیکن دولت روس بناین عقیده ثابت و راسخ است که غیرممکن و به‌اعلی درجه خارج از حزم است که [با] یک خزانهٔ خالی و با قشون و مستخدمین حقوق نگرفته بتوان یک اداره دولتی داشت.

امضا نیکلسن

www.adabestanekeave.com

نمره - ۹۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در غرّه مارس)
از طهران، غرّه مارس ۱۹۰۹
[۱۳۲۷: ۸ صفر ۱۲۸۷]

رشت

تلگرافی از طهران مجلس شورای وزراء به اعیان رشت مخابره شده و سواد آن را وزیر امور خارجه برای من فرستاده. تلگراف مزبور مشعر بر رد نمودن سپهبدار و اخطار به اعیان است که اگر آنها سپهبدار را به سمت حکومت بشناسند دولت از تمام اطراف و جوانب قشون به گیلان گسیل خواهد داشت و آنوقت نه فقط به مقصرین بلکه به اشخاص بی‌گناه هم صدمه وارد خواهد شد.

مسیو سبلین اخیهار می‌دارد که شورشیان در جاده طرف شمالی منجیل سنگر بندی نموده‌اند و هفتة قبل غلام پست روس را توقيف کرده بودند ولی پس از استنطاق او را رها نموده‌اند و حرکت کرده. شاعر السلطنه از رشت وارد اینجا شده (به تلگراف ۱۸ شهر ماضی من مراجعه شود).

نمره - ۹۷

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۳ مارس)
از سن پطرزبورغ، ۳ مارس ۱۹۰۹
[۱۳۲۷: ۱۰ صفر ۱۲۸۷]

دولت روس یک عده قشون بطرف باکو و سرحد جلفا گسیل داشته و اوضاع در رشت بعدی تهدید کننده و خطرناک است که پنجاه قزاق برای محافظت قنسولگری روس به رشت اعزام شده.

نمره - ۹۸

تلگراف سر نیکلسن به سر ادواردگری (واصله در ۴ مارس)
سن پطرزبورغ، ۴ مارس ۱۹۰۹

[۱۳۲۷: ۱۱ صفر ۱۲۸۷]

من اسله‌ای از وزیر امور خارجه دولت روس به من رسیده مبنی بر اینکه شصت یا هفتاد نفر سرباز و دو دستگاه توب مسلسل به ارزلی و رشت فرستاده خواهد شد. یک قروند کشتی جنگی هم به همراهی جهازی که حامل این دسته قشون است فرستاده می‌شود و فرمانده کشتی جنگی مأمور است که اگر در پیاده شدن قشون شورشیان مخالفت بنمایند کمک جنگی به قشون ینماید. در صورتی که این دسته قشون برای محافظت اروپاییان در ارزلی و رشت کافی نباشد، دسته بزرگتری قشون احتیاطی در باکو تگاهداشته خواهد شد.

چون به دولت روس خبر رسیده که عنقریب مجادله‌ای بین قشون شاه و شورشیان در جلفای ایران در ساحل رود ارس واقع خواهد شد نظر به واقع بودن جلفای روس عیناً در مقابل آن نقطه، یک دسته قشون به آن محل اعزام خواهد شد و در دهات متعلق به روس اردو خواهد زد که در صورت رخ نمودن حادثه‌ای در آنجا حاضر باشند.

نمره - ۹۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۵ مارس)
از طهران، ۵ مارس ۱۹۰۹

[۱۳۲۷: ۱۲ صفر ۱۲۸۷]

اوپاچ آذربایجان

مستر راتیسلا جنرال قنسول انگلیس دیروز تلگرافا [= تلگرافی] راپورت داده که در سوم شهر حال سیم تلگراف کمپانی تلگراف هند و اروپ بین تبریز و جلفا قطع شده. مستخدمین کمپانی از قشون چریک شاه پرستان که در عرض راه هستند خوف دارند و نمی‌توانند برای تعمیر سیم بیرون بروند.

مستر راتیسلا تیز اشعار می‌دارد که عسرت در تبریز شدت نموده و نان کمیاب است.

نمره - ۱۰۰

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

از وزارت خارجه، ۵ مارس ۱۹۰۹

[۱۳۲۷: ۱۲ صفر ۱۲۸۷]

باید بالصراحه به دولت ایران مفهوم بدارید که اگر بواسطه اعمال قشون شاه در این اغتشاش کنوتی آسیبی به قنسولگری انگلیس در تبریز وارد بیاید دولت انگلیس دولت ایران را مسؤول می‌داند.

نمره - ۱۰۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۶ مارس)
از طهران، ۶ مارس ۱۹۰۹
[۱۳۲۷ ۱۲۸۷: ۱۳ صفر]

تبیین

مستر راتیسلا تلگراف می‌کند که شاه پرستان یورش سختی به شهر آوردند و با تلقنات معتمنا بهی بکلی عقب نشانده شدند. در ضمن این یورش، سواران مراغه‌ای از توپخانه پاسمنج هم شهر را بمبارده می‌کردند ولی هیچ اثری از آن ظاهر نگردید.

نمره - ۱۰۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۶ مارس)
از طهران، ۶ مارس ۱۹۰۹
[۱۳۲۷ ۱۲۸۷: ۱۳ صفر]

مسیو سبلین به من اطلاع می‌دهد که یک کروز فشنگ و یک مقدار کثیری تفنگ که برای رشت حمل شده بود در باکو گرفته شده.

نمره - ۱۰۳

تلگراف سر نیکلسن به سر ادواردگری (واصله در ۷ مارس)
از سن پطرزبورگ، ۶ مارس ۱۹۰۹
[۱۳۲۷ ۱۲۸۷: ۱۳ صفر]

مسیو ایسولسکی به من اطلاع می‌دهد که اعزام قشون به رشت فقط از برای حفظ قنسولگری روس (که تا حال فقط نه نفر مستحفظ داشته) و محافظت جانی روسها و اروپاییها در صورت لزوم است.

مسیو ایسولسکی گفت معلوم شده است که به حد کفايت قشون ساخلو از سابق در جلقا بوده و به این جهت به عده آنها افزوده خواهد شد. او نیز اخیراً داشت که استماع نموده است عین‌الدوله خط تلگراف کمپانی هند و اروپ را قطع نموده و مسیو سبلین برای خسارت یومیه‌ای که بواسطه این خرابی سیم متوجه خواهد شد

دولت ایران را مسؤول قرار داده است.

نمره - ۱۰۴

تلگراف سرتیکلسن به سرادرداردگری (واصله در ۸ مارس)
از سنپطرزبورغ، ۸ مارس ۱۹۰۹
[۱۳۲۷: ۱۵ صفر ۱۲۸۷]

رجوع به تلگراف ۶ مارس من

وزیر امور خارجه روس به من اطلاع می‌دهد که قزاقی که به رشت اعزام شده برای مدد نمودن به قزاقهای مستحفظین آنجا است و آنها به جهت حراست جان و مال اتباع روس و مایر خارجه‌ها [= خارجی‌ها] در رشت و انزلی بر طبق اوامر قنسول عمل خواهند نمود. وزیر امور خارجه روس نیز اطمینان می‌دارد که طبیعتاً قنسول به احتراز از مداخله در مجادلات بین شورشیان و دسته شاه‌پرستان مداومت خواهد نمود.

نمره - ۱۰۵

تلگراف سرچارج بارکلی به سرادرداردگری (واصله در ۸ مارس)
از طهران، ۸ مارس ۱۹۰۹
[۱۳۲۷: ۱۵ صفر ۱۲۸۷]

اوپساع آذر با یجان

مستر راتیسلا جنرال قنسول تلگرافا [= تلگرافی] خبر می‌دهد که شاه‌پرستان مرند را تصرف نموده‌اند. چنانچه دولت روس پیش‌بینی نموده بود آنها اکنون جلفا را تهدید می‌نمایند.

نمره - ۱۰۶

تلگراف سرچارج بارکلی به سرادرداردگری (واصله در ۹ مارس)
از طهران، ۹ مارس ۱۹۰۹
[۱۳۲۷: ۱۶ صفر ۱۲۸۷]

مشهد

ماژورسایکس بروز انقلاب در مشهد را تلگرافا [= تلگرافی] خبر می‌دهد. بازارها بسته و انجمنی تشکیل داده شده. شورشیان تلگرافخانه را تصرف نموده‌اند.

نمره - ۱۰۷

تلگراف سرچارج بارکلی به سرادردار گردید (واصله در ۱۴ مارس)

از طهران، ۱۴ مارس ۱۹۰۹

[۱۳۲۷: ۲۱ صفر ۱۲۸۷]

راه طهران به رشت تقریباً تا چهل میل به قزوین مانده از طرف شمال در تحت سلطه و تصرف شورشیان یا ملیون است. در جاده به فاصله‌های مختلف سنگرهای رسم شده.

در طهران قدری تشویش حادث شده ولی اگر خطری در پیش باشد از طرف ملیون نخواهد بود بلکه از طرف قشون شاهپرستان خواهد بود که عنان انقیادشان از کف ساقط بشود.

نمره - ۱۰۸

مراسله سرچارج بارکلی به سرادردار گردید (واصله در ۱۵ مارس)

از طهران، ۲۲ فوریه ۱۹۰۹

[۱۳۲۷: یکم صفر ۱۲۸۷]

آقا

با کمال افتخار سواد مكتوبی که از مستر گاردنر کفیل کنوئی ویس قنسولگری رشت در مدت غیبت مستر راپینو رسیده لفأ ارسال می‌شود که مبنی بر راپورت حوادث جدیده در آن شهر است که بعد از مقتول شدن سردار افخم حاکم و دو نفر از مأمورین چنوع منتج به مجزا شدن آنجا از تحت سلطه و قدرت شاه شده.

چنانچه در تلگراف شانزدهم شهر حال [۲۷ بهمن؛ ۲۴ محرم] خودم راپورت دادم سپهبدار را که قبل از طغیان رشت وارد اتزلی شده بود دسته فائقه در رشت نگاهداشته و حکومت آنجا را به او تفویض نمودند. در بیستم فوریه انجمن ولایتی تلگرافی به پنج نماینده‌های عمدۀ خارجه مقیمین طهران مخابره کرده و اعلام نمودند که ما هیچ نزاعی با شاه نداریم و اشعار داشته بودند که قصد ما خاتمه دادن به اوضاع حاضرهاست که مربوط به مسلک مرجعۀ خاصان درباری اعلیحضرت معظم است و استرداد حقوق ملی خودمان. تلگراف متیور در خاتمه اخطار نموده بود که بواسطه توسل ما به اقدامات لازمه برای محافظت خودمان ممکن است خسارت به جاده رشت به طهران وارد بیاید و تردد در آن مقطوع بشود ولی در هنچه صورتی شخص شاه و ناصحین او مسئول خواهند بود.

یک غلام سفارت روس که تازگی از راه رشت مسافرت نموده راپورت می‌دهد که ملیون در نقاط مختلفه در جاده مشغول سنگ‌بندی بودند ولی هیچ نوع تعرض و مزاحمتی در عبور و مرور در جاده نمی‌نمایند و اگر شاه فقط پیروی صلاح‌اندیشی سپهبدار

را نموده و برای انقیاد و اطاعت آن شهر اقدامی ننماید احتمال تعرض من بعد هم در تردد نمی‌رود.

چند صد نفر قشون از طهران حرکت نموده ولی هنوز از قزوین تجاوز ننموده‌اند.
امضا جارج بارکلی

ملفوقة در نمره ۱۰۸

مکتوب مستر گاردنر کفیل ویس‌قنسلگری به سرجارج بارکلی

از رشت، ۹ فوریه ۱۹۰۹

[۱۳۲۶ ذی‌حجہ ۱۷: ۱۲۸۷] [۲۰ بهمن]

آقا

با کمال افتخار راپورت می‌دهم که دیروز هشتم شهر جاری طرف چهار بعد از ظهر یک دسته اشخاص مسلح از خانه معز السلطان برادر زن سردار منصور خارج شده و بطرف دارالحکومه حرکت نموده و دفعتاً به سر بازان مستحقظ آنجا شلیک نمودند. بعضی از آنها جواب شلیک را دادند و جنگ درگرفت. بالآخره سر بازان بزودی مغلوب شدند و شورشیان دو عراده توپ را تصرف نموده و بطرف دارالحکومه شلیک کردند. در همان حین آنها بعضی از خانه‌های اطراف و اندرون را که پشت آنجا بود آتش زدند و یک عده از آنها به معاشر غمده رفته و برای تهدید مردم به‌هوا شلیک نموده و تمام سر بازان ساخلو را خلع سلاح کردند.

در حین وقوع اعمال فوق یک دسته دیگر از شورشیان به باع مدیریه که سردار افخم حاکم و سردار معتمد و سردار همایون برای صرف نامه به آنجا رفته بودند رفتند. شورشیان بواسطه انداختن یک بمب ورود خود را اعلام داشته و پس از آن داخل باع شدند.

در باب واقعات متعاقب آن به حدی روایات مختلف است که حصول به حقیقت امر غیر ممکن است ولی نتیجه این شده است که حاکم به ضرب گلوله مقتول گردیده و آن دو نفر دیگر را نوکرانشان با حال بدتر از مردن به منازلشان پرداختند.

از قرار مذکور عده مقتولین تقریباً بیست نفر است که دو نفر از آنها از دسته شورشیان بوده. از جمله مقتولین عمدۀ مستشار دفتر پیشکار مالیۀ گیلان و اعزاز‌الملک، مأموری که تازگی از طرف دولت از طهران اعزام شده، بوده‌اند.

من نیز متأسفانه فوت خاص آقا فراش ویس‌قنسلگری را اطلاع می‌دهم ولی تا حال نتوانستهام کشف بتمایم به‌چه جهت.

مؤسس و سردسته این هیجان معز السلطان و بنادرش کریم‌خان هستند. معزی‌الیه (کریم‌خان) دو سه روز قبل بدون اینکه کسی بشنید وارد رشت شد.

سیم تلگراف قطع شده بود و به‌این جهت من دسترسی به وسائل مخابرۀ نداشت. امروز صبح شهر آرام بود و در عرض روز هیچ اغتشاشی واقع نشد. مستحقظین ملی در معاشر قراول می‌دهند. یک انجمن موقتی تشکیل داده شده که به امورات شهر

رسیدگی بنمایند و انجمن مزبور سردار معتمد و سردار همایون را مشترکاً به حکومت موقتی انتخاب نموده. به اضافه بیان نامه‌ای توزیع نموده مشعر بر اینکه مردم هیچ‌واهمه و خوفی نداشته باشند و هیجان فقط برای طرفیت با مأمورین دولت بوده.

امضا هایر گاردنر

نمره - ۱۰۹

مراسلة سرجارج بارکلی به سرادر اردگری (واصله در ۱۵ مارس)
از طهران، ۲۳ فوریه ۱۹۰۹
[۵ اسفند ۱۲۸۷: ۲ صفر ۱۳۲۷]

آقا

رجوع به تلگراف دوازدهم شهر جاری خودم با کمال افتخار سواد بیان نامه فرقه ملیون طهران در خصوص مسئله استقراض و امتیازات خارجه را لفاظ ارسال می‌دارم.
چنانچه در تلگراف ۲۶ شهر ماضی خودم راپورت داده‌ام شرحی بهمین مفاد هم از طرف ملیون تبریز به قنسول آنجا نوشته شده بود و ملیون اصفهان هم برای هر استقراضی که بتوسط شاه بدون تصویب مجلس بشود اعتراض و پرست نموده‌اند.
امضا جارج بارکلی

ملفوظه در نمره ۱۰۹

بیان نامه جماعت ملیون طهران به سرجارج بارکلی
در تعقیب اعلان متحده‌المالی که قبل از این از طرف انجمن شوروی آذربایجان و اخیراً از طرف انجمن اصفهان به جنابعالی تقدیم شده که به دولت متبعه خودتان برسانید ما صاحبان امضای ذیل که نمایندگان دسته مشروطه‌خواهان پایتخت هستیم با کمال افتخار خاطر محترم را مستحضر می‌داریم که چون ایران دولت مشروطه‌شناخته شده و چون هر پیشنهادی برای استقراض یا امتیازی برطبق مواد ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ قسمت اول قانون اساسی باید بدؤا به مجلس تقدیم شده و رأی مجلس اتخاذ بشود به این جهت ما یک نوبت دیگر با کمال افتخار به جنابعالی اظهار می‌داریم که هر قرض یا مساعدت مالی که بطور مستقیم یا غیرمستقیم از طرف یک دولت خارجه یا ادارات تجاری یا صرافی یا افراد در عرض مدت انقضای پارلمان به دولت علیه داده بشود ملت خود را برای آن مسئول ندانسته و بهیچوجه خود را عهده‌دار آن نمی‌داند و هر نوع شرایطی برای هر امتیازی قرار داده بشود برای اجرای آن خود را مجبور نخواهد داشت.

لهذا از جنابعالی استدعا می‌نماییم که مرحمت فرموده مواد مذکور قانون اساسی را ملاحظه نموده و بزودی مراتب فوق را به سمع دولت خودتان و تجارتخانه‌های در مملکت خودتان که در این مسئله دخیل هستند برسانید که هیچ اعمال غیر قانونی در

آتیه روایط حسنہ ملی و تجارتی دو مملکت را مختل ندارد.
تشکرات خود را مساعدتاً برای اقداماتی که لطف کرده در این مسئله بعمل خواهید
آورد تقدیم می‌داریم. از جنابعالی تمدنی می‌نماییم که احترامات فائقه را قبول بفرمایید
و غیره... .

طهران، ۱۵ محرم ۱۳۲۷ (مطابق ۷ فوریه ۱۹۰۹) [۱۸ بهمن ۱۲۸۷]
امضا ۳۱ نفر در ذیل

نمره - ۱۱۰

مراسله سرجارج بارکلی به سرادردار گری (واصله در ۱۵ مارس)
از طهران، ۲۵ فوریه ۱۹۰۹
[۷ اسفند ۱۲۸۷؛ ۴ صفر ۱۳۲۷]

آقا

با کمال افتخار خلاصه وقایع ماهانه معمولی اتفاقیه در ایران در عرض چهار هفته
ماضی را لفأ ارسال می‌دارم.

امضا جارج بارکلی

ملفوقه در نمره ۱۱۰
خلاصه وقایع

طهران

کابینه‌ای که بی‌تغییر باقی مانده از قرار ذیل مرکب است:

مشیرالسلطنه

رئیس‌الوزراء و وزیر داخله

سعدالدوله

وزیر امور خارجه

سپهسالار

وزیر جنگ

نظامالملک

وزیر عدليه

مهندسممالک

وزیر معارف و فواید عامه

مخبرالدوله

وزیر تلگراف

سلطانعلی‌خان «وزیر دربار»

وزیر دربار

مخاخرالملک

وزیر تجارت

قوامالدوله

وزیر ماليه

توجه عمده در اوضاع وزارتی مجتمع و مصروف نزاع بین سپهسالار و سعدالدوله
است که می‌توان آن را کوشش و مبارزت بین دو نفوذی که در اطراف شاه کار می‌کنند
تعบیر نمود به این معنی که نفوذ مرتعین قاش از یک طرف و نفوذ آزادیخواه معتدل
از طرف دیگر در مخاصمه‌اند ولی هیچ‌کدام از طرفین تا حال موفقیت کامل حاصل
نموده‌اند.

من اسم عناداری معمولی محرم امسال بواسطه کسادی پول و خوف اغتشاش خیلی تحقیف داده شد. تعزیه‌خوانی مرسومی در تکیه دولتی به موقع اجراء گذارده نشد ولی فقط بطريق خیلی مختصرتری در باغشاه انجام داده شد.

شورش در رشت تا حد کثیری باعث تشجیع و جرأت ملیون طهران شده و از ۱۳ فوریه [۲۴ بهمن؛ ۲۱ محرم] بازارها کم و بیش بسته بوده. عده متحصنهن در سفارت کبرای عثمانی و شاهزاده عبدالعظیم تا حد کثیری زیاد شده و هیجان خیلی بیشتر عمومیت حاصل نموده. یک احساس تشویش عمومی شهر را فرا گرفته. عدم اطاعت مردم بی‌شببه در تزاید است و ملیون شروع به اشاره و کنایه نموده‌اند که حتی در صورت اعطای مشروطه هم تغییر سلطان لازم است.

از زمان بسته شدن بازار، دولت بتوسط نظمیه، اقدامات فوق العاده راجع به تمشیت نموده است. قراول گشتی بسیار دیده می‌شود و سرباز و ژاندارم در بازار و معابر عمده گماشته شده. برای تهدید مردم که دکاکین خود را باز کنند چهار نفر از کسبه را علناً چوب زدند ولی این تشدد منتج به بسته شدن یک مقدار دکاکین زیادتری شد. در ۲۲ فوریه [۶ اسفند؛ یکم صفر] سه نفر را به اتهام اینکه قصد بمباشد اختن داشته‌اند دستگیر نمودند. یک نفر از آنها را بدون محاکمه مقتول نموده و نعش او را نزدیک دروازه باغشاه آویختند که یک نوع اخطار و تهدیدی برای مردم پشود. دو نفر دیگر اکنون در تحت استنطاق هستند و مجاهدتی شده است که اشخاص دیگری را هم دخیل در این تمثیت بنمایند. شخص مقتول و یکی از مصاحبینش در ماه ژوئن ماضی در سفارت انگلیس پناهنده بودند و چنانکه تلگرافاً [= تلگرافی] را پورت دادم در این موضوع به دولت ایران اظهارات نموده‌ام. این واقعه مردم را بسیار متغیر نموده چون عقیده آنها بر این است که آن شخص به تمثیت تقضیه جعلی به قتل رسیده. در ۲۴ فوریه [۶ اسفند؛ ۳ صفر] یک قاتلی را در محضر عامه مقتول نمودند ظاهراً به قصد اینکه باز بیشتر مردم را تغییف بنمایند.

متوجهین هر نوع افواهی را در باب فلاکت ملیون تبریز اشاعه می‌دهند و تصرف تبریز را قریب الوقوع می‌دانند. اگر چه استعداد نظامی در تحت امر شاه برای دفع هر نوع هیجانی در پایتخت که بدون کمک از خارج واقع بشود باید کافی باشد مع‌هذا ارجاعیون برای احتمال انقلاب در اینجا و سوء اطمینانی که کلیتاً به حیثیت خودشان دارند بی‌شك در تزلزل هستند. هیچ نوع علامت اعطای مشروطه از شاه مشهود نیست و علی‌الظاهر امیدوار به تسليم عاجل تبریز است که به عقیده او باعث انحطاط هیجان ملیون خواهد شد.

محاکمه اشخاصی که متهم به شرکت در سوء قصد به شیخ فضل الله بودند منتج به استخلاص تمام محبوسین شد بجز یک نفر که هنوز محاکمه او خاتمه نپذیرفت. فرماننفرما هنوز در طهران است و او به‌یکی از اعضاء سفارت انگلیس اطلاع داده بود که رأی قطعی خود را بر این قرار داده که به‌اصفهان تردد. سردار معتصد معاون او در ۴ فوریه [۱۵ بهمن؛ ۱۲ محرم] به طهران رجعت نمود ولی دو روز

بعد از آن مجدداً عزیمت نمود که در قم به قشون تجهیزه ملحق بشود.
سالار اشرف یکی از خواستین بختیاری که بر علیه [= علیه] اصفهان فرستاده
شده بود هم به طهران مراجعت نمود ولی مجدداً به عزم قم حرکت نمود.
قریب چهار صد نفر از فوج همدان که برای مقابله به تبریز اعزام شده بودند
ظاهراً برای بی‌میل بودن به تحمل مشقت این مأموریت به طهران مراجعت نمودند.
به تاریخ ۲۴ فوریه ۱۹۰۹ [۱۳۲۷] ۵ اسفند ۱۲۸۷؛ ۲ صفر ۱۳۲۷

امضا اスマارت

مشهد

ماژرسایکس در ۱۷ فوریه [۲۸ بهمن؛ ۲۵ محرم] تلگرافاً [= تلگرافی] خبر
داد که یک جمع کثیری راهزنان فارس از صحراء عبور نموده و طبس را تهدید می-
نمایند. حکمران در صده اعزام یک عدد قشون به آنجا است. راه یزد مسدود شده.

کرمان

یک دسته سارقین در اوایل ژانویه [نیمه اول دی؛ ذی‌حجه] در کرمانشاه بطرف چاده یزد
جمع شده بودند به قصد اینکه راه را بر قافله حامل اسلحه و پول نقد بانک ببندند. یک
استعدادی اعزام شد که آنها را مجبور به عقب‌نشستن نمود و قافله بسلامت عبور
کرد.

قنسول انگلیس در ۱۶ فوریه [۲۷ بهمن؛ ۲۴ محرم] تلگرافاً [= تلگرافی] راپورت
داد که دسته ملی قوت گرفته و انقلاب قریب الوقوع است. حکومت از این خوفدارد
که بعض اینکه مردم ملتفت این مسئله بشوند هیجان بنمایند.

یزد

حاکم جدید عدل‌الدوله در ۲۳ ژانویه [۳ بهمن؛ ۳۰ ذی‌حجه] وارد شد
در عرض ماه ژانویه هرق به یزد [= راهیان منتهی به یزد] در دست سارقین
مانده بود اگر چه گاه بگاهی یک قافله‌ای که به اتفاق مستحفظ حرکت کرده عبور
نموده است ولی همیشه اینطور نبوده. تعداد دسته‌های سارقین بعضی اوقات به صد نفر
می‌رسد. ناامنی کامل منتشر است و حوزه پارسیان پیوسته در خوف صدمه و تعرض
باقي هستند. در ۱۱ فوریه، قریب صد نفر زن و مرد و اطفال پارسی از سکنه مزارع
اطراف تفت خود را در تلگرافخانه انگلیس افکنده و تقاضای تأمین نمودند. همینکه
در این موضوع به حکومت نوشته شد برای نقل مکان نمودن پارسیان به محله پارسیان
در شهر ترتیبات داد. از قرار راپورت قریب دویست نفر بختیاری در ۲۰ ژانویه
[۳۰ دی؛ ۲۷ ذی‌حجه] تقریباً به سی میلی طرف جنوب شرقی یزد وارد شده‌اند. ظاهراً حکومت
یک استعدادی فرستاد که تفتیهایی را که پارسیان از آنها شاکی بودند مقبول ننمایند

ولی جنگ مختصری واقع شد که نتیجه آن مظفریت تفتیها بود. وقتی که از تفتیها استفسار شده بود که چه می‌خواهند جواب داده بودند «تأسیس مشروطه». خبر این جواب ظاهراً حاکم و اهل شهر را مضطرب نموده. حاکم و اعیان متابعین خود را تحت سلاح آورده سنگر بندی نموده و توپهای متدرس را استوار کردند. حتی قراولهای متازل اروپاییان را هم جلب نمودند ولی پس از ایراد و اظهار ویس قنسول انگلیس آنها را عودت دادند. از قرار مذکور تفتیها بموجب احکام از نجف عمل می‌نمایند.

کرمانشاه

کاپتان هاورت در ۲۵ فوریه [۲۸ محرم] راپورت داد که مجتبد اعظم همدان به او اطلاع داده است که علمای عمدۀ کربلا به من تعليمات داده‌اند که از تمام قنسولها خواهش ینمایم به سفارت‌پای خودشان اعلام بدارند که خبر پول قرض دادن دولتين به شاه به ما رسیده. شاه بپیچوچه حق استقراری ندارد و اختیار این مسئله محول به مجلس ملی است که قائم مقام کنونی آن انجمن ایالتی آذربایجان است و برای هر مبلغی که به شاه پرداخته بشود ملت بپیچوچه مسئول نخواهد بود. مرتعین همدان همینکه انقلاب رشت و اقدام مجتبد اعلم را مسموع نمودند نزد مجتبد مزبور رفته و به او اطلاع دادند که ما هم خواهان مشروطه هستیم. مجتبد اعلم به کفیل حکومت اظهار داشته است که اگر او نمی‌تواند به شهر بیاید و حکمرانی بکند خودش حاضر است که حکومت اشخاص خواهان مشروطه را به عهده بگیرد. محتمل است که انجمن ولایتی بزودی تشکیل داده بشود.

Shiraz

از مجادله قوام‌الملک با سید لاری هنوز نتیجه کاملی حاصل نشده. ظاهراً آصف‌الدوله فرمانفرما کم يلکه هیچ قدرت ندارد. اداره امور اغلب در دست سردار فینوز است. اشتبهات مکرره بوده است که قصد بروز شورشی برعلیه [= علیه] ایالت هست. ایالت در ضمن یک ملاقاتی که با مستر بیل نموده اظهار داشته است که نهایت جد و جهد را در ختم نمودن دعاوی انگلیس دارد ولی عقیده مستر بیل بر این است که هیچ نوع امید استرداد مال التجاره منهوجه تجار انگلیس را نمی‌توان داشت مگر اینکه غرامت آنها مستقیماً از ایالت فارس دریافت بشود و این هم مسئله‌ای است که ایالت از عهده گرفتن آن امتناع دارد.

خلیج فارس

بوشهر

سید عبدالحسین لاری شرحی به یکی از ملاهای عمدۀ بوشهر نوشته و در آن اشاره نموده است که با قوام جنگ نموده و او را بکلی مغلوب کرده و اشعار داشته است که پرداخت مالیات را در لار اکیداً غدغن نموده است.

امضا مأثر سایکس، اتاشه میلیتر

نمره - ۱۱۱

مراسله سرجارج بارکلی به سوادوارد گری (واصله در ۱۵ مارس)
از طهران، ۲۵ فوریه ۱۹۰۹
[۷ اسفند ۱۲۸۷؛ ۴ صفر ۱۳۲۷]

آقا

در تعقیب مشروحة مورخه ۲۶ شهربانی خودم با کمال افتخار راپورت می‌دهم که وضع اصفهان بدون تغییر باقی است. شهر آرام است و انتظام به نحو رضایت‌بخشی مستقر است.

مذاکرات مابین صمصام‌السلطنه و خوانین بختیاری که از طهران رفته و حالا در قم هستند در کار است و اگر چه روایات مختلف است ولی این مسئله مسلم است که هنوز قرارداد صریحی بین آنها داده نشده. هیچیک از قشوی که شاه اعظام داشته از قم تجاوز ننموده‌اند، شاهزاده فرمانفرما در طهران مانده است.

از قرار مسموع صمصام‌السلطنه با صولت‌الدوله ایلخانی قشقائی در شیراز مشقول مذاکره بوده ولی تا حال جنبشی از طرف صولت‌الدوله مشهود نگردیده. چند روز قبل صمصام سواعظن حاصل نموده بود که مخابرات بین طهران و شیراز بدون اینکه علی‌الرسم بتوسط اداره ایرانی اصفهان باشد مستقیماً می‌شود. تمدید تموده بود که سیم تلگراف را قطع خواهد نمود و من به‌جنرال قنسول انگلیس تعلیمات دادم که بطریق غیررسمی او را از وحامت این عمل تمدید و منع نماید. صمصام در جواب پیغام مستر گرهم اظهار داشته بود که می‌خواهد در عرض چند روزه آتبه در تمام مخابراتی که به‌شیراز می‌رود نظارت داشته باشد با این اختیار که هر کدام را موافق مذاق ندید توقيف ینماید. او نیز اخلمار نموده بود که اگر یا این ترتیب موافقت نشود هرگاه سیم قطع بشود کلیه مسؤولیت آن را از عهده خود ساقط می‌داند. پس از مشاوره با مستر بارکر قرار بر این شد که اگر دولت ایران تقاضای تسهیلات غیرمعمول برای مخابره با شیراز بنماید که صمصام با آن مخالفت داشته باشد آن تقاضا رد بشود علی‌هذا مراتب مصوبه را به صمصام‌السلطنه اطلاع دادند.

امضا چارج بارکلی

مجدد پس از تحریر شرح فوق به من اطلاع رسیده که صمصام‌السلطنه با اطمینان فوق الذکر اقناع نشده و به جنرال قنسول انگلیس اطلاع داده که اداره تلگرافی هند و اروپ باید به نماینده او اجازه بدنهند که تمام تلگرافاتی را که از طهران به‌شیراز بتوسط اداره تلگرافی انگلیس در اصفهان مخابره می‌نمایند تفتیش ینماید. پس از مشاوره با مستر بارکر من در صدد اطلاع دادن به دولت ایران هستم که من خودم را مجبور دیدم به‌اداره تلگرافی مزبور صلاح‌اندیشی ینمایم که به تقاضاهای صمصام موافقت ینمایند.

١١٢ - نمره

مکتوب سرچارج بارکلی به سرادر دگری (واصله در ۱۵ مارس)
از طهران، ۲۵ فوریه ۱۹۰۹
[۷ اسفند ۱۲۸۷ : ۴ صفر ۱۳۲۷]

五

در تعقیب مشروحة مورخه ۲۷ شهریور ماضی خودم با کمال افتخار راپورت می‌دهم که در اوایل این ماه [نیمه‌اول بهمن؛ محروم] عین‌الدوله عنوان تمود که با نماینده‌های انجمن ایالتی تبریز مذاکرات صلح بنماید. لیکن از این مذاکرات نتیجه حاصل نشدچون طرفین بواسطه خوف خیانت و خدوع در فرستادن نماینده به میل بودند.

در ۶ شهر حال [۱۷ بهمن؛ ۱۲ محرم] یک مجادله‌ای که حاوی فی الجمله اهمیتی بود در خارج شهر واقع شد که در ضمن آن تلفات ملیون ۶ نفر بود و تلفات شاه پرستان که بالاخره عقب نشانده شدند ۱۴ نفر.

در عرض ماه قشون شاه پرستان در کاملاً محصور تمودن تبریز موفق شدند. سه جاده به جلفا و همدان و قزوین را قره‌داغی‌ها و قشون صمدخان حاکم مراغه و عین‌الدوله مسدود نموده‌اند. بنابراین آذوقه در شهر کمیاب شده و انتظار نیست که انبار غله بیش از شش هفته دیگر دوام بنماید. در ۲۲ شهر حال [] قشون ملیون مجاهدت سختی برای افتتاح راه جلفا و استخلاص دسته قشون ساخلو مرند نمودند ولی پس از یک حمله به قره‌داغی‌ها در الوار قشون تجهیزه بدون نیل به مقصود مراجعت به تبریز نمودند. هواخواهان درباری در باغ شاه بتازگی خیلی اعتماد دارند که تبریز در همین روزها تسليم خواهد شد ولی بموجب تمام اطلاعاتی که از مستن راتیسلا به من رسیده واضح است که تخمين عدد قشون در تحت عین‌الدوله حاوی اغراق بسیار است و به عقیده مستن راتیسلا تصرف شهر بوسیله یورش برای آنها غیرممکن است. امکان دارد بواسطه قحطی و فقدان آذوقه آن شهر تسليم بشود ولی از مسلمیات است که تا زمانی که آذوقه آنها دوام بنماید خودداری نموده و مقام خود را نگاه خواهند داشت، چون ملیون می‌دانند که اگر یک دفعه رحیم خان داخل شهر بشود نمی‌توانند امداد هیچ رحم و موتوی از او داشته باشند.

از قرار راپورت در نواحی اطراف ارومیه [= اورمیه] هم جنگ درکار است. وضع تجار در تبریز خیلی بد است و تجار انگلیسی از خسaran کلی که بواسطه مسدودبودن راه جلفا برای پست و مالالتجارة اروپا به امورات آنها وارد آمده شکایت به مستر راتسلا برده اند.

امضا جارج بارکلی

مجدد - ۲۶ فوریه [۸ اسفند؛ ۵ صفر] - الان مکتوبی از جنرال قنسول انگلیس مقیم تبریز بهمن رسید که سواد آن را لفأً تقدیم می‌دارم.

ملفوقة در نمره ۱۱۲

مکتوب مستر راتیسلا جنرال قنسو، به سرجارج بارکلی

از تبریز، ۷ فوریه ۱۹۰۹

[۱۸] بهمن ۱۲۸۷؛ ۱۵ محرم ۱۳۲۷

آقا

از قرار معلوم در جنگ پنجم فوریه تلفات از طرف ملیون بالتبیه خیلی زیادتر از آنکه بدوآ تصور می شد بوده. حصول تعداد واقعی آن مشکل است ولی به عقیده من مجموع عده مصادمین مقتول و مجروح و مفقود تماماً پنجاه نفر بوده. این جنگ مختصر بجز عقب تشیتن شاه پرستان تا اردی خودشان در سردرود که بهر صورت شب را مجبور به معاودت به آنجا می بودند منجر به تیجه ای نگردید. از این رو فقدان دیسپلین و تسلیط کافی ملیون و با سستی و فتور جنگیدن آنها در هر مجادله ای که خارج از سنگرهای خودشان واقع بشود مستفاد می گردد.

بعضی از افراد قشون عین الدوله از باسمنج در این جنگ شرکت نمودند و از قرار مفهوم یک عدد از آنها الحال موقتاً به قشون صمد خان ملحق شده اند.

محقق نیست که آیا رحیم خان شخصاً در این معركه داخل شده یا خیر ولی پسر او بایک استعدادی از قرهداغیها در حوالی سمت شرقی راه جلفا است و قشون صمدخان که از جانب غربی بطریق سردرود متفرقند با مشارالیه اتصال دارند و باعث نامنی جاده مزبورند.

در حقیقت حالا تبریز عمل محاصره است. هیچ آذوقه ای نمی تواند داخل شهر بشود. اشجار میوه باقها را برای سوزاندن بریده اند و اگر چه عجالتاً مقدار کافی غله برای خوارک اهالی موجود است ولی احساس تضییق و سختی به طرق مختلف می شود. عدم رضایت معتقد بهی در طبقه تجار که هیچ معامله و داد و ستدی ندارند احاطه دارد و با وجود این اتصال مطالبه اعانه از آنها می شود و آنهم برای مصرفی است که تا وقتی که آنها وسایل و مایه ای دارند نمی توانند از پرداخت آن امتناع بنمایند. مالیه ملتیان چندان امید بخش نیست و مسئله در این است که تا چه مدت توانان خواهند بود که در پرداخت حقوق قشون خودشان مداومت بنمایند. سهم عایدات آنها از اداره تلگراف هند و اروپ در ماه ژانویه فقط هزار و دویست تومان شد در صورتیکه بتازگی وجه اعانه ای هم از رفقای خودشان به آنها عاید نگردیده. ضمناً پول هم خیلی کم ۱۸ از شهر خارج می شود و من تصور نمی کنم احتمال فوری اختلالی برای فقدان پول باشد.

عقیده عمومی براین است که شاه پرستان به همین زودیها اقدام در تصرف شهر بوسیله یورش خواهند نمود ولی در موقعيت آنها شک است و اگر محاصره شهر و

(۱۸) در اصل: خستنا خیلی کم پول هم... - م.

مسدودبودن طرق تا دو سه ماه باقی بماند احتمال کلی می‌رود که ملیون را مجبور به تسليم بنماید. از طرف دیگر مشکل شاه به وضعی باشد که تا یک همچه مدتی بتواند قشون خود را مجموع نگاهدارد.

امضا راتیسلا

نمره - ۱۱۳

تلگراف سرجارج بارکلی به سزادوارد گری (واصله در ۱۶ مارس)
از طهران، ۱۶ مارس ۱۹۰۹

[۱۳۲۷: ۲۳ صفر ۱۲۸۷] ۲۶

دیروز شاه مسیو سبلین را بدریار احضار کرد. در جواب تقاضائی که آن اعیان‌حضرت برای صلاح‌اندیشی نموده بود مسیو سبلین اظهار داشته بود که اگر آن اعیان‌حضرت به تشکیل یک مجمعی از نماینده‌های فرق و طبقات مختلف در طهران برای اعماق نظر در اوضاع که (پیشنهادی است که وزیر امور خارجه به اعیان‌حضرت معظم عرض و تقدیم داشته بود) موافقت بنتاید احتمال آن می‌رود که کشمکش حاضر را مرتفع پدارد. آن اعیان‌حضرت وعده نمود که به این پیشنهاد موافقت بنتاید. سعد الدوله به من اطلاع می‌دهد که او این پیشنهاد را به شاه به این امید نموده است که بلکه از آن مجمع یک رأی متقن عالی در مساعدت و تایید یک مشروطه‌ای بتوان تحصیل نمود. چنانچه ترکیب این مجمع مثل آن مجمع مشاوره استهبان‌آمین ماه دسامبر [آذر؛ ذی‌قعده] نیاشد و ملیون در حضور به این مجمع راضی بشوند بعضی نتایج مقیده را می‌توان امیدوار بود. سعد الدوله به من اظهار می‌دارد که او از اهمیت ترکیب این مجمع واقف است.

نمره - ۱۱۴

تلگراف سرجارج بارکلی به سزادوارد گری (واصله در ۱۶ مارس)
از طهران، ۱۶ مارس ۱۹۰۹

[۱۳۲۷: ۲۳ صفر ۱۲۸۷] ۲۶

اوپرای آذربایجان

مستر راتیسلا، جنرال قنسول انگلیس تلگرافا [= تلگرافی] خبر می‌دهد که شاه پرستان جلفای ایران را تصرف نمودند. راپورت داده شده است که سکنه آنجا از رودخانه عبور نموده و به خاک روسیه رفته‌اند.

نمره - ۱۱۵

تلگراف سرادوارد گری به سرنیکلسن

از وزارت خارجه، ۱۷ مارس ۱۹۰۹

[۱۳۲۷ اسفند ۱۲۸۷؛ ۲۴ صفر ۲۷]

من دیروز با شارژ دافر روس صحبتی داشتم. مشارالیه اظهار نمود به حدی متوجه است که اگر غارتگران شاه پرست بخواهند در جلفا در پیش چشم روسها زنها و اطفال را قتل عام بنمایند يحتمل مداخله دولت روس در امور ایران حتمی- الوقوع بشود.

در جواب من اظهار داشتم بیم آن است که هنوز شاه آرزومند وقوع مداخله روس باشد چون آن مؤید اعلیحضرت معظم تصور خواهد شد. عقیده قطعی من براین است که اگر یک مرتبه دولت روس برآن اعلیحضرت تصريح بدارد که از مداخله بپیچوچه انتفاعی متوجه ایشان نخواهد شد بلکه از هرجهت احتمال می‌رود که بواسطه عدم لیاقت و کفایت او در حکمرانی مملکتش منتج به انفصال او از سلطنت بشود اعلیحضرت معظم بدون فوت وقت اعلام یک مشروطه‌ای خواهد نمود که نتیجه آنی آن التیام و انحطاط اوضاع در تمام ایران خواهد بود.

بدون توصیه در تعقیب یک همچه روشه من پیشنهاد نمودم که اگر به عقیده مسیو ایسولسکی اقدام سلامت و مطمئنی است و اگر مقتضیات قطعاً این مسئله را لازم می‌دارد دویست هزار لیره از وجه قرضه سهمی دولت روس ممکن است فوراً پرداخته بشود. پس از آن همینکه تمام قرضه را مجلس تصویب نمود سهمی ما تأدیه شود. در باب تعیین وزرای شاه من با عهده‌گرفتن مسؤولیتی که از اتخاذ یک همچه روشه تولید خواهد شد مخالفت دارم ولی امکان دارد که قرض را مشروط به تغییر هیئت وزراء و نامزدشدن وزرائی که محل وثوق باشند نمود. پس از آنکه مطلع شدیم که شاه چه اشخاصی را به وزارت جدید خود انتخاب نموده آنوقت ما می‌توانیم درک بنماییم که آیا شرط مذبور بطریق مرضی به موقع اجرا گذاشده شده یا خیر.

نمره - ۱۱۶

تلگراف سرچارج بارکلی به سرادراد گری (واصله در ۱۸ مارس)

از طهران، ۱۸ مارس ۱۹۰۹

[۱۳۲۷ اسفند ۱۲۸۷؛ ۲۵ صفر ۲۸]

اوضاع بندرعباس

تلگراف مورخه دیروز چنرال قنسول دولت انگلیس مقیم یوشهر حاکی است که بواسطه فشار مجتمدین نجف و سادات لارستان ملتیان بندرعباس زمام اختیار حکومت را در کف گرفته و گمرکخانه را تصرف کرده‌اند. چنرال قنسول مذبور از صاحب

منصب ارشد بحری تقاضا نموده است که یک فروند کشتی جنگی برای حفظ منافع انگلیس به بندر عباس بفرستند.

نمره - ۱۱۷

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادر وارد گری (واصله در ۱۸ مارس)
از طهران، ۱۸ مارس ۱۹۰۹
[۱۳۲۷ ۲۵ صفر ۱۲۸۷] ۲۸

بندر عباس

جنرال قنسول انگلیس مقیم بوشهر امروز تلگرافاً [= تلگرافی] راپورت می-
دهد که بموجب اطلاع واصله از قنسول انگلیس یک فروند کشتی اعلیحضرتی دیروز
به بندر عباس رسیده.

مليون رئيس بلزيکي گمرك را مخير نمودند که يا در استخدام ملت باقی بماند و
عایدات را به مליون بپردازد يا از آنجا حرکت بنماید. علی‌هذا رئيس گمرک خارج شد.
همه‌کس مسلح است و دستیحات مسلح اتصال از داخله وارد می‌شوند، حاکمی که از
فرقه مليون است فعلًا نظم را کاملا مستقر داشته است.

نمره - ۱۱۸

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادر وارد گری (واصله در ۱۸ مارس)
از طهران، ۱۸ مارس ۱۹۰۹
[۱۳۲۷ ۲۵ صفر ۱۲۸۷] ۲۸

بندر عباس

تلگراف ذيل به جنرال قنسول انگلیس مقیم بوشهر راجع به تلگراف ۱۷ مارس
خودش مخابره شده است:
«قایق جنگی فقط در صورتی در بندر عباس توقف نماید که قنسول انگلیس اتباع
دولت انگلیس را در خطر بداند.
البته قشون بحری را فقط در صورت احتیاج فوق العاده پیاده خواهند نمود.»

نمره - ۱۱۹

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادر وارد گری (واصله در ۱۸ مارس)
از طهران، ۱۸ مارس ۱۹۰۹
[۱۳۲۷ ۲۵ صفر ۱۲۸۷] ۲۸

بندرعباس

جنرال قنسول انگلیس مقیم بوشهر در طی تلگرافی مورخه دیروز راپورت می‌دهد که ملیون کارگزار بندرعباس را به حکومت انتخاب نموده‌اند.

نمره - ۱۲۰

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادردار گری (واصله در ۱۸ مارس)
از طهران، ۱۸ مارس ۱۹۰۹
[۱۳۲۷: ۲۵ ۱۲۸۷] صفر ۲۸

تلگراف ذیل از جنرال قنسول انگلیس مقیم بوشهر به من رسیده:
«نظر به اخبارات امروز از بندرعباس، من درباب اوضاع اینجا با همکار روسی خودم مذاکره نموده‌ام. اهالی تا حال در پیروی تعليمات ملاهای ملی مردد بوده‌اند ولی حالاً محتمل است در تعقیب سرمشق ملیون بندرعباس قیام بنمایند. حاکم یک وجود ناقصی است و فعلاً هم غایب است. قشون ساخلو عبارت از دویست نفر سرباز ایرانی از اصفهان است و باید انتظار داشت که آنها بهاداره گمرک یا مأمورین محلی هیچ تقویت مهمی برعلیه دسته ملی بنمایند. به لحاظ امکان هرج و مرج عمومی ما این مسئله را مقررون به حزم می‌دانیم که یک فروند کشتی چنگی در اینجا یا در یک مسافتی که به سهولت به آن دسترسی باشد داشته باشیم که حفظ منافع ما را بنماید، اگر چه عجالتاً دلیلی برای خوف صدمه و تعرض عمدى خارجه‌ها [= خارجی‌ها] موجود نیست. البته جنابعالی تدقیق در این مسئله خواهید نمود که آیا نظر به مرهون بودن عایدات گمرک بوشهر فعلاً نزد ما هیچ اقدام مخصوصی لازم خواهد بود یا خیر.»

نمره - ۱۲۱

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادردار گری (واصله در ۱۸ مارس)
از طهران، ۱۸ مارس ۱۹۰۹
[۱۳۲۷: ۲۵ ۱۲۸۷] صفر ۲۸

بندرعباس

در جواب تلگراف ۱۷ مارس جنرال قنسول انگلیس مقیم بوشهر من از قرار ذیل تلگراف نموده‌ام:

«قنسول انگلیس باید به ملیون اطلاع بدهد که عایدات گمرکات خلیج نزد دولت انگلیس مرهون است و باید از آنها تقاضا بشود که عایدات گمرک بندرعباس را به قنسولگری مسترد بدارند که با مراقبت قنسولگری منحصرأ به مصرف تادیه فرع قرضه‌های دولت انگلیس برسد. ممکن است خاطرنشان آنها بشود که وقتی که ملیون

تبیریز ملتفت شدند که عایدات گمرک آنچنانند دولت روس رهن است دیگر مداخله ای در آن ننمودند.

من در صدد اطلاع دادن به دولت ایران هستم که مطالبه عایدات گمرک را من از باابت افرع قرضه خودمان می نمایم و حقوق گمرکی که تجار انگلیسی به ملیون پرداخته اند کاملا تأدیه شده محسوب است و آنها بزرگ نمایند.

نمره - ۱۲۲

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۱۹ مارس)

از سن پطرزبورغ، ۱۹ مارس ۱۹۰۹

[۱۳۲۷] ۲۶؛ ۱۲۸۷ اسفند ۲۹

به عقیده مسیو ایسولسکی مفتتم است که در موقع پیشنهاداتی که نمایندگان در طهران به شاه می نمایند لدی الاقضاء این عقیده را هم منضم بنمایند که ناصرالملک که فعلا در پاریس است به طهران احضار بشود.

نمره - ۱۲۳

تلگراف سر ادوارد گری به سر نیکلسن

از وزارت خارجه، ۱۹ مارس ۱۹۰۹

[۱۳۲۷] ۲۶؛ ۱۲۸۷ اسفند ۲۹

ناصرالملک

رجوع به تلگراف مورخه امروز شما من موافقت دارم که احضار ناصرالملک به ایران صلاحیت دارد.

نمره - ۱۲۴

تلگراف سر ادوارد گری به سرجانج بارکلی

از وزارت خارجه، ۱۹ مارس ۱۹۰۹

[۱۳۲۷] ۲۶؛ ۱۲۸۷ اسفند ۲۹

تعلیماتی را که به جنرال قنسول انگلیس مقیم بوشهر به موجب راپورت مندرجہ در تلگراف ۱۸ شهر حال خودتان داده اید تصویب می نمایم.

نمره - ۱۲۵

تلگراف سر ادوارد گری به سرجارج بارکلی

از وزارتخارجه، ۲۰ مارس ۱۹۰۹

[۱۳۲۷؛ ۱۲۸۷: ۲۷ صفر]

رجوع به تلگراف ۱۸ شهر حال شما من از اداره بحری تقاضا نموده‌ام که یک فروند قایق جنگی به بوشهر فرستاده بشود با تعليماتی که در مدت طفیان انقلاب تمام خارجه‌ها [= خارجی‌ها] را محافظت بنماید. من نیز تقاضا نموده‌ام که همین قسم تعليمات به قایق جنگی که به بندر عباس اعزام شده داده بشود.

نمره - ۱۲۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۲ مارس)

از طهران، ۲۲ مارس ۱۹۰۹

[۱۳۲۷؛ ۱۲۸۸: ۲۹ صفر]

بموجب تلگراف جنرال قنسول انگلیس مقیم تبریز، جلفا هنوز در تصرف ملتیان است لیکن قشون شاه پرستان تمام قراء حوالی را غارت نموده و آتش زده‌اند.

نمره - ۱۲۷

تلگراف سرجارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۲ مارس)

از طهران، ۲۲ مارس ۱۹۰۹

[۱۳۲۷؛ ۱۲۸۸: ۲۹ صفر]

بموجب یک تلگرافی از کفیل ویس قنسولگری رشت قزاق روسی برای ازدیاد مستحفظین قنسولگری وارد شده.

نمره - ۱۲۸

تلگراف سرجارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۲ مارس)

از طهران، ۲۲ مارس ۱۹۰۹

[۱۳۲۷؛ ۱۲۸۸: ۲۹ صفر]

تلگراف امروز من در باب اوضاع جلفا

بنابر حسن پشیت، من و مسیو سبلین [= سابلین] مراسله سختی به دولت ایران نوشته و تأکید نموده‌ایم که شاه احکام قطعی مستقیم به رحیم‌خان صادر بنمایند که از جنگی با این قواعد وحشیانه احتراز نماید.

نمره - ۱۲۹

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادروارد گری (واصله در ۲۳ مارس)
۱۹۰۹ از طهران، ۲۳ مارس

[۳ فروردین ۱۲۸۸؛ یکم ع ۱ - ۱۳۲۷]

تلگراف ذیل از کفیل جنرال قنسولگری انگلیس مقیم بوشهر رسیده.
«امروز سید مرتضی اهرمی از طرف ملیون بطريق مسالمت مهم حکومت را
بتصرف درآورد. برای این قصد یک عده تفنگچیان تندگستانی را وارد شهر نمود.
مسئله تصرف گمرک موضوع بحث است ولی تا حال مداخله‌ای در این باب نشده.
من در صدد اطلاع دادن به سید مزبور هستم که گمرکات تزد ما مرهون است. حاکم
هنوز غیبت دارد. مأمورین محلی عمدۀ مستعفی شده‌اند».

نمره - ۱۳۰

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادردارگری (واصله در ۲۴ مارس)
۱۹۰۹ از طهران، ۲۴ مارس

[۴ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲ ع ۱ - ۱۳۲۷]

شاه و مشروطه. رجوع به تلگراف ۱۶ شهر جاری من. از تشکیل مجمع منتظرۀ
اعلیحضرت شاه واضح است که آن اعلیحضرت بیش از هر وقت متمایل به ارتیاع
است. اگر اصلاً یک همچه مجمعی منعقد بشود بی شبّه برعلیه [= علیه] مشروطه
رأی خواهند داد.

سعدالدوله اظهار می‌دارد که من در آن مجمع حاضر نخواهم شد. مشارالیه خیلی
مأیوس شده است.

من و مسیو سبلین [= سابلین] مراسلة مشترکی نوشته و اشعار داشته‌ایم که
تعیین اشخاص مدعوه برای حضور در مجمع را تصویب نمی‌نماییم.

نمره - ۱۳۱

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادردار گری (واصله در ۲۴ مارس)
۱۹۰۹ از طهران، ۲۴ مارس

[۴ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲ ع ۱ - ۱۳۲۷]

بعضی الواطان دیشب چهار نفر از متحصّتین را در حضرت عبدالعظیم مقتول
نمودند.

من و مسیو سبلین [= سابلین] مراسلة مشترکی نوشته و اصرار نموده‌ایم که
مرتكبین باید به مجازات برسند و اخطار نموده‌ایم که هرگاه اغتشاش عمومی که بخوبی
پیروی این نوع جنایات را درین خواهد داشت باعث صدمه و خطر اتباع انگلیس و

روس بشود چه مسئولیتی بر عهده دولت ایران وارد خواهد آمد.

نمره - ۱۳۲

تلگراف سرچارج بازکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۵ مارس) از طهران، ۲۵ مارس ۱۹۰۹

[۵ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۳۲۷ ع ۳ - ۱]

بموجب تلگرافی که از جنرال قنسول انگلیس مقیم تبریز رسیده در میان طبقات فقیرتر در شهر عسرت و تضیيق خیلی زیادی شیوع دارد. مستر راتیسلا یقین ندارد که این مقاومت و ایستادگی زیاد طولانی پشود.

نمره - ۱۳۳

تلگراف سرچارج بازکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۵ مارس) از طهران، ۲۵ مارس ۱۹۰۹

[۵ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۳۲۷ ع ۳ - ۱]

جنرال قنسول انگلیس از تبریز راپورت می‌دهد که اعتقادات براین است که رحیم‌خان دو پست اخیری را که از اروپا می‌آمده توقيف و ضایع نموده. او به مستخدمین پستخانه گفته است هر شخصی که بعد از این پست را بیاورد او را با گلوله خواهد زد. یک همچه رویه‌ای باعث تولید خسارت بسیار به منافع تجاری انگلیس خواهد شد. یک مقدار کثیری واردات خارجه را رحیم‌خان بغارت برده.

نمره - ۱۳۴

تلگراف سرچارج بازکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۶ مارس) از طهران، ۲۶ مارس ۱۹۰۹

[۶ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۳۲۷ ع ۴ - ۱]

رجوع به تلگراف ۲۶ شهر جاری من دربار اوضاع طهران.

شارژ دافر عثمانی به ملاقات من و همکار روسیم آمده برای اینکه به ما اظهار بدارد که او در حدد مراجعته به باغالی برای تقاضای مستحفظ است چون براین اعتقاد دلیل دارد که یک حمله مشابه قتل جدید در حضرت عبدالعظیم به متھمنین خودش را باید منتظر پاشد. صدرالدین بیگ اصرار دارد که ما تقاضای انتقال نایب‌الحکومه طهران را بنماییم. قتل جدید را می‌توان تقریباً بطور یقین مستقیماً نسبت به او داد. صدرالدین بیگ اظهار می‌دارد که اگر ما این تقاضا را بموقع اجراء بگذاریم اسباب اطمینان من می‌شود و دیگر مستحفظ لازم نخواهم داشت.

من و مسیو سبلین [= سابلین] در این موضوع با دولت ایران مذاکره نموده و اصرار کرده‌ایم که اقدامی را که ما تقاضا داریم متضمن خیز شاه و مصالح دولت او است چون برای هر نوع صدمه و خسارّتی که از اثر اغتشاش به اتباع ما وارد بیاید دولت مشارالیها را مسؤول خواهیم دانست و اگر نایب‌الحكومة مزبور منفصل نشود ما وقوع خسارت و صدمه را پیش‌بیتی می‌نماییم.

نمره - ۱۳۵

تلگراف سر ادوارد گری به سرجارج بارکلی

از وزارت خارجه، ۲۶ مارس ۱۹۰۹

[۱۳۲۷ - ۱ ع ۴ : ۱۲۸۸ فروردین]

رجوع به تلگراف دیروز شما

اگر شما مقتضی می‌دانید به معاوضت همکار روسی خودتان ممکن است به دولت ایران اظهار بدارید که غرامت پستهای انگلیسی که ضایع شده است از آنها مطالبه خواهد شد و دولت انگلیس در صورت حدوث هر خسارتی که بواسطه اعمال مأمورین شاه به تجارت انگلیس وارد بیاید دولت ایران را مسؤول می‌داند.

نمره - ۱۳۶

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۲۷ مارس)

از سن پطرزبورغ، ۲۷ مارس ۱۹۰۹

[۱۳۲۷ - ۱ ع ۵ : ۱۲۸۸ فروردین]

رجوع به تلگراف ۱۷ مارس شما

من یادداشتی به وزیر نوشته و از او تقاضا نمودم که بهدادن تعليمات به نمایندگان دولتين موافقتنماید که کاملاً به شاه مفهوم بدارند که اگر دولت روس مداخله‌ای بنماید از آن هیچ انتقامی برای آن اعلیحضرت حاصل نخواهد شد و اگر اعلیحضرت معظم به تعقیب مسلک کنونی خود که متضمن مخاطرات مهمه برای حیثیت شخصی او است مداومت بنماید آن مداخله ممکن است منجر به انسال او از مقام سلطنت پگردد. من نیز اشعار داشتم که خوب است به شارژ دافر روس تعليمات داده بشود که برای تمام خساراتی که بواسطه رحیم‌خان و متابعین او به منافع روس و انگلیس در شمال ایران وارد بشود دولت ایران را مسؤول قرار بدهد.

نمره - ۱۳۷

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادردارد گری (واصله در ۲۸ مارس)
از طهران، ۲۸ مارس ۱۹۰۹

[۱۳۲۷] فروردین ۱۲۸۸: ۶ ع ۱ -

تلگراف ذیل از ژنرال قنسول انگلیس مقیم تبریز به من رسیده.

«یکی از ملیون نامی به من اطلاع می‌دهد که آذوقه در تبریز منتها تا سه هفته دیگر
بکلی تمام خواهد شد.»

نمره - ۱۳۸

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادردارد گری (واصله در ۳۰ مارس)
از طهران، ۳۰ مارس ۱۹۰۹

[۱۳۲۷] فروردین ۱۲۸۸: ۸ ع ۱ -

بوشهر. تلگراف ذیل مورخه دیروز از ژنرال قنسول انگلیس مقیم بوشهر به من
رسیده.

«اولین جواب مقطوع از سید مرتضی دیشب آخر شب به من رسیده که بطریق
مراسله رسمی نزد یک نفری که واسطه است فرستاده شده و او برای من ارسال داشته بود.
سید ابتدا به این بیان نموده که حفظ منافع مسلمه دولت و ملت انگلیس یکی از
فرایض اولیه ملیون است. پس از آن او اشعار داشته است که برای احتمیان و استر-
ضای قنسولگری در مستله عایدات گمرکی من پیشنهادی می‌نمایم که قرارداد صحیحی
باشد و آن این است که دسته ملیون برای مخارج یومی نگهداری تفنگچیان روزی
پانصد تومان مأمور بدارند و بقیه نزد یک نفر تاجر ایرانی معتبری که طرفین
انتخاب بتوانند سپرده بشود و تا سه ماه به رسم امانت نزد او بماند. در عرض آن
مدت دسته ملیون جواب اخیر خود را به تعویق انداخته و ضمناً از مراکز هیجان ملیون
دیگر کسب تکلیف خواهند نمود یا دولت انگلیس برای اثبات دعوی خود استاد ابراز
خواهند داشت.

شرح ذیل در باب وضع حاضره است: - سید مرتضی یک ملای متعصب نیمه تربیت
شده است. تسلط او به اوضاع فقط بواسطه این است که او می‌تواند در هر آن از
داخله^{۱۹} که خودش هم اهل آنجاست یک جمعی تفنگچیان تندگستانی را به بوشهر احضار
نماید چنانچه در این موقع هم نموده. تعداد واقعی در اینجا تقریباً هزار نفرند ولی
باز هم یومیه می‌آیند. ایرانیان، چه ملتیان و چه سایرین، اعتقادی به صداقت و
ضمیمیت سید ندارند و می‌توان معتقد بود که مادامی که او به سلطه و قدرت خود در
او ضایع باقی است تجار حتی الامکان کم مال التجاره وارد و کمتر از گمرک استخراج
خواهند نمود بنابراین عایدات گمرک خیلی قلیل خواهد بود. دستبردهای مختصر

تفنگچیان تنگستانی اهالی بوشهر را دچار یک خوف دائمی نموده و آنها اغلب اظهار عقیده می‌نمایند که هیچ چیز دیگری بجز یک نوع مداخله‌ای از طرف دولت انگلیس نمی‌تواند آسایش و نظم را اعاده بدهد. نظر به اشتیاق دولت انگلیس در حقیقت امکان احتراز نمودن از چنین عملی من در صددم که پس از وصول تعليمات ثانوی از طرف جنابعالی به سید مزبور که وضع و روش شخصی او تسبت به قنسولگری انگلیس در ظاهر خالصانه است جواب بدhem که از اظهارات دولت شما خیلی مشعوفم ولی نمی‌توانم تصور بکنم که بمحض پیشنهاد شما بهیچ وجه منافع انگلیس محفوظ و مرعی بگردد و من پیشنهاد شما را مبنای مذاکرات دولت شما ولی مجدانه من بعد مایین خودمان قرار خواهم داد.

تا زمانی که تعليمات ثانوی از طرف جنابعالی بررسی من سعی خواهم نمود که سید را متلاعده بنمایم که مبلغ مأموریت یومیه خود را تقلیل بنماید و جلب رضایت او را به یک نوع قرارداد مناسب موقعیت بنمایم که به آن وسیله بقیه عایدات به رسم امامت سپرده شود و نیز عده تفنگچیان را هم تکسیب^{۲۰} نموده و چند نفر اشخاص معتمد هم برای معااضدت خودش تهیه نماید که به رتق و فتق امورات جاریه محلی پیردازند.»

نمره - ۱۳۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۳۰ مارس)

از طهران، ۳۰ مارس ۱۹۰۹

[۱۳۲۷ - ۱ ع ۸ : ۱۲۸۸ فروردین ۱۰]

بوشهر. تلگراف مورخه دیروز را جنرال قنسول انگلیس مقیم بوشهر به من مخابره نموده:

«رجوع به تلگراف اخیر ما قبل خودم کشته اعلیحضرتی موسوم به «ردبرست» وارد اینجا شده. تا حدی که اتباع انگلیس منظورند همچه لزوم مخصوص نیست که فعلاً من را مجبور به تقاضای استعداد بیشتری بنمایم اگر چه تعداد افراد نظامی جهاز «ردبرست» بی‌نهایت قلیل است و من گمان می‌کنم یک فروند جهاز جنگی دیگر که محتوى دویست الى سیصد نفر سرباز اروپایی باشد باید اعزام بشود.»

نمره - ۱۴۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۳۰ مارس)

از طهران، ۳۰ مارس ۱۹۰۹

[۱۳۲۷ - ۱ ع ۸ : ۱۲۸۸ فروردین ۱۰]

(۲۰) تکسیب: کم کردن (در این چمله). - م.

تلگراف ذیل را به جنرال قنسول انگلیس مقیم بوشهر مخابره نموده ام:
 «باید به سید مؤکدا خاطر نشان بنمایید که دولت انگلیس به تأدیه مرتب اقساط ماهانه به بانک شاهنشاهی از بابت فرع قرضه مدیونی به انگلیس که عایدات گمرکات بوشهر وثیقه آن است خیلی زیاد اهمیت قرار می دهد. باضافه باید به او اخطار بنمایید که ممکن است من ناچار بشوم که به دولت انگلیس توصیه بنمایم که اقدامات برای حصول پرداخت این اقساط بنمایند.»

باعث تعجب است که سید برای اثبات حق ما به قول شما اقتناع نشده.
 جواب شما به سید را تصویب می نمایم، بهمچنین روشی را که در عبارت اخیر
 تلگراف ۲۹ مارس خودتان پیشنهاد نموده اید.»

نمره - ۱۴۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۳۰ مارس)
 از طهران، ۳۰ مارس ۱۹۰۹

[۱۰ فروردین ۱۲۸۸: ۸ ع ۱ - ۱۳۲۷]

در کرمانشاه شورش و طغیانی یروز نموده که مبنای عمدۀ آن بر عليه [= علیه]
 یهودیان بوده. چندین نفر از یهودیان مقتول شده اند. خانه یکی از اتباع انگلیس را
 قشون غارت نموده اند.

من از مأمورین محلی شکایت سختی به دولت ایران نموده و مطالبه غرامت خسارت
 واردۀ به اموال انگلیس را کرده ام.

ظاهرًا کاپیتان هاوارت برای اسکات و آرامی اوضاع حتی القوه چد و چهد نموده.

نمره - ۱۴۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۳۰ مارس)
 از طهران، ۳۰ مارس ۱۹۰۹

[۱۰ فروردین ۱۲۸۸: ۸ ع ۱ - ۱۳۲۷]

جنرال قنسول انگلیس تلگرافا [= تلگرافی] خبر می دهد که اوضاع در تبریز روبه
 بدی می رود. چندین نفر از جوع تلف شده اند. دسته نظامی تصمیم عزم نموده اند که
 جنگ را ممتد بدارند در صورتی که یک قسمت از ملیون برای مذاکره صلح حاضرند.
 ستارخان می گوید همین که کلیه ذخایر اغذیه مستحبک شد اهالی باید از شهر خارج
 شوند. مشارالیه اطمیه می دارد که یک ذخیره احتیاطی برای اشخاص جنگی نگاهداشته
 شده است.

آتیه اتباع خارجه در یک همچه صورتی ظاهرًا باعث نگرانی مستر راتیسلا شده.

نمره - ۱۴۳

تلگراف سر ادواردگری به سر جارج بارکلی

از وزارت خارجه، ۳۱ مارس ۱۹۰۹

[۱۳۲۷] ۱۱ فروردین ۱۲۸۸ ع ۹ : ۱

نظر به اهمیت ترتیب اوضاع تبریز که در طی تلگراف ۳۰ شهر جاری شما را پورت داده شده باید به شاه اخطار پشود که برای هر صدمه و تعرضی که به قنسولگری انگلیس و جان و مال اتباع انگلیس وارد باید دولت انگلیس آن اعلیحضرت را مسئول خواهد دانست.

از دولت روس هم تقاضا شده است که به نماینده طهران خودشان همین قسم تعليمات بد هند.

نمره - ۱۴۴

تلگراف سر ادواردگری به سر نیکلسن

از وزارت خارجه، ۳۱ مارس ۱۹۰۹

[۱۳۲۷] ۱۱ فروردین ۱۲۸۸ ع ۹ : ۱

لطف نموده از دولت روس تقاضا بنمایید که در تلگراف مورخه امروز من به سر جارج بارکلی مصرح است یک اخطاری به شاه بنمایند.

نمره - ۱۴۵

تلگراف سر ادواردگری به سر جارج بارکلی

از وزارت خارجه، ۲ آوریل ۱۹۰۹

[۱۳۲۷] ۱۳ فروردین ۱۲۸۸ ع ۱۱ : ۱

رجوع به تلگراف ۳۰ مارس شما یک فروند جهاز سیار جنگی اعلیحضرتی از درجه دوم موسوم به «فاکس» تا حال از هنجام ۲۱ بعنوان بوشهر حرکت کرده است.

نمره - ۱۴۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۳ آوریل)

از طهران، ۳ آوریل ۱۹۰۹

[۱۳۲۷] ۱۴ فروردین ۱۲۸۸ ع ۱۲ : ۱

(۲۱) به همین گونه در اصل دیده شد. شاید منظور جزیره ایرانی «هنگام» باشد. - م.

تلگراف ذیل از جنرال قنسول انگلیس مقیم تبریز به من رسیده:
«مليون ارومیه که اکنون به جنبش آمده‌اند حاکم ارومیه را به سلاماس نقل نموده‌اند.»

نمره - ۱۴۷

مکتوب سرنیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۵ آوریل)
از سن پطرزبورغ، اول آوریل ۱۹۰۹
[۱۲ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۰ ع ۱۴ - ۱۳۲۷]

آقا

با کمال افتخار سواد مراسله واصله از مسیو ایسولسکی را که حاکی از اطلاع متزايد
نمودن مستحفظین قنسولگری روس در استرآباد است لفأ ارسال می‌دارم.
امضا نیکلسن

ملفوقه در نمره ۱۴۷

ترجمه مراسله مسیو ایسولسکی به سر نیکلسن
به تاریخ ۳۱ مارس ۱۹۰۹
[۱۲ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۹ ع ۱۴ - ۱۳۲۷]

سفیر کبیر عزیزم

محترماً خواطئ [= خاطر] شما را مستحضر می‌دارم که انقلاب سهم در استرآباد
بروز نموده و ما مصلحت دیده‌ایم که ۲۵ نفر به عده مستحفظین قنسولگری خودمان
در آن شهر بیفزاییم.

امضا ایسولسکی

نمره - ۱۴۸

تلگراف سرنیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۶ آوریل)
از سن پطرزبورغ، ۶ آوریل ۱۹۰۹
[۱۲ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۵ ع ۱۷ - ۱۳۲۷]

دولت روس عده مستحفظین قنسولگری مشهد خود را اضافه نموده.
مسیو ایسولسکی امروز به من اطلاع داد که عیناً در تحت همان شرایطی که
مستحفظین قنسولگری رشت اضافه شده بود عده مستحفظین قنسولگری مشهد هم
اضافه شده.

نمره - ۱۴۹

تلگراف سرجارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۶ آوریل)
از طهران، ۶ آوریل ۱۹۰۹

[۱۷ فروردین ۱۲۸۸ : ۱۵ ع ۱ - ۱۳۲۷]

جنرال قنسول انگلیس مقیم تبریز را پورت می‌دهد که اولین دفعه‌ای که شاه پرستان به داخل شهر بمبارده کردند دیروز در ضمن مقابله توپخانه طرفین بود، یک اندازه خرابی و خسارات به عمارت وارد شده و بسیاری از اشخاص خارج از جنگ مقتول و مجروح گردیدند.

نمره - ۱۵۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۶ آوریل)
از طهران، ۶ آوریل ۱۹۰۹

[۱۷ فروردین ۱۲۸۸ : ۱۵ ع ۱ - ۱۳۲۷]

اوپساع آذر با یاجان

تلگراف ذیل از جنرال قنسول انگلیس مقیم تبریز رسیده.
«دسته‌ای که در اینجا خواهان اصلاح هستند سعی دارند که مستقیماً با شاه داخل در مذاکرات صلح بشوند.»

در چندی قبل شهرت داشت که یک استعداد مکملی برای کمک و استخلاص از سلاماس خواهد رسید. ظاهراً این خبر به تحقیق پیوسته و از قرار معلوم استعداد مزبور به دز- خلیل رسیده.

نمره - ۱۵۱

تلگراف سرنیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۷ آوریل)
از سن‌پطرز بورگ، ۷ آوریل ۱۹۰۹

[۱۸ فروردین ۱۲۸۸ : ۱۶ ع ۱ - ۱۳۲۷]

یادداشتی از طرف دولت روس به من رسیده مبتنی بر اینکه نظر به افزایش مخاطرات در شمال ایران و قصور اقداماتی که تا حال برای جلوگیری از عبور اسلحه و آثارشیست- های قفقازی به ایران شده دولت روس رأی قطعی خود را بر این قرار داده که یک فرونده جهاز جنگی به‌انزلی پفرستد که در آنجا مقیم باشد و کشتی جنگی دیگری برای انجام وظایف پلیسیه در خارج اanzلی اعزام بدارد.

همین قسم اقدامات هم در خلیج استرآباد خواهد شد.

نمره - ۱۵۲

تلگراف سر ادواردگری به سر نیکلسن

از وزارت خارجه، ۷ آوریل ۱۹۰۹

[۱۳۲۷ فروردین ۱۲۸۸: ۱۶ ع ۱ -]

راجع به تلگراف ششم شهر جاری شما

باید از دولت روس تقاضا بنمایید که به مستحفظین روسی در مشهد تعليمات بدهند که در صورت لزوم محافظت جانی از اتباع انگلیس مقیم آنجا بنمایند.

نمره - ۱۵۳

تلگراف سر نیکلسن به سر ادواردگری (واصله در ۸ آوریل)

از سن پطرز بورگ، ۸ آوریل ۱۹۰۹

[۱۳۲۷ فروردین ۱۲۸۸: ۱۷ ع ۱ -]

راجع به تلگراف هفتم شهر جاری جنابعالی

مسیو ایسولسکی به من اطلاع می‌دهد تعليمات داده خواهد شد که مستحفظین روسی در مشهد جان و مال اتباع انگلیس را حفظ بنمایند.

نمره - ۱۵۴

تلگراف سر نیکلسن به سر ادواردگری (واصله در ۸ آوریل)

از سن پطرز بورگ، ۸ آوریل ۱۹۰۹

[۱۳۲۷ فروردین ۱۲۸۸: ۱۷ ع ۱ -]

در ضمن ملاقات امروز من با مسیو ایسولسکی، جناب معزی‌الیه به من اطلاع داد که از طرف سفارت روس در طهران یک نفر ترجمان و پنج نفر قزاق به قزوین اعزام شده که اجزای اداره راه را در آنجا محافظت بنمایند.

نمره - ۱۵۵

تلگراف سرجارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۸ آوریل)

از طهران، ۸ آوریل ۱۹۰۹

[۱۳۲۷ فروردین ۱۲۸۸: ۱۷ ع ۱ -]

اصفهان

بموجب راپورتی که از جنرال قنسول انگلیس مقیم اصفهان رسیده انتظار هست که تا یک هفتة دیگر سردار اسعد با یک عده سواری که از قرار مذکور دو هزار نفرند وارد اصفهان بشوند.

دو نفر از خوانینی که از طهران رفته بودند در پنجم شهر چاری از کاشان یعنی اصفهان حرکت کردند. چندین نفر خوانین از اصفهان حرکت خواهند نمود که در مورچه‌خورد آنها را ملاقات بنمایند. بختیاریها در اصفهان اعلان داشته‌اند که در غرّه ماه تو (۲۰ شهر چاری) قصد عزیمت بطرف طهران را دارند.

نمره - ۱۵۶

تلگراف سرادرداردگری به سرجارج بارکلی

از وزارت خارجه، ۸ آوریل ۱۹۰۹

[۱۳۲۷ فروردین ۱۲۸۸ : ۱۷ ع]

به موجب اطلاعی که بادولت روس رسیده اهالی تبریز حاضر خواهند بود که در صورت حصول شرایط مناسب و معقولی از شاه تسلیم بشوند. علی‌هذا دولت مشارالیها پیشنهاد نموده‌اند که نماینده‌های دولتين انگلیس و روس مقیمین طهران به جنرال قنسول‌های تبریز خودشان تعليمات بدهند که نظریات خود را راپورت بدene که چه طریقی را برای قرارداد بین‌شاه‌پرستان و ملیون میسر و معجزی‌تر تصور می‌کنند برای اینکه از خونریزی که ممکن است در آن شهر واقع بگردد جلوگیری بشود.

نمره - ۱۵۷

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادرداردگری (واصله در ۹ آوریل)

از طهران، ۹ آوریل ۱۹۰۹

[۱۳۲۷ فروردین ۱۲۸۸ : ۱۸ ع]

در طی یک تلگرافی مورخه امروز، جنرال قنسولگری انگلیس مقیم بوشهر راپورت می‌دهد یکی از دسته‌های متعددی که سید مرتضی داخل شهر نموده دیروز از اختیار او بیرون رفته و در عرض روز به یک قسمت از بازار هجوم برداشت. در عرض شب سرقت‌های پسیار واقع شده که بعضی متضمن مقدار معنابهی مال التجاره انگلیس بوده. ماژرکاکس نیز اشعار می‌دارد که از اثر این حادثه امروز بازارها بسته شده.

نمره - ۱۵۸

تلگراف سر جاریج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۹ آوریل)

از طهران، ۹ آوریل ۱۹۰۹

[۱۳۲۷ - ۱۸: ۱۲۸۸ فروردین]

تلگراف ذیل مورخه هشتم آوریل از جنرال قنسول مقیم بوشهر رسیده:

«وضع بیش از آنچه در تلگراف اخیر ماقبل خودم راپورت داده‌ام جالب اهمیت شده».

همکاران روسی و عثمانی و آلمانی من امروز در باب لزوم مداخله دولت انگلیس برای اعاده نظم به من اظهارات فوری نمودند.

سید مرتضی مسؤولیت نگهداری نظم را بکلی از عهده خود منترع می‌نماید. دستجات نامنظم تفنگچیان چریکی که او مجتمع نموده ظاهراً حالاً بکلی عنان اختیارشان از کف ساقط شده.

از طرف دیگر دسته مشروطه خواهان صادق‌العقیده امروز بهمن اطلاع داده‌اند که ما قطع اتصال با سید مزبور نموده‌ایم و دیگر نمی‌توانیم مسؤولیت داشته باشیم. در عرض هفتة ماضی آنها جد و جمید نمودند که یا او را طرد نمایند یا به صراط مستقیمی داخل نمایند ولی موفق نشدند.

امروز عصر من به سید مرتضی اطلاع دادم که با وصف اصرار او در نگهداری این تفنگچیان و تحمل طغیان نامشروع دیشب آنها من دیگر نمی‌توانم اظهارات صمیمیت و خلوص او را اعتقاد بنمایم. بعلاوه من او را مستحضر نمودم که اگر فوراً تفنگچیان را اخراج نکند یا عده آنها را خیلی کسر ننمایند من به دولت متبوءه خودم راپورت خواهم داد که ما دیگر نمی‌توانیم به مقاصد حسنة شخصی که خود را پیشوای ملیون می‌نماییم و برای حفظ منافع انگلیس باید اقدامات بشود. امروز غروب مشارالیه جواب داده است که اگر چه من هنوز کلیتاً مسؤولیت را از عهده خود ساقط می‌دانم با وجود این نهایت سعی را در استقرار نظام دارم و فعلاً در صدد پرداخت حقوق تفنگچیان خودم هستم و کمال جد و جمید را در طرد نمودن آنها خواهم داشت.

امشب شلیک منقلبه دیشبی تجدید شده و به نظر من همچه می‌آید که اگر عناصر شورشیه تا فردا طرد یا تکسییر نشوند نهایت لزوم را دارد که خودمان برای اعاده نظام اقدامات بنماییم.

چنانچه من مجاز بودم که به سید و رؤسای تفنگچیان اخطار بنمایم که اگر آنها به طیب خاطر عزیمت ننمایند کشتی جنگی اعلیحضرتی موسوم به «فاکس» قشون و توپ پیاده خواهد کرد که آنها را طرد بنماید گمان می‌کنم تهدید کافی می‌بود در صورتی که دولت اعلیحضرتی انگلیس برای بموقع اجراء گذاردن این امر حاضر باشند.

من مبادرت به این اظهار می‌نمایم که این فقط یک مسئله مرتفع داشتن غارتگری است و مربوط به مداخله و ممانعتی در جنبش ملی نیست.»

نمره - ۱۵۹

تلگراف سرجارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۹ آوریل)

از طهران، ۹ آوریل ۱۹۰۹

[۲۰ فروردین ۱۲۸۸ : ۱۸ ع ۱۴ - ۱۳۲۷]

بوشهر، امروز من تلگراف ذیل را به جنرال قنسول انگلیس مقیم بوشهر مخابره تموده ام:

«شما مجازید تهدیدی را که در تلگراف مورخه دیروز خودتان پیشنهاد نموده بودید بکار ببرید، اگر از این تهدید بیهودی حقیقی در اوضاع حاصل نشد شما ممکن است این امر را به موقع اجراء پگذارید.

در صورتیکه پیاده نمودن قشون لازم بشود قبل از پیاده نمودن باید اعلانی منتشر ننمایید مبنی بر اینکه این اقدام فقط برای حفظ اتباع انگلیس و سایر خارجه ها [= خارجی ها] است.

از این ترتیب به مسیو سبلین [سابلین] هم اطلاع داده شده.

نمره - ۱۶۰

تلگراف سرجارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۰ آوریل)

از طهران، ۱۰ آوریل ۱۹۰۹

[۲۱ فروردین ۱۲۸۸ : ۱۹ ع ۱۴ - ۱۳۲۷]

از قرار مفهوم عده قشون شاه پرستان که اکنون در تحت فرماندهی نایب‌الحکومه شاهزاده فرمانفرما در کاشان هستند قریب ۱۶۰۰ نفرند. این احتمال مساوی است که آیا آنها با صمصم‌السلطنه جنگ خواهند کرد یا طرفدار او خواهند شد.

نمره - ۱۶۱

تلگراف سرجارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۰ آوریل)

از طهران، ۱۰ آوریل ۱۹۰۹

[۲۱ فروردین ۱۲۸۸ : ۱۹ ع ۱۴ - ۱۳۲۷]

من نظریات مستر راتیسلا جنرال قنسول را در باب ارائه طریق دولت روس‌مندرجه در تلگراف هشتم شهر جاری شما به من، خواستار شده‌ام.

در نتیجه مذاکرات مقدماتی که ملیون مستقیماً با شاه نموده‌اند دسته مؤید صلح در تبریز امروز تماینده می‌فرستند که در پاسمنج افتتاح باب مذاکرات صلح را بنمایند.

نمره - ۱۶۲

تلگراف سرادرگری به سرچارج بارکلی

از وزارت خارجه، ۱۰ آوریل ۱۹۰۹

[۲۱ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۹ ع ۱۷ - ۱۳۲۷]

راجع به تلگراف نهم شهر جاری شما، تعلیمات شما به نماینده دولت انگلیس در بوشهر را تصویب می‌نمایم.

نمره - ۱۶۳

تلگراف سرچارج بارکلی به سرادرگری (واصله در ۱۱ آوریل)

از طهران، ۱۱ آوریل ۱۹۰۹

[۲۲ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۰ ع ۱ - ۱۳۲۷]

مذاکرات صلح بین تبریز و شاه راجع به تلگراف دیروز من

تلگراف ذیل مورخه دهم آوریل از جنرال قنسول انگلیس مقیم تبریز به من رسیده: «اگر چه اجمع اهالی هر قرارداد رضایت‌بخشی را که متناسب تأمین جانی و مالی باشد قبول خواهند نمود ولی دسته ملیون محتمل است هنوز برای گرفتن یک مشروطه‌ای استقامت بنماید.

من تصور می‌کنم قبل از داوطلب شدن برای وساطت، ما تأمل پکنیم تا یک تقاضائی از طرف ملیون بشود یا لااقل منتظر موقع مقتضی بشویم. ضمناً من و همکار روسمیم ممکن است در ارائه طریقی که باید بشود موافقت نموده و بطور غیررسمی از ملیون استعلام بنماییم که چه شرایطی را حاضر خواهند بود، که قبول بنمایند.»

نمره - ۱۶۴

تلگراف سرچارج بارکلی به سرادرگری (واصله در ۱۱ آوریل)

از طهران، ۱۱ آوریل ۱۹۰۹

[۲۲ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۰ ع ۱ - ۱۳۲۷]

پیاده نمودن قشون بحری در بوشهر

تلگراف ذیل مورخه دهم شهر جاری از طرف جنرال قنسول انگلیس مقیم بوشهر به من مخابره شده:

«چون جواب مهمی در مقابل التیماتی که به ترتیب مصوبه جنابعالی دیروز در ساعت پنج بعداز ظهر تمودم نرسید من بر طبق تعلیمات جنابعالی اعلانی اشاعه داده و صد نفر از قشون را از کشتی پیاده نمودم. تفنگچیان هنوز در جزیره بودند و بیشتر از هر وقت خودسر و خارج از اطاعت. برای تمام اروپاییانی که محتاج حفاظت بودند

مستحفظ گماشته شد.

در پیاده شدن قشون هیچ مخالفتی ظاهر نگردید و بدون هیچ نوع تصادفی پیاده شدند. پنجاه نفر از آنها در گمرک گماشته شد و پنجاه نفر در قنسولخانه انگلیس در «شهر».

نمره - ۱۶۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۲ آوریل)
از طهران، ۱۲ آوریل ۱۹۰۹
[۲۳ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۱ ع ۱ - ۱۳۲۷]

تلگراف ذیل را جنرال قنسول انگلیس مقیم تبریز مخابره نموده:
«انجمان اطمینان امیدواری کامل در امکان نجات شهر به دست قشون امدادی از سلاماس که علی قول ۳۰۰۰ نفرند می نماید (محتمل است این تعداد اغراق باشد). بموجب مکتوبی که از این استعداد رسیده آنها در صده حمله بردن هستند.»

نمره - ۱۶۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۲ آوریل)
از طهران، ۱۲ آوریل ۱۹۰۹
[۲۳ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۱ ع ۱ - ۱۳۲۷]

تلگراف ذیل را جنرال قنسول انگلیس مقیم تبریز به من مخابره نموده:
«دیر ورز در جنرال قنسولگری انگلیس اجلاسی منعقد گردید که قنسولهای فرانسه و عثمانی و روس و آمریک در آن حضور داشتند. آراء براین قرار گرفت که نظر به ترتیبات حاضر از سفارتهای متبعه خودمان خواهش بنماییم که ۱۷۱ خروار آرد برای ماقصرستند هفت خروار برای مصرف اتباع انگلیس در شهر و بقیه برای اتباع خارجه و خانواده شان.

«اگر چه انجمان ایالتی هنوز اقدام قطعی در این مسئله ننموده ولی از قراری که بن من معلوم شده تا حال صلاحیت این مطلب موضوع مذاکره بوده که به قنسولها اختصار بنمایند که من بعد شهر نمی تواند آذوقه به اتباع خارجه برساند. گرچه اتباع انگلیس مثل سایرین اینقدرها در فشار و مضیقه تیستند ولی مسئله تحصیل آذوقه برای متابعین قنسولگری ممکن است هر آن بروز بنماید و ما در تهیه اغذیه برای مستخدمین خودمان با مشکلات معنابهی مصادف هستیم.»

نماینده های دول پنجگانه در مفاد فوق مراسلات بدولت ایران تقدیم داشته اند.
پس از مشاوره با جنرال قنسول انگلیس، من از دولت مشارالیها تقاضا نموده ام که دستور العمل کلی به عین الدوّله داده بشود که در صورت تقاضای مستر راتیسلا

وسایل رفتار اطمینان بخشی را برای تمام اتباع انگلیس فراهم بنماید.
به شماره دافر عثمانی که ۵۰۰ نفر اتباع در تبریز دارد خبر رسیده است که شاه
از اجازه دخول آرد به شهر امتناع خواهد نمود.

نمره - ۱۶۷

مراسله سرجارج بارکلی به سرادر وارد گری (واسله در ۱۳ آوریل)
از طهران، ۲۰ مارس ۱۹۰۹
[۱۳۲۷: ۲۷ آسفند ۱۲۸۷] صفحه ۳۰

آقا

با کمال افتخار سواد مراسله‌ای را که در ماه فوریه، وقتی که در اینجا اشتهر داشت که
عین‌الدوله یورش عمومی به شهر تبریز را در نظر دارد، به دولت ایران نوشته‌ام لفاظ
تقدیم می‌دارم. و نیز سواد مراسله‌ای را که بروطبق تعليمات مندرجہ در تلگراف پنجم
شهر جاری جنابعالی در باب جنرال قنسولگری دولت انگلیس و جان و مال اتباع انگلیس
در آن شهر په‌دولت ایران اخطار نموده‌ام به انضمام جوابی که در این موضوع از وزیر
امور خارجه رسیده لفاظ ارسال می‌دارم.

امضا جارج بارکلی

ملفوقة اول در نمره ۱۶۷

مراسله سرجارج بارکلی به سعدالدوله
طهران، ۲۱ فوریه ۱۹۰۹
[۱۳۲۷: ۲۹ آسفند ۱۲۸۷] صفحه ۳

جناب مستطاب... وزیر

در بعضی مراکز طهران مشهور است که عین‌الدوله در صدد یورش بردن به تبریز
است. من نمی‌دانم چه اعتباری به این اشتهرات می‌توان انتساب داد ولی وظیفة خود
می‌دانم که از جنابعالی خواهش بنمایم که مقرر دارید احکام مؤکده به تمام فرماندهان
قشون شاه صادر بشود که در صورت هر نوع یورشی به شهر جنرال قنسولگری دولت
انگلیس باید در نهایت مواطلت منقول و متوجه بگردد و خاطر محترم را متذکر می‌دارم
که برای هر صدمه و خسارتخی که به اتباع و منافع انگلیس وارد بیاید دولت ایران
مسئل خواهد بود.

امضا جارج بارکلی

ملفوقة دوم در نمره ۱۶۷

مراسله سر جارج بارکلی به سعدالدوله
طهران، ۹ مارس ۱۹۰۹
[۱۳۲۷: ۱۶ اسفند ۱۲۸۷ صفر]

جناب مستطاب... وزیر

من از طرف دولت اعليحضرتى انگليس مأمورم که اخطار بنمایم که برای هر صدمه و خسارتم که بواسطه اعمال قشون شاه به جنرال قنسولگری انگليس در تبریز وارد بباید دولت ایران مسئول خواهد بود.
چنانچه خاطر محترم جنابعالی مسبوق است، قبل از این هم مفتخرأ برای لزوم مراقبت کامل در حفظ مراتب جنرال قنسولگری دولت انگليس به دولت ایران اخطار نموده ام ولی چون تاحال جوابی در مقابل این مراسله نرسیده است من مجدداً مبادرت به مراجعته به این مطلب نموده ام.

امضا جارج بارکلی

ملفوقة سوم در نمره ۱۶۷

مراسله سعدالدوله به سر جارج بارکلی (واصله در ۱۹ مارس ۱۹۰۹)
[۱۳۲۷: ۲۶ اسفند ۱۲۸۷ صفر]

در جواب مراسله مورخه تهم شهر جاری جنابعالی در موضوع تعليماتی که از طرف دولت فخيمه انگليس راجع به تبریز و اعمال قشون ایران به جنابعالی رسیده با کمال احترام خاطر عالي را مستحضر مي دارم که دوستدار مسئله را به عرض اعليحضرت همایونی رسانیدم و احکام لازمه به مأمورین مخابره شد.
علاوه، به دوستدار امر شده که ضمناً خاطر محترم را مطلع بدارم که مادامی که جنرال قنسولگری در تبریز و اتباع انگليس به متصرفیں تقویت ننمایند و به آنها معاضدت نکنند و در جزو متصرفیں که با قشون مدافعه می نمایند داخل نشوند دولت ایران تأمین جانی و مالی اعضای جنرال قنسولگری دولت انگليس را ضمانت می نماید.
امضا سعدالدوله

نمره - ۱۶۸

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۳ آوریل)
از طهران، ۲۲ مارس ۱۹۰۹

[۱۳۲۷: ۲۹ فروردین ۱۲۸۸ صفر]

آقا، مسیو بیزو راپورت خود راجع به مالیه را به انجام رسانیده و ملاحظت نموده اختتام رأی خود را به من اطلاع داده که ممکن است خلاصه آن را از قرار ذیل شرح داد:
از اقوی استدراکی که او توائسته از بودجه حاصل بنماید معلوم شده که امسال ۳۶،۰۰۰ لیره کسر دارد، در اینصورت کسر حقیقی سالیانه باید خیلی بیش از این

مبلغ بشود چونکه مخارج در این بودجه قلمداد نشده.
یک رشته از کسوری که هرساله تولید شده قرض نامحدودی بوجود آورده که متصل در تزايد است.

بعلاوه ۳۲,۵۰۰,۰۰۰ میلیون لیره قرض به دولت روس و ۲۹۰,۰۰۰ لیره قرض به ما در ماه اکتبر گذشته دولت ایران لااقل ۱,۸۵۰,۰۰۰ لیره مقروض بوده و از آن وقت تا به حال مبلغ معتبره باید اضافه شده. این به استثنای دعاوی خارجه است یعنی از بابت مسروقات پستی و طرق (که آنهم باید مبلغ گزافی باشد). یک قسمت این قرض مشتمل به استقراض از دو بانک است که بعضی از آن را اساساً افراد خصوصاً وزرای کابینه و شاهزادگان منسوبین به سلطنت قرض نموده اند ولی دولت حاضره به عهده گرفته است (که بیشتر مجلس در آن خصوص گفتگو خواهد نمود) و یک قسمت دیگر حوالجات لاوصولی است که از بابت مالیات به شعب مختلف حواله شده.
برای استعلام ۲۲ مسیو بیزو اقدامات ذیل را توصیه می‌نماید:

- ۱) بودجه باید بقاعده ترتیب داده بشود؛
- ۲) خزانه‌دار کل اروپایی باید تعیین بشود که بودجه مزبور را بموقع اجراء بگذارد؛

۳) تأسیس دیوان محاسبات.

این بودجه ناگزیر متناسبن یک کسری خواهد بود مگر اینکه:

- (۱) مالیاتی که در شهرها متعجبانه سبک است زیاد بشود؛
- (۲) صورت مستمریات جرح و تعدیل بشود؛

(۳) قریب ۱,۲۰۰,۰۰۰ لیره قرض دولت به دو بانک تبدیل به قرض دیگری بشود، نظر به مصارف لازمه برای اصلاحات حتی به این نهنج هم باز تا چند سال کسر خواهد داشت.

یک استقراضی برای تبدیل قروض بانک و برای تأدية طلب سایر طلبکارها و مصارف اصلاحات لازم خواهد بود. تا یک پرگرامی برای اصلاحات ترتیب داده نشود و طلب سایر طلبکاران خصوصاً دارندگان حوالجات لاوصول حساب نشود مبلغ این استقراض را نمی‌توان تعیین کرد.

صورتی به مسیو بیزو ارائه شده که بموجب آن مبلغ حوالجات تأدية نشده تا قبل از سنه ۱۹۰۸ بالغ به ۵۴۰,۰۰۰ لیره می‌شود. مسلماً از آن زمان تا حال باید این مبلغ زیادتر شده باشد ولی بیشتر در موقع رسیدگی به حساب دارندگان این حوالجات مبلغ معتبره از آن تکسیم خواهد شد.
در خاتمه مسیو بیزو در لزوم سرعت تعیین یک نفر خزانه‌دار کل اروپایی تأکید می‌نماید.

امضا جارج بارکلی

۲۲) به همین گونه است در اصل - ولی گویا منظور استعمال [= با شتاب کاری را خواستن، در انجام کاری شتاب داشتن] - علی العجاله بوده است - م.

نمره - ۱۶۹

مکتوب سرجارج بارکلی به سرادردارگیری (واصله در ۱۳ آوریل)
از طهران، ۲۳ مارس ۱۹۰۹
[۳ فروردین ۱۲۸۸؛ یکم ع ۱ - ۱۳۲۷]

آقا

در تعقیب مشروحة مورخه ۲۳ شهریور ماضی خودم باکمال افتخار حوادث در ماه گذشته رشت را ذیلا راپورت می‌دهم:
چنانچه در تلگراف اول مارس خودم راپورت دادم وزیر امور خارجه در طی یک مراسله‌ای مورخه ۲۸ فوریه [۱۰ اسفند ۱۲۸۷؛ ۷ صفر ۱۳۲۷] شرح تلگرافی را اشعار داشته بود که از طرف مجلس مشاوره وزراء به علماء و اعیان و اهالی گیلان مبني به تقبیح سپهبدار واخطار به آنها که از شورش احترازان بنمایند و تخویف آنها به اهدار ۲۳ جان و مال مقصر و بیگناه متساویاً، در صورت تجهیز قشون دولتی به رشت برای مرتفع داشتن هیجان، مخابره شده بود.

در دوم مارس کفیل ویس قنسولگری رشت تلگراف نمود که فعلاً پروزات جدیدی نیست ولی بیست یا سی نفر قفقازی با هر کشتی وارد می‌شوند و انتظار هست که با جهاز پستی که در همان روز وارد شدنی است پنجاه نفر قزاق روسی به‌اسم مستحفظین قنسولگری بیایند. بهر حال مستحفظین تا بیست مارس پیاده نشدند. در ۲۲ مارس تلگرافی از طرف انجمن ایالتی گیلان به من رسید که سواد آن‌هم برای سایر نماینده‌های خارجه مقیمین طهران فرستاده شده بود. تلگراف مزبور تذکار می‌نمود که ملیون داشماً برای تأمین اتباع خارجه در جد و جهد هستند.

در خاتمه سواد یادداشتی را که مستر چرچیل هنگام عبور خودش از راه رشت در مناجعت از اروپا راجع به اوضاع آنجا و کنترلی که ملیون در قسمت شمالی جاده رشت به طهران برقرار نموده‌اند نگاشته است لفأ ارسال می‌دارم.

امضا جارج بارکلی

ملفوقه در نمره ۱۶۹

یادداشت مستر چرچیل

در چند روز قبل که من از رشت عبور می‌نمودم به‌دیدن سردار همایون و سردار معتمد رفتم و شرح حوادثی را که در هشتم فوریه و بعد از آن در آنجا رخ نموده بود از آنها اکتساب نمودم. بعلاوه بر حسب اظهار اشتیاقی که از طرف سپهبدار در ملاقات من شد معزی‌الیه را هم دیدن کردم ولی در عرض مدت ملاقات من با ایشان یکی از

اعضای کمیته رولوسیونر^{۲۴}ها هم حضور داشت.

هم از مناظره شخصی خودم، هم از اکتساباتی که از منابع مختلفه نمودم کاملاً بر من مکشوف گردید که کلیه طرح نقشه این هیجان رشت در قفقاز ریخته شده و بتوسط یک عده قفقازی داوطلبی که تعداد آنها بالغ بر پنجاه نفر تبوده به موقع اجراء گذارده شده. در عرض شش ماهه‌ای که از آن زمان گذشته بر بعد آنها افزوده شده و ازقراری که بهمن اظهار شده فعلاً علی التخمين عده آنها به ۳۵۰ نفر رسیده. در این ضمن یک عده معتمد از اینانیان تبعید شده هم به رشت آمده‌اند. سه نفر اخوان پرادرزاده‌های سردار منصور که موسوم به معز السلطان و عمید السلطان و کریمان‌خان اند در عرض این مدت معيت‌خیلی نمایانی با قفقازیان نموده‌اند.

بازارها باز بود و تجارت در یک روش معنوی جریان داشت بیدق‌های سرخ تقریباً در بالای هر خانه‌ای متصاعد^{۲۵} بود و منازلی که این علامت حریت را مظهر خود قرار نمی‌داد بیدق روس یا بیدق عثمانی را مرئی می‌داشت که دال بر محروصیت سکنه آنها در تحت حفاظت دول مشارالیها می‌بود. من نیز دو بیدق انگلیس را هم رویت نمودم. در ضمن صحبت سپه‌دار اظهار داشت که من در تقویت مشروطه مقصم شده‌ام و مادامی که قشون به مقابله من اعزام نشود در استقرار نظم در رشت مداومت خواهم نمود. ولیکن اگر قشون برعلیه [= عليه] من تجهیز بشود مسؤولیت نتایج آن را نمی‌توانم به عهده بگیرم اگر چه من اطمینان دارم که باهر عده قشونی که شاه بتواند گسیل بدارد می‌توانم مقابله نمایم. من از این نوع اعمال از قبیل توقیف شعاع السلطنه اظهار کراحت نمودم و سپه‌دار بهمن اطلاع داد که تا حال با این اقدام قفقازیان مخالفت نموده و تهدید نموده‌ام که اگر در تعقیب این روش مداومت پنمایند من از رشت عزیمت خواهم نمود.

کاملاً واضح بود که در باب ورود بظاهر غفلتی سپه‌دار در موقع قتل حکمران با نهایت دقت قبلاً با قفقازیها قرار داده شده بود ولی از طرف دیگر، همانطور مطمئن که نه سردار همایون و نه سردار معتمد با قاتلین هم‌دست بوده‌اند اگر چه گمان می‌کنم که ظن عمومی درباره آنها اینطور است که مشارکت داشته‌اند. این باور نکردنی است که این دونفر اشخاص خائف با داشتن سابقه از ورود قهری یک دسته قفقازی به مدیریه به‌قصد قتل حکمران و یکی دونفر اشخاص دیگر مظنون به ارتتعاجی در آن روز دوشنبه مهیلک (۸ فوریه) برای قمار به آن محل رفته یاشند. چنانچه آنها داخل در این قضیه می‌بودند مسلماً برای حضور نداشتن در محل شلیک که احتمال تصادف بایک گلوله به خطأ یا حتی به اشتباه زده شدن می‌رفت عذری می‌جستند چونکه قفقازیان هیچیک از آن جمع را صورتاً نمی‌شناختند.

معز السلطان آن دسته را راهنمایی به مدیریه کرد و خودش حاکم را که در صدد پنهان شدن بود پیدا کرده و سرداری او را نگاهداشت بود تا قفقازیان او را مقتول

(۲۴) رولوسیونر: انقلابی - م.

(۲۵) به همین گونه است در اصل - م.

نمودند.

نمره - ۱۷۰

۴۶۱

جاده به طهران قریب صد میل الی «یوزباشی چای» را من در تحت سلطه قفقازیان دیدم. من هیچ سنگری در راه ندیدم ولی در نقاط بسیار خندقها درست نموده و برای دفاع از عبور از پل منجیل اقدامات کرده بودند و به همچنین در بسیاری از مقامهای سهل الدفع دیگر در جاده در چهار نقطه دسته‌های مختص مأمورین من رانگاهداشته و در باب شغل و مقصد و جنس بنه من تحقیقات نمودند. اگر چه بلیط عبور معمولی کمیته جنگی رشت را که فعلاً به کلیه مسافرین که اجازه حرکت از رشت را دارند داده می‌شود من همراه نداشم ولی در اقطاع نمودن آنها اشکالی نداشتم. بموجب شماره من، بالغ بر شصت نفر مردمان مسلح در عرض راه بودند و دسته‌ای که پس از مقتول نمودن یکی از خوانین کرد و یک نفر از ملتزمنش در شب دوازدهم مارس از طرف شاه به «یوزباشی چای» اعزام شده بود بطرف رشت مراجعت می‌کردند مرکب از ۲۴ نفر سوار بود [که] به نظر من همه آنها قفقازی بودند.

تقریباً سی نفر قفقازی در کشتی که من با آن از بادکوبه به انزلی مسافت نمودم بودند که به فاصله قلیل مدتی بعد از حرکت از بادکوبه یک مقدار اسلحه ابراز داشتند، همکاران آنها در رشت با تمپت و شادی کامل آنها را پذیرفتند. در رشت سپهدار و سایرین به من اطلاع دادند که این اشخاص اتصال می‌آیند و بموجب تخمین من قریب سیصد نفر از آنها در آنوقت در رشت بودند.

از طهران، ۱۸ مارس ۱۹۰۹

[۱۳۲۷] ۲۵ اسفند ۱۲۸۷ صفر ۲۵

امضا ج. پ. چرچیل

نمره - ۱۷۰

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۳ آوریل)

از طهران، ۲۴ مارس ۱۹۰۹

[۱۳۲۷] ۱ - ۲ ع ۲: ۱۲۸۸ فروردین ۱۲۸۸

آقا

در ۲۵ شهر ماضی قشون عین‌الدوله و حاکم مراغه شروع به یورش به تبریز نمودند. بسیاردهمان به سنگرهای شهر در عرض ۲۴ و ۲۶ ممتد بود ولی بدون هیچ اثری و قشون شاه پرستان بالاخره با تلفات بسیار عقب نشانده شدند.

این مجاهدت قشون شاه برای مقهور نمودن تبریز بی‌شبیه همان یورشی است که معتمدانه در باغ شاه امیدوار بودند که باعث تسلیم شهر خواهد شد چنانچه در مشروحة ۲۵ شهر ماضی خودم اطلاع دادم. قصور عین‌الدوله در انجام مقصود خودش او را مجبور به بازگشت به باسمنج تمود و هیچ معادله دیگری واقع نشد تا پنجم شهر حال که قشون مراغه از خط قره‌ملک که بتازگی متصرف شده بودند شروع به یورش

نمودند و در همان وقت توپخانه با سنج محله خیابان را بمبارده کرد. این بمباردهای بی‌ثمر بود و عاقبت توپخانه به مقام خود یازگشت نمود. قشون مراغه هم با تلفات کثیره عقب نشانده شد. در پنجم یا ششم ماهیتیها منند را اشغال نمودند و قره‌داغیها در تحت سرکردگی رحیم‌خان در ۱۵ جلفا را تصرف نمودند ولی ظاهراً بعد از آن میلیون مجدداً آنجا را تصرف نمودند. انهدام قراء حوالی جلفا و رفتار وحشیانه با اهالی یتوسط رحیم‌خان چنانچه در تلگراف ۲۲ خودم را پورت دادم مبنای اظهارات مشترکه من و همکار روسیم به دولت ایران گردید.

در سوم شهر حال رحیم‌خان سیم تلگراف کمپانی تلگرافی هند و اروپ بین تبریز و جلفا را قطع نمود، مستخدمین کمپانی از ترس تابعین رحیم‌خان چرثت بیرون رفتن از تبریز برای تعمیر سیم را نمی‌نمودند و با وجود احکامی که عین‌الدوله اظهار می‌داشت صادر نموده رحیم‌خان امتناع نمود که بگذارد نماینده کمپانی در تبریز در اجرای تعمیرات اقدام بنماید. در همان ضمن شارژ دافن روس پرست سختی به دولت ایران نموده و از جانب کمپانی دعوی روزی پانصد لیره خسارت در عرض مدت خرابی سیم را پیشنهاد کرد. اظهارات او که من تأیید نمودم بالاخره منتج به‌این گردید که او امر مستقیم به رحیم‌خان شد و در ۱۹ مجدداً مخابرات مفتوح شد.

امضا ج. بارکلی

مدد: سواد مکتبی را که مستر راتیسلا جنرال قنسول نگاشته و جزئیات جنگ در ۲۵ شهر ماضی و ۵ شهر حال را شرح داده لفاظ ارسال می‌دارم. عبارت اخیر این مکتوب خرابی را که قشون شاه وارد نموده‌اند مختصرآ شرح می‌دهد. ج. ب.

ملفوقة در نمرة ۱۷۰

مکتوب مستر راتیسلا جنرال قنسول به سر چارچ بارکلی

از تبریز، ۷ مارس ۱۹۰۹

[۱۳۲۷: ۱۴۸۷] اسفند ۱۲۸۷

آقا

در دو یورشی که قشون مراغه در تحت سرکردگی صمدخان به تبریز بردند یورش دومی با قوای زیادتر و عزم جزم‌تری بود ولی حتی در حمله اولی در ۲۵ فوریه هم سه‌اهمین رشادت غیرمنتظره‌ای پروز دادند و اگر چه چندان کار بر مدافعين سخت نشد ولی بالاخره برای عقب‌نشاندن دشمن حضور شخص ستارخان و چندین صد نفر اشخاص لازم گردید. حمله از سرد روید شروع شد و جنگ در خیابانهای خطیب در جلو مقامهای خارجی میلیون درگرفت. یک نفر از شاه‌پرستان اسیر و نعش ده نفر از آنها از جوار سنگرهای میلیون برداشته شد. از رد خون در برف واضح بود که یک عدد زیادتری مقتول و مجروح را رفقایشان صبح زود حرکت داده بودند. تلفات میلیون سه نفر مقتول و پنج نفر مجروح بود.

در دوم مارس صمدخان مرکز خود را از سرد روید به قره‌ملک که قریه بزرگی

در طرف شرقی است و خیلی به تبریز نزدیک‌تر است تبدیل نمود و در طلوع صبح پنجم شهر حال یک عده کثیری مرکب از سواران چهار دوالي و پیاده نظام با یک عراوه توپ در جاده‌ای که به محله‌های اهونی و حکم‌آباد می‌رود پیش آمدند. آنها راهی برای دخول به حکم‌آباد پدست آوردند ولی در عوض تعقیب پیشرفت خودشان چهار دواليها شروع به غارت خانه‌ها نمودند و به‌این واسطه فرصت به‌دست قشون امدادی ملیون دادند که در رسیده و در ساعت چهار هردو یورش را عقب نشانده و قشون شاه‌پرستان کاملاً منهزم گردیدند. حتی آنها توانستند یک قسمت بیشتر از اموال منتهیه از حکم‌آباد را با خود ببرند. پنج نفر از آنها به‌اسیری گرفتار شدند و بعلاوه غنیمت‌های میدان جنگ از قبیل طبل و الاغ حامل نهار [= ناهار] صمدخان هم به‌دست فاتحین افتاد. نعش دوازده نفر از شاه‌پرستان را برداشته به‌شهر آوردند. مجموع تلفات آنها، مقتول و مجروح، باید یک مقدار معنای‌بی‌شده باشد.

از طرف ملیون پنج نفر مقتول و ده دوازده نفر مجروح بود. این یورش باعث تزلزل و نگرانی بسیار در تبریز شده بود چون در حقیقت حکم‌آباد یک قسمت از شهر است و شاه‌پرستان قبل از این اینقدر نزدیک به‌شهر نیامده بودند یا همچه ایستادگی و عزمی بر وز نداده بودند. در این مجادله یک عده از ملاها به‌قشون ملحق شده بودند و اگرچه نباید انتظار داشت که آن مقدسین محترم چندان قتال واقعی نموده باشند ولی مسلمان حضور آنها باعث تشجیع مردان جنگی شده.

در این جنگ، چنانچه در سایر مواقع هم، ستارخان رشادت شخصی قابل تحسینی بروز داد ولی او خیلی بیش از اندازه‌ای که یک نفر سرداری که تمام حسیات ملی در تبریز بسته به‌حیات او است خود را در معرض خطر می‌گذارد. در طی مسحات بی‌نتیجه‌ای که در ۲۲ فوریه برای افتتاح راه جلفا بعمل آمد یک موقعی او در نهایت خطر بود که قسمت عمدۀ قشون او از او جدا شده بودند و او یا یک عدهٔ قلیلی ارامنه در یک مقام متزلزلی مانده بودند که با زحمت بسیار خود را از آنجا مستخلص نمود. باضافه، در پنجم شهر حال، معزی‌الیه انسانیت خود را مشهود داشت که بواسطه اقدام در نجات اسراء از دست یک جمع غضب‌آلوده‌ای تا حدی شخص خود را با مخاطرات مصادف نمود.

اعمال اردوی باسمنج بکلی مجھول و مبهم است. در ۲۵ فوریه اردوی مزبور بواسطه یک بمباردمان ضعیفی به محله خیابان یورش به خطیب را تقویت نمودند ولی نتیجه آن فقط مجروح شدن دو نفر از ملیون بود. این بمباردمان با همان قسم فقدان اثر روز بعد هم تجدید شد و سنگری که در عرض تمام روز سه عراوه توپ به آن شلیک می‌نمودند به هیچ وجه با یکی از گلوله‌های توپ تصادف ننمود لیکن از شلیک تفنگ ملیون قدری صدمه به توپچیان وارد شد.

در ضمن حمله‌ای که در پنجم به حکم‌آباد شد مجدداً خیابان را بمبارده نمودند ولی در این وله ملیون به محل توپخانه شاه‌پرستان حمله بردند و قبل از عقب نشانده شدن صمدخان معجلًا توپها عودت داده شد. هرگاه یک یورش کاملی به خیابان بردشده

بود ماتع مدد رساندن یاقرخان که فرمانده آن خط است به ستارخان می‌شد و ممکن بود کار بر او سخت بشود.

در همان روز دسته قلیلی از سواران شاه پرستان یا پیش‌قرابول ملیون در خطیب رویرو شدند و مدافعين توپهای خود را پرداشتند تا سنگرهای داخلی عقب نشستند لیکن محل پیش‌قرابول را مجدداً در همان روز تصرف نمودند.

از بیانات اسراء همچه استنباط می‌شود که به تمام عساکر شاه پرستان تعلیم شده که تبریزیها باید شده‌اند و مجادله با آنها از فرایض مذهبی است.

از وقتی که قره‌داغیها سیم تلگراف کمپانی هند و اروپ را قطع نموده‌اند از اعمال آن راهزنان کستر اطلاعی بدست آمده ولی از قراری که راپورت داده شده و به عقیده من متضمن صحت هم هست آنها مرند را تصرف نموده و در کار تهدید نمودن جلفا هستند. آنها هیچ وقوعی به‌اوامری که عین‌الدوله به‌آنها می‌نماید قرار نمی‌دهند. در هفتة ماضی یک نفر مسافر یونانی و یک نفر مسافر سوئیسی را که به جلفا می‌آمده و سفارش‌نامه‌ای از نواب معظم‌الیه [= معظمه‌له] با خود داشته‌اند لخت نموده و تمام متعلقات آنها را به سرقت برده‌اند.

مسئله نان هنوز در شهر غامض نشده اگر چه مقداری که تبریزه می‌شود بین درت‌کفاف احتیاجات یومیه اهالی را می‌دهد. در ۲۸ فوریه یک ناتوانی که با وجود اخطار قیمت آرد را گرانتر از فرخ معینه انجمن فروخته بود بقتل رسید و روز بعد یک نفر مرتبع به تقصیر خیانت به‌همان نوع مجازات گرفتار شد.

وضع عمومی ایالت بیش از آنچه بتوان شرح داد بده است. از زنجان تا باسمنج دهاتیانی که قشون شاه پرستان آنها را از هستی ساقط نموده‌اند در عرض جاده‌های کسی را که بتوانند بدست بیاورند لخت و سرقت می‌نمایند. قره‌داغیها در راه جلفا به هر چه دسترسی یافته‌اند غارت کرده‌اند.

امضا ا. س. راتیسلا

نمره - ۱۷۱

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادواره گری (واصله در ۱۳ آوریل)
از طهران، ۲۴ مارس ۱۹۰۹
[۱۳۲۷ - ۱۲۸۸: ۲]

آقا

جنگیش ملی قعلا تا بنادر خلیج فارس منبسط گردیده. بوشهر و بتدر عباس سر از انقباد و احاطت شاه پیچیده و بدون خونریزی در تحت سلطه سلسله ملی قرار گرفته‌اند.

در آخر فوریه قنسولگری دولت فخیمه از بوشهر راپورت داد که سید مرتضی اهرمی یکی از ملاهای نامی بوشهر در صده است که یک عدد از تفنگچیان ایلیاتی را به‌قصد

تولید انقلاب وارد بوشهر ینماید. مازور کاکس شرحی به حکومت محلی نوشته و تأکید نموده که اگر این شهرت متضمن صحتی است اقدامات احتیاطی را بعمل بیاورند. کفیل جنرال قنسولگری روس با مازور کاکس مشورت نموده و اظهارات مجدد به نایب‌الحکومه کردند و او جواب داده بود که مشغول اقدامات لازمه برای جلوگیری از اغتشاش هست.

بعلاوه مازور کاکس راپورت داد که در اواسط فوریه ملیون تهدید می‌نمودند که داخل پندرعباس شده و گمرک را تصرف ینمایند. او اظهار می‌دارد که به‌هرصورت فعلاً نظر به خوف از مداخله خارجه بواسطه رؤیت جهاز جنگی خارجه از هیجان احتراز شده و ورود کشتی جنگی اعلیحضرتی موسوم به «پرسیوس» در ۱۶ فوریه [۲۷ بهمن ۱۲۸۷؛ ۲۴ محرم ۱۳۲۷] به پندرعباس تا چند روزی اثرات سکون و آرامی بخشید. به‌هرصورت در ۱۷ مارس [۲۷ اسفند ۱۲۸۷؛ ۲۴ صفر ۱۳۲۷] راپورت رسید که نظر به تأکید و فشار علمای نجف و سید لاری ملیون در پندرعباس مهام حکومت را در دست گرفته و گمرک را تصرف نموده و کارگزار را به سمت حکومت تعیین کردند. در طی تلگرافی که حاکی این خبر یود قنسولگری انگلیس از بوشهر اشعار داشته بود که از صاحب منصب ارشد پحری تقاضا شده یک فروند کشتی جنگی برای محافظت اتباع انگلیس به پندرعباس اعزام دارند. مازور کاکس نیز اظهار داشته بود همچه تصور می‌کنم که قنسول دولت فخیمه باید شخصی را که علاوه حاکم است به‌این سمت بشناسد و تجار انگلیس در گذراندن مال التجاره خود از گمرکخانه باید گمرک را به‌اشخاصی که متصدی و مجری هستند پیردازند. من جواب دادم که قنسول انگلیس باید بدون اینکه کارگزار را رسماً به سمت حکومت بشناسد. با او معامله ینماید و باید به کارگزار اظهار بدارد که گمرکات جنوب نزد دولت انگلیس مرهونند و تقاضا ینماید که عایدات گمرک پندرعباس به قنسولگری تحویل بشود. دیگر اینکه من در کار اطلاع دادن به دولت ایران هستم که گمرک وارداتی که تجار انگلیسی به ملیون پرداخته‌اند کاملاً تأدیه شده محسوب است یاین معنی که بکلی ذمہ آنها بعد از گمرکی که داده‌اند بری خواهد بود و عایدات گمرک را هم از ملیون مطالبه نموده و از بابت مرایعه وجه استقراری خودمان که گمرکات جنوب وثیقه آن است و موعدش منقضی شده محسوب خواهم داشت. دیگر مازور کاکس راپورت داده که رئیس بلژیکی گمرک را مغایر نمودند که یکی از دو شق‌را اختیار نماید یا داخل در استخدام ملیون شده و عایدات را به‌آنها پیردازد و یا از گمرک خارج شود و مشارالیه شق ثانی را مرجع دانست.

خبر دیگر مبنی بر این بود که نظم و تمثیلت واقعی برقرار داشته‌اند ولی خصل در این مسئله است که همه‌کس در شهر مسلح است و دستیحات مسلح هم اتصال از داخله وارد می‌شوند. در ۲۳ مارس [۳ فروردین؛ یکم ع ۱] قنسول انگلیس مقیم پندرعباس از ملاقات خودش با کارگزار راپورت داد. کارگزار استفسار نموده بود که آیا دولت انگلیس می‌خواهند که کلیه عایدات گمرک به‌آنها تسلیم بشود و آیا به‌پرداخت نصف عایدات یومیه به قنسولگری اقتناع خواهند شد یا خیر. کاپیتان شکسپیر در ضمن راپورت

دادن این مذاکره اصرار نمود که برای خاطر آرامی و سکونت صلاح براین است که یک قسمت از عایدات گمرک به ملیون تفویض بشود که به مصرف حقوق اشخاص تحت السلاح برسانند علی‌هذا من به او اختیار دادم که عقیده خود را دراین مسئله اعمال نماید.

سرعت سیر حوادث در بندرعباس ظاهراً اور را در بوشهر هم به‌اقصی نقطه رسانیده است. در ۱۷ مارس قنسولگری بوشهر راپورت داد که تا حال اهالی اینجا از متابعت یا نقشه ملیون مردد بوده‌اند لیکن احتمال آن می‌رفت که اخبارات بندرعباس باعث ترغیب آنها در تعقیب همان روش بگردد. حاکم در شهر حاضر نیست و ندرتاً می‌توان انتظار داشت که قشون ساخلو که مرکب از دویست نفر سرباز اصفهانی است تقویت مهمی از اداره گمرک یا مأمورین محلی برعلیه [= عليه] دسته ملیون بنمایند. مأمور کاکس نیز اشعار داشته بود که در پاب اوضاع با همکار روسی خودش مشاوره نموده و اگر چه فعلاً دلیلی برای خوف و احتیاط از تعرض و صدمه اتباع خارجه موجود نیست مع‌هذا نظر به‌امکان اغتشاش عمومی و مسئله مرهون بودن عایدات گمرکات بوشهر نزد ما مصلحت در آن است که یک قرون‌د کشتی جنگی برای حفظ متافع خودمان به‌فاصله دسترسی داشته باشیم.

در ۲۲ مارس به‌من راپورت رسید که سید مرتضی اهرمی یک عده تفنگچی تنگستانی داخل شهر نموده و با سکونت، سرنشسته مهام حکومت را از جانب ملیون در دست گرفته و مأمورین عمدۀ محلی مستعفی شده‌اند و اگرچه تا حال مداخله‌ای در گمرک نشده ولی مسئله تصرف آن در تحت مذاقه و امعان نظر است. کاپیتان ترور که هنگام غیبت مأمور کاکس کفیل قنسولگری دولت فخیمه بود بعلاوه اشعار داشته بود که در صدد اطلاع دادن به‌سید است که عایدات گمرک نزد دولت فخیمه مرهونند. من جواب دادم که من مخالفتی با تصرف نمودن ملیون گمرک را ندارم بشروط اینکه یک قسط ماهانه‌ای مرتباً به‌بانک شاهنشاهی پرداخته بشود که فرع استقراض دولتی ما و فرع قروض بانک شاهنشاهی را مستملک بدارد.

در ۲۳ مارس کاپیتان ترور راپورت داد که سید مرتضی رسماً به‌قنسولخانه‌ها نوشته و اعلام داشته است که خودش مهام حکومت را از جانب ملیون در دست گرفته و وظایف مأمورین محلی را موقتاً عینده‌دار است و ترتیب حفظ جان و مال اتباع خارجه را خواهد داد. تا حال خلاف نظم و اغتشاشی واقع نگردیده و مداخله‌ای هم در گمرک نشده ولی سید اظهار داشته که در این موضوع به‌تبریز مراجعه نموده. برای اینکه امورات محلی قنسولگری به‌عینه تعطیل نیفتند کاپیتان ترور استعلام نمود که آیا او می‌تواند با شخصی که علاً حاکم است رسماً ارتباط داشته باشد و من جواب دادم که ممکن است بدون اینکه بالصرایح او را به‌این سمت بشناسد با او معامله بنماید.

اخبارات اخیره مبنی براینند که در ۲۳ مارس سید گمرک را تصرف نمود و مأمورین بلژیکی خارج شدند. صبح همان روز اجلسی در منزل میرپنج فرمانده قشون ساخلو دولتی واقع شد که سید مرتضی از جانب دسته ملیون و کارگزار و رئیس پستخانه و

رؤسای سایر دوازیر و تقریباً شش نفر از تجار محترم در آن حضور بهم رساندند. همینکه به میرپنج اصرار شد که آیا او با ملیون همراه است یا مخالف، مشارالیه استعفای خود را عرضه داشت و سایر مأمورین دولتی هم همان روش او را تعقیب نمودند. پس از آن سید باتفاق متابعین خود به دارالحکومه رفت و در آنجا بیدق سلطنتی را خوابانده و بجای آن بیدق ملی را نصب نمودند و بیستویک تیر توپ هم به رسم سلام شلیک شد. همچه اظهار می‌شود که این انقلاب بی‌خونریزی بواسطه این است که تمام طبقات در بوشهر به انضمام مأمورین دولتی قلبًا ملت‌خواه هستند.

امضا ج. بارکلی

نمره - ۱۷۲

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۳ آوریل)
از طهران، ۲۴ مارس ۱۹۰۹
[۱۳۲۷ فروردین ۱۲۸۸: ۲ ع ۱ - ۱]

آقا

هیجان و جنبش‌های انقلابی در مملکت ظاهراً اکنون بطرف ولایات شمال شرقی ایران سرایت و نشر کرده.

جنرال قنسول انگلیس مقیم مشهد در ۱۳ فوریه [۲۴ بهمن ۱۲۸۷: ۲۱ محرم ۱۳۲۷] راپورت داد که علی‌الظاهر بنیاد یک هیجان تجدخواهانه سختی نهاده شده بود ولی رکن‌الدوله والی مواطن حال تجدخواهان است و چون اینها خائف هستند و اظهار مخالفت مخصوصی نمی‌نمایند امکان دارد که شهر آرام بماند. یک هفته بعد از آن مأذور سایکس راپورت داد که یک تعطیل ناقصی در بین پلیس‌های مشهد واقع شده سعی نمودند سر بازان را متلاعده بنمایند که با آنها شرکت بنمایند ولی ثمری نبخشید. تا آخر فوریه همچه می‌نمود که چنانچه سفارتین به دولت ایران توصیه نموده‌اند تعیین رکن‌الدوله به ایالت خراسان در عید نوروز تجدید خواهد شد. راپورت داده شد که اگر چه مجاہدت در تحریک مردم شده است که مالیات ندهند و احساسات عمومی متوجه است که یک نوع نمایشی باید اعمال بشود که معارضت با دسته تجدخواه را مشهود بدارد مع‌هذا آنچه ظاهر است کلیه مردم از حاکم حالية خودشان ناراضی نیستند. به‌هصوص در اوایل مارس راپورت داده شد که رکن‌الدوله معزول شده و شاهزاده نیر‌الدوله را که شخصاً در خراسان منقول عامه است به مناسبت تقریباً ۲۴۰۰ لیره پیشکشی که برای این مقام داده است به ایالت تعیین نموده. در ۴ مارس [۱۴ اسفند ۱۲۸۷: ۱۱ صفر ۱۳۲۷] رکن‌الدوله از مشهد عزیمت نمود و در ۷ مارس مأذور سایکس راپورت داد که انقلاب در مشهد شروع شده است.

در منزل برادرزاده ایالت جدید یک بمب ازداخته شد. شورشیان تلگرافخانه را تصرف نمودند. دکاکین شهر بسته شد و برای حفظ مقر ایالت توپهای آماده شد.

شورشیان نایب‌الحکومه را دستگیر و حبس نموده و انجمن جدیدی از طرف دسته تجدیدخواهان تأسیس گردید. جنرال قنسول انگلیس را پورت داد که نظر به فقدان تمام مأمورین مسؤول دائمی دولت کارگزار سابق که شخصی بود دارای اعتبارات مستحبته و نفوذ محلی کامل ولی بتازگی دولت ایران او را منفصل نموده باید منتظر بروزات مهمه بود.

ضمناً دامنه انقلاب تا ترتیب خیدری متسع و منسق شده و در ۱۶ مارس [۲۶ اسفند ۲۳ صفر] مأمور سایکس را پورت داد که یک دسته شورشیان در تحت سرکردگی بلوچها به کفیل حکومت حمله برده و او را مقتول نمودند، او تیز اطلاع داد که این پیشرفت و موقتیت‌های دیگری که بمحض را پورت در سایر نقاط ایران برای انقلابیون حاصل شده باعث قدرت انجمن مشهد گردیده.

در عرض هفته ماضی را پورت دیگری از مشهد نرسیده ولی ظاهراً هیچ دلیلی نیست که بتوان فرض نمود که فعلًا انقلابیون قصد عودت به اطاعت حکومت مرکزی را داشته باشند.

امضا ج. بارکلی

نمره - ۱۷۳

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۳ آوریل)
از طهران، ۲۵ مارس ۱۹۰۹
[۱۳۲۷: ۳ ع ۱ - ۱۲۸۸] فروردین ۱۲۸۸

آقا

با کمال افتخار را پورت می‌دهم که بمحض خبر تلگرافی که الساعه به من رسیده شهر شیراز و همدان جزو جنبش ملیون شده‌اند.

علی‌الظاهر در اجلاسی که دیروز بعد از ظهر در شیراز تشکیل یافته و بیگلربیگی نصرالدوله (رئیس دسته قوامی) و سایر معاریف در آن حضور داشته‌اند آراء براین قرار گرفته که امروز اعلان مشروطیت منتشر بگردد و انجمن ایالتی تأسیس بشود. در همدان که مشروطیت اعلان شده بود کفیل حکومت به نمایش ملی ملحق شده ولی پدرش او را به بروجرد احضار نموده. پس از آن شاه حاکم جدیدی تعیین نمود ولی اهالی به اعلیحضرت معظم جواب دادند که اگر آن حاکم وارد همدان بشود او را قطعه قطعه خواهند نمود. در ضمن را پورت دادن این خبر قنسول انگلیس مقیم کرمانشاه اشعار می‌دارد که جنبش ملی در آن قسمت مملکت بر طبق دستورالعمل واصله از کربلا بوده.

امضا جارج بارکلی

نمره - ۱۷۴

مکتوب سرچارج بازکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۳ آوریل)
از طهران، ۲۵ مارس ۱۹۰۹
[۵ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۳۲۷ - ۱۳]

آقا

با کمال افتخار خلاصه وقایع ماهانه معمولی را که راجع به چهار هفته ماضی است
لغاً تقدیم می‌دارم.

امضا ج. بازکلی

ملفوظه در نمره ۱۷۴
خلاصه وقایع ماهانه
طهران

شاه در اردیو مسلح خود در باغ شاه در وسط حامیان مرتعخ خود و سپهسالار (امیر بهادر) سر سلسله آنها کماکان اقامت دارند. مشاوره‌های مرتعخ مشدد شیوع دارد و شاه که ده روز قبل راپورت داده شده بود که خیلی متاثر و محضون هستند از قرار بیانات اروپاییانی که همه روزه آن اعلیحضرت را ملاقات می‌نمایند اکثرون بشاش هستند و اخبار موققیت ملیون در تربت و بندر عباس و بوشهر و شیرواز و همدان را با بی‌اعتنایی کامل دریافت نموده‌اند.
بازارهای طهران بسته مانده است و متحصنهای هنوز در سفارت کبرای عثمانی هستند.

اوپاچ پلتیکی باعث عدم جریان امور تجاری و پولی گردیده. در امورات بانک شاهنشاهی بواسطه اشکالات و مخاطراتی که برای ارسال قوافل پول به ولایات موجود است اخلاق بسیار حاصل شده. بروات خارجه را که در تبریز ورشت و مشهد برای فروشش حسن طلب می‌شود نمی‌توانند بخرند چون فرستادن پول به آنجاها برای این مقصد مقدور نیست. نتیجه این شده که مظنه به میزان گران برقرار است. نرخ پوند امروزه پنج تومان و پنج قران و پانزده شاهی است.

امضا ج. پ. چرچیل ۲۶ مارس ۱۹۰۹
[۶ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۳۲۷ - ۱]

استرآباد

در سوم فوریه [۱۴ بهمن؛ ۱۱ محرم] امیر مکرم حکمران ارگ را سنگریندی نمود و ۱۵۰ نفر سریاز در قلعه قدیم نصب نمود. روز بعد ملیون دکاکین خود را بسته و در یک مسجدی جمع شدند و رؤسای آنها رأی قطعی دادند که حاکم باید از شهر خارج شود، حکومت به فرمانده فوج هزار جریب که از جمله ملیون بود امر نمود که با فوج خود به کافشگر برود. در موقع خروج از شهر او بیست قبضه تفنگ به ملیون داد و دویست نفر از دهات حوالی فرستاد که به آنها کمک بنمایند. در اوایل

مارس بعضی از مأمورین محلی در صورتیکه ظاهراً از فرقه ملیون هم نبودند تلگرافی به شاه نموده واستدعای عزل حاکم را کردند. در ۷ مارس [۱۷ اسفند؛ ۱۴ صفر] صدراعظم جواب داد که حاکم احضار شده ملیون محض اینکه مشهود بدارند که اعتبارات عزل حاکم راجع به آنها بوده نه به مأمورین محلی، بازارها را بسته و عده کثیری در یکی از مساجد جمع شدند.

کرمان

صاحب اختیار حکمران نایب را رها نموده و ناظم را اجازه معاودت به کرمان داده، معزی‌الیه‌تیز استعفای خود را عرضه داشت ولی نظر به وضع مغشوش مملکت دولت ایران نمی‌تواند شخص دیگری برای منصوب نمودن به‌این مقام بدست بیاورد. اگر حاکم مقتدری تعیین نشود قنسول انگلیس وقوع اغتشاش را پیش‌بینی می‌نماید. قنسول انگلیس در ۱۴ مارس تلگراف نمود که افشاریها شورش نموده و حاکم بافت را مقهور نموده‌اند. حاکم را با زخم منکری که برداشته بود به کرمان آوردند و افشاریها بیشتر اردو و اثنائیه او و یک عزاده توب و مالیاتی را که او دریافت داشته بود به یغما برند.

کرمانشاه

در ۲۴ فوریه [۶ اسفند؛ ۳ صفر] کاپیتان هاوترت از همدان تلگرافاً [= تلگرافی] را پورت داد که یک عدد قلیلی از ملیون نامی آن شهر در آژانس قنسولگری عثمانی متحصن شده و در پاب اوضاع کنونی ایران به سفارت کبرای عثمانی و پاب عالی تلگرافات مخابره نموده‌اند. ملیون معتقد بودند که به‌معاهدت عشاير خدابنده‌لو می‌توانند دوهزار سوار تهیه بنمایند ولی کاپیتان هاوترت این را اغراق تصور می‌کند و عقیده‌اش براین است که تا آنها اطمینان حاصل ننمایند که می‌توانند تا اندازه‌ای سوار حاضر بتمایند که با افواج و رؤسای محلی که از طرف شاه هستند مقاومت بنمایند علناً عنوانی برای مشروطیت تغواهند نمود. ازقرار مذکور دوهزار لیره برای تهیه قشون ملی جمع‌آوری شده. کفیل حکومت به کاپیتان هاوترت اطلاع داده است که مکرر استعفا نموده ولی شاه فقط در جواب امر نموده است که از کلیه هیجان مشروطیت جلوگیری بنماید. کفیل حکومت افظیار داشته است که اگر اوامر شاه را بموقع اجراء بگذارد مردم او را به قتل می‌رسانند و هرگاه ازان اوامر تخطی بجوييد شاه او را می‌کشد. معزی‌الیه استعلام نموده بود که آیا می‌تواند به تماينده انگلیس پناه‌نده شود و کاپیتان هاوترت جواب داده بود که دولت فخیمه فقط کسی را پناه می‌دهد که‌جان او در خطر باشد.

یزد

همچه معلوم می‌شود که دسته دویست نفر سارقینی که در خلاصه وقایع ماه گذشته

اشعار شده است که بختیاری بودند در حقیقت مركب بوده‌اند از اهالی فراغه که یك قریئه مشهور به مسکن سارقین و واقع بین آباده و ابرقو است و یك عده از تفتیها که به آنها ملحق شده بودند، صمصم‌السلطنه اظهار کرد که هیچ ارتباطی با آنها ندارد. آن دسته در تحت سرکردگی یك شخصی خسروخان نام تامسافت قلیلی به یزد نزدیک شدند. این باعث‌بروز تشویش و هراس در شهر شد و حکومت استعدادی به مقابل آنها اعزام داشت که پس از مختصه جدالی با غارتگران مذبور عقب نشستند. خسروخان اعلان نمود که برای اعاده حکومت شوروی آمده است ولی اهالی یزد که اعتقادشان براین بود که او و تفتیها فقط می‌خواهند شهر را غارت بنمایند جوابی در مقابل عنوانات او ندادند. چون دسته مذبور در جلب تقویت یزدیها یا مغایره شدن تلگرافی از طرف آنها به صمصم‌السلطنه موفق نشدند رجعت نمودند و حرکات و اعمال من بعد آنها هنوز معلوم نیست.

در خصوص تعرض و سواعرفتار نسبت به پارسیان در حوالی یزد ظاهراً مهاجمین به یکی از قراء پارسیان تفتیها بوده‌اند که سه نفر مرد را به اسارت یارده بودند و بالاخره متعلقان آنها استخلاص اسرا را خریده بودند. کفیل ویس قنسولگری دولت انگلیس به حکومت اظهارات نمود و در اوایل فوریه حاکم قریب هزار نفر استعداد جمع نمود که به مقابله تفت بفرستد. ضمناً تفتیها که علی‌الظاهر دوستان متنفذ در یزد دارند در صدد بند و بست اصلاح ظاهری برآمدند و هنوز استعدادی به مقابله آنها نرفته.

یک عده دستجات سارقین هنوز در طرق پراکنده‌اند و سرقت‌های بسیار واقع می‌شود. شاید راه کرمان بیش از همه نامن باشد.

در بیستم فوریه [۲۸ اسفند؛ ۲۸ محرم] تلگرافی از طرف آقانورالله از اصفهان به نائین رسید که تمام اشخاصی را که حاضرند برای تقویت این راه حق تحت سلاح بروند به اصفهان دعوت نموده بود. راپورت داده شدکه انتظام‌الملک حاکم سابق یزد هم در امیرآباد مشغول جمیع‌آوری قشون بوده. از آن زمان او در اصفهان به بختیاریها ملحق شده.

Shiraz

مرکز ثقل پلتیک فارس هنوز لارستان است. ظاهراً قوامیها برای پول در فشارند. در چهاردهم فوریه [۲۵ بهمن؛ ۲۲ محرم] پیشکار قوام از طهران تلگراف نمود که اگر نتوانند پیشرفتی بنمایند کار آنها یکلی تمام خواهد بود. نصرالدolle که در اواسط فوریه غفلتاً از لارستان مراجعت نمود به مستر بیل اطلاع داده بود که قشون قوامیها لاریها را مغلوب نموده‌اند ولی عقیدهٔ مستر بیل براین است که این روایت ساختگی بوده و احتمال تمی‌رود که قوامیها بتوانند موققیتی در مقابل لاریها حاصل بنمایند. نصرالدolle اصرار نموده بود که سید لاری برای شخص خودش کارمی‌کند و همانطور که به او امرشاه وقعي نسي‌گذارد به احکام یك حکومت شوروی هم اعتمانی

نخواهد داشت. ضمناً بختیاریها تلگراف سختی به صولت‌الدوله معاشره کرده و او را توبیخ نموده بودند که با وجود آنهمه مواعیدی که نموده هیچ اقدامی نمی‌کند از طرف دیگر ظاهراً به تحقیق [= تحقق] پیوسته که قوامیها در صدد طرح قراردادی با صمیمان‌السلطنه هستند و فی‌الجمله موقعيتی هم حاصل نموده‌اند و در همچه صورتی صولت‌الدوله ممکن است دریابد که بواسطه اهمال موقع را از دست داده است. خبر جدید این است که قوام قشون خود را در فسا گذارده و در هفتم مارس [۱۷ اسفند؛ ۱۴ صفر] به شیراز رجعت نموده.

در خود شیراز در اوایل مارس در تحت سرکردگی روحانیون جنبش ملایمی به تأیید مشروطه بروز نمود. چنین معلوم می‌شود که ایالت بعلاوه جلوگیری نکردن از آنها پیغامات همراهی وهم خیالی هم فرستاده است.

در ۲۱ فوریه [۳ اسفند؛ ۲۹ محرم] یکی از توکرهای ایالت که مست بود به دونفر پارسی حمله سختی برده و زخم منکری به آنها زده. مستر بیل منشی قنسولگری را با مراسله خصوصی نزد حاکم فرستاده و بضد این واقعه که آسایش عامه را سخت تهدیدی نماید پر تست نموده [= نمودم]. مرتكب دستگیر شد ولی از دحام کثیری منزل شخص پارسی را که ارباب حضرات مخصوص بود محاصره نموده و او را تغویف کردند که شخصاً به دارالحکومه رفته واستخلاص فوری مقصو را تصویب بنماید.

در ۱۱ مارس [۲۱ اسفند؛ ۱۸ صفر] در حوالی یزد خواست به قافله‌ای که زوار همراه داشت حمله برده شده یکی از زوار به ضرب گلوله مقتول شد و چهار نفر از سایرین زخم مهلكی برداشتند. سیزده رأس قاطر یا حمول آنها را بسرقت برداشتند. یکی از صندوقهای سرقتی محتوی سی قبضه تفنگ مسلسل بوده.

در بیستم مارس [۳۰ اسفند؛ ۲۷ صفر] قنسول دولت انگلیس تلگراف نمود که نماینده کمپانی زیگلر را سارقین در حوالی سیوند لخت نموده و اشیائش را بسرقت برداشت و همچه تصور می‌شود که سارقین لشمنی بوده‌اند. ایالت سی‌نقر فرستاد که در گرفتاری سارقین سعی بنمایند. مستر بیل نیز راپورت داد که ایلات حوالی زرقون [= زرقان] در عرض هفت‌هار دویست عدد مقره تلگراف را شکسته و چندین فقره سرقت در جاده طرف جنوب آباده واقع شده.

خليج فارس

بوشهر

راپورت داده شده که دریابیگی مجدداً به حکومت بنادر خليج منصب گردیده.
محمره

در اوایل فوریه از راهبرهن شهرت یافت که سایر خوانین بختیاری حسن طلب کرده‌اند که با صمیمان‌السلطنه صلح بتمایند و ترتیبات سابقه را اعاده داده او را به ایلخانی‌گری بشناسند یعنی با موقعيت اخیر او در اصفهان،
امضا ث. ب. ا. ماژور استکس، اتاشه میلیتر

نمره - ۱۷۵

مکتوب سرجارج بارکلی به سرادردار گری (واصله در ۱۳ آوریل)
از طهران، ۲۶ مارس ۱۹۰۹
[۶ فروردین ۱۲۸۸ ع ۱ - ۱۳۲۷]

آقا

در تعقیب تلگرافات ۲۴ و ۲۶ مارس خودم با کمال افتخار سواد دو طفرا مراسله‌ای را که بنده و همکار روسمیم در خصوص قتل‌های جدید در شاهزاده عبدالعظیم به دولت ایران نوشته‌ایم لفأ ارسال می‌دارم.

امضا جارج بارکلی

ملفوقة ۱ در نمره ۱۷۵

مراسله سرجارج بارکلی و مسیو سبلین [= سابلین] به سعدالدوله
۱۹۰۹ ۲۶ مارس
[۶ فروردین ۱۲۸۸ ع ۲ - ۱۳۲۷]

جناب مستطابا

سفارتین انگلیس و روس متأسفانه کسب اطلاع نموده‌اند که دیشب بعضی از متخصصین در شاهزاده عبدالعظیم مقتول شده‌اند. شرح جزئیات این مسئله مجہول است ولی از قرار مذکور اشخاص مرتكب از جمله مستخدمین نایب‌الحكومة طهرانند. مسلماً لازم است که برای جلوگیری از تکرار وقوع این نوع جنایات مجلس محکمه‌ای تشکیل شده و مرتكب مجازات پشود و سفارتین محترماً خاطر جنابعالی را مستحضر می‌دارند که در صورتی که مدلل بشود که اشخاص مقصر حسب‌الامر نایب‌الحكومة اقدام به‌این امر نموده، نهایت لزوم راخواهد داشت که مقاخرالملك بدون تأخیر منفصل بشود. خاطر جناب مستطاب عالی تصدیق خواهد نمود که یک همچه اقدامی برای جلوگیری از اینکه جنایات شب گذشته منجر به اغتشاشات وسیع‌تری نگردد که ممکن است مضر به مصالح اتباع دو سفارت شده و همچنین می‌تواند به عهده دولت شاهنشاهی مسؤولیت‌های وزین عمدت‌ای که سفارتین میل به منع آن دارند وارد آورد بهترین وسیله خواهد بود.

ملفوقة ۲ در نمره ۱۷۵

مراسله مشترک خطاب به سعدالدوله

سفارتین راجع به مراسله مشترکه مورخه ۲۶ شهر حال خودشان با کمال احترام خاطرنشان دولت ایران می‌نمایند که شهرت مسؤول بودن مقاخرالملك برای قتل‌های در شاهزاده عبدالعظیم بعدی شیوع دارد که سفارتین برخود فرض می‌دانند که برای اسکات انقلاب حاضره در پایتخت تقاضای انقضای انصصال بشارالیه را بنمایند.

سفارتین یقین دارند که پیشنهاد این تقاضا متناسب بالاترین منافع اعلیحضرت شاه و مصالح دولت ایشان است، چون در صورت تمکین نمودن به تقاضای مزبور هر اتفاقی که از اثر اغتشاشات برای اتباع انگلیس و روس رخ بنماید سفارتین آن را حمل به عدم تمکین به این تقاضا نموده و اعلیحضرت همایونی و دولت او را کاملاً برای آن مسؤول خواهند دانست.

سفارتین از جناب مستطاب عالی خوانش می‌نمایند که شرح فوق را به اعلیحضرت شاه تقدیم بدارید.

به تاریخ ۲۶ مارس ۱۹۰۹

[۶ فروردین ۱۲۸۸: ۱ - ۴]

نمره - ۱۷۶

مکتوب سر نیکلسن به سر آدوارد گری (واصله در ۱۳ آوریل)
از سن پطرز بورغ، ۲ آوریل ۱۹۰۹

آقا

امروز مسیو ایسولسکی بدمن اظهار داشت نکته مهی که در پیش است مسئله تأمین راه رشت به طهران است. از مهندسین در قزوین راپورتهای تشویش‌آمیز به من رسیده است که اظهار خوف از انقلابیون قفقازی که آن قسمت ایران را در حیطه تصرف درآورده‌اند نموده‌اند. من همیشه راپورت اشخاصی را که در معرض مخاطرات معینه هستند تخفیف می‌دهم ولی نمی‌توانم بکلی از آن راپورتها صرف نظر بنمایم. خوف آن می‌رود که یمکن رابطه بین طهران و رشت مقطوع بشود. من تقریباً دریک بفرنجی گرفتار هستم، اختیار ننمودن اقدامی فقط برای حفظ رابطه بین طهران و رشت باعث مسؤولیت عمده‌ای است. مع‌هذا من نمی‌توانم انکار بنمایم که هر اقدامی بشود در ردیف مداخله محسوب خواهد شد. عقیده من براین است که یک ویس‌قنسول بایک عده مستحقه به قزوین فرستاده بشود ولی این مسئله هم ممکن است باعث تهییج بشود نه مرعوب‌کردن انقلابیون (مقصود جناب معزی الیه انقلابیون قفقازی بود چون از ایرانیان بیمی نداشت). هرگاه یک استعداد کافی شم اعزام بشود که در نقاط معینه جاده چاتمه بزنند و قراولی پل متجلیل را نموده و اجزای اداره راه را در قزوین تحت حراست داشته باشند، بی‌شبیه این هم تعیین به مداخله خواهد شد.

امضا ا. نیکلسن

نمره - ۱۷۷

مکتوب سر نیکلسن به سر ادوارد گری (و اصله در ۱۳ آوریل) از سن پطرز بورگ، ۸ آوریل ۱۹۰۹

[۱۳۲۷] ۱۷ ع ۱ - [۱۲۸۸] ۱۷ فروردین ۱۹

آقا، راجع به مشروحة سوم فوریهٔ جنابعالی باکمال افتخار سواد یادداشتی را که از طرف وزارت امور خارجهٔ اعلیحضرت امپراتوری درباب پرگرام اصلاحات ایران رسیده است لفأ ارسال می‌دارم.

امضا ا. نیکلسن

ملفوظه در نمره ۱۷۷

آخرین صورت پرگرام صلاح‌اندیشی که دولتین روس و انگلیس به اعلیحضرت شاه عرضه پذارند از قرار ذیل خواهد بود:

(۱) دولتین روس و انگلیس تقاضای انفصال فوری صدراعظم را از شاه خواهند نمود و بهمچنین انفصال امیر پهادر جنگ را، انفصال امیر پهادر جنگ متضمن منفصل شدن او از تمام مقاماتی است که داراست هم مقامات در کابینته و هم در دربار. لیکن اگر شاه اظهار مخالفت زیادی در اخراج این شخص از دریار بنماید دولتین در این نکته چندان اصراری نخواهند نمود.

(۲) دولتین روس و انگلیس تجدید تأسیس حکومت شوروی در ایران را بوسیله اجرای فوری اصلاحات مشروحة در مواد ذیل از شاه تحصیل خواهند نمود:

(۳) دولتین از شاه تقاضا خواهند نمود که کابینه‌ای تشکیل بدهند که مرکب باشد از اشخاص قابل‌الاعتماد ثقه. بهمچنین بدون تأخیر افزوده شدن یک عدد اشخاص تربیت شده از فرق مختلف به مجلس شورای مملکتی. و به مجلس شورای مزبور اختیار داده بشود که قانون انتخابات جدیدی طرح و تهیه نمایند. سفارتین انگلیس و روس در طهران بطور خصوصی یک صورتی از اشخاص داوطلب که برای ترکیب کابینه و مجلس شورای مملکتی انسب واصوب باشند به اعلیحضرت شاه تقدیم خواهند داشت. معلوم است اگر اراده شاه به انتخاب اشخاصی تعلق یگیرد که محل اعتماد و وثوق لازمه نباشد بهمچوچه پولی به دولت ایران قرض داده نخواهد شد.

(۴) دولتین از اعلیحضرت شاه تقاضا خواهند نمود که به تمام اشخاصی که برعلیه [= علیه] او تحت سلاح رفته‌اند و مقصريین پلیتیکی هستند عفو عمومی اعطاء بنمایند. این اقدام طبیعتاً شامل حال آن انقلابیونی که مرتكب خلاف و تمرد نسبت به قانون عمومی شده‌اند نخواهد بود. در خصوص اشخاص متهم به چپاول و سایر جنایات که هیجان و غلیان مشروطیت را برای مبادرت به خطایا بضد قانون عمومی مغتنم شمرده‌اند از دولت اعلیحضرت شاه تقاضا خواهد شد که اطمینان بدهند که هیچ مجازاتی در حق آنها اعمال نخواهند نمود بجز اینکه در محکمه بیطرفی آنها را تحت محکمه بیاورند چنانچه در مورد اشخاصی که به سفارت انگلیس در طهران پناهند شده بودند معمول گردید.

(۵) دولتین روس و انگلیس بعلاوه تقاضا خواهند نمود که فوراً موعدی برای انتخابات پارلمانی معین بشود بهمچنین برای تشکیل مجلس. این موهدها باید بدون تأخیر به تمام مملکت اعلان پگردد.

(۶) همینکه اقدامات مسطوره درمداد پنج گانه فوق را اعیان‌حضرت شاه به‌موقع اجراء گذاردند دولت روس ممکن است اگر لازم بداند مبلغ دو میلیون و پانصد هزار فرانک به‌جهت مصارف فوری که برای اصلاحات مقدماتی لازم است به‌دولت ایران قرض بدهد. دولت انگلیس هم از طرف خودشان اگر لازم دانستند بمحض اینکه مجلس منتخبه پروژه یک استقراب خارجی را که یا مبلغ معتبرابه باشد یا مبلغ کمی تصویب نمود یک همچه مبلغی به‌دولت اعیان‌حضرت شاه قرض خواهند داد. در صورت چنین تصویبی از طرف مجلس دولتین برای اختتام عمل این استقراب با دولت ایران تقویت و مساعدت خواهند نمود. عقیده دولت اعیان‌حضرت امپراطوری براین است که اجرای پرگرام فوق‌الذکر متضمن یگانه وسائل رهایی دولت ایران از وضع چاره‌ناپذیر کنونی است که در آن مستغرق است و اگر اعیان‌حضرت شاه این پرگرام را با تمام جزئیاتش قبول ننمایند تنها طریقی که برای دولت روس و دولت انگلیس باقی بماند این است که دست از صلاح‌اندیشی خود برداشته و محمد علی شاه را به حال خود بگذارد و پس از آن اعیان‌حضرت معظم دیگر نمی‌تواند متکی به مساعدت دولتین بوده و متوجه تقویتی از طرف آنها باشد. بنابراین دولت روس مصلحت براین می‌دانند که نایندگان دولتین روس و انگلیس در ضمن تقدیم داشتن پرگرام فوق‌الذکر به اعیان‌حضرت شاه یک اطمینان قطعی به‌این مقام بنمایند.

بعض اینکه سفارت کبرای دولت انگلیس به وزارت امور خارجه اعیان‌حضرت امپراطوری اطلاع پدهد که کابینه لندن مخالفتی در پیشنهاد مواد پرگرام مندرجه در این یادداشت ندارند فوراً این پرگرام تلگرافی [= تلگرافی] به شارژ دافر دولت روس مقیم طهران مخابره خواهد شد که با تفاق وزیر مختار دولت انگلیس مراتب مصوبه را بدشاه عرضه پدارند.

از سن پطرز بورغ، ۸ آوریل ۱۹۰۹
[۱۳۲۷] فروردین ۱۲۸۸ ع ۱ - ۱۷

نمره - ۱۷۸

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادواره گردی (واصله در ۱۳ آوریل)
از طهران، ۱۳ آوریل ۱۹۰۹
[۱۳۲۷] فروردین ۱۲۸۸ ع ۱ - ۲۲

عایدات گمرک بوشهر

تلگراف ذیل موخره ۱۲ شهر جاری از جنرال قنسول انگلیس مقیم بوشهر رسیده:

«در هشتم آوریل سید مرتضی به تجاری که عایدات به اسام آنها امامت سپرده شده فشار آورد که مداخله ننموده و تتمه عایدات را پداو به پردازند. لهذا کلیه عایدات از ۲۳ مارس را که قریب بیست هزار تومان بود سید و متابعینش دریافت داشتند، پنجاه نفر از قشون پحری که دیروز پیاده شدند در اسکله گمرک که بعد کفایت محل برای آنها دارد گماشته شد. بعلاوه، نظر به وضع هوا و سهل بودن جلوگیری از آنجا از ورود تفنگچیان دیگری که انتظار ورود آنها از طرف بندر هست آن محل بسیار مناسبی است.

اگر قبل از قرارداد اخیر این مسئله، باز سید در صدد دریافت عایدات بیشتر بروآید گمان می‌کنم بواسطه همین عده قشونی که فعلا در اینجا گماشته شده ممکن است چلوگیری از این اقدام نمود.»

شرح ذیل را من در جواب مخابره نموده‌ام:

«با پیشنهاد مسطوره در عبارت آخر تلگراف شما مخالفتی نیست.

لطف نموده به سید مرتضی و سایر ملیون بگویید که اگر یک قرار مرضی که باعث تأمین حقوق ما باشد داده نشود ما مجبور خواهیم شد که در امکان تصرف نمودن گمرک اعمق نظر بنماییم. و حال آنکه ما نهایت اشتیاق را داریم که از اقدام به‌چنین امری احتراز بجوییم. بهترین شقوق این است که عایدات گمرک را مأمورین بلژیکی در گمرکخانه نگاه بدارند تاما یک قرار رضایت‌بخشی با اولیای یک دسته ملیون مسؤولی بدهیم.

نمره - ۱۷۹

تلگراف سرادوارد گری به سنتیکلسن

از وزارت خارجه، ۱۳ آوریل ۱۹۰۹

[۲۴] فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۲ ع ۱ - ۱۳۲۷

لطف نموده نظریات دولت روس را در باب پیشنهاد قنسول مندرجہ در تلگراف ۱۱ شهر جاری از طهران که به شما هم مخابره شده کسب بنمایید. من در آن پیشنهاد مخالفتی فرض نمی‌کنم و در صورتی که دولت روس هم مخالفتی نداشته باشند آن را تصویب نموده و برطبق آن تعليمات خواهم داد.

نمره - ۱۸۰

تلگراف سراجچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۱۴ آوریل)

از طهران، ۱۴ آوریل ۱۹۰۹

[۲۵] فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۳ ع ۱ - ۱۳۲۷

کرمان

من در صده جلب توجه دولت ایران به اوضاع کرمان هستم که سوای جاده به مشهد تمام طرق مسدودند. بهر صورت یعنی عجله نمودن در حرکت حاکمی که جدیداً تعیین شده هیچ کار دیگری نمی‌توان کرد. قنسول انگلیس راپورت می‌دهد که تمام قدرت در شهر زایل شده، نان کمیاب است و اجمع اگرسته دکانهای خبازی را چپو کرده‌اند.

نمره - ۱۸۱

تلگراف سرجارج بارکلی به سرا دوارد گری (واصله در ۱۴ آوریل)
از طهران، ۱۴ آوریل ۱۹۰۹
[۱۳۲۷ فروردین ۱۲۸۸] ۱ - ۲۳ ع

بوشهر

تلگراف ذیل، مورخه ۱۴ آوریل از چنرال قنسول انگلیس مقیم بوشهر رسیده: «سید مرتضی هنوز در نگاهداشتمن دویست الی سیصد نفر تفنگچی اصرار دارد. شهر به حالت وحشت‌زدگی است و امور به عهده تعطیل است. تهاجمی از طرف این تفنگچیان پیش‌بینی می‌شود و باین جهت بازارها و حتی دکانها هنوز یسته‌اند. اگر یک راه نجاتی بزودی حاصل نشود بیم آن است که اهالی بالتمام در چنرال قنسولگری انگلیس پناه‌نده شوند».

تمام مردم اکنون تصدیق دارند که غرض سید از خودآرایی به لباس ملیت فقط اجرای مقاصد غارتگری خودش است. سه نفر از رؤسای نامی دشتی و تنگستان شرحبی به من نوشته و از نیت خودشان در موافقت با تقاضاهای من اشاره نموده‌اند. ملیون و شاه پرستان عمه در بین اهالی ایرانی نظریات خودشان را در باب اوضاع به من ابراز داشته‌اند. آنها بلا استثناء تصور می‌کنند که سید باید از بوشهر خارج شود واراثه طریق می‌تمایند که روانه نجف بشود که علمای آنجا هماز اعمال او مسبوقند. بر همه آنها متساویًا یقین است که با بودن او اعاده نظم غیر ممکن است. نظر به این مقتضیات می‌توانید به بندۀ اجازه بدھید که چون ملیون بدون کمک ماقوت کافی برای تبعید او ندارند من اقدام به اجرای این امر بتمایم؟ نهایت لزوم را دارد که این اقدام بقوریت اعمال بشود».

در جواب شرح ذیل را من به مأذور کاکس مخابرہ نمودم: «قبل از این به شما اختیار داده شده که اگر حضور تنگستانیها متضمن خطر حقیقی برای جان اتباع خارجه باشد قشون بحری را برای اخراج آنها بکار ببرید. من نمی‌توانم پیشنهاد شما را بدون اجازه دولت اعلیحضرتی تصویب بتمایم مگر اینکه حضور سید یک همچه خطری را در بن داشته باشد».

نمره - ۱۸۲

تلگراف سر ادواردگری به سرجارج بارکلی

از وزارت خارجه، ۱۴ آوریل ۱۹۰۹

[۲۵ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۲۳ ع - ۱۳۲۷]

اقدام شما را که در طی تلگراف ۱۲ آوریل را پورت داده بودید تصویب می‌نمایم. دولت ایران بمحض عهدنامه متعهد شده‌اند که اتباع دول و اهل ممالک خارجه را «محترم داشته و مؤثرانه محفوظ بدارند».

علی‌هذا در موقع لزوم شما باید به دولت مشارالیها اصرار بنمایید که یا بگذارند اتباع خارجه مقیمین تبریز از شهر خارج بشوند یا بگذارند مقدار کافی آذوقه داخل شهر بشود.

نمره - ۱۸۳

تلگراف سر ادواردگری به سرجارج بارکلی

از وزارت خارجه، ۱۴ آوریل ۱۹۰۹

[۲۵ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۲۳ ع - ۱۳۲۷]

ارائه طریقی که جنرال قنسول انگلیس در تبعید سید از بوشهر در طی تلگراف خودش تموده بود و شما در تلگراف ۱۴ آوریل خودتان بهمن تکرار کرده بودید که غالباً میلیون و شاه پرستان در این تقاضا متفق شده‌اند از مقصودی که برای آن قشون پیاده شده تجاوز خواهد کرد یعنی حفظ جان و مال اتباع انگلیس و سایر ملل مقیمین آنجا. بعلاوه، اگر ما باید سید را تبعید بنماییم تصمیم اینکه حکومت بوشهر به کی باید تفویض بشود هم به‌غمده ما باید باشد. اقدام به‌اخراج او عملاً ما را به حکومت آن شهر برقرار می‌دارد و مشکل است بتوان تصور کرد که چه وقت این وضع امور خاتمه‌پذیر خواهد شد چون هیچ قدرت رضایت‌بخش دیگری نخواهد بود که بتواند قائم مقام آن بشود. لهذا هیچ دلیلی تدارد که چرا نباید به‌سید اختصار بشود که اگر به اتباع انگلیس یا خارجه حمله بروده بشود در صورت لزوم برای حفظ آنها به قوّه قهریه پرعلیه [= علیه] او اقدام خواهد شد.

نمره - ۱۸۴

تلگراف سرجارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۱۵ آوریل)

از طهران، ۱۵ آوریل ۱۹۰۹

[۲۶ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۲۴ ع - ۱۳۲۷]

وضع جاده شیراز به اصفهان

جنرال قنسول انگلیس مقیم اصفهان به اتباع انگلیس اختصار تموده است که در

جاده شیراز به اصفهان مسافت ننمایند و من در کار دستورالعمل دادن به قنسول انگلیس مقیم شیراز هستم که یک اخطاریه‌ای به همین مقاد صادر بتماید.
طوابیف کهکلوئیه [= کهگیلویه] در حدود یزدخواست مشغول قتل و غارت آشکارند و وضع تمام جاده رقت‌انگیز است.

تمره - ۱۸۵

تلگراف سر جارج پارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۵ آوریل)
از طهران، ۱۵ آوریل ۱۹۰۹
[۲۶ فروردین ۱۲۸۸: ۲۴ ع ۱ - ۱۳۲۷]

مذاکرات صلح تبریز

در طی تلگراف ۱۱ شهر جاری خودم اشاره نمودم که پاره‌ای مذاکرات معینه صلح در تحت مذاقه و نظر ملیون تبریز و شاه پرستان است.
این مذاکرات از باسمنج (اردوی عین‌الدوله) با طهران در میان است. تا حال علامت خوشی از آن مستفاد نشده.

تمره - ۱۸۶

مکتب سر ادوارد گری به سر نیکلسن
از وزارت خارجه، ۱۵ آوریل ۱۹۰۹
[۲۶ فروردین ۱۲۸۸: ۲۴ ع ۱ - ۱۳۲۷]

آقا

معاون سفیرکبیر دولت روس در ۱۰ شهر حال به این اداره آمد و به مسیر ملت اطلاع داد که تلگرافی از وزیر امور خارجه دولت روس به او رسیده مبنی بر اینکه وزیر معظم له بجنابعالی اطلاع داده است که دولت روس مشغول اعماق نظر در صلاحیت اعزام قشون برای مفتوح نگاهداشت راه بین انتزلي و طهران هستند ولی بدون اعلان قبل از وقت به دولت اعلیحضرتی انگلیس اقدامی در اجرای این عزم نخواهند نمود.
مسیو یکلوسکی معاون مزبور عقیده‌اش این بود که اگر این اقدام با اطمینان مشترکه به اعلیحضرت شاه برای اعطای مشروطه مصادف بشود نمی‌توان حمل به این نمود که این اقدام محض تقویت اعلیحضرت معظم اعمال شده.

امضا ا. گری

نمره - ۱۸۷

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۱۶ آوریل ۱۹۰۹)
از سن پطرزبورغ، ۱۶ آوریل ۱۹۰۹
[۲۷ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۵ ع ۱ - ۱۳۲۷]

رجوع به تلگراف ۱۳ شهر جاری جنایعالی
پیشنهاداتی را که جنرال قنسول انگلیس مقیم تبریز نموده دولت روس قبول کردند
و به نماینده قنسولگری تبریز خودشان تعليمات دادند که به معیت مستر راتیسلا عمل
بنماید.

از اطلاعاتی که به دولت روس رسیده عقیده شان براین است که تقاضای ملیون از
این قرار است که یک مشروطه ای و یک عقو عمومی کاملی باید اعطاء بشود و به
کسانی که اسلحه شان متعلق به خودشان است اجازه داده شود که اسلحه خود را نگاه
بدارند لیکن اسلحه ای که متعلق به دولت ایران باشد تسليم خواهد شد و بالاخره یک
تأمین دیپلوماسی لازم است که اساس سابقه مجدداً تأسیس نخواهد شد.

به عقیده دولت روس صلاح اندیشی که دولتين می خواهند بطریق مؤکدی به اعلیحضرت
شاه عرضه بدارند با حوالج ملیون موافقت دارد. در باب تأمین دیپلوماسی منظوره
دولت روس ارائه طریق می نمایند که يحتمل بشود به اولیای ملیون خاطرنشان نمود که
 بواسطه اعمال اصلاحاتی که دولتين به شاه اصرار دارند که قبول بنماید اساس سابقه
بکلی خاتمه خواهد پذیرفت.

نمره - ۱۸۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۶ آوریل ۱۹۰۹)
از طهران، ۱۶ آوریل ۱۹۰۹
[۲۷ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۵ ع ۱ - ۱۳۲۷]

اتباع خارجه در تبریز

تا حال جوابی در باب دخول آذوقه در شهر بهمن نرسیده.
جنرال قنسول انگلیس راپورت می دهد که اتباع روس در خروج از شهر بی میلند
و تصور می کند که اتباع انگلیس هم از خروج امتناع بنمایند و به هر صورت ملیون
نخواهند گذارد که آنها از شهر خارج بشوند. او صلاح نمی داند که در این موضوع
به شاه اصرار بشود چونکه او ممکن است اسباب تسهیل خروج آنها را از شهر فراهم
بیاورد و آنوقت هر نوع مسولیت دیگری را از عبده خود ساقط بداند. او نیز راپورت
می دهد که اتباع انگلیس می توانند با جزئی زحمتی تا یک مدت دیگری مداومت بنمایند.
من با نظریات مستر راتیسلا موافقت دارم و بجز اقدامی که در تلگراف ۱۲ شهر
حال خودم راپورت داده ام فعلای می اقدام دیگری در باب سلامت خارج شدن آنها از شهر
تصور نمی نمایم. این شرح راجع به تلگراف ۱۴ شهر جاری جنایعالی است.

نمره - ۱۸۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۶ آوریل)

از طهران ۱۶ آوریل ۱۹۰۹

[۲۷ فروردین ۱۲۸۸ : ۲۵ ع ۱ - ۱۳۲۷]

تبیریز

تلگراف ذیل از جنرال قنسول انگلیس به من رسیده:
«ما هنوز منتظر نتیجه مذاکرات صلح در باسمخ هستیم. آنها باید از دسته ملیون
زمام اختیار شهر در دست آنهاست از تقاضاهای اصلی خود تجاوز نخواهد نمود و آن
تقاضاهای از قرار معلوم اینند:

(۱) اعادة مشروطیت؛

(۲) عفو عمومی کامل؛

(۳) حرکت تمام قشون دولتی خصوصاً قشون چریک؛

(۴) نگاهداری کلیه اسلحهای که متعلق به دولت تیست؛

(۵) تعیین والی که مقبول تبریز باشد. (سه فقره اسامی ذیل در این مورد ذکر شده:
سعدالدوله، مخبرالسلطنه، امامقلی میرزا)

(۶) دول خارجه باید ضمانت این شرایط را بنمایند.

از طرف دیگر عامة اهالی هیچ چیز نمی‌خواهند مگر اینکه خاتمه پذیرفتن وضع
پر زحمت حاضره را ببینند. اگر دولتين مقتضی بدانند برای انجام این امر باید به شاه
فشار بیاورند که این شرایط را قبول بنماید یا آن نوع عبارات جرح و تعدیل شدهای
را که ممکن است ملیون بواسطه مقتضیات عسرت و تضییق مجبور بدقبول آن بشوند.

شهر فعل آرام است ولی تنگی آذوقه خیلی مؤثر است.

قسمت ۲: یک ضمانت خارجی برای حکومت شوروی به عبارت جرح و تعدیل شدهای
زودتر این معما را حل خواهد نمود.

بهرجهت من و همکار روسمیم تصور می‌کنیم که در صورت اصرار به تسلیم شهر
شرایط ذیل بفوریت لازم است:

(۱) ایلیاتیان در تحت رحیم خان و صدخدان باید لااقل به مسافت بیست میل دور
بشنوند و در هیچ صورتی مجاز به داخل شدن شهر نباشند.

(۲) هر شخصی که از عفو عمومی مستثنی بشود باید موافق عادت معمول گزارده بشود
که در قنسولگریها تحصن اختیار نماید.

(۳) برای تسلیم اسلحه و آلات ناریه باید طرفین قراری مابین خود پدهند.

(۴) باید تعليمات داده بشود که جمیع استعداد عینالدوله در محل کنونی خود باقی
بمانند لیکن فقط به قزاق ایرانی اجازه داده بشود که برای استقرار نظم با عینالدوله
داخل شهر بشوند.

(۵) باید به عین‌الدوله تعلیمات داده بشود که در استقرار نظم در شهر مراقبت نموده و با اظهارات مشترکی که راجع به تسليم شهر از طرف ما بشود موافقت بنماید.
ما صلاح نمی‌دانیم که هیچ تقویت تقاضا نشده‌ای در موضوع فوق عرضه بشود ولی اگر مذاکرات صلح به جایی نکشد (چون احتمال آن می‌رود) و کمکی از خارج نرسد ملیون مجبور خواهد شد که مسئله تسليم را با شرایط سهل‌تری در نظر بگیرند پس از آن محتمل است که به‌ما مراجعة نمایند و به‌عقیده ما آن موقعی است از برای اینکه ما پیشنهادات خودمان را اظهار بداریم.

در خصوص ضمانت دادن احتیاط زیاد لازم است.

قسمت ۳: مقتضیات فعلی باعث اتخاذ این تصمیمات شده ولی اگر ملیون موفقیت غیرمنتظره‌ای در قسمت دیگر ایران حاصل نمایند و یا منازعات داخلی یا بروز خیانت ممکن است صفحه اوضاع را بکلی تغییر دهد و از نتیجه آن تغییر در تصمیم ما هم تغییر حاصل شود.

این بود تلگراف قنسول مزبور اما در خصوص قسمت اول دو ماده مهم‌ترین آن را اظهارات کلی ما بقدر کفايت حاوی است. اگر اظهارات ما نتیجه بخشید مواد ۳ و ۴ و ۵ نیز ضمناً حاصل خواهد شد اما در باب ماده ششم بیش از این ضمانت داده نخواهد شد که بدانند امتیازات حقوقی را که شاه می‌دهد از اثر نمایش‌های ما است و بیش از اینهم لازم نیست. اما در خصوص قسمت ثانی که فقط در صورت بی‌نتیجه ماندن اظهارات ما لازم خواهد شد اگر لزوم پیدا کرد قنسولها باید اهتمام در تحصیل شرایط مزبور ینمایند و ما از اینجا آنها را تأیید و تقویت می‌نماییم.

نمره - ۱۹۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۶ آوریل)

از طهران، ۱۶ آوریل ۱۹۰۹

[۲۷] قروردین ۱۲۸۸: ۲۵ ع ۱ - [۱۳۲۷]

اتباع خارجه در تبریز

دولت ایران به عین‌الدوله تعلیمات داده‌اند که اسباب تسهیل خروج اتباع خارجه را فراهم نموده و آنها را مأمون بدارد و ارائه طریق نموده‌اند که آنها باید الان از شهر خارج شوند، چنانچه من انتظار داشتم دولت مشارالیه از اجازه دخول آذوقه امتناع دارند. چنانچه قبل از این راپورت داده شده اتباع انگلیس و روس میل ندارند از تبریز خارج بشوند.

نمره - ۱۹۱

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۱۷ آوریل)

از سن پطرزبورغ، ۱۷ آوریل ۱۹۰۹

[۲۸ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۶ ع ۱ - ۱۳۲۷]

وزیر امور خارجه از شارژ دافن روس مقیم طهران شنیده است که دولت ایران از اجازه دخول آذوقه به تبریز امتناع دارند و تقاضا نموده‌اند که قنسولها از آن شهر خارج بشوند. وزیر امور خارجه براین عقیده است که دخول مقدار کثیری آذوقه برای قنسولگری‌ها ممکن است قنسولگری‌ها را در معرض خطر تهاجم اهالی قحطی‌زده بدارد و جناب معزی‌الیه استعلام می‌نماید که آیا این اقدام اعمال شدنی هست که از شاه تحصیل اجازه بشود که مقدارهای قلیل آذوقه گاه بگاه برای صرف قنسولگری‌ها و اتباع خارجه داخل بگردد. اگر جنایعالی این پیشنهاد را عمل شدنی تصور می‌نمایید جناب معزی‌الیه ارائه طریق می‌نماید که به نمایندگان انگلیس و روس تعلیمات در این باب داده بشود.

نمره - ۱۹۲

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۱۷ آوریل)

از سن پطرزبورغ، ۱۷ آوریل ۱۹۰۹

[۲۸ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۶ ع ۱ - ۱۳۲۷]

وزیر امور خارجه روس به من اطلاع می‌دهد که نظر به وقوع حوادث در استراباد و خط غارت شدن شهر به کمیسر سرحدی روس مقیم گنبد قابوس امر شده است که به عجله تمام با استعداد همراه خودش به استراباد برود.

نمره - ۱۹۳

تلگراف سر ادوارد گری به سر نیکلسن

از وزارت خارجه، ۱۷ آوریل ۱۹۰۹

[۲۸ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۶ ع ۱ - ۱۳۲۷]

رجوع به مکتوب هشتم آوریل شما

این مسئله باید معلوم باشد که ما نمی‌توانیم در این موقع خود را آلوده قرض بزرگی به دولت ایران بنماییم. چون اظهارات در طهران حالا بفوریت لازم است شما باید از مسیو ایسولسکی خواهش بنمایید که بدون تأخیر زیادتری به شرح عبارتی که من پیشنهاد می‌نمایم موافقت بنمایند.

ارائه طریقی که من می‌نمایم از قرار ذیل است:

۱) از ماده ششم یادداشت ملفووفه در مکتوب شما عبارت «پروژه یک استقرار خارجی را که یا مبلغ معنایبی باشد یا مبلغ کمی» حذف بشود و کلمات ذیل به جای آن نصب بگردد: «یمحض اینکه مجلس منتخبه این استقرار را تصویب نمود.»

(۲) بعد از عبارت فوق جمله ذیل باید بهجای «در صورت چنین تصویبی از طرف مجلس دولتین برای اختتام عمل این استقراض با دولت ایران تقویت و مساعدت خواهند نمود» نصب بشود:

«اگر چنانچه قرضه بزرگتری من بعد برای دولت ایران لازم پگردد منتها وسائل تسهیل آن قرضه حصول تأمینات معینی خواهد بود که در خصوص آن تأمینات مابین دولت ایران از طرفی و دولتین انگلیس و روس از طرف دیگری بعدها مذکرات بعمل خواهد آمد.»

نمره - ۱۹۴

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۱۸ آوریل)
از سن پطرزبورغ، ۱۸ آوریل ۱۹۰۹
[۲۹ فروردین ۱۲۸۸: ۲۷ ع ۱ - ۱۳۲۷]

رجوع به تلگراف دیروز جنابعالی

جرح و تعدیلی را که جنابعالی پیشنهاد نموده اید دولت روس قبول دارند و فردا تلگرافاً [= تلگرافی] به شارژ دافر روس مقیم طهران تعليمات لازمه خواهند داد که بدون تأخیر زیادتری پرگرام متبرور را به اعلیحضرت شاه تقدیم بدارد.

نمره - ۱۹۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۸ آوریل)
از طهران، ۱۸ آوریل ۱۹۰۹
[۲۹ فروردین ۱۲۸۸: ۲۷ ع ۱ - ۱۳۲۷]

وضع اتباع خارجه در تبریز

تلگراف ذیل مورخه ۱۷ آوریل از جنرال قنسول انگلیس مقیم تبریز به من رسیده:
«عقیده من براین است که مقدار آذوقه عامه خیلی کمتر از اندازه‌ای است که بدوآ به من اطلاع داده شده بود. لیکن از قرار معلوم یک مقداری برای عساکر هست که میزان آن را ظاهراً نمی‌شود معین کرد، او ضایع خیلی متزلزل است و اعضاء انجمن اشاره نموده‌اند که شدت هرج و مرچی که احتمال وقوعش تهدیدی‌نماید بر اروپائیان هم تحمیل خواهد نمود.

امروز عصر من و همکار روسمیم به انجمن دعوت شده بودیم. اعضاء انجمن اظهار داشتند که اگر یفوریت یک کاری برای رهایی از وضع حاضر نشود احتمال بلووا و انقلاب وحیمی می‌رود چون مقدار آذوقه (جز برای عساکر) خیلی قلیل است. آنها از

ما خواهش نمودند که تمنای آنها را به سفارتین تبلیغ بنماییم که شاه را مجبور به قبول پیشنهادات ذیل بنمایند:

- ۱) صد و پنجاه خروار گندم برای فقراء که آنها تعهد می‌نمایند صرف جنگیان نشود از راه باسمنج که برای این امر باید مفتوح بشود ارسال یگردد.
- ۲) جنگ باید متارکه بشود و متعاقب آن راه مفتوح بگردد.
- ۳) آنها با شاه و سایر شهرهای ایران داخل مذاکرات خواهند شد برای اینکه بتوسط نماینده‌های منتخبه ایشان یک قرار کلی داده شود.

انجمن مزبور از سفارتین استدعا دارند که در این تقاضا بدانها تقویت نموده و به شاه خاطر نشان بنمایند که اهالی آذربایجان جنگ و جدالی یا آن اعلیحضرت ندارند بلکه فقط برای حفظ قانون اساسی و مشروطیت تحت سلاح رفته‌اند.

معهود بود که رؤسای نظامی هم در این موقع حضور بهم رسانند ولی حاضر نشدند. من و همکار روسمی اظهار داشتیم گرچه احتمال مقبول افتادن پیشنهادات آنها نمی‌رود ولی وعده نمودیم که با تقاضای آنها موافقت بنماییم.

امروز صبح ایالتی شرحی بر طبق بیانات فوق به قنسولها نوشته و درخواست نموده بودند که برای خبر اتباع داخله و خارجه متساویاً اقدام بنمایند. دیگر اشعار داشته بودند که تا حال همانطور که به‌اصل شیر آذوقه داده شده به‌اتباع خارجه هم رسانده شده ولی از این به‌بعد آذوقه کمیاب خواهد بود».

در جواب من به‌جنرال قنسول انگلیس تعلیمات دادم که به ملیون اطلاع بدهد که هر آسیبی بتوسط آنها به‌اتباع خارجه وارد بیاید ممکن است باعث خسران چاره‌ناپذیر برای مقاصد آنها یگردد.

به نظر من اهتمام در قیولاندن پیشنهادات انجمن به‌شاه بکلی بی‌فائده است.

نمره - ۱۹۶

تلگراف سر جارج یارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۸ آوریل)

از طهران، ۱۸ آوریل ۱۹۰۹

[۱۳۲۷ - ۱ ع ۲۷ : ۱۲۸۸ فروردین]

همکار روسمی به من اطلاع می‌دهد که یک استعدادی از شاهسونها بطرف رشت حرکت نموده‌اند. این قشون در تحت فرمان شاه است.

او نیز به من اظهار می‌دارد که ظاهراً استراپاد دستخوش ترکمان‌هایی است که مطبع اوامر اعلیحضرت معظم هستند.

نمره - ۱۹۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۸ آوریل)

از طهران، ۱۸ آوریل ۱۹۰۹

[۲۹] فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۷ ع ۱ - [۱۳۲۷]

بدبختانه بواسطه خبر وقایع جدیده در اسلامبول وضع و مسلک اعلیحضرت تقویتی حاصل نموده.

تمام دسته متوجه نیز بواسطه وضع متزلزل تبریز و موفقیتهای ترکمانها در استرآباد و امید حمله شاهسونها به رشت که در تلگراف امروزه ینده مذکور شده جرأت و قدرت پسیار پیدا نموده.

مسیو سیلین [= سایلین] یا من متفق الرأی است که نظر به و خامت وضع تبریز ما باید فوراً اظهارات کلی خود را به شاه ینماییم.

نمره - ۱۹۸

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

از وزارت خارجه، ۱۹ آوریل ۱۹۰۹

[۳۰] فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۸ ع ۱ - [۱۳۲۷]

پیشنهادات روس و انگلیس در طهران

اظهارات کلیه مشترکه را دقتاً شروع ینمایید.

نمره - ۱۹۹

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۱۹ آوریل)

از سن پطرزبورغ، ۱۹ آوریل ۱۹۰۹

[۳۰] فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۸ ع ۱ - [۱۳۲۷]

تبریز

دولت روس صلاحیت این مسئله را تحت نظر آورده اند که شاه را تهدید ینمایند که اگر مقدار معینی آذوقه داخل شهر نشود خود آنها اقدام در دخول آذوقه خواهند نمود و اگر لازم بشود برای اجرای این امر متول به قوای قهریه خواهند شد. مسیو ایسولسکی اظهار می دارد بواسطه تجهیز یک قشونی از جلفا این تصمیم را می توان اعمال نمود و در این موضوع با همکاری خود در کابینه مشورت خواهد نمود. جناب معزی الیه تصریح می نماید که نمی توان گذاره اتباع خارجه در تبریز از جوع تلف بشوند.

مسیو ایسولسکی به من اطلاع داد که قفقازیان از رشت، آستارا و جان قنسول روس مقیم آنجا را تهدید می نمایند. چون در جوار سرحد روس واقع است احتمال دارد برای محافظت قنسول روس قشون حرکت داده بشود.

پرگرام امروز عصر به مسیو سبلین [= سابلین] مخابرہ شد.

نمره - ۲۰۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۹ آوریل)
از طهران، ۱۹ آوریل ۱۹۰۹
[۳۰ فروردین ۱۲۸۸ ع ۲۸ - ۱ - ۱۳۲۷]

تبریز

تلگراف ذیل مورخه ۱۸ شهر حال از جنرال قنسول انگلیس مقیم تبریز رسیده:
«امروز نان خیلی کساد بود و تا فردا یاز کمیاب تر هم خواهد شد. منبع خطر عمده
فعلا در کثرت عده فقرای گرسنه است که ممکن است هر آن بدخانهایی که تصور پکند
احتمال یافت شدن اغذیه در آنها می‌رود هجوم ببرند. عجالتا از طرف خود ملیون خطر
کمتر است.»

نمره - ۲۰۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۹ آوریل)
از طهران، ۱۹ آوریل ۱۹۰۹
[۳۰ فروردین ۱۲۸۸ ع ۲۸ - ۱ - ۱۳۲۷]

تمدید تمهاجم به قنسولگریها در تبریز

تلگراف ذیل از جنرال قنسول انگلیس مقیم تبریز به من رسیده.
«زتها در یک امامزاده‌ای جمع شده و برای نان فریاد و فغان می‌کنند.
مسئله مذاکرات صلح محل بحث گردیده لیکن از قرار مسموع رؤسای نظامی مخالف
این عقیده هستند. ثقة‌الاسلام که قبل از این از باسمنج با شاه مشغول مذاکرات صلح
بوده از انجمن تقاضا نموده که نماینده بفرستند.
هم به من و هم به همکار روسم خبر رسیده که ملیون امیدی دارند که بواسطه حمله
به قنسولگریهای روس و انگلیس و اتباع آنها مداخله روس را که برتسیم شدن به شاه
مرجع است حاصل بنمایند.

«اهمیت یک عقلشان زایل شده و هر التجاء و تشیشی به حسیات مشروطه خواهی آنها
بی‌حاصل است. لهذا اگر موقع مقتضی بدست بیاید من به آنها خواهم گفت که جان یکنفر
قنسول انگلیسی برای دولت اعلیحضرتی انگلیس اینقدرها قدر و قیمتی ندارد و از
مقتول نمودن یک نفر تباید امید نتیجه خیلی زیادی داشته باشند.»
من به مستر راتیسلا اطلاع دادم که ما امیدواریم اظهارات خودمان را فردا یا روز

چهارشنبه بتمایم. من به او تعلیمات دادم که از این مسئله ملیون را آگاه بنمایم.

نمره - ۲۰۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۹ آوریل)

از طهران، ۱۹ آوریل ۱۹۰۹

[۳۰ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۸ ع ۱ - ۱۳۲۷]

تبیین

تلگراف ذیل راجع به تلگراف امروز من از جنرال قنسول انگلیس مقیم تبریز رسیده:

«در اینجا صحبت است که آخرین جد و جهد را برای برداشت محاصره امشب بعمل بیاورند.

«ستارخان و باقرخان که از هیجان و حلقیان عامه برعلیه قوای نظامی خوف دارند از قرار مسموع امیدوارند تحریفی در این هیجان بتمایند که منجر به مداخله خارجه بشود و در نتیجه این اقدام ممکن است قردا به قنسولگریها حمله برد شود.»

نمره - ۲۰۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۹ آوریل)

از طهران، ۱۹ آوریل ۱۹۰۹

[۳۰ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۸ ع ۱ - ۱۳۲۷]

به جنرال قنسول انگلیس مقیم تبریز اطلاع داده ام که اگر به من و همکار روسمیم تعلیمات برسد فردا ما پیشتهادات خود را به شاه تقدیم خواهیم داشت ولی به هر صورت ما در صددیم که قردا به حضور شاه شرفیاب بشویم و در موقع تشریف ما به اعلیحضرت معظم اخطار خواهیم نمود که هر گاه صدمه ای به قنسولگریها می یا سایر اتباع خارجه وارد بیاید ما شخص آن اعلیحضرت را مسؤول خواهیم دانست. ضمناً ما در لزوم مشارکه جنگ و دخول آذوقه به شهر به آن اعلیحضرت اصرار خواهیم کرد.

ما این اظهارات را بجهت مخاطرات مهمه ای که اتباع خارجه را در تبریز تهدید می نماید خواهیم کرد.

نمره - ۲۰۴

تلگراف سر ادوارد گری به سرتیکلسن

از وزارت خارجه، ۱۹ آوریل ۱۹۰۹

[۳۰ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۸ ع ۱ - ۱۳۲۷]

رجوع به تلگراف ۱۷ شهر جاری شما

ممکن است مصلحت براین بشود که دولتین روس و انگلیس به قنسولهای خودشان اصرار بنمایند که از تبریز خارج بشوند و هریک از اتباع خارجه دیگری راهم که مایل به خروج از شهر باشند همراه خود ببرند، باید به شاه اخطار پشود که هر نوع خسارت و ضرری که به آنها وارد بیاید کاملاً جبران پشود و از این بابت باید قنسولها و اتباع خارجه را هم مستحضر نمود.

نمره - ۲۰۵

تلگراف سرادوارد گری به سرچارج بارکلی

از وزارت خارجه، ۱۹ آوریل ۱۹۰۹

[۳۰ فروردین ۱۲۸۸ ع ۲۸ - ۱]

چنانچه در تلگراف امروز خودتان راپورت داده اید تعلیمات شما به ژنرال قنسول انگلیس مقیم تبریز را تصویب می نمایم، علی الفاظ روزنامه امیدی در بموضع رسیدن قشون که فایده ای برای نجات خارجه ها [= خارجی ها] مقیم تبریز داشته باشد نیست ولی البته در صورتی که دولت روس بخواهد آنها را اعزام بدارد ما نمی توانیم مخالفتی داشته باشیم.

نمره - ۲۰۶

تلگراف سرنیکلسن به سرادوارد گری (واصله در ۲۰ آوریل)

از سن پطرز بورغ، ۲۰ آوریل ۱۹۰۹

[۳۱ فروردین ۱۲۸۸ ع ۲۹ - ۱]

وضع تبریز

دیروز به شارژ دافر روس مقیم طهران تعلیمات داده شد که دفعتاً به شاه اطلاع بدهد که اگر فوراً به تبریز امتنشود که روزی صدوپنجاه خروار گندم وارد شهر نمایند خود دولت روس اقدامات برای دخول مقدار لازمه آذوقه بعمل خواهد آورد، بعلاوه به قنسول روس مقیم تبریز تعلیمات داده شدکه از مقاد این اظهار که به شاه شده اهالی تبریز را مستحضر بدارد.

در جواب سؤال امروز من که آیا دولت روس یک عدد قلیلی قزاق نخواهد فرستاد که قنسولها و سایر اتباع خارجه ای را که میل به متارکه شهر داشته باشند از شهر بیرون ببرند مسیوایسولسکی اظهار داشتند که اعزام یک عدد قلیلی خطر خواهد داشت و یک دسته معتمد این قشون لازم خواهد بود، عدد لازمه را مأمورینی که در آن محل هستند باید معین بنمایند، قزاق در حرکت اجباری ممکن است دو روزه از جلفا

به تبریز برسد ولی قشون دیگری سه روزه خواهد بود. مسیو ایسولسکی اظهار نمودند آیا اولی آن نیست که شروع به عملیات را بیست و چهار ساعت دیگر تعویق بیندازیم تا نتیجه اقدامات مسیو سبلین [= سابلین] در طهران و نتیجه شایعه قنسول روس در تبریز معلوم بگردد؟ اگر چنانچه تمدید شده امروز حمله‌ای به قنسولگریها برده شود دیگر قشون بموضع تغواهه رسید و از طرف دیگر ممکن است که شاه بر طبق پیشنهادی که مسیو سبلین [= سابلین] به او تموده است عمل نماید. در این موضوع من جواب دادم که بموجب اطلاعی که به من رسیده چندان امیدی در توافق شاه نمی‌رود. تأمین قنسولها مقصود عده‌ای است که باید منظور بگردد. مسیو ایسولسکی وعده نمود که با وزیر جنگ مشورت نموده و از نتیجه رأی قطعی خودشان امروز عصر من را مطلع بدارد.

نمره - ۲۰۷

تلگراف سرنیکلسن به سرادردار گری (واصله در ۲۰ آوریل)
از سن پطرزبورغ، ۲۰ آوریل ۱۹۰۹
[۱۳۲۷ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۹ ع ۱ - ۱]

رجوع به تلگراف امروز من

الآن مسیو ایسولسکی به من اطلاع داده که رأی قطعی داده شده که یک عدد قشون روس به تبریز اعزام بگردد. تعلیماتی که به فرمانده قشون داده خواهد شد از این قرار است که وسائل تسهیل ورود آذوقه لازمه به شهر را فراهم نماید و قنسولگریها و اتباع خارجه را محافظت نموده و به اشخاصی که میل دارند از شهر خارج شوند کمک بنماید.

نمره - ۲۰۸

تلگراف سرنیکلسن به سرادردار گری (واصله در ۲۰ آوریل)
از سن پطرزبورغ، ۲۰ آوریل ۱۹۰۹
[۱۳۲۷ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۹ ع ۱ - ۱]

دولت روس بهیچوجه قصد اقدامی در تأثید هیچ یک از فریقین مخاصمین تدارد ولی به نظر من از مسلمیات است که ورود قشون روس به تبریز باعث جریان ورود آذوقه به شهر خواهد شد که در واقع با مرتفع داشتن محاصره شهر مساوی است. امروز در ضمن این مذاکره مسیو ایسولسکی اظهار داشت که دخول آذوقه منحصر ایرای اتباع خارجه از محالات امیت چون فوراً جماعت قحطی زده برای چپاول آن جدو چند خواهند نمود یا اینکه جماعت جوعزده انتقام خود را از خارجه‌ها [= خارجی‌ها]

خواهند کشید و نتیجه آن [یکی خواهد] بود. به نظر من ملیون از ورود قشون روس منتفع خواهند شد ولی من پیشنهاد می‌نمایم که مقصود عمدۀ ای که باید منظور باشد تأمین قنسولهاست حتی بوسیله اقداماتی هم باشد که مقتضیات آن را لازم نموده و برای جنبش عمومی در تبریز نافع واقع گردیده.

نمره - ۲۰۹

تلگراف سراجچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۰ آوریل)
از طهران، ۲۰ آوریل ۱۹۰۹
[۳۱ فروردین ۱۲۸۸: ۲۹ ع ۱ - ۱۳۲۷]

وضع اتباع خارجه در تبریز

امروز صبح من تلگرافا [= تلگرافی] به جنرال قنسول انگلیس تعلیمات دادم که اگر ممکن باشد اشاعه بدده که نتیجه طغیانی که برعلیه [= علیه] اتباع خارجه در نظر است مجازات و تنبیه سخت اشخاص مسؤول خواهد بود و کسانی که دخیل در این امر بشوند از عفو عمومی که ممکن است اعطاء بشود مستثنی خواهند گردید.

نمره - ۲۱۰

تلگراف سراجچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۰ آوریل)
از طهران، ۲۰ آوریل ۱۹۰۹
[۳۱ فروردین ۱۲۸۸: ۲۹ ع ۱ - ۱۳۲۷]

تبریز

در موقع شرفیابی امروز صبح من و همکار روسیم، اعلیحضرت شاه و عده نمودند که تعلیمات تلگرافی به عنین الدوله بدهند که تا ظهر روز ۲۶ شهر حال اجازه دخول آذوقه به تبریز داده شود، در عرض مدت مزبور جنگ متارکه خواهد بود. دخول آذوقه البته مشروط به احتراز ملیون از هر حمله‌ای به قشون شاه پرستان است.

ما به جنرال قنسولهای تبریز خودمان اطلاع دادیم که اگر دسته ملیون بخواهند نتیجه اصلاحی از مذاکرات صلح اخذ شود لازم است که تقاضاهای آنها از مبنای اطمیارات کلی ما که امیدواریم قردا بنماییم تجاوز ننماید و نیز به آنها تعلیمات دادیم که از شرایط متارکه جنگ ملیون را مستحضر نموده و آنها را مقاعد بنمایند که شرایط مزبور را رعایت بنمایند. متارکه جنگ موقع مغتنمی را برای مذاکرات صلح می‌دهد.

نمره - ۲۱۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۰ آوریل)
از طهران، ۲۰ آوریل ۱۹۰۹
[۳۱ فروردین ۱۲۸۸: ۲۹ ع ۱ - ۱۳۲۷]

تبریز

رجوع به تلگراف امروز من. تلگراف ذیل از جنرال قنسول انگلیس مقیم تبریز
رسیده:
«امروز طلوع صبح ملیون به محل صمد خان حمله برداشت. نتیجه آن مجہول است
ولی احتمال کلی دارد که حالی از اهمیت باشد.
دیروز ستارخان تقسیم سواعقصد نسبت به قنسولگریها را به عنده باقرخان وارد
نموده و اظهار داشت که من هیچ دخالتی در آن نداشتم.»

نمره - ۲۱۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر نیکلسن

از وزارت خارجه، ۲۰ آوریل ۱۹۰۹
[۳۱ فروردین ۱۲۸۸: ۲۹ ع ۱ - ۱۳۲۷]

در باب پیشنهادات برای تقویت و محافظت اتباع خارجه در تبریز که در تلگراف
۱۹ شهر جاری شما اشعار شده هر اقدامی را که دولت روس برای محافظت اتباع
خارجه از تهاجم یا برای تهیئة آذوقه بجهت آنها اعمال بنمایند ما با کمال صمیمیت
تصویب می‌نماییم. اقدام سریع لازم است. این مسئله را محتاج به ذکر نمی‌دانم که بر
دولت انگلیس همچه مشهوم است که این نوع اقدامات منحصرآ برای حفظ جان اتباع
خارجه مقیمین تبریز اعمال می‌شود و هیچ اقدامی در تأیید و مساعدت هیچ‌کدام از
طرفین مخاصمین نخواهد شد.

نمره - ۲۱۳

تلگراف سرادوارد گری به سر نیکلسن

از وزارت خارجه، ۲۰ آوریل ۱۹۰۹

[۳۱ فروردین ۱۲۸۸: ۲۹ ع ۱ - ۱۳۲۷]

من با پیشنهاد مذکوره در تلگراف بیستم آوریل شما موافقت دارم که نظر به شش
روز اجازه ورود آذوقه به شهر و متارکه جنگ اولی آن است که تجهیز قشون روس
به تبریز به تعویق بیفتند تا کسب اطمینانی از نتیجه اظهارات مشترکه ما بشود. بهم

صورت در عرض این مدت مهلت اینقدر وقت خواهد بود که اگر اطمینانات ما نتیجه‌ای تیغشید قشون اعظام پگردد.

نمره - ۲۱۴

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

از وزارت خارجه، ۲۰ آوریل ۱۹۰۹

[۳۱ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۹ ع ۱ - ۱۳۲۷]

تبیرین

اقدامی را که در طی تلگراف بیستم آوریل خودتان راپورت داده‌اید تصویب می‌نمایم.

رجوع به تلگراف ۱۶ آوریل شما، من با دولت روس مشغول مذاکره هستم و اکنون باید به هر دو قنسول اختیار داده شود که لذی‌الاقتناء وساطت خود را تکلیف بنمایند.

نمره - ۲۱۵

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۲۱ آوریل)

از سن پطرزبورغ، ۲۱ آوریل ۱۹۰۹

[یکم اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۳۰ ع ۱ - ۱۳۲۷]

رجوع به تلگراف دیروز از طهران در باب تبیرین

نظر به اعطاع نمودن شاه شش روز متارکه جنگ و اجازه دخول آذوقه به تبیرین، مسیو ایسولسکی به من اطلاع می‌دهد که به قشون روس امر شده که از سرحد تجاوز ننمایند.

نمره - ۲۱۶

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۲۱ آوریل)

از سن پطرزبورغ، ۲۱ آوریل ۱۹۰۹

[یکم اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۳۰ ع ۱ - ۱۳۲۷]

تبیرین

دولت روس قشون خود را در جلفا حاضر نگاه خواهند داشت تا بیینندگه از متارکه جنگ چه اثری در تبیرین حاصل خواهد شد و پس از انقضای مدت متارکه چه تغییری محتمل است در وقایع روی بدهد.

امروز در ضمن صحبت با مسیو ایسولسکی چناب معزی‌الیه نظر به بقای نامنی طرق داشتند و یک اشاره‌ای درباب اعزام یک دسته کوچکی قزاق به تبریز برای بدرقه تمودن اشخاصی که ممکن است مایل به خروج از شهر باشند نمودند.

نمره - ۲۱۷

تلگراف سرچارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۱ آوریل)
از طهران، ۲۱ آوریل ۱۹۰۹
[یکم اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۳۰ ع ۱ - ۱۳۲۷]

قشون روس برای محافظت اتباع خارجه در تبریز
رجوع به تلگرافات جنابعالی به بندۀ و به سرنیکلسن که هردو مورخه ۲۰ شهر حال
بودند:

اگر از اظهارات کلی ما و اقدامات دو جنرال قنسول نتیجه‌ای که دلالت به صلح
بنماید حاصل نشود باز اتباع خارجه در خطوط خواهند بود. علی‌هذا به اعتقاد من
قشون روس باید در جلغا حاضر باشند که در هر آن بتوانند حرکت بنمایند.
قشون چریک شاه هم ممکن است از حکم واختیار عین‌الدوله خارج بشود و آنوقت
یک استعدادی برای همراه بودن با آذوقه‌ای که از جلنا می‌آید لازم خواهد بود.

نمره - ۲۱۸

تلگراف سرچارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۱ آوریل)
از طهران، ۲۱ آوریل ۱۹۰۹
[یکم اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۳۰ ع ۱ - ۱۳۲۷]

رجوع به تلگراف دیروز جنابعالی در باب وساطت بین شاه و ملیون در تبریز:
تلگراف ذیل را به جنرال قنسول انگلیس مقیم تبریز مخابره نموده‌ام:
«رجوع به تلگراف ۱۵ آوریل شما وزیر امور خارجه دولت فخیمه به من دستور
داده‌اند که به‌شما اجازه پدهم چنانچه مقتضیات وقت موجود بشود به اتفاق همکار
روسی خودتان برای مساعدت در مذاکرات صلح بین طرفین مخاصمتین حسن طلب
بنمایید.

«اگر ملیون ضمانت بخواهند همینقدر برای شما کافی خواهد بود که به‌آنها اطلاع
پدهیید که دولتين انگلیس و روس به شاه اصرار دارند که طریقة اصلاحاتی را که
کاملاً حکومت مستبدۀ سابقه را خاتمه خواهد داد اختیار بنماید.»

نمره - ۲۱۹

تلگراف سر ادوارد گری به سر نیکلسن

از وزارت خارجه، ۲۱ آوریل ۱۹۰۹

[یکم اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۳۰ ع ۱ - ۱۳۲۷]

تبریز

در جواب تلگراف بیستم شهر جاری شما اگر شاه صلاح‌اندیشی ما را رد پنمايد برای هرانتفاع اتفاقی که بواسطه مداخلت دولت روس در تبریز برای تجات اتباع خارجه ممکن است متوجه مردم ملیون بگردد آن اعليحضرت بکلی موره ملامت خواهد بود و من تصور می‌کنم يك همچه نتیجه‌ای برای اخطار به اعлиحضرت معظم فايده بسياري داشته باشد. از طرف ديگر اگر آن اعлиحضرت صلاح‌اندیشی ما را قبول پنمايد در خصوص ترتیب شرایط برای شهر چندان اشكالی باقی نخواهد ماند.

نمره - ۲۲۰

تلگراف سرچارج بارکلی به سرادردار گری (واصله در ۲۱ آوریل)

از طهران، ۲۱ آوریل ۱۹۰۹

[یکم اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۳۰ ع ۱ - ۱۳۲۷]

اظهارات کلی به شاه

چون موقع بار یافتن امروز بهحضور شاه بواسطه کسالت مراج آن اعлиحضرت به عهده تعویق افتاد ما برای شرفیابی فردا اصرار داریم.

نمره - ۲۲۱

تلگراف سرچارج بارکلی به سرادردار گری (واصله در ۲۱ آوریل)

از طهران، ۲۱ آوریل ۱۹۰۹

[یکم اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۳۰ ع ۱ - ۱۳۲۷]

تبریز

تلگراف ذیل مورخه ۲۰ آوریل از جنرال قنسول انگلیس مقیم تبریز رسیده: ما فوراً قرارداد مذاکره در تلگراف دیروز شما را به‌انجمن تبلیغ نموده و تقاضا نمودیم که از مفاد آن ستارخان رامطلع بدارند و معزی‌الیه بمحض استماع این خبر فرمان به متارکه شلیک داد. آنها از ما تمنا نمودند که تشکرات فائقة صمیمی آنها را به‌سفارتین تبلیغ پنمايیم.

من و همکار روسیم شرحی به عین‌الدوله نوشته و با زحمت بسیار انجمن را هم مقاعده نمودیم که همین اقدام را بنمایند. ما به نواب معظم‌له اطلاع دادیم که انجمن مtarکه جنگ را قبول نموده و وعده رعایت آن را داده‌اند. یک نفر تمایل‌ده جنرال قنسول‌گری روس و ویس قنسول انگلیس که حامل مراسله ما بدارد بودند در آنجا خواهند ماند که قرار جزئیات مسئله را داده و در امورات نظارت داشته باشند. ما نیز از عین‌الدوله خواهش نمودیم که قورآ اقدام در ارسال آذوقه بنماید. آیا می‌توانید اصرار بنمایید که از طهران به عین‌الدوله تأکید بشود که قدری آذوقه از ذخایر خودش پرای ما بفرستد؟ چون اگر این اقدام نشود پیم آن را دارم که دو سه روز طول بکشد تا آذوقه تحصیل بشود. ما امیدواریم فردا ستارخان را ملاقات نموده و به توسط او آنچه را که بتوانیم انجام دهیم.

www.adabestanekeave.com

نمره - ۲۲۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۲ آوریل)

از طهران، ۲۲ آوریل ۱۹۰۹

[۲ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ یکم ع ۲ - ۱۳۲۷]

اطمیارات کلی به شاه

امروز صبح اعلیحضرت شاه با نهایت دقت اطمیارات کلی را که من و همکار روسیم برای آن اعلیحضرت شرح دادیم اصغاء فرمودند.
 اعلیحضرت شاه بظاهر متأثر می‌نمودند و اگر چه هیچ داخل در مذاکره نشتدند ولی اظهار رضایت از دریافت اطمیارات ما فرمودند و وعده دادند بپروردی که ممکن بشود یک جوابی پتوسط وزیر امور خارجه به ما بدهند.
 در جواب اصرار ما برای تعیین موعدی، آن اعلیحضرت فقط توانستند به ما اطمینان بدهند که بدون تأخیر جواب خواهند داد. ما یادداشتی در موضوع اطمیارات مزبور به آن اعلیحضرت تقدیم داشتیم.

نمره - ۲۲۳

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۲۳ آوریل)

از سن پطرز بورگ، ۲۲ آوریل ۱۹۰۹

قنسول روس مقیم تبریز به وزیر امور خارجه تلگراف کرده است که هیچ دستورالعملی در پاب مtarکه جنگ به عین‌الدوله ترسییده ولی او راضی شده است که راه با سعنج را برای ورود آذوقه مفتوح بدارد. مسیو ایسولسکی از علنای ایفاء ننمودن

شاه به وعده خود و این عمل آن اعلیحضرت که برای تفکر در اظهارات سرجارج بارکلی و مسیو سبلین [= سابلین] مدت خواسته‌اند متغیر است. جناب معظم له متوجه است که اوضاع در تپرین مجدداً اهمیت حاصل نماید و عقیده آن‌جناب بر این است که برای اطمینان داشتن از صحت ورود آذوقه و محافظت اتباع خارجه در صورت غفلتاً خطرناک شدن وضع بهتر آن است که قشون روس از جلفا حرکت نموده و از سرحد پگذرند.

نمره - ۲۲۴

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۲ آوریل)
از طهران، ۲۲ آوریل ۱۹۰۹
[۱۳۲۷] ۲ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ یکم ع ۲ -

تبیریز

چون تا دیروز بعد از ظهر هنوز تعليمات به عین‌الدوله نرسیده بود ما تقاضا نموده‌ایم که سی و شش ساعت دیگر به مدت متارکه جنگ افزوده بشود.

نمره - ۲۲۵

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۲ آوریل)
از طهران، ۲۲ آوریل ۱۹۰۹
[۱۳۲۷] ۲ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ یکم ع ۲ -

تبیریز

من به جنرال‌قنسول انگلیس اجازه داده‌ام که اگر تماينده‌هایی که بنا بود دیروز انتخاب بشوند از او تقاضا بنمایند به معیت همکار روسی خودش باتفاق آنها بروند. قنسولها تصور می‌کنند که ستارخان که دیروز با آنها ملاقات نموده اظهارات مناسب و معقول را خواهد پذیرفت.

نمره - ۲۲۶

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۲ آوریل)
از طهران، ۲۲ آوریل ۱۹۰۹
[۱۳۲۷] ۲ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ یکم ع ۲ -

دخول آذوقه به تبریز

رجوع به تلگراف ۱۹ آوریل سرتیکلسن و تلگراف ۲۱ آوریل ینده هردو جنرال

قنسولها مقیمین تبریز به عین الدوّله اظهار داشته‌اند که نظر به احتمال خارج شدن عنان اختیار قشون چریک رحیم‌خان از دست و باین واسطه یحتمل مانع از حمل آذوقه از طریق جلفا شدن یک عدد کافی قشون به اتفاق آذوقه‌ای که از جلفا حمل می‌شود حرکت خواهد کرد که در مقابل هر مخالفتی که ممکن است اعمال بشود صحت عبور آذوقه را مأمون بدارند مگر اینکه سایر طرقی که به تبریز می‌آید مفتوح شود.

من تقاضا نموده‌ام که در این موضوع اوامر مستقیمه به رحیم‌خان پشود و اقدام جنرال قنسول انگلیس را هم تصویب کرده‌ام.

نمره - ۲۲۷

تلگراف سرجارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۲ آوریل)

از طهران، ۲۲ آوریل ۱۹۰۹

[۲ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ یکم ع ۲ - ۱۳۲۲]

تبریز

رجوع به تلگراف امروز خودم

در ضمن شرقيابی امروز صبح من و همکار روسیم تقاضا نمودیم که مدت متارکه جنگ ممتد یشود و از تأخیر بسیاری که آن اعلیحضرت در صدور احکام به سرکردگان خود برای ورود آذوقه به شهر مرعی داشته‌اند شکایت کردیم.

اعلیحضرت شاه به ما اطمینان دادند که تا حال تعليمات قطعی در این باب داده شده. اما در خصوص امتداد مدت متارکه جنگ، با وجود اصرار ما، اعلیحضرت معظم امتناع نموده و از ما تقاضا نمودند که بلحاظ اظهارات کلی که ما در شرف عنوان نمودن آن هستیم این مسئله را به عهده تعویق بگذاریم.

همینکه نتیجه مذاکرات صلح در تبریز و اثر اظهارات کلی ما معلوم شد اگر لازم بشود ما باز با آن اعلیحضرت اصرار خواهیم نمود.

نمره - ۲۲۸

تلگراف سرجارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۲ آوریل)

از طهران، ۲۲ آوریل ۱۹۰۹

[۲ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ یکم ع ۲ - ۱۳۲۲]

تبریز

تلگراف ذیل از جنرال قنسول انگلیس به من رسیده:

«ما الان از حاکم ملیون استماع نمودیم که قشون چریک صمد خان محل میهم ملیون

در خطیب را تصرف نموده‌اند. این خیلی اهمیت دارد چون به عقیده من چندان قدرت مقاومتی برای محصورین باقی نمی‌ماند.»

نمره - ۲۲۹

تلگراف سرچارج بارکلی به سرادرداره گری (واصله در ۲۲ آوریل)

از طهران، ۲۲ آوریل ۱۹۰۹

[۱۳۲۷] اردیبهشت ۱۲۸۸؛ یکم ع ۲ - ۲

تبریز

جنرال قنسول انگلیس به من اطلاع می‌دهد که هنوز هیچ مقدار از آذوقه موعود به شهر فرستاده نشده. مشارالیه نیز اشعار داشته که به عقیده هردو قنسول باید مراقبت بنمایند که آذوقه تحصیل یشود و حالا که آنها میلیون را تعقیب نموده‌اند که محض این دو شرط دست از جنگ بکشد باید مواطلبت بنمایند که شرط مatarکه جنگ اکیداً منظور و معمول پکردد. او و همکار روسیش توافق رأی دارند که قوافل از جلفا که به هر صورت زودتر از یک هفته دیگر وارد نخواهد شد باید در تحت حراست قزاق یعنی تبریز حرکت نمایند که قزاقها راه را هم مفتوح نگاهدارند.

نمره - ۲۳۰

تلگراف سرچارج بارکلی به سرادرداره گری (واصله در ۲۲ آوریل)

از طهران، ۲۲ آوریل ۱۹۰۹

[۱۳۲۷] اردیبهشت ۱۲۸۸؛ یکم ع ۲ - ۲

تبریز

تلگراف ذیل را من به جنرال قنسول انگلیس مخابره نموده‌ام:
«من و همکار روسیم برای عمل صمدخان پرست سختی نموده‌ایم:

چون در شرفیابی امروز صبع مقصود ما عرضه اطمیارات بطور کلی بود ما به آن شدتی که باید برای امتداد مدت متارکه جنگ اصرار ننمودیم ولی اگر لازم بشود تا متشهی درجه قدرت خودمان در این باب فشار خواهیم آورد.

اگر شما تصور بکنید که مدت شش روز اینقدر کافی نخواهد بود که بتوان مقدار لازمه آذوقه را تهیه نمود شما نباید بگذارید که لزوم مدت طولانی‌تری در موعد محدوده متارکه جنگ اخلال نماید.

چقدر آذوقه را برای صرف ۶ روز مناسب می‌دانید که تقاضا پشود؟ مشکل ما بتوانیم همچه انتظاری از عین‌الدوله داشته باشیم که از ذخایر خود بگاهد.

اقوی امیدی که ما می‌توانیم داشته باشیم این است که هر نوع تقویتی شما برای تحصیل آذوقه بخواهید ما در حق شما اعمال پداریم.»

نمره - ۲۳۱

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۲۳ آوریل)
از سن پطرزبورغ، ۲۳ آوریل ۱۹۰۹
[۳ اردی بهشت ۱۲۸۸ ع ۲ - ۲]

اوپساع تبریز

رجوع به تلگراف دیروز پنده

وزین امور خارجه دولت روس به من اطلاع داده که به دسته قشون روس امر شده که از جلفا به تبریز بروند. بموجب تلگرافی که از قنسول روس رسیده وضع تبریز بیش از هر وقت تهدید می‌کند و به این جهت دولت روس تصور می‌کند که دیگر نباید هیچ تردیدی از طرف دولت اعمال بشود.

نمره - ۲۳۲

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۲۳ آوریل)
از سن پطرزبورغ، ۲۳ آوریل ۱۹۰۹
[۳ اردی بهشت ۱۲۸۸ ع ۲ - ۲]

خشونی که به تبریز اعزام خواهد شد از این قرار مترب گردیده: چهار اسکادرن ۲۶ قزاق - سه باطالیون ۲۷ سرباز - دو باطری ۲۸ توپخانه و یک دسته سرباز مهندس که همه به قدم صلح حرکت خواهند نمود.

چون باید برای حفظ راه دستجات گماشته شود لهذا تعبیز قشون قلیل تری متضمن خطر خواهد بود. به فرمانده قشون تعليمات داده شده که نه به وظایف حکومتی دخل و تصرف بنماید و نه در مجادله بین طرفین مخاصمتین مداخله بکند.

همینکه امورات خاتمه پذیرفت این قشون اعاده داده خواهد شد. برای قشون غیر مقدور است که به اندازه کفايت تمام تبریز آذوقه همراه بیشند ولی آنها جاده را مفتوح نگاه خواهند داشت که آذوقه وارد بشود. دولت روس توضیحات در باب لزوم تعبیز قشون وغیره را بطریق متحده‌مال به دول اعلام خواهد داشت.

(۲۶) اسکادران = سوار نظام - اسواران - واحد سوار نظام برابر با تالیون پیاده نظام

(۲۷) باطالیون = گردان نظامی - قسمتی از هنگ چیاده یا توپخانه

(۲۸) باطری = واحد توپخانه - آتشبار - م.

نمره - ۲۳۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۳ آوریل)

از طهران، ۲۳ آوریل ۱۹۰۹

[۳ اردیبهشت ۱۲۸۸ : ۲ ع ۲ - ۱۳۲۷]

تبیین

در تعقیب تلگراف یلافاصله ماقبل خودم. با وجودی که شاه اظہار داشتند که احکام به فرمانده کل و سایر سرکردها صادر شده است هیچ اقدام برای تسهیل دخول آذوقه نشده و شرط متارکه جنگ هم رعایت نگردیده.

خواه این من بوظت یه تمود و عدم اطاعت سرکردها باشد خواه به بدقولی در باغ شاه، من تأکید می نمایم که به کارگزاران و مأمورین در جلفا تعليمات داده بشود که یک استعداد کاملی همراه آذوقه پفرستند. همکار روسي من هم در رباب اعزام استعداد به اتفاق آذوقه تأکید نموده است.

الحال نمی توان آذوقه را قبل از انقضای مدت شش روز معهوده به تبریز رسانید ولی برای تجدید آن اصرار خواهیم نمود و بعد از آنکه سرکردها شاه پرست از شرط متارکه جنگ تغصی نموده اند یک مقدار آذوقه در شش روز باید با رضایت یا بی رضایت شاه داخل بشود.

نمره - ۲۳۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۳ آوریل)

از طهران، ۲۳ آوریل ۱۹۰۹

[۳ اردیبهشت ۱۲۸۸ : ۲ ع ۲ - ۱۳۲۷]

از قرار معلوم امیر بهادر جنگ، وزیر جنگ به رئیس گمرکات اظہار داشته است که اگر دولیست هزار تومن فوراً به قشون پرداخته نشود دولت ایران دیگر نمی تواند از رفتار قشون در پایتخت جلوگیری بنماید.

نمره - ۲۳۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۳ آوریل)

از طهران، ۲۳ آوریل ۱۹۰۹

[۳ اردیبهشت ۱۲۸۸ : ۲ ع ۲ - ۱۳۲۷]

تبیین

بنحوی که در تلگراف ۲۲ آوریل خودم راپورت داده ام دیروز محله خطیب واقعاً تصرف نشده. الحال قشون شاه پرستان از حوالی آن محل خارج شده اند.

نمره - ۲۳۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۳ آوریل)
از طهران، ۲۳ آوریل ۱۹۰۹
[۳ اردیبهشت ۱۲۸۸ - ۲ ع ۲ - ۱۳۲۷]

تبریز

از راپورتهای جنرال قنسول انگلیس همچه مستفاد می‌شود که قشون شاه پرستان بهیچوجه قصد ندارند که بگذارند آذوقه داخل تبریز بشود و مبنای متارکه جنگ گویا موهوم است.

نمره - ۲۳۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۳ آوریل)
از طهران، ۲۳ آوریل ۱۹۰۹
[۳ اردیبهشت ۱۲۸۸ - ۲ ع ۲ - ۱۳۲۷]

تبریز

چون عین‌الدوله اسباب تسهیل ورود آذوقه به شهر را برای دو قنسولها فراهم ننموده لهذا آنها هم نماینده‌های خود را از باسمنج احضار نموده‌اند. ما به آنها تعلیمات دادیم که علت این اقدام را به نواب معظم‌له اطلاع بدهند.

نمره - ۲۳۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۳ آوریل)
از طهران، ۲۳ آوریل ۱۹۰۹
[۳ اردیبهشت ۱۲۸۸ - ۲ ع ۲ - ۱۳۲۷]

بنا به تعیین وقت امروز بعد از ظهر من و همکار روسم در سفارت روس با وزیر امور خارجه که رافع^{۲۹} پیغامی از طرف شاه بود ملاقات نمودیم.
ما به او اطلاع دادیم که مایلیم در باب اشخاصی که به عقیده ما محل وثوق و اعتماد هستند و برای عضویت در کابینه و مجلس مشاوره لا یقند به او ارائه طریق بنخاییم.

اعلیحضرت شاه تقاضای یک مبلغ قرضی نموده بود که بیش از صد هزار لیره باشد. ما جواب دادیم که ما بخوبی از احتیاجی که به یک استقراری واقعی هست آورده - تقدیم کننده (شکوائیه، عریضه و مانند آن) - م.

آگاهیم. یک همچه استقراری را ما در حقیقت در اظهارات خودمان که قبل از این عرضه شده پیش‌بینی نموده‌ایم ولی وقتی که مجلس شورای ملی منعقد گردید و یک وزارت مالیه اصلاح شده‌ای مرتباً پکار افتاد ما منتظر درجه جد و جهاد خودمان را در سرعت اقدام به مساعدت پولی که در اظهارنامه ما مسطور است اعمال خواهیم نمود.

نمره - ۲۳۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواره گری (واصله در ۲۳ آوریل)
از طهران، ۲۳ آوریل ۱۹۰۹
[۳ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲ ع ۲ - ۱۳۲۷]

تبیریز

تلگراف ذیل از جنرال قنسول انگلیس مقیم تبریز به من رسیده:
«جنرال قنسول روس اظهار می‌دارد که رأی قطعی به اعزام قشون روس به تبریز علاقه گرفته.

چون خبر تجهیز قشون روس باید لزوماً قبل از ورودشان به اینجا معلوم بگردد ما تصور می‌کنیم مقررون به حزم خواهد بود که برای جلوگیری از مخاطرات ممکن متعاقب آن خود ما از این بابت ملیون را مستحضر بداریم. بعلاوه ما استدعا می‌نماییم به ما اجازه داده بشود که اطمینانهای ذیل را به آنها بدهیم:

خشون مزبور برای این به تبریز می‌آید که اتباع خارجه و ایرانیان را از قشون شاه محفوظ داشته و راه را مفتوح بدارند. قشون شاه را نگذارند داخل شهر بشوند و به هیچکس از هر قومی که باشد برای داخل بودن در وقایع جدیده صدمه و تعرضی وارد ننمایند و اقامت قشون فقط تا وقتی خواهد بود که بین شاه و ملتش صلح جاری بگردد.

برای اینکه مردم مقدمتاً یفهمند که وضعیت و روش ما از چه قرار خواهد بود ما به آنها اطلاع داده‌ایم که ما عین‌الدوله را تهدید نموده‌ایم که به قوه قدریه راه را مفتوح خواهیم کرد.

من اقدام مستر راتیسلا را تصویب نموده و با همکار روسی خودم متفقاً اختیاراتی را که قنسلها در خواست نموده بودند به آنها داده‌ایم.

نمره - ۲۴۰

تلگراف سر ادواره گری به سر نیکلسن

از وزارت خارجه، ۲۳ آوریل ۱۹۰۹
[۳ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲ ع ۲ - ۱۳۲۷]

رجوع به تلگراف امروز شما

حالا که از قرار معلوم ما نمی‌توانیم مطمئن باشیم که قشون شاه پرستان در خارج تبریز رعایت هیچ شرطی را بنمایند خواه این منبوط به سوء اعمال آنها باشد خواه منبوط به صادر ننمودن شاه احکام بطي [بتی؟ = قطعی] کافی، و حالا که شاه در دادن جواب رضایت‌بخشی به اظهارات ما تأخیر نموده تنها روشی را که بتوان اختیار نمود و متضمن تأمین باشد همان روشی است که مسیو ایسولسکی توصیه نموده و در تلگراف سابق الذکر شما مسطور بود.

اگر بواسطه تخطی نمودن قشون شاه از شرایطی که بتوسط نماینده‌های ما به ملیون تبریز و عده شده اهالی تبریز قرین یأس و حرمان بشوتد دست انتقام خود را به اتباع و قنسولگریهای ما دراز خواهند نمود. لازم است که دولت روس در مقابل این خطر توجه و حراست بنمایند. به هر صورت ظاهراً مصلحت در این است که یک اشعار نامه مستند مستحکمی صادر بشود مبنی براینکه هر مداخله‌ای که از طرف هر یک از دولتين در هر نقطه ایران اعمال پشود بکلی عمل موقتی است و از مقصودی که از قبیل نقطه نظر کنونی در تبریز باشد که باعث لزوم اقدامات ما در بوشهر شده و بهمچنین باعث اعمال احتیاطی دولت روس در سایر نقاط گردیده تجاوز نخواهد نمود. گمان می‌کنم از طرف مسیو ایسولسکی مخالفتی در صدور یک همچه بیان نامه‌ای نباشد.

نمره - ۲۴۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۶ آوریل)

از طهران، ۲۶ آوریل ۱۹۰۹

[۴ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۳ ع - ۲] [۱۳۲۷]

تبریز

تلگراف ذیل دیشب از جنرال قنسول انگلیس رسیده: «صاحب‌منصبان شاه پرست در اجازه دخول آذوقه به شهر سخت مخالفت داشته و در صدد مخابره تلگراف متصرفانه‌ای در این موضوع به شاه برآمدند. لیکن بواسطه دایر نبودن خط تلگراف این مسئله انجام پذیر نشد. ظاهراً عین‌الدوله بالشخصه برای دادن این اجازه حاضر بود و بعد هم بواسطه تهدید ما در باب قمراً مفتوح نمودن راه جلفا خیلی مشوش شده بود.

علی‌الظاهر این تهدید اثری هم به صاحب‌منصبان نموده. مراتب فوق را من از یک راپورتی که نماینده‌های ما از باسمنج داده‌اند کسب نموده‌ام.»

نمره - ۲۴۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۴ آوریل)
از طهران، ۲۴ آوریل ۱۹۰۹
[۱۳۲۷ - ۲ ع ۳ : ۱۲۸۸]

تبریز

امروز من خلاصه راپورتهای واصله از جنرال قنسول انگلیس در باب روش مخالفانه سرکردگان شاه پرست در مسئله آذوقه برای تبریز را بجهت وزیر امور خارجه قرائت نمودم.

آن جناب جواب دادند که بی شبیه امیر جنگ احکام به صاحب منصبان جزء فرستاده و به این واسطه این مشکلات پیش آمدند. دیگر جناب معظم له به من گفتند که از تشکیک در نفرستاده شدن، تعليمات موعود به سرکردگان شاه بسیار مکدر شده و اظهار نمود که آن اعلیحضرت تعليمات داده است.

نمره - ۲۴۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۵ آوریل)
از طهران، ۲۵ آوریل ۱۹۰۹
[۱۳۲۷ - ۲ ع ۴ : ۱۲۸۸]

تبریز

تلگراف ذیل از جنرال قنسول انگلیس رسیده:
«بعضی از اعضاء انجمن ایالتی دیشب به تلگرافخانه رفتند به امید اینکه طرح قراردادی با شاه بثایند و امروز صبح هم مجددأ به تلگرافخانه رفته اند.»

نمره - ۲۴۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۵ آوریل)
از طهران، ۲۵ آوریل ۱۹۰۹
[۱۳۲۷ - ۲ ع ۴ : ۱۲۸۸]

نظر به تأخیر در اعزام قشون به تبریز من و همکار روسمیم برای شش روز امداد مدت متارکه جنگ اصرار داریم.

نمره - ۲۴۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۵ آوریل)
از طهران، ۲۵ آوریل ۱۹۰۹
[۵ اردیبهشت ۱۲۸۸ ع ۴ : ۲ - ۱۳۲۷]

آذوقه برای تبریز

تلگراف ذیل را من و جنرال قنسول انگلیس مخابره نموده ایم:
«الآن وزیر امور خارجه بهمن توشه است که بتا به استدعای انجمن تبریز
اعلیحضرت شاه به تمام سرکردگان خودش تعليمات تلگرافی داده است که وسائل تسهیل
به آزادی داخل شدن آذوقه به شهپر را بدون تحديد مقدار یا مدت فراهم نمایند. ضمناً
یه متارکه کامل جنگ هم امر شده.»

نمره - ۲۴۶

مکتوب سر نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۲۶ آوریل)
از سن پطرزبورغ، ۲۱ آوریل ۱۹۰۹
[یکم اردیبهشت ۱۲۸۸ ع ۳۰ : ۱ - ۱۳۲۷]

آقا

با کمال افتخار ترجمة اشعار نامه ای را که امروز صبح در روزنامه رسمی راجع
به اوضاع تبریز و تعليماتی که به جانشین قفقاز برای حاضر بودن در اعزام یک عدد
قشون روس به آن شهر طبع شده لفاظ ارسال می دارم.

امضا نیکلسن

ملفوقة در نمره ۲۴۶

قسمتی از جریده «افیشیال مستجر» ۲۱ آوریل ۱۹۰۹
[یکم اردیبهشت ۱۲۸۸ ع ۳۰ : ۱ - ۱۳۲۷]

پموجب اطلاعی که از جنرال قنسول روس مقیم تبریز به اداره تلگرافی رسیده اهالی
آن شهر که بواسطه جوع قرین یأس و حرمان گردیده اند در تحت سرکردگی مجاهدین
تصمیم عزم نموده اند که برای تحصیل نان محله ارامنه را که قنسولگری روس و
انگلیس هم در آنجا واقعند غارت بنمایند.

مؤسسین این تهییج ظاهراً چنین تصور می کنند که به این وسیله و بلکه تا حد وافی
 بواسطه مقتول نمودن یکی از قنسولها مداخله روس اعمال خواهد شد و باعث تأخیر
تسلیم تبریز به قشون شاه شده و برای انقلابیون ممکن خواهد بود که خود را پنهان

یدارند.

نظر به این ترتیب اوضاع دولت روس به نماینده طهران خودشان تعليمات دادند که از شاه تقاضای قطعی بنماید که امر بنماینده فوراً مقدار کافی آذوقه برای احتیاجات قنسولگریها و ادارات و اتباع خارجه و پهمنچتین برای اهالی بی طرف شهر داخل تبریز بشود. بعلاوه به شارژ دادر روس دستور العمل داده شد که به دولت ایران اطلاع بدهد که اگر در انجام این تقاضا قصور بروود دولت روس مجبور خواهد شد که برای افتتاح راه دخول آذوقه به تبریز و حراست اماکن و اتباع روس و خارجه به قوّه قهریه اقدامات سریع قطعی بنماید.

بیست و چهار ساعت قبل اخبار جدید تهدیدآمیز در باب مجازی امور در آن شهر از چنرال قنسول روس مقیم تبریز رسیده منجمله خبر تصمیم عزم اهالی قحطی زده و فداییان که در آتیه تزدیکی به قنسولگریهای روس و انگلیس حمله ببرند. همین قسم اطلاعات هم به دولت انگلیس رسیده دولت مشارالیها از طرف خود صلاحیت اعزام را به تبریز برای تقویت به اتباع خارجه‌ای که بخواهند از شهر بیرون بروند به دولت اعلیحضرت امپراطوری اعلام داشت.

نظر به مراتب فوق و حسب الامر اعلیحضرت امپراطور به جانشین قفقاز تعليمات داده شد که فوراً یک عدد کافی قشون به تبریز اعزام دارند که اماکن و اتباع روس و خارجه را حفظ نموده و ترتیب حمل آذوقه برای آنها داده و رابطه بین تبریز و جلفا را هم مأمون و برقرار بدارند.

به لحاظ اطلاع و اصله که بواسطه حکم شاه برای شش روز متارکه جنگ و دخول آذوقه در شهر محصور فعلاً آرامی و سکون در تبریز احاطه دارد به جانشین قفقاز امر شد که گذشتنه قشون از مرحد به عزم تبریز را معوق بدارد تا تعليمات ثانوی داده بشود ولی به هنر صورت اقدامات در تدارک آن را موقوف ندارد که در صورت وقوع اختلال دیگری حاضر باشند.

نمره - ۲۴۷

مکتوب سر نیکلسن به سر ادواره گری (واصله در ۲۶ آوریل)

از سن پطرزبورغ، ۲۳ آوریل ۱۹۰۹

[۳ اردی بهشت ۱۲۸۸: ۲ ع ۲ - ۲]

آقا

دیروز مسیو ایسویسکی به من اظهار داشت که اخباراتی که از تبریز رسیده رضایت‌بخش نیست. عین الدوّله گفته است که حکمی در باب متارکه جنگ به او نرسیده لیکن بعد از قدری مذاکرات راضی شده که اجازه افتتاح یک راه برای حمل آذوقه را بدهد. عقیده تواب معظم له براین بوده که چون خط تلگراف از پاسمنج به طهران دایر نبوده محتمل است به این واسطه تعليمات در باب متارکه جنگ از طهران به او نرسیده

باشد. عقیده مسیو ایسولسکی این است که به این حرف عینالدوله نمی‌توان چندان اعتقاد و ثوقي قرار داد و شاید برای تأمین عبور آذوقه مشکلاتی روی بدهد. بعلاوه، شاه به نمایندگان دولتین اطلاع داده است که در باب پیشنهاداتی که در خصوص تأسیس مشروطه وغیره به او تقدیم شده باید اعماق نظر بنماید. وضع تبریز محتمل است هر آن مجدداً خطرناک بشود و او در صدد است با وزیر مالیه و وزیر جنگ و سپهسالار مشورت بنماید که آیا بالین مقتضیات مقررین به حزم واحتیاط نیست که به قشون روس امن بشود یه تبریز بروند؟ این اقدام آزادانه عبور نمودن آذوقه را تأمین خواهد نمود و نیز ممکن است یک اثری هم به شاه بنماید که در تسريع چواب مساعدی به اظهارات نمایندگان دولتین یکوشد.

دیشب آخر شب مراسله‌ای از مسیو ایسولسکی به من رسید مبنی بر اینکه خط تلگراف بین یاسمنچ و طهران خراب نبوده و جنرال قنسول روس تلگراف نموده که اوضاع بیش از هر وقت تهدید می‌کند.

نظر به مقتضیات فوق دولت روس تصور می‌کند که دیگر نمی‌توان تردید داشت و احکام صادر شده که قشون از جلفا حرکت داده شود.

اما نیکلسن

نمره - ۲۴۸

تلگراف مسیو ایسولسکی به کنت بنکنندورف (که در ۲۶ آوریل بتوسط کنت بنکنندورف تبلیغ شده)

از سن پطرزبورغ، ۲۳ آوریل ۱۹۰۹

[۳ اردی یهشت ۱۲۸۸ ع ۲ - ۲ - ۱۳۲۷]

بموجب راپورتهای جدیده که از جنرال قنسول روس مقیم تبریز رسیده قحطی که در آن شهر بروز نموده قنسولگریها و اتباع خارجه و روس را دچار مخاطرات مهمه می‌نماید.

علی‌هذا به شارژ دافر روس مقیم طهران تعليمات داده شد که به شاه اظهار بدارد که اگر اقدام فوری در تهیه آذوقه لازمه‌بناهی قنسولگریها و اتباع خارجه و اهالی خارج از جنگ شهر بعمل نماید یک دسته قشون از جلفا تجهیز خواهد شد که قنسولگریها و اتباع خارجه مقیمین تبریز را محفوظ داشته و ورود مقدار کافی آذوقه به شهر را تأمین نماید.

با وجود وعده شاه برای صدور احکام لازمه به شاهزاده عینالدوله فرمانده مزبور اجازه حمل آذوقه به شهر را نداده و وضع قنسولگریها و اتباع خارجه کماکان به تزلزل باقی است.

لهذا دولت اعلیحضرت امپراطوری مجبور شد که متوجه به اقداماتی که به شاه خاطر نشان شده بود بگردد و اکنون قشون روس از جلفا به عزم تبریز حرکت خواهند نمود.

مقاصد تجهیز این قشون محدود بمراتب فوق الذکر است.
خشون اعیان‌حضرت امپراطوری برای تأمین کامل و حراست جان و مال اتباع و
قنسولگریهای روس و سایر دول خارجه فقط تا مدتی که لازم باشد در خاک ایران
اقامت خواهد نمود.
لطف نموده شرح فوق را به اطلاع دولت انگلیس برسانید.

نمره - ۲۴۹

تلگراف سر جارج پارکلی به سر ادوارد گری (و اصله در ۲۶ آوریل)
از طهران، ۲۶ آوریل ۱۹۰۹
[۶ اردیبهشت ۱۲۸۸: ۵ - ۲ - ع ۱۳۲۷]

تبیین

رجوع به تلگراف بلافصل ماقبل خودم. تلگراف ذیل مورخه دیروز از جنرال قنسول
انگلیس رسیده:

«انجمن ایالتی نماینده‌ای با سواد تلگرافات شاه که برای تبلیغ به عین‌الدوله و
به هریک از سرکردگان شخصاً مخایره شده بود نزد ما فرستادند. تلگرافات مزبور مبنی
بر اوامر برای افتتاح تمام طرق و حتی القوه بکار بردن مساعی خود را در تسهیل
دخول آذوقه و در مکان کنوتی خود ماندن و بکلی جنگ را متارکه داشتن تا اوامر
ثانوی برسد بود. انجمن مزبور از ما خواهش نموده‌اند که تا وقتی که معلوم بشود
احکام شاه اطاعت شده یا خیر قشون روس پیشتر نیایند.

ما تصور می‌کنیم اولی آئست که قشون روس معطل نشوند تا به مسافت دسترس
به تبیین پرستند ولی به ما اختیار داده بشود که اظهار پداریم که فقط بنا به مقتضیات
و لزوم استثنائی آنها وارد شویم خواهد شد.

به این طریق احتمال کلی دارد که تأمین اتباع خارجه در تحت اطمینان بیاید و
اصلاح بین شاه و ملت خودش بر طبق اظهارات شما امکان پذیر شود.»

هردو قنسولها احتمال دارد در تصویب خودشان در تجهیز قشون روس برای مصالح
تأمین خارجه‌ها [خارجی‌ها] محق باشند بعلاوه اعزام قشون روس بی‌شبیه شاهرا متمایل
خواهد نمود که به صلاح اندیشی ما بطريق مساعدتری گوش بدهد.

چنانچه دولتين موافقت بنمایند ما به جنرال قنسولهای خودمان اجازه خواهیم داد
که به نحویکه ارائه طریق نموده‌اند اظهار پدارند و ضمناً ما مراسله مشترکی در همین
موضوع به دولت ایران خواهیم نوشت.

من تصور می‌کنم چنین مصلحت باشد که برای مشهود داشتن یگانگی کامل دولتين
در اعلان این مسئله من با همکار روس خودم شرکت بنمایم.

نمره - ۲۵۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۶ آوریل)
از طهران، ۲۶ آوریل ۱۹۰۹
[۶ اردیبهشت ۱۲۸۸: ۵ ع ۲ - ۱۳۲۷]

تبیرین

تلگراف ذیل مورخه ۲۵ آوریل از جنرال قنسول انگلیس به من رسیده:
«چون ممکن است همان وضع در عرض چند روزی بسهولت تجدید پشود و نظر به
دلیلی که در تلگراف بالافصل ماقبل بنده پیشنهاد شده من بهارائه این طریق مبادرت
می‌جویم که معطل نمودن قشون صلاح نخواهد بود.
و جد و شعف کاملی که وزیر خارجه ذکر می‌کند در نتیجه امتیازات مرحمتی شاه
حاصل شده متضمن قدری اغراق است. به صورت اتا نتیجه‌ای در تعقیب امتیازات
مزبور پرورد ننماید این وجود مشهود نخواهد گشت و اهالی هنوز این را مشکوک تصور
می‌کنند. مردم هر ساعت وضعیت خود را تغییر می‌دهند. من نمی‌توانم به نظریات آنها
پی ببرم یا بگویم آمال حقیقی آنها چیست.

نمره - ۲۵۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی
از وزارت خارجه، ۲۶ آوریل ۱۹۰۹
[۶ اردیبهشت ۱۲۸۸: ۵ ع ۲ - ۱۳۲۷]

رجوع به تلگراف ۲۶ شهر جاری شما اگر دولت روس هم به شارژ دافر خود همین
نوع تعليمات داده باشند به جنرال قنسول انگلیس ممکن است اجازه داده بشود که با اتفاق
کفیل جنرال قنسولگری روس اطمینان را که پیشنهاد شده بنمایند.
شما اجازه دارید برای نوشتن مراسله‌ای در همین موضوع به دولت ایران با شارژ
دافر روس اتفاق بنمایید.

نمره - ۲۵۲

مکتوب سر نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۲۷ آوریل)
از سن پطرزبورغ، ۲۴ آوریل ۱۹۰۹
[۴ اردیبهشت ۱۲۸۸: ۳ ع ۲ - ۱۳۲۷]

آقا

خبر تزايد اختلاف و اهمیت موقع که از تبیرین به مسیو ایسویسکی رسید دولت روس

رأى قطعی خود را براین قراردادند که بدون فوت وقت امر بکنند که قشونی که در جلفا حاضر نگاهداشت شده بود فوراً جلو بروند. واضح بود که اگر بیشتر تأخیر می‌رفت مخاطرات ممکن روی می‌نمود گرچه دولت روس در توسل به اقدامات عملی بی‌میل بودند ولی وضع امور هیچ چاره‌ای برای آنها باقی نگذارد مگر اینکه برای حصول تأمین هیئت اروپاییان در تبریز اقدامات بنمایند. این اردو منکب است از سه باطلیون سرباز و چهار اسکادر ون قزاق و دو باطری توپخانه و یک دسته مسنه‌سوز. عده افراد فوج به میزان هنگام صلح است. عقیده قنسول روس مقیم تبریز براین بود که یک دسته دویست نفری قزاق برای حراست حمول آذوقه کافی خواهد بود ولی مأمورین دولت روس را اعتقاد براین بود و منهم در صحبت آن مبادرتاً تصدیق دارم که این اردو باید به حد کفايت قوی باشد که در صورت هر مقاومتی بتوانند غلبه حاصل نمایند. بعلاوه لازم خواهد بود که در فاصله‌های معینه قراول گذارده بشود که چاده را مفتوح نگاه بدارند و بطوریکه عده آنها بیش از اندازه‌ای که حتماً لازم خواهد بود نباشد. مسیو ایسولسکی به من اطلاع داد که این اردو به اندازه ممکن آذوقه همانه خود خواهند برد چون البته برای آنها غیر مقدور است آن مقدار آذوقه‌ای که رفع احتیاج تمام اهالی تبریز را بنماید تهیه نموده و همانه بینند. مع‌هذا همینکه یک دفعه چاده مفتوح گردید محتمل است مقدارهای آذوقه متعاقب آن در جریان باشد. احکامی که به صاحب منصب فرمانده اردو داده شده از این قرارند که از مداخله در اختلافات بین طرفین مخاطبین در تبریز احتراز بنماید و بهیچ وجه وظایف اداره حکومتی را به عینده نگیرد. اولاً باید محافظت لازمه از قنسولگریها و ادارات خارجه و تمام اتباع خارجه مقیمین در آن شهر بنماید. وقتی که اوضاع به حالت عادی عودت کرد و دیگر خوف مخاطره‌ای برای اتباع خارجه یا قشون عودت داده خواهد شد.

یک لایحه رسمی مبنی به دلایل تجمیع قشون در اینجا توزیع شده و متحدد المآل تلگرافی به همان مفاد هم به دولت مجاوره شده.

امضا نیکلسن

www.adabestanekave.com

نمره - ۲۵۳

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۲۷ آوریل)

از سن پطرزبورغ، ۲۷ آوریل ۱۹۰۹

[۷ اردی بهشت ۱۲۸۸: ۶ ع ۲ - ۱۳۲۷]

تبریز

رجوع به تلگرافات سر جارج بارکلی به جنابعالی و تلگراف جنابعالی به او، همه مورخین ۲۶ شهر جاری.

وزیر امور خارجه دولت روس به من اطلاع می‌دهد که قشون روس در بیرون تبریز

اردو خواهند زد و داخل شمی خواهند شد. برای قراولی بانکها و سایر ادارات و برای هر قنسولگری که بخواهند قراول داشته باشند بعضی دستجات کوچک به شهر فرستاده خواهند شد. عقیده مسیو ایسولسکی براین است که مشکل لازم باشد که مراسله مشترکی مبنی به اطلاع از این بابت به دولت ایران توشته بشود ولی مانع نمی بیند که هردو قنسولها به هر کس و به هر نحو که صلاح بدانند اطلاع بدهند.

نمره - ۲۵۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۷ آوریل)

از طهران، ۲۷ آوریل ۱۹۰۹

[۷ اردی بهشت ۱۲۸۸ : ۶ ع ۲ - ۲] [۱۳۲۷]

تلگراف ذیل از جنرال قنسول انگلیس مقیم مشهد رسیده:
 «دسته قشون روس دیروز وارد شدند و رئیس قشون ایرانی با احترامات نظامی آنها را پذیرفت. دسته مزبور مرکب است از ۶ دسته توکمان در تحت چهار نفر صاحب منصب و سی نفر توپچی و دو دستگاه توپ مسلسل و هفتاد و پنج نفر قزاق.»

نمره - ۲۵۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۷ آوریل)

از طهران، ۲۷ آوریل ۱۹۰۹

[۷ اردی بهشت ۱۲۸۸ : ۶ ع ۲ - ۲] [۱۳۲۷]

تبیین

رجوع به تلگراف دیروز من، جنرال قنسول انگلیس از تبریز به من اطلاع می دهد که دیروز ۸ حن [= تن] (مطابق ۲۶ خروار و ۶ من) آرده از یاسمنیج فرستاده شد. شاه به انجمن ایالتی اصرار نمود که عین الدوله را بپذیرند که نقشه اشغال دائمی روس که بطور حتم منظور است مرتفع بگردد. دو جنرال قنسول شنیده اند که توضیحات خودشان در باب مقصود و موقتی بودن اقدام روس اثرات نیک بخشیده.

شاه عفو عمومی اعطام نموده و وعده مهمی برای مشروطه ای که مطابق شریعت اسلام یاشد داده دسته ملیون پیش آمدن قشون روس را وسایل جلب امتیازات از آن اعلیحضرت قرار داده اند.

من و همکار روسیم استماع نموده ایم که شاه قصد دارد یک پروژه بکلی ناقصی به جای قانون انتخاباتی که تقاضا شده طبع و نشر بنماید. علی هذا ما به آن اعلیحضرت تصویح نموده ایم که یک همچه اقدامی با اجرای پرگرام صلاح اندیشی ما توافق ندارد و پیشودی در اوضاع حاصل نخواهد نمود و مجدداً به اعلیحضرت معظم تأکید نموده ایم

که فوراً قبول داشتن صلاح اندیشی‌ها را اطمینان بدارند.

نمره - ۲۵۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۷ آوریل)

از طهران، ۲۷ آوریل ۱۹۰۹

[۱۳۲۷ ۸ ع ۲ - ۱۲۸۸: ۷ اردی بهشت]

تبریز

تلگراف ذیل مورخه امروز از جنرال قنسول انگلیس رسیده:
«دفتر اعانت ای برای نجات فقراء در اینجا مفتوح شده.

ظاهراً صندخان سکنه قراء حوالی را تشویق می‌نماید که آذوقه برسانند و خودش
هم امروز صبح یک مقداری غله فرستاده است.»

نمره - ۲۵۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۸ آوریل)

از طهران، ۲۸ آوریل ۱۹۰۹

[۱۳۲۷ ۷ ع ۲ - ۱۲۸۸: ۸ اردی بهشت]

همکار روسی من مراسله‌ای تقدیم نموده و تجهیز قشون روس را اعلام داشته. او
مراسله مزبور را به من ارائه داده و مبتنی براین است که اگر لازم نشود قشون روس
داخل تبریز نخواهند شد و مقصود از اقدام دولت روس و موقتی بودن آن را توضیح
نموده.

راجع به بیانات پیشنهادیه در تلگراف ۲۶ آوریل پنده به جنرال قنسول انگلیس
اجازه داده‌ام که در موضوع مطلوبه به اتفاق همکار روسی خودش عمل بتماید.

نمره - ۲۵۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۹ آوریل)

از طهران، ۲۹ آوریل ۱۹۰۹

[۱۳۲۷ ۸ ع ۲ - ۱۲۸۸: ۹ اردی بهشت]

اصفهان

تلگراف ذیل از جنرال قنسول انگلیس مقیم اصفهان رسیده:

«صمصام‌السلطنه شروع به حرکت دادن دستجات کوچک قشون به خارج شهر نموده، دیروز ایلخانی به من اطلاع داد که باید منتظر وقوع جنگ در حوالی اصفهان بود..»
خشون شاه الحال از کاشان به عنم اصفهان حرکت کرده‌اند. بنابراین برای هر خطر جانی که در صورت وقوع مجادله به اتباع انگلیس وارد بباید من شاه را مسئول قرار داده‌ام.

www.adabestanekave.com

نمره - ۲۶۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۹ آوریل)
از طهران، ۲۹ آوریل ۱۹۰۹
[۹ اردیبهشت ۱۲۸۸: ۲ ع ۸]

شاه و مشروطه

ما کسب اطلاع نموده‌ایم که شاه در نظر دارند نایب‌السلطنه عمومی خودشان را که یکی از مرتعین خیلی مشهور است به ریاست وزراء منصوب تماینند. هر کابینه‌ای که نایب‌السلطنه جزو آن باشد با تقاضای مندرجه در پرگرام ما مناسبت نخواهد داشت، ما موقع را مفتعم شمردیم که به شاه اطلاع بدهیم که اگر تا دوم مه جوابی از طرف آن اعلیحضرت در باب صلاح‌اندیشی پیشنهاد به دولتین نرسد نایندگان دولتین درخواست یک نوبت شرقیابی دیگر را خواهند نمود که از آن اعلیحضرت جواب بگیرند.

نمره - ۲۶۱

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۳۰ آوریل)
از من پطرزبورغ، ۳۰ آوریل ۱۹۰۹
[۱۳۲۷: ۹ ع ۲]

خشون روس برای تبریز

مسیو چاریکوف به من اطلاع می‌دهد که پیش قراول قشون روس فعلا در حوالی شهر هستند و از طرف ستارخان تسبیت به آنها علائم مستحبستی بروز نموده و در عرض راه هم پذیرایی خوبی از آنها شده.

نمره - ۲۶۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۳۰ آوریل)
از طهران، ۳۰ آوریل ۱۹۰۹
[۱۳۲۷: ۹ ع ۲]

تبریز

رجوع به تلگراف ۲۷ شهر حال من تلگراف ذیل مورخه ۲۷ شهر جاری از چنرال
قنسول انگلیس رسیده:

«اتجمن ایالتی دیروز از شاه استدعا نمودند که همان مشروطه سابق را اعاده نمایند
و به آن اعلیحضرت اطلاع دادند که ترتیبات پیشنهادیه در باب مطابقت با شریعت
اسلام پذیرفته نشدند است. مذاکرات صلح امروز هم در تلگرافخانه امتداد دارد.
بسیاری از اتباع خارجه هنوز در تشویشند و وضع شهر بطريق غیرمرضی باقی
است.

آذوقه هنوز خیلی کسر است ولی یتدریج وارد می‌شود.»

نمره - ۲۶۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۳۰ آوریل)
از طهران، ۳۰ آوریل ۱۹۰۹
[۱۳۲۷ - ۲ ع ۹، ۱۲۸۸، ۱۰ اردیبهشت]

تبریز

تلگراف ذیل مورخه دیروز از چنرال قنسول انگلیس رسیده.
«ستارخان امروز صبح برای اظهار تشکرات فائمه از دولت انگلیس به اینجا آمد.
مشارالیه از بابت آتیه اطمینان دارد.
آذوقه مرتبأ وارد می‌شود و فردا دکانهای خبازی مجدداً مفتوح خواهند شد.
بر روی هم ظاهراً اوضاع رو به تصفیه است اگر چه جوابی از بابت مشروطه هنوز
به اینجا داده نشده.»

نمره - ۲۶۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۳۰ آوریل)
از طهران، ۳۰ آوریل ۱۹۰۹
[۱۳۲۷ - ۲ ع ۹؛ ۱۲۸۸، ۱۰ اردیبهشت]

تبریز

تلگراف ذیل از چنرال قنسول انگلیس رسیده:
«قشون شاه پرستان در کار متفرق شدند.
فردا ترتیب حرکت پست بطريق معمول تجدید خواهد شد.
دیروز غروب ۱۸۰ نفر سرباز روسی به پل آجی رسیدند و امروز صبح بدون

هیچ تصادفی وارد شپس شدند.»

نمره - ۲۶۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱ مه)
از طهران، ۱ مه ۱۹۰۹
[۱۳۲۷ - ۲ ع ۱۰: ۱۲۸۸] ۱۱ اردیبهشت

شاه وزیر امور خارجه را منفصل نموده

وزیر متبرور با اظهارات سفارتین موافقت کرده و مقاومت و ثبات کاملی در مقابل نفوذ منتجه‌ای که بر عليه [= عليه] ما بودند مشهود داشته، انفصال او و تعیین نایب‌السلطنه و سایر علائم ظاهر می‌دارد که شاه به لجاجت خود باقی است و این نوع استهzae نمودن سفارتین ما را مجبور تموده که تصمیم در احتراز نمودن از جزئیات را تا وقتی که شاه قبول پرگرام را رسمی اظهار بدارد متوجه بداریم.

اگر چه ما بین دولتين موافقت شده بود که برای ترکیب کابینه فقط بطریق خصوصی ارائه طریق بشود ولی ما وظیفه خود دانستیم که بسختی پرست بنماییم و دیشب ترجمانهای سفارتین به شاه اطلاع دادند که اگر آن اعلیحضرت سریعاً نایب‌السلطنه را منفصل و سعدالدوله را مجدداً منصب نمایندگان به دولتين متبع‌تعین خود اطلاع خواهند داد که اعلیحضرت معظم صلاح‌اندیشی آنها را رد نموده‌اند. شاه اظهار داشته بودند که پرگرام را قبول دارند ولی درباب انفصال سعدالدوله جد کامل دارند.

عقیده نمایندگان دولتين براین است که دخول سعدالدوله و ناصرالملک در کابینه را باید وسیله امتحان صمیمیت و موافقت شاه قرار داد و اگر آن اعلیحضرت در قبول سریع آنها موافقت ننمایند باید به اعلیحضرت معظم اظهار بشود که دولتين همچه ملاحظه می‌کنند که صلاح‌اندیشی دولتين رد شده. لزوم وجود ناصرالملک برای هر کابینه تجدیدخواهی از حتمیات است.

ما خیلی بی‌میل بودیم که از روش ارائه طریق خصوصی که مقرر شده بود تنخطی بجوییم ولی بواسطه استقامت جدی دراین نکته اگر شاه تمکین بنماید ما وسیله و امید بهتری برای اجرای پرگرام خودمان خواهیم داشت. انجام جزئی از پرگرام حتماً مضر است.

نمره - ۲۶۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۳ مه)
از طهران، ۳ مه ۱۹۰۹
[۱۳۲۷ - ۲ ع ۱۲: ۱۲۸۸] ۱۳ اردیبهشت

اصفهان

در جواب مراسله‌ای که من به دولت ایران نوشته و برای هر خطر جانی که بواسطه وقوع مجادله در اصفهان به اتباع انگلیس وارد بباید شاه را مسؤول قرار داده بودم شاه فرستاده و به من اطلاع دادند که قشون آن اعلیحضرت به کاشان عودت نموده.

نمره - ۲۶۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۳ مه)

از طهران، ۳ مه ۱۹۰۹

[۱۳۲۷] ۱۳ اردی بهشت ۱۲۸۸ ع ۲ - ۱۲: ۱۲۸۸

ضمصام السلطنه و سردار اسعد تلگراف مشترکی به تمام سفارتهای خارجه مخابره کرده و اظهار تشکر برای اقداماتی که در نجات تبریز شده نموده و ضمانت خواهش کرده‌اند که حالا دیگر دول در امورات داخلی آنها مداخله ننمایند. بعد از اظهار انتقاد به شاه آنها اشعار داشته‌اند که آنها و تمام ملیون دیگر در صدد حرکت بطرف پایتخت هستند که آن اعلیحضرت را به ایفای تعهداتی که به ملت خود نموده مجبور پذارند.

نمره - ۲۶۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۴ مه)

از طهران، ۴ مه ۱۹۰۹

[۱۳۲۷] ۱۳ اردی بهشت ۱۲۸۸ ع ۲ - ۱۲: ۱۲۸۸

تبریز

شرح ذیل قسمت مختصری از تلگراف مورخه ۲ مه جنرال قنسول انگلیس است:
۲۶۹ «۲۶۹ نفر از قشون روس در شهرند و فرمانده قشون به من اطلاع داده که او قریب چهار هزار نفر در تحت فرمان خود دارد.»

نمره - ۲۶۸

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

از وزارت خارجه، ۳ مه ۱۹۰۹

[۱۳۲۷] ۱۳ اردی بهشت ۱۲۸۸ ع ۲ - ۱۲: ۱۲۸۸

بمحض اینکه به شارژ دافر روس تعلیمات برسد که در باب توکیب کابینه ایران اظهارات مشترکه بنماید شما ممکن است بر طبق پیشنهاد مسطوره در تلگراف غرة

شهر حال خودتان که متضمن نظریات دولت روس و خود ماست عمل بتمایید.

نمره - ۲۶۹

مکتوب سرادوارد گری به سرجارج بارکلی

از وزارت خارجه، ۳ مه ۱۹۰۹

[۱۳۲۷: ۱۲۸۸: ۱۲] اردیبهشت ۱۲۸۸

وزیر مختار ایران امروز به‌این اداره آمده و تلگرافی را که شاه مخابره نموده بود برای سرهاردینگ قرائت نمود و مبنی براین بود که سعدالدوله عریضه‌ای به وزیر مختارهای انگلیس و روس نوشت که به‌مقام وزارت امور خارجه‌ای که تازه از آن منتصل شده برقرار بگردد ولی من امیدوارم که وزیر مختارها در باب معاودت او به این مقام اصرار نخواهند نمود. شاه اشعار داشته بودند که هرکس دیگر را که وزیر امور خارجه انگلیس تصویب بتمایند من حاضرم به وزارت امور خارجه منصوب بدارم.

سرهاردینگ به وزیر مختار مذبور اطهار داشت که در موضوع فوق خبری از طهران به‌دولت انگلیس رسیده ولی وزیر امور خارجه انگلیس از تعیین نایب‌السلطنه به صدراعظمی خیلی ناراضی است و اگر شاه بخواهند وضع حاضره را فوراً خاتمه بدهند جلوگیری از اقدامات دیگر نمایندگان دولتین در طهران بتمایند باید عاجلاً صدراعظم و وزیر امور خارجه تعیین بتمایند که هن دو وزیر مختار مقیمین طهران تصویب بکنند. سرهاردینگ نیز اطهار نمود که دولت انگلیس باید اصرار بتماید که کابینه جدید مرکب از اشخاص کافی باشد و بعداز آنچه واقع شده هر کابینه‌ای را که سعدالدوله و ناصرالملک جزو آن نباشد نمی‌توانند کابینه موافق و معتمد محسوب بدارند.

وزیر مختار مذبور گفت که مقاد شرح فوق را در جواب تلگراف شاه مخابره خواهم نمود.

امضاء ۱. گری

نمره - ۲۷۰

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادراد گری (واصله در ۴ م)

از طهران، ۴ مه ۱۹۰۹

[۱۳۲۷: ۱۲۸۸: ۱۳] اردیبهشت ۱۲۸۸

کفیل وزارت امور خارجه به‌من و همکار روسيم رسمي اطلاع داده که شاه صلاح‌اندیشي را که ما در ۲۲ آوريل به آن اعليحضرت تقديم داشتیم قبول نموده‌اند. شاه میل دارند که جلسه‌ای از نمایندگان دولتین و نماینده‌های آن اعليحضرت متعقد

بگردد که در باب جزئیات تشریع بعضی نکات آن که اعلیحضرت معظم مایلند توضیحات داده پشود.

نمره - ۲۷۱

تلگراف سرجارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۵ مه)
از طهران، ۵ مه ۱۹۰۹

[۱۳۲۷] ۱۵ اردیبهشت ۱۲۸۸ ع ۱۴ : ۲

شاه دستخطی صادر نموده و اعادة حکومت شوروی را وعده داده. قانون انتخابات بزودی توزیع خواهد شد و موعد انتخابات ۱۹ ژوئیه تعیین شده.
مشروطه را در تحت موازین شریعت اسلام و مطابق احتیاجات مملکت شرح داده اند.

نمره - ۲۷۲

تلگراف سرجارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۵ مه)
از طهران، ۵ مه ۱۹۰۹

[۱۳۲۷] ۱۵ اردیبهشت ۱۲۸۸ ع ۱۴ : ۲

دویست نفر انقلابیون از رشت با قلیل خونریزی قزوین را تصرف نمودند. فعلا
شهر آرام است.

نمره - ۲۷۳

تلگراف سرجارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۵ مه)
از طهران، ۵ مه ۱۹۰۹

[۱۳۲۷] ۱۵ اردیبهشت ۱۲۸۸ ع ۱۴ : ۲

من و همکار روسم رسمآ قبول نمودن شاه صلاح‌اندیشی تقدیمی ما را
شروع به عملیات نموده‌ایم. الحال ما به کفیل وزارت امور خارجه اصرار داریم که
در انعقاد اجلاس منظوره که در آن ما در باب ترکیب کابینه و سایر جزئیات نکاتی
که آن اعلیحضرت استعلام نموده باشند توضیحات باید بدھیم تعجیل بنمایند.

نمره - ۲۷۴

تلگراف سرجارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۶ مه)
از طهران، ۶ مه ۱۹۰۹

[۱۳۲۷] ۱۶ اردیبهشت ۱۲۸۸ ع ۱۵ : ۲

حرکت انقلابیون از رشت

همکار روسی من به قنسول رشت خودش تعلیمات داده که برای انتفاع اصلاح سریع بین شاه و ملتش به سپهبدار اصرار بنماید که جلو آمدن در راه رشت به طهران را موقوف بدارند.

شاه امر نموده‌اند که صد نفر قزاق به مقابله انقلابیون که بنا به اعتقادات حالاً از قزوین حرکت کرده‌اند اعزام بشود.

نمره - ۲۷۵

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۷ مه)
از طهران، ۷ مه ۱۹۰۹

[۱۷] اردیبهشت ۱۲۸۸: ۱۶ ع - ۲ [۱۳۲۷]

در طی اجلاسی که شاه پیشنهاد نموده و امروز هصر تشكیل می‌یابد ما سعی خواهیم نمود که اعیان‌حضرت معظم را متقدعاً بنماییم که بوسیله اشتهر نامه اعلام بدارند که آن مواد پرگرام را که مشروطه با اقدام سریعه [است] فوراً به موقع اجراء خواهند گذارد و در سرعت اجرای سایر مواد هم حتی الامکان جد و جمیع خواهند نمود.
به هر صورت، من یقین کامل ندارم که ملیون با این اقتضای بشوند. صمیمان السلطنه استعدادش قریب ۴،۰۰۰ نفر مسلح و مکمل است در جواب دستخط پنجم مه شاه اظهار داشته که او فقط مشروطه سابق را قبول خواهد نمود. او مجدداً تصمیم خود در حرکت بطرف طهران را اعلام نموده است. می‌گویند خیال ملیون رشت این است که شاه را از سلطنت خلع بنمایند.

www.adabestanekave.com

نمره - ۲۷۶

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۸ مه)
از طهران، ۷ مه ۱۹۰۹

[۱۷] اردیبهشت ۱۲۸۸: ۱۶ ع - ۲ [۱۳۲۷]

امروز عصر اجلاس مذکوره در تلگراف امروز بندۀ تشکیل یافت. ما در جزئیات موادی که خواسته بودند توضیحات دادیم و اصرار نمودیم که ناصرالملک و سعدالدوله باید جزو کابینه بشوند. ضمناً صورت اسامی اشخاصی را که برای کابینه و مجلس مشاوره مناسبند تبلیغ نمودیم.
انفصال نایب‌السلطنه و امیر جنگ و صدراعظم و خصوصاً نماینده‌های مناسبی که برای اجلاس امروز انتخاب شده بودند متنضم اصلاحات معتمد بودند و وضعیت و روش شاه است اگر چه البته هنوز من نمی‌توانم قطعاً اظهار بدارم که تا حال بیانات ما چه تأثیری به شاه نموده.

دستخط شاه اثر مطبوعی در اهالی تبریز نموده و ملیون آنجا به صیصام السلطنه تلگراف نموده‌اند که حرکت تهاجمی خودرا معوق بدارد. بواسطه پیش آمدن انقلابیون از رشت رعب بسیاری در دربار حادث شده. افواه متفرقه شیوه داردکه صدھا از انقلابیون مزبور از قزوین حرکت کرده‌اند. از نواب سفارت روس که به‌آنجا فرستاده شده بود راپورت می‌دهد که متصل مدد به‌آنها می‌رسد ولی تا حال فقط محدودی از قزوین تجاوز نموده‌اند.

نمره - ۲۷۷

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادر گری (واصله در ۸ مه) از طهران، ۱۹۰۹ مه ۸

[۱۳۲۷] ۱۸ اردیبهشت ۱۲۸۸: ۱۷ ع ۲ - ۲

هیکار روسمیم به من اطلاع می‌دهد که صاحب منصب روسی فرمانده قزاقی که در راه قزوین است امروز مراجعت می‌نماید. من نمی‌توانم اظهار عقیده قطعی درباب قوت و تشکیلات قشون رشت که درحالی قزوینند بنمایم. اطلاعات روسها مبنی براینند که پیش قراول این قشون در کرنده است که منزل اول از قزوین به طهران است و عنصر مسلطه این قشون یک دسته فرقه‌زاری است که عده آنها دویست نفر است.

www.adabestanekave.com

نمره - ۲۷۸

مکتوب سر ادوارد گری به سرجارج بارکلی

از وزارت خارجه، ۱۹۰۹ مه ۸

[۱۳۲۷] ۱۸ اردیبهشت ۱۲۸۸: ۱۷ ع ۲ - ۲

آقا

امروز وزیر مختار ایران به‌این اداره آمد و تلگرافی را که شاه مخابره نموده بود برای سرهار دینگ قرائت کرد و مبنی براین بود که دیروز شما به اتفاق شارژ دافر روس در تعیین سعدالدوله به وزارت امور خارجه اصرار نموده‌اید. اعلیحضرت معظم قبل از این به ناصرالملک تلگراف نموده‌اند که مراجعت نموده و مقام صدارت و وزارت مالیه را قبول نماید ولی خواهش دارند که ما در تعیین سعدالدوله به وزارت امور خارجه اصرار ننماییم. سرهار دینگ اظهار داشت که وزیر امور خارجه انگلیس حضوریت این دونفر را در کابینه جزو لایتجز امحسوب می‌دارد و به وزیر مختار مزبور صلاح‌اندیشی نمود که به شاه اطلاع بدهد که عقیده متقن وزیر امور خارجه براین است که فقط سرعت قبول پرگرام مامکن است حرکت مستقیم ملیون بطرف طهران را که متضمن خطر معناپسی برای شخص شاه است منحرف بدارد. امضا ۱. گری

نمره - ۲۷۹

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادردار گری (واصله در ۹ مه)

از طهران، ۱۹۰۹ مه ۹

[۱۳۲۷] ۱۹ اردیبهشت ۱۲۸۸: ۱۸ ع ۲ -

وزیر امور خارجه منفصل الان مجدداً به مقام خود منصوب گردیده و به او امر شده است که تشکیل کابینت بنماید. مسوده اعلانی را که او امیدوار است شاه را مقاعد یکند که فردا صادر بنمایند برای من قرائت نمود. اقداماتی که در آن اعلام گردیده با تقاضاهای در پرگرام ما کاملاً موافقت دارد.

نمره - ۲۸۰

مکتوب سرجارج بارکلی به سرادردار گری (واصله در ۱۰ مه)

از طهران، ۱۶ آوریل ۱۹۰۹

[۱۳۲۷] ۲۷ فروردین ۱۲۸۸: ۲۵ ع ۱ -

آقا

با کمال افتخار ذیلا اوضاع اصفهان را شرح می‌دهم:

صمصام‌السلطنه همه روزه منتظر ورود سردار اسد است که از قرار راپورت قریب دوهزار سوار بختیاری همراه دارد و از قرار مذکور تصمیم عزم شده که در ۲۱ آوریل بطرف طهران حرکت بنمایند. از قرار مذکور حالا روسا باهم متحد شده‌اند و ظاهراً هیچ احتمالی نمی‌رود که قشون شاه در کاشان در مقابل آنها مقاومت بنمایند. عده قشون مزبور تقریباً هزار و پانصد نفر است، من جمله سیصد نفر بختیاری که محتمل است در اوین فرصتی که بدمست بیاورند به هم قبیله‌های خود ملحق بشوند. محدودی قشون کمکی هم که در قم هستند بین‌المحذورین‌اند و چند روز قبل یک عده از آنها در تلگرافخانه هند واروپ متحصن شده و برای نرسیدن حقوق خودشان تعرض نموده و اطمینانی داشتند که حقوق دو ساله آنها تپرداخته شده [پرداخت نشده است]. نظر به این مقتضیات ندرتاً می‌توان انتظار داشت که اگر حرکت بختیاریها صحتی حاصل بنماید این قشوئی که جاده بطرف طهران را احاطه دارند در مقابل آنها مقاومت مؤثری بروز بدهند.

ضمناً استقرار نظم کامل در اصفهان ظاهر است لیکن همچه می‌نماید که صمصام‌السلطنه از روش ملاها که آقا نجفی رئیس آنها است و از عدم موفقیت در تحصیل پول یه‌وسایل مساعدت داوطلبانه برای پرداخت حقوق استعداد خود نسبتاً متذمی شده باشد. بتازگی صدراعظم مجاهدتی نمود که بتوسط سهام‌السلطنه امورات بین شاه و بختیاریها را صورت اصلاحی پدد و برای انجام این مقصود پیشنهادی طرح شده بود که حکومت اصفهان به صمصام‌السلطنه اعطاء بشود ولی معزی‌الیه با حالت خشم

و تغییر از اصقاء نمودن یک همچه کوشش مستعجی براى صلح امتناع نمود، مستعجی مستر گرهم جنرال قنسول تا حال در مقاعد نمودن صمصام‌السلطنه براى حفظ خط تلگراف کمپانی هند واروپ که سرکرده مزبور شکایت داشت که برعلیه [= علیه] او پکار برده می‌شود موفق شده، معلوم می‌شود وعده‌ای که مستر گرهم به موجب تعليمات من به او داده است که بعداز اول آوریل عایدات مخابرات داخلی به او پرداخته خواهد شد او را نرم کرده است، براى اینکه به این تعهد در اوایل آوریل یک مبلغ قلیلی (۱۲۳۱ قران) از بابت عایدات مخابرات داخلی در عرض ماه سابق به صمصام‌السلطنه پرداخته شد و سیمهای کمپانی مزبور قعلاً بدون خرابی کار می‌کنند.

راه اصفهان به شیراز به وضع ناامنی رقت‌انگیز است، قریب چهار هفته قبل وکیل کمپانی زیگلر را طایله‌لشی در یزد خواست که چهار منزلی طرف شمال شیراز است لخت نمودند، اشیاء یکی از اعضای انجمن مسیحیون و پست بین ده بید و سیوند هم سرقت شده و دو نفر از غلامان اداره تلگرافی هند واروپ را در همان محل طوایف عرب جلو بسته و آنها را کتك زده و لخت نموده‌اند، در هشتم آوریل صمصام‌السلطنه به جنرال قنسول انگلیس مقیم اصفهان اطلاع داد که عشاير در خط جنگند و چند روزی اتباع انگلیس در جاده‌های واقعه در خاک اصفهان مسافت ننمایند، صمصام‌السلطنه تیز اطلاع داده بودکه به اتباع خود امر نموده است که در مقابل تهاجم محتمله غارتگران حزم و احتیاط را مرعی بدارند.

مستر گرهم پنا به این اطلاع براى مسافت ننمودن در حوالی اصفهان تا اعلان ثانوی بشود به اتباع انگلیس اخطار کرده است، من به کفیل قنسولگری انگلیس در شیراز دستور داده‌ام که همین نوع اعلانی صادر ننماید و نیز اخطاریه دیگری هم بین اتباع انگلیس در طهران توزیع نمودم.

امضا جارج بارکلی

نمره - ۲۸۱

مکتوب سرجارج بارکلی به سرادوارد گری (واسله در ۱۰ مه)

از طهران، ۱۹ آوریل ۱۹۰۹

[۳۰ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۸ ع ۱ - ۱۳۲۷]

آقا

در عرض چهار هفتۀ ماضی فقط مجادلات جزئی در تبریز واقع شده، در ۲۴ شهر ماضی [۴ فروردین؛ ۲ ع ۱] محصورین حمله‌ای به قشون محاصره‌کننده شاه پرست بردند و ملیون در تصرف یک سنگر موفق شدند ولی پیشرفت دیگری براى آنها میسر نشد چون اکثر قشون آنها در سنگرهای خود ماندند، از قرار مذکور تلفات آنها سی و چهار نفر مقتول و معروف بوده، در پنجم شهر جاری [۲۵ فروردین؛ ۲۳ ع ۱]

بمباردمان بی اثری به شهر شد و در ۱۴ شهر حال [۲۵ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۳ ع ۱ - ۱۳۲۷] هم چند فقره شلیک توب شده و پاره‌ای مجادلات مختصره هم در همان روز به وقوع پیوسته ولی جنگ قطعی اعمال نشده.

در همین اوقات آذوقه در تبریز شروع به کم شدن نموده و قحطی در کار خودنمایی بود مخصوصاً در بین اشخاص خارج از جنگ. نظر به عسرت منبسطه فقط بایستی منتظر بود که میل افتتاح باب مذاکرات صلح بین بعضی طبقات مردم بروز بنماید و شاه بوسیله قاعدة قدیمی تولید اختلاف بین مخصوصین مساعی خود را در تسليم شهر بکار ببرد. بعضی نماینده‌ها بهاردوی شاه پرستان در باسمنج اعزام گردید که از قرار مقیوم نماینده رسمی دسته ملیون نبودند ولی با رضایت آنها رفته بودند. تلگرافات اخیره من خاطر اولیای دولت اعلیحضرتی را از مقاد این مذاکرات صلح و وضع کلی تبریز مستحضر داشته است.

پیشنهادات انجمن ایالتی که از جنرال قنسولهای انگلیس و روس خواهش شده بود بتوسط سفارتهای متیوعه خودشان برای قبول آنها به شاه اصرار بنمایند و مبنی به اجازه دخول آذوقه به شهر و انتخاب نماینده برای مذاکره با شاه و سایر شهرها در باب قرارداد کلی بود در موقعی که مهاجمة حوادث مرکن ملیون چندین ماه استقامت نموده بر علیه [= علیه] شاه را، مشرف به تسليم نموده بود، قسمی بود که ندرتاً انتظار مسموع افتادن در محضر آن اعلیحضرت می‌رفت. دو روز قبل شارژ دافع عثمانی در باب وضع مایوسانه اتباع خود در آن شهر مخصوص اشاره کرده و مراحله‌ای به وزیر امور خارجه توشه بود. مستر راتیسلا در طی تلگراف دیروز خودش در باب شرایط پیشنهادیه انجمن ایالتی راجع به متأرکه جنگ اطلاع داده بود که مقدار غله موجوده برای صرف عامه کمتر از آن میزانی است که سایقاً به سمع او رسیده واخلمهار داشته بود که احتمال دیروز بلوائی که ممکن است متنضم خطر جانی برای اتباع خارجه باشد می‌رود. امروز مستر راتیسلا به من اطلاع داده که امکان مهاجمه بداعی خارجه جلب حقیقت نموده. نظر به این خبر بسیار مهم امروز من با شارژ دافع روس که متصل در باب اوضاع با او در مذاکره بوده‌ام مشورت نموده و رأی قطعی ما برای قرار گرفت که تقاضای شرفیابی متفقی برای فردا به حضور شاه بنماییم و در خصوص لزوم فوری محافظت جانی اتباع خارجه مقیم تبریز که ظاهراً در خطر قریب الوقوعی هستند به آن اعلیحضرت اصرار بنماییم.

الآن اطلاع حاصل نمودم که شاه فردا ما را بارخواهند داد و نتیجه این شرفیابی را در تحت مراحله‌ای علیحده مفتخرآ به سمع عالی خواهم رسانید.

امضا ج. بارکلی

تمره - ۲۸۲

مکتوب سرجارج بارکلی به سرادردارد گری (واصله در ۱۰ مه)

از طهران، ۲۵ آوریل ۱۹۰۹

[۱۳۲۷] ۳۱ فروردین ۱۲۸۸ ع ۲۹ - ۱

آقا، لازم نمی‌دانم در باب شرح مذاکرات عدیده‌ای که در خصوص تغییرات پحرانی که تازگی در اوضاع تبریز واقع شده باهمکار روسیم نموده‌ام خاطر محترم را تصدیع دهم چون تلگرافات یته و مستر راتیسلا جتوال قنسول‌خاطر محترم را کاملاً از مجاری امور آگاه داشته.

چنانچه در تلگراف امروز خودم راپورت داده‌ام دیشب آخر شب رأی قطعی ما علاقه گرفت که نظر به فوریت مسئله درخواست شرفیابی متفق روز بعد را از شاه بنماییم به‌جهت اینکه در باب لزوم مشارکه جنگ و اجازه دخول آذوقه برای جلوگیری از مهاجمه تمدید به قنسولگریهای ما و اتباع خارجه مقیم تبریز به‌اعلیحضرت معظم اصرار بنماییم.

امروز صبح بین ساعت ۱۱ و ۱۲ تشرف حاصل شد. پس از بجا‌آوردن مراسم ادب و استفسار از صحت اعلیحضرت شاه، بلافضله من شروع به‌قرائت بیان‌نامه‌ای که سواد آن را با کمال افتخار لفاظ تقدیم می‌دارم نمودم و ترجمه آن را مستر چرچیل و مسیو بارانویسکی که حاضر بودند به‌عرض شاه می‌رسانیدند.

اعلیحضرت معظم فرمودند که پس از اعماق نظر در این موضوع بتوسط وزیر امور خارجه جواب آن را خواهند داد ولی میل دارند اظهار بدارند که چهار روز قبل به قشون خود که در مقابل تبریز هستند امن فرموده‌اند که جنگ را بکلی متوقف بدارند و منتظر مذاکرات صلح که در پیش بود بشوند لیکن متصرفین دیشب جنگ را شروع نموده و هنوز هم نائمه حرب مشتعل است.

من از جانب همکار روسیم و خودم به‌اعلیحضرت شاه اطلاع دادم که حق و باطل مجادله در تبریز به‌ما مدخلیت ندارد.

مسئله یحدی فوری است که مجال بحث یاقی نمی‌گذارد. ما با اوضاعی روپر و هستیم که متنضم مخاطرات و خیمه برای قنسولهای ما و اتباع خارجه مقیمین آنجاست. من به‌آن اعلیحضرت تأکید بلیغ نمودم که امر بفرمایند مشارکه جنگ را اعلام داشته و بگذارند آذوقه داخل شهر بشود که به‌این واسطه خطراتی که تمدید می‌کند رفع بشود. همچه می‌نمود که شاه در وجود داشتن آذوقه در حوالی مشکوکند و مکرر فرمودند که متصرفین به قشون من حمله می‌نمایند و استفسار نمودند که آیا سرکردگان من باید در مقابل این حملات دست‌بسته بایستند؟

من اظهار نمودم اگر اعلیحضرت شاه بیان بفرمایند که در یک مدت معینی مشارکه جنگ را رعایت نموده و در عوض آن مدت بگذارند آذوقه وارد شهر بشود من و همکار روسیم به قنسولهای خودمان تعليمات خواهیم داد که برای جلوگیری از حملات ملیون نفوذ کامل خود را اعمال بدارند.

شاه فرمودند که از تبریز نماینده‌ها به باستینج اعزام گردیده که در شرایط صلح با من مذاکره بنمایند، اهالی تبریز برای تسلیم شدن حاضرند ولی با وجود همه اینها مثل اینکه متصرفین تحت السلاح از اهالی آرام که با آنها من هیچ مخاصمه‌ای ندارم مجزا باشند، حمله جازمی به قشون من نبرده‌اند. با این تفصیل آیا باید من اجازه دخول آذوقه به شهر را بدهم؟

من مجدداً برای در معرض مخاطره و خیمه بودن قنسولهای ما و اتباع خارجه که یک مسئله‌ای است که اقدام فوری لازم دارد به اعلیحضرت معظم اصرار نمودم. اگر چنانچه یک آسیب قطعی بایستی رفع بشود هریک دقیقه حاوی اهمیت است. مسیو سبلین [= سابلین] هم در این تعنی آرزومندانه بامن هم‌آواز شد.

اعلیحضرت شاه جواب دادند نه ماه است من جدوچه نموده‌ام که به متصرفین تبریز استیلا حاصل نسایم و برای انجام این مقصود من شهر را محاصره نموده و دخول آذوقه را قطع نموده‌ام. حال آنها در تضمین و فشار کامل گرفتار شده‌اند. آیا باید در همچه موقعی من بگذارم آذوقه داخل شهر بشود و تمام زحماتی که قشون من کشیده‌اند بهدر برود؟ من در جواب عرض کردم که این استدعا را فقط از آن اعلیحضرت می‌نماییم که وعده مشارکه جنگ و اجازه دخول یک محدودی آذوقه به شهر را بدنهند برای اینکه به هر صورت باعث رفع خطر قریب الوقوع قنسولهای ما و اتباع خارجه خواهد شد.

اعلیحضرت شاه جواب دادند که نمی‌دانم چرا قنسولها و اتباع خارجه از شهر خارج نمی‌شوند و در مقابل این بیان مسیو سبلین [= سابلین] و من جواب دادیم که نظر به مقتضیات، یک همچه روشنی بکلی خارج از موضوع است. همکار روسی من نین اظهار داشت:

«قنسولهای ما نمی‌توانند از اتباع خارجه در تبریز مفارقت بجوینند. منافع مشرف به خطر خیلی زیادند و اتباع کثیره روس که در شهرند نمی‌توانند خارج بشوند. آنها باید ملاحظه فامیل و اموال خود را هم داشته باشند. اگر ما تصور می‌کردیم که آن اعلیحضرت می‌توانند آنها را حفظ نمایند استدعای حراست آنها را می‌نمودیم ولی اعلیحضرت شاه نمی‌توانند. لهذا ما باید به اعلیحضرت شاه اصرار بنماییم که با اظهارات ما موافقت بنمایند. مستر میلر که معروف حضور اعلیحضرت است به من تلگراف نموده که خطر مهاجمه قریب الوقوع است و بیم آن است که هر آن واقع بشود. علی‌هذا من در باب لزوم اقدام فوری نمی‌توانم به حد کفايت به اعلیحضرت اصرار بنمایم ولی حتی باید این را هم اضافه بنمایم که مملکت مشرف به خطر است.»

همچه ظاهر گشت که این استدعا بر اعلیحضرت شاه خیلی مؤثر واقع شده و بعداز قدری مذاکره دیگر موافقت نمودند به عین‌الدوله تلگراف کنند که تا شش روز دست از جنگ بکشد (یعنی تا ظهر روز دوشنبه ۲۶ آوریل) و در عرض این مدت مقدار آذوقه‌ای که تخميناً برای آن مدت لازم خواهد بود داخل شهر بشود مشروط براينکه در این هنگام به قشون شاه پرستان حمله برده نشود.

من و مسیو سبلین [= سابلین] هم از این طرف تعهد نمودیم به جنرال قنسولهای

خودمان تعلیمات بدهیم که این شرایط را به ملیون تبلیغ نموده و نفوذ کامل خود را در جلوگیری از تجدید مجادله آنها یکار برند. در طی شرفیابی خودمان که سه ربع ساعت طول کشید و وزیر امور خارجه هم حضور داشت ما به اعلیحضرت شاه اطلاع دادیم که قصد داریم روز بعدم مجدداً بار یافته و بموجب تعلیمات رسمی دولتین متبع عنین خودمان اخبارات کلی مبسوط تری بنماییم. پس از مراجعت به سفارت پیغامی بتوسط وزیر امور خارجه از طرف شاه به من رسیده تلگراف ذیل را که تازه از عین الدوله رسیده بود تبلیغ نموده:

«متمن دین فقط می خواهند فرصت بدست بیاورند چون آنها منتظر یک قشون امدادی از ارومیه و سلماس هستند که به سدار نصرت حمله خواهند برد. بهیچوجه محل شبیه نیست که دو عراده توب از ارومیه به سلماس رسیده است.»

مقصود شاه این بود که مفهوم بدارد که اگر این استعداد به قشون او حمله بینند شرط مشارکه جنگ خاتمه خواهد پذیرفت. من جواب دادم در این نکته موافقت دارم و پس از آن همکار روسی من همینطور جواب داده بود.

ما در موضوع فوق به جنرال قنسولگری‌ای انگلیس و روس تعلیمات متحده‌العالی داده‌ایم و همچه می‌نماید که عجالتاً مخاطره مرتفع شده.

امضا ج. بارکلی

ملفوظه در نمره ۲۸۲

مراслه‌ای که ترجمه آن برای اعلیحضرت شاه ایران قرائت شده وضع اتباع خارجه در تبریز اقصی درجه و خامت را دارا است. ظاهرآ قحط و غلای آذوقه به حدی در شهر احاطه دارد که اهالی قرین یأس و حرمانند و دلیل دارد خوف آن باشد که تهاجم به جنرال قنسولگری‌ای روس و انگلیس برای تحصیل آذوقه تحت نظر است.

نظر به این مقتضیات نمایندگان دولتین انگلیس و روس مجبورند خاطر نشان اعلیحضرت شاه بنمایند که برای هر صدمه و ضرری که به جنرال قنسولگری‌ها و اتباع خارجه مقیمین تبریز وارد بیاید دولتین شخص اعلیحضرت را مسئول خواهند دانست.

ما امروز شرفیابی حاصل نموده‌ایم برای اینکه یگانه طریق جلوگیری از یلوای رقت انگیزی را که تمدید می‌نماید به اعلیحضرت عرضه بداریم و نظر به اینکه محافظت اتباع ما در تبریز برای دولت اعلیحضرت شاه غیر مقدور است ما مجبوریم که در لزوم فوری آسایش اهالی شهر بوسیله مشارکه جنگ و اقدامات لازمه سریعه در دخول آذوقه برای مردم قحطی زده انصار بنماییم.

نمره - ۲۸۳

مکتوب سرچارج بارکلی به سرادردارگری (واصله در ۱۰ مه)
از طهران، ۲۲ آوریل ۱۹۰۹

[۲ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ یکم ع ۲ - ۱۳۲۷]

آقا

با کمال افتخار خلاصه وقایع ماهیانه ایران اتفاقیه در عرض چهار هفته ماضی را لفأ ارسال می دارم.

امضا ج. بارکلی

ملفوقة در نمره ۲۸۴ خلاصه ماهانه

طهران

وضع پلیتیکی طهران در عرض چهار هفته ماضی بی تغییر بوده. در ۲۷ مارس [۷ فروردین؛ ۵ ع ۱] صنیع الدوّله رئیس اولی مجلس سابق باتفاق بعضی اقربای خود به عنوان اینکه جانش در خطر است به سفارت اعلیحضرتی انگلیس پناهنده شد. آنها اظهار داشتند که قصد عزیمت به اروپا دارند و شاه هم اجازه این امر را به آنها داده اند. فعلا همه آنها از سفارت خارج شده اند و بعضی از آنها واقعاً از طهران حرکت نموده اند ولی صنیع الدوّله هنوز در منزل خود مانده است.

چند روز بعد یکی از وعاظ معروف اعتمادالذکرین نام با یک زخم گلوله ای که در بازوی خود داشت و در شب ۲۳ مارس [۲ فروردین؛ ۲۹ صفر] که چندین نفر در شاه عبدالعظیم مقتول شده بودند از آنجا گریخته بود در سفارت متخصص گردید. مشارالیه هنوز در سفارت است.

در عرض ماه مسیو یارانوسکی ترجمان سفارت روس که به مرخصی رفته بود مراجعت نموده و شرقیابی خصوصی به حضور شاه داشت که بیش از دو ساعت طول کشید و در ضمن تشرف او اعلیحضرت شاه نیت خود را در اعاده حکومت شوروی اظهار فرموده بودند.

وزیر مختار دولت فخیمه انگلیس و مسیو سبلین [= سابلین] در ۲۰ و ۲۲ آوریل [۳۱ فروردین و ۲ اردیبهشت؛ ۲۹ ع ۱ و یکم ع ۲] به حضور شاه بار یافتند.

۲۲ آوریل ۱۹۰۹

[۲ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ یکم ع ۲ - ۱۳۲۷]

امضا ج. پ. چرچیل

رشت

شهر آرام مانده و نظم مستقر بوده. مذکور است که یک استعدادی از ملیون در تحت سرکردگی سپهبدار در شرف حرکت بطرف طهران هستند. تردد در راه طهران بدون اختلال باقی مانده.

استرآباد

ظاهرآ طایفه جعفریای ترکمان در چندی قبل به شاه تلگراف نمودند که طرفدار او هستند و اگر شاه فرماندهی برای آنها یفرستد ملیون را متفرق خواهند نمود. ملیون شخص حاجی رحیم خان نام را فرستادند که رئسای ترکمان را جمع نموده و از آنها تقاضا بنماید که برای همراهی با مردم ملیون قسم یاد بینمایند. تراکمه او را بقتل رسانیده و اموال او را غارت نموده و پنجهزار حشم به غنیمت بردند. ملیون بالاخره نعش او را کشف نموده و با تجلیل و تشییع کاملی مدفون نمودند.

در ۲۷ مارس [۷ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۵ ع ۱۳۲۷] قریب بیست نفر از ملیون وارد بندر جز [گز] شده و تلگرافخانه و گمرک را تصرف نمودند.

در ۲۸ مارس قریب سه هزار نفر مردم یا بیرق سرخ بیرون رفتند که ملیون را به شهر استرآباد ورود دهند و آنها را با فریادهای «زنده باد مشروطه» و «پست باد محمدعلی» داخل نمودند. اول آوریل [۱۲ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۰ ع ۱۳۲۷] قریب بیست نفر از ملیون کارگزار را که مظنون به معیت قنسول روس در رفت به اردوی ترکمان جعفریای که برای بهم زدن انجمن ولایتی آنها را مقاعده بنمایند بود دستگیر نمودند. پس از آن بواسطه مداخله قنسول روس کارگزار مستخلص شد. اخبار اخیره این است که ترکمانهایی که از طرف شاه کار می‌کنند شهر را محاصره نموده‌اند. جنگ در کار شروع شدن است و قنسول روس تقاضای اعزام قشون به استرآباد را نموده است.

مشهد

در ۷ آوریل [۱۸ فروردین؛ ۱۶ ع] بواسطه انداختن بمب در خانه پسر برادر ایالت جدید که موقتاً به ریاست قشون منصب بود اغتشاش بروز نمود. پس از آن دستهٔ ضد حکومت تلگرافخانه را تصرف نمودند ولی تعرضی نسبت به تلگرافچیان اروپایی ننمودند. برای حفظ ارگ توپها رسم شد و تمام سرباز از شهر برداشته شد در صورتی که بعضی از آنها خلخ سلاح شده بودند. در هشتم هیجان مشددی متبسط گردید و آراء بر این تعلق گرفته بود که به ارگ یورش برده شود ولی صورت وقوع حاصل نمود. انجمن ایالتی مجدداً تأسیس شد و تلگرافات مبنی بر اعلام تشکیل آن به تمام نقاط ایران مخابره گردید. [در] نهم نایب‌الحکومه را انجمن ایالتی دستگیر و توقيف نمود ولی بعد از دو روز پس از یاد نمودن قسم برای اتحاد با آن هیئت مستخلص شد. در بین یک هفته پس از آن تاریخ پول زیادی دریافت شد ولی این باعث منقسم شدن انجمن به پارتی‌های مختلف گردید و اعمال متعدد را غیرممکن نمود. انجمن ایالتی مراسله به هردو قنسول‌گریها نوشته می‌شود این خواهش که به اتباع خودشان اخطار بنمایند که داخل در این مخاصمه نشوند، به اضافه جازماً تصمیم شده بود که از هر دو قنسول‌گریها تقاضاً بشود که از شهر خارج بشوند برای اینکه انجمن مطلق‌العنان بشود چونکه بواسطه قرب جوار خودشان به ارگ و ذخیره مسلح با مجادله در حول و حوش خود مخالفت می‌نمودند و این بالذات باعث صلح و مسالمت می‌شد. ایالت جدید

از راه مشهد هنوز در نیشاپور اقامت دارد.

تریب حیدری

در اوایل مارس اعدالدوله از حکومت تربیت معزول شد. شب چهاردهم مارس [۲۳ آسفند؛ ۲۰ صفر] یاور اسدالله به سوکردگی دویست نفر بلوچی مکمل و مسلح وارد تربیت شده شهر را تصرف نمود و در دارالحکومه رحل اقامت انداخت. مشارالیه نایب‌الحکومه را که یکی از دشمنان قدیمیش بود به قتل رسانید. شهر به حالت آرامی باقی ماند و سalarخان که سرنشسته اموز را از طرف یاور در کف گرفته اعلان ذیل را توزیع نمود:

«ما مشروطه‌خواهیم و فقط صلح و آسایش عموم را طالبیم. به اتباع خارجه و سایرین اطلاع داده شد که جان و مال آنها محفوظ و محترم خواهد بود. به همه اخطار می‌شود که بعد از غروب آفتاب هیچکس نباید از خانه خود خارج بشود.»
یک مفتشری در پستخانه و تلگرافخانه دایر گردید ولی هیچ مداخله‌ای در مکتوبات انگلیس و روس نشد. مردم از این تغییر وضعی که حاصل شده ظاهراً کمال رضایت را دارند.

کرمان

در ۷ آوریل [۱۸۱۶ فروردین؛ ۱۶ آغس] قنسول انگلیس تلگراف نمود که به استثنای راه مشهد سایر طرق به کرمان در دست سارقین است. پست پنج هفته را جلو بسته‌اند و نرخ ارزاق خیلی ترقی نموده. در سیزدهم او تلگراف نمود که جماعت گرسنه در دکاکین خبازی از دحام و هجوم می‌نمایند و نان کمیاب است و هیچ قوائی در شهر نیست. در شانزدهم او راپورت داد که حاجی نایب به کلانتری شهر برقرار شده و اقدامات مجدد نموده و نتیجه آن اینکه وضع شهر بهتر است.

ینه

صمصام‌السلطنة بختیاری به نائین تلگراف نموده که از قرار مسموع شهر در حالت اغتشاش و بی‌نظمی است و به‌آهالی نصیحت نموده که سکون و آرامی اختیار نمایند والا ناچار خواهد بود برای اعاده نظم و تمثیلت سوار یافرستد. در خاتمه تلگراف استعلام نموده است چه موقعی مقتضی است که سوار برای دریافت قسط اول مالیات سنّه آتیه بیاید. هیچ چوایی در مقابل این تلگراف داده نشد.

در اواخر مارس اغلب روستاییان پارسی به قراء خود معاودت نموده بودند ولی هیچ اقدامی در استرداد اموال آنها بعمل نیامد و بر عکس مذکور شد که دستجات کوچک مسلمانان هنوز مخفیانه از آنها پول می‌گیرند.

در وضع کلی دهات اطراف یزد هیچ بهبودی ظاهر نیست حرکت پست بی‌ترتیب شده هیچ جاده‌ای خالی از سارقین نیست. در راه نائین که بالتسیبه تا یک مدتی امنیت

برقرار بود ناامنی عودت نموده. بالاخره برای اروپائیان مقیم یزد تمیه قراول شده ولی محل شبیه است که در صورت مرتبتر از دسته ساقی نرسیدن حقوق [در صورتی که باین گروه مرتبتر از گذشته حقوق پرداخت نشود] بقای اینها بیش از دستجات ساقی طولی خواهد کشید یا خیر.

کرمان

انقلاب شدیدی در ۲۷ مارس [۷ فروردین؛ ۱۵] واقع شد. در ۲۵ یک یهودی جوراب فروشی که تازه مسیحی شده بود پسر سیدی را که شاگرد او بود کتک زده. پس به متزل خود رفته شام خورده براحتی خوابیده ولی روز بعد چندین مرتبه ضعف نموده و پس از آن فوت شده. طبیب مریضخانه که جنب قنسولگری انگلیس ساکن است به عیادت آن طفل رفته و به برادر او گفته بود که به عقیده من فوت این پسر هیچ ربطی به کتک خوردن او ندارد. دونفر طبیب ایرانی هم به عیادت او رفتند. برادر طفل شکایتی ننمود ولی جوراب فروش مزبور دستگیر شد و چندنفر سید که به شناخت عمل معروفند از تدفین جنازه جلوگیری نمودند بنای اینکه آن را در شهر پگردانند و آتش غصب مردم را بر علیه یهودیان مشتعل پدارند. پیغامی که در یاپ احتمال غارت شدن محله یهودیان به قنسول انگلیس فرستاده شده بود متأسفانه به او نرسید. روز بعد یک نفر از سادات نزد حاکم رفته و به تمدید تولید بلوای تناقضی قتل سریع یهودی جدید العیسوی را نمود. سادات چندین نفر از علمای معروف را هم مجبور نمودند که با تناقضی آنها تقویت پنمایند. حاکم بواسطه خوف از وقوع بلوای مذهبی و به امید خاتمه دادن مسئله، بدون تحقیقات زیادتری امر به قتل آنی آن یهودی نمود. آن مرد بدیخت بی‌گناه مقتول گردید و فوراً شروع به غارت محله یهودیان شد. در صورتیکه به حکومت اخطار شد، هیچ اقدامی در جلوگیری از این چپاول که سربازهای خودش هم در آن شرکت داشتند ننمود. به هرجمیت بعد از رسیدن پیغام کاپیتان هاورت و قنسول روس او قدرتی بروزداد و از وارد شدن آسیب و ضرری به مدرسه آلیانس اسرائیلی جلوگیری نمود. مختصراً هر چه در مهم‌ترین نقاط محله مزبور بود بکلی غارت شد، حتی در و پنجره‌ها را کنده و به یغما برداشتند. یک نفر از یهودیان تبعه انگلیس که بکلی خانه او غارت شده بود ولی مستحقظین کاپیتان هاورت بموضع به او رسیده و او و فامیلش را نجات داده به قنسولگری برداشتند. هیچ یک از یهودیان آنها بقتل نرسیدند ولی بسیاری از آنها که مجروح شده بودند مردند. ضعف حکومت و فقدان قشون سبب این اغتشاش بود. سرباز و توپچی او در جزو غارتگران آشکارا مژئی بودند. وقتی که به قراولهای مریضخانه ایجاد شده بود که چرا شرکت در غارت نموده‌اند جواب داده بودند که حسب‌الامر حکومت بوده، کاپیتان هاورت به وزیر مختار انگلیس تلگراف کرده و تناقضی غزل‌حاکم را نموده بود. بعد از این غارت علمای معروف از مخالف بودن با این امر مذاکره سخت می‌نمودند و کلیه مسئولیت آن را از عهده خود ساقط می‌نمودند و حکومت عمل پیدا نمودن اموال منهوبه و استرداد آنها به یهودیان را به مشارالیهم محول نمود. یک مقدار

قابلی از اموال مسترد شده. کاپیتان‌هاورت را پورت می‌دهد که از همدردی و مساعدت عملی که مسلمانان در تغذیه و ملبس نمودن یهودیان مشهود می‌دارند خیلی تعجب است. مشارالیه تیز اشعار می‌دارد که بعضی از مسلمانان حق حیات به‌گردن بسیاری از یهودیان دارند چون در بعضی مواقع به قوه قهریه سایر یهودیان را مجبور نمودند که آنها را به منزل خود آنها بینند و مراقب آنها باشند. آشکارا اذعان دارند که یهود جدیدالعیسوی بی‌گناه بوده و شاگرد او به مرگ طبیعی مرده است: ظهیرالملک حاکم شخصاً تصدیق دارد که شخص مقتول بی‌گناه بوده و می‌گوید برای جلوگیری از اغتشاش من او را به قتل رسانیدم.

در ۷ آوریل [۱۸ فروردین؛ ۱۶ ع ۱] شهرت یافت که حمله دیگری به یهودیان بینده خواهد شد و این دفعه حمله به جان آنها خواهد بود نه به اموالشان. یک عدد کثیری از یهودیان معتبر کرمانشاه با بی‌آند و یک قطعه عکس باب که در جزو اموال غارتی دیده شده بود ظاهراً باعث خشم و تمییح بعضی از الواط بازار گردیده. تمام یهودیانی که تبعه عثمانی بودند در شہبندری عثمانی پناهنده شدند و یهودیان معتبر ایران در قنسولگری ما. کاپیتان‌هاورت و شہبندر عثمانی ضمانت‌نامه کتبی برای تأمین محله یهودیان از حاکم مأمور داشتند و در همان شب استعداد کاملی از سریاز و تفنگچی در آنجا به قراولی گماشته شد. هنگامی که کاپیتان‌هاورت برای ترتیبات حرکت مستحفظین به منزله‌اشان با کارگزار مشغول مذاکره بود مجتمهد اعلم مسلمانان پیغام فرستاده که او از آنها توجه خواهد نمود. چون آنها مایل بودند کاپیتان‌هاورت آنها را نزد معزی‌الیه فرستاد و او پتوسط مستحفظ آنها را بسلامت به منزله‌اشان رسانید.

در اوایل آوریل، مظنون شد که مجتمهد عمدۀ مسلمانان می‌خواهد الحاق کرمانشاه به جنبش ملی را اعلام بدارد ولی تا حال این اقدام اعمال نگردیده.

در همدان چنبش ملی با ورود نایب‌الحكومة جدید با تفاوت قشون تصادف نمود ولی محتمل است چنبش متپور مجدداً شروع بشود.

داودخان، رئیس کلمپر، با شیرخان، رئیس سابق ستیجابی، عقد اتحادی یسته و برای منصوب نمودن او به مقام سابق موافقت کرده. علی‌الظاهر حبیب‌الله خان که فعلاً حاکم قصر شیرین است ناچار به تخلیه این مقام و ریاست ایل مزبور خواهد شد. چنانچه ملاحظه می‌شود داودخان علاً حاکم قصر را بدون مراجعت به‌اراده حکومت مأفوّق معزول و منصوب می‌نماید و به‌محضنین امر می‌کند که کی باید رئیس ستیجابی بشود.

www.adabestanekave.com

شیراز

در عرض نیمه اول مارس [۱۵ - ۱ اسفند؛ ۲۷ محرم تا ۱۲ صفر] هیجان مشروطیت امتداد داشت و ایالت مسلک بی‌اقدامی استادانه خود را تعقیب نمود. در ۲۴ [۲۴ فروردین؛ ۲ ع ۲] یک مجمع مهندسی تشکیل یافت و نصر الدوّله و عطاء الدوّله و وزیر

ایالت و نماینده‌های عدیده‌های تمام طبقات در آن حضور داشتند. آغاز سخن‌نطق علم‌المهداء در تصویب اتحاد مشروطه بود. همه حضار مشروطیت را تحسین نمودند. متعاقب آن مذاکره بسیار شد و در طی آن رأی قطعی براین علاقه‌گرفت که روز بعد حکومت شوروی در فارس تأسیس بشود و رسول نزد شیخ ذکریا [= ذکریا] و سید عبدالحسین اعزام بشود که آنها را به سکون و آرامی مقاعده بنماید و بهمچنین نزد صولت‌الدوله فرستاده بشود که او نیز مشروطه را تأیید نماید. به اضافه تلگرافات مبنی به اعلان تجدید مشروطیت در شیراز به تمام نقاط ایران مخابره شود. اولین نتیجه این اجلاس رفتن معین‌الاسلام یکی از متمدن‌ترین اعضای دستهٔ ملی‌صیح روز بعد بود به قنسولگری. مشارالیه از مستر بیل خواهش نمود که هرچه ممکن باشد و بیانات ذیل را نمود:

«چندی است که جنبش ملی در جریان است ولی بواسطه لزوم جلب موافقت قوامیها وغیره در تعقیب مذاکراتی که با آنها در میان بود به عهده تأخیر گذاشته شده بود، فعلاً تمام فرق در مقصود این جنبش متفقند و آن حقوق ملی است که مشروطه تعیین نموده و شاه برای آن قسم یاد نموده. اولیاء قوم همه «تجدد خواه تندرو» بودند ولی سایرین به انضمام ایالت هم‌اکنون متحد شده‌اند.»

در طی اجلاسی که در روز ۲۶ [۱۶ فروردین؛ ۲۶] منعقد گردید قرار بر این شد پنجاه نفر انتخاب پشوند به انضمام اعضای انجمن ایالتی سابق که عصر روز ۲۶ در همارتی که سابق برای انجمن ایالتی تعیین شده بود اجلاس بنمایند. جلسه مذبور را بایستی ایالت به اتفاق میرزا ابراهیم افتتاح بنمایند. غرض تمام فرق تکمیل روابط وداد ممالک خارجه است خصوصاً دولتين همجوار و بالاختصاص دولت انگلیس که مملکت پارلمانی است.

متأسفانه این پرگرام چندان پیشرفتی ننموده. پنجاه نفر اعضاء چنانچه تصمیم شده بود اجلاس نمودند ولی نه در تحت ریاست ایالت. در ۲۶، ایالت تلگراف معدن‌آمیزی به صدراعظم مخابره نمود مبنی براینکه اجلاسی از تمام اعیان شیراز منعقد گردیده و رأی قطعی داده‌اند که انجمن ایالتی تشکیل بشود و او چاره‌ای ندارد.

ظاهرآ جواب مستقیمی به این تلگراف داده نشد ولی در ۲۶ تلگرافی از طرف صدراعظم به ایالت و قوام‌الملک و نصیر‌الملک و سایر اعیان مخابره گردیده و به آنها اطمینان داده شده که همه امورات اصلاح خواهد شد و قشون در صده حرکت بطرف اصفهان است. حسب المقرر در ۲۵ و ۲۷ و ۲۸ و ۳۰ انجمن در یکی از عمارت‌های حکومتی در تحت ریاست وزیر ایالت منعقد گردید. در جلسات مذبوره ظاهرآ مذاکرات بسیار بیان آمده و بالآخره رأی قطعی از قرار ذیل علاقه گرفته:

(۱) نظامات داخلی. انجمن در هفته سه روز و هر روز سه ساعت منعقد بگردد. هیچیک از اعضاء کسی را همراه نیاورند و مذاکرات ساده و بدون القاب و عنوان باشند.

(۲) تلگرافات به تبریز و اصفهان و نجف مخابره شود.

(۳) رسول نزد سید عبدالحسین و شیخ ذکریا [= ذکریا] و صولتالدوله اعزام بگردد. مقصود اینکه حالا که مرام ملی موققیت حاصل نموده شیخ به لار معاوتد نماید و صولتالدوله هم تعقیب بشود که استقرار نظم در راه بوشهر را از طریق کازرون یا از طریق قیروزآباد هر کدام را که خودش مرجع می‌داند عهده‌دار شود و از معزی‌الیه دعوت بشود که برای شور با هم‌مسلکان خود پهشیراز بباید.

(۴) راه اصفهان به نصرالدوله سپرده شود که به دست ایل خمسه تمثیت آن را عهده نماید.

(۵) تازمانی که با صولتالدوله قراری داده شود پنجاه نفر سوار برای قره‌سورانی راه بوشهر الی کازرون تعیین بگردد و مرکز آنها در خانه زینیان [خان زینیان] باشد.

(۶) عطاءالدوله اقدامات احتیاطی معمولی را در جلوگیری از بالا رفتن نرخ ارزاق بوسیله تنبیه نمودن اشخاصی که مأکولات را به خارج حمل بنمایند بعمل بیاورد. اگر چه انتخاب کمیسیونها خیلی موضوع بحث بوده ولی هنوز انتخاب نشده. آصفالدوله به‌اجمن رفته و نقط مفصلی نمود مبنی براینکه در تمام این مدت باطننا با آنها همراه بوده به همه جهت مهم‌ترین وقایع آنها ای که در خارج مجمع مشاوره واقع شده.^{۳۱}

ظاهراً با وجود اتحاد آشکار نامیدانه بین شیرازیها بیش از هر وقت نفاق موجود است و همچه می‌نماید که یک خطر واقعی در پیش باشد که نتیجه عاقبتی این نفاقها این بشود که شیخ ذکریا [= ذکریا] که از طرف مشروطه‌خواهان تندر و دعوت شده بدون مجادله به‌شیراز بباید فقط به‌این جهت که در صورتی که همه از او متزجر و مرعوب هستند نمی‌توانند به حد کفايت په‌یکدیگر اعتماد نموده متعدد بشوند و به قوه قهریه با او مقاومت بنمایند.

در طی مراسله‌ای که مستر بیل در سوم آوریل [۱۴ فروردین؛ ۱۲ ع ۱] نوشته بود وضع شیراز را خیلی بد شرح داده بود. قدرت شاه مستملک شده، گرچه موقتاً هم باشد، و به‌اجمن هم اعتمادی نیست. تمام کسانی که قنسول مزبور را ملاقات نموده‌اند سؤال کرده‌اند که عاقبت امر چه خواهد بود.

وضع طرق حقیقتاً خیلی بد است. هم در راه اصفهان هم در راه بوشهر اکثر پست‌ها سرقت شده. در ۲۸ مارس [۸ فروردین؛ ۶ ع ۱] یک گاری پستی که مستر لینتن یکی از اجزاء انجمن دعات مسیحی یا آن مسافرت می‌نمود در حوالی ده بید سرقت شده. این سرقت اهمیت دارد چون حاکم پتوسط قنسول انگلیس تلگرافی به‌ده بید مخابره نموده و امر کرد یک عده کافی مستحفظ تهیه بشود و اقلام سه دسته استعداد که فرستاده شده بودند در باب سرقت وکیل کمپانی زیگلر تحقیقات بنمایند در جاده حاضر بودند برای اینکه بخوبی می‌توان گفت که زوال قوای مأمورین محلی نمایش داده بشود تمام جاده حتی تا خود اصفهان ظاهراً در دست دستجات غارتگران

ایلیاتی است که یا به قوافل حمله می‌برند یا قراءه حوالی جاده را می‌چاپند. در یک مورد به یک قافله زوار حمله برده شد ولی چون عده زوار کثیر و مسلح بودند تو انستند حمله را جواب داده و دو نفر از مهاجمین را مقتول پنماشند.

امضا ث. ب. استکس مازور اتاشه میلیتر

نمره - ۲۸۴

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۰ مه)

از طهران، ۲۲ آوریل ۱۹۰۹

[۱۳۲۷: ۱۲۸۸: یکم ع ۱ - ۲]

آقا

بعد از شرحی که به تاریخ ۲۶ شهر ماضی [۴ فروردین؛ ۲ ع ۱] معروض داشتم در عرض این ماه را پورتھای تلگرافی عدیده‌ای واصله از جنرال قنسوی انگلیس مقیم بوشهر را در یاپ بروزات وضع آن شهر از اثر اقدامات بعضی از ملیون و خصوصاً سید مرتضی اهرمی که سرنشسته اختیار حکومت آنجا را در دست گرفته خدمت جنابعالی تبلیغ نموده‌ام.

در حقیقت وضعیت و رفتار سید مرتضی مؤسس این جنبش بوده. واضح است که بدون پیشقدمی او و استعداد معتبره تفنگچی که او توانسته تهیه بتماید برای دسته ملیون امکان نداشت که بتوانند به این سهولت به قوای شاه فائق بیایند گرچه در ابتدا سید مرتضی با تهور بسیار اتحاد خود با مقصود ملیون را مشهود داشت ولی متزايداً مکشوف گردیده که کلیتاً اقدام او بیشتر به خیال نفع شخصی بوده نه از راه بی‌غرضی و عدم انتفاع. استعدادی که او داخل شهر نمود مرکب از ایلیاتیان ساکن در همان حوالی بودند که خود سید هم اهل همان‌جا است و اشکالی که در دوره استیلای سید بوقوع پیوسته بکلی مربوط به شرارت آنها بوده. چپ نمودن این اشخاص قسمتی از بازار را در ۷ شهر حال [۱۸ فروردین ۱۲۸۸: ۱۶ ع ۱۳۲۷] و خطرات مهمة ناشی از تعاظرات دیگر آنها باعث لزوم پیاده نمودن قشون از کشتی جنگی اعلیحضرتی موسوم به «فاکس» که تازگی به بوشهر اعزام شده بود گردید.

نظم عمومی بخوبی مستقر گردید و لی امتداد حضور تفنگچیان که سید از اخراج آنها امتناع دارد اهالی را به حالت مرغوبیت دائمی نگاهداشت. فعلاً ملیون در طریق نمودن سید متفق العقیده هستند ولی آنها نمی‌توانند او را از شهر تبعید بتمایند چون میل دارند بدون تقویت دیگری این امر را اعمال بدارند. در خصوص عایدات گمرک سید پس از موافقت بداین قرار داد که بعد از وضع یک مبلغ معینی برای مصارف جاریه ملیون بقیه نزد سه نفر تجار ایرانی به‌رسم امانت سپرده شود در سلب تدین این سه نفر موفق شده و تمام مبلغی که امانت بود متصرف شد. به‌همه جمیت او پیست هزار تومان از پول گمرک را دریافت داشته است.

ترتیب کنوتی این است که تا زمانی که یک قرارداد رضایت‌بخش کاملی با اولیای ملیون مسؤولی داده نشده عایدات باید در گمرکخانه در تصرف مأمورین پلثیکی بماند و من به‌مأذور کاکس اختیار داده‌ام که سربازان بحری را در گمرک پگماره برای اینکه اگر باز سید مزبور بخواهد عایدات را اخذ بنماید ممانت ممانت بنمایند.

امضا ج. بارکلی

نمره - ۲۸۵

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۰ مه)
از طهران، ۲۲ آوریل ۱۹۰۹
[۲ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ یکم ع ۲ - ۱۳۲۷]

آقا

امروز صبح من و همکار روسمیم باتفاق ترجمانهای خودمان به حضور اعلیحضرت شاه بار یافتم و من شرح بیان نامه‌ای را که سواد آن را مفتخر در چوف تقدیم می‌دارم برای آن اعلیحضرت قرائت نمودم.

اعلیحضرت معظم که با کمال دقیق ترجمه آن را که مستر چرچیل شرح می‌داد اصفاء می‌فرمودند و حتی یک عبارتی را که بدوان درست ملتافت نشدن تقاضای تجدید بیان آن را نمودند از قرار ذیل جواب دادند:

« واضح است که دولتین انگلیس و روس نظر به اینکه دول هم‌جوار و کامل الودادی هستند در ترقی ایران دقایق عمیقه دارند لهذا اظهاراتی را که الحال به من نموده‌اند من با کمال مسرت دریافت نموده و پس از مشورت در این موضوع بتوسط وزیر امور خارجه جواب خواهم داد.»

من استفسار نمودم چه وقت ما باید منتظر وصول جواب از طرف آن اعلیحضرت باشیم و شاه جواب دادند که خیلی زود جواب داده خواهد شد. پس از آن ما مرخصی حاصل نمودیم.

امضا ج. بارکلی

ملفوظه در نمره ۲۸۵

مراسله‌ای که ترجمه آن برای اعلیحضرت شاه ایران قرائت شده قریب چهار ماه است که نمایندگان دولت اعلیحضرتی انگلیس و دولت اعلیحضرت امپراطوری متفقاً به اعلیحضرت شاه صلاح‌اندیشی نمودند که مواعیدی را که مکرر به ملت خود و نمایندگان دولتین برای تجدید تأسیس حکومت شوروی در ایران داده‌اند ایفاء بنمایند.

بدینخانه برای خود آن اعلیحضرت و مملکت مفلوکش و نیز متأسفانه برای منافع دولتین انگلیس و روس، اعلیحضرت شاه در نقض این مواعید و در پیروی تعليمات

مشاورین مرتعج و مخالفت یا صلاح‌اندیشی‌های معقول دولتين هم‌جوار کامل‌الوداد اصرار نموده‌اند و نتیجه اینکه اوضاع از بد به بدن تمايل جسته و فعلا مشکل است که به‌کدام نقطه مملکت می‌توان اشاره نمود بجز پایتخت که در اینجا هم حکومت‌مرکزی چندان قدرتی ندارد. نه فقط تمام شهرهای عمدۀ برعلیه [= علیه] اساس مرتعجه حاضره کوس یا غیگری می‌زنند بلکه وضع هرج و مرج عمومی به‌حدی متسع شده که تقریباً چار ناپذیر است و این وضع امور آنها [تنها] برای آن‌اعلیحضرت‌وملتش و خیم نیست بلکه متقمن ضرر‌های بسیار برای اتباع دولتين هم‌جوار است. هر گاه اعلیحضرت شاه صلاح‌اندیشی دوستانه دولتين هم‌جوار را چهارماه قبل تعقیب نموده بودید وضع ایران یکلی برخلاف این ترتیب امور رقت‌انگیز امروزه که اسباب طعن و تمثیل بین ملل متعدده عالم شده می‌بود. اگر اعلیحضرت شاه چهار ماه قبل به تعهدات خود ایفاء نموده بودند یلاfacله اصلاحی بین آن اعلیحضرت و ملتش ظاهر می‌گردید و نمی‌توان دلیلی برای تردید در این مسئله داشت که یفاصله قلیل مدتی مجاهدات متحده آن اعلیحضرت و حکومت شوروی ترقی شایانی در وضع کلی مملکت ایجادمی‌نمود. قصور ممتده اعلیحضرت در ایفای تعهدات خودشان باعث تولید یک وضعی شده که اعاده‌نظم و تمثیت یکی از امورات بسیار مشکل خواهد بود. یا وجود این نمایندگان دولتين را عقیده پراین است که دلیلی برای قرین یأس و حربمان شدن نیست در صورتی که آن اعلیحضرت بدون فوت وقت این‌روش حکومت رقت‌انگیز حاضره را که از زمان انهدام مجلس در تاپستان ماضی اعلیحضرت برحسب صلاح‌اندیشی اشخاصی که دشمنی و معاندت با مملکت خود را به‌ثبوت رسانیده‌اند تعقیب فرموده‌اند ترک نمایند. ولی اگر آن اعلیحضرت ایفاء به‌مواعید خود را بیش از این به‌عده تأخیر بیتدازند آنوقت حقیقتاً امیدی باقی نخواهد ماند که اعلیحضرت پتوانند به‌مرتفع‌داشتن هرج و مرج متزایده نائل پگردند.

نظر به‌یقین داشتن در این مسئله است که دولتين هم‌جوار که فقط آمال آنها این است که ایران از این بحران رقت‌انگیز کنونی نجات یافته و ملتی شود یا سعادت و نیک‌بختی و استقلال تام و دارای حکومت صحیحی بعد از اعماق نظر دقیقانه در این اوضاع و پروزارت آتیه به‌نمایندگان خود تعلیمات داده‌اند که متفتاً به‌حضور اعلیحضرت شرقیابی حاصل نموده و از قرار ذیل به‌آن اعلیحضرت توصیه بنمایند. در ضمن‌معروض داشتن اظهارات ذیل نمایندگان از دولت‌متبوعه خود دستور دارند که به‌آن اعلیحضرت اظهار قطعی بدارند که اگر اعلیحضرت تمام جزئیات پرگرامی را که دولتين الحال توصیه می‌نمایند قبول نکند دولتين از صلاح‌اندیشی احتراز نموده و اعلیحضرت را به‌حال خود خواهند گذارد و اعلیحضرت شاه دیگر نمی‌تواند متکی به تقویت آنها بوده و انتظار مساعدتی از طرف دولتين یا نماینده‌های آنها داشته باشند.

ماده اول: مشیر‌السلطنه و امیر‌بهرادر جنگ از مقام خود منفصل بشوند. امیر بهرادر جنگ نه فقط باید از عضویت کابینه منفصل بشود بلکه از هر سمت دیگری هم که در دربار دارد.

ماده دوم: اعلیحضرت بعد از اجرای اصلاحات ذیل یک حکومت شوری تأسیس بنمایند.
 ماده سوم: تشکیل کابینه‌ای که مرکب از اشخاص لایق معتمد باشد و بدون تأخیر
 اضافه شدن اشخاص متمدن از فرق مختلف به مجلس شورای مملکتی. مجلس شورای
 مملکتی قانون انتخابات جدیدی طرح و تهیه نمایند. اگر اعلیحضرت شاه اشخاصی برای
 کابینه و مجلس شورای مملکتی انتخاب بنمایند که محل اعتماد نباشند هیچ پولی به
 دولت ایران قرض داده خواهد شد.

ماده چهارم: عفو عمومی فوراً اعلان و منتشر پگردد که شامل حال تمام اشخاصی
 باشد که بر علیه شاه تحت سلاح رفته‌اند و مرتكب تمرد و تقصیر پلیکی شده‌اند لیکن
 به استثنای کسانی که بضد قانون عمومی اقدام نموده و مرتكب خلاف و جنایات شده
 باشند. در باب اشخاصی که اخیراً ذکر شد و کسانی که اقدام به غارت و چپاول کرده‌اند
 دولت ایران باید تأمینات بدهند که آنها را در محکمه بیطری تحت محاکمه بیاورند.

ماده پنجم: فوراً موعدی برای انتخابات و انعقاد مجلس شورا معین بشود. این موعد
 های معینه بدون تعویق به تمام مملکت اعلان پگردد.

ماده ششم: بمحض اینکه اعلیحضرت شاه اقدامات مذکوره در مواد ۱ الی ۵ را بعمل
 آورده‌اند دولت روس اگر لازم بدانند بجهت مصارف فوری که برای اجرای اصلاحات
 لازم خواهد بود مبلغ یکصد هزار لیره به دولت ایران قرض خواهند داد. دولت انگلیس
 هم اگر لازم بدانند همینکه مجلس منتخبه این استقراض را تصویب نمودند یک همچه
 مبلغی به دولت ایران قرض خواهند داد. اگر من بعد لازم دیده شد که وسائل تسهیل
 یک استقراض بزرگتری برای ایران فراهم شود این فقط موكول به تأمینات مخصوصی
 است که بعدها موضوع بحث و تبادل نظریات بین دولتين و دولت ایران پگردد.

کابینه لندن و کابینه سن پطرزبورغ برای میل صمیمی که به تقویت دولت ایران
 در موقعی که از بحران بسیار وحیمی می‌گذرد دارند موافقت نموده‌اند که این پروگرام
 متضمن صلاح‌اندیشی دوستانه را به اعلیحضرت شاه پیشنهاد بنمایند و دولتين را
 عقیده بر این است که تنها وسیله نجات ایران از وضع تقریباً چاره‌ناپذیر کنونی
 اجرای پروگرام مزبور است.

www.adabestanekave.com

نمره - ۲۸۶

تلگراف سرادواردگری به سر جارج بارکلی

از وزارت خارجه، ۱۰ مه ۱۹۰۹

[۱۳۲۷ - ۲۰] اردی بهشت ۱۲۸۸: ۱۹

اظهارات انگلیس و روس به شاه

رجوع به تلگراف هفتم شهر جاری شما

اگر حالا ملیون به تعمیکین پا تائی شاه اقنان نصی‌شوند ما نصی‌توانیم بهیچ‌چه مسئول

باشيم.

در همچه صورتی روش شما باید قطعاً بی طرفانه باشد و از هر اقدامی که به مداخله تعบین يشود باید احتراز یجویید.

نمره - ۲۸۷

تلگراف سرجارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۱۰ مه)

از طهران، ۱۰ مه ۱۹۰۹

[۱۰ اردیبهشت ۱۳۲۷؛ ۱۹ ع ۱۲۸۸]

شاه امروز دستخطی صادر کرده و امر نموده است که «یموجب قانون اساسی (مشروطه) بدون هیچ تغییر و تبدیلی» یاک عده اشخاص عالم مشروطه خواه که محل وثوق دولت و ملت باشند به مجلس شورای مملکتی ملحق بشوند و فوراً قانون انتخاباتی طرح و مسوده بنمایند. انتخابات بلافاصله بعد از خاتمه پذیرفتن این قانون که بدون تأخیر طرح و وضع خواهد شد شروع می‌شود. وقتی که دو ثلث از مبعوثین برای اتحاد حاضر بشوند مجلس شورای ملی در همان محل سابقه افتتاح خواهد شد.

شاه ارائه طریق ما را اختیار نموده و ما تصور می‌کنیم تا حدی که مقتضیات اجازه می‌دهد کاینه رضایت‌بخش است. تا زمان رجعت ناصرالملک سعدالدوله مقام ریاست وزراء را اشغال خواهد نمود.

عفو عمومی مقصوبین پلیتیکی به انضمام احضاریه تبعید شدگان در تحت دستخط علیحده‌ای اعلام گردید. ما به قنسولهای خودمان که در مراکز مختلف طغیان و شورشند تعلیمات داده‌ایم که به ملیون خاطرنشان بنمایند که حالا وظیفة آنهاست که حتی القوه سعی بکنند که صلح و آشتی بین شاه و طبقه عامه ایجاد بشود.

حسب‌الامر بندگان حضرت مستطاب اشرف آقای حاج علیقلی‌خان
سردار اسعد دامت شوکته‌العالی به سعی و اهتمام اقل بندگان
جواد سامانی ملقب به معتمد همایون طبع و نشرش
انجام یافت.

* فهرستها

www.adabestanekave.com

در این فهرستها از ذکر نام نویسنده‌گان و مخاطبان و شهرهای مبدأ و مقصد نامه‌ها و تلگرافها خودداری کرده‌ایم.

www.adabestanekave.com

فهرست نامهای کسان

یادآوری

در این فهرست، چنانکه خواهید دید گاه نامهای همانند یا نزدیک بهم دیده میشود که دو پهلو است یعنی هم میشود همه آنها را نامهای گوناگون یک کس پنداشت و با هم فهرست کرد و هم جا دارد که جداگانه در فهرست گنجانیده شود (مانند سیدحسین لاری، سید عبدالحسین لاری، سیدعبدالحسین، سیدعبدالحسین لاری...). برای آنکه خوانندگان دچار سرگشتنی نشوند و خودمان نیز از خطأ بر کنار بمانیم هر نام را بهمان گونه که در کتاب آمده بود جداگانه در فهرست جای دادیم و بررسی درباره چگونگی آنها را به خود خوانندگان واگذاشتیم. امیدواریم در این باره بدگمانی پیش نیاید.

اقبال‌السلطنه	۳۸۹
الکسیس (گراندوك)	۳۶۱، ۳۳۸
امامقلی میرزا	۴۸۲
امام جمعه	۳۴۶
امین بهادر	۴۶۹، ۴۰۱، ۳۸۰
امیر بهادر جنگ	۵۳۸، ۵۰۲، ۴۷۵، ۴۱۲
امیر جنگ	۵۲۱، ۵۰۶
امین مکرم	۴۶۹
انتظام‌الملک	۴۷۱
ایس‌ولسکی	۳۶۱، ۳۳۶، ۳۳۸، ۳۵۸_۳۵۶
	۴۰۱، ۳۹۹، ۳۹۵_۳۹۳، ۳۹۱، ۳۷۹، ۳۶۷
	۴۴۸، ۴۳۹، ۴۳۶، ۴۲۳، ۴۲۰، ۴۱۱

آصف‌الدوله	۵۳۵، ۴۳۱
آقائجفی	۵۲۳، ۳۶۹
آقاورالله	۴۷۱
اجلال‌الملک	۳۸۷
استراگراوسکی	۴۱۹، ۴۰۶
استوکس (مازور)	۴۷۲
اسدالله (یاور)	۵۳۱
اعتمادالذاکرین	۵۲۹
اعدل‌الدوله	۵۳۱
اعزان‌المالک	۴۲۶
اقبال‌الدوله	۴۰۸_۴۰۶، ۳۶۳

- رابيتو ٤٢٥، ٣٥٢، ٣٥٢، ٤٩١، ٤٩٠، ٤٨٧، ٤٨٦، ٤٧٤، ٤٥٥
 راتيسلا ٣٨٨، ٣٥١، ٣٧٠، ٣٦٨، ٣٧١، ٤١٩، ٤١٧، ٤١٥، ٤١٤، ٤٠٣، ٣٩٥
 ، ٤٥٣، ٤٤٦، ٤٤٢، ٤٣٥، ٤٣٣، ٤٢٤_٤٢٢
 ، ٥٢٥، ٥٠٤، ٤٨٨، ٤٨١، ٤٦٢، ٤٥٥
 ، ٤٦٢، ٤٤٣، ٤٤٢، ٤٤٠، ٤٣٤، ٤٣٣، ٤٢٤_٤٢٢
 رحيم خان ٣٧١، ٣٦١، ٣٦٠، ٣٣٦، ٣٣٦، ٣٦١، ٣٦٠
 ، ٣٧٦، ٣٦٤، ٣٦٤، ٣٦٤، ٣٦٤، ٣٦٤
 ، ٤٢١، ٤١٦، ٤١٥، ٤٠٣، ٤٠٣، ٤٠٣
 ، ٤٥٣، ٤٤٣، ٤٤١، ٤٤٠، ٤٣٥، ٤٣٥، ٤٢٣
 ، ٥٢٩، ٥٢٧، ٤٩٨، ٤٩١، ٤٨٧، ٤٧٣
 سالار اشرف ٤٣٠
 سالارخان ٥٣١
 سالارالسلطان ٣٨٥
 ساماني (جواد) ٥٤٠
 سايكس (مازور) ٤٦٨، ٤٦٧، ٤٣٥، ٤٢٤، ٤٢٤، ٤٢٤
 سپهدار ٤١٦، ٤٢١، ٤٢٥، ٤٥٩، ٤٦٠، ٤٦١
 ، ٥٢٩، ٥٢١
 سپهدار اعظم ٤١٣
 سپهسالار ٤٢٨، ٥٠٩، ٤٦٩
 ستارخان ٣٩١، ٣٨٧، ٣٦١، ٣٥٩، ٤٤٦
 ، ٥١٥، ٤٩٨_٤٩٦، ٤٩٣، ٤٨٩، ٤٦٤_٤٦٢
 ، ٥١٦
 سردار اسعد ٤٣٣، ٥١٨، ٤٥١، ٥٢٣، ٥٢٣
 سردار افخم ٤٢٦، ٤٢٥
 سردار امجد ٣٥٢، ٣٥٢، ٤١٣
 سردار ظفر ٣٦٥، ٤١٣ (سالار ارفع ٣٨٣)
 سردار فيروز ٣٨٦، ٤٣١
 سردار معتضد ٤٢٩، ٤١٣
 سردار معتمد ٤٦٠، ٤٥٩، ٤٢٦
 سردار منصور ٤٦٠، ٤٢٦، ٣٨٥
 سردار نصرت ٥٢٨
 سردار همایون ٤٦٠، ٤٥٩، ٤٢٦
 سعد الدوله ٣٩١، ٣٤٤، ٣٦٥، ٣٧٦، ٣٧٧
 ، ٣٩٧، ٣٩٩، ٣٩٩، ٤١٢، ٤٢٨، ٤٣٥، ٤٣٥
 ، ٥١٩، ٥١٧، ٤٨٢، ٤٧٣، ٤٥٧، ٤٥٦
 ، ٥٤٠، ٥٢٣، ٥٢١
- بازاناوسکی (بارانوسکی، بارناوسکی - بارن- اووسکی) ٣٥٦_٣٥٤، ٣٧٢، ٣٧٢، ٣٧٨، ٥١٣، ٥١١
 بارکر ٤٣٣
 بارکلی ٣٣٦، ٣٥٠، ٣٩١، ٣٩١، ٤١٦، ٤٥٦، ٤٥٧، ٥١٢، ٤٩٨، ٤٧٣، ٤٦٢
 باقرخان ٣٨٧، ٤٦٤، ٤٨٩، ٤٩٣
 بلک من ٣٨٤
 بلوچ ٤٦٨
 بنکن دورف (کنت) ٥٠٩، ٣٩٣
 بهادرالسلطنه ٣٨٨
 بیزو ٣٥٨، ٣٥٨، ٣٩٤، ٣٧٦، ٣٩٤، ٤١٩، ٤٠٥
 ، ٤٥٨، ٤٥٧
 بیگلربیگی (نصرالدوله) ٤٦٨، ٣٨٥، ٣٨٣
 بیل ٣٨٥، ٤١٠، ٤٣١، ٤٧٢، ٤٧١، ٤٣١، ٤٧٢، ٤٧٢
 ، ٥٣٤، ٥٣٥
 ترور (کاپیتان) ٤٦٦
 ثقة الاسلام ٤٨٨
 جلال الدوله ٣٨٥
 چاریکوف (چریکف) ٥١٥
 چرچیل ٣٤١، ٣٤٦، ٣٤٦، ٣٥٤، ٣٧٢، ٣٧٢، ٣٧٨
 ، ٥٢٦، ٤٥٩
 حاجی رحیم خان ٥٣٥
 حاجی نایب ٥٣١
 حبیب الله خان ٥٣٣
 خاص آقا ٤٢٦
 خسروخان ٤٧١
 داودخان ٣٨٤، ٣٨٥، ٤١٠، ٣٨٥
 دریابیگی ٤٧٢

- صرغام‌السلطنه ۴۰۷، ۴۰۶، ۳۶۳، ۴۰۷
 ظل‌السلطان ۳۸۰
 ظبیر‌الملک ۵۳۳
 عباسقلی‌خان ۳۴۶
 عبدالرحیم (حاجی) ۳۸۳، ۳۸
 عبدالدوله ۴۳۰
 عطاء‌الدوله ۵۳۵، ۵۳۳، ۳۸۵
 علاء‌الدوله ۳۸۰
 علاء‌السلطنه (محمد علی) ۳۴۶، ۳۴۳، ۳۳۸
 ۴۱۲، ۳۵۰، ۳۷۲
 علاء‌الملک (محمود‌خان) ۳۶۲، ۳۶۱
 علم‌الهدایا ۵۳۳
 علیقلی‌خان (حاج) ۵۴۰
 عیید‌السلطان ۴۶۰
 فرانکلین (کاپیتان) ۳۸۲، ۳۸۱
 فرمانفرما ۳۶۵، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۸، ۴۱۰، ۴۰۷، ۳۶۹
 ۴۳۲ - شاهزاده فرمانفرما ۴۲۹، ۴۱۳
 قوام ۴۷۱، ۴۳۱
 قوام‌الدوله ۴۲۸
 قوام‌الملک ۵۳۴
 کاکس (مازور) ۴۵۱، ۴۶۵، ۴۷۸، ۴۶۶
 کریم‌خان ۴۲۶، ۴۶۰
 گاردنر ۴۲۵
 گرهم (گراهام) ۳۶۱، ۳۶۳، ۳۶۶، ۳۶۹
 ۵۲۴، ۴۳۲، ۴۰۸ - ۴۰۶
 لمن ۳۸۴
 لیتنن ۵۳۵
 مارلینگ ۳۹۶
 محتشم‌السلطنه ۳۹۰
 محمد تقی‌خان ۳۸۴
 محمد علی ۴۱۰، ۴۱۱، ۵۳۰
 محمد علی شاه (قاجار) ۴۷۶، ۳۷۹، ۳۷۵، ۳۹۸
- سلطانعلی‌خان وزیر دربار ۴۱۲، ۴۲۸
 سلیم‌خان بهادرالسلطنه ۳۸۸
 سیام‌السلطنه ۵۲۳
 سید ۴۴۵، ۴۶۷، ۴۷۸، ۴۷۹
 سید‌حسین لاری ۴۱۰
 سید‌عبدالحسین ۵۳۴
 سید عبد‌الحسین لاری ۳۵۳، ۴۳۱
 سید لاری ۳۸۵، ۴۶۵، ۴۳۱
 سید مرتضی ۴۴۴، ۴۷۷، ۴۵۲، ۴۵۱
 سید مرتضی اهری ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۷۷
 شاهزاده فرمانفرما ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۶۰
 شاهزاده عبد‌العظیم ۴۲۹
 شاهزاده فرمانفرما ۴۵۳، ۳۷۰، ۳۶۹
 شاهزاده نایب‌السلطنه ۳۴۶
 شجاع نظام ۳۸۹
 شعاع‌السلطنه ۴۱۷، ۴۲۱
 شکسپیر (کاپیتان) ۴۶۵
 شیخ زکریا ۵۳۵
 شیخ فضل‌الله ۴۱۲، ۳۴۶
 شیرخان ۵۳۳
 صاحب اختیار ۴۷۰
 صدرالدین بیگ ۳۷۸، ۴۴۲
 صدرالعلماء ۳۸۴
 صمدخان ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۸۲، ۴۹۳
 ۵۱۴، ۵۰۰، ۴۹۹
 صمصام ۴۳۲
 صمصام‌خان ۳۵۱
 صمصام‌السلطنه ۳۶۰، ۳۶۳، ۳۶۶ - ۳۶۵، ۳۷۰
 ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۱۱، ۴۱۳، ۴۳۲
 ۴۷۲، ۴۷۱، ۴۵۳
 ۵۲۱، ۵۱۸، ۵۱۵
 ۵۳۱، ۵۲۴
 صمصام‌الملک ۳۸۴
 صمصام‌الممالک ۳۵۳
 صنبیع‌الدوله ۵۲۹، ۳۸۰
 صولت‌الدوله ۳۸۵، ۴۱۰، ۴۱۴، ۴۳۲، ۴۷۲
 ۵۳۵، ۵۳۴

- ميخائيل ٥٢٧
 ناصر الملك ٥٢١، ٣٩٧، ٤٣٩، ٥١٧، ٥١٩، ٥٢١
 ناظم ٤٧٥
 نايب السلطنه ٥٢١، ٥١٥، ٥١٢، ٥٢٢
 تصر الدوله ٤٦٨، ٤٧١، ٥٣٣، ٥٣٥
 تصير الملك ٥٣٤
 نظام الملك ٤٢٨، ٤١٢
 توز ٣٩٦
 نير الدوله ٤٦٧
 نيكلسن ٤٩٨، ٤٩٥، ٤٤٨، ٤٠١، ٣٩٥
 هارت ويك ٣٤٠، ٣٤١، ٣٤٦
 هاردينگك (سر) ٥٢٢، ٥١٩، ٣٩٣
 هاوارت - هاوارت (کاپیتان) ٤٧٠، ٤٤٦، ٤٣١، ٥٣٣
 يكلوسكي ٤٨٥
 مخبر الدوله ٤٢٨، ٤١٢
 مخبر السلطنه ٤٨٢
 مدبر الملك (ميرزا على خان) ٣٣٤
 مستشار الدوله ٣٨١
 مستشار دفتر ٤٢٦
 مشير الدوله ٤١٢
 مشير السلطنه ٤٢٨، ٤١٢
 مشير الممالک ٣٨٤
 مشير الممالک ٣٨٩
 مغلفر الدوله ٣٨٩
 معتمد همایون ٥٤٥
 معدل الممالک ٤٥٦
 معز السلطان ٤٦٥
 معین الاسلام ٥٣٤
 مقاخر الملك ٤٢٨، ٤٧٣
 ملت (مستر) ٤٨٠
 منظم الدوله ٤٥٧
 مؤتمن الملك ٤١٢
 مهندس الممالک ٤٢٨، ٤١٢
 میرینج ٤٦٧
 ميرزا ابراهيم ٥٣٤

www.adabestanekave.com

www.adabestanekave.com

فهرست نام جایها

۵۲۹، ۴۸۷، ۴۸۶، ۴۸۴، ۴۶۹، ۴۴۹
۵۳۰
اسرائیل ۵۳۲
اسلامبول ۴۸۷
اصفهان ۳۵۲، ۳۶۳، ۳۶۰، ۳۵۳
_۴۰۶، ۴۰۴، ۴۰۱، ۳۹۵، ۳۹۳_۳۹۱، ۳۸۲
۴۲۷، ۴۱۵، ۴۱۳، ۴۱۱، ۴۱۰، ۴۰۸
۴۷۲، ۴۷۱، ۴۵۱، ۴۳۸، ۴۳۲، ۴۳۰
۵۲۳، ۵۱۸، ۵۱۵، ۵۱۴، ۴۸۰، ۴۷۹
۵۳۵، ۵۳۴، ۵۲۴
الوار ۴۳۳، ۴۱۸، ۴۱۷
امیرآباد ۴۷۱
انزلی ۴۴۹، ۴۲۵، ۴۲۴، ۴۲۲، ۴۱۳، ۳۵۲
انگلیس ۳۵۸، ۳۵۶_۳۵۳، ۳۴۸، ۳۳۹، ۳۳۶
_۳۲۵، ۳۲۱، ۳۲۰، ۳۶۷، ۳۶۶، ۳۶۳_۳۶۰
۴۰۳_۳۹۵، ۳۹۳_۳۹۱، ۳۸۶، ۳۸۵_۳۸۱
۴۱۸، ۴۱۷، ۴۱۴، ۴۱۳، ۴۱۰، ۴۰۸_۴۰۵

۴۷۲، ۴۷۱
آذربایجان ۳۶۱، ۳۶۰، ۳۵۱، ۳۴۸، ۳۴۷
۳۸۹، ۳۸۶، ۳۷۱، ۳۷۰، ۳۶۸، ۳۶۶
۴۱۰، ۴۰۴، ۴۰۳، ۳۹۵، ۳۹۰
۴۳۵، ۴۳۱، ۴۲۷، ۴۲۶، ۴۲۲، ۴۱۵
۴۸۶، ۴۴۹
آستارا ۴۸۷
آلیانس ۵۳۲
ایرقو ۴۷۱
اقریش ۳۵۸، ۳۵۹
ارس ۴۲۲
ارگ ۳۸۲، ۳۸۷، ۳۸۰
اروپا ۳۸۲، ۳۸۰، ۳۸۵، ۳۸۸، ۳۸۷، ۳۶۲
۵۳۱، ۴۵۹، ۴۴۲، ۴۳۱، ۴۱۷، ۴۰۵
ارومیه (اورمیه) ۳۵۱، ۳۴۹، ۳۸۹
۵۲۸
استرآباد ۳۴۲، ۳۴۲، ۳۵۲، ۳۸۳، ۳۵۲، ۳۴۰، ۳۴۳

-۴۰۹، ۴۰۴، ۴۰۳، ۴۰۱_۴۹۹، ۳۹۱
، ۴۲۲، ۴۱۹_۴۱۷، ۴۱۵_۴۱۳، ۴۱۱
، ۴۳۹، ۴۳۸، ۴۳۳، ۴۲۹، ۴۲۷، ۴۲۳
۴۰۳، ۴۰۱، ۴۹۹_۴۹۶، ۴۹۹، ۴۹۲، ۴۹۰
۴۸۷، ۴۸۰_۴۷۹، ۴۶۹، ۴۶۹_۴۶۱، ۴۵۷
، ۵۲۸_۵۲۴، ۵۲۲، ۵۱۸، ۵۱۶_۵۰۴، ۵۰۲_
۵۲۴

قربت حیدری، ۴۶۸ - قربت ۴۶۹، ۵۳۱
۵۳۱، ۴۳۰، ۳۵۳ - قفت ۴۳۱، ۳۵۳
تکیة دولت ۴۲۹

قندگستان، ۴۶۱، ۴۶۸، ۳۶۸، ۳۵۸، ۳۵۳، ۳۶۱، ۳۳۸، ۳۳۶
تهران ۳۸۹، ۳۸۶، ۳۸۵، ۳۸۳، ۳۸۰، ۳۷۹
، ۴۱۰، ۴۰۹، ۴۰۴، ۴۰۳، ۳۹۸، ۳۹۲
، ۴۳۹، ۴۳۵، ۴۳۲، ۴۳۰_۴۲۵، ۴۱۷، ۴۱۴
، ۴۶۱، ۴۵۹، ۴۵۶، ۴۵۱، ۴۴۷، ۴۴۲
، ۴۸۷، ۴۸۰، ۴۷۷_۴۷۳، ۴۷۱، ۴۶۹
، ۵۱۹، ۵۰۹، ۵۰۸، ۴۹۷، ۴۹۷، ۴۹۱، ۴۹۰
۵۲۹، ۵۲۴_۵۲۱

جلقا ۳۳۷، ۳۹۱، ۳۹۰، ۳۸۷، ۳۷۰، ۳۷۰
، ۴۷۶_۴۳۳، ۴۲۴_۴۲۱، ۴۱۸، ۴۱۷، ۴۰۹
، ۴۹۵، ۴۹۷، ۴۹۰، ۴۸۷، ۴۶۹_۴۶۲، ۴۴۰
۵۱۲، ۵۰۹، ۵۰۸، ۵۰۵، ۵۰۲_۴۹۸

حکم آباد ۴۶۲

خان زینیان ۵۳۵
خراسان ۴۶۷، ۳۵۲
خطیب ۵۰۲، ۵۰۰، ۴۶۲_۴۶۲
خلیج ۴۷۲، ۴۳۸
خلیج فارس ۴۷۲، ۴۶۴، ۴۳۱، ۴۱۴، ۴۳۱
خوی ۳۸۸، ۳۷۰
خیابان ۴۶۳، ۴۶۲

در خلیل (در خلیل) ۴۶۹

دشتی ۴۷۸

دولت آباد ۴۱۳

ده بید ۵۲۴، ۵۲۵

دیلمقان ۳۵۱

، ۴۶۰، ۴۵۷_۴۳۵، ۴۳۳_۴۲۹، ۴۲۳_۴۲۰
، ۴۷۵، ۴۷۳_۴۷۱، ۴۷۰، ۴۶۸، ۴۶۷، ۴۶۵
، ۴۹۰_۴۸۷، ۴۸۵، ۴۸۳، ۴۸۱_۴۷۸، ۴۷۶
، ۵۱۰، ۵۰۷_۵۰۳، ۵۰۰_۴۹۵، ۴۹۳، ۴۹۲
، ۵۲۲، ۵۱۹، ۵۱۸، ۵۱۶، ۵۱۴، ۵۱۳، ۵۱۱
، ۵۳۲، ۵۳۱، ۵۲۹، ۵۲۸، ۵۲۵، ۵۲۴
۵۳۹، ۵۳۷_۵۳۴

اهونی ۴۶۲

بابعالی ۴۷۰

باسنج ۴۱۹، ۳۹۰، ۳۸۸ - باسنج ۴۸۶، ۳۵۱
، ۴۸۲، ۴۸۰، ۴۸۴_۴۸۱، ۴۵۳، ۴۳۴، ۴۲۳
، ۵۰۸، ۵۰۵، ۵۰۳، ۴۹۷، ۴۸۸، ۴۸۶
۵۲۶، ۵۲۵، ۵۱۳، ۵۰۹
باگشاه ۳۸۰، ۳۵۶، ۳۴۱_۳۳۸، ۳۴۵_۳۴۳
۵۰۲، ۴۶۱، ۴۳۳، ۴۲۹، ۳۸۱

باغ مدیریه ۴۲۴ - مدیریه ۴۶۰

بافت ۴۷۰

بافق ۳۵۲

باقکو ۴۲۳، ۴۲۱ - بادکوبه ۴۶۱

بحر خزر ۴۱۰

بروجرد ۴۶۸

بنچلو ۳۵۳

بلژیک ۴۶۵، ۴۷۷، ۴۷۶

بنتاب ۳۵۱، ۳۹۰

بندرگز (جز) ۵۳۰

بندرعباس ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۳۸_۴۳۶، ۴۱۴، ۴۳۰

۴۶۹، ۴۶۸_

بوشهر ۴۳۶، ۴۳۱، ۴۱۴، ۴۰۰، ۳۸۶

-۴۵۱، ۴۴۷، ۴۴۶، ۴۴۴، ۴۴۱، ۴۳۹

۴۷۸، ۴۷۶، ۴۷۲، ۴۶۹، ۴۶۶_۴۶۴، ۴۵۴

۵۳۶_۵۳۴، ۵۰۵، ۴۷۹

پاریس ۴۳۹، ۳۹۹، ۳۵۲

پشتکوه ۳۸۴

بل آجی ۵۱۶، ۳۹۰

تبریز ۳۳۷، ۳۴۱، ۳۴۴، ۳۴۲، ۳۴۱

۳۵۵، ۳۵۱، ۳۴۷، ۳۴۶

۳۷۵، ۳۷۱، ۳۷۰، ۳۶۷، ۳۶۶

۳۹۰، ۳۸۹، ۳۸۷، ۳۸۳، ۳۸۱

- رامهرمز ۴۷۲
 رشت ۳۵۲، ۴۰۳، ۳۸۱، ۴۱۳، ۴۱۵، ۴۱۷-۴۱۸
 کازرون ۴۱۴، ۵۳۴، ۵۳۵
 کاشان ۴۵۱، ۵۱۸، ۵۱۵، ۴۵۳، ۵۲۳
 کافشگر ۴۶۹
 کربلاه ۴۳۱، ۴۱۳، ۳۸۱، ۴۱۲، ۴۶۸
 کرمان ۴۷۱، ۴۷۰، ۴۳۰، ۴۱۳، ۳۸۴
 کرمائاه ۴۰۹، ۴۰۰، ۳۶۷، ۳۵۳
 سرپل ۳۵۳
 سردرود ۴۶۲، ۴۳۴، ۳۶۸
 سرسنگ ۳۸۳، ۳۸۲
 سلماس ۴۴۹، ۴۴۸، ۳۹۰، ۳۸۹، ۳۷۰
 سین پطرزبورغ ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۵۲، ۳۷۹، ۴۰۱
 سیوند ۵۲۴، ۴۷۲، ۳۵۳
 شیراز ۳۵۳، ۴۰۹، ۳۸۵، ۳۶۷، ۴۱۰
 لارستان ۴۳۶، ۴۱۴
 لندن ۳۵۳، ۴۰۹، ۴۰۹، ۴۷۶
 لنگرود ۴۱۳
 طالش ۴۱۳، ۳۵۲
 طبس ۴۳۰
 طرق ۴۹۵، ۴۷۱
 فارس ۳۸۳، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۷۱، ۳۸۵
 فراقه ۴۷۱
 فرانسه ۴۵۵، ۳۹۹
 فسا ۴۷۲
 فیروزآباد ۵۳۴
 فیروزکوه ۳۸۰
 قره ملک ۴۶۱، ۴۶۲
 قزوین ۴۰۴، ۴۱۰، ۴۱۷، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۳۳
 مصر ۳۶۲
 ملاپیر ۴۰۷
 منجیل ۴۷۴، ۴۶۱، ۴۲۱

هندوستان ۳۶۱	مورچهخورد ۴۵۱، ۳۹۲
هنگام (هنچام) ۴۴۷	نائین ۵۳۱، ۳۸۳، ۴۷۱
یزد ۴۷۰، ۴۳۰، ۴۱۳، ۳۸۴، ۳۸۳، ۳۵۳	نجف ۴۷۸، ۴۶۵، ۴۳۶، ۴۳۱، ۳۹۵
۵۳۱، ۴۷۱	۵۳۴
یزدخواست ۵۲۴، ۴۸۰، ۴۷۲، ۳۵۳	نیشابور ۵۳۰
یم ۳۹۰	
یوزبیاشی چای ۴۶۱	همدان ۴۳۳، ۴۳۱، ۴۱۰، ۴۰۰
یونان ۴۶۴	۴۳۰، ۴۳۵، ۴۳۱
	۵۳۳، ۴۷۰_۴۶۸

www.adabestanekave.com

www.adabestanekeave.com

نامهای پراکنده

آلمانی (مردم)	۴۵۲
ارامنه (مردم)	۳۵۱، ۳۹۰، ۳۶۳، ۵۰۷
ارمنی (مردم)	۳۸۴
اروپائی (مردم)	۴۰۶، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۴۵، ۴۵۴
افشار (ایل)	۴۵۷، ۴۶۹، ۴۸۵، ۵۱۲
افیشیال مستاجر (روزنامه)	۵۰۷
انجمن	۴۰۳
انجمن ایالتی آذربایجان	۴۳۱
انجمن ایالتی تبریز	۴۳۳
انجمن ایالتی فارس	۵۳۴
انجمن تبریز	۵۰۷، ۳۸۸
انجمن محلی اصفهان	۴۰۶
انجمن محلی تبریز	۳۹۵
انجمن ولایتی	۵۳۰
ایران (روزنامه)	۳۸۰
باب	۵۳۳
بابی (مردم)	۴۶۴، ۵۳۳
بختیاری (ایل)	۳۷۰، ۳۶۸-۳۶۳، ۳۶۱، ۳۵۳
پارسی (گروه)	۴۷۲، ۳۸۵، ۳۸۴
پارسیان (گروه)	۴۷۱، ۴۳۰، ۴۱۳
پرسی یوس (کشتی چنگی)	۴۶۵
تراکمه (مردم)	۵۳۰
ترکمان (مردم)	۳۸۳، ۴۸۷، ۴۸۶، ۵۱۳، ۵۲۹
تنگستانی (مردم)	۴۴۴، ۴۴۵، ۴۶۶، ۴۷۸

فرقة مليون تهران ۴۲۷، ۴۳۷

جعفریای (طایفه) ۵۲۹، ۵۳۰

قاجاریه (پادشاهی) ۳۹۵

چهاردوالی (ایل) ۳۵۱، ۳۸۸، ۳۹۰، ۴۶۳

قره‌باغی (مردم) ۳۸۸

خدابنده‌لو (ایل) ۴۷۰

قره‌داغی (مردم) ۴۰۴، ۴۱۹_۴۱۷، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵

خمسه (ایل) ۵۳۵

۴۶۴، ۴۶۶

قره‌سوران ۵۳۵

قشتائی (ایل) ۴۱۴، ۴۱۰، ۴۰۹، ۳۸۵، ۳۶۷

۴۳۲

قفقاری (مردم) ۴۷۱_۴۵۹، ۴۴۹، ۳۸۷

۵۲۲، ۴۸۷

کلهر (ایل) ۵۳۳، ۴۱۰، ۴۰۹، ۳۸۴، ۳۶۷، ۳۵۳

گوران (ایل) ۳۸۴، ۳۵۳

لاری (مردم) ۴۷۱

لشنه (ایل) ۳۸۳، ۴۷۲، ۵۲۴

ماکوئی (مردم) ۴۶۲، ۴۰۹، ۳۹۰_۳۸۸

مسيحيان (مردم) ۳۸۷

مشروطه ۳۳۳، ۳۳۵_۳۳۸، ۳۳۵

۳۶۷، ۳۶۱، ۳۵۸، ۳۵۳

۳۸۹، ۳۸۳_۳۷۹، ۳۷۷، ۳۷۶

۳۷۱_۳۶۹، ۴۱۱، ۴۰۹، ۴۰۲، ۴۰۱، ۴۹۶، ۴۹۲_

۴۳۵، ۴۳۰، ۴۲۹، ۴۲۷، ۴۱۶، ۴۱۵

۴۲۲، ۴۶۰، ۴۵۲، ۴۴۱، ۴۳۶

۴۱۳، ۴۸۸، ۴۸۷، ۴۸۱، ۴۸۰، ۴۷۷

۴۱۵، ۵۱۶، ۵۱۵، ۵۱۵، ۵۱۵، ۵۱۴

۵۳۵_۵۳۳، ۵۳۱، ۵۳۰، ۵۲۱، ۵۲۰

۵۴۰

مشروطت ۳۸۰، ۳۹۱، ۴۰۸، ۴۱۵، ۴۶۸

۵۳۳، ۴۸۶، ۴۸۲، ۴۷۰

هند و اروپ (کمپانی) ۵۲۴، ۵۲۳

يهودی (مردم) ۵۳۳، ۵۳۲

روس (مردم) ۳۵۲، ۳۴۸، ۳۴۴، ۳۴۲، ۳۳۹_۳۳۷

۳۷۱، ۳۶۸، ۳۶۴، ۳۶۲_۳۶۰

۳۹۳_۳۹۱، ۳۸۷، ۳۸۲، ۳۸۱

۳۷۹، ۴۱۰، ۴۰۷، ۴۰۶، ۴۰۳_۴۰۰

۳۹۸_۳۹۵، ۴۴۰، ۴۳۹، ۴۳۶

۴۲۵_۴۲۱، ۴۱۶، ۴۱۳

۴۵۸، ۴۵۵، ۴۵۳، ۴۵۱_۴۴۷

۴۴۳، ۴۴۲_۴۷۵

۴۶۶، ۴۶۵، ۴۶۰_

۴۸۸، ۴۸۷، ۴۸۵_۴۸۳

۴۸۱، ۴۸۰، ۴۷۷

۵۱۲_۵۰۷، ۵۰۵_۵۰۳

۵۰۱، ۴۹۸_۴۹۰

۵۲۲، ۵۲۵، ۵۱۹، ۵۱۸، ۵۱۵

۵۱۴، ۵۲۷، ۵۳۲_۵۳۰

۵۲۸، ۵۲۹

ردبرست (کشتی) ۴۴۵

روزنامه رسمی ایران ۳۴۲

زیگلر (کمپانی) ۴۷۲، ۵۲۴

ستنجابی (ایل) ۵۳۳، ۳۵۳

سویسی (مردم) ۴۶۴

شاهسون (ایل) ۴۸۷، ۴۸۶

شهیندری ۵۳۳

عثمانی (مردم) ۳۸۰، ۳۷۸، ۳۵۹_۳۵۷

۳۸۱، ۴۲۹، ۴۲۹

۴۵۲، ۴۴۲، ۴۵۵

۴۵۶، ۴۵۵

۵۳۳، ۵۲۵، ۴۷۰

۴۶۹، ۴۶۰

عیسوی (مردم) ۵۳۳، ۵۳۲

۵۳۳

فاکس (کشتی جنگی) ۴۵۲، ۴۴۷

فرانسوی (مردم) ۴۰۰، ۳۹۹

فهرست رویدادهای مهم

- عقب‌نشیتی محمدعلی شاه در برآبر تمدیدهای انگلیس و روس ۳۵۵
- تحصین محمدعلی شاه در پاگشاه ۳۵۶
- سفرای انگلیس و روس می‌خواستند محمدعلی شاه را با دادن رشوه مشروطه‌خواه کنند ۳۵۶
- هرچ و مرچ و شورش در اصفهان! غارت بازار بوسیله سربازان دولتی ۳۶۰
- یک داوری عجیب دریاچه ستارخان و هم‌زمان او ۳۶۱
- غارت دیوانخانه حکومت اصفهان بوسیله مردم ۳۶۳
- اصفهان در تصرف انقلابیون ۳۶۴
- اتصال سعدالدوله به وزارت خارجه ۳۶۵
- مقاومت محمدعلی شاه در برآبر فشارهای انگلیس و روس ۳۶۶
- قرس انگلیس از تجزیه ایران! قرس روسها از استقلال شهرهای تبریز و اصفهان ۳۶۷
- به‌عقیده سفیر انگلیس، اعضای مجلس ایران عاری از کار و نادان و ارجاعی هستند؛ دستخط ساختگی محمدعلی شاه بر دیوارهای شهر ۳۳۸
- تظاهرات طرفداران محمدعلی شاه عليه برقراری مشروطه در ایران ۳۳۹
- بی‌تكلیفی زندانیان سیاسی؛ مشروطه نوع محمد علی شاهی! ۳۴۰
- شاه اعطای مشروطه را یا چهارصد هزار لیره وام تاخت می‌زند ۳۴۴
- به‌عقیده محمدعلی شاه مشروطه و تشکیل مجلس مخالف با اسلام است ۳۴۸/۳۴۶
- به‌عقیده علاءالسلطنه ایران برای تشکیل مجلس مستعد نیست ۳۴۷
- شورش در مشهد؛ نامه علماء کربلاه به مردم خراسان و تحریک آفان به شورش ۳۵۲
- حکومت نظامی در اصفهان ۳۵۲
- انگلیس و روس با شاه ایران وحدت نظر دارند ۳۵۵

- انصار صمصام‌السلطنه از ایلخانی بختیاری
۳۶۸
- بدعقیده صدراعظم ایران هیچگونه حکومت
شورائی با شریعت اسلام موافق نیست
پناهندگی ملیون به کنسولگری عثمانی در رشت
۳۷۹
- تشکیل کابینه متیر‌السلطنه
۴۲۸
- بروز آثار انقلاب در مشهد ۴۲۴
- متن بیان‌نامه جماعت ملیون تهران به سفیر
انگلیس ۴۲۷
- تعطیل پازار تهران و چوب خوردن تجار بازار
۴۲۹
- آزاد شدن خارجین شیخ فضل‌الله نوری ۴۲۹
- مخالفت علماء نجف و همدان با استقراض محمد
علی‌شاه از خارجه ۴۳۱
- انجمان ایالتی آذربایجان چانشین مجلس ملی
ایران ۴۳۱
- جنگ ملیون و شاه‌پرستان در تبریز ۴۳۳
- سدات لارستان به توصیه علماء نجف گمرک
بوشهر را متصرف شدند ۴۳۶
- تصرف بوشهر بوسیله سید مرتضی اهرمی ۴۴۱
- کشته شدن چهار نفر بدست اویاش در شاه-
عبدالعظیم ۴۴۱
- غارتگری‌های رحیم‌خان ۴۴۲
- آشوب در کرمانشاه؛ کشته شدن یهودیان آن شهر
بدست آشویگران ۴۴۶
- قطعی و گرسنگی در گک در تبریز ۴۴۶
- جبش ملیون در اورمیه ۴۴۸
- شورش در استرآباد ۴۴۸
- بیماران تبریز بوسیله شاه‌پرستان ۴۴۹
- هرچ و مرج در بوشهر ۴۵۲
- زمینه‌سازی قفقازیها در سورش رشت ۴۵۰
- پرچم روس و انگلیس و عثمانی بر فراز خانه‌های
مردم رشت ۴۶۰
- یورش قوای دولتی به تبریز ۴۶۱
- یورش جنایتکارانه رحیم‌خان به جلفا ۴۶۲
- نظر کنسول انگلیس درباره رشادت و جنگاوری
ستارخان و جنگیدن روحانیان ۴۶۳
- کشته شدن یک نانوای گرانفروش در تبریز
۴۶۴
- بنادر خلیج فارس زیر فرمان ملیون ۴۶۴
- در بوشهر به جای پرچم سلطنتی پرچم ملی
برافراشته شد ۴۶۷
- شروع انقلاب در مشهد ۴۶۷
- شیراز و همدان در مسیر انقلاب ۴۶۸
- رقتار مستیگانه با پارسیان و ارامنه ایرانی
۴۸۴
- برقراری نظم در تبریز بوسیله ستارخان و
باقرخان ۴۸۷
- فامه انجمن تبریز درباره رفتار ناروای دولت با
مردم آن شهر ۴۸۹
- اعتراض انجمن ملی تبریز به استقراض دولت
ایران از خارج ۴۹۹
- شورش در رشت و کشته شدن حاکم آن شهر
۴۲۶/۴۵۳
- تشکیل حکومت مؤقت در رشت بوسیله سورشیان
۴۲۶/۴۵۳
- پیشنهاد صلح عین الدوله به مردم تبریز ۴۰۴/۴۰۳
- مخالفت ملیون تهران با استقراض دولت ایران
از دولتها خارجی ۴۰۴
- بدعقیده مستشار مالیه ایران شرط استقلال مالیه
ایران استخدام کارمندان خارجی است ۴۰۵
- آشوب و غارت در اصفهان پناهندگی مردم به
سفارتخانه‌های انگلیس و روس ۴۰۷/۴۰۶
- زمزمه تشکیل یک کشور مستقل در شمال
ایران ۴۱۰
- یاغیگری سید حسین لاری در لار ۴۱۰
- انگلیس از مساعدت مالی یه محمدعلی‌شاه برای
حفظ موقعیت او نامید است ۴۱۱
- تفصیرات در کابینه دولت ۴۱۲
- تیراندازی به شیخ فضل‌الله نوری ۴۱۳/۴۱۲
- علمای کربلا مردم ایران را از پرداخت مالیات
به دولت منع کردند ۴۱۳
- تشکیل دیوان عدالت در بوشهر ۴۱۴
- شورشیان رشت شعاع‌السلطنه برادر شاه را
گروگان گرفتند ۴۱۷
- محاکمه متهمان به بمب‌اندازی بسوی شاه
۴۲۹/۴۱۸
- کشف و توقيف مهمات انقلابیون ایرانی در باکو

قانون انتخابات	۵۱۳	شورش افشاریها و غارت اموال حاکم کرمان	۴۷۰
نایب‌السلطنه منجع بر مسند ریاست وزراء	۵۱۵	رفتار ضد انسانی با پارسیان در شیراز	۴۷۲
ورود فیروهای روسی به تبریز	۵۱۵	کشتار پناهندگان شاه عبدالعظیم به دستور مفاخر	۴۷۳
تجات نسبی تبریز از قحطی و مرگ	۵۱۶	الملک حاکم تهران	۴۷۳
سپاسگزاری ستارخان از کمکهای انگلیس و		اعتراض آمرانه انگلیس و روس به کشتار شاه	
روس به مردم تبریز	۵۱۶/۵۱۵	عبدالعظیم	۴۷۴
لجاج و خودسری محمدعلی شاه	۵۱۷	مدخله انگلیس و روس در ترکیب کابینه	
پافشاری انگلیس و روس برای نشاندن سعد		ایران	۴۷۵
الدوله به جای نایب‌السلطنه	۵۱۷	تمددید انگلیس و روس به قبیه اقتصادی ایران	۴۷۵
شکایت وزیر ایرانی به سفراء انگلیس و روس	۵۱۹	قططی و غارت فاقواییها در کرمان	۴۷۸
تعیین وزیر خارجه ایران با تصویب وزیر خارجه		سیدمنقضی در لباس ملیت با قصد غارقگری	۴۷۸
انگلیس!	۵۱۹	تفییرات سیاسی در اسلامبول و تأثیر آن در	
نظر وزارت خارجه انگلیس درباره کابینه‌های		وضعی سیاسی ایران	۴۸۷
ایران	۵۱۹	قططی نان در تبریز؛ فراهم شدن زمینه‌های	
تحصیل صنیع الدوله و اعتمادالذاکرین در سفارت		شورش مردم	۴۸۸
انگلیس	۵۲۹	متارکه چنگ تبریز از طرف ملیون	۴۹۶
کشته شدن فرستاده ملیون بدست قرکمانان		مخالفت شاه و عین الدوله با متارکه چنگ	
	۵۳۰	نیروهای روسی آماده اشغال تبریز	۵۰۱
تظاهرات مردم بندرگز به طرفداری از مشروطه	۵۳۰	دستور شاه برای متارکه چنگ و ورود آذوقه	
کمیابی نان در کرمان	۵۳۱	به تبریز	۵۰۷
آشوب در کرمان و غارت محله یهودیان آن		ورود فیروهای روسی به خاک ایران	۵۱۳
شهر	۵۳۲	عفو عمومی شاه	۵۱۳
تشکیل انجمن ایالتی فارس	۵۳۴	الگوی محمدعلی شاه برای اعطای مشروطه و	
توصیه‌های تحقیرآمیز دولتين انگلیس و روس			
به شاه ایران	۵۳۸		

دانلودی

چنانکه خوانندگان توجه خواهند فرمود در این فهرست برخی نامهای متابه دیده میشوند که بنظر میرسد باید هر بوط به یک شخص باشد و جا ناشت که ما هم آن اسمی را نزیک ردیف فهرست بندی کنیم. ولی چون قریب و نشانه آشکاری نردست نبود که بسیار کمتر شویم اسمی یادشده واقعاً هر بوط به یک نعراست یا اشخاص جداگانه و مجالی هم برای بررسی بیشتر نداشتیم ازین رو آنها را به همان گوته که در متن کتاب آمده بود در فهرست گنجانیدیم تا هم خود ما به راه خطا نرفته باشیم وهم دست خوانندگان برای تحقیق بیشتر باز پاشد.

آصف الدوله	۹۱، ۹۰، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۴، ۱۲۴، ۱۳۶
احسنه	۱۷۵، ۱۶۸، ۱۶۹، ۲۸۹، ۳۶۸، ۴۲۹، ۱۶۹
احسنه	۱۵۴، ۱۵۵، ۱۸۸، ۸۰، ۵۲، ۸۱، ۹۴
احسنه	۱۶۹، ۱۷۶، ۲۶۴
احمد ميرزا (سلطان)	۲۰
اديب التجار	۳۵
ارياب فريديون	۱۷۸
استند	۱۸۸
استرو گرافيسکي	۳۰۰
استووارت (استفوارت)	۷۰
اسوكس (عازور)	۹۵، ۱۰۹، ۱۱۷، ۱۸۶، ۱۸۷
اسوكس (عازور)	۱۹۵، ۱۹۸، ۲۰۵، ۲۳۸، ۲۴۰، ۲۳۹
اسودون (استوتنر، استوفنس)	۵۳، ۱۱۰، ۰۱۱۰
اسودون (استوتنر، استوفنس)	۲۳۵، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۴، ۲۸۵
اسكبي (دكتور)	۱۲۳
اسمررت	۱۲۵۱، ۱۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۲
بغداد خان	۴۹
آقا سيد جمال الدين واعظ	۴۰، ۴۱، ۲۱۶
آقا سيد عبد الله مجتبه	۷۷، ۷۷، ۲۲۶۱، ۱۹۶۸
آقا سيد محمد (طباطبائي)	۱۰۲، ۱۲۷
آقا سيد محمد مجتبه	۹۱، ۱۲۰، ۲۲۷، ۲۴
آقا شيخ تورالله	۱۰۶، ۱۳۰، ۲۲
آقامحمد مهدى	۴۶
آقا نجفى	۰۵۲، ۰۳۵، ۰۲۸، ۰۲۷، ۰۲۴
آقا نجفى	۰۷۳۳
آقا نجوى	۱۳۸، ۱۳۳
آقا نور الله	۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶
آقا نور الله	۱۴۲
آقا نور الله	۱۴۳
آقا نور الله	۱۴۴
آقا نور الله	۱۴۵
آقا نور الله	۱۴۶
آقا نور الله	۱۴۷
آقا نور الله	۱۴۸
آقا نور الله	۱۴۹
آقا نور الله	۱۵۰
آقا نور الله	۱۵۱

- | | | | |
|-----------------|-----|-----------------------------|------|
| بهاۓ الٰ عظیمین | ۲۶۲ | افتخار التجار | ۱۴۰ |
| بهرام میرزا | ۱۴۴ | اقبال الدولہ | ۲۶۷ |
| — | ۲۱۸ | ۰۲۴۹ | ۰۲۴۹ |
| بیزو (بیزوت) | ۹۴ | اقبال السلطنه | ۹۴ |
| — | ۱۳۰ | ۱۱۰ | ۱۱۰ |
| بیزو | ۱۰۹ | اقتدار نظام | ۲۸۲ |
| — | ۱۸۱ | اکبر میرزا | ۲۴۹ |
| بیزو | ۱۸۳ | اکرم السلطان | ۵۲ |
| — | ۲۵۹ | اکتور (دکتر) | ۲۸۲ |
| بیزو | ۱۸۸ | امام جمعۃ خوی | ۹۹ |
| — | ۲۶۸ | اما مقائی میرزا | ۲۳۳ |
| بیزو | ۲۷۰ | امیر اعظم | ۱۲۶ |
| — | ۳۰۰ | امیر بهادر جنگ | ۱۱۲۵ |
| بیزو | ۲۹۹ | — | ۱۱۶ |
| — | ۲۸۸ | ۰۶۵ | ۰۶۵ |
| بیزو | ۲۷۵ | ۱۴۰ | ۱۴۰ |
| — | ۳۰۰ | ۱۴۱ | ۱۴۱ |
| بیزو | ۲۷۰ | ۱۴۲ | ۱۴۲ |
| — | ۳۰۲ | ۰۲۳ | ۰۲۳ |
| بیزو | ۳۲۳ | امین السلطان | ۳۶ |
| بیزو | ۳۰۲ | انتظام الملک | ۲۶۷ |
| بیزو | ۳۰۱ | ایز و ولسکی | ۱۱۲ |
| بیزو | ۳۰۱ | (ایز و ولسکی، ایسو و ولسکی) | ۱۱۲ |
| بیزو | ۳۰۱ | ۰۱۸ | ۰۱۸ |
| بیزو | ۳۰۱ | ۰۱۵ | ۰۱۵ |
| بیزو | ۳۰۱ | ۰۱۴ | ۰۱۴ |
| بیزو | ۳۰۱ | ۰۱۳ | ۰۱۳ |
| بیزو | ۳۰۱ | ۰۱۲ | ۰۱۲ |
| بیزو | ۳۰۱ | ۰۱۱ | ۰۱۱ |
| بیزو | ۳۰۱ | ۰۱۰ | ۰۱۰ |
| بیزو | ۳۰۱ | ۰۰۹ | ۰۰۹ |
| بیزو | ۳۰۱ | ۰۰۸ | ۰۰۸ |
| بیزو | ۳۰۱ | ۰۰۷ | ۰۰۷ |
| بیزو | ۳۰۱ | ۰۰۶ | ۰۰۶ |
| بیزو | ۳۰۱ | ۰۰۵ | ۰۰۵ |
| بیزو | ۳۰۱ | ۰۰۴ | ۰۰۴ |
| بیزو | ۳۰۱ | ۰۰۳ | ۰۰۳ |
| بیزو | ۳۰۱ | ۰۰۲ | ۰۰۲ |
| بیزو | ۳۰۱ | ۰۰۱ | ۰۰۱ |
| بیزو | ۳۰۱ | ۰۰۰ | ۰۰۰ |
| بیزو | ۳۰۱ | یار کر | ۱۴۲ |
| بیزو | ۳۰۱ | یار ناؤسکی | ۰۰۰ |
| بیزو | ۳۰۱ | یارن او سکی | ۰۰۰ |
| بیزو | ۳۰۱ | برن ھم | ۷۰ |
| بیزو | ۳۰۱ | پرون | ۷۰ |
| بیزو | ۳۰۱ | پلار انوف | ۶۴ |
| بیزو | ۳۰۱ | پلک (لفتنت) | ۱۲۷ |
| بیزو | ۳۰۱ | پلک من | ۲۲۱ |
| بیزو | ۳۰۱ | بنکندورف | ۳۰۸ |
| بیزو | ۳۰۱ | و من | ۸۴ |

- سردار اسعد ۲
 سردار سعید خان (کپی) ۱۵۹
 سردار فیروز، ۲۶۸، ۲۸۶، ۳۰۶، ۳۲۳
 سردار معتقد (بهجت‌الملک) ۱۷۳، ۱۷۲
 سردار منصور، ۱۸۵، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۲۸
 سردار همایون ۱۷۴
 سعدالدوله ۱۶، ۲۵، ۸۸، ۸۹، ۸۸، ۷۸ —
 سعدالسلطنه ۳۲۲
 سعیدالسلطنه ۹۵
 سلیمان میرزا ۲۱۷
 سید احمد (دستکی) ۱۷۵
 سیداکبر ۱۷۴
 سید جمال‌الدین (واعظ) ۴۱، ۲۱۶
 سید حسن ۲۶۲
 سید شهاب ۱۳۸
 سید عبدالله (ذک: آقا سید عبدالله مجتبه) ۱۳۹
 سید عبدالحسین لاری ۱۱۱، ۱۲۷، ۱۲۷
 سید علی یزدی ۱۴۵
 سید محمد ۲۰۰، ۲۸۳
- شاپشال ۱۳۱، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴
 شاهجهان (شاه جهانیان) پرویز ۲۷، ۱۶۲، ۳۳۵
 شجاع‌الملک ۱۲۴، ۱۲۳، ۱۲۴
 شجاع نظام ۳۲۴، ۳۰۹
 شعاع‌السلطنه ۱۵۶، ۱۵۲، ۱۵
 شوکت الدوله ۱۲۴
 شیخ‌الرئیس ۹، ۳۳۳، ۲۳۸، ۱۹۵
 شیخ‌فضل‌الله ۵۱، ۵۸، ۱۴۵، ۱۷۳
 شیخ محمد ۲۹
- خبرالدوله ۱۲۷، ۱۳۹
 خسروخان ۸۳
 دایی چا (پرنس) ۹۳
 دریابیگی ۹۵، ۱۱۲
 دوکارت (ماژور) ۱۳۸
 دوگلاس (کلنل) ۶۴، ۹۲، ۱۰
 ذکاءالملک ۱۷۸
 رابینو ۵۲، ۵۹، ۶۲، ۶۳، ۸۴، ۱۴۱، ۱۶۱
 راتیسلا (راتیسلو، رئیس‌لو) ۴۳۰، ۲۸، ۲۳، ۳۱۱، ۳۱۰، ۲۹۲، ۲۶۶
 رجب افندی ۵۲
 رحیم خان ۵۱، ۵۳، ۵۴، ۲۷۱، ۲۳۶، ۲۷۲
 رسیدالملک ۱۷۸
 رفعت نظام ۲۸۹
 رکن الدوله ۱۲۴
 رنکینگ (لیوتنان) ۱۳۹
 زیگلر ۱۳۹، ۱۵۷، ۲۷۲
- سابلین (سبلین) ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۲، ۳۲۸
 ساعدالدوله ۴۳
 ساکس ۱۲۸
 سالارالدوله ۴۶، ۶۷، ۹۸، ۱۰۶، ۱۷۵
 سالارالسلطان ۳۸، ۱۷۵، ۱۷۶
 سالار مکرم ۱۲۲
 سایکس (ماژور) ۳۴
 سپهدار ۲۴، ۱۲۳، ۱۳۲، ۱۷۴، ۱۷۸
 سپهسالار ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶
 سنارخان ۲۹۵ — ۳۲۸، ۳۲۶، ۲۹۷
 سردار ارفع ۲۸۲

- | | | | |
|------------------------------|-----------------------------------|------------------------------|-----------------------------|
| عازل الملايين | ٢٦٧، ٢٢٩، ١٧٣، ٨١ | صاحب اختيار | ١٦٩، ١٣٩، ١٧١—١٧٧، ١٧٥ |
| عایجان (چاپیانلو) | ٢٨، ٠٢٢ | ٣٢٢، ٣٠٥ | ٢٦٢ صدیق الحرم |
| عين الدوله | ٤٥، ٢٩، ١٢، ٤٠، ٩٠، ٦٧٨ | ٨١، ٥٤ | ضمير السلطنه |
| ٣٢٣ | ٢٣٦، ٢٩٠، ٢٨٨ | ١٣٩، ١١٠ | ١٢٥ سنیع الدوله |
| | ٣٢٢ | ٨٩، ٨٦، ٨٠ | ١٦٩، ١٦٥ ١٨٣، ١٨٢، ١٨٠، ١٧٣ |
| غريب خان | ٨١ | ٣١٨، ٢٨٩، ٢٢٠، ١٩٠ | ١٨٨—١٨٨ |
| | | | |
| فاتح السلطنه | ١٧٥ | | |
| فرخ (قاتل پروین شاه جهانیان) | ٣٥ | | |
| فرماننگ ما | ٣١، ٣٢، ٧٢، ٩١، ١١٠، ٩١، ١٣٣ | | |
| ٢٩٠، ٢٨٥، ٢٨٤، ٢٣٦، ١٨٧، ١٦٧ | | | |
| | ٣٢٤، ٣٠٤، ٣٠٣ | | |
| فريدون (زير قشتى كسته شده) | ١٥٢، ١٥٢ | | |
| | ١٨٥، ١٩٣، ١٦٢ | | |
| فکس (مازوو) | ٨٣ | | |
| | | | |
| فاتح مقام | ١٣٦، ١٣٦ | | |
| قوام | ٢٨٩، ١١١، ١٢٧، ١٣٩ | | |
| قوام الدوله | ٢٧٠، ٢٦٩، ٨١ | | |
| قوام الملك | ٤٤، ٤٥، ١١٥، ٥٥، ٤٩، ٤٥ | | |
| | ١٢٢، ١٢٢، ١٧٦، ١٦٩، ١٦٨، ١٦٥، ١٣٣ | | |
| | ١٨٨، ١٧٧ | | |
| کاره | ١٥ | | |
| کاکس (مازوو) | ٢٨٦ | | |
| کامران میرزا | ١٤٠ | | |
| کرنت دوف (گرفت دوف) | ١١، ٩ | | |
| کسو يا ايف (کاپستان) | ٦٤ | | |
| | | | |
| کائی (ارنست) | ٢٥٢، ٢١٩ | | |
| گراهام (گریم، گریم) | ٣٨، ٣٨، ٤٠، ٤٠، ١٣٩، ١٢٩، ١٢٧ | | |
| | ١٦٢، ١٥٨، ١٣٩، ١٢٩، ١٢٧ | | |
| | ١٧٧، ١٧٥، ١٧٠ | | |
| | | | |
| عازل السلطنه | (محمد علي) | ٣٢٢، ٣٢ | |
| | | ٦٨، ٦٧، ٦٧، ٦٧، ٦٧ | |
| | | ٢٠٢، ١٩٨، ٩٦، ٨٧، ٨١ | |
| | | ٢٢٠، ٢١٧، ٢١٦ | |
| | | ٢٥٦، ٢٥٤، ٢٤٠، ٢٢٠، ٢١٧، ٢١٦ | |
| | | ٢٩٠، ٢٨٩، ٢٨٣، ٢٦٨، ٢٦٥، ٢٦٣ | |
| | | ٣٢٠، ٣٠٣ | |

- مشیرالسلطنه ۸۱، ۲۲۰، ۲۲۸، ۳۰۰، ۳۶۸
مشیرالملک ۳۱
مشیرالممالک ۳۵
معظفر نظام ۱۲۴، ۱۲۳
عاصدالسلطنه ۳۲۲، ۲۶۲
معاون الدوله ۳۲
معتمددیوان ۱۱۱، ۱۲۲، ۱۳۳، ۱۷۵
معینالدوله ۱۴۰
معینالوزاره ۲۳۹
مقتاحالسلطنه ۲۶۳، ۲۶۲، ۲۴۶
مقتدر نظام ۱۵۴
ملامهدی ۴۶، ۴۷
ملكالمتكلمين ۱۴۰، ۱۴۱، ۲۱۶، ۲۳۹
مائیسکان (دکتر) ۲۳۸
منتاز الدوله ۱۷۸، ۲۱۲
منصورالملک ۱۷۵
محمدی خان ۹۶
مهندیں الممالک ۳۲، ۸۱
میرزا حسن خان (اصفهانی) ۲
میرزا سید ابوالقاسم خان ۲
میرزا علی اکبر خان ۲۶۲
میرزا کاریز خان ۲۶۸
میرزا کاظم خان ۲۸۶
میرزا محمود خان ۲
ناصر الدین شاه ۸۹، ۹۵
ناصرالسلطنه ۲۸۷
ناصرالملک ۲۵، ۳۲، ۱۰۹، ۸۴، ۸۱، ۸۳
— ۱۳۹، ۱۳۶، ۱۳۳، ۱۲۲، ۱۱۹
— ۱۱۷
ناظام ۱۵۸، ۱۳۸
ناظم التجار ۱۱۲، ۳۲۲
نائبالصدر ۲۸۶
نائبحسین ۱۶۶
لشکر نویس باشی ۱۲۴
لوتر (سر) ۲۹۲
لوریم (کاپیتان) ۷۹
لیاخوف (کلنل) ۶۳، ۶۴، ۱۱۶، ۱۲۵
لیچ ۱۴۰، ۲۰۰، ۲۰۳، ۲۱۰، ۲۱۴
لیس او سکی ۸۲
لی گس ۱۲۸
لیتچ (لنج) ۲۸۳، ۸۲، ۸۱
لیندلی (دکتر) ۱۶۸
مؤتمنالملک ۳۱، ۱۱۰، ۱۷۳
مؤیدالدوله ۳۵، ۲۴۰، ۲۲۳، ۲۴۵
مؤیدالسلطنه ۱۷۳
مجدالملک ۸۱
مجلالسلطان ۱۵۴
محتشم السلطنه ۱۳۲، ۱۹۰، ۱۳۲
محتشم الملک ۱۷۴
محمدآقا ۱۵۷
محمدخان ۱۴۳
محمدرضاخان ۳۵
محمدعلی میرزا (محمد عام شاه) ۳۰، ۱۰۳، ۲۰
۳۰۷، ۲۴۷
مخبرالسلطنه ۳۲، ۸۱، ۸۶، ۱۱۰، ۱۳۶
۲۳۶، ۱۷۸، ۱۷۳
مرتضی قلی خان ۲۴۶
مرفارد ۳۰، ۰۵۹، ۱۶۱، ۱۶۰، ۶۱
مساوات ۲۴۵، ۲۳۹
مستشار الدوله ۱۵۴، ۲۱۶، ۲۱۹
مستوفی الممالک ۸۱، ۸۲، ۱۱۰، ۱۸۶، ۱۲۰
متیرالدوله ۱۳، ۲۵، ۳۰، ۳۱، ۷۹، ۸۱
— ۱۳۰، ۱۱۴، ۱۱۰، ۹۳، ۸۹، ۸۶
۱۴۶، ۱۳۶، ۱۶۰، ۱۰۲، ۱۴۶
۱۶۶—۱۶۰، ۱۰۲
۱۸۵، ۱۸۲، ۱۷۲
۲۱۳، ۲۱۲، ۱۸۹، ۱۸۵
۲۶۵، ۲۲۰

- | | | | |
|------------------------|-----------------|---------------------|-----------------------------|
| وزير همايون | ٨١، ٣٣٢ | نصر الدولة | ١٧٥ |
| ويلسن (ليوتنان) | ١٣٩ | نظام السلطنه | ٣١، ٤٥، ٥٢، ٩٥، ١١١، ١١٢ |
| هارتويك (هارتويك) | ٤٧، ٧٧، ٨٦، ١٢٨ | ١٥٢ - ١٥٤ | ١٢٧ |
| | - ١٩١، ١٨٩، ١٧٢ | ١٣٦، ١٥٢ | ١٦٥ |
| | ١٥٢، ١٤٦ | ١٦٩، ١٧٣ | ١٨٦ |
| | ١٤٤ | ١٧٥، ١٦٩ | ١٩٠ |
| | | ١٦٥ | ١٨٨ |
| | | ٨١، ٧٢، ٤٢ | نظام الملك |
| | | ١٧٥ | نعمت الله (قاتل قوام الملك) |
| | | ٥١ | نقيب السادات |
| | | ١٨٣، ٥٢، ٣١، ٣٠، ٢٥ | نور |
| | ٢٤ | ٢٤ | ٧ |
| | ٣١، ٢٩٨، ٢٩٩ | ٣١ | ٢٤ |
| | ٢٩٥ - ٢٩٣ | ٤٢ | ٣٥ |
| | ٢٩٣ | ٣٢ | ٢٥ |
| | ٢٨٩ | ٣٠ | ٣٠ |
| | ٢٨٣ - ٢٨٥ | ٣١ | ٣١ |
| | ٢٧٥ | ٣٢ | ٣٢ |
| | ٢٦٠ | ٣١٧ | ٣٢٥ |
| هاكيتر | ٢٥٢ | ٣١٤ | ٣٢٨ |
| هاورس (هاورت؛ كاپستان) | ٤٧، ٤٨، ٤٧ | ٣٠٨ | |
| | ٩٧ | | |
| | ١٩٠، ١٢٨ | | |
| های نیک (كاپستان) | ١٢٨، ١٢٧ | | |
| هرمز میرزا | ٢١٤ | | |
| | | | وزير افخم (سلطانعلی خان) |
| | | | ٢٥٤، ٣٣٢، ١٩ |
| | | | وزير اكرم |
| | | | ٢٤، ٤٤، ١١٠ |
| | | | وزير مخصوص |
| | | | ٨١ |

نام چایها

- | | |
|-----------------------|--|
| آذر بايجان | ۴۹، ۵۳، ۶۶، ۶۹، ۷۲ |
| آزدا | ۲۶۹، ۲۶۶، ۲۶۲، ۱۴۸، ۹۴، ۸۱ |
| آزدا | ۲۹۱، ۲۸۵، ۲۸۴، ۲۸۱، ۲۷۳ |
| آزدا | ۳۲۶، ۳۲۰، ۳۱۸، ۳۱۵، ۳۰۹، ۳۰۴ |
| آزدا | ۳۳۱، ۳۲۹ |
| آستارا | ۵۴، ۱۳۷، ۲۶۹ |
| آفریق | ۱۲۶ |
| آرد بیل | ۶۶، ۷۲، ۱۷۸ |
| آردنستان | ۳۰۵ |
| از زروم (ارض روم) | ۳۲۴ |
| از و میه (اورمیه) | ۲۶۶، ۱۳۷، ۱۳۲ |
| استر ایاد | ۱۰۸، ۱۱۳، ۱۲۳، ۱۲۶، ۱۳۲، ۱۷۹، ۱۷۴، ۱۶۵ |
| اصفهان | ۳۴، ۳۵، ۳۸، ۵۴، ۶۶، ۶۹ |
| اهواز | ۹۶، ۱۱۳، ۱۳۹، ۱۳۹، ۷۲ |
| افغان | ۷۵ |
| اتار | ۱۸۷ |
| انگلی | ۳۷، ۵۲، ۵۲، ۷۰، ۷۲، ۷۲ |
| انگلستان (انگلیس) | ۴۴، ۴۵، ۱۱۲، ۱۱۲، ۱۱۲ |
| انگلستان | ۲۶۳ |
| او زمیه (نک: ازو میه) | ۳۲۸، ۳۲۶، ۳۲۵ |
| اهواز | ۹۶، ۱۱۳، ۱۳۹، ۱۳۹ |

- ۲۲۲۰۲۱۰، ۲۰۶، ۱۹۹، ۱۹۴—۱۹۲
۰، ۲۷۹، ۲۶۳، ۲۵۷، ۲۲۵
۰، ۲۷۷—۲۷۳، ۰، ۲۹۷، ۲۹۵، ۲۹۴
۰، ۳۰۷، ۳۰۱، ۲۹۹—۲۹۷، ۰، ۲۹۵
۰، ۳۲۰، ۳۱۹، ۳۱۶، ۳۱۴—۳۱۰، ۰، ۳۰۸
۰، ۳۳۱—۳۲۴، ۰، ۳۲۷، ۰، ۳۳۰، ۰، ۳۲۶
پطروس ۱۴۱
بل آجی ۰، ۹۲، ۳۲۳، ۳۲۲
تالش (تالش دولاب) ۳۰۵، ۶۶، ۰، ۵۴
تهریز ۰، ۳۳۳، ۰، ۳۷، ۰، ۴۲، ۰، ۵۴—۰، ۵۱، ۰، ۶۶
۰، ۷۲، ۰، ۵۴—۰، ۵۱، ۰، ۶۶
۰، ۱۲۵، ۰، ۱۱۵، ۰، ۱۱۲—۰، ۱۰۸، ۰، ۹۲
۰، ۰، ۱۰۰، ۰، ۱۱۴۸، ۰، ۱۳۷، ۰، ۱۳۶
۰، ۱۳۳، ۰، ۱۳۶، ۰، ۱۳۷
۰، ۱۷۸، ۰، ۱۷۲، ۰، ۱۷۲، ۰، ۱۷۱، ۰، ۱۵۷
۰، ۱۵۵، ۰، ۱۵۷، ۰، ۱۵۷
۰، ۲۶۶، ۰، ۲۵۷، ۰، ۲۴۹، ۰، ۲۳۵، ۰، ۲۱۸، ۰، ۱۹۶
۰، ۲۸۴، ۰، ۲۸۱، ۰، ۲۷۸—۰، ۲۷۴—۰، ۲۷۱
۰، ۳۱۳—۰، ۳۰۷، ۰، ۳۰۰—۰، ۲۸۸، ۰، ۲۸۵
۰، ۳۲۹—۰، ۳۲۷، ۰، ۳۲۴، ۰، ۳۲۳، ۰، ۳۱۸، ۰، ۳۱۵
۰، ۳۳۱
تریت حیدری ۰، ۱۵۷، ۰، ۱۲۶، ۰، ۱۸۷، ۰، ۱۸۷
تلخیس ۶۳
تنگستان ۲۰۵
جاجرم ۲۸۹
جالغا ۰، ۸۳۰، ۰، ۱۵۰، ۰، ۲۹۵، ۰، ۲۹۴، ۰، ۲۹۷، ۰، ۲۹۹
۰، ۳۳۱—۰، ۳۲۶، ۰، ۳۲۴، ۰، ۳۱۸، ۰، ۳۱۰—۰، ۳۰۷
جوین ۰، ۱۲۳، ۰، ۱۲۶
حیرفت ۰، ۱۹۷، ۰، ۲۸۲
جامبهار ۰، ۱۰۹
چلپانلو ۰، ۲۲
جهار محال ۰، ۱۸۸، ۰، ۲۶۸، ۰، ۲۲۳
حضرت عبد العظیم — شاهزاده عبد العظیم ۰، ۲۷
خان کرکن ۰، ۱۵۸
خیجند ۰، ۳۲۸
خراسان ۰، ۶۶، ۰، ۱۲۳، ۰، ۱۱۰، ۰، ۱۲۶، ۰، ۱۳۷
خرم آباد ۰، ۱۷۵، ۰، ۱۷۰، ۰، ۱۷۵
- بارفروش ۲۴۸
بارنگ ۱۶۷
باطوم ۳۱۸
باقت (بفت) ۱۶۷
باغشاه ۰، ۳۱۸—۰، ۳۲۱
باغو ۱۸۰
باکو ۰، ۴۲، ۰، ۴۱، ۰، ۴۲
باند ۰، ۲۳۰، ۰، ۲۸
بحثورد ۱۲۳
بحر خزر ۵۶
بختیاری ۰، ۵۴، ۰، ۲۸۳
برازجان ۰، ۱۳۹، ۰، ۱۵۸
بریسمیر ۰، ۱۶۷
برلن ۰، ۲۰۶
بغداد ۰، ۱۵۸، ۰، ۳۲۲
بلوچستان ۰، ۲۶۹
بیم ۰، ۱۶۷، ۰، ۱۷۴
بندر جز (بندر گز) ۰، ۱۲۳
بندر دیلم ۰، ۳۸
بندر ریگ ۰، ۳۸
بندر عباس ۰، ۴۵، ۰، ۷۵، ۰، ۱۳۲، ۰، ۱۱۱، ۰، ۱۲۹
بوشهر ۰، ۳۸، ۰، ۴۵، ۰، ۴۵، ۰، ۸۳، ۰، ۷۳، ۰، ۹۵
چوش ۰، ۱۱۷، ۰، ۱۰۹، ۰، ۱۰۸، ۰، ۱۲۹، ۰، ۱۲۷، ۰، ۱۱۲
چوپان ۰، ۲۸۲، ۰، ۲۰۸، ۰، ۲۰۵، ۰، ۱۸۰، ۰، ۱۷۳، ۰، ۱۷۰
بیت المقدس ۰، ۳۲۳، ۰، ۲۸۹، ۰، ۲۸۶
بیرون ۰، ۱۷۰، ۰، ۷۵
بر تغال ۰، ۱۶۵
بر وساک ۰، ۱۷۷
پطرز بورغ (ست پطرز بورغ) ۰، ۱۱۵
۰، ۱۱۵، ۰، ۱۱۰، ۰، ۱۴۹، ۰، ۱۳۱، ۰، ۱۲۰، ۰، ۱۱۸

ساوه	۶۳	خرر، دریا (نک: بحر خزر)
سبزوار	۱۲۳، ۱۲۴، ۱۳۷	خطیب ۲۹۲
سلطان‌آباد	۳۹، ۵۵، ۸۲، ۱۷۹، ۲۱۸	خلج ۲۴۴
	۲۶۷	خليج فارس ۹۶، ۱۰۹، ۱۶۷، ۱۷۶، ۲۵۰
سلماش	۱۲۵	۲۸۲
سمنان	۱۶۵	خوی ۱۲۵، ۱۱۰
سوء	۷۴	خیوه ۳۲۸
سیدان	۲۴۹	
سیستان	۳۵، ۷۳، ۱۱۲، ۱۶۷	دالکی ۴۶۸، ۱۵۸، ۱۶۷
سیوند	۳۰۵، ۱۸۸	دخمه کیخسرو ۱۵۹
		در جز ۱۲۳
شادنو	۱۶۶	در خليل ۲۶۳
شقیع‌آباد	۱۲۳	دوچ ۱۶۶
	۱۶۷	دوشان قید ۱۶۸
شمس		دولت‌آباد ۱۶۷
شیراز	۳۶، ۳۸، ۴۴، ۴۵، ۵۵، ۶۷، ۸۲	دوچی ۳۲۴
	۱۱۵، ۱۱۲، ۱۱۱، ۱۰۸، ۱۹۵	دندیک ۱۸۸، ۱۵۸
	۸۳	
	۱۳۲، ۱۲۹ — ۱۲۷	رام هرمن ۲۸۴
	۱۳۲ — ۱۲۲	رشت ۴۳۷، ۴۳، ۴۲، ۴۲، ۵۳، ۶۶، ۷۳
	۱۳۳	۱۱۰، ۱۰۹، ۱۰۵، ۱۰۰، ۱۴۲
	۱۳۹	۱۳۳، ۱۲۶
	۱۳۳	۱۰۹، ۱۰۷، ۱۴۴، ۱۳۷
	۱۳۲	۱۲۶
	۱۳۲	۱۰۵
	۱۳۲	۱۷۳، ۱۶۵
	۱۳۲	۳۰۵، ۲۴۹
	۱۳۲	
طبیس	۱۵۷، ۱۸۷	رفسنجان ۱۶۷، ۱۷۴
طرابوزان	۱۲۵، ۱۱۰	رودبار (رودبار) ۲۸۲
	۸۱	روسیه ۳۰۹ — ۳۱۶، ۳۲۷، ۳۱۶
عباس‌آباد	۱۲۳	ربستان ۲۲۰
		زیوال ۱۹۱
غازیک	۷۵	
		زرگان (زرقان) ۱۸۰
		زرگنده ۲۴۶، ۲۳۷
		زرند ۲۴۴
		زنجان ۶۶
		ساوجبلاغ ۱۲۵، ۳۳۳
فارس	۳۵، ۴۴، ۶۷، ۹۵، ۹۶، ۱۱۱، ۱۱۲	
	۱۳۳، ۱۲۹	
	۱۶۹، ۱۶۸، ۱۶۵، ۱۳۹	
	۱۷۷ — ۱۷۵	
	۱۷۳	
	۲۱۸، ۱۷۹	
	۲۵۰، ۲۴۹	
	۳۲۲، ۳۰۵	
	۲۸۲، ۲۶۸	
	۲۸۹، ۲۸۶	
	۲۸۵	

گواهر	۱۵۹	فرامين	۱۲۳
گوران	۱۷۵	فرانسه	۴۴، ۱۸۸
گilan (گیلانات)	۱۵۷، ۱۱۰، ۴۳، ۳۷	فون	۱۶۶
	۳۰۵	فهرج	۲۸۹
لار	۱۶۷	قرجهداع (قرجهداع)	۱۲۵، ۵۲، ۵۱، ۲۲۷
لرستان	۱۷۵		۲۳۵
لنگه	۱۶۷، ۱۱۲	قرزوبن	۱۴۴، ۲۱۸
مازندران	۱۲۳	قصرشیرین	۷۵
ماشك	۱۶۷	قفقاز (قفقازيه)	۴۱، ۳۲۶، ۳۲۸
ماکو	۱۲۵، ۵۳، ۱۲۵، ۰۴۷۸، ۰۴۷۸، ۰۲۸۱، ۰۳۰۳، ۰۳۲۳	قلعه افالك	۱۷۰
	۳۲۲	قم	۷۹، ۱۴۱، ۱۶۶، ۱۷۹، ۱۸۶
مالامين (مالامين)	۲۹	قوچان	۱۳۷، ۱۲۹
مالوم	۱۷۲	کازرون	۳۰۵، ۲۸۲، ۲۶۸
مامانن	۱۳۹	کاشان	۰۳۸، ۱۲۸، ۱۳۳، ۱۰۵، ۱۰۵
محمره	۲۸۲، ۱۶۹		۱۷۰، ۱۶۶
مرند	۳۲۴	کاما	۱۲۶
هزينان	۱۲۳	کاوان	۲۹
مشهد	۳۳۳، ۰۳۴، ۰۶۶، ۰۸۳، ۰۶۶، ۰۱۰۸، ۰۱۱۳	کبوترخان	۱۷۴
	۰۱۲۳، ۰۱۲۴، ۰۱۲۵، ۰۱۲۶، ۰۱۲۷	کربلا	۴۰—۴۲، ۴۲، ۲۸۲، ۲۶۷، ۱۷۵، ۰۵۸
	۰۱۶۶، ۰۲۶۶، ۰۲۴۸، ۰۱۸۶، ۰۱۷۹، ۰۱۶۷	کردستان	۱۳۳
	۳۲۲، ۰۲۸۹	کرمان	۴۴، ۱۶۷، ۰۱۱۱، ۰۹۵، ۰۸۳، ۰۷۵، ۰۱۱۲
موصل	۸۰		۰۱۲۸، ۰۱۴۴، ۰۱۳۲، ۰۱۳۸
ميامي	۱۲۳		۰۱۶۷، ۰۱۷۰، ۰۱۷۴، ۰۱۷۳، ۰۱۷۰، ۰۱۸۷
مييان دشت	۰۱۳، ۰۱۲۳، ۰۱۲۶، ۰۱۲۹، ۰۱۲۹		۰۱۸۰، ۰۱۷۴
ميزي هيidan	۱۲۳		۰۱۹۰، ۰۲۱۸، ۰۲۱۹، ۰۲۸۲، ۰۲۸۱
			۰۳۰۵
مائين	۰۱۶۶، ۰۱۷۰، ۰۱۷۲، ۰۱۸۷		۳۲۲
ناردين	۱۲۳	کرمانشاه	۰۳۶، ۰۳۹، ۰۷۳، ۰۷۷، ۰۵۶، ۰۴۹، ۰۴۸
نجف	۰۱۸۸، ۰۲۸۹، ۰۲۸۲، ۰۲۶۷، ۰۲۶۶		۰۹۷، ۰۹۵، ۰۸۴، ۰۷۹
نصرت آباد	۰۱۶۷، ۰۱۷۰		۰۱۲۵، ۰۱۰۸
نظام آباد	۸۱		۰۱۷۴، ۰۱۷۳، ۰۲۲۱، ۰۲۱۸، ۰۱۸۸، ۰۱۷۹
توگنبد	۱۶۶		۰۱۷۴
نياوران	۰۵۳	کسما	۱۶۵
		کمارج	۰۲۶۸، ۰۲۸۲
		کنار تخته	۰۱۶۷، ۰۲۸۲

یزد ۳۵، ۶۶، ۷۵، ۸۲، ۸۳، ۹۵، ۱۲۷	ورامین ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۶۹
وینه ۱۴۱	وینه
۱۰۰، ۱۴۴، ۱۳۸، ۱۳۳، ۱۳۲، ۱۲۹	
۱۶۷، ۱۶۶، ۱۶۳، ۱۵۸، ۱۵۷	هلند ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۶۵
۲۲۰، ۲۱۸، ۱۹۰، ۱۸۷، ۱۷۴، ۱۷۰	همدان ۴۸، ۶۷، ۹۷، ۱۰۸، ۲۴۹
۲۸۹، ۲۸۲، ۲۸۱، ۲۶۷، ۲۴۹، ۲۲۱	هند (هندوستان) ۲۷
۳۲۲، ۳۰۵	هویزه ۲۸۲
یموت ۱۲۶	

www.adabestanekave.com

نامهای گو فاگون پراکنده

آلمان (ملت)	۱۱۲
اراعنه (ملت)	۴۲
انجمن عباسی	۱۲۶
انجمن ظهیرالدوله	۲۳۹
انگلیس (ملت)	۲۸۹، ۲۹۸، ۲۹۲، ۳۰۰
دیکسن (کمپانی)	۱۲۶
بورس گازت (مجله)	۳۲۸
بهار (طایفه)	۱۳۹
بهارلو (طایفه)	۱۳۳
پارسیان پارسی‌ها (ملت)	۱۶۲، ۴۲۰، ۴۰۰، ۲۷
پرسی‌بوس (کشتی)	۱۵۹
تاتار (ملت)	۳۲۸
تحت طاووس	۲۰
ترکمانیه (ملت)	۳۲۸
تمدن (روزنامه)	۹۳
حبل‌المتین (روزنامه)	۶۳، ۲۹
روس (ملت)	۲۸۹، ۲۹۳ — ۳۰۱، ۳۰۴
زیگلر (زیقلر ، کمپانی)	۲۱۸، ۱۲۶
سیلاخور — سیلاخوری	۲۳۷، ۲۳۸
صوراسرافیل (روزنامه)	۲۴۵

مظفر (روزنامه)	۲۹	کاکاوند (طايفه)	۱۹۰
ندای وطن (روزنامه)	۲۹	گبر (ملت)	۲۲۱ - ۱۸۵
نویه ورمیا (روزنامه)	۳۲۸	لابینگ (کشتی)	۱۰۹، ۱۲۹
يهود (ملت)	۴۲، ۳۸	لينج (کمپانی)	۱۷۹
		مجلس (روزنامه)	۲۹
		محاكمات (روزنامه)	۱۷۸

www.adabestanekave.com

www.adabestanekave.com

فهرست نکته‌ها و رویدادهای مهم که
در ضمن اسناد از آنها یاد شده است

- تیرگی روابط مردم با محمدعلی شاه ۲۱
آشکار شدن احساسات خند اروپائی در مردم ۲۲
ایران ۲۳
پناهندگی مردم اورمیه به کنسولخانه
و تالگرافخانه انگلیس ۲۴-۲۵
مقاومت مردم تبریز در برابر شرکت
راهسازی روسی ۲۶
قدائیان رشت از قفقاز دستور می‌گرفتند ۲۷
مردم رشت از گرفتن جشن پادشاهی
محمدعلی شاه خودداری کردند ۲۸
طرح مسئله نوز پژوهیکی در مجلس ایران -
مقاآمت نوز در برابر مجلس ۲۹
تشکیل گروه قدائیان در ایران ۳۰
قتل پرویز شاه جهانیان در یزد - تگرانی
زرتشتی‌ها بر جان خودشان ۳۱

- مرگ مظفر الدین شاه ۴
طرح قانون اساسی در مجلس ۱۷
زمزمۀ مخالفت ایرانیان با دادن امتیاز به
خارجی‌ها ۱۷
ترس دولت‌های انگلیس و روس از مداخله در
امور ایران ۱۸
پادشاهی محمدعلی شاه - بار یافتن سفراء
خارجی بنزه شاه ۱۹
احترام مردم به جنازه مظفر الدین شاه و
جلوگیری آنها از برده شدن جنازه به
کربلاع ۱۹
تاج گذاری محمدعلی شاه - ولیعهدی
احمدشاه ۲۰
نخستین سلام رسمی که در حضور محمد
علی شاه برگزار شد ۲۱

- تحقیق و عاظم و مردم عادی در شاه عبدالعظیم ۲۷
 اظهار نظر شگفتی انگلیز سفیر انگلیس درباره
 شاه ایران ۷۱
- مهاجرت برخی از ایرانیان به کشورهای
 بیگانه ۳۰
- عزن مشیرالدوله از صدارت عظمی ۳۱
 آدم کشی و آدم‌سوزی در سبزوار ۳۳۳
 مردم برای اجراء قول شاه ایران از دولت
 های خارجی تضمین می‌خواستند : ۳۳۴
- نامه سرزنش بارزنان تبریز به مردان شیراز ۳۸
 اعتراض در کرمانشاه — تحقیق همگانی
 مردم — برپا کردن چادر بر بام خانه‌ها ۳۹
- آئم کسان مزدور شاه در اندیشه شکار
 آزادیخواهان ۵۱
- بازداشت رحیم‌خان قراچه داعی خدمش و طه
 معروف ۵۳—۵۱
- تعطیل همگانی مردم تهران و جلوگیری
 از چراغانی برای تاج گذاری شاه ۵۱
 جلوگیری مردم بندر اتر لی از خارج شدن نوز
 بلژیکی ۵۲
- قتل رجب افندی در تهران ۵۲
- توظیه اکرم السلطان برای کشتن اعضای
 انجمن ایالتی تبریز ۵۲
- کمیابی نان و شورش مردم در تبریز ۵۳
- کشته شدن یک محتکر در تبریز ۵۳
- وضع بدمالی ایران و فرستادن هیأت‌های
 تبلیغاتی به خارج ۵۹
- بریگاد قراق زنجیری برای برداشی ایران ۶۳
- گاردشاھی نا فرمانده روسي ۶۴
- شورش در زنجان و اردبیل ۶۶
- شرابیط پرده وار و استعماری روس و انگلیس
 برای دربافت اقیاط قرضه خود از
 ایران ۶۸
- کشته شدن اتابک اعظم ۶۸
- کاپیتولاسیون انگلیس در ایران ۶۹
- احساسات میهن‌پرستانه ایرانیان از نظر سفیر
 انگلیس ۷۹
- رئیس دزدها محافظ راه کاروانی مشهد
 شد ۸۳
- طرح قرارداد ۱۹۰۷ در مجلس ایران ۸۹
 مرگ ناگهانی و مرموز مشیرالدوله ۸۹
- اخطرار درباریان به محمدعلی شاه و متزوی
 گردانیدن او ۹۰
- مقالات روزنامه حبل‌المتین درباره قرار —
 داد ۱۹۰۷ ۹۳
- قانون اساسی ایران ۹۹
- فروش دختران و زنان ایرانی بوسیله
 صنیع‌الدوله ۱۱۰
- زنданی شدن علاءالدوله — تبعید وزنданی شدن
 ناصرالملک و وزیران دولت او ۱۱۷
- چاقوکشان مزدور محمدعلی شاه و پذیرائی
 شاهانه (!) از آنها ۱۱۹
- سوءاستفاده آصف‌الدوله و مظفر نظام از انبار
 مهمات خراسان ۱۲۴
- تبعید علاءالدوله — زنданی شدن ناصرالملک ۱۴۰
- اتحاد ظل‌السلطان با مشروطه‌خواهان ۱۴۴
- شاه ایران از سفراء انگلیس و روس دستور
 کار می‌گرفت ! ۱۴۶
- از نظر سفیر انگلیس ملت ایران تا دو
 نسل دیگر هم شایسته حکومت مشروطه
 نیست ۱۴۹
- زرتشیان ایرانی برای تأمین جان خودشان
 از سفارت انگلیس کمک می‌خواستند ۱۶۲
- سوء قصد بجان محمدعلی شاه ۱۶۸

- پناهندگی ایرانیان به سفارت روس ۲۳۵
کودتا در تهران و غارت خواههای مردم بدست
قوای دولتی ۲۳۶
دستگیری ملک المتكلمين و جهانگیرخان
صور اسرافیل ۲۳۹
حکومت نظامی به فرمان لیاخوف ۲۴۳
ایرانیان مصمم شدند سلطان عثمانی را به
پادشاهی خود برگزینند ۲۷۲
فرماننفرمای آذربایجان از ورود آذوقه به
شهر تبریز جلوگیری کرد ۲۹۱
قراراقان روسی در تبریز و ادعای بیطرفی دولت
روسیه ۲۹۵
روزهای تلغی قدر تبریز ۲۹۷
دستخط محمدعلی شاه درباره انتخابات مجلس
۳۰۶
انتخابات مجلس و بدقولی‌های محمدعلی
شاه ۳۰۹
تظاهرات مزدوران شاه علیه مشروعه ۳۱۳
تلگراف شدیداللحن علماء نجف به محمد
علی شاه ۳۲۱
- تدارک محمدعلی شاه برای سرکوبی مردم ۱۶۹
گزارش سفیر انگلیس درباره سویقصدبه
محمدعلی شاه ۱۷۰
غارت مردم بوسیله گارد امیر بهادر ۱۷۱
تحصن امیر بهادر در سفارت روس ۱۸۴
فرار نظام السلطنه به قم ۱۸۶
روس و انگلیس در فکر تغییر سلطنت در
ایران ۱۹۱
تحصن تقیزاده و روزنامه نگاران در سفارت
انگلیس ۱۹۶
دستگیری روزنامه‌نویسان و آزادیخواهان
دیگر بدستور محمدعلی شاه ۱۹۶
پناهندگی رئیس مجلس بدسفارت فرانسه ۲۰۰
پناهندگی وزیر مالیه و خانواده‌اش به سفارت
ایتالیا ۲۰۰
شورش در تبریز ۲۰۰
انحلال مجلس بدستور محمدعلی شاه ۲۰۰
حیات سفارت انگلیس از ظل السلطان ۲۰۲
تلگراف شاه ایران به پادشاه انگلیس ۲۰۴
جواب دادن پادشاه انگلیس به شاه ایران ۲۰۵

اسناد
سیاسی

کتاب آبی

گزارش‌های محرمانه
وزارت امور خارجه انگلیس
درباره انقلاب مشروطه ایران

جلد سوم

از تاریخ ۱۱ مه ۱۹۰۹ تا ۳۰ نوامبر ۱۹۰۹

بکوشش احمد بشیری

نشرفو

كتاب آبي

گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس
درباره انقلاب مشروطه ایران

به کوشش و دیراستاری
احمد بشیری

www.adabestanekeave.com

جلد سوم

۱۱ مه ۱۹۰۹ تا ۲۰ نوامبر ۱۹۰۹
۲۱ اردیبهشت ۱۲۸۸ تا ۸ آذر ۱۲۸۸
۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷ تا ۱۶ ذی‌قعده ۱۳۲۷

نشر نو
تهران، ۱۳۶۳

چاپ اول: ۱۳۹۳
تعداد ۱۰۰۰ نسخه
حق چاپ محفوظ است.

www.adabestanekave.com

چاپ و صحافی: چاپخانه فاروس ایران

درخواست از خوانندگان کتاب

در این کتاب گزارش رویدادهای گوناگون یکی از پرآشوبترین و آموزنده‌ترین دوران‌های تاریخ میهن ما یعنی چگونگی پا گرفتن و پیروز شدن جنبش مشروطه‌خواهی در ایران را می‌خوانید.

چنانکه در پیش‌گفتار نیز یادآور شده‌ایم گردآورندگان مطالب کتاب، به دلایل و انگیزه‌های ویژه خودشان بسیاری از حوادث را چنان به کوتاهی و اختصار برگزار کرده‌اند که جز با موشکافی و کاوش بسیار نمی‌توان از آنها سر درآورد و بدست ازاین، در بیشتر جاهای از آفرینندگان و قهرمانان ماجراها به درستی نام تبرده و یا سربسته و رمزگونه از آنها یاد کرده‌اند که بهر روی خواننده را بیشتر گیج و درمانده و در پایافت مطلب را برایش بسی دشوار می‌کند.

ما برآئیم که در پایان کار چاپ کتاب، پیرامون اینگونه مطالب و رخدادها بررسی تازه‌ئی کنیم و تا جاییکه بیشود گوشه و کنار آنها را روشن گردانیده، نارسانی‌ها را از میان برداشته و مردان و زنان ناشناس مانده در کتاب را به خوانندگان بشناسانیم.

برای کامیابی در کاری که قصد انجامش را داریم به کمک و یاری خوانندگان آگاه و بیدار دل کتاب به فراوانی نیازمندیم و آنها می‌توانند با روش‌نگری‌ها و توضیحات تازه خودشان درباره مطالب کتاب و یا بدست دادن عکس‌ها، نوشه‌ها و مدارک دیگری در این زمینه به پیشبرد کار ما یاری دهند.

مطالب، عکس‌ها و مدارکی که خوانندگان برای ما بفرستند اگر بخواهند بنام خودشان در کتاب توضیحات چاپ خواهد شد و اگر مایل به پس گرفتن مدارک خود باشند ما، پس از رفع نیاز هر آنچه را که از آنها گرفته‌ایم بخودشان پس خواهیم داد.

باز هم یادآور می‌شویم که کار روشنگرانه‌ئی که در پیش داریم جز با کمک اندیشمندان و آگاهان این دیار بویژه آنان که خود در حوادث دوران مشروطه زیسته و یا در آنها از نزدیک یا دور دستی داشته‌اند انجام‌پذیر نخواهد بود. بزرگواری کنید و هرچه از حوادث و قهرمانان مشروطه می‌دانید در دسترس ما بگذارید باشد که این گوشه‌شگرف تاریخ ما با همت و همیاری خودتان روشن شود.

لطفاً چنانچه مایل به همکاری با ما بودید نامه‌ها و مطالب خودتان را به صندوق پستی شماره ۱۱۳۶۵-۳۱۴ تهران بنام احمد بشیری بفرستید و یا با تلفن شماره ۹۸۰۸۱۴ آنچه را می‌خواهید با ما در میان بگذارید.

با سپاس فراوان از توجهی که به درخواست ما و روشنتر گردانیدن تاریخ این مرز و بوم خواهید فرمود و در انتظار مهربانی‌های شما.

احمد بشیری

www.adabestanekave.com

کوشش خود را در کار چاپ این دوره کتاب به
همه مردان و زنان آزاده و جانبازی که انقلاب مشروطه ایران
را پدید آوردهند

همه دوانهای پاکی که در راه بزرگداشت ایران کوشیدند و جان باختند
شادروانان حاجی علیقلی خان سردار اسعد و همکاران او که
پیشگامان ما در این راه بودند
نیاز می کنم.

www.adabestanekave.com

www.adabestanekave.com

نفره - ۱

تلگراف سر ادوارد گری (وزیر امور خارجه انگلیس) به سر بارکلی (وزیر مختار انگلیس مقیم طهران) مورخه یازدهم مه ۱۹۰۹ هجری [۲۱ اردیبهشت ۱۳۲۷؛ ۲۰ ع ۲۰ - ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.
وزراء جدید ایران.

به من خبر رسیده است که ناصرالملک به عندر هریض بودن پرسش از پاریس برای هراجعت به طهران امتناع نموده است.

نفره - ۲

از طرف سر بارکلی به سر ادوارد گری، مورخه ۱۱ مه ۱۹۰۹ هجری [۲۱ اردیبهشت ۱۳۲۷؛ ۲۰ ع ۲۰ - ۱۳۲۷] از طهران.
این تلگراف راجع است به تلگراف ششم من (در باب خیال سپهدار).

همکار روس من می‌تویسد که نفوذ کلام خود را حتی‌المقدور به سپهدار بکار برده است
لیکن مثمر ثمری نشده است و گمان می‌کند که بواسطه عدم رضایت از شاه احتمال دارد
از محل اقامتش، قزوین، به طهران حرکت نماید.

من مستقیماً اطلاعی از عقیده سپهبدار ندارم لیکن اگر اظهارات همکار روس من صحت داشته باشد یک اقدام از طرف سفارتین همچنان بهترین طریقی از برای حاصل نمودن صلح طرفین خواهد بود.

نفره - ۳

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۲ مه ۱۹۰۹ مطابق با ۱۳۲۷ هجری [۲۲ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۱۲۸۸ ع ۲۱ - ۲] از طهران.
عجالتاً ما باید منتظر حوادث بشویم و محتمل است که اگر بحران به صلح انجامد ناصرالملک مراجعت نماید و تا زمان مراجعت او سعدالدوله کفیل ریاست وزراء خواهد بود (این تلگراف راجع است به تلگراف دیروز من).

نفره - ۴

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۲ مه ۱۹۰۹ مطابق با ۱۳۲۷ هجری [۲۲ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۱۲۸۸ ع ۲۱ - ۲] از طهران.
همکار روس من به من اطلاع می‌دهد که دوه‌رتبه بتوسط یکی از ناییهای سفارت در قزوین با سپهبدار مذاکره و به او گوشزد نموده است که شاه تمام خواهش‌های ملتیان را قبول کرده است و همچنین اصرار نموده است که سپهبدار جلوگیری از پیش‌آمدن رولوسيونها [= رولوسيون]^۱ها بکند.

در طهران تنفر از تعهدات شاه در تزايد است و این بیشتر بواسطه عدم اعتماد عموم مردم از شاه است نه بواسطه بعضی از هواد فرمان که اسباب عیجوبی شده است و سوای تبریز و قزوین از سایر بلاد اطلاعی از قبول کردن شاه خواهش‌های ملتیان را نداریم.

نفره - ۵

تلگراف سر نیکلسن سفیر کبیر انگلیس در سن پطرزبورغ به سر ادوارد گری مورخه ۱۲ مه ۱۹۰۹ مطابق با ۱۳۲۷ هجری [۲۲ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۱۲۸۸ ع ۲۱ - ۲] از پطرزبورغ.

دولت روس کمک پولی را به دولت ایران هضم شده است که قسط اول استقرار را پنجاه هزار لیره نماید. «مسیو چریکف» می‌گوید که مسیو سابلین پیشنهاد نموده است که صد هزار تومان این وجه را به حقوق عقب‌افتاده قشون ساخلو طهران بدهد و صد هزار تومان دیگر را به قشونی که همراه عین‌الدوله بوده است بدهد و بعد از پرداخت پول

۱) رولوسيون = انقلابی. - ۲

قشون ابواب جمعی عین الدوّله را مرخص نماید و مبلغ پنجاه هزار تومان هم به وزارت خارجه بدهد.

نمره - ۶

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۳۰۹ مه ۱۹۰۹ مطابق با ۱۳۲۷ هجری [۲۳ اردیبهشت ۱۲۸۸: ۲۲ ع ۲ - ۲] از طهران.

ممکن است در یکی دو روز دیگر قشون بحری را از بوشهر مراجعت داد بدون اینکه احتمال خطر برای اتباع خارجه داشته باشد ب بواسطه اینکه عجالتتاً اوضاع آنجا خوب است.

نمره - ۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر بار کلی مورخه ۱۳۰۹ مه ۱۹۰۹ مطابق با ۱۳۲۷ هجری [۲۳ اردیبهشت ۱۲۸۸: ۲۲ ع ۲ - ۲] وزارت خارجه لندن.

حرکت ملتیان از رشت

دولت اعلیحضرتی تصویب می‌نماید پیشنهادی را که شما در این ماه تلگراف نموده بودید.

شما می‌توانید که با همکار روس خویستان متحداً با سپهبدار مذاکره نمایید و بعلاوه به او گوشزد کنید که البته ملتیان باید از فرمان شاه راضی بشوند و به او اصرار نمایید که قبول نکند. به او بگویید که اگر شاه خواست برخلاف قول خودش عمل نماید و اصلاحاتی را که او قول داده است بموقع اجراء نگذارد نماینده دولتین به آن اعلیحضرت همراهی نخواهد نمود.

نمره - ۸

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۴ مه ۱۹۰۹ مطابق با ۱۳۲۷ هجری [۲۴ اردیبهشت ۱۲۸۸: ۲۳ ع ۲ - ۲] از طهران.

پیر فرقا

راجع به تلگراف دهم مه هن، تلگراف ذیل از ژنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم تبریز به من مخابره شده است.

بموجب دستور العمل کتبی، ما دیدنی از انجمن نمودیم. انجمن نماینده به شرق آذربایجان برای اطفاء حرارت آن نقاط فردا خواهند فرستاد. امروز تلگرافی به شاه نموده‌اند و اظهار تشکر از تعهدات شاه کرده‌اند. خیلی مایل به صلح تام هستند.

نمره - ۹

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۴ مه ۱۹۰۹ مطابق با ۱۳۲۷ هجری [۲۴ اردیبهشت ۱۲۸۸: ۲۳ ع ۲ - ۲] از طهران.

شاه و ملتیان

تقریباً تمام متحصّنین سفارت عثمانی از سفارت خارج شدند و امروز احتمال کلی دارد که صلح بشود. شاه به نظر همراه می‌آید و تا به حال هم وزراء در امورات بد رفتار نکرده‌اند. کمیته‌ای که برای ترتیب قانون انتخابات بنازگی تشکیل شده است روی هم رفته بد نیست. مذاکرات دوستانه راجع به تعیین حاکم تبریز مابین اهالی و وزراء در جریان است. وزیر امور خارجه سپهبدار را نسبتاً ملایم‌تر مشاهده می‌نماید.

در خصوص استقرار روس مسیو سبلن [= سابلین] مطمئن است که این پول برای پرداخت و خلع سلاح نمودن قشون غیر لازم و همچنین برای پرداخت حقوق عقب‌افتاده سایر قشون بمصرف خواهد رسید و باین طریق تخفیف در اغتشاش حاصل خواهد شد و نه این است که در واقع همراهی با مستبدین بشود.

نمره - ۱۰

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری مورخه ۱۴ مه ۱۹۰۹ مطابق با ۱۳۲۷ هجری مسیو چریکف امروز به من اطلاع داد که ملتیان تبریز اسلحه خود را تسليم می‌نمایند و همچنین رولوسیونر [= رولوسیونر]‌های روس را هم مجبور به خلع سلاح می‌نمایند و گفتند که بهبودی زیادی در اوضاع تبریز حاصل گردیده است.

نمره - ۱۱

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری مورخه ۱۴ مه ۱۹۰۹ مطابق با ۱۳۲۷ هجری [۲۴ اردیبهشت ۱۲۸۸: ۲۳ ع ۲ - ۲] از سن پطرزبورغ.

مسیو چریکف اظهار داشت که به شما بیشنهاد بکنم که از طرف سفرای کبار روس و انگلیس دستورالعملی به ژنرال قنسولهای خودشان مقیم بغداد فرستاده بشود که بهوجب آن دستورالعمل ژنرال قنسولهای هزبور مشغول مذاکره با علمای تجف شده که از طرف علماء نصیحتی به اهالی ایران بشود باین مضمون که مردم ضدیتی با شاه نکنند و بظور دوستانه قولهایی را که راجع به برقراری مشروطه داده است بپذیرند و بعلاوه از طرف علماء کمکی هم در خصوص اصلاحاتی که شاه در خیال دارد بشود.

نمره - ۱۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر بارکلی ۱۴ مه ۱۹۰۹ مطابق با ۱۳۲۷ [۲۴ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲۳ ع ۲ - ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.

بوشهر

(راجع به تلگراف شما)

مراجعه قشون بحری را از بوشهر اجازه بدهید.

نمره - ۱۳

تلگراف سر ادوارد گری به سر نیکلسن هورخه ۱۴ مه ۱۹۰۹ مطابق با ۱۳۲۷ [۲۴ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲۳ ع - ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.

آنقدری که من اطلاع حاصل کردم دولت روس بتوسط سفير كبير خودش در لندن گمان می کند حالا که شاه مشروطه را قبول نموده است استقراضی داده بشود که دولت ایران بتواند اصلاحات را مجری بدارد. من به او اطلاع دادم که اگر دولت روس گمان می کند که این استقراض لازم است ما ضدیتی نداریم لیکن تا مدتی که مجلس این قرض را قبول نکند ما قسمت خودمان را از این استقراض چهار صد هزار لیره نخواهیم پرداخت.

نمره - ۱۴

کاغذ سر نیکلسن به سر ادوارد گری مورخه ۱۰ مه ۱۹۰۹ [۲۰ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۱۹ ع ۲ - ۱۳۲۷] از سن پطرزبورغ (۱۵ مه به لندن رسیده است). آقا

من مسیو چریکف را هنذر نمودم در هشتم این ماه که از قرار مذکور دولت روس خیال اعزام قشون برای محافظت راه رشت و طهران را دارد. من اظهار امیدواری نمودم که خوب است در هر صورت دولت روس بدؤاً منتظر نتیجه در تجدید به اقدامات نظامی بشود بجهت اینکه از قرار اطلاع ما عجالتاً راه باز است و فرستادن قشون ممکن است که صورت دخالت را پیدا کند. مسیو چریکف گفت که او می خواهد یک قشونی در بادکوبه حاضر نگاه دارد و در رشت و هابین راه معلوم کند که اگر راه بسته بشود قشون به ایران وارد خواهد شد.

امروز صبح کاغذ خصوصی از جناب ایشان به من رسید که در آن کاغذ به من اطلاع دادند که دولت روس مصمم شده است که عدهای قزاق در بادکوبه حاضر نگاهدارد که در صورت لزوم استعدادی به گارد رشت داده و همچنین راه طهران و بحر خزر را نگاه دارند. نظر یه اینکه مذاکرات نماینده ما با شاه جریان خوبی حاصل نموده است امیدواریم

که اعزام قزاقهای مزبور لازم نشود.

(امضاء نیکلسن)

www.adabestanekeave.com

نمره - ۱۵

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۵ مه ۱۹۰۹ [۲۵] اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ع ۲۴ - ۲ - ۱۳۲۷] از طهران.

رولوسیونرها در قزوین

(راجع به تلگراف ۱۴ مه من).

وزیر امور خارجه به من و همکار روس من اطلاع داد که او از خیالات سپهبدار راضی نیست.

نمره - ۱۶

تلگراف سر بارکای به سر ادوارد گری مورخه ۱۵ مه ۱۹۰۹ [۲۵] اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ع ۲۴ - ۲ - ۱۳۲۷] از طهران.

از طرف اهالی تبریز و قزوین و رشت و اصفهان استدعای عاجلانه به وزرای رسیده است که اقدامات برای رفتن قشون روس بنمایند.

سعد الدوله به من گفت که مداومت اقامت قشون روس اسباب جلوگیری از اصلاح طرفین خواهد شد بجهت اینکه مردم گمان می‌کنند که این قشون به اجاره شاه آمده‌اند و گمان می‌کرد که بردن قسمت زیادی از قشون (بقدر اینکه ششصد نفر در شهر و چهارصد نفر در راه بماند) اسباب این می‌شود که مردم باور خواهند کرد که اقدامات روس موقتی است و اسباب اصلاح خواهد شد. وزیر امور خارجه گمان می‌کرد که حالا یک اندازه زود است که رفتن کلیه قشون روس خواهش بشود لیکن بعد از تعیین حاکمی برای تبریز دولت این خواهش را خواهد نمود.

اجلال‌الملک که یکی از ملتیان معروف آن شهر است به خواهش اهالی تبریز به نایب-الحکومگی منصوب شده است.

نمره - ۱۷

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۶ مه ۱۹۰۹ [۲۶] اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ع ۲۴ - ۲ - ۱۳۲۷] از طهران.

گمرکات بوشهر

(راجع به تلگراف ۱۳ مه من)

ترتیب هوقتی در خصوص عایدی گمرکات داده شده است که بموجب این ترتیب کلیه

عایدی گمرکات به بانک شاهنشاهی په حساب رئیس گمرکات تحويل داده خواهد شد و مصرف این پول باید به رضایت بانک باشد.^۱

در موقعی که حرکت قشون بحری را رسمآ اطلاع دادم شفاهآ یادآوری به سعدالدوله نمودم که اگر طلب و اقساط ماهانه بانک را دولت ایران از مخارج فوری نپردازد فتیجه خوبی برای دولت ایران نخواهد بخشید.

نمره - ۱۸

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۷ مه ۱۹۰۹ [۲۷ اردیبهشت ۱۲۸۸] ع ۲ - ۱۳۲۷] از طهران.

تلگراف ذیل از ژنرال قنسول دولت اعلیحضرتی هقیم تبریز که تاریخ دیروز را دارد برای من رسیده است.

ملتیان اینجا به اصفهان و رشت تلگرافی مخابره نموده‌اند که متنضم نصایح دولستانه نسبت به مذاکرات خودشان با شاه بود. احتمال می‌برد که صمدخان به ساوچبلاغ برای کمک نمودن به حکومت آن محل بر ضد اکراد برود. حکومت ساوچبلاغ درخواست کمک از نایب‌الحاکمه تبریز نموده است. پرحسب اطلاعی که حاصل نموده [آم] حکومت تبریز از پایتخت در خواست نموده است که سیصدانفر قزاقی که همراه عین‌الدوله بود به تبریز مراجعت دهند برای محافظت تبریز و دولت قبول نموده است.

نمره - ۱۹

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۷ مه ۱۹۰۹ [۲۷ اردیبهشت ۱۲۸۸] ع ۲ - ۱۳۲۷] از طهران.

سپهبدار و رولوسیونرها

رئیس ملتیان جواب داده است په مراسله‌ای که بتوسط نایب سفارت روس در قزوین به او رسیده بود. در آن جواب سپهبدار اظهار می‌دارد که از قدرت او خارج است که خلع سلاح از شورشیان نماید.

مسیو سابلین گمان می‌کند که تقریباً در قزوین و اطراف ۴۰۰ نفر قفقازی است. او به سپهبدار نصیحت کرده است که مراجعت به رشت نماید و بکلی از رولوسیونرها کناره‌جویی کند.

نمره - ۳۰

تلگراف سر ادوارد گری به سر نیکلسن مورخه ۱۷ مه [۲۷ اردیبهشت؛ ۲۶ ع ۲] از وزارت خارجه لندن.

راجع به تلگراف ۱۴ این ماه شمادر خصوص مذاکرات با علمای نجف؛ خواهش می‌کنم که به کفیل وزارت خارجه اطلاع پدهید که من موافقت به پیشنهاد ایشان می‌کنم.

نمره - ۳۱

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۰ مه ۱۹۰۹ [۳۰ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲۹ ع ۲ - ۱۳۲۷] از طهران.

بوشهر

راجع به تلگراف ۱۳ مه [۲۳ اردیبهشت؛ ۲۲ ع ۲] من. قشون بحری عودت نمود. نمایندگان دول خارجه در بوشهر موافقند براینکه اوضاع بوشهر مناسب این اقدام بود و دریابیگی اطمینان داده است په ژنرال قنسول اعلیحضرتی که او می‌تواند از عهده هر اتفاقی و بی‌نظمی برآید.

نمره - ۳۲

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۳ مه ۱۹۰۹ [۲ خرداد ۱۲۸۸؛ ۱ ج ۱ - ۱۳۲۷] از طهران.

شاه اظهار میل نموده است که عمومی خود ظل‌السلطان را بخواهد و به حکومت اصفهان منصوب نماید. وزیر امور خارجه در موقع پیشنهاد این مطلب از من سوال نمود که آیا به مراجعت ایشان اعتراض دارید یا خیر. من در این خصوص با مسیو سابلین مذاکره نموده‌ام و به عقیده‌ما مراجعت ظل‌السلطان موجب اعتراض نخواهد بود در صورتی که به حکومت فارس منصوب گردد.

به علاوه‌الدوله هم حکومت فارس پیشنهاد شده بود لیکن قبول نکرد و تعیین ظل‌السلطان بهترین وسیله است برای انتظام آن ایالت و برقراری امنیت طرق و شوارع.

نمره - ۳۳

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۳ مه ۱۹۰۹ [۲ خرداد ۱۲۸۸؛ ۱ ج ۱ - ۱۳۲۷] از طهران.

ویس قنسول اعلیحضرتی مقیم رشت راپورت می‌دهد که بهبودی در رفتار گفقاریهای

آنجا حاصل شده است و بطبق این مطلب هم به همکار روس من خبری از قزوین رسیده است.

از ژنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم اصفهان اطلاع حاصل می‌نمایم که با وجود بعضی اختلاف عقیده [ها] که هنوز هم مابین رؤسای بختیاری است از کاغذی که شاه به آنها نوشته بود خیلی راضی هستند و مصمم شده‌اند که عده زیادی از قشون خودشان را بسزودی مرخص نمایند.

کمیته‌ای که برای وضع انتخابات تشکیل شده بود در کارهای خودشان خیلی پیشرفت کرده‌اند.

در خصوص استقرار از دولت روس مابین سفارت و دولت ایران مذاکرات در جریان است. این پول برای پرداخت حقوق قشوتی و اجزاء وزارت خارجه تحصیل شده است. قسط اول این استقرار فقط پنجاه هزار لیره خواهد بود.

نمره - ۲۴

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری ورخه ۲۳ مه [۲ خرداد؛ ۳ ج ۱] از سن پطرزبورغ

(علماء نجف)

راجع به تلگراف ۱۴ این ماه [۲۴ اردیبهشت؛ ۲۳ ع ۲ - ۱۳۲۷] من (ذیلاً ترجمه مکتوبی است که دولت روس پیشنهاد نموده بود).

ملکت ایران چند سال است گرفتار کشمکش داخلی است و نظر به دوستی حقیقی به این مملکت دولتين روس و انگلیس تمام نفوذ خودشان را برای پر طرف کردن بلياتی که به آن مملکت دچار است بکار برده‌اند. اقدامات ایشان بی‌ثمر نمانده است. در همین ایام شاه به نصائح دولتين مصمم شده است برای برقرار نمودن مشروطه و عفو عمومی به مقصرين پلتيکي برای امنيت مملکت.

برای سهولت موفق شدن شاه به برقراری آسایش دستورالعملی به نمایندگان قنسوخانه دولتين روس و انگلیس فرستاده شده است که بواسطه حسن وطن پرستانه رؤسای روحانی ملت مسلمان که نفوذ آنها مابین هم‌ذهبان خودشان مؤثر است نمایندگان دولتين از مجتهدين کربلا و نجف خواهش نمایند که همراهی کاملی در این راه انسانیت بنمایند و به تمام فرق ایرانی نصیحت کنند که دست از این دعوای برادرکشانه بردارند و نصائح خیراندیش علمای اعلام آسایش آن مملکت که مدت‌ها دچار زحمت بوده بشود و همچنین باعث انتظام و آسایشی که اهالی ایران زیاده از حد طالب‌اند خواهد گردید.

نمره - ۲۵

کاغذ سر بار کلی به سر ادوارنگری هورخه ۱۹۰۹ مه [۲۴] اردیبهشت ۱۲۸۸ ع ۲ - ۱۳۲۷] از طهران.

آقا

من شما را از وقایعی که بعد از ملاقات ۲۲ ماه گذشته واقع گردیده بود پتوسط تلگراف اطلاع داده ام (مقصود ملاقاتی است که نمایندگان دولتین تصایح روس و انگلیس را به شاه پیشنهاد نموده اند) لیکن برای سهولت رجوع به سابقه به نظر اینطور بهتر می آید که آن واقعات را در این مراسله بطور اجمال درج نماید.

روز بعد از ملاقات، وزیر امور خارجه به حکم شاه ملاقاتی از نمایندگان دولتین در سفارت روس نمود. وزیر امور خارجه اظهار نمود که اعلیحضرت شاه هنوز بیم آن را دارد که اگر به پیشنهاد دولتین رفتار شود باعث اختشاش خواهد بود.

ما ایشان را خاطر نشان نمودیم که بیشترین راهی برای آسایش این است که تصایحی را که روز قبل به آن اعلیحضرت پیشنهاد شده است معمول و معجزی دارند. بعد وزیر امور خارجه اظهار داشت که شاه بیش از صد هزار لیره که ما قول داده بودیم لازم خواهد داشت. ما به ایشان یادآوری نمودیم که دستور العمل ها بیش از این هبلغ اجازه نمی دهد و بعلاوه اظهار نمودیم که در موقعی که مجلس مشغول کار و ادارات مالیه اصلاح شد نمایندگان دولتین سعی کامل خواهند نمود که استقراض مهمی که لزوم آن را م خوب متوجه هستیم به دولت ایران داده بشود.

روز بعد مجلسی تشکیل شد که در آن مجلس شاه با وزراء و بعضی دیگر حضور داشتند. مقصد از تشکیل این مجلس مذاکره در خصوص پروگرام ما بود. بعد از ظهر آن روز سعد الدوله به دیدن من آمد و اظهار نمود که به شاه اصرار زیادی نموده است برای قبول تصایح ما. با وجود حضور مستبدین که خیلی ضدیت نمودند لیکن عقیده او این بود که شاه بالآخره به عقیده سعد الدوله رفتار خواهد نمود.

در ۲۵ (۵ اردیبهشت؛ ۴ ع ۲) سعد الدوله مترجمین سفارتبین را خواسته و اظهار میں نمود که توضیحاتی در خصوص عمل نمودن پروگرام ما به او داده شود. ما به ایشان جواب دادیم که پیش از اینکه در جزئیات این پروگرام مذاکره بشود می بایستی که شاه رسماً قبول تصایح ما را اظهار بدارد.

در این بین خبر ورود قشون روس به سر حد آذربایجان در طهران منتشر گردید. تقیزاده و انجمن تبریز این مطلب را برای افتتاح مذاکرات با شاه دستاویز نموده و نتیجه این شد که در ۲۵ ماه اذن هنار که جنگ برای مدت غیرمعینه داده شد و همچنین عفو عمومی و اذن آذوقه به شهر آوردن در ۲۶ ماه به تمام تبریز داده شد.

مجلس هیئت وزراء بعلاوه چند نفر از مستشاران مستبد غیررسمی شاه در ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ ماه منعقد گردید. در این مجلس سعد الدوله سعی هرچه تمامتر بر ضد آراء مستبدین نمود. در یکی از این مجلس، پیشنهاد انتشار قانون انتخابات شده بود. این قانون در تواہ بر

گذشته نزدیک به انتشار بود. در آن موقع یک نمایش جعلی بر ضد ملتیان در باع شاه به دست درباریان بعمل آمد. این نمایش را شاه سبب قرار داده و انتشار قانون را توقیف نمود. ولی حالا شاه می‌خواست همان قانون ناقص را منتشر نماید و بواسطه انتشار این قانون از اجراء نمودن پروگرام ما امتناع کند.

همکار روس من و من بتوسط سعدالدوله اعلیحضرت شاه را مطلع ساختیم که این اقدام بر ضد پروگرام ما خواهد بود و بهیچوجه بجهودی به اوضاع نخواهد بخشید و اصرار نمودیم که جواب قطعی به اظهارات ما بدهد.

در ۲۵ ماه سفارتین اطلاع حاصل نمودند که شاه صدراعظم و امیربهادر را معزول کرده و عمومی خودش نایب‌السلطنه را به صدارت و وزارت جنگ منصوب نموده است. نایب‌السلطنه یکی از مستبدین سخت نمره اول است و اگر چه تازگی جزء وزراء تبوده است لیکن نفوذ تامی مثل امیر بهادر جنگ داشته است.

بعد از تبادل افکار با همکار روس خودم متفق شدم که کتاباً شاه را بتوسط سعدالدوله مطلع بسازیم که نایب‌السلطنه در کابینه بکلی پذیرفته نخواهد شد. ما باز برای جواب اصرار نمودیم و به شاه یادآوری نمودیم که اگر تا دوم ماه جواب به ما نرسد در خواست ملاقات دیگر خواهیم نمود.

صبح زود روز بعد ما اطلاع حاصل نمودیم که سعدالدوله را معزول نموده‌اند. زیرا که معلوم بود این اقدام بواسطه ایستادگی است که سعدالدوله در این چند روزه برای قبولاندن نصایح ما به شاه کرده است و همچنین انتخاب نایب‌السلطنه و عزل سعدالدوله مثل این بود که در واقع اظهارات دولتین همکاری مفسخره واقع شده باشد. ما مصمم شدیم که پرتسن سختی نموده و مترجمین سفارتین را به باع شاه بفرستیم که اگر نایب‌السلطنه را فوراً معزول و سعدالدوله را منصب ننمایند ما به دولتین متبعین خودمان تلگراف خواهیم نمود که این اقدام شاه واضح نشان می‌دهد که آن اعلیحضرت رد کرده است نصایح ما را.

لذا یادداشتی است که مسیو چرچیل در خصوص این ملاقات نوشته است. ملاحظه خواهید نمود که ما به شاه بخوبی تصریح نمودیم که دولتین نمی‌خواهند نصایح خودشان را چبراً به آن اعلیحضرت بقبولانند. شاه آزاد است از قبول یا رد نصایح ما لیکن وجود سعدالدوله برای هر کابینه فعالی لازم است و بهاین جهت اگر عزل او باقی بماند نشان می‌دهد که اعلیحضرت شاه رد نموده است یک قسم عمدۀ پروگرام ما را.

آنچه که در این ملاقات رخ داده است بطور وضوح معلوم می‌نماید که اثر کافی بخشیده است بجهت اینکه صبح بعد نایب‌السلطنه مسیو چرچیل را احضار نمود بعلاوه اینکه نایب‌السلطنه پرتسن نمود از اینکه او را مستبد خوانده‌اند.

مسیو چرچیل را مطمئن نمود که نظر به ضدیت سفارتین او داخل کابینه نخواهد شد. در ۴ ماه، ما را مطلع ساختند که همایون وزارت امور خارجه عجالتاً کفیل امور آن وزارت خانه خواهد بود.

یکی دو ساعت بعد مراسله‌ای به سفارت رسید که در آن مراسله معاون وزارت خارجه

اطلاع می‌داد که شاه نصایح ما را قبول نموده ولیکن لازم است توضیحاتی در بعضی از نکات از طرف نمایندگان دولتین به نمایندگانی که از طرف شاه انتخاب خواهند شد در یاک مجلسی بدهند.

ما در جواب این هراسله درخواست موقع معینی برای این مجلس نمودیم.

در این بین با وجود اینکه شاه رسمًا قبول نصایح ما را اعلام نموده بود امیر بهادر که از وزارت جنگ معزول شده بود باز در باغ شاه حاضر بود و ریاست گارد شخص شاه را می‌کرد. نایب‌السلطنه هم که در خصوص او ما پرست سخت نموده بودیم باز به ریاست هیئت وزراء و وزارت جنگ باقی بود.

امروز که روز عید شاه است، شاه اقدام صحیحی نموده و فرمانی صادر کرده بود که در آن فرمان قول برقراری مشروطیت را می‌داد.

فرمان هزبور تشریح می‌نماید که آسایش عموم در مشروطیت است و مشروطه بهترین طریقی برای آسایش مردم و اصلاحات ادارات دولتی خواهد بود و وقت را معین می‌نماید برای انتخابات بمحض قانون انتخابات چدید که بزودی منتشر خواهد گردید. تجربیات گذشته انسان را مشکوک می‌نماید از صمیمه‌یت عقیده شاه، لیکن فرمان همینقدر خوب است که چیزی بر ضد پروگرام رفورمی که دولتین پیشنهاد نموده‌اند متنضم نیست.

(امضاء بارکلی)

ضمیمه نمره ۴۵

یادداشت مسیو چرچیل

در ساعت ۷ بعد از ظهر مسیو بارانوسکی و من شاه را ملاقات نمودیم و همکار روس من ناطق بود:

ما عندر می‌خواهیم از اینکه اعلیحضرت شما را به این وقت تنگ زحمت می‌دهیم. لیکن ما مأموریم که از طرف سفیر انگلیس و شارژ دافر روس به اعلیحضرت شما اطلاع بدهیم که اگر شما فوراً نایب‌السلطنه را معزول و سعدالدوله را به جای خودش نگمارید نمایندگان دولتین مجبور خواهند شد که فردا به دولت متبعه خودشان تلگراف نمایند که اعلیحضرت شما اقدامی نموده‌اید که بطور وضوح نشان می‌دهد که اعلیحضرت شما هیچ قصد عمل نمودن به نصایح دوستانه دولتین ندارید.

اعلیحضرت شاه گفتند به چه دلیل همچو اقدامی خواهید نمود درصورتی که او قبول نموده است نصایح دوستانه دولتین را و بر طبق آن نصایح هم رفتار کرده است ولی چطور ممکن است که جبراً قبول نماید وزیر امور خارجه را که شخصاً طرف تنفر اوست.

به تمام این سوالات مسیو بارانوسکی جواب داد که دستورالعملی که به ما داده شده است فقط تذکار مطالب فوق است و بهیچوجه ما مأذون نیستیم که بیش از این سوال و جوابی نماییم. شاه خیلی ایستادگی نموده و اظهار داشت که نمایندگان دولتین نمی‌توانند تلگراف نمایند که شاه نصایح دولتین را رد نموده است درصورتی که اظهار رسمی او خلاف این فطلب را نشان می‌دهد.

من (چرچیل) گفتم که مجرای رسمی برای رسائیدن این مطلب به سفارتین بتوسط سعدالدوله وزیر امور خارجه است.

شاه گفت که ممکن است این مطالب را بتوسط شما که به مقام رسمی نزد من آمده اید به سفارتین پیغام داد که من نصایحی را که پیشنهاد شده است قبول کرده و بیشتری از مواد آن را به موقع اجراء گذارده ام. چنانچه مشیرالسلطنه و امیربیهادر را معزول نموده عفو عمومی عطا کرده و مشغول ترتیب قانون هستم لیکن در این پیشنهاد موادی ذکر نشده است که دلیل قبولاندن سعدالدوله بزور به وزارتی باشد. نایبالسلطنه در کاینه نخواهد بود لیکن مصمم شده ام که سعدالدوله را هم داخل ننمایم.

مسیو بارانوسکی گفت که در این صورت فردا نمایندگان دولتین تلگراف مذکور را به دولت متبوعه خودشان خواهند نمود.

شاه گفت که شما تکلیف مالاییطاقی می‌نمایید و ظاهراً چنین معلوم می‌شود که من دیگر سمت شاهی ندارم و شما می‌باشید که صرف نظر از او یا از من بنمایید.

من وقت را غنیمت شمردم گفتم که دولتین بهیچوجه هایل نیستند که امری را به اعلیحضرت شما جبراً بقبولانند و در واقع خیالشان خیلی بر عکس این مطلب است. نصیحت دوستانه به آن اعلیحضرت شده است که در صورت قبول از طرف ما استقرارضی داده خواهد شد، شما آزاد و مختارید که این نصایح را رد نمایید و به رطور که مایل هستید رفتار کنید.

شاه جواب داد که او هیچوقت نصیحت دوستانه دولتین را رد نخواهد نمود و در واقع قبول هم نموده و بموضع اجراء هم خواهد گذاشت. و مطلبی که بر او شاق است وزارت سعدالدوله است و آنهم بواسطه این است که سعدالدوله شخصاً مفرض است و طرف اطمینان نیست.

مسیو بارانوسکی گفت که شما سهو نموده اید بجهت اینکه سعدالدوله فقط شخصی است که می‌تواند پروگرام رفورم ما را بطور مشروطه اجراء بدارد.

من گفتم که انتخاب مستبدی مثل نایبالسلطنه و عزل شخصی مثل سعدالدوله وضوحاً نشان می‌دهد که آن اعلیحضرت بهیچوجه خیال اجراء نمودن نصایح ما را ندارید. اعلیحضرت شما تا به حال اظهار قبول نمودن را نکرده و هیچ یک از مواد پروگرام را کاملاً مجری نداشته اید.

بعد شاه گفت که چه اشخاص طرف اعتماد سفارتین هستند؟

به آن سؤال ما جواب داده ایم که بعد از اینکه اعلیحضرت شما رسمآ به نمایندگان دولتین قبول نمودن نصایح را اعلام نمائید آنوقت داخل جزئیات خواهیم شد.

مسیو بارانوسکی گفت که سفارت روس کراراً به اعلیحضرت شما اظهار نموده است که بهیچوجه راضی به عزل سعدالدوله نیست، با وجود این مطلب شاه استکاف ورزیده است. حالا شاه می‌باید که قبول بکند نصایح ما را و یا اینکه سفارتین فردا تلگراف خواهند نمود که شاه نصایح ما را رد نموده است.

شاه تا دقیقه آخر بر رأی خود ثابت بود. در ساعت هفت و چهل و پنج دقیقه ما از

حضور مرخص شدیم.

(امضا چرچیل منشی اول السنة اوریاتال^۱) طهران

[۱۳۲۷] آوریل ۹ ۱۹۰۹ [۱۲۸۸] ع ۹ - ۲

نمره - ۳۶

کاغذ سر نیکلسن به سر ادوارد گری هورخه ۱۵ مه [۲۵ آردی بهشت] ۲۴ ع ۲ [۲۵ آردی بهشت] ۲۴ ع ۲ از سن پطرزبورغ.

در ملاقاتی که من دیروز از مسیو چریکف نمودم او به من اظهار نمود یموجب خبری که برای او از تبریز رسیده است اوضاع آنجا خوب است. اینچمن مشغول خلیع سلاح نمودن مردم و همچنین مجبور نمودن رولوسیونرهای روسی به تسليم اسلحه خودشان هستند. مسیو چریکف عنوان نمود که خوب است دولت ایران بدون تعویق حکومتی برای آنجا تعین نماید به دلیل اینکه عجالتاً در آنجا هیچکس نیست که مأمورین خارجه بتوانند با او طرف سؤال و جواب بشوند.

من به مسیو چریکف اظهار نمودم که تعليقات به سر بارکلی فرستاده شده است که همراهی با مسیو سابلین نموده از دولت ایران تقاضای تعیین حاکمی برای تبریز بنمایند لیکن البته لازم است که آن حاکم شخصی باشد که از طرف ملتیان پذیرفته بشود. مسیو چریکف موافقت نمود.

(امضاء نیکلسن)

www.adabestanekeave.com

نمره - ۳۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر بارکلی هورخه ۲۴ مه [۳ خرداد؛ ۴ ج ۱] از وزارت خارجه لندن.

مراجعةت ظل السلطان

مالحظه نمایید تلگراف ۲۳ این ماه خودتان را.
اگر به مسیو سابلین هم همینطور اجازه داده شده است شما هی توانید که هوافق پیشنهادی که گردید بودید جواب بدھید.

نمره - ۳۸

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری هورخه ۲۵ مه ۱۹۰۹ [۴ خرداد؛ ۵ ج ۱] ۱۳۲۷ از قلهای.

استقراض [= اقراض] روس به دولت ایران
راجع به تلگراف ۲۳ این ماه من

مثل استقراض سال ۱۹۰۰ و ۱۹۰۲ رهن این صد هزار لیره تمام گمرکات بنادر ایران غیر از بنادر خلیج فارس است و تا اینکه حساب صحیحی از مخارج هر قسطی داده نشود قسط بعد پرداخته تحواهد شد.

یک کمیته‌ای که مستشار مالیه هم سمت عضویت دارد مشغول ترتیب صورت مخارج ضروری هستند. از قراری که فهمیده می‌شود تمام این صد هزار لیره خرج خواهد شد. مخصوصاً در کنترات این استقراض که هنوز هم در تحت نظر دولت ایران است شرط شده است برای هر مخارجی بدوام امضاء سفارت روس می‌باید تحصیل بشود. سفارت مایل است که قسمت عده این پول برای پرداخت حقوق و مرخص نمودن قشون صرف شود لیکن کمیته بعضی مخارج فوری دیگر را پیشنهاد می‌نماید.

نهره - ۳۹

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۹ مه [۸ خرداد؛ ۹ ج ۱] از طهران. از قراری که وزیر امور خارجه به من اطلاع داده است حکومت تبریز به علاوه‌الدوله داده شده است. کاندیدای ملتیان مخبر‌السلطنه است و مخبر‌السلطنه پیش از این اغتشاشات حاکم آنجا بود.

www.adabestanekave.com

نهره - ۴۰

تلگراف سر ادوارد گری به سر لوکار [=سر لوتر] سفیر کبیر انگلیس در اسلام‌بُول مورخه ۲۹ مه ۱۹۰۹ [۸ خرداد ۱۲۸۸؛ ۹ ج ۱ - ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن. شما می‌توانید که بهمراهی همکار روس خودتان دستورالعمل متحده‌مالی در خصوص مذاکره با مجتهدین به ژنرال قنسول‌گری بغداد پفرستید. (ملاحظه نمایید تلگراف ۲۳ این ماه از سن پطرزبورغ [را])

نهره - ۴۱

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۳۱ مه [۱۰ خرداد؛ ۱۱ ج ۱] از قلهک. در تلگراف ۲۹ این ماه تعیین علاوه‌الدوله به حکومت تبریز راپورت داده شد. ملتیان طهران از این مطلب متفرشند به دلیل اینکه او را مستبد فرض می‌نمایند.

ژنرال قنسول اعليحضرتی باز هم مایل به این انتخاب است و خاطرنشان می‌نماید که حاکم تبریز می‌باید شخص با نفوذ با استخوانی باشد و می‌گوید که هیچ دلیلی قیست که این تعیین اسباب تغیر عموم اهالی تبریز نشود هرچند که يك عده اشخاص خودسر هستند

که مایل به یک حاکم مقندری نیستند.

نمره - ۳۲

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۳۱ ماه مه ۱۹۰۹ [۱۰ خرداد؛ ۱۱ ج ۱] از قلهک.

تلگراف ذیل که تاریخ ۳۰ ماه مه را دارد از ژنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم تبریز برای من مخابره گردیده است.

چهار روز قبل نزاعی مابین دو دسته از فدائیها در محله حکم‌آباد روى داد. این نزاع باعث اختشاش گردید.

یک دسته از این فدائیها به ژنرال قنسولگری روس فرار نمودند. دسته دیگر را هم بعد قشون روس توقيف نمودند.

در حینی که قشون روس مشغول این اقدام بودند یک سنگری که در جلو آنها بود خراب و منهدم نمودند.

نتیجه این اقدامات این شد که ستارخان و باقرخان به ژنرال قنسولگری عثمانی رفته متحصن شده‌اند.

نمره - ۳۳

تلگراف سر بار کلی به سر ادوار گری مورخه ۳۱ مه ۱۹۰۹ [۱۰ خرداد؛ ۱۱ ج ۱ - ۱۳۲۷] از قلهک.

ناصرالملک

تلگرافی از شاه به ناصرالملک مخابره شده است که به او ریاست وزراء و وزارت مالیه را پیشنهاد نموده‌اند و از او خواهش کرده‌اند که هر ارجعت به ایران نماید.

نمره - ۳۴

تلگراف سر لوئار [= سر لوئی] به سر ادوارد گری مورخه ۳۱ مه ۱۹۰۹ [۱۰ خرداد؛ ۱۱ ج ۱] از اسلام‌آباد

راجع است به تلگراف ۱۲ مه [۲۲ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲۱ ع ۲۱ - ۱۳۲۷] من مجتهدین

راجع به تلگراف ۲۹ این‌ماه شما افتخار دارم از اینکه راپورت بسدهم من و همکار روس من در خصوص مضمون دستورالعمل متحداًالمال متفق شده و به بغداد فرستادیم.

نمره - ۴۵

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه اول زون ۱۹۰۹ [۱۱ خرداد؛ ۱۲۸۸] ج ۱ - [۱۳۲۷] از قلهاک.

استقراض [= اراض] روس به دولت ایران

مسیو سابلین نسخه‌ای از معاهده راجع به استقراض به دولت روسیه تقدیم نموده است. بعد از تلگراف ۲۵ مه من قدری تغییر و تبدیل که تفاوتی برای دولت ایران ندارد در آن داده شده است.

مثلاً شرطی که این استقراض صد هزار لیره باید به اقساط داده بشود در این ترتیب اخیر نسخ شده است. من گمان می‌کنم که باستانی این ماده احتیاط لازمه شده است که این پول به مصرف غیرلازم فرسد و بعلاوه وزرای متصدی مجبور خواهند بود که بعد حساب کاملی از مخارج را به مجلس ارائه بدهند.

نمره - ۴۶

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۲ زون ۱۹۰۹ [۱۲ خرداد؛ ۱۳ ج ۱] از قلهاک

ناصرالملک

ثانیاً ناصرالملک از پیشنهادی که شاه به او نموده بود و در تلگراف ۳۱ ذکر شد امتناع نموده و متعدد به ناخوشی پرسش شده است.

نمره - ۴۷

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۲ زون ۱۹۰۹ [۱۲ خرداد؛ ۱۳ ج ۱] از قلهاک

تبیر

تلگراف ذیل از قنسولگری اعلیحضرتی مقیم تبریز برای من رسیده است. امشب کاغذی از همکار عثمانی من برای من رسید و در آن کاغذ به من اطلاع می‌داد که حمایت دولت عثمانی به شخص و اموال ستارخان و باقرخان و بعضی اشخاص مهم تبریز که اسمی آنها فرستاده خواهد شد عطا شده است.

نمره - ۳۸

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری ۲ زون ۱۹۰۹ [۱۲ خرداد؛ ۱۳ ج ۱] از قله ک تبریز

تلگراف ذیل هورخه اول زون از طرف ژنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم تبریز مخابره گردیده است:

از طرف بعضی اشخاص اقداماتی شده است که بازارها را بینندن و لی تاکنون بی نتیجه مانده است. آنچه عن اطلاع حاصل نموده ام اشخاصی که با ستارخان و باقرخان همراهی دارند فقط اشخاصی هستند که منافع خودشان را در مداومت اغتشاش می دانند و دور آنها جمع شده اند.

این اشخاص کوشش می نمایند که عموم مردم را بواسطه تهدید با خود همراه نمایند. لیکن میل اکثریت مردم به صلح و خاموشی است.

از چندین نفر اشخاص محترم اینجا به من گفته شده است که در این چند وقت اخیر در تلگرافاتی که از طرف رؤسای ملتیان تبریز به طهران مخابره شده است اسمی آن اشخاص را هم در جزو اعضاء کنندگان بدون اجازه آنها قلمداد نموده اند.

نمره - ۳۹

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری هورخه ۵ زون ۱۹۰۹ [۱۵ خرداد؛ ۱۶ ج ۱] از پطرزبورغ.

اوپاوع تبریز

بموجب خبری که قنسول روس تلگراف نموده است تزاعی هابین دو دسته از ملتیان واقع شده است. از قرار معلوم یک شخصی موسوم به یوسف رئیس دسته بوده است که ابتداء آن دسته شروع به نزاع نموده اند و از قراری که می گویند این شخص مذکور مدتی در آن محله که این واقعه رخ نموده است مردم را تهدید می نموده. دسته ای که بطرف آنها حمله شده بود فرار نموده بطرف خانه نایب الحکومه رفتند. نایب الحکومه قادر به حمایت و پناه دادن نبود. پس از آن به قنسولخانه روس متحصن شدند.

عامورین روس به نایب الحکومه اطلاع دادند که هر وقت اشخاصی را که در توقيف مأ هستند احضار نماید بجهت نایب الحکومه خواهیم فرستاد.

www.adabestanekeave.com

نمره - ۴۰

کاغذ سر بار کلی به سر ادوارد گری هورخه ۱۱ مه ۱۹۰۹ [۲۱ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲۰ ع ۲ - ۱۳۲۷] از طهران.

آقا

در بقیه راپورت اتفاقاتی که بعد از بیشنهاد نصائح دولتبین به شاه (مالحظه نمایید هر اسله

۵ ماه مه را) رخ داده است من افتخار دارم از اینکه راپورت بدhem دستخطی را که در روز عید مولود شاه (۵ مه) صادر شده بود که آن دستخط مبنی به برقراری مشروطه محدود بود. هر چند که در تبریز خوب پذیرفته ولی در سایر نقاط از قبیل اصفهان اثری نیشید بلکه ملتیان آن نقاط اعلان نمودند که به هیچ‌چیز جز به برقراری مشروطه قدیم راضی نخواهند شد. و مخصوصاً در قزوین یکلی بی‌اثر و بی‌نتیجه مانده است بواسطه اینکه همان ایام رولوسيونرها قزوین را تصرف ننمودند.

بعضی از اشخاص که نازگی از قزوین آمدند به این سفارت خبر داده‌اند که محققاً پس از آنکه استعداد رولوسيونرها قزوین کامل شد رو به طهران حرکت خواهند نمود. استعداد هم اتصالاً به آنها متحق می‌شود. پیشراول آنها تا به «کوند» که متزل اول از قزوین به طهران است رسیده است.

استعداد آنها – در پایتخت بطور اغراق شایع است و این مطلب اسباب توهمندی شاه شده است.

یقیناً بواسطه این مطلب و همچنین ترس از اقدامات بختیاریهای متوقف در اصفهان بود که هن و همکار روس من شاه را در مذاکرات خودمان همراه دیدیم.

اشخاصی که کاملاً با اطلاع هستند می‌گویند که عده زیادی از قفقازیها تا نزدیکی طهران هم آمدند. معلوم است که این حکایت خالی از صحت است.

لیکن من مطلع هستم که خیال این اشخاصی که از رشت به قزوین آمدند تغییر ناپذیر است و به نظر من خیلی ممکن می‌آید که به طهران هم بیایند و لو اینکه شاه تمام نصایح ما را بموضع اجراء بگذارد.

ملاقاتی که بنا بود مابین نمایندگان دولتين و نماینده شاه برای توضیحات پروگرام اصلاحات ما واقع شود در هفتم این ماه در این سفارت متعقد گردید. نمایندگان شاه اشخاص ذیل بودند:

کفیل وزارت امور خارجه هُوتمن‌الملک، مستشار‌الدوله، علام‌الملک، حشمت‌الدوله. از تعیین این اشخاص به سمت نمایندگی شاه، امید است که نتایج سودمندی حاصل شود. ما در شروع به مذاکرات لایحه را قرائت نمودیم خطاب به مشار‌السلطنه^۱ کفیل وزارت امور خارجه به این مضمون که اگر سعد‌الدوله را فوراً به وزارت امور خارجه و ناصر‌الملک را به ریاست وزراء و وزارت مالیه برقرار ننماییم به دولتين محقق و معلوم خواهد شد که شاه بکلی نصایح ما را رد کرده است. بعد شروع به مواد پروگرام نمودیم.

اگر چه تذکار جوابهای زیادی که ما به سوالات آنها دادیم اسباب تصدیع است لیکن دو مطلبی که باعث رحمت زیاد شد راجع به عفو عمومی و قول دادن استقراض بود. در مطلب اول ما دچار اشکالات فوق العاده شدیم برای اینکه به نمایندگان شاه یافهمانیم که اشخاصی که بر ضد قوانین معموله از قبیل دزدی و قتل رفتار تهدید‌البته از عفو عمومی مستثنی خواهند بود. بالاخره هوفق شدیم به فهمانیدن این مطلب که مخصوصاً این مطلب عنوان شده است برای اینکه شاه مجبور نیست اشخاصی را که به دستیاری مشروطه مرتکب

جنجه و جنایتی شده‌اند معفو بدارد.

بر خصوص استقراض نمایندگان شاه از این جمله «اگر لازم بدانند» سوء ظن حاصل نمودند و دو سه هرتبه سؤال نمودند که مقصود دولتین از ذکر این جمله چیست.

ما اطمینان دادیم که به دولتین متبوعین خودمان لزوم استقراض را تأکید نموده‌ایم آنها اظهار دلتگی نمودند که باین ترتیب تا چندین ماه دیگر پولی از این صد هزار لیره عاید دولت نخواهد شد بواسطه اینکه هر قدر که دولت سعی نماید نظر به اشکال مسافرت در ایران مدتی طول خواهد کشید تا اینکه مجلس منعقد گردد.

همچنین نمایندگان شاه از لغت گراناتی (ضمان) که در موضوع استقراض آتیه ذکر شده بود اظهار شکایت نموده و خواهش کردند که در عوض لغت گراناتی لغت کنده‌سین (شروط) استعمال شود.

نمایندگان شاه گفتند که مجلس از دادن گراناتی زیاده از حد متغیر خواهد شد. ما به ایشان خاطرنشان نمودیم که در این موقع معمول است که گراناتی داده بشود لکن تغییر لغت فرقی به موضوع اصلی نمی‌کند بعلاوه مجلس اختار است بعد از اینکه اطلاع کامل از گراناتی‌های لازمه حاصل نمود استقراضی را که دولتین پیشنهاد خواهند نمود رد یا قبول نماید.

بیش از اتمام این مجلس من و همکار روس خودم بو صورت از اسامی اشخاصی که به عقیده ما طرف اطمینان بودند برای انتخاب به وزارت و به عضویت کمیسیون قانون انتخابات به نمایندگان شاه دادیم و به ایشان گفتیم که غیر از ناصرالملک و سعدالدوله این اشخاصی که از آنها صورت داده شده است فقط بطور غیررسمی پیشنهاد شده‌اند. نمایندگان جد و جهد زیادی نمودند که ما را راضی نمایند از برداشتن اسم سعدالدوله ولی کوشش آنها بی‌حاصل ماند.

بعد از ختم مذاکرات ما از نمایندگان شاه سؤال نمودیم که آیا ممکن است که آنها از طرف ما به خدمت شاه پیغامی ببرند؟ بعد از اظهار قبول به آنها گفتیم که به شاه اصرار نمایند که در این موقع تنگ و خطرناک خوب است که از طرف شاه فوراً اعلان بشود که آن اعلیحضرت تصایح دولتین را قبول نموده بعضی از مواد آنرا بموقع اجراء گذارد است و اقدامات لازمه برای اجرا نمودن مواد دیگر بعمل خواهد آمد.

روز بعد (۸ مه) برای دفعه آخر شاه سعی نمود که سعدالدوله را به جای خود برقرار ننماید و بتوسط رسولی پیغام فرستاد و به همکار روس من ابلاغ نمود که سفیر انگلیس از بعای سعدالدوله به وزارت صرفنظر نموده است و به خود من (سفیر انگلیس) اطلاع داد که مسئله سعدالدوله چونکه مسئله خصوصی است هایین شاه و نماینده سفارت روس بتوسط مترجم آن سفارت حل خواهد شد. و بالاخره این خدمعه اخیر هم بی‌نتیجه ماند.

بعد از ظهر آن روز کفیل وزارت خارجه را ملاقات نموده به او گفتم که من و مسیو سابلین در شرف فرستادن مراسله متحده‌مالی هستیم که بموجب آن مراسله ساعتی را معین خواهیم نمود که اگر قبل از آن ساعت بعضی از مواد پر و گرام ما اجراء نشود به دولتین متبوعین خودمان راپورت خواهیم داد که شاه تصایح دولتین را قطعاً رد نموده است.

این صحبت ما که یقیناً به شاه مذکوره شده بود اسباب سرعت اقدام به کار شد به دلیل اینکه صبح روز بعد (۹ ماه مه) سعدالدوله را در دربار احضار نمودند و شاه از او خواهش نمود که کابینه‌ای تشکیل داده و اختیارات تامه هم به او داده شد.

عصر آن روز به دیدن سعدالدوله رفتم. فرمانی را که در خصوص برقراری دولت مشروطه نوشته بود و می‌خواست از نظر شاه بگذراند برای من خواند. این فرمان که منضم به فرمان دیگری برای عفو عمومی بود بیش از آنچه از طرف ما پیشنهاد شده بود در آن ذکر شده به دلیل آنکه این فرمان مبنی برقراری مشروطه قدیماً است در صورتی که نمایندگان دولتین مخصوصاً همیشه امتناع از تعیین مشروطه معینی می‌نمودند و فقط قانع به دادن یک مشروطه بودند.

این دو فرمان همان شب به امضای شاه رسید و دیروز منتشر گردید. ترجمه‌های دو فرمان [را] بانضمام ترجمه کاغذ سعدالدوله که در موقع فرستادن این دو فرمان به سفارتین ارسال داشته بود لفأ ارسال داشت.

کابینه‌ای که بموجب نصایح ما تشکیل شده از اینقرار است: **رئيس وزراء و وزیر مالیه ناصرالملک** (تا مدت ورود ناصرالملک امیر نظام کفیل وزارت مالیه خواهد بود).

سعدالدوله	وزیر امور خارجه
فرماننفرما	وزیر داخله
مستوفی‌الممالک	وزیر جنگ
مشیرالدوله	وزیر عدلیه
مؤتمن‌الملک	وزیر علوم
مهندس‌الممالک	وزیر فوائید عامه
مخبرالدوله	وزیر پست و تلگراف
ناورود ناصرالملک سعدالدوله کفیل ریاست وزراء خواهد بود.	ناورود ناصرالملک سعدالدوله کفیل ریاست وزراء خواهد بود.

(اعضاء ژرژ بارکلی)

ضمیمه ۱ در نفره ۴۰

ترجمه کاغذ سعدالدوله به سر ادوارد گری مورخه ۲ ماه مه ۱۹۰۹ [۱۲ اردیبهشت ۱۳۲۷ - ۲] از طهران.

جناب

به‌وجب فرمان اعلیحضرت همایون شاه مشروطه ایران دوباره برقرار شده است و مجلس هم باز خواهد شد - در حین اظهار این مطلب که این اعطای شاهنشاهی دو مدتی دو حسنه مسرت و احترام از طرف ملت و دولت پذیرفته شده است.

من افتخار دارم سوادی از فرمان مذکور به انصمام سوادی از دستخط راجع به دادن عفو عمومی برای جناب شما فرستاده و باین طریق آن‌جناب را دعوت به شرکت در این جشن ملی می‌نمایم.

امیدوارم که چناب شما دولت متبوعه خود را از این مطلب هر چه زودتر ممکن باشد
مطلع خواهید ساخت.

سعادالدوله

ضمیمه ۳ در نفره ۴۰

ترجمه دستخط همایوتوی دورخه ۹ ماه مه ۱۹۰۹ [۱۹۰۹] اردیبهشت ۱۲۸۸ ع ۲ - [۱۳۲۷]

از آن روزی که به خواست خدا ما ولیعهد ایران شدیم همیشه گمان می‌کردیم که خرابی‌هایی که در این مملکت شش هزار ساله که وطن عزیز ما است وجود دارد بدون اتفاق ملت یا دولت ممکن نیست که رفع بشود و ما همیشه در این خیال بودیم تا اینکه ملت ایران ما را به این مقصود کمک نموده و استدعاء مشروطیت از پدر شاهنشاه مرحوم ما نمود.
تلگرافات و کاغذهایی که هن به مرحوم پدر معظم خود فرستاده‌ام چنوز هم موجود است و همراهی ما را با ملت ثابت می‌نماید.

بعد از اعطای مشروطیت وقتی که ما به طهران آمدیم زحمت زیادی کشیدیم تا اینکه پدر مرحوم ما آن را امضاء نمود.

وقتی که ما به تخت نشستیم سعی کاملی برای برقراری مشروطیت و عظمت مجلس شورای ملی نمودیم لیکن تحریکات مفسدین هفاطوری که بر همه معارف است به اندازه‌ای اثر بد به خیال ما بخشید و به اندازه‌ای ما را مأیوس نمود که تصور نمودیم که این حرکات ناگوار مجلس اسباب رفع اشکالات ایران نخواهد بود.

با این جهت ما مصمم شدیم که موافق قانون معمولة تمام ممالک مجلس را منفصل نماییم لیکن در ۱۹ شهر شوال، وقتی که ما می‌خواستیم مجلس را دو هرتبه باز نماییم او ضایع طوری بود که هر شخص عاقلی گمان می‌نمود که نتیجه این اقدام جز خونریزی چیز دیگر نخواهد شد. ما عده‌ی مشغول رفع این وavanع بودیم. حالا که وقت مناسب و اشکالات رفع شده است ما خوشحالیم که بموجب این دستخط حکم به افتتاح مجلس موافق همان مشروطه سابق بدون هیچ تغییری بنماییم.

همچنین ما حکم می‌نماییم که عده‌ای از ملتیان عالم که طرف اعتماد دولت و ملت باشند داخل در شورای مملکتی شده و هر چه زودتر ممکن شود ترتیب قانون انتخابات را بدهند. وقتی که قانون انتخابات حاضر شد انتخابات شروع شده و همینکه دو ثلث و کلاع حاضر شدند مجلس شورای ملی در بهارستان افتتاح خواهد یافت.

در باغ شاه دورخه ۹ ماه مه ۱۹۰۹

(محمد علی شاه قاجار)

ضمیمه ۳ در نمره ۴*

دستخط همایونی که در ۹ ماه مه صادر شده است.

حالاً که ما مصمم شدیم دومرتبه مجلس را باز نماییم به عموم حکام ولایات امر می‌نماییم که تمام اشخاصی که متهم تقصیر پلیتیکی شده‌اند در هر نقطه ایران پاشند بدون استثناء معقوفند و هیچکس حق مزاحمت به آنها ندارد.

همچنین ما حکم می‌نماییم که تمام اشخاصی که نفی بلد شده‌اند آزادند که مراجعت نموده به هر کجا که بخواهند بروند.

بعلاوه ما حکم می‌نماییم که این دستخط در داخله و خارجه اعلان شود.

طهران مورخه ۹ ماه مه ۱۹۰۹ [۱۹ اردیبهشت ۱۲۸۸ ع ۱۸ : ۲ - ۲] [۱۳۲۷] (به خط خود شاه) صحیح است.

نمره - ۴۱

مراسله سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۰ ماه مه ۱۹۰۹ [۳۰ اردیبهشت ۱۲۸۸ ع ۲۹ - ۲ - ۲] از طهران آقا

من افتخار دارم لفآ اجمال وقایعی که در این چهار هفته اخیر روی داده است بطور معمول برای شما بفرستم.

امضاء بار کلی

ضمیمه در نمره ۴۱

طهران

از ۲۴ الی ۲۷ ماه آوریل ۱۹۰۹ [۴ تا ۷ اردیبهشت ۱۲۸۸ : ۳ - ۲ - ۲] مجلس مشاوره برای مذاکرات در پیشنهادهای روس و انگلیس که در ۲۲ آوریل شده بود در باغ شاه منعقد گردید. سعدالدوله در این مجالس جداً رأی می‌داد به قبول کلیه پروگرام و به این جهت اسباب ضدیت اعضاء و عدم رضایت شاه حاصل گردید و نتیجه این شد که در ۲۹ ماه شاه سعدالدوله و کلیه کابینه‌ای را که مشیرالسلطنه و امیر بهادر در آن عضویت داشتند معزول و عمومی خود نایب‌السلطنه را صدراعظم و وزیر جنگ نمود.

در ۳۰ ماه آوریل [۱۰ اردیبهشت؛ ۹ ع ۲] سفارتین انگلیس و روس پرست بر ضد این تعیین نموده و مترجمین سفارتین از شاه ملاقات کرده و جداً طلب بقای سعدالدوله را نمودند.

در اول ماه مه [۱۱ اردیبهشت؛ ۱۰ ع ۲] شاهنشی مخصوص خود حشمتالدوله را تزد سفیر اعلیحضرتی فرستاد. حشمتالدوله اظهار نمود که شاه پروگرام روس و انگلیس را اساساً قبول نموده است. در همین ملاقات طرح جواب رسمی که باید از طرف دولت ایران داده شود نوشته شد. در ۴ ماه مه کفیل وزارت امور خارجه مراسله ذیل را به این سفارت

فرستاد:

من از طرف اعلیحضرت شاه عادونم که به دو نماینده محترم دولتین معمظمه‌تین معلوم بدارم که اعلیحضرت همایونی قبول می‌کنند نصایح دوستانه‌ای را که به ایشان در ملاقات ۲۲ آوریل [۲۲ اردیبهشت ۱۴] ع ۲ داده شده است.»

بعد از آنکه شاه حکم کرد که فرمان راجع به برقراری مشروطیت را در روز عید تولد خود ۵ ماه مه [۱۵ اردیبهشت؛ ۱۴] ع ۲] چاپ و منتشر نمایند، دسته مستبدین درباری سعی نمودند که مثل ترتیب همیشه یک نمایشی بر ضد این اعلان بدهند به اینجهت سفارتین انگلیس و روس یک مراسله سخت متحدالمالکی فرستاده و در آن مراسله اظهار نمودند که شاه شخصاً مسؤول یک همچه اقدامی خواهد بود. نتیجه این مراسله این شد که نمایش مذکوراً بعمل نیاید.

در ۱۱ ماه مه [۲۱ اردیبهشت؛ ۲۰] ع ۲] هیئت سفراء خدمت شاه پذیرفته شدند. در این ملاقات شاه خیلی با سلامت مزاج بمنظیر می‌آمد و زمردهای پر قیمت خود را در روی لباس سفیدی که پوشیده بود زده بود و خیلی قشنگ بمنظیر می‌آمد و مخصوصاً یک نیمات اماس بسیار اعلی را هم به کلاه خود زده بود. بعد سان قشون اردو داده شد لیکن عده کمی از سفراء تا آن وقت ماندند.

سیلاخوریهایی که امیر بهادر جمع نموده است و تا به حال باعث خسارت زیادی شده‌اند آنها هم حضور داشتند اما رئیس آنها نبود.

خبر گرفتن رولوسیون‌های رشت و قزوین که در شب گذشته اتفاق افتاده بود چند ساعت پیش از این ملاقات به شاه رسیده بود. در همان روز پنجم اعلان شاه راجع به برقراری مشروطیت منتشر گردید لیکن فقط چند نمره از آن فرمان به دست مردم رسید و عموم مردم مطلع نشدند.

در ۶ ماه مه [۱۶ اردیبهشت؛ ۱۵] ع ۲] صدنافر ایرانی فراز در تحت فرمانده روسی به کرج رفتند.

کفیل وزارت امور خارجه از طرف شاه نزد سفیر اعلیحضرتی آمده و اظهار نمود که نایب‌السلطنه دیگر صدراعظم نیست.

در ۷ ماه مه نماینده‌گان شاه که عده‌شان شش نفر بود به سفارت اعلیحضرتی برای مذاکره با نماینده‌گان دولتین در جزئیات پروگرام انگلیس و روس آمدند.

روز بعد، ۸ ماه مه، شاه در خصوص عدم ایقای سعدالدوله به سفارتین پیغام فرستاد لیکن در ۹ ماه [۱۹ اردیبهشت؛ ۱۶] ع ۲] بعد از اینکه مشاهده نمود که دیگر مقاومت ممکن نمی‌شود و همچنین نظر به اضطراب فوق العاده‌ای که از حضور قفقازیهای قزوین حاصل کرده بود کابینه ذیل را تشکیل داد:

وزیر امور خارجه و کفیل ریاست وزراء: سعدالدوله

وزیر مالیه و رئیس‌الوزراء (بعد از مراجعت از اروپا): ناصرالملک

وزیر جنگ

وزیر منفرما

مستوفی‌الممالک

وزیر علوم	وزیر عدلیه
مشیرالدوله	وزیر پست و تلگراف
مخبرالدوله	وزیر فوائد عامه
مهندسالممالک	

در دهم ماه مه [۲۰ اردیبهشت؛ ۱۹ ع ۲] اعلانی به اسم شاه چاپ و زیاد منتشر نمودند. این اعلان مشعر بود به برقراری مشروطه سابق و اظهار می‌نمود که قانون انتخابات را فوراً یک کمیته ترتیب خواهد داد و مجلس شورای ملی هم بعد از اینکه دو ثلث و کلاع انتخاب شده و در هر کثر حاضر شدند افتتاح خواهد یافت. در همان موقع اعلان دیگری را هم منتشر نمودند که به موجب آن اعلان عفو عمومی داده شد.

در یازدهم و ۱۲ ماه مه [۲۱ و ۲۲ اردیبهشت؛ ۲۰ و ۲۱ ع ۲] شورای مملکتی برای مذاکرات در قانون انتخابات منعقد گردید. بیست نفر از اعضاء را انتخاب نمودند که تشکیل کمیته‌ای برای ترتیب قانون انتخابات بدھند. در ۱۳ و ۱۴ ماه مه [۲۳ و ۲۴ اردیبهشت؛ ۲۲ و ۲۳ ع ۲] متحصلین که تقریباً ۴ ماه بود در سفارت عثمانی بودند شروع به خارج شدن نمودند و تا ۱۵ ماه مه تقریباً تمام خارج شدند.

در ۱۴ ماه مه کابینه جدید اعلانی منتشر نمود که اشخاصی که بی احترامی به ملتیان یا نمایشی بر ضد مشروطه بدھند سخت مجازات خواهند شد. در ۱۷ ماه آوریل [۲۷ اردیبهشت؛ ۲۶ ع ۲] یک اعلانی بیگر منتشر نمودند و نظم شهر را به عهده بریگاد قزاق و اگذار کردند. در همان روز شاه از باغ شاه به سلطنت آباد حرکت نمود. نظم تا به حال در طهران برقرار بوده است.

www.adabestanekeave.com

تبریز

موجبات ورود قشون را راپورت دادیم. بمجرد اینکه قشون روس نزدیک شهر رسید اردوی دولتی که شهر راه حاصله داشتند متفرق شده و روز ۳۰ ماه آوریل [۱۰ اردیبهشت؛ ۹ ع ۲] اولین دسته قشون روس مرکب از یکصد و هشتاد نفر بدون هیچ حادثه به شهر قدم گذاشتند و دنباله قشون نیز همان روز وارد گشتند. ۳ ماه مه [۱۳ اردیبهشت؛ ۱۲ ع ۲] قشون روس در تبریز بود که ژنرال «اسنارسکی» به مسیو «راتیسلو» [راتیسلا] اظهار داشت که چهار هزار قشون در فرمان من هی باشند. در اول ماه مه پستخانه تعطیل شده شروع به کار نمود و در چهارم مه [۱۴ اردیبهشت؛ ۱۳ ع ۲] خبر رسید که رحیم خان از اطراف تبریز با چپاول زیاد کناره گرفت و اعلان مورخه ۱۰ ماه مه در خصوص استقرار مشروطیت از طرف شاه منتشر و بخوبی از طرف ملت پذیرفته شد.

اگر چه ملتیان هی خواستند شاه برای نگهداری قول خود ضامنی داده و احالی را مطمئن نماید. ولی ژنرال قسولهای روس و انگلیس به احوالی نوید دانند تا هوجبات اصلاح ذات‌البین ملت و دولت را فراهم آرند. بنابراین ملتیان قول دادند برای اسکات عووم به سامان

غرب و نقاط دیگر آذربایجان نماینده قرمناده و اسباب دلگرهی ملتیان را فراهم نمایند و چند روز دیگر به رشت و اصفهان تلگراف کردند تا اهالی راه مسالمت پیش گرفته مخاصمت را ترک و با شاه از در آشتب درآیند. شب ۱۰ ماه ۵۵ در نزدیکی قسولخانه روس تیری چند به قراولهای روس انداخته شد و یک نفر قراول در بازوی خود زخم بدی برداشت. ملتیان مبلغ سه هزار تومان غرامت کشیدند و در ۱۲ ماه مه عین الدوّله با یک عده قزاق ایرانی به طهران مراجعت نمود و لی به قزاقها حکم شد به تبریز مراجعت کرده و انتظام شهر را به عهده گیرند. اجلال‌الملک که یکی از رؤسای آزادیخواهان محسوب می‌شد و سه روز پیش بواسطه تعیین او بسته ڈایپ‌الحکومگی اسباب رضایت اهالی فراهم آمده بود این دستور را داد.

رشت

در این ماه شهر سکونت تمام داشت و بهیج وجه آثار اغتشاش مشهود نمی‌شد، مگر اینکه یک نفر ملای منفور ملت مقتول و گویا این اقدام از طرف ملتیان باشد.

قزوین

شب ۷ ماه مه دسته سواری از ملتیان که عده آنها ۴۵ الی ۲۰۰ نفر بود از رشت به قزوین وارد شدند. ترکیدن چند بمب و خالی شدن چند تیر هوائی کافی بود که قسمت بزرگ قشون ساخلوی قزوین تسليم شوند. ولی مختصر جنگی نزدیک دارالحکومه سر گرفته و غصه روز ۵ ماه مه [۱۵] اردیبهشت؛ [۲۰] شهر تمامًا به تصرف ملتیان درآمد و انتظام برقرار گردید و از قرار معلوم حاکم قبل از اینکه دارالحکومه بتصرف ملتیان درآید فرار نموده بود. قسمت دیگر قشون شاه‌سوارهای شاهسون و در تحت ریاست سردار مظفر بودند که پیش از جنگ به زنجان مراجعت کرده و مسافرین عرض راه را تماماً لخت می‌کردند و تفکیهای خود را در بین راه انداخته بودند که ملتیان تصرف کردند.

قاسم آقا که یکی از سرتیپهای قزاق و سابق در بریگاد قزاقخانه بود [و] در ۲۳ ماه ژون، هنگام پمباردهان مجلس بمالحظه پیش‌دستی در نزه دولتیان نام و نشانی پیدا کرده بود بتوسط ملتیان تیرباران شد. در ۱۱ ماه مه [۲۱] اردیبهشت؛ [۲۰] سپه‌دار از رشت وارد گشت و در همان روز نیز استعداد رشت رسید و از قرار معلوم قشون ملتیان در قزوین هزار نفر بودند. هر چند مخابره تلگرافی قزوین و رشت چند روزه مقطوع می‌باشد ولی مسافرین و هال التجاره رشت و طهران بدون مانع سالمًا عبور نموده و پست و کاروان مرتبه وارد می‌شوند.

مشهد

حادثه این ماه ورود قشون روس است. در ۲۶ آوریل [۶] اردیبهشت؛ [۵] ع ۴ صاحب‌منصب و ۷۵ نفر قزاق و دو عراده توپ شنیدر با یک عراده توپ ماکسیم و ۳۵ نفر سرباز وارد شدند. هنگام ورود قشون عده‌ای سرباز ایرانی صفت کشیده و استقبال نمودند.

نیرالدوله، حاکم رسمی، در نیشابور رحل اقامت گستردۀ و از ترس قدم پسۀ مشهد نمی‌گذارد. نیرالدوله معزول و رکن‌الدوله را دوباره به سمت حکومت برقرار نمودند. ولی هنوز از تهران حرکت نکرده است. دسته‌ای از رولوسيونرها که در اواسط ماه آوریل از استرایاد حرکت نموده بودند در نزدیکی میاندشت سیم تلگراف را قطع نموده و یک نفر تلگرافچی ایرانی را نیز کشتدند و باز دومرتبه سیم را در نزدیکی سبزوار قطع نموده پس از چپاول سه رأس اسب از جانه عمومی خارج شده بطرف قوچان رفته‌اند.

تریت حیدری

سالارخان مشغول حکومت تربت است. هزار تومان مالیات و مقداری اسلحه از اشخاص متنفر قد جمع آوری کرده. در چهارم آوریل [۱۵ فروردین؛ ۱۳ ع ۱] سالارمعززحاکم سابق در (سابوخ) از یاور اسدالله شکست خورده و فرار نمود.

سیستان

از قرار معلوم انجمن ایالتی مشهد به علمای بزرگ سیستان دستورالعمل داده که ممانعت از پرداخت مالیات نمایند. هلا عهدی و نایب‌الحکومه هر دو جواب مساعد داده و اظهار همراهی نموده‌اند که بقدر قوه ممانعت از تحصیل مالیات خواهند نمود. به کارگزاری سیستان اخطار شده که من بعد دستورالعمل خود را از کارگزاری مشهد که از طرف ملت انتخاب شده تحصیل نماید.

بیزد

اوپاع حالیۀ اطراف و طرق و شوارع ابدآ آثار بیهودی نشان نمی‌دهد. دستجات دزدها مشغول چپاول و اهالی در معرض قطاول‌اند. از قرار انتشارات مخصوصاً یکدسته در رفسنجان ۱۶ پارچه ده را بعلوه عده‌ای از کاروان غارت کرده‌اند. این دسته در نزدیکی خوش‌کوه به یک دسته کاروان بزرگی حمله برده که در آن هنگام دو نفر از اجزاء تلگرافخانه کمپانی انگلیس در کاروانسرا بودند و سالماً به رفسنجان برگشته‌اند. از قرار علوم دزدها ۰۰۴ شتر بسرقت برده‌اند.

کرمانشاهان

از قرار راپورت، در اواخر ماه آوریل ایل سنجابی و گوران مشغول جنگ بودند که خبر ورود قشون روس و استعداد بحری انگلیس به بوشهر تولید هیجان بزرگی نمود که کاپیتن «هونر» و همقطار روس او متفقاً توضیح اسیاب ورود قشون را نمودند. خبر استقرار مشروطیت کد در ۴ ماه ۵۵ [۱۴ اردیبهشت؛ ۱۳ ع ۲] انتشار یافت حکم شدیک شب شهر را آئین بسته و بازارها را چراغان نمایند. ولی هردم از شدت ذوق و اصرار تا سه شب چراغان نمودند.

همدان

در ۱۵ ماه مه [۲۵ اردیبهشت؛ ۲۴ ع ۲۴] از همدان را پورت تلگرافی رسید که سپهبدار دستور العمل به آزادیخواهان همدان فرستاده تا آنها هم مثل سایر نقاط از شاه خواهش نمایند. بنابراین و نظر به اعزام عده سواری اهالی بیرقهای ملی را در بالای خانه‌های خود نصب و اظهار شادمانی نمودند.

شیراز

در اوایل ماه آوریل، انجمن ایالتی دو اقدام مهم نمود: نصرالدوله را با ۲۰۰ نفر پیاده و یک عراده توپ برای اسکات و جلوگیری از چیاول اثبات غله‌ها به نیریز فرستاد و بموجب حکم علیحده مشارالیه را به ریاست ایل خمسه گماشت. اقدام ثانوی بمالحظه قحطی و کمبایی آذوقه بود که بی‌اندازه باعث تولید اشکال می‌شد. بنابراین، بموجب رأی کمیته ۱۶ نفری، رأی داده شد کسانی که گندم انبار کرده‌اند مجبورند از قرار هنی یک قران به خبازها بخروشند.

www.adabestanekeave.com

بندر لنگه

وقتی که اخبار انقراض حکومت مأمورین شاه از بوشهر به لنگه رسید، در ۲۵ ماه مارس [۵ فروردین ۱۲۸۸؛ ۳ ع ۱ - ۱۳۲۷] اهالی لنگه اعم‌از شیعه و سنتی مصمم شدند که همچو اقدامی نیز در لنگه کرده باشند. این بود که عموماً بنزد شیخ شبر که یکی از بزرگان و ملاهای بانفوذ آنجا است رفته و به دستیاری او نزد نایب‌الحکومه رفته و تسليم آن را در خواست نمودند. نایب‌الحکومه بواسطه نداشتن استعداد مجبور از تسليم بود ولی دو مرتبه از طرف هلتیان به نایب‌الحکومگی برقرار گردید.

رئیس گمرک که یک نفر ارمنی بود به آن نیز اخطار شد تا تسليم شود ولیکن مشارالیه از بیم جان به قنسولخانه روس پناهند و متحصن گردید تا در پنجم ماه آوریل بتوسط نایب‌الحکومه از طرف ملت تحصیل امتیت نمود و از قنسولخانه خارج و در تحت نظارت ملت به سر کار خود رفت.

شیعه و سنتی از قرس اینکه مبادا احوال خود را در معرض تاراج دزدان داخلی گذارند در بیرون شهر سنگریندی کرده راه لار و بندر عیاس را مسدود نمودند. اهالی بندر لنگه از مشاهده اوضاع کنونی که به دستیاری هلتیان تظاهر می‌نماید اظهار ناامنی و ناراحتی می‌نمایند ولی از قرس اینکه مبادا اظهار تصرف باعث شود در معرض تاخت و تاز اشرار لار و ایلات دیگر واقع بشوند مجبوراً ایام خود را در سکونت می‌گذرانند. و بهمین ملاحظه خیلی مایلند که کشتیهای جنگی انگلیس بنادر را اشغال نمایند.

محمره

در ۳۷ ماه مارس سردار ارفع با کارگزار به گمرکخانه آمده و به مقتضی کل گمرکات اخطار نمودند برای اینکه مبادا از طرف ملت اقدامی در خصوص جمع‌آوری گمرکات بشود

لازم است که مأمورین قبله عایدات گمرک را در خود گمرکخانه ضبط نمایند. هفتیش کل این مسئله را قبول نموده و اظهار داشت بنابراین باید همیشه کشتی «مظفری» را در محمره نگاهدارند.

ضمیمه اتفاقات

فارس

خبر تازه این است که نصرالدوله با تفاق علیقلی‌خان لار را تصرف کردند و سید جعفر را محبوس و از قرار معلوم سید ابوالحسن را نیز دستگیر نمودند. صد نفر لاری در بندر عیاس به قنسولخانه انگلیس پناهنده شده و درخواست می‌نمایند که قنسولگری اقدامات لازمه نموده و نگذارد نصرالدوله لار را تصرف نماید ولی همان روز ۱۳ مه متحصلین از قنسولخانه خارج شدند و به آنها قول داده شد که مطالب را به طهران تلگراف نمایند.

بمجرد اینکه خبر فتح نصرالدوله به شیراز رسید حاجی علی آقا که یکی از علمای بزرگ شیراز است به قنسولخانه انگلیس پناهنده شد. از قراری که مشارکه اظهار می‌دارد سید ابوالحسن کشته شده و این اتفاق بعد از اعلان عفو عمومی است و احتمال دارد سایرین نیز مثل سید ابوالحسن کشته گردند.

در ۱۵ ماه مه [۲۵ اردیبهشت؛ ۲۴ ع ۲] ۸ نفر از رؤسای ملتیان به قنسولخانه متحصن شدند و جمعیت زیاد هم دور قنسولخانه را احاطه کردند و بازارها عموماً بسته است حاکم و قوام این مسئله را تکذیب کرده و اظهار می‌دارند که سید ابوالحسن سلامت است و بعد از دادن اطمینان متحصلین و حاجی علی آقا همان شب از قنسولخانه خارج شدند و جمعیت نیز متفرق گردیدند و تا ۱۷ ماه مه بازارها بسته بود. «مستر بیل» گمان می‌کند که ورود نصرالدوله به شیراز باعث هیجان بزرگی خواهد شد. دستور العمل لازمه به مستر بیل داده شده تا لزوم اتفاق تمام دستیجات را برای اصلاح و جلوگیری از اغتشاش به اذهان عموم القاء نماید.

نمره - ۴۳

کاغذ سر یار کلی به سر ادوارد گری هورخه ۳۰ ماه مه [۳۰ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲۹ ع ۲] از طهران

پس از مراسله آخری من در خصوص اوضاع تبریز، احوال آن شهر بکلی تغییر پذیرفته است. جنگ موقوف و شهر در تصرف قشون روس موقتاً مشغول اسکات سایر نقاط اند و مقدمات اصلاح را فراهم می‌آورند. حواله که باعث ورود قشون بود اگر بخواهم اجمالاً راپورت یدهم شاید خوشایند نباشد ولی ورود قشون روس علاوه از اینکه موجب تأمین اتباع خارجه گردید که مقصد عمدی بود اتفاقاً اهالی تبریز را از پلای تسليم به قشون شاه نجات داد و همچنین اسباب و وسائل نمایندگان دولتی را فراهم آورد چرا که اقدامات

نمایندگان در خصوص استقرار مشروطیت بی نتیجه نماند. البته فراهوش نمی شود که در کاغذ آخری خود نوشته بودم آذوقه شهر پکلی تمام شده و بهمین ملاحظه نمایندگان دول خارجہ از شاه درخواست نمودند که برای اتباع خارجہ حمل آذوقه شود. تعجب آنکه شاه در جواب اظهار داشته است اتباع خارجہ در عوض آنکه تقاضای حمل آذوقه می نمایند خوب است از شهر خارج بشوند. حقیقتاً این جواب مضحکی است چونکه همه می دانند ملتیان ابدآ راضی نخواهند شد که اتباع خارجہ از شهر بیرون بروند چرا که اتباع خارجہ در پیشگاه ملت بمنزلة وثیقهای است که اهالی را نوید سلامتی می بخشند. در ۱۹ این ماه مسئله امنیت اتباع خارجہ اهمیت پیدا کرده است. از قرار خبری که ژنرال قنسولگریها برای سفارتین فرستاده اند نقشه حمله به قنسولگریها و منازل اتباع خارجہ کشیده شده و باین وسیله اهالی امیدوارند که قشون روس داخل شده و جاوگیری از تعدیات قشون شاه نمایند. همچنین گمان می شد خطر بزرگی اتباع خارجہ را استقبال نماید و اهالی قحدادیده به خانه های اتباع خارجہ که بسبتاً دارای آذوقه بوده حمله برد و تاراج نمایند. من و همکار روس من، اگر چه هر روزه منتظر دستور العمل بودیم تا شاه را نصیحت نماییم بلکه بواسطه آن دستور گشایشی برای نقاط محصوره تحصیل بشود، با وجود این نظر به پیشامدهای خطرناک انتظار را مهلاک دیده اضطراراً درخواست ملاقات نمودیم.

در ۳۰ این ماه [۲۹ ع ۲] برای محافظت هموطنان خودمان در تبریز و حمل آذوقه به آن شهر قحط خورده با شاه ملاقات نمودیم. چنانچه در تلگراف هورخه ۲۰ آوریل راپورت داده شد در این ملاقات موقیت حاصل نمودیم و شاه قول داد تا مدت ۶ روز جنگ را هتروک نمایند تا آذوقه کافی به شهر وارد شود و قرار شد به سردارها حکم هتار که بدنهند.

پد نیست در اینجا یادآوری نمایم که در روز پیش سفیر کبیر انگلیس در سن پطرزبورغ از وزیر خارجہ روس استفسار نموده بود که آیا ممکن است دولت روسیه یک عدد قلیلی قزاق یه تبریز بفرستد تا قنسولها یا اتباع خارجہ را که دایلند از شهر خارج بشوند آنها را به سر حد برسانند.

در ۳۰ ماه سر نیکلسن به دولت اعلیحضرتی انگلیس راپورت داد که دولت روسیه مصمم شده برای حمایت قنسولگریها و اتباع خارجہ به تبریز استعداد اعزام دارد، بلکه راه حمل آذوقه را آسان کرده و اگر اتباع خارجہ بخواهند از شهر خارج بشوند آنها را به سر حد برسانند.

دولت اعلیحضرتی تمجیدات شایان و اظهار رضایت از اقدامات دولت روسیه می نماید که می خواهد سلامتی اتباع خارجہ را به عهده گیرد. هتار که شاه اگر چه اعزام قشون را خالی از اهمیت می نمود ولی نظر به اتفاقاتی که اساس آنها ابدآ معلوم نشد سردارهای شاهی در خصوص هتار که حکمی نداشتند و سهولتی نیز برای حمل آذوقه تحصیل نشد.

دو ژنرال قنسولها بعد از آنکه از هتار که جنگ اطلاع یافتند به ملتیان اصرار نمودند تا دعوا را موقوف بدارند. نظر به این که سردارهای شاهی به اختصار هتار که اعتنا نکردند قهرآ همچنان نمایندگان دول خارجہ را در نظر عموم ملت متزلزل ساخت و اوضاع هدھش

و هولناکتر از سابق پیش آمد.

بنابراین در ۲۳ ماه دولت روسیه حکم نمود که قشون بطرف تبریز حکومت نماید و به قشون تعییمات لازمه داده شد که از هر نوع دخالت و زد و خورد مابین دو دسته احترام نمایند و همچنین به مشاغل اداری نپردازنند و قرار داده شد که بعد از خاموشی نایرۀ جنگ قشون مراجعت نمایند.

نظر به خطراتی که اتباع خارجه را تهدید می‌کرد و ممکن بود که در آتیه تسولید اشکالات بشود، پس از آنکه اهالی از ورود قشون اطلاع پیدا نمودند مسیو راتیسلو [راتیسلو] و مسیو میلر مصلحت چنان دیدند تا مطلب را مستقلاً به ملت اظهار دارند و این مسئله را پیشنهاد کردند. این بود که بعد از تصویب و تحصیل اجازه به ملتیان اطلاع دادند که ورود قشون نه برای محافظت منافع شاهی است بلکه برای محافظت تبریز و باز نمودن راه جلفاً و حراست اتباع خارجه و داخله از قشون شاه به شهر می‌آیند و اقامه قشون تا مدتی خواهد بود که صلح مابین شاه و ملت انجام گیرد و پا قطع نظر از ملیت کسانی که در این حوادث شرکت نموده‌اند اذیتی نخواهند دید و قشون شاه را هم نخواهند گذاشت که به شهر وارد بشوند.

هر چند که مختصر هیجتی برای ورود قشون روس ظاهر شد ولیکن انجمن و تقیزاده موقع را غنیمت شمرده در شب ۲۴ [۱ خرداد؛ ۳ ج ۲] با شاه مشغول مذاکره شدند. به شاه اصرار کردند تا با رعایای شاه پرست خود صلح نماید و راضی نشود که ایرانیان در نظر اتباع خارجه خوار و نقاط ایران به تصرف اغیار درآید. این اقدام موقیت حاصل نمود و در ۲۵، شاه برای مدت غیرمعین اعلام متارکه داد و حکم کرد که ممانعت از حمل آذوقه تنها نیست. نظر به وعده سابق شاه که بر خلاف آن جنگ را شروع کردند نقطه نظر حراست منافع اتباع خارجه تصویب نمی‌کرد که نماینده‌گان دول خارجه ورود قشون را خالی از اهمیت دیده و نگذارند که قشون روس به ایران وارد بشود. به این دلیل من و همکار روس من عقیده ژنرال قنسولها را تصدیق نمودیم و اعزام قشون را مانع نشدم و در ۲۶ ماه [۵ خرداد ۱۲۸۸؛ ۱ - ۶ ج ۱۳۲۷] مسیو راتیسلو و مسیو میلر کاغذی به انجمن نوشتند و اطمینان کامل در خصوص موقتی بودن اقدامات روس داده و علت اقدامات را نیز توضیح نمودند.

این اقدام در تبریز اثر خوبی بخشید که در ۲۹ این ماه ستارخان به ژنرال قنسولگری اعلیحضرتی آمده و اظهار تشکر نمود چونکه این اقدامات در آتیه امیدبخش بود. در ۳ ماه آوریل قشون در تحت فرمان ژنرال استارسکی وارد شدند. عده قشون تقریباً ۴ هزار نفر می‌باشد. ۲۵۰ نفر از آنها را در یکی دو روز پیش برای حفظ اتباع خارجه بدون هیچ حادثه به شهر وارد نمودند.

ژنرال [جرج] بارگلی

نمره - ۴۳

کاغذ سر بار کلی به سراواردگری هورخه ۲۰ ماه مه [۳۰ اردیبهشت ۱۲۸۸: ۲۹ ع ۲] از طهران

همینطوری که در مراسله ۱۶ ماه آوریل اطلاع داده شد خوانین بختیاری در اصفهان قرار گذاشتند که قشون خود را در ۲۱ ماه گذشته [۱ اردیبهشت: ۳۰ ع ۱] رو به طهران حرکت دهند. سردار اسعد در آن روز به اصفهان وارد نشده بود. نظر به نفاق و مخالفتهاي داخلی خوانین و عدم موافقیت در تحصیل جمع آوری وجوهات، حرکت قشون به تعویق افتاد. سردار اسعد در ششم این ماه وارد اصفهان شد و در ۱۱ در تحت ریاست خوانین سه هزار نفر بختیاری در بیرون اصفهان اردو زند و تاکنون در بیرون شهر متوقفند. صهیام السلطنه توضیح داد که این اقدام برای جلوگیری از اغتشاش شهر است. دوام قشون شاه در خالدآباد که مردم عده آنها را بطور اغراق می گویند و بنا به شهرتی بالغ بر ۸ هزار نفرند و عده های شاهانه را نقض و تکذیب می نماید. هر چند که انجمن تبریز به اصفهان تلگراف نموده تا هواعیدشاه را بپذیرند، لیکن هنوز معلوم نیست که خوانین راضی به این وعده ها شده باشند.

از وزیر خارجه اطلاع تحصیل نمودم که قشون دولتی خالدآباد از بی پولی و بی آنوقگی در این چند روزه [شاید] به کاشان مراجعت ننمایند. بواسطه وجود بختیاری در اصفهان اغتشاش و دزدی و سعتی خارج از اندازه پیدا کرده و اوضاع شهر و اطراف و راهها بسیار خراب است. وجود ایل کوهکلویه [= کهگیلویه] در راه اصفهان و شیراز و نامنی ولایات تجارت را بکلی معدوم نموده است.

بار کلی

www.adabestanekave.com

نمره - ۴۴

کاغذ سر بار کلی به سراواردگری هورخه ۲۰ ماه مه [۳۰ اردیبهشت ۱۲۸۸: ۲۹ ع ۲] از طهران

افتخار دارم از اینکه در ضمیمه مراسله ۲۲ ماه گذشته راپورت بدhem از اینکه اوضاع بوشهر از ماه گذشته کمی تغییر نموده و بواسطه استعداد بحری کشتی «فاس» نظم بطور خوبی برقرار شده است. در دهم این ماه دریابیگی حاکم جدید وارد و بطور شایسته پانیرفته گردید.

وقتاً قرار خوبی برای نگاهداری وجوهات گمرکی گذاشته شد. در موقعی که رسماً خروج استعداد بحری را به دولت ایران اعلام خواهم نمود شفاهان نیز اظهار خواهم کرد که اگر طلب بانک شاهنشاهی و اقساط آن خرج اول محسوب نشود برای دولت ایران عاقبت وخیمه پیدا خواهد کرد. در همین چند روزه استعداد بحری خارج خواهد شد

و دریابیگی مسؤولیت تمام برای استقرار امنیت و آسایش اتباع خارجه به عهده گرفته است.

بارگلی

نمره - ۴۵

کاغذ سر بارگلی به سر ادوارد گری هورخه ۲۰ ماه مه ۱۹۰۹ [۳۰ اردیبهشت ۱۲۸۸] ع ۲ - ۱۳۶۷ از طهران.

از اوضاع حالية طهران می توان تصدیق کرد و امیدوار شد که در بین شاه و ملت استحکام مشروطیت اساس صلح را تشکیل خواهد داد. شاه ظاهراً برای رفع غائله اختیارات تامه به وزراء داده است. البته خوب است که شاه در این مقصود طریق مسالمت را مداومت نماید.

نظر به تصیحت سعدالدوله، در ۱۸ این ماه از پایتخت خارج شد و در سلطنت آباد به عمارت تابستانی خود رفت.

تا به حال وزراء خوب از عهده اوضاع برآمدند و بطور خیرخواهی تقاضاهای ملت را گوش می نمایند.

در ابتدا یک اندازه مشکل بود که تقاضاهای دیگر ملتیان معلوم بشود چونکه راه مذاکره هایین هر اکثر ملتیان مسدود بود ولیکن کمیته‌ای که از رؤسائے در طهران تشکیل شده و وزراء هم آن کمیته را برسمیت شناخته‌اند امید است که این کمیته پس از چندی از طرف عموم ملت مطالب خود را به وزراء القاء نمایند. تا کنون صورتی از تقاضاهای ملتیان به شاه پیشنهاد شده و آن تقاضاهای تصویب سپهبدار و اهالی تبریز هم رسیده است و آن صورت از این قرار است.

اولاً، بیرون نمودن مفسدین مخصوصاً امیر بهادر جنگ و مفاحر الملک. امیر بهادر هنوز پیش شاه است هر چند که ما اصرار به خارج نمودن آن [او] نموده‌ایم ولی سعدالدوله به ما گفت لازم است بیش از این فشار نیاورده و بیطرفالله منتظر حوادث باشیم به دلیل اینکه خارج شدن این اشخاص داخل پروگرام رفورم ما نیست و همچنان نفوذ ایشان به اندازه‌ای کاسته است. مفاحر الملک نایب الحکومه طهران [بود] و تصور می‌کنند که او باعث قتل چند نفر از بستیه‌ای شاهزاده عبدالعظیم شده است. من و همکار روس من اصرار زیاد به عزل آن [او] نمودیم و معزول شد لیکن هنوز در دربار است.

دوم، از ارادل طهران خلع سلاح نمایند. فرماتی صادر شده است تا حمل اسلحه را بدون اجازه منع نمایند. و اشخاصی را که تیر هوائی می‌اندازند مجازات کنند و آن فرمان نظم شهر را به عهده بریگاد قزاق واگذار کرده و باین سبب امید است که اجراء نمایند.

سوم، شاه قول صریح بدهد که مشروطه اولی دو مرتبه داده شود به انصمام ۱۷۰ ماده قانون که در ۱۹۰۷ به عنوان هتمم منضم شده است.

فرمان ۹ این هاه این مسئله را درست توضیح نمی‌داد، لذا شاه اظهار نمود که به آن فرمان تغییر بدهند که معنای کلیه مشروطه اولیه را دارا باشد لیکن ملتیان فرمان علیحده را در این خصوص تقاضا نمایند و یاک همچو فرمائی از طرف سعدالدوله به شاه پیشتهاد شده است.

چهارم، دیگر قشون به پایتخت وارد نکنند.

استقراری که عنقریب روسها خواهند داد باید برای خلع سلاح قشون صرف بشود و بعد از پرداخت حقوق قشون غیر لازم را مرضی نمایند.

پنجم، تلگرافات ساتسور نداشته باشند.

در ابتدا ملتیان پایتخت نمی‌توانستند تلگرافات خود را مطمئناً به نقاط دیگر مخابره نمایند حالا در این خصوص اطمینان تحصیل کرده‌اند و می‌توانند با نقاط دیگر مخابره نمایند.

ششم، شاه سعی نماید که قشون روس شمال ایران را تخلیه کند.

بواسطه ورود قشون بی‌شبیه تقریباً زیادی در بین ملتیان تولید شده و همیشه در نظر دارند که آمدن قشون روس اسباب خوشوقتی شاه شده است. گویا فراموش نموده‌اند که قشون روس در تبریز به فریاد آنها رسید.

همین‌طور که ۱۵ این ماه تلگراف نموده‌ام سعدالدوله گمان می‌نماید که اگر یک عدد زیادی از قشون خارج بشوند اسباب رضایت خاطر اهالی خواهد شد.

من مسئله را به همکار روس خود اظهار نمودم، جواب داد که سعدالدوله در این خصوص با من مذاکره ننموده است.

هفتم، از استقرار مشروطیت علماء کربلا و نجف را مستحضر سازند. از قراری که من اطلاع نارم شاه مستقیماً اطلاع داده است.

هشتم، آزاد نمودن اشخاصی که در تفلیس گرفتار و محبوسنند.

این مطلب را من به همکار روس خود اظهار داشتم و او عدم اطلاع خود را از این قضیه اظهار نمود و تلگرافی در این خصوص به فرانقرهای قفقاز مخابره نموده است. نهم، به متخصصین اطمینان امانتیت بدهند که مشغول ترتیب قانون انتخابات باشند. این ماده بعد از عفو عمومی لغو شد.

دهم، بعداز انجام این مطالب در طهران و ولایات چراغانی نمایند.

تمام این مطالب باستانی حضور امیر بهادر در دربار از حوزه تصایع ما خارج است. من و همکار روس هن به این مطالب همراهی نکردیم. جوابی که وزراء داده‌اند به اصرار ما نبوده است و فقط بواسطه هیل وزراء است که اصلاحی در امورات بشود. من و همکار روس من بعداز انتشار فرمان، دهم این ماه از طرف شاه در ولایات تعليمات لازمه به قنسولخانه‌های خود داده‌ایم که به ملتیان اصرار نمایند بعد از آنکه شاه تقاضاها را قبول نمود نبایست مخالفت ورزند بلکه لازم است اسباب صلح دولت و ملت را فراهم نمایند. علاوه به ملتیان طهران نیز همین اصرار را کرده‌ایم و همین‌طور به سعدالدوله گفتیم بهتر آنست دولت کمیته ملتیان را که در طهران از رؤسائ تشکیل شده رسماً شناخته و بتوسط

ایشان با سایر نقاط مشغول مذاکره بشود.

هدکار روس من عخصوصاً نفوذ خود را به سپهبدار بکار برد و لی بدختانه سپهبدار در دست ۱۰۰ نفر فرقه‌گزاری که همراه دارد گرفتار است.

خیلی اسباب خوشوقتی است که تقاضاهای سابق از طرف ملتیان قزوین نیز تصدیق و اهضا شد. از قرار علوم ملتیان قزوین آنقدر لجوج نیستند که در بد و نظر متصرور بود. گویا سپهبدار تلگرافاً [= تلگرافی] تقاضا نموده که سریعاً این مقاصد را انجام پدهند لیکن علوم است اشخاص کاری در عیان آنها موجود است بنابراین گمان می‌شود اگرینای زدوخوره باشد آثار غریبی از خود در قشون شاه یادگار خواهند گذاشت. فراق که قشون مرتب است عدهٔ صحیحی ندارند و تا وقتی که ملتیان قزوین راضی نشوند اوضاع اصلاح نخواهد شد.

بارکلی

نمره - ۴۶

مراسله سر نیکلسن سفیر کبیر انگلیس مقیم پطرزبورغ به سر ادوارد گری. هورخه ۲۵ ۱۹۰۹ [۴ خرداد ۱۲۸۸؛ ۱۵ ج ۱ - ۱۳۲۷] از پطرزبورغ.

دیروز به مسیو چریکف یادآوری نمودم نظر به سکونت اوضاع بوشهر استعداد بحری که چندی قبل برای حمایت اتباع خارجه وارد شده بود مراجعت نمودند. من اظهار داشتم ظاهراً اوضاع تبریز هم بهبودی حاصل نموده است و گمان می‌کنم دولت روسیه نیز عنقریب صلاح بداند که قشون خود را بالمره خارج و یا عدهٔ زیاد قشون را مراجعت دهد.

مسیو چریکف اظهار داشت که ما منتظر تعیین حکومت می‌باشیم و خیلی هایلیم قشون را خارج تهاییم چونکه توقف آنها در تبریز خسارت فوق العاده به خزانه دولتی وارد می‌آورد مسیو چریکف گفت بعداز آنکه هدت شش هفته بود که از جائی آثار اغتشاش بروز نمی‌نمود و اوضاع سکوت داشت دولت روسیه تلگرافی از ارومیه دریافت کرده مشعر بر اینکه در ارومیه هرج و هرج غریبی تولید شده است. دسته‌ای که بر ضد ملتیان بودند قیام و حاکم را که از طرف ملتیان تعیین شده بود اخراج و حاکم هم فرار نموده است و بعداز فرار اظهار نمود که دو مرتبه به رغم مقدسین مراجعت خواهم کرد.

مسئلۀ قسولگری روس هر کب از شش نفر سرباز هستند و باین دلیل دولت روسیه چنان صلاح می‌داند که یک دستهٔ چهل نفری از تبریز به ارومیه اعزام دارد. البته در هنگام حرکت باید از دریاچه ارومیه عبور کند چون کشتی قابل برای حمل اسبها نیست ناچار سرباز پیاده فرستاده خواهد شد.

نیکلسن

نفره - ۴۷

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری هورخه ۶ ژوئن ۱۹۰۹ [۱۶ خرداد ۱۲۸۸] ج - ۱۳۲۷] از قلهک.

تبریز

تلگراف ذیل را از ژنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم تبریز دریافت نمودم.
حوادث عده که باعث تحصن هردم شد از این قرار است:

در ۲۰ ماه مه [۳۰ اردیبهشت؛ ۲۹ ع ۲] رئیس کمپانی راه شوسه به همکار روس عن اصرار عاجلانه نمود که ستارخان مقدار ۲۲،۰۰۰ روبل خسارت به اموال کمپانی وارد آورده و لازم است که ژنرال قنسولگری اعلیحضرتی ادعای این خسارت را نزد نایب‌الحکومه بفرستد.

مبیو میلر به من اظهار داشت که وجه خسارت را پیشنهاد نموده است. در ۳۶ ماه مه [۵ خرداد؛ ۶ ج ۱] در محله حکم‌آباد نزاعی هابین ستارخان و نایب حسین و نایب یوسف که این هردو از اشرار شهرند واقع شد. یوسف با چند نفر از همراهانش چند تیری به خانه حسین انداختند ولی بدون هیچ حادثه تا بالاخره حسین به خانه نایب‌الحکومه ملتجمی شد و بعد به عنوان تحصن به ژنرال قنسولگری روس پناهندۀ گردید.

همکار روس من از نایب‌الحکومه خواهش نمود تا به این قضیه رسیدگی نماید. نایب‌الحکومه رسیدگی کرد ولیکن اقدام منتج ننمود. بنابراین یک دسته از قشون روس در ۲۹ ماه مه به محل نزاع رفت و برادرش را با ۴ نفر از همراهانش که برخلاف حکم حاکم مسلح بودند دستگیر و بعد دو نفر از آنها را مرخص کردند.

نفره - ۴۸

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری هورخه ۸ ژوئن ۱۹۰۹ [۱۸ خرداد ۱۲۸۸] ج ۱ - ۱۳۲۷] از قلهک.

مشهد

تلگراف ذیل از ژنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم مشهد به من مخابره شده است.
که روز قبل، بعد از آنکه سوء قصدی نسبت به کارگزار شد یکی از رؤسای خدام حرم را در خانه خود کشته. در نزدیکی دو ژنرال قنسولگری تیر زیادی انداختند و یکی دو تیر هم به عمارت خورد. امروز در انجمان یک نفر کشته گردید.

هر چند اوضاع بسیار خطرناک و مهم است ولیکن برای اروپائیها جای ترس و نگرانی نیست.

نمره - ۴۹

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری هورخه ۸ ژوئن ۱۹۰۹ [۱۸ خرداد ۱۲۸۸؛ ۱۹ ج ۱ - ۱۳۲۷] از قلهک.

قزوین

سپهبدار به حکومت هازندران و گیلان تعیین شد و قول داد که بمختص تعیین حکومت قزوین به رشت حرکت نماید.
او ضایع قزوین بهتر شده است و بموجب راپورتی که از خایب سفارت روس رسیده است عده زیادی از رولوسیونها به رشت مراجعت خواهند نمود.

نمره - ۵۰

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری هورخه ۱۱ ژوئن ۱۹۰۹ [۲۱ خرداد ۱۲۸۸؛ ۲۲ ج ۱ - ۱۳۲۷] از قلهک.

او ضایع ارومیه

تلگراف ذیل هورخه ۹ ژوئن [۱۹ خرداد؛ ۲۰ ج ۱] از ژنرال قنسولگری اعلیحضرتی مقیم تبریز مخابره شده است:
از ارومیه هیئتی به تبریز آمده‌اند تا اینکه هوانع آسایش خود را به دولت ایران پیشنهاد نمایند. از قراری که می‌گویند او ضایع ارومیه بواسطه اکراد خیلی خراب است و اهالی مایلند که محتشم‌السلطنه بهمراهی قشون کافی دوباره به حکومت آن سامان منصوب گردد. ولیکن گمان می‌کنم محتشم‌السلطنه این مسئله را قبول ننماید.
من با این هیئت مذاکره نموده‌ام و به آنها گفتم لازم است اندازه‌ای صبر نمایید. بنا به مذاکرات، اهالی می‌خواهند عموماً به ویس قنسولگری روسیه پناهندگی شوند.
همکار روس من اظهار داشت که این هیئت تقاضا نموده‌اند که ۳۰۰ نفر قشون به ارومیه اعزام شود ولیکن همکار روس من معتبر خواسته است.

نمره - ۵۱

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری هورخه ۱۱ ژوئن ۱۹۰۹ [۲۱ خرداد ۱۲۸۸؛ ۲۲ ج ۱ - ۱۳۲۷] از قلهک.

مشهد

راجع به تلگراف هورخه ۱۸ ماه مه [۲۸ اردیبهشت؛ ۲۷ ع ۲] من این تلگراف از ژنرال قنسولگری اعلیحضرتی در مشهد مخابره شده است.
هن و همکار روس من اطمینان داریم که شهر در حالت بحران، و او ضایع دوباره خراب و پریشان است.
ممکن است هر دقیقه صدمات زیاد اتباع خارجه را احاطه نماید و در این موقع هحال

است که حاکم به مشهد قدم بگذارد و مردم در خیالند که معاون حکومت را اعدام نمایند و ابداً آثار بهبودی در اوضاع مشاهده نمی‌شود، بعد از ملاحظات دقیق نظر به حفظ انتظام شهر و حراست اتباع خارجه من پیشنهاد همکار روس خود را در خصوص تکثیر قشون تصدیق نمودم.

حاکم جدید رکن‌الدوله در ۵ ژوئن از طهران حرکت نموده و ما هر چه ممکن بود مردم را وادار کردیم که با ورود او ضدیت نمایند.

نفره - ۵۳

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۲ ژوئن [۲۲ خرداد ۱۲۸۸] ۱ - [۱۳۲۷] از قلهک.

پیشنهاد در خصوص تخفیف قشون تبریز.

این تلگراف از ژنرال قنسول اعلیحضرتی مخابره شده است. از ژنرال قنسول روس اطلاع حاصل نمودم که دیروز با ژنرال استارسکی در خصوص تخفیف قشون صحبت نموده است. ژنرال قنسول می‌گفت که ژنرال استارسکی با هن هم عقیده است و بنا است بداآ توپهای صحرائی و هوتدز را به روسيه مراجعت دهند. چون اردوگاه هوقتی قشون در تابستان دارای حفظ‌الصحده نبود اعلیحضرت شاه، باع خود را موسوم به باع شمال اردوگاه همین نمود و بهمین زودی به آنجا حرکت خواهند کرد.

نفره - ۵۴

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۴ ژوئن [۲۴ خرداد ۱۲۸۸] ۲۵ - ۱ [۱۳۲۷] از طهران.

تلگراف ذیل از بوشهر مخابره شده است:

در این چند هفته اخیر از مجلس تجارتی بوشهر خواهش نموده‌اند که به شما پیشنهاد نمایم که اقدامی در خصوص امنیت راهها بنمایید.

در ۱۲ ژوئن کفیل ژنرال قنسول‌گری روس که در ششم ژوئن با یک نفر قزاق از شیراز حرکت کرده بود به من تلگرافی نموده مشعر بر اینکه در عرض راه چند تیروی به همراهان او شلیک شده و یک اسب قزاق هم گلوه خورده، خود کفیل از خطر بسلامت جسته، اگرچه اسبش رُخدار شده است.

نفره - ۵۵

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۴ ژوئن [۲۴ خرداد ۱۲۸۸] ۲۵ - ۱ [۱۳۲۷] از قلهک.

نظر به فاهمی راههای جنوب راجع به حادثه‌ای که در تلگراف امروزی خود راپورت دادم گمان نمی‌کنم در اوضاع آثار بیهودی ظاهر شود مگر اینکه شاه ظل‌السلطان را به حکومت آن سامان برقرار نماید و یا اینکه یک دسته مستحفظ برای امنیت راهها تشکیل داده و حقوق آنها را مرتب‌بازاند و امنیت را به عهده آنان محول دارند. لیکن در این مسئله همانطوری که مجلس تجارتی بوشهر پیشنهاد نموده اقدام خواهم کرد. در خصوص مراجعت ظل‌السلطان من مذاکره ننمودم لیکن از قرار معلوم در مقابل دعوت دولتی سکوت اختیار کرده و جوابی نداده است.

نفره - ۵۵

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری هورخه ۱۴ زون ۱۹۰۹ [۲۴ خرداد ۱۲۸۸] ۲۵ ج ۱ - [۱۳۲۷] از پطرزبورغ.

تبریز و مشهد

هسیو ایزولسکی اظهار نمود که دولت روسیه مصمم شده است فوراً عده‌ای از قشون تبریز را مراجعت داده و بقیه را نیز متدرجاً برگرداند تا بکلی نقاط تبریز را تخلیه نمایند. دولت روسیه یک دسته قزاق به مشهد و عده دیگر به اردبیل خواهد فرستاد تا از چپاول شاهسون که باعث تحصن مردم به قنسولخانه روس شده است جلوگیری نمایند.

نفره - ۵۶

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری هورخه ۱۷ زون ۱۹۰۹ [۲۷ خرداد ۱۲۸۸] ۲۸ ج ۱ - [۱۳۲۷] از قلهک.

تلگراف ذیل از ژنرال قنسول اعلیحضرتی هقیم اصفهان مخابره شده است: امروز سردار اسعد به بیدن من آمد و اطلاع داد که مصمم شده است با بعضی خوانین دیگر بطرف طهران عزیمت نماید.

سردار اسعد استعداد خود را اظهار نمود ولی از قرار راپورتهای خارج معلوم می‌شود که استعداد سردار اسعد عبارت از ۱۰۰۰ نفر مسلح و یک عراده توپ صحرائی است. مشارالیه اظهار نمود مادام که قشون شاه به او حمله نکنند او جنگ نخواهد کرد. نقشه او هنوز معلوم نیست ولی احتمال دارد که از راه نیزار قم عازم بشود. حرکت سردار اسعد برای این است که وزراء را وادار نماید تا مشروطه را بطور صحیح اجراء نمایند.

نفره - ۵۷

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۹ ژوئن ۱۹۰۹ [۲۹ خرداد ۱۲۸۸] ج ۱ - ۱۳۲۷] از قلهک.

چنانکه در تلگراف ژوئن خود راپورت دادم به دربار دولتی خبر رسیده است که ۱۰۰۰ نفر بختیاری از اصفهان حرکت نمودند. از این خبر دربار و وزراء و کابینه بیاندازه مضربرند. گمان می‌شود که بختیاریها بطرف کاشان خواهند آمد ولیکن در آن نقطه عده‌ای از قشون دولتی موجود است. رئیس قشون امیر مفخم در طهران است و فی‌ترسد که دولت پول ندهد و استعداد کاشان به قشون سردار اسعد ملحق شوند.

نفره - ۵۸

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۹ ژوئن ۱۹۰۹ [۲۹ خرداد ۱۲۸۸] ج ۱ - ۱۳۲۷] از قلهک.

مشهد

تلگراف ذیل به تاریخ ۱۸ ژوئن از نفرال قنسول اعیین‌حضرتی مقیم مشهد مخاطب شده است: در ۱۶ ماه رکن‌الدوله حاکم جدید وارد شد. شهر و تلگرافخانه هنوز در دست ملتیان است و عجالتتاً حکومت بی‌اقتدار می‌باشد.

نفره - ۵۹

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۹ ژوئن ۱۹۰۹ [۲۹ خرداد ۱۲۸۸] ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

امروز وزیر امور خارجه به دیدن من آمد و از جریان اوضاع حاضر بطوریکه من در ۱۷ و ۱۹ این ماه راپورت دادم صحبت نمود. جناب وزیر اظهار داشت که سردار اسعد با ملتیان قزوین مشغول مذاکره است و حالا هم با یک استعداد زیادی اسماء برای مجبور نمودن حکومت و انجام مشروطه می‌آید هر چند که دولت بدون فوت دقیقه‌ای شروع به اجراء پروگرام دولتین نموده است.

سعددوله اظهار نمود که مقصود از این ملاقات این است که به شما از قول شاه اطلاع بدهم که صبر دولت تمام شده و مصمم شده است که امیر مفخم را اعزام دارد تا اتباع خود را جمع‌آوری نموده و از پیش آمدن سردار اسعد جلوگیری نماید من اظهار نمودم که این اقدام باعث جنگ داخلی خواهد شد و من این اقدام را تصویب نمایم و نصیحت می‌کنم که در مقابل اقدام مصلحانه بشود.

سعددوله جواب داد که اقدامات صلح‌آمیز بی‌نتیجه خواهد بود و دولت یکی دو روزه منتظر خواهد شد شاید که شما بتوانید راهی پیدا نمایید تا از سردار اسعد جلوگیری شود. من جواب دادم که کاری از من ساخته نیست و نمی‌توانم اقدامی نمایم مگر اینکه از

وزارت خارجه لندن دستورالعمل برسد. من پیشنهاد می‌نمایم که دستورالعمل به ژنرال قسولهای روس و انگلیس مقیم اصفهان داده شود که نزد سردار اسعد رفته و اطلاع دهنده که دولتین نصیحت می‌نمایند که شما به اصفهان برگشته و دست از این اقدامات بردارید. من غیررسمانه به سعدالدوله نصیحت نمودم که بدون فوت دقیقه‌ای قانون انتخابات، منتشر نمایند. سعدالدوله اظهار داشت که تمام ولایات این قانون انتخابات را تعمیق می‌نمایند. من گفتم الحال است که به تمام مردم حالی کرد که این قانون را اشخاص کافی و باعلم عرب نموده‌اند و بعلاوه در پروگرام دولتین ذکر نشده که باید قانون را به ولایات پیشنهاد کرده و از آنها کسب‌تکلیف نمود.

سعدالدوله اطمینان داد که در ۲۱ این ماه قانون انتخابات را منتشر خواهد نمود.

نفره - ۶۰

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری هورخه ۲۰ زون ۱۹۰۹ [۳۰ خرداد ۱۲۸۸؛ ۱۳۲۷] از قله‌ک.

قشون روس در تبریز

تلگراف نیل هورخه ۲۰ زون از ژنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم تبریز به من رسیده است. دو دسته سرباز و یک باطنی هوتدز دیروز به رویه مراجعت نمودند و امروز هم قشون همانطور که در تلگراف ۱۲ زون اطلاع داده بودم محل اقامت خود را تغییر دادند.

نفره - ۶۱

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری هورخه ۲۱ زون ۱۹۰۹ [۳۱ خرداد ۱۲۸۸؛ ۱۳۲۷] از قله‌ک.

ظل‌السلطان

از قراری که وزیر امور خارجه اطلاع داد در شرف مراجعت است. چندی قبل از طرف دولت ایران ظل‌السلطان به حکومت فارس نامزد شده بود و می‌خواستند که به ایران برگردند. در این روزها ظل‌السلطان بموجب تلگراف پس از اظهار تشکرات دعوت را قبول نموده است.

www.adabestanekeave.com

نفره - ۶۲

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری هورخه ۲۱ زون ۱۹۰۹ [۳۱ خرداد ۱۲۸۸؛ ۱۳۲۷] از قله‌ک.

مستر گراهم به من اطلاع داد که بختیاریها از راه نیزار بدون اینکه به کاشان بگذرند پیش می‌آیند.

پنابراین بختیاریها با قشون دولتشی ساخلو کاشان خیال جنگ ندارند.

نمره - ۶۳

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۳ زون ۱۹۰۹ [۲ تیر ۱۲۸۸ : ۴ ج ۲] - [۱۳۲۷] از قلهک.

مسیو سابلین اظهار داشت که ۷۰ نفر فرقه‌ای در میان رولوسیونرهای قزوین که عده آنها بالغ بر ۱۷۰ نفر است می‌باشند و از رشت هم استعداد خواسته‌اند.

نمره - ۶۴

تلگراف سر ادوارد گری به سر بارکلی مورخه ۲۳ زون ۱۹۰۹ [۲ تیر ۱۲۸۸ : ۴ ج ۲] - [۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.

هر اقدامی که در شکل دخالت به امور داخلی ایران باشد ممنوع است. لکن باید اقدام مجدانه کرد و نگذاشت که سردار اسعد به طهران برسد. خوب است که شما توضیحاتی در خصوص پروگرام رفورم دولتیین به ایشان بدهید.

نمره - ۶۵

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۴ زون ۱۹۰۹ [۳ تیر ۱۲۸۸ : ۵ ج ۲] - [۱۳۲۷] از طهران.

شاه دیروز قانون انتخابات را امضاء نمود.

نمره - ۶۶

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۵ زون ۱۹۰۹ [۴ تیر ۱۲۸۸ : ۶ ج ۲] - [۱۳۲۷] از قلهک.

پیش‌آمدن بختیاریها

در طهران هردو طرف در اضطرابند. ملتیان می‌ترسند که هورد حمله آخری مستبدین واقع بشوند و مستبدین واهمه ورود رولوسیونرهای قزوین و بختیاریها را دارند. سردار اسعد امروز صبح زود وارد قم شد و امشب هم ژنرال قنسول روس وارد خواهد شد. بختیاریها که به قم وارد شده‌اند تقریباً ۵۰۰ نفر می‌باشند و تلگرافی به سپهبدار نموده‌اند که سردار اسعد با ۱۰۰۰ نفر بختیاری می‌آیند و تماماً در تحت فرمان سپهبدار خواهند شد. این مخابره را در طهران فهمیده‌اند. این تلگراف بی‌اندازه باعث تشویش و اضطراب دولتیان شده است. لیکن من گمان می‌کنم که عده قشون بختیاری را خیلی اغراق گفته‌اند. ژنرال

قنسول اصفهان به من اطلاع داده که دسته‌ای دیگر از پختیاری مسلح مرکب از ۱۰۰۰ نفر در اصفهان منتظر نتیجه ملاقات ژنرال قنسول با سردار اسعد می‌باشد هر چند که آن دسته نیز حاضر حرکت شده‌اند.

www.adabestanekave.com

نفره - ۶۷

تلگراف سربار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۷ زون ۱۹۰۹ [۶ تیر ۱۲۸۸: ۲ ج ۲] - [۱۳۲۷] از طهران.

دیروز ژنرال قنسول اعیان‌حضرتی ملاقات مفصل از سردار اسعد نمود. در آن ملاقات اظهار داشته که حرکت ایشان به قم از طرف سفارتین خیلی به نظر بی‌موقع می‌آید و بعلاوه اسباب تولید اشکالات در جریان اوضاع حاضر می‌نماید. مشروطه برقرار و اقدامات تأسیس مجلس بطوريکه دولتین سفارش نموده‌اند در شرف انجام است. ژنرال قنسول به سردار اسعد واضح نمود که پروگرام دولتین بهیچوجه در خدمه استقلال ایران نیست.

سردار اسعد جواب داد که سفارتین گول خورده‌اند و بهیچوجه شاه جداً خیال استقرار مشروطیت را ندارد. باز اظهار داشت که از قم حرکت نخواهد کرد تا اینکه مجلس منعقد بشود. و گفت مقصود عمدۀ من تأسیس صلح است و بهمین حالحظه از حرکت استعداد اصفهان جلوگیری نمودم.

عجالتاً مشغول ترتیب تقاضائی هستم که از طرف تبریز و رشت و مشهد و نقاط دیگر هم تصویب شده است و امیدوارم که شما هم به این تقاضاها مساعدت نمایید.

نفره - ۶۸

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۸ زون ۱۹۰۹ [۷ تیر ۱۲۸۸: ۹ ج ۲] - [۱۳۲۷] از قلهک.

کفیل ژنرال قنسولگری اصفهان اطلاع می‌دهد که صلح مایین پختیاریها انجام گرفت. در ۲۹ این ماه سردار محتمم و صدام‌السلطنه به اردوی اصفهان ملحق خواهند شد. گمان می‌شود که سردار محتمم بعد از این به سردار اسعد ملحق گردد.

نفره - ۶۹

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۸ زون ۱۹۰۹ [۷ تیر ۱۲۸۸: ۹ ج ۲] - [۱۳۲۷] از قلهک.

تلگراف نیل از مستر راتسلو [= راتیسلا] مخابره شده است:
به ژنرال فرمانده قشون روس دستور العمل رسیده است که از حرکت بطرف روسیه عجالتاً صرف نظر نمایند.

نفره - ۷۰

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۹ زون ۱۹۰۹ [۸ تیر ۱۲۸۸ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قاهره.

من از سفارت روس اطلاع حاصل نمودم که ۹۰۰ نفر از مجاهدین قزوین بیش از چهل میل از پایتخت دور نیستند. وزراء در اضطراب و منتظر مساعدة استقراض هستند که آنها را از این بلایه نجات دهد. شرایط پروگرام ما این است که بعد از انتشار قانون انتخاب و پیک پروگرام صحیحی برای مخارج آنوقت مساعدة استقراضی داده بشود. مسیو سابلین و من گمان می کنیم که باید این پیشامدها را به جریان طبیعی محول نماییم و اگر شاه خواست که اقدامی نماید البته مانع نخواهیم شد و اگر از طرف شاه کمکی از ما درخواست شود جواب این خواهد بود که اگر پارسال گوش به نصایح ما می داد البته اوضاع اینطور نمی شد و این بحرانهای مدهش پیش نمی آمد.

در قم و کاشان اقدامات لازمه برای جلوگیری ملتیان بعمل آمده است. سردار اسعد به مسیو گراهم گفته است که در خود طهران مابین ملتیان ترتیبی داده شده است که بمجرد ورود قشون بختیاری آزادیخواهان طهران شهر را تصرف نمایند.

نفره - ۷۱

تلگراف مسیو اوبرون به سر ادوارد گری مورخه ۲۹ زون ۱۹۰۹ [۸ تیر ۱۲۸۸ ج ۲ - ۱۳۲۷] از پطرزبورغ.

کفیل وزارت امور خارجه به من اطلاع داد که شارژ دافر روسیه مقیم طهران تلگرافی به این مضمون مخابره نموده است: نظر به عزیمت بختیاری و فدائیها به سمت طهران آیا صلاح نیست که در صورت لزوم دولت روسیه تهیه‌ای برای اعزام قشون به پایتخت بنماید؟ مسیو سازانوف اظهار نمود اگر چه دولت امپراتوری خیلی متأسف از لزوم چنین اقدامی خواهد بود چونکه هیچ وقت مایل به دخالت امور داخلی ایران نبوده، لیکن مجبور است که اتباع و نماینده‌گان خارجه را محافظت نماید. اگر حرکت رولوسیوفراها بطرق طهران صورت خارجی پیدا نماید قراقوهای ایرانی که عجالتاً مستحفظ اتباع خارجه هستند البته نمی‌توانند از عهده مأموریت خود برآیند و اگر قشون دولت امپراتوری تأخیر در عزیمت نماید قطعاً تولید اشکالات شده و باعث بدبهتی خواهد بود.

مسیو سازانوف باز اظهار نمود که دولت امپراتوری نظر به لزوم اقداماتی که باید حفظ جان و مال اتباع خارجه را بنماید کشتهای را برای حمل قشون به بنادر ایران در بادکوبه حاضر خواهد نمود.

نمره - ۷۳

تلگراف مسیو اوبرون به سر ادوارد گری هورخه ۳۰ ژوئن ۱۹۰۹ [۹ تیر ۱۲۸۸] ج ۲ - [۱۳۲۷] از پطرزبورغ.

راجع به تلگراف نیروز من

کفیل وزارت خارجه اطلاع داد که دیروز نتیجه مشاوره خصوصی دولتی این بوده است که دولت مصمم شده تهیئة اعزام قشون روس را به قزوین بنمایند. مقصود از فرستادن قشون این است [که] راه رشت و طهران را تصرف نموده بدون اینکه داخل پایتخت بشوند؛ و دولت روسیه ابدآ میل ندارد که قشون پایتخت را اشغال نمایند. کفیل وزارت خارجه تلگرافی را که شارژ باقراطی روسیه نموده بود به من نشان داد. اوضاع را خیلی پریشان و مدهش تصور می‌کرد. در آن تلگراف اشعار داشت که مسیو سابلین اظهار کرده است که بریگاد قزاق بیاستعداد است و احتمال دارد که شاه به یکی از سفارتخانه‌ها پناهنده بشود. مسیو سابلین اصرار دارد که قشون قزوین را اشغال نماید. سوال نمودم که در صورت عزیمت بختیاری به طهران واقعاً چه خطری متصور است. کفیل وزارت خارجه جواب داد که احتمال قوی دارد بانک واتیان خارجه را غارت نمایند.

قوه‌ای که به قزوین فرستاده خواهد شد عبارت از ۱۰۵۰۰ نفر است. مسیو سازانوف اظهار داشت در صورتی که بختیاریها از طهران صرف نظر نمایند دیگر قشون فرستاده نخواهد شد و گفت در هر صورت دولت روسیه حاضر است که ضمانت کافی برای اخراج قشون خود نماید.

نمره - ۷۴

تلگراف مسیو اوبرون به سر ادوارد گری هورخه ۳۰ ژوئن ۱۹۰۹ [۹ تیر ۱۲۸۸] ج ۲ - [۱۳۲۷] از پطرزبورغ.

از رایپورت این مطلب افتخار دارم که کفیل وزارت خارجه به من اطلاع داد که دولت روسیه مصمم شده است که در قشون تبریز تخفیف بدهد. جناب ایشان گفتند که اوضاع تبریز عجالتاً طوری است که بیش از این تخفیف قشون را اجازه نمی‌دهد. دولت روسیه منتظر ورود حاکم جدید و استقرار اقتدار اوست. در هر صورت قشون را خارج خواهیم کرد و لیکن عجالتاً از ترس آنکه میادا دوباره تولید اختشاش باعث شود که قشون مجدداً عودت داده شود مجبوراً باید استعداد در تبریز توقف نماید. ممکن است اشخاصی مثل ستارخان و باقراطی دو مرتبه مصدوم امور بشوند و این ترتیب را دولت روسیه هیچ وقت اجازه نخواهد داد.

نمره - ۷۴

تلگراف سر ادوارد گری به هسیو اوبرون مورخه ۳۰ زوون ۱۹۰۹ [۹ تیر ۱۲۸۸] ح ۲ - [۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.

امروز با سفیر کبیر روسیه صحبت نموده و به جناب ایشان گفتم یقین دارم هر قدر دخالت خارجه در امور ایران کمتر بشود جریان طبیعی بهتر خواهد بود اگرچه از اشکالات حالیه طهران بخوبی اطلاع دارم و اگر دولت روسیه طهران را تصرف نماید شبهه ندارم که نظام را برقرار خواهد کرد ولی بالمال نتیجه این خواهد شد که ایرانیان تصور خواهند کرد که شاه به پشتگردی روسها متصدی این امور شده است و تمام مملکت یکمرتبه از قبضه حکومت شاه خارج خواهند شد. عقیده من این است که بریگارد قزاق قوئه کافی دارند و می توانند از این پیشامدها جلوگیری نمایند. من به کنتینکاندولف [نکنکندراف] گفتم بخوبی می دانم که دولت روسیه از این حوادث ایران چه اندازه خود را هضره می بیند و بواسطه همسایگی دچار مشکلات خفیه است.

نمره - ۷۵

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه اول زویه ۱۹۰۹ [۱۰ تیر ۱۲۸۸] ح ۲ - [۱۳۲۷] از قلهک.

در اصفهان سعی کامل دارند که برای سردار اسعد استعداد کافی تهیه نمایند. برای هلتیان قزوین از رشت استعداد فرستایه شده است و باید امروز به قزوین وارد بشود. از طهران بتوسعه تلفون خبر رسید که امروز بازارها را بسته‌اند.

نمره - ۷۶

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه اول زویه ۱۹۰۹ [۱۰ تیر ۱۲۸۸] ح ۲ - [۱۳۲۷] از قلهک.

از مشروطه طلبان قزوین تلگرافی برای سفارتخانه‌های خارجه مخابره شده است عذر براینکه ترتیب بعضی مسائل مهمه با وزراء، آنان را به طهران می کشانند. عموماً با شاه اظهار همراهی نموده و مطلقاً خونریزی را تکذیب می نمایند.

نمره - ۷۷

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۲ زویه ۱۹۰۹ [۱۱ تیر ۱۲۸۸] ح ۲ - [۱۳۲۷] از قلهک.

پیش آمدن بختیاریها

سردار اسعد از قم حرکت نمود و با ۱۲۰۰ نفر بختیاری بطرف شمال رهسپار گردید.

نمره - ۷۸

تلگراف مسیو اوبرون به سر ادوارد گری هورخه ۲ ژویه ۱۹۰۹ [۱۱ تیر ۱۲۸۸] ح ۲ - [۱۳۲۷] از پطرزبورغ.

اوپرای تهران

دیروز عصری با وزیر امور خارجه ملاقات نمودم. جناب وزیر اطمینان داد که دولت روسیه همان رویه عدم دخالت را خواهد داشت و بهیچوچه خیال ندارد که به شاه کمال نظامی نماید بلکه مقصود دولت روس آن است که راه انزلی و طهران را در دست داشته جان و مال اتباع خارجه را محافظت نماید. جناب وزیر اظهار تموبدند اگر بنا شد به طهران قشون فرستاده شود باید عده کافی باشد و بدلوآ هم قزوین را اشغال نمایند و لیکن هنوز اعزام قشون به قزوین و طهران معلوم نیست. مسیو ایزولسکی اظهار نمود که مسئولیت سلامتی اتباع خارجه مقیم طهران به عهده دولت روس است. این مطلب باعث تسلیم اشکالات بسیاری برای روسیه شده است.

نمره - ۷۹

تلگراف مسیو اوبرون به سر ادوارد گری هورخه ۲ ژویه ۱۹۰۹ [۱۱ تیر ۱۲۸۸] ح ۲ - [۱۳۲۷] از پطرزبورغ.

محملی از اعلان رسمی [را] که امروز در روزنامه‌ها درج شده ذیلا می‌نگارد: نظر به اوضاع هولناک ایران به فرانفرمای قفقاز حکم شده که دسته‌ای از قشون و کشتی برای حمل آنها در بادکوبه حاضر نماید، این تهیه برای این است که در صورت پیش آمدن فدایی و بختیاری اگر هرج و عرج شد اتباع خارجه را محافظت نمایند و راه انزلی و طهران را در دست داشته باشند.

نمره - ۸۰

تلگراف سر ادوارد گری به سر بارکلی هورخه ۲ ژویه ۱۹۰۹ [۱۱ تیر ۱۲۸۸] ح ۲ - [۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.

پیش آمدن به طهران

تلگراف اول ماه ژویه‌شمارا به کنت بنکاندورف [بنکندرف] نشان دادم و در همان وقت پیشنهاد نمودم در صورتی که دولت روسیه مایل باشد شما با همکار روس خودتان با همراهان و اشخاصی که رو به طهران عزیمت نموده‌اند ملاقات کرده و به آنها اخطار نمایید که چیزی که هی تواند از دخالت دولتبین جلو گیری نماید فقط عبارت از استقرار امنیت است. لازم است وقتی را تعیین کرد و مشاوره نمود که مشروطیت جدید در چه شکل اداره خواهد شد. اگر مشروطه طلبان میل دارند از شاه ضمانتی برای انجام مشروطیت تحصیل نماییم و در این صورت بایستی قبل صورت ضمانت را پیشنهاد نمایند.

نهره - ۸۱

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری هورخه ۳ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۲ تیر ۱۲۸۸] ج ۲ - ۱۳۲۷] از قاهره.

دیشب بنا به خواهش شاه با همکار روس خود به قصر سلطنتی رفتیم. شاه اظهار داشت هر چند که ملت ایران دچار بی‌علمی هستند ولی من همیشه مایل بوده‌ام که در مملکت اساس مشروطیت پایدار باشد. نصایحی را که دولتین پیشنهاد نموده‌اند ملاحظه کرده و بهمین جهت مشروطه سابق را برقرار نمودم.

کلیه پروگرام روس و انگلیس را قبول کرده و سعدالدوله را برای انجام آن به خدمت گمارده‌ام. لیکن اشخاصی هستند که سعدالدوله را مستبد قلم می‌دهند و می‌گویند این مشروطه غیر از تقلب چیزی نیست. از ولایات استعداد خواسته شده بود و آنها نیز در شرف حركت بودند در صورتی که سفرا به من مکرر گفته‌اند اگر پروگرام ما را به موقع اجراء بگذارید تمام اشکالات رفع خواهد شد. من هفت هزار نفر از قشون کسر نموده‌ام و حالا باید با پنجهزار نفر جنگ نمایم. مقصود از احضار سفرا، این است که در خصوص اوضاع مشورتی بعمل آید. من در جواب یادآوری نمودم که نصایح دولتین چند هاه است داده شده ولی بدینخانه در وقتی اعیین‌حضرت شاه مصمم شده‌اند آنها را به موقع اجرا، بگذارند که متأسفانه رشنۀ اوضاع بکلی از قبضه اقتدار خارج شده است.

هر چند که در آن موقع به نظر ما بیشترین راهی برای هوفقیت شاه اجراء نمودن پروگرام بود لیکن اوضاع حالا طوری شده است که ما نمی‌توانیم بگوییم موفق خواهیم شد. من به اعیین‌حضرت شاه یادآوری نمودم که ما به او همراهی خواهیم کرد در صورتیکه شاه مشروطه باشند و همراهی ما این بود که بدوآبا سپهبدار و سردار اسعد ملاقات نموده و آنها را وادار گردیم که از طهران صرف نظر نهایتند اگر چه بدبختانه آنها قبول نکردند. عجب‌تر آنکه سردار اسعد تقاضاهای خود را نیز اظهار نمود. در این موقع سعدالدوله گفت تقاضاهای سردار اسعد اولاً تخلیه تبریز و ثانیاً اخراج بعضی از وزراء است. شاه گفت مقصد اصلی فداییان چیز دیگر است و این تقاضاهای را وسیله نموده‌اند.

من و شارژ دافر روس به شاه اطلاع دادیم که هر چند ما نمی‌توانیم عجالت نصیحتی کرده باشیم ولی اطمینان می‌دهیم اگر هوقعی پیش آمد نفوذ خود را برای اصلاح طرفین مبنول خواهیم داشت. شاه اسمی از تبریز نبرد و دیگر داخل مذاکره نشد و با یک حال وقاری از آلاق خارج گشت. این ملاقات بی‌اندازه رقت و افسوسه خاطری را جلب می‌کرد.

نهره - ۸۴

تلگراف مسیو اوپرون به سر ادوارد گری هورخه ۳ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۲ تیر ۱۲۸۸] ج ۲ - ۱۳۲۷] از پطرزبورغ.

فرستادن قشون روس به ایران

هیئت وزراء مصمم شده‌اند که فوراً یک فوج سرباز با توپخانه ویک فوج فزاق به افزایی

بقرستند. به قشون دستور العمل داده شده است که در فزوین منتظر باشند و در صورتی که سفارت روس حکم نمود برای حفظ اتباع خارجه به طهران عزیمت بنمایند. احکام سخت به رئیس قشون شده است که بهیچوجه در کشمکش داخلی دخالت ننمایند وهم خود را برای محافظت جان و مال اتباع خارجه مبنول دارند.

نمره - ۸۴

تلگراف مسیو اوبرون به سر ادوارد گری مورخه ۴ ژویه ۱۹۰۹ [۱۳ تیر ۱۲۸۸ ج ۲ - ۱۳۲۷] از پطرز بورغ.

وزیر امور خارجه به من اطلاع داد که به شارژ دافر روسیه مقیم تهران حکم شدت‌اماموری از طرف سفارتین برای هذاکره با رؤسای آزادی طلبان که رو به طهران عزیمت کردند اغزام شود. جناب وزیر گمان می‌نمود که قشون روس تا ۴ روز دیگر برای حرکت حاضر خواهند بود و تا ۴ روز مقصود اصلی رؤسای ملتیان آشکار خواهد شد. تا وقتی که نمایندگان دولتین در هذاکرات خود تحصیل موفقیت ننمایند نمی‌توانیم حرکت قشون را تصویب نماییم.

www.adabestanekeave.com

نمره - ۸۵

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۴ ژویه ۱۹۰۹ [۱۳ تیر ۱۲۸۸ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

تلگراف ۲ این ماه آن جناب دیروز عصر به من رسید و مضمون آن را به مسیو سابلین ارائه دادم. نماینده‌ای از طرف سفارتین نزد سردار اسعد و سپهبدار برای هذاکراتی که در تلگراف اشعار شده بود فرستاده شد.

نمره - ۸۶

[۱۳۲۷] از قلهک.

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۴ ژویه ۱۹۰۹ [۱۳ تیر ۱۲۸۸ ج ۲ - راجع به تلگراف امروز من]

امروز از هاژور استوکس (که با ترجمان اول سفارت روس برای هذاکرات نزد سپهبدار فرستاده شد) راپورت رسید که در شاه‌آباد هایین ملتیان و قشون شاه‌جنگ شده. قزاقها سابقاً از کرج به این نقطه آمده بودند برای اینکه اگر قشون ملتیان خواستند از اطراف به طهران حمله‌ور شوند بتوانند جلوگیری نمایند. در این جنگ ملتیان شکست خورده و ۱۲ نفر از آنها کشته شده است. در نزدیکی شاه‌آباد اشتباهاً چند تیری به هاژور استوکس و مسیو بارانوسکی انداخته شده ولی آنها بسلامت به کرج رسیده‌اند.

نمره - ۸۶

کاغذ سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۳ مه ۱۹۰۹ [۲ خرداد ۱۲۸۸؛ ۳ ج ۱ - ۱۳۲۷] از طهران.

در مراسله ۸ این ماه رایپورت دادم که ملتیان اصرار دارند که باید شاه فرمان دومنی که بمنزله شارح فرمان اول باشد صادر نمایند یعنی در آن فرمان توضیح بدهند که قانون اساسی با مواد متمم آن کمافی سابق معمول و مجری خواهد شد.
من افتخار دارم تا ترجمه فرمائی را که در ۲۰ این ماه در این خصوص صادرشده است برای شما ارسال دارم. این فرمان ترضیه خاطر ملتیان را تحصیل نموده است.

بار کلی

ضمیمه نمره ۸۶

فرمان همایونی مورخه ۲۰ ماه مه ۱۹۰۹ [۳۰ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲۹ ع ۲ - ۱۳۲۷]
هر چند که رفاهیت و خوشوقتی رعایایی ما که اولادهای معنوی ما هستند در پیشگاه ملوکانه ما منتظر و اتحاد ملت و دولت مقصود عمدۀ ذات همایونی ما بوده است، چون توضیح در هر امر باعث رفع اشتباه و حصول اطمینان است، پس برای اینکه مقصود خودمان را ظاهر ساخته و نیات مقدسمان را ثابت نماییم و برای اینکه اذهان عمومی را مطمئن و اسباب دلگرمی رعایا را فراهم نماییم، و همچنین توضیحی به فرمان سابق داده باشیم ما می‌نویسیم که مشروطه ایران بر وقق همان ۱۵۸ مواد قانونی برقرار است و این مواد مایه آسایش و ترقی ملت ایران خواهد شد.

محمد علی شاه قاجار مورخه ۲۸ ربیع الثانی ۱۳۲۷

نمره - ۸۷

کاغذ سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۴ مه ۱۹۰۹ [۳ خرداد ۱۲۸۸؛ ۴ ج ۱ - ۱۳۲۷] از قلهک.

افتخار دارم که لفاظ سوادی از مراسله ژنرال قسول اعلیحضرتی در تبریز راجع به حوادث اخیره محاصره شهر برای شما تقدیم نمایم. موقع را غنیمت شمرده و می‌خواهم تشکرات صمیمانه خود را از ژنرال قسول اظهار نمایم چون از وقتی که به سر مأموریت خود آمده کارها را خوب اداره می‌نماید.

ضمیمه نمره ۸۷

کاغذ ژنرال قسول راتیسلو [راتیسلو] به سر بار کلی.
آقا

من افتخار دارم که مطالب ذیل را که در این اوآخر محاصره رخ نموده به نظر آنچنان برسانم. هرچند که زحمت همه روزه رو به زیادتی است و گندم ارک نزدیک به تمام شدن است لیکن تا اوآخر ماه مارس ملتیان خودشان را بهبیچوچه هولناک نمی‌پنداشتند. در اوآخر ماه مارس ملتیان مصمم شدند که یکدفعه به مرکز دولتیان که در بارنج بود حمله نمایند.

این حمله در ۲۴ ماه مارس [۴ فروردین ۱۳۲۷ - ۱۲۸۸ ع ۲] بدون خسارت عمده اتفاق افتاد. یک دسته ۲۰ نفری از اشخاص کاری و در میان آنها چند نفر از قفقازیهای مسیحی یکی از مرکز دولتیان را متصرف شدند در صورتی که ۸ نفر از آنها مقتول و مجروح گشت. باقرخان که در همان طرف بود به این دسته کمک نکرد و با همراهان خود در پشت سنگرهای بیکار نشسته بود. دسته‌ای هم از اهل شهر مسلح تا آخر نقطه که در دست ملتیان بود. رفته چند نفر از آنها بواسطه توپخانه دولتیان کشته شدند و بعد از آن جرئت نکردند که به دولتیان حمله نمایند.

در ۲۸ و ۲۹ این ماه [۸ و ۹ فروردین؛ ۱۳۲۷ ع ۱ و ۶] هم چند مرتبه از طرف ملتیان حمله شد لیکن بعد معلوم گردید که نمی‌توانند در حمله به قشون دولتی که عده‌شان خیلی زیادتر از ملتیان است فائق بیایند. توپخانه دولتیان که در بارنج بود تا این تاریخ فقط به سنگرهای ملتیان نزدیک خیابان شلیک می‌نمود لیکن در ۴ ماه [۱۵ فروردین؛ ۱۳۲۷ ع ۱] شروع به بمباردة شهر کرد و نتیجه این شد که چند نفر از اشخاص بی‌طرف گشته شد. قدری هم خسارت به عمارتهای شهر وارد آمد. در ۸ ماه آوریل [۱۹ فروردین؛ ۱۳۲۷ ع ۱] قنسولهای خارجه به سفارتهای خود تلگراف نموده و تقاضای حمل آرد برای اتباع خود کردند. کسی امید نداشت که شاه این اقدام را اجازه دهد چنانچه در واقع این تلگراف هم اثری نبخشید. در این موقع خیلی از خارجه‌ها [=خارجی‌ها] در زحمت بودند و مخصوصاً اشکال زیاد آنها عبارت از تعدادیه مستخدمین خود بود چون در ایران رابطه نوکر و آقا طوری است که این اقدام را لازم دارد. در این ایام تقریباً سه ربع دکانهای نانوایی بسته و گوشت هم خیلی بد و با اشکال زیاد تحصیل می‌شود. تلگرافی که شاه در جواب ثقة‌الاسلام مخابره کرده‌اند باندازه‌ای امیدبخش است. ثقة‌الاسلام (یکی از مجتهدین با تفویذ تبریز است) تلگرافی به شاه مخابره و درخواست اعطای مشروطیت نموده بود و شاه تیز جواب مساعد داده است لذا بتصویب انجمن ولی غیر سمانه در ۱۰ آوریل [۲۱ فروردین؛ ۱۳۲۷ ع ۱] به اردوی دولتی رفت و با سرکرد گان ملاقات نمود. لیکن این ملاقات اثری نبخشید و اسباب یأس مردم زیادتر شد. نرخ ارزاق قدری تخفیف یافته چون اشخاصی که گندم انبار کرده بودند گمان اصلاح نمودند و گندمهای خود را قروختند. در ۱۵ ماه [۲۶ فروردین؛ ۱۳۲۷ ع ۱] دسته‌ای از اکراد اردوی صمدخان بطرف پل آجی یورش برآورد و اتباع ستارخان با حمله آنها را شکست داده و دو نفر را کشته‌اند. در همان موقع توپخانه بارنج شهر را بمبارده نمود و چند عدد گاوله به انجمن که نزدیک محله اروپائیها است خورد. روز بعد با یکی از اعضاء

(۱) به قریبی باید منظور ماه آوریل باشد. - ۲.

عمدهً انجمن ملاقات نمودم و به من اطلاع داد که امید مقاومت به آخر رسید و فقط هایه تجات تبریز بسته به دخالت روس و انگلیس است. هرچند که در تمام مسائل خیلی بی‌مالحظه صحبت می‌نمود ولیکن در خصوص گندم اظهار قطعی نکرد که چقدر گندم موجود است. به من اطمینان داد که تا سه هفته دیگر گندم خواهد بود. من سؤال کردم در صورتیکه ممکن است اتباع خارجه که مایلند از شهر خارج بشوند. جواب داد که این مسئله ابدآ امکان‌پذیر نیست. روز پعد کاغذی از طرف انجمن به من و همکار روسم رسید و در آن کاغذ نایابی گندم را توضیح داده و از ما خواهش نموده بودند که برای تسهیل آذوقه اتباع خارجه و اهل شهر چاره‌ای نماییم. در همین روز برای مذاکره این مطلب از ما به انجمن دعوت کردند. در آن مجلس تمام اعضاء انجمن و اجلال‌الملک که از طرف اعضاء صحبت می‌نمود حاضر بودند و اظهار داشت که مقصود از دعوت ژنرال قسولها این است که اوضاع ناگوار را خاطرنشان نموده و خواهش کنیم تا در صورت امکان خطری را که در سر راه عموم سد بسته و متصل افق ما را تهدید می‌کند رفع نماییم. گندم تقریباً تمام شده و غالب مردم از زور گرسنگی نزدیک به هلاکت رسیده و اشکال زیادی در محافظت شهر و نگاهداشت اهالی تولید می‌شود. هر دقیقه ممکن است که اهالی ستمدیده به خانه‌هایی که احتمال داشتن گندم در حق آنها می‌رود هجوم نمایند. در این موقع یک نفر ملائی که عضو انجمن بود گفت مردم فرق مابین اشخاص نمی‌گذارند و در این صورت معلوم است که ضرر این اغتشاش به چه قسم اشخاص وارد خواهد آمد. از طرز حرف زدن همچو معلوم می‌شد که مقصود او اتباع خارجه است لیکن عموم اعضاء غیر از یک نفر این مطلب را تکذیب کردند. ما جواب دادیم که ما همیشه بیشتر از اشخاص دیگر هایل بوده‌ایم که این موضوع ناگوار خاتمه پذیرد لیکن ما درست نمی‌دانیم که چه باید کرد. اگر از طرف ملتیان پیشنهادی بشود شاید ممکن باشد ما آن پیشنهاد را به موقع اجراء بگذاریم. اجلال‌الملک جواب داد مقصود اینها این است که جنگ را متارکه و راه باستنچ را باز نموده تا به شهر حمل آذوقه نمایند و در این بین با آزادی طلبان سایر ولایات بتوسط نمایندگان مخصوص تحصیل رأی نموده و با شاه مذاکره کرده و از در صلح درآییم. پس از قدری مذاکره نتیجه این شد که صد و پنجاه خروار گندم همه روزه برای شهر لازم است و اگر این مقدار تحصیل بشود فقط برای اهالی صرف خواهد شد و از این گندم به قشون ملتی داده نمی‌شود چون گندم کافی در دست ستارخان و باقراخان موجود است.

از ما خواهش گردند تا این پیشنهاد را به سفارتین روس و انگلیس فرستاده و از آنها درخواست نماییم که به شاه در قبول کردن این مسئله اصرار نمایند و اظهار دارند که ملت آذربایجان نه بر ضد شاه بلکه برای تحصیل مشروطیت و آزادی جنگ می‌نمایند. ما قبول کردیم که این پیشنهادها را بتوسط سفارتین به شاه برسانیم. به آنها خاطرنشان نمودیم در صورتیکه حال شهر بر همه معلوم است احتمال داده نمی‌شود که شاه این خواهش را قبول نماید. پس اگر ممکن است پیشنهاد دیگری نمایند (مقصود ما تسلیم شهر بود). آنها جواب ندادند که غیر از این مسئله چیز دیگری نیست. روز بعد قان خیلی کمیاب بود و در واقع غیر از اشخاص با نفوذ و کسانی که طرف توجه بودند کسی نمی‌توانست تحصیل

نان نماید. روز بعد هیچ از دکانهای نافوایی باز نبود و عده زیادی زن از نقاط مختلف شهر جمع شده بودند لیکن جبرا آنها را متفرق ساختند. در ۱۹ ماه [۳۰ فروردین؛ ۲۸ ع ۱] عده زیادی زن در صاحب‌الامر جمع شده بودند. لیکن بتوسط نطق و هو عظمه یک نفر ملائی که مخصوصاً به آنجا فرستاده شده بود آنها را متفرق کردند.

در همان روز من خبردار شدم که نقشه هجوم به قنسولگری و خانه‌های اتباع خارجه کشیده شده است. پس از آنکه تلگراف ۱۹ آوریل شما رسید به انجمن اطلاع دادم که فردا پیشنهادهای شما را نزد شاه خواهند برد. این خبر تا اندازه‌ای اسباب تسکین اهالی شد. همان روز به اتباع انگلیس اطلاع دادم که خطر بزرگی سریعاً اتباع خارجه را تهدید می‌نماید و خیلی ممکن است که در همین روزها واقع بشود. نظر به امتنیت قنسولخانه هر کس مایل است به قنسولخانه آمد و از حوادث آسوده بماند ولی هیچکدام از آنها قبول نگرددند. لیکن در همان روز تلگرافی به وزیر امور خارجه اعلیحضرتی نمودند و شعر بر اینکه اتباع خارجه خطر بزرگ در پیش دارند و قنسولخانه مستحفظ کافی ندارد. اتباع روس در نهایت اضطراب در قنسولخانه و اطراف آن جای گرفتند.

تهام جواهرات بانک روسی را هم به قنسولخانه نقل کردند. اگر اوضاع قدری تخفیف پیدا نکرده بود احتمال قوی داشت که خانه‌های اتباع خارجه و ایرانیهای متمول را غارت نمایند. در شب ۱۹ و ۲۰ آوریل [۳۰ و ۲۹ فروردین؛ ۲۸ و ۲۹ ع ۱] نقشه کشیده شد که به اردوی صمدخان که در اطراف قراهمالک [=قره‌ملک؟] بود حمله نمایند لیکن بواسطه اختلاف ملت تا ۲۰ ماه اقدامی ظاهر نشد. چون دولتیان اطلاع کامل از خط حرکت ملتیان داشتند و خود را حاضر جنگ می‌نمودند لذا امید واقعیت برده نمی‌شد. دو دسته از ملتیان در تحت ریاست هستر پاسکوویل [=باسکرویل]^۱ معلم مدرسه امیریکایی و هستر هوار مخبر روزنامه «دیلی نیوز» در نهایت انتظام به اردوی صمدخان حمله برداشت و حرکات جسورانه نمودند ولیکن به لاحظه نامساعدتی تابیتها این دو نفر وقتی که نزدیک اردو رسیدند عده کافی نداشتند. با وجود این جنگ سر گرفت و هستر پاسکوویل [=باسکرویل] کشته گردید و هستر هوار سالم مراجعت نمود.

روز تا شب لاینقطع دعوا بود ولی در اواسط روز معلوم شد که ملتیان در این حمله موفقیت تحصیل نکرند و ۲۰ نفر از ملتیان کشته و مجروح شد. در چهارم بعد از ظهر تلگراف جناب شما هشعر به اعلان متأخر که ۶ روزه شاه رسید و فوراً قضیه را به انجمن اطلاع دادیم و از آنها خواهش کردیم که جنگ را موقوف نمایند تا نماینده نزد عین‌الدوله فرستاده و حمل آذوقه نماییم و خوب است آنها هم یک نفر نماینده برای مذاکره صلح اعزام دارند. از طرف ما ویس قنسول ایستو و از طرف روس تاجریاشی نظریگی او از باسم نج رفتند و یک کاغذی از طرف قنسولگریها و یکی هم از طرف انجمن نزد عین‌الدوله برداشتند و از او خواهش کردند که به نمایندگان مساعدت کرده و به شهر حمل آذوقه نمایند.

۱) این نام در تاریخ دوره مشروطه ایران «هوارد - هاکرویل» ضبط شده است. — ۴

به فاصله سه روز از طرف نمایندگان کاغذی رسید مشعر براینکه عین‌الدوله اعلام متارکه و حمل آذوقه را رسماً تکذیب نمود. لیکن بنابر اصرار ما راضی شده است که راه باسمنج را باز فماید. بعلاوه راپورت دادند هرچند که خط تلگراف مابین طهران و باسمنج کار هی کرده لیکن از صبح ۲۱ ماه [یکم اردیبهشت؛ ۳۰ ع ۱] خط‌بریده شده است. در ظهر ۲۲ ماه اجلال‌الملک به ما اطلاع نداد که صمدخان خطیب را تصرف نموده و از ما کسب تکلیف کرد. ماجواب دادیم در صورتیکه دولتیان ملاحظه متارکه را نکرند البته ملتیان بایستی از خود دفاع نمایند. در آخر آن روز، پس از قدری جنگ قشون صمدخان خطیب را تخلیه نمودند. در عصر آن روز خبر رسید که یک شخصی برای فقرای تبریز به اجازه عین‌الدوله ۲۵ خروار گندم از باسمنج بار کرده بود ولی از طرف سرکردگان دولت جلوگیری کرده و نگذاشتند که پارها به شهر برسد و اظهار کرده بودند که هنوز از شاه دستور العملی در خصوص حمل آذوقه نرسیده است، در صورتی هم که برسد اطاعت نخواهد شد. البته نمی‌توان طعمه‌ای را که چندی است در سر تحقیل آن زحمت می‌کشد از دست بدھند. این قضیه را نمایندگان تصدیق نمودند و اطلاع دادند که مابین عین‌الدوله و سایر سرکردگان در این خصوص نزاع افتاده است و عین‌الدوله اخطار کرده که اگر اوامر مرا مخالفت نمایند مجبوراً به طهران حواهم برگشت. این مطلب را عین‌الدوله در کاغذ خود اطلاع داده بود.

در ۲۳ ماه [۳ اردیبهشت؛ ۲ ع ۲] از طرف دولت روس به همکار روس اطلاع داده شد که عده‌ای قشون روس بطرق تبریز فرستاده شد و ما این مطلب را به انجمن اطلاع دادیم. عجباً ما گمان می‌کنیم که راه نجات تبریز منحصر به ورود قشون روس است. اهالی شهر خیلی در تنگی بودند و فقراء خسته و در کوچه‌ها افتاده و اغلب آنها جز علف خوراکی نداشتند. در ۲۴ ماه انجمن مستقیماً با شاه شروع به مذاکره نمود و بعد از اینکه حرکت قشون روس از سرحد معلوم شد در ۲۵ ماه از طرف اغليحضرت شاه تلگراف سختی به عین‌الدوله و سایر سرکردگان دولتی برای متارکه جنگ و حمل آذوقه به شهر مخابره شد. پس از آنکه تلگراف شاه به تبریز رسید هیئتی از انجمن نزد ما آمدند و سؤال نمودند که ممکن می‌شود قشون روس چند روزی تأخیر نمایند بلکه مذاکرات با شاه ثمره‌ای پیشند ولی از وضع مذاکره معلوم بود که از روی حقیقت نمی‌توانند لزوم ورود قشون روس را تکذیب نمایند بلکه در صورت ظاهر حسب الوظیفه چیزی می‌گفتند.

ما جواب دادیم که مطلب ایشان را راپورت خواهیم داد لیکن در این موقع شیرازه کار از دست ما خارج شده است.

چند روز تا مدتی که آذوقه زیاد نرسیده بود اوضاع آذوقه خیلی بد بود و نان بهیچوجه پخت نمی‌شد لیکن احکامات شاه بزودی به موقع اجراء گذارده شد و اوضاع شروع به بهبودی نمود.

راتیسلو [راتیسلا]

نمره - ۸۸

کاغذ سر بار کلی به سر امور دارگری مورخه ۱۹ زون ۱۹۰۹ [۲۹] خرداد ۱۲۸۸؛
ج ۱ - ۱۳۲۷] از قلهک.
آقا

در این چند هفته اخیره اتفاق مخصوصی نیفتاده است. پروگرام ما در خصوص استقرار مشروطیت در کمال خوبی اجراء می‌شود و امید که در این چند روز آینده قانون انتخابات که اغلب ملتیان را خوشوقت خواهد کرد منتشر و وقت انتخاب را نیز معین نماید. در بین وزراء نفاق شدیدی تولید شده که برخی سلب اطمینان از سعدالدوله کردند و بعضی دیگر ملاحظه و رقابت با سعدالدوله و فرمانفرما وزیر رداخله دارند. در مواقعي که این کابینه از طرف سفارتین پیشنهاد شد آشکار بود که مابین بعضی از اعضاء ضدیت خواهد شد. در هنگام تشکیل ممکن بود که وزراء متعدد پیدا بشود ولیکن عنصر اقتدار و جسارت در دست سعدالدوله بود و به همین ملاحظه است که اغلب مواد پروگرام ما را بموضع اجراء گذاشتند و امید است که بزوی مجلس هنعقد شود.

خیلی مایه تأسف است که در این موقع ناصرالملک ممکن نیست در ایران حضور به مرساند. اگر برای مشارالیه ممکن می‌شد که رئیس‌الوزرائی را قبول نماید البته وجود او اطمینان ملتیان را در حق وزراء کسب می‌نمود. با وجود اینکه ترقی کامل برای برقراری اساس مشروطیت حاصل است باز ملتیان نمی‌توانند اطمینان خود را نسبت به وزرائی که سعدالدوله رئیس‌الوزرائے آنها است اظهار نمایند. دو فقره اقدام باعث تقيید اعمال سعدالدوله شده است. یکی آنکه نظام شهر را به عهده لیاخف واگذار نموده و دومی آنکه علاعالدوله را به سمت حکومت تبریز تعیین کرده است. ولیکن اقدام اولی باعث انتظام شهر شد و من هم این مسئله را تصدیق می‌کنم اما در مسئله دوم بمحض راپورت ژنرال قنسول عموم اهالی غیر از یک عدد بلواطلب متفقاً اظهار امتنان از حکومت علاعالدوله می‌نمایند.

تا به امروز اجرای پروگرام دولتین رویهم رفته نتیجه بهبودی کامل در اوضاع تحصیل نموده است. هر چند مستبدینی که در اطراف شاه بودند و همیشه اسباب اضطراب اهالی را فراهم می‌نمودند متفرق شده‌اند. امیر بهادر چنگ پیکی از رؤسای ملتیان گفته که محض کسب ترضیه خاطر اعلیحضرت همایونی مراتب مشروطیت را قبول و جداً مشروطه طلب شده‌اند.

صمصام‌السلطنه عده‌ای از سوارهای خود را که سابقاً هرخص کرده بود دوباره احضار نموده است ولیکن این فقره بخلافه وجود عده‌ای از سواران دولتی است در کاشان که بجهت بی‌پولی نمی‌توانند آنها را هرخص نمایند. عده‌ای از رولوسیونرهای قزوین رو به شمال برگشتند. با وجود اینکه سپهبدار به حکومت گیلان و هزاران منصب گشته و حاکم جدید قزوین هم وارد قزوین شده است هنوز مشارالیه در قزوین و اطراف آنجا با عده‌ای از همراهان خود مسلح می‌باشند. این قشون تا یک اندازه پایتخت را تهدید می‌نماید. با وجود این سلب اطمینان که در هر اقدام سعدالدوله از ملتیان ظاهر می‌شود و هیچ‌کس

نمی‌تواند مقاصد شاه را بخوبی درک کند خیلی مشکل است که از آنها خلع سلاح کرد. تمام ولایات که در تصرف ملتیان است (جز پندر عباس و پندر بوشهر که بواسطه وجود دریابیگی دارای انتظام و امنیت صحیح است) نمی‌توانند اسباب آسایش عمومی را فراهم نمایند.

رشت هنوز در تصرف کمیتهٔ ملی است و قزوین هم چنانچه ذکر شد در دست سپهبدار است. نظر به راپورتی که از مشهد و کرمان و یزد رسیده هرج و هرج غربی در آن صفحات حکم‌فرما است. شیراز در کمال بی‌نظمی در تحت حکومت آصف‌الدولهٔ ناقابل است و باین جهت شیراز محل نزاع دستجات مختلف‌الاحوال است. اوضاع طرق و شوارع جنوب بدتر از این دیگر متصور نیست، هر چند که راه بختیاری مستثنی است و به همین دلیل تجار هم این راه را ترجیح می‌دهند. و این هسئله اسباب خسارت کلی بوشهر شده و عایدات گمرکی تقریباً از بین رفته است. شمال تبریز در تصرف قشون روس است هرچند که می‌خواهند در همین زوییها قسمت بزرگ قشون را برگردانند. در نقاط دیگر آذربایجان اوضاع خیلی بد است.

در نزدیکی اردبیل شاهسونها دهات را می‌چاپند و مستحفظین قسولگری روس را هم زیاد نمودند و در شمال غربی بوجب راپورتهایی که به من رسیده است اوضاع ناگوار چریان دارد.

البته نمی‌توان متوقع شد که اغتشاش ایران بمجرد استقرار مشروطیت برطرف و انتظام عمومی برقرار باشد بلکه مقصود عمدۀ ما عبارت از محافظت مشروطیت بود که آنهم حاصل گشت. حالا باید منتظر شد که دولت مشروطهٔ جدید این اغتشاش کاریها را که بواسطه بی‌انتظامی و رشوه‌گیری وجود یافته و در اعماق مملکت ریشه دوانیده است می‌تواند رفع کردد و انتظام و آسایش عمومی را برقرار نماید یا نه؟ اگر دولت جدید در امور مملکتی مطلقاً حسن کفايت بخراج داده و هالیهٔ مملکت را خصوصاً منظم نماید گمان می‌کنم باید دولتین بتوسط یاک استقراض کافی سهولتی در اجراء مقاصد دولت جدید که در نظر دارد بدeneد آنوقت صاحب پولی خواهند بود که دولت حالیه ندارد و برای هر دولتی که بخواهد این غائله را جداً برطرف نماید این پول لازم است. کابینه‌های جدید نظر به بی‌پولی و بی‌استعدادی دولت راهی را که برای انتظام نقاط در نظر گرفته‌اند این است که اگر بتوانند بتوسط وعد و وعید اشخاص بانفوذ را سر کار آورده و اغتشاش نقاط را باندازه‌ای برطرف سازند. صد هزار لیره را که دولت روس در خیال کارسازی است برای پرداخت حقوق قشون که باید کسر شود صرف خواهد شد با بعضی از مصارف دیگر.

بارگلی

نمره - ۸۹

کاغذ سر بارگلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۷ ذون ۱۹۰۹ [۲۷ خرداد ۱۲۸۸] ۲۸ ج ۱ - [۱۳۲۷] از قلهک.

آقا

کمیته ۲۰ نفری که برای ترتیب قانون انتخابات تشکیل شده بود قانون مزبور را در ۱۰ این ماه تمام کرده و در ۱۳ پیشنهاد شاه نمود. لیکن هنوز از طرف شاه امضاء نشده است. اشخاصی که اساساً مسؤول این اقدام هستند عبارت از مشیرالدوله و مؤتمنالملک و صنبعالدوله و فرماننفرما و حسینقلیخان نواب و مستشارالدوله است. قانون جدید عده و کلاعه را به ۱۲۰ نفر رسانید در صورتی که قانون ۸ ماه سپتامبر سال ۱۹۰۶ [۱۶ آذر ۱۲۸۵] ۲ شوال ۱۳۲۴ [۱۵۶ نفر] مین کرده بود. (عده و کلاعه مطابق قانون اساسی ۱۹۲ الی ۲۰۰ نفر است). ترتیب انتخابات که در سال ۱۹۰۶ مستقیماً و طبقاتی بود حالاً غیرمستقیم و خارج از طبقاتی است. هر نقطه سه مقابل حق انتخاب خود با انتخاب بدروی تعیین کرده و از میان آنها یک نفر را انتخاب می نمایند.

ملکت را به ایالات و ایالات را به ولایات و ولایات را به نقاط تقسیم نموده‌اند که در موقع انتخاب نقاط و ولایات و کلای خود را پس از انتخاب به ایالت فرستاده و در آنجا با انتخاب جدید منتخب و به پایتخت خواهند فرستاد. اگر چه قانون انتخابات تعیین نکرده است که وکیل باید از اهل محل باشد ولی لازم است که در موقع انتخاب در آن نقطه حاضر باشد و بعد از فوت و یا استعفای وکیل مجلس عوض آنرا انتخاب می نماید. و با این ترتیب ممکن است همدرجاً تمام و کلاعه از طهران و تبریز انتخاب شوند. انتخابات ۱۰ روز بعد از آنکه شاه قانون را امضا نمود در طهران شروع می شود. و در ولایات بفاصله ۵ روز بعد از وصول نظامنامه خواهد شد.

شرایط وکیل موافق ترتیبات معموله است که راجع است به سن و اطلاعات و ذکوریت اگر چه شرط شده که و کلاعه دارای علاقه مالی بوده باشند ولیکن مشروط به علاقه ملکی نیست.

پس از حضور یک ثلث از و کلاعه مجلس برسمیت منعقد خواهد شد و مدت تشکیل رسمی مجلس دو سال است و بعد از آن دو مرتبه انتخاب می شوند. مسئله مواجب و کلاعه منوط به رأی مجلس است. مخارج عرض راه و کلاعه را از ولایات تا طهران می دهند. قوانینی که برای ترتیب انتخابات تعیین شده ناظر آن کمیته و اعضاء انجمن مشروطه ۷ اکتوبر ۱۹۰۷ [۱۴ مهر ۱۲۸۶؛ ۲۸ شعبان ۱۳۲۵] است (آرتیکل ۹۰ و ۹۳). این کمیته پس از امتحان منتخبین تعریفه رأی را خواهد داد. ماده دیگر از این قانون انتخابات برای پیچ ایل معروف (بختیاری و شاهسون آذربایجان و قشقائی فارس و ایل خمسه فارس و قرکمن) حق انتخاب می دهد که هر کدام از اینها یک نفر وکیل انتخاب می نمایند و همچنین برای هر کدام از ملل متوعه (ارمنی و کلدانی آذربایجان و یهود و زردهشتی) یک نفر وکیل تعیین شده است. در ۱۵ ماه شاه اعتراضات نیل را به قانون انتخابات نمود:

- (۱) انتخاب ایالات باعث تولید اختناش می شود چون ایالات منشعب به طایقه و اویه و

عشیره و غیره می‌باشند که متصل در میان هر جمعی نقاومتهای دائمی حکم‌فرما است و این مسئله سبب زیادتی اشکال خواهد شد.

۲) وکیل بعد از انقضای مدت انتخاب چرا باید دوباره انتخاب بشود.

ولی پس از حالتی کردند که این مسئله غیرممکن است چون هیچ وقت نمی‌شود اهالی را از انتخاب ثانوی وکیل جلوگیری کرد و اگر این مسئله را صورت قانونی بدهند برخلاف روح مشروطیت خواهد شد، لیکن امروز اعیان‌حضرت شاه اظهار نموده که آن اعتراضات خود را پس خواهم گرفت و قانون را بهمین ترتیب که مرتب شده امضاء خواهم کرد.

وزراء مایلند که مجلس سنا را تیز پر ترتیبی که مشروطه ۳۰ دسامبر سال ۱۹۰۶ [۸ دی ۱۲۸۵؛ ۱۴ ذی‌قده ۱۳۲۴] (آرتیکل ۴۳ الی ۴۸) معین نموده مقام افتتاح مجلس تشکیل بدهند لیکن در این اقدام دولت بسیاری از مردم ضدیت دارد و راه دفاع آنها عبارت از همان ماده ۴ مشروطه ۱۹۰۶ است. ماده فوق از اینقرار است: «ترتیب مجلس سنا را باید مجلس شورای ملی تصویب نماید.»^۱ لیکن این ماده مربوط به تشکیلات اساس سنا نیست بلکه آن ماده قوانین داخلی سنا را به عهده مجلس شورا محو نماید. وزراء مایلند که سنا را موافق ماده ۵ مشروطه ۱۹۰۶ تشکیل بدهند، به این معنی که سی نفر عضو آن را مردم انتخاب نمایند که ۱۵ نفر از طهران و ۱۵ نفر از ولایات باشد و سی نفر دیگر آن را شاه انتخاب کند و باز ۱۵ نفر از طهران و ۱۵ نفر دیگر از سایر ولایات. بارگذاری

نمره - ۹۰

کاغذ سر بارگذاری به سر ادوارد گری مورخه ۱۸ ژوئن ۱۹۰۹ [۲۸ خرداد ۱۲۸۸؛ ۲۹ جمادی - ۱۳۲۷] از قلهک.
آقا

افتخار دارم که ذیلا بر حسب معمول راپورت ماهانه خود را راجع به حوادث تقدیم نمایم.
بارگذاری

ضمیمه در نمره ۹۰

مختصری از حوادث ۴ هفته گذشته ایران طهران

اتفاق عمدۀ ۴ هفته اخیر عبارت از اتمام قانون انتخابات است. در ۱۰ این ماه انتظام شهر و شهیروانات به عهده لیاخف و اگذار شده و نتیجه این است که نظم خوب برقرار گردیده است. سیلاح‌خوریها که در تحت فرمان امیر بهادر جنگ در اردوی سلطنت‌آباد هستند اسباب (۱) این ماده در اصل قانون اساسی مشروطیت چنین است: «نظام‌نامه‌های مجلس سنا باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد.» - ۴

زحمت قلهک و سایر نقاط را فراهم می‌آورند. عین‌الدوله با عده‌ای قشون از تبریز مراجعت و در ۹ ماه ژوئن [۱۹ خرداد؛ ۲۰ ج ۱] وارد شد و روز بعد از ورود به حضور شاه رفت، احتمال دارد که عین‌الدوله عجالتاً در امورات دولتی مداخله نکند.

چرچیل

تبریز

در ۱۹ ماه مه [۲۹ اردیبهشت؛ ۲۸ ع ۲] ژنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم تبریز راپورت داد که مجاهدین قفقازی از شهر خارج و یا اینکه پنهان شده‌اند. از عموم مردم خلح سلاح شد اگر چه باز بیشتر اسلحه‌های خود را مخفی کرده‌اند ولی این ایام اشخاص مسلح در کوچه‌ها دیده نمی‌شود. قشون روس در شهر خیلی خوب رفتار می‌نماید.

۴ روز قبل مستر راتیسلو [راتیسلا] راپورت داد که استعداد پلیس در شهر زیاد شد و این اقدام برای این بوده که اسباب رضایت خاطر ستارخان و باقرخان را فراهم نمایند یا بن ترتیب که به هر کدام از آنها ۵۰ نفر پلیس سپرده شد و آنها نیز در عوض هر کدام ۲۰۰ نفر از اتباع خود را داخل نظمیه نمودند اگرچه آنها ابدآ راضی به اطاعت نایب‌الحاکمه نبودند.

از ابتداء معلوم بود که ستارخان و باقرخان خیال مزاحمت را دارند و بهمین دلیل ژنرال قنسول اعلیحضرتی وجود یک نفر حاکم مقتدر را لازم دیده و جزو راپورت خود می‌نمود. علاوه‌اندolle که به فعالیت و نفوذ معروف است به حکومت تبریز منصوب شد و پیش از اینکه به تبریز رسپار شود عازم طهران خواهد شد. در خصوص اغتشاش اهالی ارومیه و سلاماس از قرار معلوم سعید‌الممالک که از طرف ملتیان به حکومت سلاماس منصوب بود در ۱۳ ماه آوریل [۲۴ فروردین؛ ۱۲ ع ۲۲] وارد گردید و حکومت آن نقطه را در دست خود گرفت. تقریباً ۵ هفته حکمرانی کرد و در مدت حکومت خود اوضاع آن صفحات را منظم کرده بود لیکن بواسطه وجوهات زیادی که از متمويلین آنجا گرفت اهالی اظهار شکایت کردند و در اوایل ماه مه بتوسط مجاهدین محلی و جماعتی از اکراد رولوسیون برپا شد و سعید‌الممالک مجبور گردید که فوراً به سلاماس برود. در ۷ ماه ژوئن [۱۷ خرداد؛ ۱۸ ج ۱] مسیو راتیسلو [راتیسلا] راپورت داد که برای محافظت ویس قنسول ۴ نفر سرباز به ارومیه خواهند رفت. به آنها دستور العمل داده شده که از روسها و در صورت لزوم از اتباع خارج محافظت نمایند و بهیچوجه به امورات محلی دخالت نکنند.

رشت

سپهبدار که از چندی قبل در قزوین رئیس قشون ملتیان بود به حکومت گیلان و هزاران منصب گردید و از قرار معلوم به همین زوییها از قزوین به رشت حرکت خواهد نمود. قشون ملی قزوین در تحت سلاحند و محتمل است که تا مدت انعقاد مجلس مسلح بمانند.

استرایاد

از قرار معلوم ترکمنها را بعد از انجام خدمتگزاری شاه هر خص کرده‌اند لیکن بعضی آنها بواسطه نرسیدن حقوق شکایت نموده و مشغول چپاول شده‌اند و ۴ ده را غارت کرده و یکی را نیز آتش زده‌اند. ده دیگری موسوم به کلانتر محله مقاومت نموده و بعد از چندین ساعت جنگ ترکمنها را عقب نشانیده‌اند. استقرار مشروطیت اعلام شد و بطور خوشحالی از طرف اهالی پذیرفته شد. نفاق زیادی هنوز در بین مشروطیین و مستبدین باقی است.

مشهد

در هفتۀ اول هاه ژون رکن‌الدوله به سمت حکومت از طهران به مشهد حرکت نمود. در ۱۳ ماه مه [۲۴] اردی‌بهشت؛ ۲۲ ع [۲۵] شاه تلگرافاً (= تلگرافی) اطلاع داد که مشروطه سابق برقرار است. اهالی در کوچه‌ها جمع شده و اظهار شادمانی می‌نمودند ولی بدون اینکه از شاه اظهار تشکر نمایند چون همه می‌دانستند دولتین به شاه زور آورده‌اند. و این اقدام بوسیله آنها شده است.

دستۀ زیادی زوار غریب که در ۱۲ ماه مه به مشهد وارد شدند راپورت دادند که در نزدیکی میامی که در چهل میل شرقی شاهزاد واقع است دچار حملۀ ترکمنها گردیده‌اند و تقریباً ۴۰۰ نفر از آنها مقتول و ۴۰۰ لیره هم از اموال آنها به یغما برده‌اند. این خبر را گاریچیها که در راه طهران و مشهد کار می‌کنند تصدیق نمودند و اطلاع دادند که در ۸ ماه مه دسته‌ای از تراکم که عده آنها بالغ به ۳۰۰ نفر بود میامی را محاصره نموده و هر قدر که شتر و گوسفند ممکن بود به غارت بردن. در اوخر ماه مه غلامعلی که یکی از دزدان معروف است در نیشاپور با دویست نفر مشغول دزدی بود. تلگرافی از قنسول اعلیحضرتی رسید که در ۷ ماه ژون [۲۶] خرداد؛ ۱۵ ج [۲۷] سوء قصدی نسبت به کارگزار شد و یکی از متهولین را نیز در خانه خود کشته، در ۷ ماه ژون یک نفر در انجمن ایالتی کشته شد. و همچنین بیگاریگی را مقتول نمودند و در نزدیکی قنسولخانه‌ها تیراندازی زیادی کردند و چند تیر هم به قنسولخانه خورد. در ۹ ماه ژون به منزل رئیس پلیس که در نزدیکی قنسولخانه اعلیحضرتی واقع است حمله کردند و تقریباً ۴۰ تیر شلیک نمودند لیکن کسی کشته نشد.

تریت حیدریه

۱۶ ماه مه [۲۸] اردی‌بهشت؛ ۲۵ ع [۲۹] سوادی از فرمان شاه راجع به استقرار مشروطیت دم دروازه چسبانیدند لیکن ابدآ تأثیری در میان مردم نباشید. در ۱۷ ماه مه محمدخان دولت‌آبادی بادو نفر از خویشان خود به قنسولخانه پناهندۀ گردید. سالارخان و اسدالله با یک عده بلوچ قلعه او را تصرف نمودند و از قراری که مذکور شد در آن نقطه گنجی پیدا نموده‌اند و در سر آن مشغول نزاعند.

سیستان

اھالی سیستان عموماً بمحض دستورالعمل انجمن مشهد به مأمورین شاه در بیرجندهای نمی‌دهند. از قرار علوم حسام الدوّله ساعی بوده است که اقتدار شاه را در آن نقاط محفوظ بدارد ولی به مقصود خود نائل نگشته است.

اصفهان

ما بین خوانین بختیاری تا اواخر ماه مه نفاق مداومت داشت و هر چند که مصمم بودند نظر به تعهدات شاه قشون خود را هر خص ثمایند و در واقع هم عده‌ای را هر خص کرده بودند ولی راپورت دروغی رسید که قشون دولتی کاشان مأمورند که پطرف اصفهان حرکت نمایند. این راپورت سبب شد که ۲۰۰ نفر هر خص شده را دو مرتبه احضار نمودند. احتمال دارد که خوانین باستثنای سردار اسعد که تا ورود حاکم در اصفهان توقف خواهد نمود عموماً به ولایت خود مراجعت نمایند. تا یک اندازه تجارتخانه‌های انگلیس بواسطه نامنی راه اهواز که ثمرة نزاع مابین دستجات سردار هحتشم و صمصام‌السلطنه است نگرانی دارند. صمصام‌السلطنه عدم مسئولیت خود را از هر حادثه اظهار می‌نماید و می‌گوید هر اتفاقی که حادث بشود باید محرك آن را ایل کوهکلویه [=کوهکلولیه] دانست.

ژنرال قنسول اعلیحضرتی از طرف وزیر مختار انگلیس به خوانین یادآوری نموده است که دستجات بختیاری مسئول خسارات وارد به تجارتخانه انگلیس خواهند بود.

یزد

خبر استقرار مشروطیت که از طرف شاه اعلام شد هردم ابدآ اعتمادی نکردند و بخوشی نپذیرفتند. عقیده هردم این است که این اقدام شاه همچنان پیش از کردن فرصت است. یک عدد از اھالی برآتند که شاه می‌خواهد بوسیله این اقدام هردم را وادار به پرداخت دالیات نموده که پس از آن دوباره اساس مشروطیت را بر طرف سازد. کاروانی که از یزد پطرف مشهد می‌رفت در اواخر ماه آوریل بسلامت وارد تربت شدند. جز از راه مشهد تمام معابر بواسطه دستجات دزد مسدود است و تغییر رئیس سواران قره سوران نیز بی‌اثر ماند.

در مدت این چند هفته اخیر دو اتفاق بدی نسبت به پارسیها روی داده: اول اینکه یک نفر زرتشتی شراب فروش و مشتری بی‌جهت با تیر زد. بعد از چند روز فوت شد و قاتل در یکی از امامزاده‌ها متخصص گشت و پس از چند روز فرار نمود. دوم آنکه یک نفر جوانی که نزدیکی یزد با زور می‌خواست از یک پارسی پول بگیرد. پیر هردم پارسی نیگر که سابقاً از او هم پول گرفته بود خواسته است جلوگیری نماید زخمدارش کرده. زخم پیر هردم خیلی سخت است. مأمورین محلی نمی‌توانند اساس نظم را برقرار نمایند. وزیر مختار اعلیحضرتی در آن خصوص به سعد الدوّله پروتست سختی نمود و در جواب سعد الدوّله اظهار داشت که شاهزاده هؤیید السلطنه به حکومت آن نقطه منصوب و با استعداد کامل برای حفظ امنیت و انتظام حرکت خواهد کرد.

کرمان

صاحب اختیار از حکومت معزول و نظام‌السلطنه منصوب گردید ولیکن هنوز از طهران حرکت نموده و بواسطه بی‌حکومتی اوضاع کرمان بی‌اندازه خراب است. در اوائل ماه مه نایب حاجی ابراهیم به قنسولخانه پناهندۀ گردید ولی پس از آنکه اختیار شهر به عهده او واگذار شد از قنسولخانه خارج شد. در ۱۱ ماه زون قنسول اعلیحضرتی تلگرافاً [= تلگرافی] اظهار داشت که اوضاع شهر و اطراف بی‌اندازه خراب است و بزرگان شهر در تدارک مقدمات تحصن قنسولخانه هستند بدلیل اینکه ابدآ به شکایات آنها از طهران جواب داده نمی‌شود. در جواب یادداشت این مسئله سعدالدوله قول داد که نظام‌السلطنه را هرچه زودتر حرکت خواهم داد.

کرمانشاهان

ظهیرالدوله به حکومت منصوب گردید. انجمن محلی که در مشروطه سابق انتخاب شده بودند دو مرتبه مشغول کار شده‌اند لیکن در عوض اداره نمودن شهر مشغول مذاکرات و عملیات سیاسی می‌باشند.

همدان

در سکوت و خاموشی هی گذرانند. استعداد ملی که بنا بود از قزوین اعزام شود هنوز فرسیده است. راه کرمانشاهان و همدان که چندی بواسطه اغتشاش دزدها مسدود بود دو مرتبه باز شده است.

شیراز

صولت‌الدوله باز در اوضاع شیراز دخالت عمدۀ دارد. بر حسب دعوت مشارکیه قنسول اعلیحضرتی در ۲ ماه مه به اردوی او که بفاصله چند میل شهر واقع است رفته و در چندین مسئله مذاکره نموده است لیکن در خیالات شخصی خود یکلی ساکت بوده فقط اظهار داشت که خیلی هایل تادر سیاسیات شیراز دخالت تمامیم واز قوامیها بی‌اندازه دل‌آزرده و اظهار رنجش هی‌نمود و هی گفت که اصلا آنها جنساً بی‌حقوق هستند. همچنین اظهار می‌نمود که قوامیها نمی‌توانند دیگر بعداز این درایل عرب‌نافذ باشند. از ملاها بدگوئی می‌کرد و انجمن محلی شیراز را مستخره می‌نمود که بی‌قانونند. در خصوص شخص خود و ایل صحبت می‌کرد که می‌تواند تامدت یک ماه راه بوشهر را هنظام نماید ولیکن این اقدام وجوهات لازم دارد و او نمی‌تواند مطمئن باشد که مجلس یا شاه این مصارف را خواهند کارسازی کرد و بهمین ملاحظه اظهار می‌کرد که اگر بتواند هرچه زودتر از شیراز حرکت خواهد کرد و جزاینکه ایل خود را ساکت نگه دارد ایدآ به پلتیک دخالت نخواهد کرد.

از مذاکرات او همچو مستقاد می‌شد مسئله‌ای که هستر بیل سابقاً اشاره کرده بود که منصور‌السلطنه در خفا مشغول است که ریاست ایل عرب را از قوامیها بگیرد صحبت دارد.

در ۱۰ ماه مه صولتالدوله از اطراف شهر شیراز خارج شد و بطرف بیلاق خود رفت. در موقع حرکت صولتالدوله حکومت احترامات فوق العاده را منظور داشته و تا ۵ میل خارج شهر مشایعت کرد. حکومت سعی کاملی داشت که او را با قوام صلح پدهد و قوام هم در یکی از باغات شهر منتظر بود که از طرف حاکم خبر داده شود تا به ملاقات صولتالدوله برود، لیکن صولتالدوله دیدن او را قبول ننمود.

اعلان استقرار مشروطیت هیچ اثری در مردم نکرد. حتی مشروطه طلبها نیز ابداً اطمینان به این اعلان ننموده و منتظر جزئیات قانون مشروطیت هستند. بطریق معمول اهل شیراز مشغول پلتیک داخلی خود میباشند. حقیقت کلام این است که هیچکس از قول و امضای شاه اطمینان ندارد. مردم خیالات خود را از اقدام صولتالدوله بطرف اوضاع لار معطوف داشته‌اند و از آنجا هم اخبار متضاد متصل واصل میگردد. نصرالدوله قطع نظر از اینکه فتح کرده یا شکست خورده موقع مهم و خطرناکی دارد چون بنا به اصرار ملتیان حکومت مشارالیه را احضار کرده ولی مشارالیه امکان مراجعت تدارد بجهت اینکه همراهان نصرالدوله نه چنان با سید عبدالحسین بد هستند که این حکم را قبول نمایند و بعلاوه از طرف سید عبدالحسین چندین ماه است که به اهالی متصل اخطار میشود که نصرالدوله و برادرش کافر و واجب القتل هستند. در ۱۵ ماه مه [۲۵ اردیبهشت؛ ۲۴] حاجی علی‌آقا کهیکی از ملاهای خیلی مشروطه طلب است بدون هیچ مقدمه با پسر خود به قنسولخانه پناهنده شد و اظهار مینمود که تلگرافی از بندر عباس برای او رسیده است که نصرالدوله لار را تصرف نموده و سید را کشته و بعد اهالی را غارت کرده. همچنین اظهار میگردد که هیچ اطمینانی از آصفالدوله نخواهد پذیرفت چون آصفالدوله مکرر به انجمان اظهار نموده است که نصرالدوله به لار نخواهد رفت. با وجود این خلاف این مسئله را اجراء نموده است و جز اینکه از طرف سفارت به مشارالیه اطمینان داده شود از قنسولگری خارج نخواهد شد. بعلاوه اظهار مینمود که ممکن است عده‌ای از ملتیان نیز مثل او به قنسولخانه متحصن شوند. ۸ نفر از اشخاص معروف دیگر نیز به قنسولخانه پناهنده شدند و عده زیادی از مردم هم در بیرون قنسولخانه جمع واز قوام شکایت مینمایند.

بالاخره مستر بیل پس از آنکه با حاکم و قوام ملاقات نمود و اطمینان کتبی گرفت تمام هتھصین را غیر از حاجی علی‌آقا از قنسولخانه خارج [کرد] و جمعیت نیز متفرق شدند، ولی بازارها چند روز است بسته و در مساجد برای سید ختم گذاشته‌اند. غوغای قدری خاوهشی پذیرفته و مابین آصفالدوله و قوام در خصوص اعزام نصرالدوله نزاع است.

آصفالدوله اظهار مینماید که نصرالدوله را هن تفرستاده‌ام ولی قوام میگوید که بمحض حکم کتبی تو بوده است که نصرالدوله به لار رفت. قوامیها بیشتر به عطاءالدوله حمله میآورند که محرک فته و غوغای هفتة گذشته او بوده است.

در ۲۱ ماه [۳۱ اردیبهشت؛ ۲۰] در کوچه به یکی از ملاهای معروف حمله برداشت و کتک زیادی زدند بطوری که جانش در خطر بود. روز بعد نیز در همان محل ملای دیگری دچار حمله گردید. عطاءالدوله به همین دلیل کددخایی محل را یچوب بست.

اهمی آن محله شروع به اغتشاش نموده و با محله قوام همدست شده‌اند. عطاءالدوله از قوام خواهش نمود که، هالی محله خود را ساکت‌نماید و مشارالیه چواب‌داده است که این اقدام در صورتی می‌تواند انجام پذیرد که عطاءالدوله را معزول نمایند.

از تلگراف مورخه ۳ ماه مه چنان معلوم می‌شود که نصرالدوله تلگرافاً [= تلگرافی] به شاه شکایت نموده است که حاکم از روی تحریک بعضی از اعضاء انجمن مشارالیه را از لار احضار نموده در صورتی که کلیه این اقدامات پس از زحمات دوسره به حکم خود شاه بوده است. بنابراین استدعا کرده است تا جواب این تلگراف را بتوسط برادرش قوام مخابره نمایند.

طرق و شوارع فارس در نهایت ناامنی و پستزنی زیاده از حد معمول شده است. در نزدیکی کنار تخت [کنار تخته؟] مابین هردم نزاع سختی سر گرفته که در آن نزاع تلگرانخانه «هند و اروپ» را محاصره و اسباب خسارت را فراهم آورده‌اند. حاکم یک‌عدد سربازی برای محافظت اداره تلگرانخانه فرستاده است. از قرار معلوم در وقتی که کفیل ژنرال قنسولگری روسیه بوشهر به شیراز می‌آمده است دچار چند تیر شلیک می‌شود. اسب مواری او با یک اسب دیگر تیرخورده و کشته شدند. تجار معتبر ایرانی شیراز تلگرافاً [=تلگرافی] از بی‌نظمی ولایت و بی‌لیاقتی حاکم به وزیر داخله شکایت نموده‌اند. برای استقرار آسایش عموم بهترین وسیله عبارت از تعیین حکومت مقندر تواند بود.

حاکم رسماً به قنسولخانه اعلیحضرتی اعلام نموده است که صولت‌الدوله انتظام وامنیت نصف راه فیروزآباد و بوشهر را به عهده خود گرفت. بهاین زودی نمی‌شود تصدیق کرد که این تعهد واجب آن تواند شد که دوباره تجارت به مرتبه اولیه خود برگشته و انتظام برقرار شود.

خوب است که برای نمونه انتظام این صفحات قضیه‌ای را که چندی قبل واقع شده هنری باب مثل ذکر نمایم.

چندی قبل حکومت می‌خواست مکتوبی به رئیس ایل قشقائی بفرستد، نظریه ناامنی راه قاصد پیدا نمی‌کرد. در ۱۱ ماه ۵۵ [۲۱ اردیبهشت؛ ۲۰ ع ۲] صد نفر از سربازهای فوج ۴ محل [چهارم‌حال؟] بواسطه نرسیدن حقوق به قنسولخانه پناهنده شدند. هستر بیل در این خصوص با حاکم مذاکره غیر رسمی نمود و حاکم نیز قول داد که حقوق آنها را بپردازد و لی تا آخر ماه ۵۵ سربازها در قنسولخانه مستحسن بودند.

بنادر فارس

بوشهر

در ۲۷ ماه آوریل [۷ اردیبهشت؛ ۶ ع ۲] صد نفر سرباز بواسطه نرسیدن حقوق به قنسولخانه انگلیس پناهنده شدند. در ۶ ماه مه [۱۶ اردیبهشت؛ ۱۵ ع ۲] بعداز رسیدن مقداری از حقوق، سربازها راضی شدند که از قنسولخانه خارج بشوند و اطمینان کتبی به ژنرال قنسول اعلیحضرتی داده شد که سربازها را به ملاحظه این اقدام مجازات نمایند. اوضاع گمرک بوشهر به حال طبیعی برگشته است.

چندی بود که عایدات گمرک بواسطه ناامنی راهها خیلی نقصان پذیرفته بود. پس از وضع مخارج گمرک و مقدار پولی که برای حفظ انتظام به حاکم می‌دادند مبلغ ۱۲۰،۰۰۰ تومان باقی می‌ماند و آنرا هم در حساب پول استقراض که به دولت ایران داده با تنزیل به پانچ شاهنشاهی می‌دادند.

در ۱۹ و ۲۰ ماه هه [۲۹ و ۳۰ اردیبهشت؛ ۲۸ و ۲۹ ع ۲] استعداد بحری انگلیس از شهر خارج شد و بعداز ورود دریابیگی نظم بخوبی برقرار گشت جز اینکه سید مرتضی که بواسطه حرکات خود موجبات عدم آسایش و آسودگی عموم را فراهم می‌نمود یک دسته تنگستانی را وارد شهر کرد لیکن دریابیگی با اقدامات مجدانه آنها را از شهر خارج واز قرار راپورت ۹ ماه ژوئن [۱۸ خرداد؛ ۱۹ ج ۱] خود سید مرتضی را نیز حبس کرده است.

بندر عباس

در تمام مدت ماه آوریل سید عبدالحسین لاری متصل به ملتیان بندر عباس سفارش می‌داد که گمرک را توقيف نمایند. در جواب اهالی که این اقدام امکان‌پذیر نیست با اعزام قشون و اجرای حکم خود مردم را تهدید می‌کرد و این حرکات باعث اضطراب اهالی می‌شد و هر چند که در ماه هه نصرالدوله لار را تصرف نموده واز قرار راپورت خود سید را نیز حبس کرده بود باز در ۲۹ ماه هه ژنرال قنسول اعلیحضرتی راپورت داد که اهالی بندر عباس به احتمال آمدن سید مضطرب و پریشانند و پیشنهاد کرده بود که از دولت ایران درخواست شود که در دفع سید اقدامی نمایند.

در جواب مذاکرات من با سعدالدوله مشارالیه اظهار داشت که عجالتاً برای دولت هبیج قسم امکان ندارد.

بمالحظه تهدیدات یک نفر، میر برکت‌خان، با عدد زیادی از بلوچ نسبت به اهالی میناب، هندیهای تبعه انگلیس مقیم میناب در ۱۲ ماه آوریل با تمام اثاثیه^۱ خود به بندر عباس آمدند.

لنگه

احکام مکررة سید عبدالحسین لاری که برای توقيف گمرک و عزل رئیس خطاب به ملتیان صادر می‌شد بکلی بی‌اثر ماند. اعلانی که با مهر سید در تمام بازارها چسبائیده بودند راجع به اینکه هر کس گمرک بدده ملتیان می‌توانند او را جریمه نمایند از طرف حکومت پاره شد.

ماژور استوکس آتابه میلیتر سفارت انگلیس

آقا

افتخار دارم که سواد قرارنامه استقراضی را که در تلگراف اول ماه ژوئن راپورت داده بودم تقدیم نمایم.

همکار روس من قرارنامه مذکور را به دولت متبوعه خود فرستاده است که تصویب نمایند. همیو سابلین اطلاع داد که از دولت متبوعه او جواب رسیده است. در آن جواب دستور- العمل می‌دهند نماینده بانک که در آرتیکل اول مذکور است باید آن را سفارت روس و رئیس بانک تعیین نمایند و آن نماینده بدون اجازه همیو سابلین نمی‌تواند به دولت ایران پولی کارسازی نماید و با شرایط فوق قرارنامه قبول شد. در خصوص هصارف، دستور العمل برای همیو سابلین رسیده است که محل مصرف عمدۀ عبارت از پرداخت حقوق عقب‌افتاده قشون و مخصوصاً بریگارد قزاق و حقوق عقب‌افتاده سفرای خارجه ایران است.

بارگلی

۹۱ ضمیمه در نهره

صورت قرارنامه استقراض

مابین دولت امپراطوری ایران به نماینده‌گی جناب وزیر امور خارجه و کفیل ریاست وزراء و بانک استقراضی ایران به نماینده‌گی «همیو اکرام‌پنلاروف»، نظر به اجراء داشتن اعلیحضرت شاه هواد اول تا پنجم نصایح دوستانه‌ای راکه‌از طرف دولتین روس و انگلیس به ایشان پیشنهاد شده بوده در خصوص استقرار اساس مشروطیت در ایران و بسط آسایش و امنیت در هملکت‌بطوری که در هاده ششم این پروگرام مقرر است فقرات ذیل قرار داده شد.

هاده اول: بهامر دولت امپراطوری ایران دولت امپراطوری روس مبلغ دو میلیون و پانصد هزار فرانک که به بانک استقراضی ایران در طهران تأديه شده به تصرف دولت ایران واگذار می‌کند به ملاحظه شرایط ذیل:

شرط اول: مبلغ مزبور فوق مقرر است که برای انجام مصارف فوری لازم در اجرای اصلاحات از روی پروگرامی که مابین سفارت روس و دولت ایران مقرر خواهد شد خرج بشود.

شرط دوم: هر حواله باید بر حسب حکم وزیر مسؤول آن وزارت‌خانه بوده و به امضای وزیر مالیه رسیده باشد به این عبارت «ملاحظه شده، پرداخته شد».

شرط سوم: مابین دولت ایران و سفارت روس یک نفر تحویل‌دار معین می‌شود که مأموریت آن عبارت از پرداخت مخارجی خواهد بود که باید این پول به آن مصرف برسد.

شرط چهارم: هیئت وزراء باید محل مصارف این پول را به مجلس نشان بدهند.

هاده دوم: این مساعده به همان ضمانت قروض گذشته سال ۱۹۰۲ [۱۲۸۰] ش ۱۳۱۹ ه] بین دولت ایران و بانک استقراضی خواهد بود.

هاده سوم: مبلغ تنزیل درصدی شش مقرر است که در سر هر شش ماه پرداخته شود.

ماده چهارم: این قرارداد نسختین به زبان فارسی و فرانسه به یک مضمون نوشته شده است.

طهران

www.adabestanekave.com

نمره - ۹۳

صورت یادداشتی که در پنجم ماه ژوئیه سال ۱۹۰۹ [۱۴ تیر ۱۲۸۸ ج ۲ - ۱۳۲۷] کنت بنکاندورف [بنکنندورف]، سفير کبیر دولت روسیه مقیم لندن به وزارت امور خارجه انگلیس فرستاده است:

با وجود اقداماتی که دولت شاه بروفق نصابیح روس و انگلیس برای برقراری حکومت ملی و انجام اصلاحات لازمه کرده است باز هم حرکات رولوسیونرها در مرکز ایران خاموش نشده است.

اقداماتی که سفارتبین روس و انگلیس برای جلوگیری از پیشآمدن بختیاریها در تحت فرمان سردار اسعد (یکی از خوانین ایل بختیاری) و رولوسیونرها قزوین و رشت و اشخاص بی سروپای هرزه گرد تقفازی در تحت فرمان سپهبدار حاکم گیلان نموده بودند تاکنون بی اثر هانده است.

قشون مخالفین شاه متدرجأ به طهران نزدیک می شوند و در پایتخت هم عناصر قوی با آنها همراه هستند و از حالا آثار هیجان در آنها مشهود است.

پس از ملاحظات دقیقه اوضاع مشروحة فوق، دولت امپراطوری مصمم شده است که پلیتیک روسیه را در ایران به همان اساس عدم دخالت در امورات داخلی مملکت و نزاع هایین شاه و ملت با قطع نظر از نتایج آن امتداد و پایدار نماید. لیکن باید یک مسئله را دائمآ منظور نظر خود نموده و فراموش نکنیم که ورود بختیاریها و رولوسیونرها به طهران ممکن است که باعث مخاطرات عظیمه برای سفارتخانهها و تجارتخانهها و اتباع خارجه بشود. بعلاوه، بموجب اطلاعاتی که داریم برای راه انزلی و طهران ما مخاطرات زیادتر خواهد بود چون قشون منظم ایران عبارت از بربگاد قزاق است که عدهشان خیلی کم و بالقطع از برقراری نظم عاجز خواهد بود. نظر به ملاحظه این پیشامدها طبعاً مجبوریم که برای حفظ اتباع خود و خارجه اقدامات لازم را نموده و راه انزلی و طهران را هر طور که باشد امن نگاهداریم.

نظر به این مقصود مصمم هستیم فوراً یک دسته مرکب از یک فوج قزاق و یک باتالیون پیاده و یک باطری توپخانه از بادکوبه به انزلی عزیمت دهیم. قشون مذکور از قزوین جلوتر نخواهد رفت و حافظ نظم راه خواهد بود مگر به اتفاق، حوادثی پیش رفتن را تقاضا نماید و سفارت امپراطوری طهران حکم کند. البته این هم در وقت ظهور خطر بزرگی خواهد شد.

به رئیس قشون دستور العمل لازم داده شده است که مقصود مافقط حفظ سفارتخانه و اتباع روس و خارجه است و نباید در امور داخلی مملکت و پلیتیکی ایران دخالت نمایند.

قشون روس تا مدتی در ایران توقف خواهد کرد که مال و جان اتباع خارجه و سفرای دول کسب امنیت نمایند.

مورخه چهارم ژویه ۱۹۰۹ سفارت روسیه در لندن

نمره - ۹۳

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری، مورخه ۵ ژویه ۱۹۰۹ [۱۴ تیر ۱۲۸۸ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

مستر چرچیل و مازور استوکس از پیش سردار اسعد و سپهبدار مراجعت کردند. از قرار معلوم مذاکرات متحده‌المال سفارتین به هیچ کدام از رؤسای ملتیان اثری نیخشیده است. سپهبدار تقاضای چندی پیشنهاد کرده و قول داده است تا فردا ظهر منتظر جواب بشود. به عقیده مازور استوکس، شکست دیروزی بهیچوجه ملتیان قزوین را مأیوس نکرده است.

نمره - ۹۴

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۵ ژویه ۱۹۰۹ [۱۴ تیر ۱۲۸۸ ج ۲ - ۱۳۲۷] از طهران.

ذیلاً مجملی از مراسله ملتیان طهران است که به سفارت فرستاده‌اند: «مشروطه طلبهای ایران با وجود اینکه حرکت قشون ملی رو به طهران فقط برای این است که از شاه درخواست اجرای قول خود را نمایند تأسف دارد که در بعضی نقاط این اقدام را برای اذیت اتباع خارجه تعبیر می‌نمایند.

این خیال بکلی بی‌اصل است و اتباع خارجه در خطر ملتیان نیستند و جان و مالشان همیشه در آمان است و در موقع لزوم خود ملتیان منافع آنان را حفظ خواهند کرد.»

نمره - ۹۵

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۵ ژویه ۱۹۰۹ [۱۴ تیر ۱۲۸۸ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

مسیو سابلین به ژنرال قنسول روس مقیم تبریز دستور العمل فرستاده است که با تفاق ژنرال قنسول عثمانی ترتیب حرکت ستارخان و باقرخان را فراهم نمایند. امنیت آنها تا باطوم به عهده ژنرال روسی است و در صورتیکه بعد از مراجعت قشون روس از تبریز دو مرتبه ستارخان و باقرخان بخواهند به تبریز هر اجتنب نمایند تا جلفا آنها را سلامت خواهند رسانید.

ژنرال قنسول عثمانی در مسئله ضمانت اموال آنها ترتیب خاصی با دولت ایران خواهد داد.

نمره - ۹۶

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۵ زویه ۱۹۰۹ [۱۴ تیر ۱۲۸۸] ج ۲ - [۱۳۲۷] از قلهای.

تقاضاهای سپهبدار به قرار ذیل است:

- ۱) اجازه داده شود که او و سردار اسعد هر کدام با صد و پنجاه نفر برای مذاکره مطالب ذیل به طهران آیند.
- ۲) دول همچوار قشون خود را از خاک ایران خارج نمایند.
- ۳) تا هدتی که مجلس منعقد نشده انجمنهای ولایات وزراء را معین نمایند.
- ۴) اشخاصی [را] که مردم از آنها اطمینان ندارند و وجود آنان را خائن می‌پندازند نفی پلد نمایند.
- ۵) اشخاصی که سابقاً در قشون نبودند و بیتازگی مسلح شده‌اند آنها را خلع سلاح نمایند.
- ۶) قشون در تحت حکم وزیر جنگ گذاشته شود.
- ۷) حکام محل بتصویب انجمنهای محلی انتخاب شوند.
- ۸) وزیر پست و تلگراف معزول بشود.

من و همکار روس من به سپهبدار اطلاع دادیم که تقاضای او را پیشنهاد به دولت متبعه خود نمودیم. چون ماده ۴ و ۷ این پیشنهاد در تحت پروگرام دولتین است اگر ایشان راضی بشوند ما آنها را به شاه پیشنهاد خواهیم کرد والا پیشنهاد ما بکلی بی‌ثمر است.

نمره - ۹۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر بار کلی مورخه ۵ زویه ۱۹۰۹ [۱۴ تیر ۱۲۸۸] ج ۲ - [۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.

متحدالمآل بنکاندورف [بنکنیدورف] در خصوص اقدامات دولت روسیه که در نظر دارد برای من رسیده است.

من جواب دادم اگر اوضاع اینطور خطرناک باشد که اعزام قشون را لازم بداند البته نظر به مواد متحدالمآل که اقدامات قشون را واضح و محدود نموده است من خرسند خواهم شد و نیز اظهار داشتم که تجربیات به ما معلوم نموده است که هر نوع دخالتی ممکن است اشکال و زحمتی تولید نماید و بهمین ملاحظه حس هیچایم که لازم است پیشامد این قسم مخاطرات را خاطرنشان نمایم. بعلاوه گفتم در روابط حسنی که بین ما و دولت روسیه موجود است در این اقدام لشکرکشی بهیچوجه لطمهدبردار نخواهد شد و هر اتفاقی که رخ بدهد آرزوی صمیمانه من این است که حفظ روابط دوستانه خود را با مسیو ایزولسکی [ایسولسکی] نموده باشم.

نمره - ۹۸

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۶ زویه ۱۹۰۹ [۱۵ تیر ۱۲۸۸] ج ۲ - [۱۳۲۷] از قلهک.

اعزام قشون روس

هسیو سابلین به من اطلاع داد که دستورالعمل دارد تا دولت ایران و دسته ملتیان را از فرستادن قشون روس مطلع سازد و مأمور است توضیحاً بیان نماید که مقصود اصلی فقط حفظ جان و مال اروپاییها است ولی اگر برای منافع اتباع خارجه در طهران مخاطراتی عارض نشود از قزوین حرکت نخواهد کرد.

نمره - ۹۹

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۶ زویه ۱۹۰۹ [۱۵ تیر ۱۲۸۸] ج ۲ - [۱۳۲۷] از قلهک.

قنسول روس و انگلیس از شیراز بحسب راپورت اوضاع آن صفحه را خرابتر نشان می‌دهند و من با مستر بیل در خصوص اقدامات لازمه مشغول مذاکره هستیم، به نظر من بر حسب تلگرافات قنسولها هر دقیقه احتمال دارد که آتش فتنه در شهر شیراز بالا بگیرد.

www.adabestanekeave.com

نمره - ۱۰۰

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۷ زویه ۱۹۰۹ [۱۶ تیر ۱۲۸۸] ج ۲ - [۱۳۲۷] از قلهک.

رئیس ملتیان [در] جواب متحدمالملکی که برای من و همکار روسم فرستاده است معلوم می‌دارد که سفارتین نمی‌توانند آنها را از حرکت رو به پایتخت منصرف بدارند. در آن جواب اسمی از اظهار مساعدت ما در خصوص عزل وزیر پست و تلگراف و اخراج خائین مسیو نمایند این شکل مشروطه ابدآ ثمری نخواهد بخشید که مسیو نمایند و خائین مصادر امور واقع بشوند. بعلاوه تأخیر زیاد در نشر قانون انتخابات می‌نمایند و اقداماتی که تاکنون نموده‌اند تماماً بر خلاف حقوق مسلمه و قانون اساسی ایران بوده است. به همین ملاحظه مشروطه طلبها بر حسب اقتضای موقع لازم می‌دانند که برای اضمحلال خائین اقدامات کافیه خود را نموده باشند. دولت ایران پس از تحصیل اطمینان به معاهده دولتین با همیگر که آزادی ایران را باید محترم شمارند گمان می‌کنند که در درخواست حقوق ملی خود آزاد می‌باشند.

دیروز قانون انتخابات منتشر گردید. من به سعدالدوله اصرار نمودم که سواد این

قانون را برای سپهبدار و سردار اسعد پفرستد.

نمره - ۱۰۱

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۷ زویه ۱۹۰۹ [۱۶ تیر ۱۲۸۸ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

همکار روس من اطلاع داد که می خواهد به دولت متبوعه خود تلگراف نماید هرچند که قانون انتخابات را منتشر نمودند ولی نظر به اقتضای وقت اگر از طرف دولت روسیه به شاه درباب پول مساعدت نمایند در نظر عموم طور دیگر ملاحظه افتاده بعلاوه خیلی مشکل است که در این موقع اطمینان کرد که این وجه به مصارف اصلیّه منظور و مخصوصاً برای پرداخت حقوق قشون شاه صرف بشود.

نمره - ۱۰۲

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۷ زویه ۱۹۰۹ [۱۶ تیر ۱۲۸۸ ج ۲ - ۱۳۲۷] از طهران.

ذیلاً تلگرافی است که در ۵ ماه زویه از بوشهر رسیده است. مراسله‌ای از انجمن محلی به امضا ۵ نفر از علمای بزرگ و ۵ نفر از تجار معتبر پرای من رسیده است و مفاد آن مراسله این است: نظر به حوادثی که در نقاط دیگر اتفاق افتاده لازم است انجمن بعد از این ادارات دولتی و گمرکات را در تحت نظارت مستقیم خود نگاهداری نماید. پس عایدی گمرک پایید به اطلاع یک عدد از اعضای انجمن به اسم ملت به بانک شاهنشاهی سپرده شود. انجمن ادعای دولت انگلیس را در خصوص مقداری از عایدات گمرکی تصدیق نموده و ضمناً اظهار می‌دارد که بعد از ارائه استاد راجعه به این مسئله ترتیبی برای پرداخت اصل و فرع که از گمرکات بوشهر و بندرعباس باید داده شود با ژنرال قنسول قرارداد خواهد شد. در آن مراسله از بندر لنگه اسمی نبرده ولی گمان می‌کنم که آنجا هم داخل بوده باشد.

بعلاوه در آن مراسله مذکور بود که احترامات لازمه از قنسولخانه و مأمورین انگلیس نموده جان و مال اتباع کاملاً محفوظ خواهد بود. در آخر آن مراسله همراهی انگلیس را در حفظ حقوق ملت ایران عموماً و در این مسئله خصوصاً تقاضاً نماید.

نمره - ۱۰۳

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۸ زویه ۱۹۰۹ [۱۷ تیر ۱۲۸۸ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

تلگراف ذیل از ژنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم بوشهر مخابره شده است. مراسله‌ای که

در تلگراف قبل خود بیان نمودم از قرار معلوم نتیجه دستورالعمل انجمن تبریز و علمای نجف بوده و سید اسدالله نجفی که با حاکم به بوشهر آمد حامل این دستور بوده است. امروز دریابیگی در خصوص این هستله با من ملاقات کرد و گفت مقصود عمدۀ رؤسای ملت این است که عایدات گمرکی به طهران فرستاده نشود. دریابیگی خواهش می‌کرد که عقیدۀ خود را در خصوص هراسله انجمن به او اظهار دارم ولی جواب دادم که رسمًا تمی توائم به این مراسله جواب بدhem تا زمانی که از سفارت متبعۀ خود دستورالعمل داده شود. به عقیدۀ من این اقدام انجمن تا یک اندازه تندروی و غیرلازم بوده، علاوه باعث نتایجی خواهد شد که جاوگیری از آن مقصود عمدۀ ما هست.

من به دریابیگی خاطر نشان نمودم که در نقاط بنادر فارس هیچ فرقۀ ارتیاعی که دربارۀ آنها احتمال مخالفت ناده شود به نظر نمی‌آید پس اگر مشروطه طلبها صبر کرده و منتظر اقدامات طهران شوند چیزی را گم نخواهند کرد.

نظر به مطالب فوق شخصاً انجمن را نصیحت می‌نمایم که از اقدامات و پیشنهادهای خود صرف‌نظر نمایند. پیغام شفاهی به انجمن فرستادم که پس از رسیدن دستورالعمل جواب رسمی داده خواهد شد.

نفره - ۱۰۴

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۸ زویه ۱۹۰۹ [۱۷ تیر ۱۲۸۸ ج ۲ - ۱۳۲۷] ازا قلهک.

به سفارتخانهای خارجه از طرف سپهدار تلگرافی که متنضم مذاکرات ما با ایشان و تقاضاهای او از شاه و جوابهای ما راجع به آن تقاضاها است مخابره شده. سپهدار در آن تلگراف اظهار می‌نماید که اگر دربار بنا به نصایح نمایندگان تقاضاهای ملت را در استقرار مشروطیت قبول کرده و در اجرای آن اقدامات لازمه نمایند. اتباع هن نسبت به شاه خادم حقیقی بوده ولی اگر بواسطۀ تعویق انجام مسائل مذکوره مجبور باشند که خود اقدامات مجدانه نمایند البته این اقدام در نزد تمام عالم پسندیده و حرکت عادلانه محسوب خواهد شد.

www.adabestanekave.com

نفره - ۱۰۵

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۸ زویه ۱۹۰۹ [۱۷ تیر ۱۲۸۸ ج ۲ - ۱۳۲۷] ازا قلهک.

مسیو سابلین به من اطلاع داد که قشون اعزام شده به انزلی هر کب از ۵۰۰ نفر قزاق و یک باطری ۴ توپی و یک باتالیون پیاده است. احکام صاحب‌مقبان فرمانده قشون را برای من قرائت نمود مخصوصاً آن احکام مقصود از فرستان آنها را به ایران بخوبی

علوم می دارد. دیروز صبح قسمتی از این قشون وارد انزلی شدند.

نمره - ۱۰۶

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۰ زویه ۱۹۰۹ [۱۹ تیر ۱۲۸۸] ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

سردار اسعد و سپهبدار به وزیر امور خارجه که برخلاف حکم طبیب^۱ مشغول کار است تلگراف نموده اند.

سعدهالدوله جواب داده است که حاضرم با نهایت آنها در مسئله مشروعی که اسباب صلح خواهد بود مذاکره نمایم، در ضمن همین جواب خاطرنشان نموده است بعضی از تقاضاها که برخلاف قوانین مشروطیت است از طرف شاه پذیرفته نخواهد شد.

نمره - ۱۰۷

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۱ زویه ۱۹۰۹ [۲۰ تیر ۱۲۸۸] ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

ذیلا تلگرافی است که به تاریخ دیروز از کفیل ژنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم شیراز مخابره شده است.

من از یک مخاطره بزرگی که در پیش است اطلاع تحصیل کرده‌ام ولی آن خطر در این زوایها واقع نخواهد شد. خطر این است که سید لاری پنا به دعوت حکومت با استعداد کافی برای سرکوبی قوام رو به شیراز می‌آید.

سید لاری که مشهور به هرزگی است اگر موفق به آمدن شیراز بشود جای ترس دارد که به قنسولخانه روس اذیت نماید.

همکار روس من خیال دارد که بر قزاقهای مستحفظ خود بیفزاید. ممکن است اطلاع بدھید که در صورت لزوم می‌شود از بوشهر به اینجا استعداد رساند

نمره - ۱۰۸

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۱ زویه ۱۹۰۹ [۲۰ تیر ۱۲۸۸] ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

خواهش دارم تلگراف مرا که متنضم تلگراف دیروز هستر بیل است ملاحظه فرمایید و من در جواب تلگراف ذیل را مخابره کرده‌ام.

خواهش دارم به حکومت اطلاع دهید که او شخصاً مسؤول خساراتی خواهد بود که از ۱ - به همین گونه است دراصل. - ۲.

آمدن سید لاری به شیراز و اغتشاش شهر به اتباع انگلیس وارد آید. من به دولت ایران اصرار می‌نمایم که دستورالعمل لازمه به حکومت شیراز بدهند که حتی‌الامکان از آمدن سید لاری جلوگیری نماید. از مسیو سابلین خواهش نمودند که همین دستورالعمل را به همکار روس شما بفرستد. جمله اول تلگراف شما را برای ژنرال قنسول اعلیحضرتی فرستادم و در خصوص اعزام استعداد به بوشهر در صورت لزوم مذاکره خواهم کرد. خوب است شما چویا بشوید که چه اندازه استعداد کافی است.

نفره - ۱۰۹

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۲ ژویه ۱۹۰۹ [۲۱ تیر ۱۲۸۸] ج ۲ - [۱۳۲۷] از قلهک.

دولت ایران از رؤسای ملتیان دعوت نموده است که برای مذاکرات از طرف آنها نماینده فرستاده شود.

(خواهش دارم تلگراف مورخه ۱۰ ژویه مرا ملاحظه فرمایند).
برای من و همکار روس بحترین موقع مناسبی است که نفوذ خود را برای اصلاح طرقین بکار ببریم.

ما به رؤسای ملتیان اطمینان دادیم که به عقیده ما هر تقاضائی که از طرف آنها بشود به شرط آنکه موافق اساس مشروطیت باشد مقبول شاه خواهد گردید در صورتی که آنها هم از طرف خود نماینده بفرستند.

نفره - ۱۱۰

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۲ ژویه ۱۹۰۹ [۲۱ تیر ۱۲۸۸] ج ۲ - [۱۳۲۷] از طهران.

طهران

از ۱۰ ماه ژویه تاکنون در ۱۴ میل غربی شهر جنگ شروع شده است. سردار اسعد و سپهبدار از طرف ملتیان و امیر مفخم که یکی از خوانین بختیاری است با عدهٔ قلیلی از همراهان خود از طرف دولت در آن جنگ حضور نارند. از قراری که شنیدم ممکن است امتداد پیدا نماید ولی عحالتاً شدت ندارد اگرچه از جزئیات اطلاع ندارم.

نفره - ۱۱۱

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۲ ژویه ۱۹۰۹ [۲۱ تیر ۱۲۸۸] ج ۲ - [۱۳۲۷] از قلهک.

از قراری که من اطلاع حاصل کردم اوضاع حالية شیراز این است که آصف‌الدوله برای

سرکوبی قوامیها فشقائی و سید عبدالحسین لاری را احضار نموده است. قوامیها هم اگر بخواهند میتوانند ایل عرب اطراف را به حمایت خود احضار نمایند. اینقدر که میتوانم پیشبینی نمایم این اوضاع را فقط ظلالسلطان میتواند خاموش نماید. ولی برای اینکه در اوضاع عجالت‌آ بهبودی حاصل شود فقط اعلان حکومت ظلالسلطان بینتیجه نخواهد بود. بد همین دلیل من و همکار روسم به دولت ایران اصرار مینماییم که اعلان حکومت ظلالسلطان را رسماً منتشر نماید.

نمره - ۱۱۳

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۳۷ زویه ۱۹۰۹ [۲۲ تیر ۱۲۸۸ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

بتوسط تلفون که بعد سیم آن پاره و قطع شد به من اطلاع دادند که فدائیها امروز صبح وارد طهران شدند و شهر را تصرف نمودند. بقدر امکان خبر دارم که در شهر نظم برقرار است ولی به ماژور استکس و مسیو چرچیل دستور العمل دادم که به شهر رفته و معلومات تحصیل نمایند.

نمره - ۱۱۴

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۳۷ زویه ۱۹۰۹ [۲۲ تیر ۱۲۸۸ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

تعیین ظلالسلطان به حکومت فارس رسماً اعلان شد. سردار مسعود پسر ظلالسلطان تا ورود او به ایران نایب‌الحکومه شیراز خواهد بود. وزیر امور خارجه تلگرافاً [= تلگرافی] به ظلالسلطان اطلاع داد که تعیین ایشان به حکومت فارس رسماً اعلان شد و سردار مسعود سریعاً از طرف او به شیراز خواهد رفت (راجع به تلگراف ۱۲ زویه من).

نمره - ۱۱۵

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۳۷ زویه ۱۹۰۹ [۲۲ تیر ۱۲۸۸ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

بهارستان و محلات شمالی طهران در دست ملتیان است. قشون دولتی قزاقخانه و میدان توپخانه را که فعلاً در آن نقاط دعوا است هنوز در دست ندارند. ابدآ غارت کرده نشده و برای اتباع خارجه مخاطره نیست مگر اینکه سهواً تیری بخورد. از قراری که اطلاع دارم قشون ملی خود را از دست قشون دولتی خارج نموده و بدون هیچ مقاومتی وارد طهران شدند. به مسیو سابلین خبر وحشتتاکی از شهر رسید لیکن عجالت‌آ برای ایشان اطمینان حاصل است. از طرف رئیسی ملتیان به ما اطمینان

کامل ناده شد که جان و مال اتباع خارجه محفوظ خواهد بود.

نمره - ۱۱۵

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۳ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۲ تیر ۱۲۸۸] ج ۲ - [۱۳۲۷] از قلهک.

مستر چرچیل الان از شهر رسید و اطلاع می‌دهد که در نزدیکی توپخانه هنوز جنگ ملایمی مداومت دارد.

نقاط دیگر شهر خاموش و هر دو طرف عموماً مشغول مدافعت هستند. ملتیان محلات اروپاییها و مجلس را سنگر بسته و بولتیان قزاقخانه را که محل عمدۀ آنها است در دست دارند و یک قوهۀ جزئی هم در میدان توپخانه است.

من از مستر چرچیل اطلاع تحصیل کردم که سردار اسعد امیدوار است که شاه زود به بست رفته و به جنگ خاتمه داده خواهد شد.

نمره - ۱۱۶

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۳ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۲ تیر ۱۲۸۸] ج ۲ - [۱۳۲۷] از قلهک.

شیراز

ژنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم بوشهر ۲۵ نفر از مستحفظین خود و امیرال هم یک ماکسیم با چهار و پنج نفر در تحت فرمان یک صاحب منصب در صورت لزوم می‌توانند به شیراز بفرستند. کشتی جنگی موقتی در بوشهر توقف خواهد نمود. نظر به حکومت خل‌السلطان سید لاری ممکن است صرف‌نظر از خیال آمدن شیراز نماید و در اوضاع بهبودی حاصل شود. با وجود این خیلی خوشحال خواهم شد که اجازه اعزام این استعداد را (در صورت لزوم که امیدوارم اتفاق نیفتند) به شیراز بدهند.

نمره - ۱۱۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر بار کلی مورخه ۱۳ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۲ تیر ۱۲۸۸] ج ۲ - [۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.

احتمال اغتشاش در شیراز

(تلگراف ۱۳ ژوئیه خودتان را ملاحظه نمایید).

ما از وزارت بحریه تقاضا نمودیم که به فرمانده کشتی «اسقینکس» دستور العمل بفرستد تا هر اقدامی را که مأمور کاکس با مشورت قنسول اعلیحضرتی شیراز و شما لازم بداند بموقع اجراء بگذارند. لیکن قسولهای مذکور نباید هیچ اقدامی را بدون دستور العمل شما

پکند. ما از وزارت بحریه اطلاع تحصیل کردیم که قنسول اعلیحضرتی شیراز تقاضانموده تا در صورت لزوم یک دسته با توب هاکسیم همراه سپاهیها بیایند.

نمره - ۱۱۸

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۴ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۳ تیر ۱۲۸۸ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

یک باطری توب نزدیک مدرسهٔ امریکایی گذاشته شده و قزاقهای ایرانی از این نقطه قشون را بمبارده می‌کنند.

نمره - ۱۱۹

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۴ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۳ تیر ۱۲۸۸ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

خشون دولتی شروع به بمبارده شهر نمود.

من و همیو سابلین می‌خواهیم فورآ به سلطنت آباد نزد شاه رفته و اصرار نماییم تا قدری جنگ را متارکه و با ملتیان مشغول مذاکره بشوند. در ساعت ۸ صبح مترجمین سفارتین به طهران رفتند تا با رؤسای ملتیان ملاقات کرده و آنها را وادارند که با شاه مشغول مذاکره بشوند. این اقدام بر وفق خواهش خود شاه است. از قرار معلوم جنگ اشتداد یافته و بیم آن می‌رود که مترجمین نتوانند به شهر داخل بشوند.

دیروز شاه قول داد که شهر را بمبارده ننماید.

نمره - ۱۲۰

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۴ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۳ تیر ۱۲۸۸ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

در تلگراف امروز صبح بمباردهان طهران و خیال مذاکره با شاه راپورت داده شد. افتخار دارم از اظهار اینکه ملاقات ما با شاه که خیلی غمناک و اندوهگین بود موفقیت حاصل نکرد. ما از شاه استدعا کردیم که از بمبارده شهر جلوگیری نموده و اعلان متارکه بدھند تا اینکه شروع به مذاکره بشود.

شاه در جواب اظهار شکایت کرد که در موقعی که به اندازهٔ کفايت قشون داشت و می‌توانست به رولوسیونها غلبه نماید ما ممانعت نمودیم حالا که آنها در طهرانند و به عمارت او حملهور شده‌اند باید همچنان محافظت خود هر اقدامی که از دستش برآید مضائقه ننماید. در موقعی که قشون او دچار حملات شده چگونه می‌تواند اعلان متارکه بدھد. این بر ما است که طرف مقابل را مجبور نماییم تا دست از جنگ کشیده و هر تقاضائی که

دارند بگنند.

ما در جواب گفتیم در تمام این مدت سعی کامل نمودیم که مابین اعلیحضرت و رعایای خودتان صلح بشود، تصمیحتی که به ملتیان دادیم بدبختانه پذیرفته نشد. و حالا هم اگر بخواهیم تقاضای خلع سلاح نماییم نظر به موققیت آنها که زیاده احتمال دارد البته قبول نخواهند کرد. در صورتی که بتوانیم به آنها اطمینان بدهیم که خیال شاه ثابت و صمیمانه است و جنگ را هتار که می‌دهد آنوقت ممکن است بتوانیم آنچه را که تاکنون موفق شده‌اند همانعت نماییم. اعلیحضرت شاه این پیشنهاد ما را قبول نکردند. در هنگام مرخصی وزیر امور خارجه را ملاقات نموده و اظهار داشتیم که تقاضای ما از ملتیان که خلع سلاح بنمایند بی‌فائده است. او از ما خواهش کرد که پیش از اینکه سردار اسعد را از نتیجه ملاقات خود مطلع سازیم منتظر نتیجه ملاقاتی که الان از شاه خواهد نمود پشویم.

ما این مطلب را قبول نمودیم ولی تاکنون وزیر امور خارجه به ما اطلاع نداده است. بعلت بمبارده مسیو چرچیل و بارنوسکی نتوانستند امروز صبح داخل طهران پشوند.

نمره - ۱۳۱

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۵ ژویه ۱۹۰۹ [۲۴ تیر ۱۲۸۸] ج ۲ - ۱۳۲۷ از قله‌ک.

اگرچه قشون شاه دیروز هر ساعت یک مرتبه شهر را توب می‌بستد ولی خسارت عمده وارد نیاوردند.

در شهر مقاومت قشون دولتی تقریباً از دیشب نزدیک به اتمام است. و برای تسلیم فراخانه مابین کولونل لیاخف و رئیسی ملتیان مذاکرات جریان دارد. به اندازه‌ای که اطلاع دارم جز اینکه ارادل یک خانه انگلیسی را غارت کردند و خسارت جزئی از بمبارده وارد آمد دیگر ضرر مالی و خطر جانی برای اتباع خارجه روی نداده است.

نمره - ۱۳۲

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۵ ژویه ۱۹۰۹ [۲۴ تیر ۱۲۸۸] ج ۲ - ۱۳۲۷ از قله‌ک.

شیراز

از ژنرال قنسول اعلیحضرتی هقیم شیراز مخابره شده است: بواسطه اعلان [تفویض] حکومت فارس [به] ظل‌السلطان اوضاع بهبودی یافته است. (راجع است به تلگراف ۱۳ ژویه من).

نمره - ۱۲۴

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۵ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۴ تیر ۲۶ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

کولونل لیاخف به قزاقهای ایرانی حکم داد که جنگ را هوقوف نمایند ولیکن در نزدیکی سفارت انگلیس هنوز بختیاریهای دولتی با قداییها مشغول دعوا هستند. تقریباً ۲۰۰ نفر ارمنی به سفارت متحصن شده‌اند و عده‌ای هم از اشخاصی که در جنگ زخم برداشته‌اند در سفارت تحت معالجه می‌باشند. تاکنون زخمی و کشته هر دو طرف بیش از ۶۰ و یا ۷۰ نفر نیست.

نمره - ۱۲۵

تلگراف مستر اوبرون به سر ادوارد گری مورخه ۱۵ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۴ تیر ۲۶ ج ۲ - ۱۳۲۷] از پطرز بورغ.

شیراز

وزیر امور خارجه روس را از مضمون تلگراف ۱۱ ژوئیه طهران مطلع نمودم. دولت روسیه پیشنهاد سابق را برای ممانعت ورود سید لاری به شیراز قبول نموده و به شارژ دافر روس هقیم طهران دستورالعمل فرستاده است که احکام لازمه در این خصوص به قنسول روس در شیراز بدهد.

نمره - ۱۲۶

تلگراف سر کارترایت (سفیرکبیر انگلیس مقیم وینه) به سر ادوارد گری مورخه ۱۵ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۴ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۶ ج ۲ - ۱۳۲۷] از وینه.

به سفیرکبیر روس دستورالعمل فرستاده شده است که باتفاق من به ظل‌السلطان اطلاع دهیم که حکومت فارس به او داده شده است و او را دعوت نماییم که از راه بوشهر به محل حکومت خود برود.

سفیرکبیر روس تا مدتی که دستورالعملی هم در این خصوص برای هن نرسد اقدام نخواهد کرد.

www.adabestanekave.com

نمره - ۱۲۷

تلگراف سر ادوارد گری به مستر اوبرون مورخه ۱۵ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۴ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۶ ج ۲ - ۱۳۲۷] از وزارت خارجه.

اتفاق روس و انگلیس در ایران

دولت اعلیحضرتی کاملاً شاهد اعتدال و خودداری دولت روس است که قشون خود را

در قزوین نگاهداشته و همچنین از اشکالاتی که روسیه به ملاحظه موقع خود از ایران اکتساب می‌نماید کاملاً مطلع است، بهترین اثری که در این مملکت ممکن است تحصیل شود همان عدم دخالت به اوضاع دو دستهٔ طهران است که آنها را به حالت طبیعی گذاشته تا دعوای خود را مستقلًا خاتمه دهند. اطوار و حرکات روسیه برای ما سهل و آسان می‌کند قصد واضح و صادقانه‌ای را که در کار کردن با هم در نظر داریم و شما می‌توانید به مسیو ایزولسکی [ایسولسکی] اطمینان بدید که حرکات ایشان تقویت می‌نماید آرزوی اتفاق ما را با ایشان.

نمره - ۱۳۷

تلگراف سربار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۲۸۸ تیر ۲۵؛ ۲۷ ج ۲- ۱۳۲۷] از قله‌ک.

هر دقیقه انتظار می‌رود که شاه مثل عیال خود که الان در سفارت روس متخصص است آنهم بستنشین گردد. ۴ نفر سوار از این سفارت فرستاده شد تا در سفارت روس جزو مستحفظین شاه بشوند.

نمره - ۱۳۸

تلگراف سربار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۲۸۸ تیر ۲۵؛ ۲۷ ج ۲- ۱۳۲۷] از قله‌ک.

اعلیحضرت شاه الان به سفارت روس وارد و در آنجا متخصص گردید. هنوز جنگ شدیدی در طهران اشتعال دارد. مترجمین سفارتین را به طهران فرستادیم سعی نمایند بلکه مابین قراقوها و ملتیان قرار صلح داده شود.

www.adabestanekave.com

نمره - ۱۳۹

تلگراف سربار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۲۸۸ تیر ۲۵؛ ۲۷ ج ۲- ۱۳۲۷] از قله‌ک.

تلگراف ذیل از بوشهر برای هن مخابرہ شده است. امروز کارگزار با من ملاقات نمود و از طرف انجمن اطلاع داد که مقصود انجمن در مراسلهٔ سابق درست توضیح داده نشده است. از قرار علوم انجمن نمی‌خواهد ادارات دولتی را تصرف نماید بلکه مقصود آنها این است که در این موقع که اوضاع غیرعلوم و مختلف است عایدات گمرکی به طهران فرستاده شود.

دو طریق انجمن پیشنهاد می‌نماید. اول اینکه سی هزار تومان از عایدات گمرک هر ماهه

به ژنرال قنسول اعلیحضرتی پرداخته شود. دوم، تا آنوقتی که دولت مشروطه برقرار و استحکام کامل در اوضاع حاصل نشده است عایدات گمرک بوشهر (البته بندرعباس و لنگه نیز داخل است) به بانک شاهنشاهی پرداخته شود. من به مأذون کاکس اجازه دادم که شق دوم را قبول نماید و در صورتی که پول در بانک گذاشته می‌شود بیخود برداشته نشود.

نمره - ۱۳۰

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری هورخه ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۵ تیر ۱۲۸۸] ج ۲ - ۲ [۱۳۲۷] از قلهک.

مسیو سابلین به من اطلاع داد که شاه تلگراف ذیل را به تزار امپراطور روس مخابر کرده است.

بروفق نصیحت دولتين مشروطه را برقرار نموده لیکن حرکت آثارشیستگری از اسلامبول، کربلا، تبریز، طهران مملکت را بهرج و هرج انداخته است و به اینجهت مجبور است که تقاضای حمایت از بیرق دولت قوی شوکت آن اعلیحضرت نماید. و او مطمئن از همراهی آن اعلیحضرت درباره خود و خانواده و مملکت خویش بوده و منتظر نصایح همراهی آن اعلیحضرت درباره خود و خانواده و مملکت خویش بوده و منتظر نصایح هلاطفت کارانه آن اعلیحضرت همایونی می‌باشد.

نمره - ۱۳۱

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری هورخه ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۵ تیر ۱۲۸۸] ج ۲ - ۲ [۱۳۲۷] از قلهک.

(راجع به تلگراف ۱۵ ژوئیه من در خصوص مذاکرات تسلیم بریگاد قزاق) از بیانات سردار اسعد درست معلوم نمی‌شد که بریگاد قزاق را با صاحب‌منصبان روسي آن نگاه خواهد داشت یا ترتیب دیگری در نظر دارد.

همکار روسم از من خواهش کرد که با او همراهی نموده و خواهش نمایم تا دو مرتبه صاحب‌منصبان روسي را در خدمت نگاه دارند. من خواهش فوق را قبول و سردار اسعد قول ذیل را به مستر چرچیل و بارتوسکی داد.

ما امضا کنندگان ذیل که وقتاً رئیس ملت و دولت ایران می‌باشیم به موجب همین ورقه اظهار می‌داریم که بریگاد قزاق وقتاً مثل سابق در تحت فرمان کولونل لیاخف خواهد بود مشروط براینکه او خود را در تمام امورات مطیع اواخر وزیر جنگ که امروز معین خواهد شد بدآند.

مسیو بارتوسکی و مستر چرچیل سند فوق را نزد کولونل لیاخف برده و او را از هم‌ضمون کاغذ مطلع خواهند ساخت. سردار اسعد از کولونل لیاخف خواهش نمود که در بهارستان به ملاقات او برسد. برادر سردار اسعد و مستحقین بختیاری تا به آن نقطه بهمراه لیاخف

خواهند رفت.

بمحض اینکه شاه در تحت حمایت روس و انگلیس به سفارت روس رفت فوراً سفارتین سردارها را بواسطه تلگراف مطلع نمودند.

بموجب اطلاعی که از طهران رسیده است جنگ در آنجا قریب به اتمام است اگرچه یک زد و خورد مختصری هنوز نزدیک سفارت باقی است ولی تصور می‌شود که آنهم به همین زودیها خاتمه پذیرد.

نمره - ۱۳۳

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۵ تیر ۱۲۸۸] ج ۲ - [۱۳۲۷] از قلهک.

متحصنهین سفارت روس تا به این ساعت هر کب از نایب‌السلطنه امیربهادر جنگ و چند نفر از درباریها به انصمام محمدعلی و عیالش است. در ده زرگنده تقریباً ۸۰۰ نفر سرباز چادر زده‌اند. در این سفارت (سفارت انگلیس) سعدالدوله و مخبرالدوله متحصن شده‌اند.

نمره - ۱۳۴

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۵ تیر ۱۲۸۸] ج ۲ - [۱۳۲۷] از قلهک.

راجع است به تلگراف امروزی من

کولونل لیاخف بهمراهی برادر سردار اسعد و مترجمین سفارتین به بهارستان رفت و خود را در تحت اوامر سپهدار که از طرف کمیته ملتیان به وزارت جنگ منصوب شده‌است در آورد.

کمیته مذکور مصمم شده است که اعلام خلع محمدعلی شاه را منتشر نماید. دعوا بالکلیه قطع شده و قزاق و فدائیان شروع به دوستی نموده‌اند. من فراموش نمودم در تلگراف امروز صبح خود ذکر نمایم که ولیعهد و برادرهای او با شاه به سفارت رفته‌اند.

نمره - ۱۳۵

تلگراف مستر اوبرون به سر ادوارد گری مورخه ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۵ تیر ۱۲۸۸] ج ۲ - [۱۳۲۷] از سن پطرزبورغ.

راجع به تلگراف ۱۵ ژوئیه شما

امروز صبح با مسیو ایزوولسکی [ایسوولسکی] ملاقات کرده و تلگراف شما را که در خصوص اظهار تشکر از خودداری دولت روس در اتفاقات ایران بود برای او خواندم. تلگراف روتر که در همان وقت به جناب ایشان رسید تحقیق محمدعلی شاه را به سفارت

روس آشعار داشت. مسیو ایزولسکی اظهار داشت که دولت متوجه او هیچوقت مایل به همراهی شاه نبود اگر چه در باره دولت روس بسیاری از این گمانها برده می‌شد و همچنین این خبر بی‌اندازه خیال آن جناب را راحت نمود. جناب وزیر اظهار نمودند هر دولتی که در طهران برقرار گردد و نظم را بتواند اداره نماید دولت روسیه آن را برسمیت خواهد شناخت ولی اگر دولت نتواند از عهده نظم برآید دولت روس برای حفظ منافع خود مجبور از اقدامات لازمه خواهد شد.

www.adabestane-kave.com

نمره - ۱۳۵

تلگراف سر ادوارد گری به مستر اوبرون مورخه ۱۶ ژویه ۱۹۰۹ [۲۵ تیر ۱۲۸۸] ج ۲ - [۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.

دولت جدید در ایران

دولت اعلیحضرتی به همان طریقی که مسیو ایزولسکی [ایسولسکی] اظهار نموده و در تلگراف امروز شما هم ذکر شده بود در خصوص شناختن دولت ایران رفتار خواهد کرد. شما خوب است این مطلب را به وزیر امور خارجه خاطرنشان نمایید و بگویید پیش از اینکه در طهران رسماً دولت مستقری را بشناسیم با ایشان مشورت خواهیم نمود.

نمره - ۱۳۶

تلگراف سر ادوارد گری به سر کارتراست مورخه ۱۶ ژویه ۱۹۰۹ [۲۵ تیر ۱۲۸۸] ج ۲ - [۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.

مراجعة ظل السلطان

در خصوص مطلبی که در تلگراف ۱۵ ژویه خودتان یادآوری نموده‌اید شما هجاز هستید که باتفاق همکار روس خود مذاکره نمایید.

نمره - ۱۳۷

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۷ ژویه ۱۹۰۹ [۲۶ تیر ۱۲۸۸] ج ۲ - [۱۳۲۷] از قلهک.

امروز صبح زود تلگراف ذیل از رئیسی ملتیان به سفارتین رسید. بنا بر رأیی که مجلس فوق العاده امروز در بهارستان دائماند [قرار] این است که از طرف مجلس مذکور هیئتی نزد اعلیحضرت محمد علی هیرزا در خصوص اعلان تغییر سلطنت بروند.

چون اعلیحضرت بواسطه امنیت شخصی عجالتاً در تحت حمایت دولتین معظمین روس و انگلیس به سفارت روس پناهنده شده است لذا ما از جناب شما خواهشمندیم که معین فرمایید فردا در چه ساعت ممکن است هیئت مذکور فوق خدمت آن اعلیحضرت شرفیاب

بشوند ما را مطلع فرمایید که خیلی ممنون خواهیم شد.
این پیغام را همکار روس من به شاه اطلاع داد. اعلیحضرت شاه سابقاً اطلاع داشت که در جلسهٔ دیروز بهارستان وليعهد را به سلطنت انتخاب نموده‌اند و این مطلب هم بطور غیررسمی ديشب اعلام شد. شاه و ملکه هردو خیلی بی‌میل از جدا شدن پسر بزرگ خود هستند ولی راضی به مفارقت پسر کوچک می‌شوند.

شاه پس از ملاقات طولانی غمناکی به مسیو سابلین پیشنهاد نمود که وليعهد به تخت می‌تواند جلوس نماید ولی به او اجازه داده شود که چند وقتی با هادر خود به سفر برود و اگر این ترتیب امکان‌پذیر نیست برادر کوچک‌تر او را شاه نمایند.

اعلیحضرت شاه از نمایندگان دولتين خواهش نمود که به رئاسای ملتیان در جواب بگویند که شاه از پذیرایی هیئت معذور است و به آنها بگویید که رفتن شاه از سلطنت آباد به سفارت روس خود دلیل استعفای ایشان است.

من و همکار روس من همین قسم که شاه مایل بود به رئاسای ملتیان جواب دادیم ولی ذکری از عقیده شاه در خصوص جانشین ایشان نکردیم.

شق اول مسلم است از طرف ملتیان پذیرفته نخواهد شد و شق ثانی را ممکن است که خود وليعهد بعداز این قبول نکند.

نمره - ۱۳۸

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری هورخه ۱۷ ژویه ۱۹۰۹ [۲۶ تیر ۲۸ : ۱۲۸۸ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

حالا دیگر طهران خاموش گرفته و قشون ملی با قزاقها دوستی و برادری هی‌کنند.

نمره - ۱۳۹

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری هورخه ۱۸ ژویه ۱۹۰۹ [۲۷ تیر ۲۹ : ۱۲۸۸ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

طهران خاموش [و] سپهدار و سردار اسعد وزیر جنگ و داخله دیروز اعلامی منتشر نمودند که مقادش این بود.

محمد علی شاه به میل خود از سلطنت خلع شد و مجلس فوق العاده عالی که در ۱۶ ماه ژویه [۲۵ تیر ۱۲۸۸ : ۲ - ۲۷] در بهارستان منعقد گردید وليعهد سلطان احمد هیرزا را به سلطنت ایران منصوب نمود و تا انعقاد مجلس، عضدالملک رئیس ایل قاجار به نیابت سلطنت منصوب خواهد بود.

نفره - ۱۴۰

تلگراف سر باز کلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۸ ژویه ۱۹۰۹ [۲۷ تیر ۱۲۸۸] ج ۲ - [۱۳۲۷] از قلهک.

امروز ولیعهد به سلطنت آباد خواهد رفت و در آنجا از طرف هیئت مجلس عالی به شاهی پذیرفته خواهد شد. مستحفظینی که از طرف سفارتین معین شده‌اند او را تا به سلطنت آباد خواهند برد و بعد از وصول به آن نقطه دیگر در حمایت دولتین نخواهد بود و مستحفظین مراجعت خواهند کرد. هیئت مذکور عمارت دیگری برای اقامتگاه آن اعلیحضرت تعیین نموده‌اند و خودشان اعلیحضرت شاه را به آنجا خواهند برد.

نفره - ۱۴۱

کاغذ مستر اوبرون به سر ادوارد گری مورخه ۱۸ ژویه ۱۹۰۹ [۲۷ تیر ۱۲۸۸] ج ۲ - [۱۳۲۷] از سن پطرزبورغ.

در خصوص اعزام قشون به قزوین

آقا

افتخار داشتم که در تلگراف دوم این ماه خود مقاد صحبت خود را با وزیر امور خارجه راپورت دادم.

بهوج کاغذی که در صبح ماه ژویه از مسیو ایزولسکی [ایسولسکی] رسید اطلاع داده بود که پس از صحبت من با وزیر امور خارجه هیئت وزراء هصم شدند که یک فوج قزاق و یک فوج سرباز و یک باطری توپخانه فوراً به ارزلی گسیل دارند و به آنها دستور - العمل پدهند که از قزوین تجاوز ننمایند مگر به حکم سفارت روس در طهران، در صورتی که مال و جان اتباع خارجه در خطر بوده باشد. در آن کاغذ جناب وزیر امور خارجه اظهار نمود که دستور العمل قطعی به صاحب منصبان فرمانده این قشون داده شد که از هر نوع دخالت در زد و خورد داخلی دوری جسته و هم خود را به محافظت منافع اتباع خارجه گمارند.

هیواوبرون

امضاء

www.adabestanekeave.com

نفره - ۱۴۲

تلگراف سر باز کلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۹ ژویه ۱۹۰۹ [۲۸ تیر ۱۲۸۸] رجب ۱ [۱۳۲۷] از قلهک.

دو نفر رئیس ملت رسماً به سفارتین خلخ محمدعلی و جلوس ولیعهد سلطان احمد میرزا را به سلطنت ایران اعلام نمودند. من منتظر دستور العمل شما هستم.

نمره - ۱۴۳

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری هورخه ۱۹ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۸ تیر ۱۲۸۸] ۱ رجب [۱۳۲۷] از تهران.

راجع به تلگراف قبل از این تلگراف

ذیلا ترجمه مراسله‌ای است که در تلگراف سابق ذکر شد:

در صورتی که اغتشاش و بی‌نظمی ولایات تشکیلات ادارات دولتی را لازم داشته و این مطلب به تمام ایرانیان واضح و آشکار است و نظر به اهمیت موقع و اوضاع مملکت و تنفس عموم از محمد علی میرزا ممکن نشد که حقوق و امنیت ملت بدون تغییر و تبدیل سلطنت تحصیل گردد. بنابراین، در غیاب سنا و مجلس شورا مجلس فوق العاده عالی در ۱۶ ماه ژویه در طهران در عمارت بهارستان منعقد گردید و اعضاء این مجلس که مرکب از رؤسای مجاهدین و علماء و شاهزادگان و اعیان و اشراف و عده‌ای از وکلاء سابق است به اکثریت آراء به خلع محمد علی میرزا مصمم شدند. و بموجب مواد ۳۶ و ۳۷ قانون اساسی اعلیحضرت سلطان احمد شاه را به سلطنت معین و نیابت سلطنت هم وقتاً به عضدالملک واگذار شد تا پس از افتتاح پارلمان بموجب ماده ۳۸ قانون اساسی ترتیب قطعی درخصوص نیابت سلطنت داده شود. لهذا ما بموجب این کاغذ رسمی خلع محمد علی میرزا و جلوس سلطان احمد میرزا را به سلطنت ایران رسمآ به شما اعلام می‌داریم.

www.adabestane-kave.com

نمره - ۱۴۴

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری هورخه ۱۹ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۸ تیر ۱۲۸۸] ۱ رجب [۱۳۲۷] از قلهک.

بموجب رایپورتهایی که از قنسول اعلیحضرتی مقیم شیراز رسیده است هرج و هرج شدید در اوضاع جریان دارد.

با وجود تعیین ظل‌السلطان باز حاکم سابق دخیل اهورات است و دلیلی که برای این اقدام خود اقامه می‌نماید این است دولتی که ظل‌السلطان را به حکومت فارس منصوب کرد دیگر متصدی اهور نیست. مستر بیل تلگرافاً [=تلگرافی] رایپورت داده که سید عبدالحسین لاری از قرار اخبار و اصله مشغول خرید اسلحه است.

در صورتی که دولت حاضره حکومت ظل‌السلطان را تصدیق نکرده و حاکم سابق را تلگرافاً [=تلگرافی] به طهران احضار نماید مجبوراً باید که استعداد فردا از بوشهر فرستاده شود.

قنسول روس با مستر بیل هم عقیده می‌باشد.

دیروز اوضاع شیراز را که مستر بیل در تلگراف خود شرح داده بود به وزیر داخله خاطرنشان نمودم ولی نتوانستم که او را وادار نمایم تا حکومت ظل‌السلطان را تصدیق نماید. وزیر داخله گفت می‌خواهم علاوه‌الدوله را در عوض حکومت آذربایجان به فارس اعزام دارم.

امروز دو مرتبه با تفاوت همکار روسم در این خصوص مذاکرات لازمه نمودیم و به وزیر داخله اطلاع دادیم که قنسولهای مقیم شیراز ما حکومت ظل‌السلطان را بهتر می‌دانند. بعلاوه اصرار نمودیم که بهای حال باید حاکم سابق را احضار نمایید.

بروفق پیشنهاد مأذور کاکس مشغول اقدامات هستیم که دولت ایران توسعه قنسولخانهٔ اعلیحضرتی سید عبدالحسین لاری را تهدید واز پیش رفتن او جلوگیری بکند. و همچنین به علماء تلگراف نمایند که ایشان او را از این خیال منصرف سازند. به سردار اسعد اطلاع دادم که فردا از حرکت قشون دست نگاه خواهم داشت تا اقدامات دولت را برای حفظ انتظام و بسط آسایش ملاحظه نمایم.

نمره - ۱۴۵

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخهٔ ۱۹۰۹ ژویه [۲۸ تیر ۱۲۸۸؛ ۱ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷] از قلهک.

خیلی خوب است که محمد علی میرزا هرچه زودتر از این مملکت خارج گردد. تزار (امپراطور روس) در جواب تلگراف محمد علی میرزا اظهار داشته که چون او به سفارت امپراطوری پناه برده است به شارژ دافر روس دستورالعمل لازمه داده شد که حمایت از او نموده و احترامات موافق مقام را بجا بیاورد. پیغامهای زیاد و قول مساعدت از ولایات برای او می‌رسد. هادایی که او در طهران اقامه نماید بدون شبکه تحریکات زیاد در دور و اطراف آن خواهد شد.

پدوان محمد علی میرزا اظهار می‌کرد که به کریمه خواهد رفت ولی حالت از این مملکت میل حرکت ندارد.

www.adabestane-kave.com

نمره - ۱۴۶

تلگراف هستر اوبرون به سر ادوارد گری مورخهٔ ۱۹۰۹ ژویه [۲۸ تیر ۱۲۸۸؛ ۱ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷] از سن پطرزبورغ.

دیشب مسیو ایزولسکی [ایسولسکی] از اوضاع تبریز صحبت می‌کرد و اظهار می‌داشت که اوضاع تبریز خیلی خراب است.

به من اطلاع داد که به شارژ دافر روسیه مقیم طهران دستورالعمل داده شده که لزوم اعزام حکومت و قشون کافی برای آن نقطه را به دولت ایران خاطرنشان نماید. بعلاوه در آن دستورالعمل به مسیو سابلین اظهار شده تا به دولت ایران یادآوری نماید که اگر دولت ایران اقدام لازم در بسط اساس آسایش نماید عاقبت دولت روسیه مجبور خواهد شد که اقدامات لازمه در استقرار نظم کرده باشد. در جواب سؤال من که چه اتفاق تازه‌ای در تبریز باعث این اقدام شده، مسیو ایزولسکی اظهار داشت که ستارخان حکومت خود را اعلام کرده و فداییان به اسم پلیس از اهالی وجوهات می‌گیرند و جماعتی مردم را بر ضد

حضور قشون روس در تبریز تهییج می‌نمایند. بعلاوه، بنا به اظهارات مسیو ایزوولسکی نقطهٔ مخاطره دیگری هم موجود است و آن اردبیل می‌باشد که شاهسونها تمام اطراف آن را چاپیده‌اند.

نمره - ۱۴۷

تلگراف مسیو اوبرون به سر ادوارد گری هورخه ۱۹۰۹ ژوئیه ۲۸ [۱۲۸۸؛ ۱ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷] از سن پطرزبورغ.

راجع به تلگراف امروزی من

در ضمن صحبتی که امروز با مسیو ایزوولسکی [ایسوولسکی] داشتیم چنان ایشان اظهار نمودند که سفیر کبیر عثمانی به آنها اطلاع داده که در خصوص ستارخان و باقرخان باب عالی به ژنرال قنسول دولت عثمانی مقیم تبریز دستورالعمل فرستاده و مفاد آن این است که صلاح در خارج شدن ستارخان و باقرخان از ایران است ولی در صورتی که آنها مایل به خروج نباشند دیگر ژنرال قنسولگری عثمانی از آنها سلب حمایت کرده و اجازه تحصن را نیز نخواهد داد. این مطلب خیلی اسیاب خرسندی مسیو ایزوولسکی شده بود، مسیو ایزوولسکی اظهار نمود که نظر به اوضاع تبریز اuzام حکومت با قشون کافی برای برقراری نظم خیلی لازم است و نیز گفتند تا هدتی که نظم در آنجا برقرار نشود قشون روس نمی‌تواند تبریز را تخلیه نماید.

نمره - ۱۴۸

تلگراف سر ادوارد گری به سر بارکلی هورخه ۱۹۰۹ ژوئیه ۲۸ [۱۲۸۸؛ ۱ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.

شاه جدید ایران

همین که برای مسیو سابلین از دولت متبوعه او دستورالعمل رسید شما می‌توانید شاه جدید را برسمیت بشناسید.

www.adabestanekave.com

نمره - ۱۴۹

تلگراف سر ادوارد گری به مستراوبرون هورخه ۱۹۰۹ ژوئیه ۲۸ [۱۲۸۸؛ ۱ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.

کنت بنکاندروف از اینکه در موقع تغییر حکومت ایران دخالت در طهران لازم نگردید خیلی خوشحال و آسوده‌خاطر است. من اظهار نمودم که من هم با حسیات ایشان شرکت می‌نمایم و به عقیده‌من این مسئله در این مملکت و هم در ایران از اعتدال و خودداری دولت روسیه آثار خوبی بخشیده است. من به کنت بنکاندروف گفتم که از روابط دوستی

مابین دولت جدید ایران و صاحب منصبان روسی (که در خدمت شاه هستند) خیلی خوشوقت هستم و امیدوارم که هیچ اشکالی که مخل منافع روس باشد در تغییر حکومت حاصل نگردد. در خصوص تبریز من به آن جناب گفتم که به ایشان همراهی کرده و به دولت جدید ایران فشار خواهم آورد که علاوه‌الدوله و یا یک حاکم لایقی را بدون تعویق به حکومت آنجا تعیین نمایند.

نمره - ۱۵۰

تلگراف سربار کلی به سر اداردگری مورخه ۲۰ ژویه ۱۹۰۹ [۲۹ تیر ۱۲۸۸] رجب [۱۳۲۷] از قله‌ک.

هن تلگراف ذیل را په قسول اعلیحضرتی مقیم شیراز مخابره کرد: دولت جدید ایران مایل است حاکم حالیه را وقتاً نگاه داشته و حکومت ظل‌السلطان را نیز تصدیق نمی‌نماید. دولت ایران به سید عبدالحسین لاری احکام تلگرافی فرستاده که بطرق شیراز حرکت ننماید و به علماء هم اصرار نمودند که بر وفق همین احکام دستور العمل برای سید پفرستد. دولت ایران تا اندازه‌ای مطمئن است که با این اقدامات نظم را برقرار خواهد کرد. هن منتظر راپورت ثانوی شما خواهم شد تا حکم اعزام استعداد را بدهم.
به دولت ایران اصرار نمودم که فوراً به آصف‌الدوله حکم بشود تا قشون ایلاتی را که جمع کرده متفرق نماید.

نمره - ۱۵۱

تلگراف سربار کلی به سر اداردگری مورخه ۲۰ ژویه ۱۹۰۹ [۲۹ تیر ۱۲۸۸] رجب [۱۳۲۷] از قله‌ک.

فوج امیر بهادر جنگ که دولت جدید می‌خواهد آنها را اخراج نماید در نزدیکی سفارت روس متخصص شده‌اند.

نمره - ۱۵۲

تلگراف سربار کلی به سر اداردگری مورخه ۲۰ ژویه ۱۹۰۹ [۲۹ تیر ۱۲۸۸] رجب [۱۳۲۷] از قله‌ک.

نظر به اینکه دولت حاضر تعيين ظل‌السلطان را به حکومت فارس تصدیق نمی‌نماید به عقیده من و همکار روس خوب است که او عجالتاً به ایران مراجعت ننماید.

نمره - ۱۵۳

تلگراف سربار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۰ زویه ۱۹۰۹ [۲۹ تیر ۲؛ ۱۲۸۸] رجب [۱۳۲۷] از قلهک.

تلگراف ۱۹ زویه از سن پطرزبورغ

ترتیب جدید این است که مخبر السلطنه به حکومت آذربایجان منصوب گردید و در آنجا خیلی محل توجه عموم خواهد شد.

نمره - ۱۵۴

تلگراف سربار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۰ زویه ۱۹۰۹ [۲۹ تیر ۲؛ ۱۲۸۸] رجب [۱۳۲۷] از قلهک.

تلگراف ذیل امروز از قنسول اعلیحضرتی مقیم شیراز مخابره شده: «عقیده من و همکار روسم این است که اگر آصف الدله معزول نشود باید فوراً استعداد فرستاده شود. خواهش می‌کنم اگر ممکن است از بقای [= ابقاء] آن مانع بشوید. دلایل مشروطه برای این عقیده خودمان فرستاده خواهد شد».

من مجدداً اصرار به دولت ایران خواهم نمود که حاکم حاليه را فوراً عزل نماید. اگر قا امشب دولت تقاضای مرا قبول نکرد حکم فرستادن استعداد از بوشهر را خواهم داد.

نمره - ۱۵۵

تلگراف سربار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۰ زویه ۱۹۰۹ [۲۹ تیر ۲؛ ۱۲۸۸] رجب [۱۳۲۷] از قلهک.

هن با مسیو سابلین در این مسئله موافق هستیم که در موقع حرکت شاه سابق سه نفر مستحکظ از سفارت روس و سه نفر هم از این سفارت با عدمای قزاق ایرانی از طرف دولت ایران تا قزوین همراه او بروند و از قزوین به آنطرف قشون روس همراه خواهد بود. این ترتیب را شارژ دافر روسیه به دولت متبعه خود تلگراف خواهد نمود. ممکن است که اگر صاحب منصب روسی و یا یک نفر از اجزای سفارتین تا قزوین همراه شاه نباشند به ترتیب دیگر راضی نشود.

می‌ترسم بواسطه مسائل راجعه به تعویق حقوق شاه و چواهرات دولتی حرکت او قدری طول بکشد.

www.adabestanekave.com

نمره - ۱۵۶

تلگراف سر ادوارد گری به سر بار کلی مورخه ۲۰ زویه ۱۹۰۹ [۲۹ تیر ۲؛ ۱۲۸۸] رجب [۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.

اقدامات شما در این اغتشاش حالیه ایران هورد رضایت و تصویب نام من است. در اینجا حرکات همکار روس شما که با یک طرز صادقانه با شما همراهی نموده خیلی اسباب تمجید است.

نمره - ۱۵۷

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۱ ژوئیه ۱۹۰۹ [۳۰ تیر ۱۲۸۸؛ ۳ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

ناصرالملک وزیر امور خارجه، مستوفی‌الممالک وزیر مالیه، فرمانفرما وزیر عدلیه، صمصام‌السلطنه حاکم اصفهان، مخبر‌السلطنه فرمانفرمای تبریز گردیدند.

نمره - ۱۵۸

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۱ ژوئیه ۱۹۰۹ [۳۰ تیر ۱۲۸۸؛ ۳ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

امروز تلگراف ذیل را در شیراز به مستر بیل مخابره کردم:
در عوض حاکم سابق که احضار شده علاوه‌الدوله به حکومت شیراز منصوب گردید.
دستورالعمل سختی به او داده شد که فوراً به نایب‌الحکومه خود احکام لازمه داده تا هر نوع اقدامی که برای برقراری نظام لازم است مجری دارد.

نمره - ۱۵۹

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۱ ژوئیه ۱۹۰۹ [۳۰ تیر ۱۲۸۸؛ ۳ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

امروز سفارتین بموجب دستورالعمل از دولتین متبعین خود رسمآ شناسایی سلطان احمد شاه را اعلام نمودند.

نمره - ۱۶۰

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۱ ژوئیه ۱۹۰۹ [۳۰ تیر ۱۲۸۸؛ ۳ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

از رایپورتهایی که تا به حال برای من رسیده معلوم می‌شود که تغییر سلطنت در ولایات اثر خوب بخشیده است. تلگرافخانه قم رایپورت می‌دهد که به صمصام‌السلطنه دستورالعمل داده شد که در راه قم و اصفهان مستحفظ بگذارد. از همان منبع به من خبر رسید که دستورالعمل دیگری هم برای محافظت راه قم و ظهران به ایل بیگی که در قم است فرستاده شده.

نمره - ۱۶۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر کارترايت مورخه ۲۱ ژوئیه ۱۹۰۹ [۳۰ تیر ۱۲۸۸ : ۳] رجب ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.

خوب است به ظل السلطان اطلاع دهید که دولت جدید تعیین حکومت شما را تصدیق نمی‌نماید و به اینجهت عجالتاً عزیمت شما را به ایران صلاح نمی‌دانم.

نمره - ۱۶۲

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۲ ژوئیه ۱۹۰۹ [۳۱ تیر ۱۲۸۸ : ۴] رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

راجع به تلگراف ۲۰ ژوئیه من

جواهرات سلطنتی علت عدمه تعویق حرکت محمد علی میرزا است. گمان می‌شود که محمد علی جواهرهای مذکور را با اسبابهای شخصی خود به سفارت برده باشد و تا اطمینان نکند که مواجب کافی در حق او برقرار خواهد نمود البته جواهرات را تسلیم نخواهد کرد. اگر این جواهرات از این مملکت خارج بشود دیگر جمع‌آوری آنها ممکن نخواهد شد.

من و همکار روس دولت ایران را نصیحت نمودیم که به محمد علی میرزا پیشنهادی بتمایند. دولت ایران هر چند که مایل است بهر اندازه‌ای که امکان دارد محمد علی میرزا را زودتر از ایران خارج نماید ولی طبعاً هم میل دارند که جواهرات سلطنتی محفوظ بمانند.

نمره - ۱۶۳

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۲ ژوئیه ۱۹۰۹ [۳۱ تیر ۱۲۸۸ : ۴] رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

بر وفق دستورالعمل سن پطرزبورغ همکار روس من دو طغرا مراسله به من ارائه داد یکی راجع به هیجان اهالی تبریز در ضد روسها و دیگری راجع به اغتشاش شاهسونها در اطراف اردبیل.

مراسله ثانوی در شکل یک اخطاریه‌ای بود که مقاد آن این است: اگر دولت ایران برای جلوگیری از عشایر و استقرار انتظام در اردبیل اقدامات لازمه فوری ننماید دولت روسیه مجبور خواهد شد که برای حفظ منافع خود اقدامات لازمه را بنماید. من پیشنهاد مسیو سابلین را در خصوص رفع هیجان بر ضد روسها و اعزام حاکم لایق با استعداد کافی به آذربایجان و حفظ انتظام اردبیل تصدیق و همراهی نمودم.

نمره - ۱۶۴

تلگراف سر کارترایت به سر ادوارد گری مورخه ۲۳ ژوئیه ۱۹۰۹ [۳۲ تیر ۱۲۸۸] ۵ رجب [۱۳۲۷] از وینه.

مطلوب ذیل به تلگراف ۲۱ این ماه شما راجع است:

باتفاق سفیر کبیر روس امروز ما ملاقاتی از ظل‌السلطان نمودیم و نصیحت کردیم که خوب است عجالتاً از وینه حرکت ننماید به دلیل اینکه دولت جدید ایران حکومت فارس او را تصویب ننموده است. شاهزاده خواهش نمود که به او اجازه داده شود یا به طهران که در آنجا سفارتین می‌توانند ناظر حرکات او بوده باشند رفته و یا در اصفهان به منزل خود مراجعت نماید و باز اظهار نمود که عزیمت من به طهران برای زیارت سلطان جدید است و به ما اطمینان داد که مقصود بیگری در نظر ندارد و ابدآ مایل نیست که در کاری مداخله نماید، حتی در نیابت سلطنت. ما سعی نمودیم که او را تا چندی به اقامت اروپا و ادار نماییم لیکن از قرار معلوم مصمم شده است که به همین زودیها بطرف ایران رهسپار شود.

www.adabestanekev.com

نمره - ۱۶۵

تلگراف سربار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۴ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱ امرداد ۱۲۸۸] ۶ رجب [۱۳۲۷] از قلهک.

از طرف دولت ایران متحدمالمالی به تمام انجمنهای ولایتی فرستاده شده که مقاد آن این است: به هر وسیله ممکن می‌شود به هیجان عموم بر ضد روسها خاتمه بدهند.

نمره - ۱۶۶

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۵ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲ امرداد ۱۲۸۸] ۷ رجب [۱۳۲۷] از قلهک.

کمیته ملتیان دیروز هیئتی نزد شاه فرستادند که از او خواهش نمایند جواهرات سلطنتی را تسلیم نموده و بعلاوه اظهار نمایند که دولت حاضر است ۲۵ هزار تومان برای او در سال ۱۹۰۹ میلادی، محمد علی میرزا اظهار نمود در خصوص جواهرات حاضر است تسلیم نماید ولیکن در خصوص مواجب مطلب را به مسیو سابلین واگذار نموده است. بعد به همکار روس شکایت نمود که مبلغ پیشنهاد شده خیلی کم است. اعلیحضرت سابق بعلاوه از این مواجب از اهالا شخصی خود عایدات دارد که سالی تقریباً ۲۰ هزار

۱) پیش از تصویب «قانون تبدیل بروج به ماههای فارسی از نوروز ۱۳۰۴ شمسی - مصوبه یازدهم فروردین هام ۱۳۰۴ شمسی» ترتیب درستی بنای شمارش روزهای ماه نبود و پرخی از ماهها تا ۳۲ روز هم می‌رسید. - ۲.

ليره می شود.

نفره - ۱۶۷

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری هورخه ۲۵ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲ امرداد ۱۲۸۸؛ ۷ ربیعه ۱۳۲۷] از قلهک.

من از قنسول اعلیحضرتی مقیم شیراز اطلاع حاصل می نمایم که نماینده حاکم جدید را
قشون ایلاتی از دارالحکومه اخراج کردند. تلگرافخانه آباده خبر داد که صولتالدوله با
۱۰ هزار تقریباً عازم شیراز شد. مستر بیل استدعای اجازه حرکت استعداد از بوشهر می نماید.
نظر به این اتفاقات اعزام استعداد را حس نموده و دستور العمل به ماژور کاکس برای
فرستادن سپاهی دادم. من دولت ایران و همکار روس خویم را از این اقدام مطلع خواهم
ساخت.

نفره - ۱۶۸

تلگراف هستر اوبرون به سر ادوارد گری هورخه ۲۶ ژوئیه ۱۹۰۹ [۳ امرداد ۱۲۸۸؛ ۸ ربیعه ۱۳۲۷] از پطرزبورغ.

آقا

دیروز برای مذاکرات امور شیراز نزد وزیر امور خارجه رفتم. جناب وزیر به من اطلاع
داد که الان خبر رسید که شاه به سفارت روس متحصن شده است.
مسیو ایزولسکی که این حرکت را مطابق استعفاء یا خلع محمد علی فرض می نمود
اظهار کرد که این خبر اسباب آسودگی خاطر او شده است. دولت روسیه هیچوقت میل
همراهی محمد علی میرزا را نداشته لیکن مظنون به مساعدت بوده و اقدامات آن را با
خيالات وخیم تلقی می کردند. در هر صورت اوضاع واضح گردید.

جناب وزیر اظهار نمودند که خیال دولت روس درباره ایران و اوضاع جدید این است
که اگر این اشخاص که زمام امور را در دست گرفته اند قابل استقرار نظم و ترتیب حکومت
ثابتی باشند دولت روسیه آن دولت را خواهد شناخت لیکن اگر معلوم شد که آنها قابل
این کار نیستند دولت روسیه مجبور خواهد شد تا اقداماتی که لازمه حفظ هنافع دولت
روسیه است اجراء نماید. من گفتم که اگر خیال دولت روسیه اینست گمان می کنم که با
خيالات دولت اعلیحضرتی مطابق خواهد بود.

هیو اوبرون

نمره - ۱۶۹

تلگراف مازور کاکس (ژنرال قنسول انگلیس مقیم بوشهر) به سر ادوارد گری مورخه ۲۶ ژوئیه ۱۹۰۹ [۳ امرداد ۱۲۸۸؛ ۸ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷] از بوشهر.
اغتشاش شیراز

یک هاکسیم با ۵۰ نفر که ترکیب آنها از این قرار است به شیراز عزیمت نمودند: ۵ سوار، ۳۶ سپاهی، یک صاحب منصب هندی، دو صاحب منصب لیوتنان بحری و بری انگلیس، با ۵ نفر قشون بحری و یک جراح.

نمره - ۱۷۰

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۸ ژوئیه ۱۹۰۹ [۵ امرداد ۱۲۸۸؛ ۱۰ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷] از طهران.
انتخابات طهران که برای ۶ و ۷ و ۸ ماه او [= اوت] مقرر شده بر وفق قانون انتخابات جدید خواهد بود.

نمره - ۱۷۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر بارکلی مورخه ۲۸ ژوئیه ۱۹۰۹ [۵ امرداد ۱۲۸۸؛ ۱۰ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷] از وزارت خارجه.
شما می‌توانید با تفاق همکار روس خودتان تبریکات خویش را به شاه جدید تقدیم نمایید.

نمره - ۱۷۳

تلگراف سر کارتراست به سر ادوارد گری مورخه ۲۹ ژوئیه ۱۹۰۹ [۶ امرداد ۱۲۸۸؛ ۱۱ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷] از وینه.

ظل‌السلطان

ظل‌السلطان هصم شده که فردا شب از وینه به طهران عزیمت نماید. مشارالیه برای من پیغام داده که مایل است با او ملاقات نمایم.
امروز با یکی از نایب‌های سفارت روس به ملاقات او رفتم. مشارالیه به ما اطمینان داد اقدامی که محل روابط صلح باشد از او سر نخواهد زد. ظل‌السلطان اظهار نمود در طهران در منزل نایب‌السلطنه که از طرف مادری خویش نزدیک و دوست قدیمی او است توقف خواهد نمود و امیدوار بود که تا دو هفته دیگر وارد طهران خواهد شد.

نمره - ۱۷۳

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۳۰ ژوئیه ۱۹۰۹ [۷ امرداد ۱۲۸۸ : ۱۲] رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

مفاخر الملک که در چند روز قبل از سفارتخانه خارج و مخفیانه برای هازندران عازم بود تا آن ولایت را بر ضد دولت حاضر بشوراند از طرف ملتیان دستگیر شد. او را به طهران آورد و در محض حکمه مخصوص محاکمه نمودند. بعد از آنکه چندین قتل که از جمله آنها قتل یکی از متخصصین شاهزاده عبدالعظیم بود در حق او ثابت گردید محکوم به قتل شد و امروز حکم مجازات در حق او مجری گردید. صنیع حضرت هم که سابقاً رئیس فدائیان شاه بود دیروز اعدام شد.

نمره - ۱۷۴

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۲ ماه اوت ۱۹۰۹ [۱۰ امرداد ۱۲۸۸ : ۱۲] رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

در این هفته اخیر اقدام قطعی برای حرکت اعلیحضرت شاه سابق نشده است. دولت ایران سعی کامل دارد تا بعضی جواهرات سلطنتی را که در نزد شاه است و ادعای مالکیت آنها را می‌نماید تصرف کند. از قرار علوم آن جواهرات خیلی گرانها و سابقاً هم جزو جواهرات سلطنتی بوده است.

من امیدوارم پس از آنکه مسئله جواهرات طی شد دیگر اسباب تعویق فراهم نیاید.

نمره - ۱۷۵

کاغذ سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۲ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۱ تیر ۱۲۸۸ : ۲۳] ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

آقا

در مراسله ۱۶ ماه گذشته اظهار نمودم پروگرام ما را که شاه قبول نمود مقدمات جلوگیری آمدن بختیاری و فداییها را از اصفهان و رشت که در یک وقتی احتمال قوی داشت فراهم گرد. برخلاف اظهارات من حوادث طوری سریعاً روی داد که در واقع همین مسئله نمونه خوبی است در اشکال اینکه انسان پیش‌بینی صحیحی در اوضاع ایران نمی‌تواند بکند. اطلاعی که برای من رسیده بود این بود که عده زیادی بختیاری از اصفهان به منزلهای خود مراجعت کرده‌اند و مابقی هم به همین زودیها مخصوص خواهند شد. همین طور از قزوین. ابداً از تهیه و حرکت آنها خبر نمی‌رسید بلکه برخلاف مشهور بود که فداییها متفرق می‌شوند. هنوز من مراسله مذکور فوق را امضا نکرده بودم که در ۱۷ ماه گذشته از ژنرال قسول اعلیحضرتی برای من تلگراف رسید که سردار اسعد برای خدا حافظی نزد (۱) در این قسمت همه جای ماه اوت را «او» نوشته است. - ۳

او رفته و عازم طهران شده است. اخبار هم شیوع پیدا کرد که رئیس بختیاریها با هزار نفر سوار برای اجرای مشروطیت رو به طهران می‌آید.

به فاصله ده روز خبر رسید که سپهبدار از قزوین حرکت نموده و چندان مسافتی از طهران دور نیست. عجیب‌تر آنکه در چند روز قبل سپهبدار قبول کرده بود که خود را از فداییها خارج کرده و برای صلح بطرف طهران بباید در صورتی که از طرف سفارت روس امنیت او را ضمانت نمایند و مسیو سابلین هم این مسئله را قبول کرده بود.

بمجرد اینکه تلگراف از مستر گراهم رسید فوراً جواب مخابره کرده و دستورالعمل دادم که به سردار اسعد خاطرنشان نماید که برای استقرار مشروطیت اقدامات لازمه می‌شود و اقدامی را که او در نظر دارد عوض آنکه مددکار بشود بیشتر اسباب پیچیدگی را فراهم خواهد کرد ولی قبل از اینکه این تلگراف به مستر گراهم برسد سردار اسعد حرکت کرده بود و مستر گراهم مطلب را بتوسط کاغذ به سردار اسعد رسانید.

در ۲۰ ماه وزیر امور خارجه با من هلاقات کرد و اظهار داشت که دولت در همین زودیها امیر مفخم را که یکی از خوانین شاه پرست بختیاری است به جلو سردار اسعد من به جناب وزیر اظهار نمودم که این اقدام باعث شروع به جنگ داخلی می‌شود که اساساً محل تأسف است. بعلاوه من اقدامات لازمه برای جلوگیری از پیش‌آمدن سردار اسعد نمودم و اگر این اقدام مؤثر نیفتاد آنوقت سعی خواهیم کرد که اجازه بدهند تا از طرف سفارتین ژنرال قنسولهای اصفهان نزد سردار اسعد رفته و نصیحت سخت نمایند که از نمایشات خود دست بردار شود. جناب وزیر قول داد که تا چند روز دیگر عزیمت امیر مفخم را به تعویق اندازد.

در ۲۲ ماه به کاغذ مستر گراهم سردار اسعد جواب غیر مساعد فرستاد. به همین ملاحظه به مستر گراهم دستورالعمل دادم تا پنزد سردار اسعد که با ۷۰۰ نفر نزدیک قم رسیده بود رفته و به او حالی نماید که سفارتین از اقدامات شاه در خصوص اجرای اسناد پروگرام پیشنهادی دولتین راضی هستند و چون سردار اسعد از این پیشنهاد سوتعقاهمی داشت لذا به مشارالیه خاطرنشان نمایند که این مواد پروگرام ابدأ به استقلال ایران لطمه‌آور نیست بلکه نصیحت دوستانه است که برای استقرار مشروطیت به شاه پیشنهاد شده است و اخباری را که انتشار یافته که این پروگرام بر ضد استقلال ایران است تکذیب نماید.

در همان روز بر وفق همین تفصیل همکار روس به ژنرال قنسول روس مقیم اصفهان دستورالعمل قرستاد. ژنرال قنسولها در ۲۶ ماه با سردار اسعد در قم مذاکرات نمودند. سردار اسعد در جواب اظهار نموده بود که این مشروطه یازیچه اطفال است چرا که سعدالدوله هنوز وزیر و امیر بهادر جنگ نزد شاه و مخبرالدوله وزیر پست و تلگراف است و قول داده بود که تا ۲۸ ماه چند فقره تقاضا که با سایر ملتیان مشغول ترتیبات آن می‌باشد به ژنرال قنسولها داده خواهد شد. خوب است که در خصوص مخبرالدوله ذکری بشود. در هوقعی که کایینه جدید تشکیل شد بموجب پیشنهاد خصوصی سفارتین مخبرالدوله که سابقاً در کایینه مترجمین بوده دوباره در سر کار خود باقی ماند. ما می‌دانستیم که او هر تجمع است ولی چون وزیر پست و تلگراف در ایران جزو کایینه محسوب

نمی‌شود و مخبرالدوله تجربیات خوبی در اداره کردن تلگرافخانه داشت لذا ما مایل بودیم که او در سر کار خود بوده باشد. پس از آنکه نتیجه ملاقات ژنرال قنسولها با سردار اسعد به ما معلوم شد دوباره به آنها دستورالعمل دادیم که به سردار اسعد تفصیل مطالب سابقه را که به آنها دستورالعمل داده شده بود تکرار نمایند و بعلاوه اهمیت موقع را در می‌نظر او آورده و اظهار دارند که اگر سردار اسعد به نصایح ما اعتنا ننماید خود را دچار مسئولیت مهمی خواهد کرد.

به ژنرال قنسولها گفته شد تا به سردار اسعد اطلاع بدهند که آنها تا ظهر ۲۹ منتظر تقاضای او خواهند شد.

سردار اسعد نظر بهداکره با سایر ولایات وقت خواست و ما گمان می‌کردیم که نگاهداری ژنرال قنسولها در قم برای این کار مناسب نخواهد بود چون ما تا يك اندازه مطلع بودیم که این تقاضاها را به دولت ایران فرستاده‌اند و از منبع دیگر هم ممکن بود که به ما خبر برسد. لذا به ژنرال قنسولها دستورالعمل فرستاده شد که به سردار اسعد اطلاع دهنده که دیگر ایشان مطلبی ندارند و در ۲۹ ماه از قم بطرف اصفهان حرکت کرددند. در این ضمن خبر رسید تقریباً ۹۰۰ نفر فدایی تا ۴۵ میلی طهران آمدند.

عدم موافقیت ژنرال قنسولها و این اقدام رولوسیونرها از قزوین خیلی موقع شاه را وخیم نشان می‌داد و اضطراب فوق العاده به درباریان روی آوردیم بود.

در پاییخت باستانی ۸۰۰ الی ۹۰۰ نفر قزاق ایرانی قشون دیگر نیست که محل اعتماد باشند.

برای اینکه کار شاه زیادتر زار و از این بدتر بشود نفاق بختیاریها از میان رفت و مابین ایل‌بیگی و صهیمان‌السلطنه ایلخانی صلح برقرار شد.

امیر مفخم که همراه شاه است هیچ احتمال داده نمی‌شود که بتواند عده زیادی را با خود همراه نماید. اشکال زیاد آن است که تمام وزراء باستانی سعدالدوله همگی در يك حال غریبی هستند. سعدالدوله در ۲۵ ماه استعفاء داد بعد از او تمام وزراء از کار کنار گرفتند هر چند که شاه حکم کرد تا هوقتاً وزراء متصدی امور بشوند. فقط از میان آنها سعدالدوله به ملاحظه جرئت مشغول کار خود بود و سایرین بهیچوجه در اموری که رایحه مسئولیت داشته [باشد] مداخله نمی‌کردند.

در این موقع باریک شاه مرا با همکار روس به سلطنت آباد احضار نمود و چون در تلگراف ۳ این ماه تفصیل این ملاقات را کاملاً اطلاع داده‌ام دیگر زیادتر از این لازم نیست که بگوییم شاه از ما تقاضای نصیحت کرد و ما اظهار کردیم که تعویق شاه در اجرای نصایح ما که مکرر در زمستان گذشته پیشنهاد شده بود باعث این گرفتاریهای حاضر شده است. ما سعی نمودیم از سردار اسعد ممانعت نماییم ولی بدیختانه موافقیت حاصل نکردیم. حالا دیگر نمی‌دانیم که چه نصیحتی به آن اعلیحضرت گرده باشیم. ما حاضریم که در موقع نزوم اگر اتفاق بیفتند نقوذ خود را برای اصلاح بکار ببریم. این ملاقات آثار غمناکی را در هن و در مسیو سابلین آشکار ساخت.

روز بعد تلگراف دوم ژویه شما در خصوص پیشنهاد به سفیر کبیر روس که از طرف

سفراتین به سپهبدار و سردار اسعد گفته شود که « فقط راهی که می‌تواند از دخالت خارجی جلوگیری نماید همانا عبارت از استقرار نظم است تا به مشروطه جدید وقت داده شود که بیتیم چگونه کارها را اداره می‌نماید» رسید.

نظر به مخاطرات جنگ که بی‌اندازه مترقب بود هر چند که برای همیو سایلین دستور العمل نرسیده بود باز قبول کرد که دو نفر نماینده از طرف سفارتین برای اطلاع مطالب فوق نزد سپهبدار و سردار اسعد فرستاده شود. بهمین مقصود صبح روز ۴ این ماه مأمور استوکس و همیو بارنوسکی بطرف سپهبدار و مستر چرچیل و رومانوسکی بطرف سردار اسعد عزیمت نمودند. مأمور استوکس و همیو رومانوسکی در موقع جنگ مابین فدائیها و قزاقها که از کرج به این طرف آمده بودند به شاه‌آباد رسیدند. قزاقها چندتیری سهواً بطرف آنها شلیک کرده بودند ولی خوشبختانه به آنها آسیبی نرسید و پس از اختتام دعوا بطرف سپهبدار عازم شدند.

مأمور استوکس و مستر چرچیل راپورتی را که از ملاقات سپهبدار و سردار اسعد نوشته‌اند لفأً تقدیم می‌نمایم.

چنانچه در تلگراف ۵ این ماه راپورت داده شد مذاکرات با سردار اسعد و سپهبدار اثری نیخشید و لی سپهبدار به مأمور استوکس و بارنوسکی صورتی از تقاضاهای خود داد (مالحظه فرمایید یادداشت مأمور استوکس را).

این تقاضاهای به نظر من و همکار روس خیلی فوق العاده بود و به همین جهت به شاه اصرار نکردیم که این تقاضا در تحت پروگرام ما می‌آمد و اجرای آنها هم در این موقع بسیار لازم بود یکی راجع به بیرون کردن خائین مثلاً امیر بهادر جنگ و شیخ فضل الله و مقاخرالملک و اشخاص دیگر و دوم راجع به عزل مخبرالدوله وزیر پست و تلگراف.

در جواب ما به سپهبدار اظهار نمودیم که در این دو فقره می‌توانیم به شاه اصرار نماییم ولی در صورتی که او هم به ما قول بدهد که اگر شاه قبول نمود راضی گردد. او باز همان مطلب سابق را مکرر کرد که این مشروطه بازیچه است و اظهار کرد که نظر به عهده‌نامه روس و انگلیس در موقعی که ملت ایران سعی دارد که حقوق خود را تحصیل کند امیدواریم که دول خارجه در این امر دخالت ننمایند.

در ۱۰ این ماه [۱۹ تیر ۱۲۸۸ - ۲۱ ج ۱۳۲۷] پس از آنکه سعدالدوله اطلاع داد که از طرف دولت به دو سردار پیغام فرستاده شد و آنها را دعوت نمودند که برای مذاکرات نماینده بفرستند، ما موقع را غنیمت شمرده و به شاه اصرار نمودیم که این اشخاص منفور ملت را از دور خود متفرق نماید. احليحضرت شاه به ما قول مخفی داد در صورتی که از طرف سپهبدار و سردار اسعد بتوسط قول کتبی داده شود که پس از آنکه شاه اینها را اخراج کرده دیگر آنها جنگ نخواهند کرد و از قشون خود خلیع سلاح خواهند نمود اشخاص مذکور را اخراج می‌نماید.

بعد از شنبدهن این مطلب ما فوراً به سردارها (که قشون آنها در این موقع در شهریار بهم ملحق شده بودند) پیغام فرستاده و به آنها اصرار نمودیم که برای مذاکره نماینده اعزام دارند و به آنها اطمینان دادیم که هر یک از تقاضاهای آنها که موافق مشروطیت باشد

از طرف شاه قبول خواهد شد.

در موقعی که این پیغام دیروز صبح به سردارها رسید جنگی که از قرار معلوم روز پیش شروع شده بود هنوز باقی بود، این جنگ مابین فدائیها که عده‌شان دو هزار نفر بود با ۵۰۰ نفر قزاق و با عده‌ای از بختیاریهای امیر مفخم و عده‌ای از قشون دیگر واقع شد و تا غروب طول کشید. قزاقها به فدائیها حمله برند، بعد عقب نشستند.

امروز صبح جواب پیغام ما رسید. مفادش این بود که سردارها در صورتی که به آنها حمله برده می‌شود از قرستاندن نماینده معذورند و تمام راه بتوسط قشون دولتی مسدود است و تقاضا نموده بودند که دولت ایران باید نماینده بفرستد. و اظهار نموده بودند که فقط تا غروب آنها مشغول دفاع خواهند شد.

من این قضیه را با وزیر امور خارجه مذاکره نمودم ولی گمان می‌کنم عجالتاً سفارتین ابدآ نمی‌توانند کاری که مثمر ثمر باشد صورت بدھند. عقیده همکار روس هم این است و مصمم شده‌ایم عجالتاً کارها را به مجرای طبیعی خود واگذار نماییم. بارگذاری

ضمیمه ۱ در نمره ۱۷۵

تقریباً یک ساعت و نیم با سردار اسعد صحبت نمودیم. ما به ایشان اطلاع دادیم که به عقیده سفارتین این نهایش آنها خیلی بی‌موقع و به اساس مشروطیت مضر است. هجمل دلایل سردار اسعد این بود که مشروطیت وجود ندارد و سفارتین خیلی گول خورده‌اند. طریق اثبات مدعیات او وجود امیر بهادر وزیر جنگ واقعی و استعفای مستوفی‌المالک و حضور سعد الدوله و مخبر الدوله در کابینه بود.

ما به ایشان یادآوری نمودیم که اگر به نصایح سفارتین اعتماد نکنند سفارتین یقین خواهند کرد که مقصود آنها اشکال قراشی در اوضاع است و شخصاً او را مسئول نتایج خواهند دانیست.

سردار اسعد جداً پروتست کرده و اظهار داشت که او هیچ مقصودی جز استقرار مشروطیت واقعی (پرای این لفظ توضیح نداد) ندارد و گفت چنانچه در اصفهان جنگ نکردم یا کسی نیز دعوا ندارم و دلیل این مطلب به کاشان نرفتن او است با وجود اینکه عده زیادی در آن نقطه با او همراه بودند و مابقی هم بیک اشاره همراه می‌شدند.

به او اصرار شد که ضدیت با سفارتین را ترک و آهسته به منزل خود مراجعت نماید. او جواب داد بدون اینکه کاری را انجام دهد از مراجعت به منزل خود معذور است. سردار اسعد اظهار نمود پس از آنکه بعض از تقاضاهای او قبول شود برای مراجعت حاضر است. از آن تقاضاهای فقط دو فقره را عجالتاً می‌توانست ذکر کند:

- ۱) اخراج امیر بهادر جنگ و پنج شش نفر دیگر از مستبدین معروف طهران.
- ۲) به وکلای جدید مجلس امئیت داده شود. (چونکه یقین داشت وکلاء دیگر جرئت اجتماع ندارند).

بقیه تقاضاهای را عجالتاً نمی‌تواند اظهار نماید تا اینکه با گمیته‌ای که برای امروز به قم احضار کرده مشورت نماید.

تا این هوقع غیر از یک نفر هنوز سایر اعضاء کمیته در قم حاضر نشده‌اند. سردار اسعد قول داد که ۲۸ ماه ژوئن سایر تقاضاهای خود را کتبآ پیشنهاخ خواهد کرد. ما از ایشان سؤال کردیم که اگر تقاضاهای ایشان قبول نشود چه می‌کنند. در جواب چند بیت از اشعار فردوسی خواند که مفاد آن مطابق است با مثل انگلیسی که می‌گوید «فتح یا وستمنستر ابی».^۱

ما خاطرنشان نمودیم در عوض اینکه این نمایشات ایشان اسباب دوام مشروطیت گردد مورث تعویق آن خواهد شد.

سردار اسعد جواب داد نتیجه این اقدام از دو صورت خارج نیست یا مشروطه واقعی برقرار خواهد گردید یا اسباب دخالت مستقیم خارجه فراهم خواهد آمد. بهتر این است یکی از این دو نتیجه حاصل شود. دلیل دیگر برای صلح این است که حکم کرده است تا دیگر استعداد از اصفهان نفرستند.

سردار اسعد یکوقتی در ضمن صحبت خود اظهار کرد که او حاضر است مدتی در قم یا در جای دیگر توقف نماید تا مجلس منعقد شود. با وجود اینکه اطمینان داشت که به این ترتیب حالیه هیچ وقت مجلس منعقد نخواهد شد. مکرر اظهار کرد که هیچ وقت نمی‌خواهد با سفارتین ضدیت نماید و خیلی ممنون خواهد شد اگر سفارتین بتوانند تقاضاهای او را تحصیل نمایند. این تقاضاهای شخصی او نیست بلکه راجع به تبریز و مشهد و رشت و سایر نقاط ایران است که او از طرف آنها نماینده است. سردار اسعد اظهار نمود که مقصود شخصی ندارد و باز تکرار نمود دلیل دیگر برای فقدان مشروطیت وجود استبداد در طهران است. امروز برای او خبر رسید که شاه املاک او را در بختیاری به امیر هفخم بخشیده است. امضاء گراهم یوگوایاولنسکی مذاکرات متحدمآل که از طرف سفارتین روس و انگلیس در ۴ ماه ژویه سال ۱۹۰۹ با سپهبدار شده است:

من و مسیو بارنوسکی روز ۴ ماه ژویه سه ساعت بعد از ظهر وارد کرج شدیم. چون صبح آن روز بتوسط تلفون برای ملاقات از سپهبدار درخواست وقت نموده بودیم، بمحض ورود به کرج سپهبدار ما را نزد خود پذیرفت. مسیو بارنوسکی به سپهبدار اطلاع داد که نماینده‌گان دولتین مقیم طهران با یک پیغامی که نتیجه مذاکرات لندن و پطرزبورغ است ما را نزد شما فرستاده‌اند. من هم اظهار داشتم که هستر چرچیل و رومانوسکی با یک چنین پیغامی نزد سردار اسعد رفته‌اند.

سپهبدار اظهار نمود الان از سردار اسعد که در رباطکریم است برای من کاغذ رسید. بعد مسیو بارنوسکی ترجمه دستورالعملی [را] که به ما داده بودند به فارسی برای سپهبدار قرائت نمود. سپهبدار بدقت گوش داد. بعد از اینکه مسیو بارنوسکی دستورالعمل فوق را

(۱) Victory or West Minster Abbey : این کلمات را امیران مشهور انگلیسی، نلسن، درجتگر افلکار سروده است یعنی یافتح یا مردن به افتخار و دفن در وست منستر ابی. ذیراً وست منستر ابی جایی است در لندن که مردان مشهور انگلیسی به مخارج دولت در آنجا دفن شده‌اند.

تمام خواند، سپهبدار ورقه را از او گرفته و شخصاً قرائت نمود و پیش خود نگاه داشت. پس از آنکه سپهبدار دستور العمل را ملاحظه نمود از شاه شروع به شکایت کرد و اظهار داشت ابداً نمی‌شود به شاه اطمینان نمود. هر قولی که داده آنقدر در اجرای آن طول می‌دهد که مثل نکردن محسوب می‌شود و در دور خود خائین و ملاها را جمع نموده و نصایح این چند نفر را به اراده سایر ایرانیان برتری می‌دهد. وزرای شاه ابداً جواب تلگرافات ما را نمی‌دهند و بیش از ده تلگراف مخابره شده و به هیچ‌یک از آنها جواب نرسیده است. بعضی از وزراء خائین‌اند (ولی اسم نبرد) وزراء کمیته ملتیان را در طهران برسمیت نشناختند (این مطلب راجع است به کمیته ملتیان که در طهران تشکیل یافته بود؛ در ابتدا سعدالدوله آنها را برسمیت می‌پذیرفت ولی بعد اعتنا نکرد). سپهبدار بعد اظهار نمود که می‌خواهد با سایر رؤسای ملتیان در این خصوص مذاکرات لازمه فرماید و برای همین مقصود از نزد ما خارج شد.

یک ساعت و نیم بعد مراجعت نمود، اظهار کرد ملتیان خیلی متشکر از مساعی دولتين عظمتین که در واقع دو دولت عمده روی زمین‌اند و برای اصلاح مبنول می‌دارند هستند. بعد از ما سوال نمود که آیا شاه از فرستادن شماها نزد من خبر دارد یا خیر. من جواب دادم یقین ندارم ولی گمان می‌کنم که اطلاع ندارد. مسیو بارتونسکی گفت گمان می‌کنم که از آمدن ما شاه خبر نداشته باشد. سپهبدار پرسید که مقصود از لفظ برقراری نظم چیست و اظهار نمود که حرکات قشون او همیشه از روی نظم بوده و خواهد بود. قشون ملتی برای مقصودی آمده‌اند که هنوز بعمل نیامده.^{۱)} او و سردار اسعد از حرکات قشون خود ضمانت نموده و می‌نمایند. اگر سفارتین ترتیبی بدنهند که او با سردار اسعد هر کدام با ۱۵۰ نفر آدم در شهر یا در یکی از پایگاه دور شهر آمده آنوقت با مشورت سایر ولایات ترتیب اساسی برای استقرار مشروطیت خواهند داد.

من از سپهبدار پرسیدم مقصود شما از استقرار مشروطیت چیست؟ در جواب اظهار کرد بعضی چیزها است که ملتیان مایلند تا آنها را معمول دارند. من گفتم اگر شما آن مطالب را به ما بگویید ممکن است که سفارتین آن مطالب را به نظر شاه رسانیده و در قبولی آنها اصرار نمایند و در آن صورت سفارتین ضمانت اجرای آنها را خواهند گرفت.

سپهبدار چند فقره از آنها را اظهار کرد و ما خواهش نمودیم که این مطالب را روی کاغذ بیاورد. سپهبدار دوباره از شاه بنای شکایت آغاز نمود و اظهار کرد از آنوقتی که مشروطیت بر پا شده شاه متصلا ساعی بوده که مشروطه را بر هم زند. و حوادث سال گذشته را بما خاطرنشان نمود. من گفتم از گذشته نباید شکوه گرد، خوب است آنها را همینطور گذشته محسوب دارید. در همین ایام شاه نصایح دوستانه دولتين را قبول نموده و اغلب مواد پروگرام ما را بموضع اجرا گذارده بقیه را هم اجراء خواهد گرد. قانون انتخابات حاضر تمام مقدمات انتخابات مجلس مهیا است. مسیو بارتونسکی اظهار کرد که مجلس خیلی اهمیت دارد وقتی که برسمیت منعقد گردید آنزمان می‌توانید تمام وزراء را تغییر بدهید. سپهبدار دو مرتبه مطلبی را که سابقآ گفته بود تکرار نمود: «مقصود ملتیان

۱) در اصل، هنوز آن بعمل نیامد. — ۲.

هنوز بعمل نیامده است.» بعد سپهبدار برای نوشتن تقاضاها از نزد ما خارج شد و به فاصله یک ساعت با یک ورقه‌ای که در آن ۸ ماده از تقاضاهای خود نوشته بود وارد شد. برای اینکه ابداً جای سوء تفاهم باقی نماند ما خواهش کردیم که آن تقاضاها را برای ما بخواند و اون تقاضاها را قرائت نمود. من سؤال کردم اشخاصی که اخراج آنها را تقاضا کرده‌اید کیان‌اند؟ سپهبدار از روی ورقه دیگری که در دست داشت اسمی ذیل را قرائت کرد: امیر بهادر، شیخ فضل‌الله، مفاحر‌الملک، مقتدر نظام، صنیع حضرت، ملا محمد آملی.

ما اخهار کردیم که این تقاضاها را به سفارت خواهیم برد و بعد جواب می‌دهیم که آیا ممکن است نمایندگان آنها را به نظر شاه رسانیده و درخواست قبول نمایند یا خیر. سپهبدار تقاضای جواب فوری نمود ولی ما گفتیم به احتمال اینکه شاید در آنها مذاکره بعمل آید خوب است تا سه روز منتظر باشید. سپهبدار گفت توقف قشون هر روزا مبلغ کلی خسارت به ملتیان وارد می‌آورد ولی تا ظهر سه‌شنبه منتظر خواهیم شد و ما وقت را قبول کردیم. سپهبدار سؤال نمود که آیا می‌توانید قول بدھید که در این چند روزه اقدامات نظامی بر ضد ما نخواهد شد؟ ما جواب دادیم که نمی‌توانیم چنین قولی را بدھیم ولی اگر به شما حمله کردند البته می‌توانید که جنگ کنید و ما خارج شدیم.

از آنوقتی که وارد قشون ملتیان شدیم در نهایت احترام با ما رفتار کردند. هر سربازی که به ما می‌رسید احترامات لازمه نظامی را بجا می‌آورد. من ابداً آثار یأس از شکست صحیح در میان آنها مشاهده نکردم و از چند نفر آنها سؤال کردم جواب دادند شکست نبوده بلکه بدون هیچ خسارت دعوای پیشکراول بوده است. وقتی که در مراجعت به طهران به شاه‌آباد رسیدیم در آنجا به «کاپیتان پریسینیزوف» فرمانده قزاقهای ایرانی اطلاع دادیم که سپهبدار تا ظهر سه‌شنبه اقدام نظامی نخواهد کرد.

امضاء مأمور استوکس، آتابه میلیتر، طهران

ضمیمه ۳ در نمره ۱۷۵

ترجمه تقاضاهای ملتیان

۱) سپهبدار و سردار اسعد هر کدام با ۱۵۰ نفر مجاهد مسلح، در صورت ضمانت کافی، برای مذاکره در مسائل ذیل به طهران خواهند آمد و پس از آنکه از اجرای این تقاضاها اطمینان تحصیل کردد مجاهدین را به منازل خود عودت خواهند داد.

۲) قشون دول همچوار خاک ایران را تخلیه نمایند.

۳) تا موقع انعقاد مجلس انجمنهای ایالتی و ولایتی وزراء را معین نمایند و بعد موافق قانون رفتار شود.

۴) خانه‌های و اشخاصی که مردم از آنها سلب اطمینان کرده‌اند نفی بلد شوند.

۵) تاکنون اشخاصی که جزو قشون نبودند و بتازگی به آنها اسلحه داده‌اند کلیتاً خلع اسلحه شوند.

۶) وزیر جنگ مسؤول تمام قشون و قورخانه مملکت خواهد بود.

۷) اداره تلگرافخانه از مخبر‌الدوله گرفته شود.

۱) بهمین گونه است در اصل و ضمیمه نمره ۲ وجود ندارد. — ۳.

۸) تعیین حکام مشروطه باید به تصویب انجمن ایالتی آن محل باشد.
ضمیمه ۴ در نمره ۱۷۵

یادداشت در خصوص مذاکرات مستر چرچیل و مسیو رومانوسکی با سردار اسعد
در ۳ ماه ژوئیه سال ۱۹۰۹ [۱۲ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۴ ج ۲ - ۱۳۲۷]
مسیو رومانوسکی و من یک ساعت و نیم بعد از ظهر در همراهی دو نفر قزاق روسی و
دو سوار هندی و دو غلام سفارتین از قله ک حرکت نمودیم. ساعت ۷ به حسن آباد که در
۳۶ میلی طهران در راه قم و طهران واقع است رسیدیم. در آنجا به امیر مفخم و یک
نفر صاحب منصب قزاق ایرانی که با ۲۰۰ نفر قشون بودند ملاقات نمودیم. وقتی که ما بدیدن
امیر مفخم رفتیم اظهار کرد سردار اسعد در نقطه‌ای است مابین حسن آباد و رباط کریم و
می خواهیم به بدیدنش رفته ملاقات دوستانه نماییم. قرار براین بود که هر کدام از این
خوانین با ۵ نفر سوار از اردوگاه خود به آن نقطه ملاقات بروند. امیر مفخم قبول کرد که
در معیت او به ملاقات سردار اسعد برویم و مال سواری برای ما و همراهان ما دادند. وقتی
که سردار اسعد وارد شد ما بتنهایی او را ملاقات نمودیم. من آن کاغذی را که مأمور
رسانیدن آن بودم برای سردار اسعد خواهدم. سردار اسعد تا آخر گوش داد و آنوقت
به من اطلاع داده‌اند که این مشروطه که شاه داده است مشروطه صحیح نیست و ابدآ
خیال ندارد که این قول خود را به هوقع اجراء بگذارد. چه ضمانتی داده می‌شود که شاه
قولهایی که حالا می‌دهد به هوقع اجراء خواهد گذاشت.

من گفتم به ما اجازه داده شده است که اگر مسئله ضمانت پیش آید به شما بگوییم که
سفارتین حاضرند تا ضمانت لازمه را تحصیل نمایند. سردار اسعد جواب داد مخصوصاً چیزی
را که مایل نیستم عبارت از ضمانت خارجه است. او بهیچوجه به ضمانت خارجه مایل
نیست. من فوراً به ایشان اطمینان دادم که چنین «گارانتی» را ابدآ ما در نظر نداریم و
حاضریم تا از شاه ضمانت لازمه را تحصیل نماییم. سردار اسعد اظهار نمود در این صورت
مطلوب خیلی توفیر دارد و او مایل است که به این ترتیب قبول نماید. سردار اسعد چون
ظاهراً مایل نبود که در این مطلب مذاکره شود لذا مسئله را تعیین داده و باز تکرار نمود
که بمحض راپورتهای واصله از ولایات مردم بکلی از شاه سلب اطمینان نموده و به قول
او اعتماد ندارند و به همین ملاحظه گمان می‌شود که برای مجلس و کیل انتخاب نخواهند
کرد. من گفتم اقدامات نظامی که از طرف شما و سپهدار شده در نظر ما علت این هیجان
است و از قرار معلوم اقدامات طهران را به شما بد القاء کرده‌اند. ما می‌توانیم به شما
اطمینان بدهیم که سعدالدوله و کمیته‌ای که برای ترتیب قانون انتخابات تشکیل شده بود
بخوبی از عهده کار برآمده و پیش از آنکه شما و سپهدار بطرف طهران حرکت نمایید
جای امیدواری بود که مشروطه صحیحی برقرار شود.

سردار اسعد جواب داد تا وقتی که مفسدین اطراف شاه را گرفته‌اند هیچ ممکن نیست
به شاه اطمینان نمود آیا امیر بهادر جنگ باز هم رئیس کل قشون نیست؟ من گفتم یکی
از مواد پروگرام انگلیس و روس این است که امیر بهادر از کار خارج شود. این مسئله
و سایر مطالب دیگر را شاه قبول و اجراء کرده است. مخصوصاً من شخصاً از سعدالدوله

که واقعاً برای منافع ایران خدمت می‌کند پرسیدم که آیا برای اجرای کارها حضور امیر بهادر مانع است یا خیر؟ او جواب داد که او دیگر در نزد شاه نفوذی ندارد و قدرتی هم در دست او نیست و هر موقعی که بخواهد از طرف او اقدامی بشود فوراً به سفارتین خبر خواهد داد. پس در اینصورت دلیلی ندارد که خروج او را اصرار نماییم. مشارالیه فقط فرمانده سیلاخوریها است و بکلی در نزد شاه بی‌نفوذ است. بعد سردار اسعد اظهار داشت که من به خیال جنگ نیامده‌ام بلکه مقصودم این است که مشروطیت را درست برقرار نمایم و اگر جنگی واقع بشود ابدآ برای من تقصیری نخواهد بود؛ بهیچوجه به پیغامهای من از شاه جواب نمی‌رسد. یک دسته دور شاه را گرفته‌اند و نمی‌گذارند که اخبار صحیح به او برسد. نزدیک طهران آمدہ‌ام برای اینکه بتوانم مستقیماً با شاه مذاکره نمایم و عده زیادی همراه دارم و ایلات فارس هم تماماً با من هستند.

ما اظهار نمودیم که از ترجمة فارسی پیغام خود سوادی نزد شما می‌گذاریم و به طهران مراجعت می‌کنیم. وقتی که در ساعت یک خواستیم خارج شویم سردار اسعد با یک طرز مغزدار معنی‌بخش گفت: «Au revoir à Téhéran» (خدای حافظ؛ ملاقات در طهران)

امضاء

چرچیل

ضمیمه ۵ در نمره ۱۷۵

دستورالعملی که به ماژور استوکس و هسترن چرچیل داده شده بود شما سعی کامل خواهید نمود تا سردار اسعد و سپهبدار را ملاقات کرده و به آنها بگویید فقط چیزی که می‌تواند از دخالت خارجه جلوگیری نماید همانا استقرار نظم و دادن فرصت است به مشروطهای که تازه برقرار شده. شما به آنها اظهار نمایید که پیشنهاد دولتین متحابتین در ۲۲ آوریل به شاه و از اقدامات شاه در خصوص اجرای آن پیشنهاد برای آنها سوء‌تفاهم پیدا شده است. شما به آنها بگویید که این پیشنهاد به شاه برای استقرار مشروطیت در شکل تصحیحت دوستانه‌ای که برای نیل به این مقصود اینک بعضی اقدامات شده که اغلب آن اقدامات را شاه بعمل آورده است. بدون دخالت دولت کمیته ملتیان قانون انتخابات را بطور آزادی ترتیب داده و به امضاء شاه هم رسیده است. از طرف وزرائی که متهم به استبداد هستند هیچ ضدیتی در مقابل این اقدامات پیشنهادی ظاهر نشده است. اگر سردار اسعد و سپهبدار برخواست ضمانت نمایند باید ضمانتی را که می‌خواهند، بگویند تا ما سعی کامل نموده و آنها را تحصیل نماییم.

امضا پارکلی، هورخه ۵ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۴ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۶ ج ۲ – ۲] [۱۳۲۷]

نمره - ۱۷۶

مراسله سر بارکلی به سر ابوارد گری مورخه ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۵ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۷ ج ۲ – ۲] [۱۳۲۷] از قاله‌ک.

آقا

افتخار دارم که مجلی از حوادث چهار هفته گذشته ایران، بطور معمول، لفآ برای شما پفرستم.

ضعیمه در نمره ۱۷۶

تبریز

در نوزدهم ژوئن [۲۹ خرداد؛ ۳۰ ج ۱] قسمتی از قشون روس مرکب از یک باطربوپ هوتزر و دو دسته پیاده بطرف روسیه مراجعت کردند. در ۲۰ ماه ژوئن بقیه قشون اردبیل خود را از نزدیکی روذخانه آجی به باعث شاه حرکت دادند.

در ۲۸ ماه ژوئن [۷ تیر ۱۲۸۸؛ ۹ ج ۲ - ۱۳۲۷] به ژنرال قنسول روس حکم رسید که دیگر عجالتاً قشون را خارج ننمایند. شهر سکونت دارد و اتفاق تازه‌ای روی نداده. ستارخان و باقرخان هنوز در ژنرال قنسولگری عثمانی هستند و به همین زودیها با ژنرال قنسول عثمانی خارج خواهند شد و دولت روسیه ضمانت خواهد کرد که به آنها اذیتی نرساند و آنها در خارج توقف خواهند کرد تا اینکه نظم در ایران برقرار شود. چون شاهسونها که با رحیم‌خان قراچه‌داعی مشغول دعوا هستند به باسمنج آمدند لذا در ۷ ماه ژویه [۱۶ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۸ ج ۲ - ۱۳۲۷] ۱۵۰ نفر قزاق روسی به باسمنج فرستاده شدند. این قشون پس از چند روز به تبریز مراجعت کردند ولی ۶۰ نفر برای کسب اخبار در آنجا گذاشتند.

اجلال‌الملک، کفیل حکومت، مکرر خیال استعفا نموده ولی تا حاکم جدید وارد نشود استعفای او را قبول نخواهند کرد. فرمانفرماهای جدید علاوه‌الدوله در اوایل ژویه از اروپا وارد طهران شد لیکن تاکنون خبری از حرکت او بسته تبریز نرسیده است.

رشت

در ۲۸ ماه ژوئن [۷ تیر ۱۲۸۸؛ ۹ ج ۲ - ۱۳۲۷] برای قشون ملتیان در قزوین از رشت استعداد حرکت کرد. در ۸ ماه ژویه [۱۷ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۹ ج ۲ - ۱۳۲۷] قشون روس وارد انزلی شد و در ۱۰ ماه بطرف قزوین حرکت نمودند. قشونی که وارد خواهند شد مرکب از ۵۰۰ نفر قزاق و ۴ عرایه توپ و هزار نفر پیاده است. در مدت حرکت قشون ملتیان رو به طهران راه تردد رشت و طهران بهیچوچه بسته نشده و پست هم هرتبه بدون تعویق وارد و خارج می‌شود.

مشهد

در اواخر ماه ۵۵ در موقعی که اغتشاش شروع شد ژنرال قنسول روس بتوسط یکی از علماء معروف پیغام سختی به انجمن فرستاد و علاوه از آن پیغام کاغذی هم که به آن اندیازه سخت نبود به انجمن نوشت. برای همین پروتست بازارها بسته شد و مردم به کارگزاری حمله کردند.

در ۷ ماه ژوئن [۱۷ خرداد ۱۲۸۸؛ ۱۸ ج ۱ - ۱۳۲۷] چندین قتل روی داد که منجمله

راجع به بیگلرییگی بود. بیگلرییگی یکی از قاتلین را کشت و بعداً برای آن قائل احترامات فوق العاده پعمل آوردند و تمام اعضاء انجمن حضور داشتند.

یکی از دوستان ایرانی مژور سایکس به او گفت احتمال قوى داده می‌شود که سوء قصدی از طرف تبعه «پرسن دابیژا» نسبت به او اتفاق بیفتد که بشدت از او تنفر دارد. تمام اشخاص هم به ارک پناهنده شده و یا به دهات اطراف فرار کردند. ۲۰ نفر را صورت نویسی کرده و برای اعدام آنها سعی کامل نمودند و در واقع زمان ترور شیوع یافتند بود.

در دو هوع ۶ و ۸ ژون [۱۶ و ۱۸ خرداد؛ ۱۷ و ۱۹ ج] چون تیر زیادی در شهر در می‌رفت، لذا در قنسولگری انگلیس سنگریندی شد. پرسن دابیژا و اجزاء او جرئت اینکه از ارک خارج بشوند نداشتند و مکرر به او اخطار شد که مواطن خود باشد. چون ورود رکن‌الدوله احتمال تأخیر داشت و در صورت ورود او هم بیشتر آثارشیستها هیجان خواهند کرد لذا قنسولها تفصیل اوضاع را تلگرافاً [= تلگرافی] به سفارتین اطلاع دادند. پرسن دابیژا تقاضای فرستادن استعداد نمود، چون اوضاع خیلی مغشوش بود و هیچ امید بهبودی نمی‌رفت مگر اینکه بزدان در سر طعمه دعوا نمایند. مژور سایکس موافق نمود که یک همچو اقدامی لازم است.

اغتشاش همینطور مداومت یافت و در ۱۶ ژون [۲۶ خرداد؛ ۱۲۸۸: ۱۲۲۷ ج ۱ - ۱] وقتی که رکن‌الدوله وارد شد خود را بکلی بی‌اقتدار و دست‌بسته مشاهده نمود. شهر و تلگرافخانه هنوز در دست متمردین بود. مژور سایکس از رکن‌الدوله ملاقات کرده و او را خیلی وحشتزده دید. مژور مشارالیه راپورت داد که در ماه ژون دو دسته از رولوسیونرها که عده هر یک مایین ۵۰ الی ۶۰ نفر بود از تیریز وارد مشهد شدند. انجمن مشغول جمع‌آوری مجاهد بود. در ۱۸ ماه ژون پرسن دابیژا مراسله به فرمانفرما نوشته و تقاضاهای ذیل را نمود:

(۱) تخلیه نمودن مجاهدین تلگرافخانه را و تسليم کردن اسلحه خود.

(۲) دستگیر کردن قاتلین رئیس خدام و بیگلرییگی.

در آخر مراسله از همراهی قنسولخانه‌ها در این خصوص با حکومت قول داده شد. در ۹ ماه ژون این مراسله به انجمن ارسال گردید. انجمن مراسله مذبوره را پاره کرده و فحش زیادی به فرمانفرما و هم به پرسن دابیژا دادند.

یک دسته از ارادل در چند هفتة گذشته در ارک توقف نموده آنجا را هر کز خود برای حمله به شهر قرار دادند.

در ۲۳ ماه ژون از محله سراب مستبدین آنجا در تحت فرمان شجاع‌الدولیه حمله به مجاهدین آوردند. از قراری که می‌گویند حکومت شجاع‌الدولیه را تحریک به این اقدام نموده است. این اقدام اسباب شد که تمام محله ارک را غارت کردند.

در ۲۴ ماه ژون [۳ تیر، ۵ ج] تیر زیادی انداخته شد. در شب آن روز پرسن دابیژا خواست قراول به بانک روس بفرستد ولی ارادل رفتن آنها را مانع شدند. یک توب ماکسیم فرستاده شد و شروع به شلیک نمود. کسی کشته نگردید و قوراً راه عبور قراول

باز شد. غارت و آتش زدن خانه‌ها بیشتر گردیده و از طرف انجمن استدعای کمک به مأمور سایکس شد. مشارالیه انجمن را تصیحت نمود که با حکومت صلح نمایند.

در ۲۵ ژوئن [۴ تیر ۲] ملتیان طهران تلگرافی به انجمن کرده و به آنها تصیحت نمودند که اقدامی نکنند که مستمسک شکایت پشود. این تلگراف اثر خوبی بخشید؛ مذاکرات شروع شده و قرار بر این گرفت که انجمن خلع سلاح نمایند و در عوض رؤسای اراذل نیز خارج بشوند. در این ضمن اراذل حمله به تلگرافخانه برداشت و لی عقب نشسته و دو نفر از آنها کشته شدند.

در ۲۶ ژوئن [۵ تیر؛ ۷ ج ۲] ایالت در تحت حمایت روس و انگلیس درآمد. در ۳ ماه ژویه [۱۲ تیر؛ ۱۴ ج ۲] ایالت و پرنس دایپرزا و دو نفر از اعضاء مهم انجمن در قنسولخانه انگلیس همجلس کرند. قرار بر این شد که خلع سلاح بشود. و مابین حکومت و انجمن صلح داده شد. حکومت دو مرتبه شروع به کار نمود مشروط بر اینکه انجمن این قرارداد را تصویب نماید. از آنوقت تا به حال شهر خاموش است.

در ۱۰ ماه ژویه [۱۹ تیر؛ ۲۱ ج ۲] مأمور سایکس تلگراف نمود که انجمن و فرمانفرما متفقاً مشغول برقراری صلح و انتظام هستند. فقط ۲۰ نفر قراول انجمن مسلح است و اطمینان از طرفین حاصل گردیده است.

سیستان

حسام الدوله در روز ۲۱ ماه مه اشخاص معروف بیرجند را دعوت کرده و اعلان شاه را قرائت نمود.

به وکلاع سابق انجمن گفته شد تا موقع انتخاب جدید آنها نماینده انجمن خواهند بود. انجمن ایالتی مشهد انتخابات جدید را قبول نکرده لذا همان وکلای قدیم سر جای خود باقی هستند.

انجمن ایالتی مشهد به حسام الدوله اطلاع داد که مسئول مالیاتهایی که بتوسط او جمع شده است خود او خواهد بود و این مطلب اسباب نگرانی او را فراهم نموده است.

اصفهان

شهر رویهم رفته آرام است اگر چه در چند موقع ایلات برخلاف نظم رفتار کرده‌اند.

سلطان‌آباد

در اول ماه ژویه کفیل ویس قنسولگری اعیان‌حضرتی راپورت داد که در ایالت عراق بی‌نظمی متصل رو به ازدیاد است و دزدی همه روزه اتفاق می‌افتد. الوار گاو و گوسفند اغلب دهات را چاپیده‌اند و چندین ده را نیز غارت کرده‌اند. رعایا جرئت ندارند تا از خانه‌های خود خارج بشوند. راهها در کمال ناامنی [است] و بهمین زوییها بکلی مسدود خواهد شد.

به‌جرد اینکه بختیاریها به قم رسیدند انجمن محلی در اینجا دایر شد. مکرر از طرف

انجمان به حکومت اخطار شد که قبل از حرکت از سلطان آباد حساب مالیاتی را که جمع نموده است بدهد. اکثر اعضای انجمان از آخوندگان متعصب و اشخاص رذل تشکیل شده است. رئیس علماء بختیاریها را به سلطان آباد دعوت نمود.

یزد

چندین سرقت در طرق و شوارع یزد را پورت داده شد. در راه کرمان دستجات ایل غرب در دو نقطه که عده‌شان ۳۰۰ نفرند مشغول غارت کاروان هستند. عده زیادی شتر دزدیده شد صاحبان شترها خواسته‌اند یک پولی مایه گذاشته و شترهای خود را پس بگیرند. بالاخره نتیجه این شد که پول‌ها را اعراب گرفته و شترها را هم پس نداده‌اند.

خسروخان نامی چندی قبل سعی نمود که از طرف نفت یزد را بچابد. از قراری که می‌گویند دو مرتبه مصمم چپاول شد ولی اهالی نفت با او همراهی نکردند. سوارهای حاکم نائین چندی قبل بطرف طهران فرار نمودند و در عرض راه تمام دهات را چاپیده‌اند. زردشتی که زخم خورده و سابقاً راپورت داده شده بود رو به بیبویی گذاشته است. دزدی و بازور از پارسیها پول گرفتن کمافی سابق باقی است و شکایت پارسیها به مأمورین محلی ابدآ نتیجه‌ای نمی‌بخشد.

کرمان

نظام‌السلطنه هنوز از طهران بطرف کرمان حرکت نکرده است. بشیر خاقان که در اوائل ماه ژون به نایب‌الحکومگی منصوب شد هرچه قدرت داشت برای اداره کردن امور صرف کرده و کوتاهی نمی‌نمود ولیکن چون مالیات وصول نمی‌شود لذا به مأمورین دولتی هواجب نمی‌رسد.

سربازهایی که در قنسولخانه‌ها و خانه‌های اتباع خارجه قراول بودند تماماً فرار کرده‌اند. خود کرمان آرام است و دلیل هم این است که تمام اهالی معتبر ترک مخاصمت گفته و متحداً در ضد اغتشاش و چپاول مقاومت نموده‌اند. در خارج شهر همه‌جا دزدی شیوع دارد و اگر کسی مقاومت نماید حتماً کشته خواهد شد.

در رفسنجان پس از آنکه رفعت‌الدوله حاکم به اعراب دزد حمله برد و هوقیقت حاصل نمود غلتان از شهر فرار نمود و شهر را به خطرات عظیم واگذار کرد. بلوچها مشغول غارت نرمشیر [= فرماشیر] اند و تا ۱۰ ماه ژون ۱۸ نفر کشته شده. قطعه میریند را گرفته و در چند میلی کرمان دهی را غارت کرده‌اند. سه چهار نفر از دهاتیها نیز کشته شده‌اند.

ایل افشار در هیان خود به چند قسم مخالف تقسیم شده‌اند. ولی قنسول اعلیحضرتی گمان می‌کند که آنها برای غارت و چپاول کرمان متفق خواهند شد.

تلگرافی در ۱۱ ژویه از قنسول اعلیحضرتی رسید. مشعر براینکه بلوچها خیال دارند که در همین زودیها بطرف بم و کرمان حرکت نمایند.

کرمانشاهان

در ۱۳ ماه ژوئن ظهیرالدوله وارد شد و مشغول حکومت گردید.

شیراز

در اوائل ماه ژوئن اتفاق عده همان جنگ قوامیها با حکومت بود. نظر به این اتفاق نزاع قوامیها با عطاءالدوله قطع شده و در خصوص عزل او مذاکره هم در میان نیست. نصرالدوله در ۳۱ ماه مه وارد شد و ادعا می‌نمود که در چند فرسخی شهر عده زیادی از قشقائی به او شبیخون زده‌اند ولی با یک خسارت فوق العاده آنها را عقب نشانده. در ۲۵ ماه ژوئن قوام‌الملک به مستر بیل اطلاع داد که اگر ظل‌السلطان به حکومت منصوب گردد پس از ورود او به شیراز خود قوام یا برادرش با اطمینان خاطر بطرف اروپا عزیمت خواهند نمود.

در اوایل ماه ژویه اوضاع خیلی هولناک گردید چونکه صولت‌الدوله و سید عبدالحسین لاری را حکومت فقط برای سرکوبی قوامیها به شیراز دعوت کرده بود. به عقیده قنسولها حفظ و استقرار نظم به عزل حکومت بود ولی اشکال در پیدا کردن شخص مناسبی است برای حکومت.

بالاخره سفير انگلیس و شارز دافر روس تعیین ظل‌السلطان را قرار داده‌اند هرچند که خود او هنوز در اروپا است ولی حکومت ظل‌السلطان به اندازه‌ای در اوضاع بهبودی حاصل کرده و گمان می‌شود که از مخاطره عظیم جلوگیری شده است.

بنادر فارس

بوشهر

در ۴ ماه ژویه ژنرال قنسول اعلیحضرتی راپورت داده که رؤسای علماء نجف برای ملتیان بنادر فارس و جنوب ایران مشغول اقدامات می‌باشند.

در ۵ ماه ژویه انجمن محلی برای هژور کاکس کاغذی نوشته و در آن کاغذ اعلام نموده بود که نظر به حوادث نقاط مختلفه ایران انجمن مصمم است که تمام ادارات دولتی را بانضمام گمرک در تحت تصرف خود بگیرد و عایدات گمرکی را هم به نام ملت در پانک شاهنشاهی خواهد گذاشت. بعلاوه انجمن قول داده بود که بعد از ارائه اسناد کلیه وجوهات اصل و فرع مطالبات استقراضی که باید از عایدات گمرکی پرداخته شود کارسازی خواهد داشت. از قرار معلوم این اقدام انجمن بر وفق دستورالعمل نجف و تبریز است و مقصود اصلی فقط ممانعت از وصول عایدات گمرکی است به دست شاه. هژور کاکس جواب داده که به عقیده شخصی من این اقدام انجمن تا یک اندازه تدریجی است چونکه ابدآ احتمال اغتشاش و صدیق از طرف مستبدین در بنادر محسوس نیست و احتمال دارد منتج نتیجه‌ای بشود که رفع آن مقصود عمدۀ دولت انگلیس بوده باشد. این جواب بطریق غیررسمی بوده تا اینکه در اینخصوص از سفارت انگلیس دستورالعمل لازمه برسد. سفارت اعلیحضرتی جواب فوق را تصدیق نمود. بعلاوه به هژور کاکس دستورالعمل داد که در موقع به

انجمن اطلاع یدهد که پس از استقرار مشروطیت آمدن بختیاریها و قشون قزوین به طهران باعث این اختشاشات شده است.

بندر عباس

اوپای ناگواری که در این ایام در این نقطه شیوع داشت در ماه مه رو به بهبودی گذاشت به جهت آنکه سید عبدالحسین لاری در نقطه دیگر سرگرم بود و شهر را تهدید نمی نمود فقط بر بندر عباس به عاملهای خود احکام عدیده صادر می کرد که برای او اسلحه خریده و به لار حمل نمایند. حکومت بنادر مصمم شده بود که ۲۰۰ نفر سرباز برای محافظت شهر اعزام دارد ولی نایب الحکومه عجالتاً وجود آنها را لازم ندیده و جواب رد داد.

لنگه

نظر به اینکه سید عبدالحسین در لار از نصرالدوله دفاع می کند لذا آدمهای خود را از حوالی لنگه خارج نموده است و از آنوقت تاکنون این نقطه آرام است. چون نایب الحکومه حضور حاجی علی لاری را محل نظم و رفاهیت عموم دید به این جهت او را از شهر خارج نمود.

ماژور استوکس، آتابه میلیتر

نفره - ۱۷۷

کاغذ هستر اوبرون به سر ادوارد گری هورخه ۲۸ ژوئیه ۱۹۰۹ [۵ اهرداد ۱۲۸۸، ۱۳۲۷] از پطرزبورغ.

آقا

در این مدت ده روزه چندین مرتبه وزیر امور خارجه در خصوص اوضاع تبریز با من صحبت کرده است.

در ۱۸ ماه جناب وزیر به من اطلاع داد که اوضاع تبریز خیلی خراب است و در طهران به شارژ دافر روس دستور العمل داده شده که به دولت ایران لزوم و فوریت فرستادن حاکم را با عده قشون کافی برای انتظام آذربایجان خاطرنشان نماید والا در صورت عدم اقدام دولت روس مجبور خواهد شد که برای حفظ منافع خود مستقلان اقدامات لازمه نماید. من سؤال کردم علت این اقدامات چیست و چه حادثه‌ای اتفاق افتاده است. مسیو ایزولسکی [ایسولسکی] جواب داد که ستارخان اعلام کرده که حکومت آذربایجان به او واگذار شده است و دولت روسیه این مطلب را بهیچوجه نخواهد پذیرفت و بعلاوه بتوسط فدائیها که به لباس پلیس متلبس هستند از اهالی جبرآپول گرفته می شود و همچنین هردم را به هیجان و بر ضد حضور قشون روس تحریک می کنند.

وزیر امور خارجه به من فهماند که اگر دولت ایران عاجز شود که فوراً نظم و قانون را برقرار دارد دولت روسیه مجبور خواهد شد که اقدامات لازمه بعمل آورد. روز بعد در همین خصوص جناب وزیر دوهرتبه با من صحبت نمودند ولی این دفعه اوضاع آنجا آنقدر در نظرشان مهم جلوه نمی‌کرد. سفیر کبیر عثمانی به ایشان اطلاع داده بود که دستورالعمل به ژنرال قنسول عثمانی مقیم تبریز داده شده که به ستارخان و باقرخان اعلام دارد که بهتر آن است آنها از تبریز خارج بشوند و اگر آنها مایل به خروج نباشند دیگر به آنها اجازه توقف در قنسولگری داده نخواهد شد.

مسیو سازانوف، کفیل وزارت امور خارجه دیروز به من گفت که من از حرکت مخبرالسلطنه حاکم جدید بطرف تبریز بی خبرم و هنوز به من اطلاع داده نشده است و خبر بدی نیز در این چند روزه اخیر برای من نرسیده است. مسیو ایزوولسکی مکرراً به من گفت که نظر به حرکات شاهسونها احتمال خطرات بزرگی در اردبیل داده می‌شود.
امضا
هیو اوبرون

نفره - ۱۷۸

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۳ آوت ۱۹۰۹ [۱۱ امرداد ۱۲۸۸ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

همکار روس مطابق دستورالعمل دولت متبعه خود در خصوص اغتشاش شاهسونها دوهرتبه اخطار سخت به دولت ایران خواهد نمود و در تلگراف ۲۲ ژویه راپورت آن را داده‌ام.

سفارت روس مراسله به دولت ایران فرستاده و در آن مراسله به دولت ایران اخطار می‌نماید که اگر تا مدت دو روز دیگر یک نفر حاکم لایق و کاردار بهمراهی یک عده قشون کافی به اردبیل اعزام ندارد خود دولت روس مجبور است که یک دسته قشون به آن نقطه گسیل دارد. در خصوص اعزام حکومت و قشون من با مسیو سابلین مساعدت می‌نمایم.

نفره - ۱۷۹

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۳ آوت ۱۹۰۹ [۱۱ امرداد ۱۲۸۸ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

من خیلی مأبیوسم که مسئله جواهرات سلطنتی مابین دولت ایران و شاه ختم شود مگر اینکه به هر دو طرف ما فشار سختی بیاوریم. من و همکار روس مترتبی را پیشنهاد نموده و هر دو طرف را به قبول آن اصرار می‌نماییم و آن ترتیب این است که دولت ایران مواجب محمد علی هیرزا را تا پنجاه هزار توهان اضافه نماید و آنوقت او هم جواهرات را تسليم دولت ایران کند.

نمره - ۱۸۰

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری هورخه ۳ آوت ۱۹۰۹ [۱۱ امرداد ۱۲۸۸ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

اداره تلگرافخانه به من اطلاع داد استعدادی که از پوشهر اعزام شده بود دیروز به شیراز وارد شد. در دوازده میلی شهر صولتالدوله با قشونی که عده آنها اقلال دوهزار نفر است اردو زده‌اند. من به قبول اعلیحضرتی دستور العمل دادم که سعی نموده و از پیش آمدن صولتالدوله جلوگیری نماید. صولتالدوله قبول نموده است که تا سه روز دیگر شهر را تصرف ننماید. صولتالدوله اصرار دارد که به حکومت علاعالدوله تغییر داده بشود. من این مطلب را به نظر دولت ایران خواهم رسانید.

نمره - ۱۸۱

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری هورخه ۴ آوت ۱۹۰۹ [۱۲ امرداد ۱۲۸۸ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

راجح است به تلگراف سوم ماه اوت من شارژ دافر روس به من اظهار کرد که دولت ایران به او قول داده که تا امشب مراسله‌ای به سفارت خواهد فرستاد که در آن مراسله حرکت حکومت مقتصدری یا یک عده قشون را برای اردبیل اعلام خواهد داشت.

www.adabestanekev.com

نمره - ۱۸۲

تلگراف هستر اوبرن به سر ادوارد گری هورخه ۴ ماه اوت ۱۹۰۹ [۱۲ امرداد ۱۲۸۸ رجب ۱۳۲۷] از پطرزبورغ.

کفیل وزارت امور خارجه به من اطلاع داد که برای اعزام قشون بسم اردبیل تجهیه دیده نشده است و این مسئله هم آنقدر فوریت ندارد. کاری که تاکنون شده این است که أساساً مصمم شده‌ایم اگر دولت ایران از استقرار انتظام اردبیل عجز بهم رساند دولت روسیه اردویی به آن نقطه خواهد فرستاد. این مسئله تا سه چهار روز دیگر دوباره در تحت مذاکره خواهد آمد. (تلگراف سوم ماه اوت سر بار کلی را هلاحظه فرمایید)

نمره - ۱۸۳

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری هورخه ۵ ماه اوت ۱۹۰۹ [۱۳ امرداد ۱۲۸۸ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

نتیجه مذاکرات مابین سفارتین و شاه سابق و نهاینده گمیته ملیتیان این‌شد که پروتوكل دیل از طرف کفیل وزارت امور خارجه و بعض از اعضای گمیته و مترجمین سفارتین

به اوضاع رسیده:

ماده اول: بعد از رسیدگی در حضور نهایندگان سفارتین باید تمام جواهرات سلطنتی که در نزد اعیلیحضرت است تسليم نماید.

ماده دوم: باید اعیلیحضرت تمام استاد راجعه به جواهرات سلطنتی که گرو گذاشته شده به دولت ایران تسليم نموده و اگر دولت ایران خواست آنها را می‌تواند از گرو خارج نماید.

ماده سوم: دولت ایران سالی ۷۵ هزار تومان به آن اعیلیحضرت خواهد داد و نصف آن مبلغ در اول سال بتوسط بانک روسی کارسازی خواهد شد.

ماده چهارم: دولت ایران صورتی از جواهرات مفقوده نزد سفارتین خواهد فرستاد. سفارتین تمام اطلاعات ممکنه را از شاه تحصیل نموده در صورتی که نزد اعیلیحضرت یا همراهان او بوده باشد سعی کامل خواهند نمود که آنها را پس بگیرند.

ماده پنجم: اگر اعیلیحضرت بعد از سیم ماه اوت هر جواهری را بفروشد قیمت آن جواهر از مواجب سالیانه آن اعیلیحضرت کسر خواهد شد.

ماده ششم: اعیلیحضرت باید قبل از ۱۷ ماه اوت از طهران حرکت نماید. مقاد ماده اول دیروز بعمل آمد و از فشار بسیار شاه سابق مقدار زیادی از جواهرات را که تاکنون ادعای مالکیت شخصی می‌نمود تسليم کرد.

نفره - ۱۸۴

تلگراف سر ادوارد گری به سر بارکلی مورخه ۵ ماه اوت ۱۹۰۹ [۱۳ امرداد ۱۲۸۸] رجب ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.

در ضمن صحبت با وزیر امور خارجه روسیه هن گفتم که توقف زیاد قشون روس را در ایران خیلی بد می‌دانم چونکه مداومت توقف آنها سبب ازدیاد هیجان بر ضد روسها خواهد گردید.

مسیو ایزولسکی جواب داد من و فرمانفرمای قفقاز هر دو خیلی مایلیم که هرچه زودتر ممکن بشود قشون را از ایران خارج نمایند. ولی در خصوص قشون تبریز تا مدتی که حاکم مقندری ضمانت امنیت آنجا را ننماید خیلی مشکل است که قشون خارج بشود. در خصوص قشون قزوین هم اظهار نمودند که اوضاع در طهران طوری غیر معلوم است که خروج آنها عجالتاً امکان پذیر نیست.

وزیر امور خارجه اظهار نمود یکی از حرکاتی که بدی اوضاع حاضره را نشان می‌دهد این است که یک نفر قفقازی روسی را که هر تکب خیانتهای بیشمار است رئیس پلیس طهران گرده‌اند. من گفتم دولت روسیه باید تعیین نماید که چه اقدامی باید از طرف دولت ایران در شمال بشود که بتواند اسباب اطمینان دولت روسیه را فراهم آورده و قشون خود را خارج نماید. آنوقت ما هم اتفاق در اصرار ده دولت ایران در اجرای آن اقدامات خواهیم کرد.

نمره - ۱۸۵

تلگراف مستر اوبرن به سر ادوارد گری مورخه ۶ اوت ۱۹۰۹ [۱۴ امرداد ۱۲۸۸ : ۱۳۲۷] از پطرزبورغ.

حرکت شاه سابق از طهران

(خواهش دارم که به تلگراف دیروز طهران مراجعه فرمایید):
 من امروز عصر با مسیو سازانوف صحبت داشتم، چنان ایشان اظهار نمودند که دولت امپراطوری خیلی مایل است که محمد علی فوراً از طهران حرکت نماید ولی می‌ترسد که بعد از حرکت محمد علی مجلس قرارداد خود را در خصوص مواجب او نکول نماید و همچنین اظهار نمودند که اعضای مجلس برای این قرارداد لازم است. بعلاوه شاه سابق مبلغی زیاد به بانک روسی در طهران مقروض است. این مطلب هم اسباب اشکال خواهد شد. مسیو سازانوف گفتند این مسائل را باید با وزیر مالیه مذاکره نمایم.

نمره - ۱۸۶

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۷ اوت ۱۹۰۹ [۱۵ امرداد ۱۲۸۸ : ۲۰ رجب ۱۳۲۷] از طهران.
 در پنجم این ماه خلل‌السلطان از رشت بطرف طهران حرکت کرد.

نمره - ۱۸۷

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۸ ماه اوت ۱۹۰۹ [۱۶ امرداد ۱۲۸۸ : ۲۱ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.
 دولت ایران عین‌الدوله را به حکومت شیراز منصب نموده است. ممکن است قسمتی از مستحفظین قنسولگری خارج بشوند بدون آنکه از رفتن آنها احتمال خطری داده شود. من اجازه به حرکت قسمتی از قشون داده‌ام و امیدوارم بعد از ورود حاکم جدید بقیه نیز بتوانند خارج بشوند. (به تلگراف سوم ماه اوت من راجع است).

نمره - ۱۸۸

کاغذ هازور کاکس ژنرال قنسول دولت انگلیس در بنادر فارس به سر ادوارد گری مورخه ۱۸ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۷ تیر ۱۲۸۸ : ۲۹ ج ۲ - ۱۳۲۷] از بوشهر.
 آقا

افتخار دارم یادداشتی که ویس قنسول اعلیحضرتی راجع به حالت حالیه راههای تجاری که در تحت منطقه مأموریت هن است ترتیب داده و مخصوصاً راه بوشهر به شیراز را

به ملاحظه شما برسانم. من می‌دانم که دولت اعليحضرتی از مراتب نامنی تمام راههای عمده جنوب ایران بواسطه اغتشاش و هرج و هرج که در این سه سال اخیر شیوع پیدا نموده کاملاً آگاه است.

او ضایع پایتخت به درجه‌ای رسیده است که ممکن است شروع به یک اقدام قطعی به صورت اتفاق با حکومت مرکزی به هر شکل ممکن باشد برای برقراری نظم و دادن مساعدت برای اجرای اصلاحات از طرف ما بشود. امیدوارم در این موقع فرستادن این یادداشت در خصوص او ضایع تجاری بی‌مناسبت نباشد.

اما ضایع کاکس، رزیدان انگلیس در خلیج فارس و ژنرال قنسول اعليحضرتی مقیم فارس

ضمیمه در نمره ۱۸۸

یادداشت راجع به اغتشاش تجارت در جنوب ایران:

او ضایع کنونی جنوب ایران زیاده از حد اسباب ضرر و خسارت منافع انگلیس است و این مطلب مخصوصاً در فارس بیشتر حکم‌فرما است. نتیجه جنگ دو ساله مایین قشقائی و لر و ایل عرب در نزدیکی شیراز و راههایی که به این شهر می‌آید این است که اولاً حمل مال التجاره از شیراز به نقاطی که همیشه از شیراز خریداری متاع می‌نمایند غیرممکن شده، ثانیاً نظر به همین معنی مال التجاره زیاد در خود شیراز جمع شده است. شیراز هاتند بوشهر چندین سال است که تجارت آنجا کلیتاً با پول انگلیسیها دوام دارد و در این زمان اغتشاش می‌باشد که پول داده بشود و برای تحصیل پول تجار ناچارند که مال التجاره را به قیمت نازل فروخته و از آنطرف هم تمام تجارت‌خانه‌های انگلیس اشکالات زیاد در تحصیل مطالبات خود دارند و اگر هم وجهی از آن مطالبات دریافت نمایند. غالباً نصف یا کمتر از نصف است. بعلاوه، اغتشاش و نامنی اطراف شیراز و راههای اصفهان، بدی ذراعت و اشکالات سیاسی بیشتر موقع تجارت جنوب ایران را دچار اشکالات نموده است.

مداومت او ضایع به این شکل در مدت دو سال بیشتر از تجار ایرانی را ورشکست کرده و ابدآ امید پنهانی برده نمی‌شود. در رسیدگی بسیاری ازا «بانکروت»^{۱)} های بوشهر که من حضور داشتم معلوم شد تا چه اندازه خسارت به تجارت‌خانه انگلیس وارد شده و چطور سرمایه‌های انگلیس از دست رفته است.

یک تجارت‌خانه انگلیس که بیش از ۵۰ سال در بصره و بوشهر برقرار بود شعبه بوشهر خود را می‌خواهد بینند (داود ساسون و کمپانی). از قراری که اطلاع حاصل نموده‌ام فقط اداره بوشهر او زیاده از ۵۰ هزار لیره مطالبات لاوصول دارد. و در یک موقعی این تجارت‌خانه خیال داشت که اگر اقدامی برای امنیت راه نشود بکلی از ایران قطع تجارت نماید. «ویکسون و کمپانی» در بوشهر مطالبات زیاد دارند و او ضایع آنها در اصفهان هم خیلی بد است. «لیوینگستون زیتون و کمپانی» تجارت‌خانه جدید است که تا به حال مبالغ زیادی متضرر شده‌اند. «کری پول و کمپانی» دیگر مال التجاره وارد نمی‌نماید و فقط عامل

۱) بانکروت = ورشکسته - ۲

حمل و نقل کشتهایها است. در این سه ماه اخیر مال التجاره خیلی کم وارد شده است. واردات هنچستر - بوشهر از سال ۱۹۰۸ تا ۱۹۰۹ از ۹۳۷، ۴۳۹ لیره به ۳۱۸، ۳۷۵ لیره تخفیف یافته است.

سال ۱۹۰۹ تا ۱۹۱۰ خیلی بدتر خواهد بود و فقط در سه ماه اول ۱۰، ۵۸۵ لیره وارد شده است.

مسئله‌ای که تمام کارها بسته به وجود او است عبارت است از امنیت راههای کاروان و اهمیت این مطلب را تمام مأمورین خاطرنشان کردند - حتی در موقعی که ایالت فارس نسبتاً منظم‌تر بوده است تا چه رسید به این موقع. اعلان مشروطیت و شروع به مقدمات آن خود بخود تغییری در اوضاع خواهد داد و ابداً در امنیت راه بوشهر و شیراز و بندر عباس و کرمان بهبودی حاصل نخواهد شد. چندین سال طول دارد تا فارس را به حالت امنیت و آسایش برگرداند (پول گرفتن بتوسط خوانین در راهها). رؤسای محلی در مسافت ۱۸۰ میلی راه بوشهر به شیراز از حکومت فارس مستقل شده‌اند و متصل با یکدیگر مشغول جنگ هستند و همه هفت راهها را مسدود نموده مشغول چیاولند. با وجود قرارداد محقق سال ۱۹۰۳ که دولت ایران کرده است برخلاف ماده ۴، ایلات مسلح پول راهداری می‌گیرند و مبلغ آن همه روزه در تزايد است (صورتی از این راهداری ملفوظ است). در هم دروازه بوشهر مبلغ یک قران بتوسط کلانتر گرفته می‌شود.

در ۱۹۰۷ ما پروتست کردیم. حکومت محلی در جواب اظهار نمود که به من دخلی ندارد و وزیر مالیه این پول را جزء عایدات محسوب می‌دارد و باید حکومت این پول را جمع‌آوری نماید. اگر دولت ایران این پول را منتظر ندارد آنوقت جلوگیری خواهد کرد در تمام راههای کاروان را اذیت می‌نمایند.

این ایام در تمام راپورتهای تجاری گفته شده که بواسطه زحمت و کثربت دزدی تمام تجاره‌های انگلیس در ایران راه شیفت را ترک کرده‌اند ولی خان انگالی قاطرچیها را مجبور می‌کند که از راه شیفت و دالکی عبور نمایند. چندی قبل بواسطه رشوه زیادی از حاکم اجازه گرفته که کاروان باید فقط از این راه تردد نمایند. در همین ایام خان بعلاوه راهداری مبلغ ۵۰ تومان از کاروانی که مرکب از ۷۰ قاطر بود در تزدیکی بوشهر پول گرفت.

اوپر راه معمولی

راه سلطانی که از برآزجان و دالکی و کازرون می‌گذرد و سالها است که محل عبور بوده در این دو ماه اخیر بواسطه نزاع مابین خان کمارج و دالکی و خان برآزجان مسدود شده است. از قرار راپورت نزاع در سر راه کاروان بوده و خیلی جنگ سخت کرده‌اند. مخاطرات اوضاع حالیه از شلیک کردن به کفیل ژنرال قسولگری روس در معیت قزاق بخوبی آشکار می‌شود. تلگرافخانه کنار تخت [= کنار تخته] مرکز جنگ بوده است.

در ۱۹۰۸ اختشاش قدری هم بالا گرفته و در بین کمارج و کازرون شروع گردید. در ۱۹۰۷ نزاع در میان ایل قشقائی و کازرون و شیراز بود و چندین مرتبه پست بسرقت رفت. این راه عمولی طوری بسته شده که تجار ایرانی شیراز در این ایام اخیر سعی دارند

که با ایلخانی قشقاوی قراری بدھند که کاروان از راه فیروزآباد عبور نماید. راه فیروزآباد از خاک دشتستان و تنگستان که مردمان بسیار وحشی دارد می‌گذرد. بواسطه نبودن سیم تلگراف در این راه و اختیال دزدی بدون امکان تحصیل غرامت با اشکالات زیاد از قبیل فقدان اسباب حمل و آذوقه و سایر چیزهای بیگر اسباب این می‌شود که تجارت انگلیسی اطمینان نهی کنند که هال التجاره خود را از این راه عبور دهند.

فقدان وسیله حمل و نقل

اشکال نازه، فقدان قاطر برای حمل هال التجاره است. نزدها و مستحفظین راه به اندازه‌ای قاطر چیها را در این دو سال اخیر صدها زده‌اند که عده زیادی از آنها یکلای این راه را ترک کرده و در راه بیزد و رشت مشغول کار شده‌اند و نتیجه این شده که در موقعی که نسبتاً راهها امن می‌شود تجار نمی‌توانند وسایل نقلیه تحصیل نمایند در صورتی که سال ۱۹۰۵ «۵،۰۰۰ الی ۷،۰۰۰» قاطر همیشه در راه مشغول حمل بودند. حالا در ۱۹۰۹ از قرار راپورت تجار حمل و نقل انگلیس و رئیس قاطر چیهای ایرانی فقط ۳،۰۰۰ الی ۴،۰۰۰ قاطر مشغول می‌باشدند.

تقریباً هزار و پانصد قاطر از شیراز راه بوشهر را ترک کرده و در راه رشت و کرمانشاهان (که در منطقه نفوذ انگلیس نیست) مشغول حمل و نقل می‌باشدند. در ماه مارس ۱۹۰۹، هیچ کاروان بزرگ از شیراز به بوشهر نیامده است و اگر هم آمده باشد از راه فیروزآباد آمده بود.

قیمت حمل و نقل

قیمت حمل و نقل به اندازه‌ای بالا گرفته که زحمت فوق العاده برای تجارت تولید کرده است.

جدول ذیل ترقی قیمت حمل و نقل را از آن موقعی که شروع به اغتشاش شده نشان می‌دهد

جدول ترقی قیمت حمل و نقل برای ۷۳۷ پوند انگلیسی در مسافت
۱۸۵ میل (به قرآن)

www.adabestanekave.com

سال ۱۹۰۰		۹۰ - ۸۰ - ۶۰
،، ۱۹۰۱		۹۰ - ۸۰ - ۸۰ - ۱۰۰ - ۱۱۰ - ۱۲۰
،، ۱۹۰۲		۸۰
،، ۱۹۰۴		۸۰ - ۹۰
،، ۱۹۰۵		۸۰ - ۹۰ - ۷۰ - ۹۰ - ۱۱۰
۱۹۰۶	-۷	۱۰۰ - ۲۲۰ - ۱۴۰ - ۱۰۰
،، ۱۹۰۷	-۸	۱۳۰ - ۱۲۰ - ۹۰ - ۱۴۰
،، ۱۹۰۸	-۹	۱۴۰ - ۱۶۰ - ۱۷۰ - ۲۲۰
،، ۱۹۰۹	-۱۰	۲۰۰ - ۲۵۰ - ۳۰۰

به عبارت آخری از یک لیره و ۹ شیلینگ^{۱)} به ۵ لیره و ۳ شیلینگ قیمت حمل و نقل ترقی کرده است.

(۱) در اصل همه جا شلیک آمده است. — ۳.

کمپانیهای بیمه

دلیل دیگری که خرابی تجارت در راه شیراز را نشان می‌دهد تزاید نرخ کمپانیهای انگلیس است. سابقاً اغلب کمپانیهای بیمه از منچستر به شیراز مال التجاره مقوم به صد لیره را به ۱۵ شیلینگ قبول می‌کردند. در سال ۱۹۰۷ قیمت به سی شیلینگ رسیده و در ۱۹۰۸ بواسطه دزدی زیاد قیمت از ۲۰ شیلینگ تجاوز نمود و خیلی کم کمپانی قبول می‌کرد. در اوائل ۱۹۰۹ کمپانی ابدآ از انگلستان مال التجاره شیراز را قبول نمی‌کرد و هماند اوقات جنگ ۵ الی ۱۰ لیره برای هر حد لیره مطابه می‌نمودند. نتیجه این است که خسارت دزدی نه به کمپانیها و نه به مشتریهای ایرانی وارد آمده بلکه تماماً به تجار انگلیسی وارد می‌شود.

تأثیر خسارت اموال مسروقه در راهها

تا سال ۱۹۰۶ حکومت فارس مکرر غرامت اموال مسروقه را می‌داد لیکن در این ۱۸ ماه اخیر ادعای خسارت برای مال التجاره انگلیس که در راه بوشهر و شیراز بسرقت رفته و قیمت آن ۳۰،۸۱۰ تومان است از طرف دولت ایران نه رسیدگی و نه پرداخته می‌شود.

امید برقراری نظم

به اندازه‌ای بی‌نظمی در راه بوشهر و شیراز حکم‌فرما است که امکان ندارد هیچ حاکمی آنقدر نفوذ و قوه داشته باشد که بتواند نظم را در آن سامان برقرار نماید. ایرانیهایی که در این راه مشغول تجارت هستند فقط به مأمورین انگلیس امیدوارند و گمان نمی‌کنند که هیچ کس آنقدر قدرت داشته باشد که راهها را امن نموده و این مالیاتهای غیرقانونی را رفع نماید.

از دو سه نفر تجار معتبر بوشهر، منجمله سیدی است که در چند روز قبل به عن گفت که به عقیده او اوضاع بدتر خواهد شد و بعیر از اینکه نتیجه وحیم پلتیکی هم خواهد داشت تجارت ایرانی را هم خراب و نتیجتاً خسارت به سرهایه انگلیس وارد خواهد نمود. بی‌نظمی راهها اسباب این شده است که عایدات گمرکی به اندازه‌ای کم شده است که بهیچ وجه برای پرداخت تزریل استقراض انگلیس و بانک شاهنشاهی کفایت ندارد.

امضاء

چیک